

اوصاف امیرالمؤمنین علیه‌السلام

اسامی، القاب و فضائل امام علی علیه‌السلام

اوصاف امیرالمؤمنین علیه السلام (بیش از 2هزار منقبت)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : اوصاف امیرالمومنین (علیه السلام) : اسامی، القاب و فضایل امام علی (علیه السلام) در بیش از دو هزار منقبت با تقریظ حضرت آیت الله خزعلی دام ظله/ احمد سعیدی.

مشخصات نشر : قم: صبح امید یاران: بنیاد بین المللی غدیر استان قم، 1390.

مشخصات ظاهری : 408ص.

یادداشت : چاپ قبلی : مسجد مقدس جمکران ، 1388.

یادداشت : نمایه.

یادداشت : واژه نامه.

یادداشت : کتابنامه :ص. [401] - 408 ؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40ق. -- فضایل

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40ق. -- لقب ها

موضوع : احادیث شیعه -- قرن 14

رده بندی دیویی : 297/951

رده بندی کنگره : BP37/4/س7الف8 1390

سرشناسه : سعیدی، احمد، 1346 -

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

شابک : 75000 ریال: 978-600-6196-03-9

شماره کتابشناسی ملی : 2309449

ص: 1

اشاره

ص: 2

سخن ناشر

سال دهم هجرت، جریان حجّه الوداع، در سرزمین غدیر، به دستور پروردگار متعال و توسط رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله، امامت و وصایت امیر المؤمنین علی علیه السلام، به جهانیان اعلان گردید. از آن زمان، تاکنون، مظلومیت مردی که خود تاریخ ساز عصر رسول خداصلی الله علیه وآله و سپس نجات دهنده اسلام و مسلمین از انحرافات و کج روی ها بوده، هنوز ادامه دارد.

مظلومیت مردی که باتقواترین، عادل ترین و مبارزترین فرد در طول تاریخ بشریت است، مظلومیتی که منافقان، حسودان، کینه ورزان، مال اندوزان و فاسدان، همواره سعی در خاموش کردن و یا کم سو نمودن چراغ وجود پربرکت آن داشتند؛ ولیکن نه تنها در این فتنه جویی ها توفیقی نیافتند؛ بلکه نور پرفروغ و تابان آن عصاره خلقت، دیگر فرقه ها و ادیان را نیز در پرتو خود روشنی بخشید.

آنچه در پیش رو دارید، مجموعه ای است در بیان اسامی و القاب و فضایل امام علی علیه السلام که با عنوان «اوصاف امیرالمؤمنین علیه السلام» آماده شده بود، که در مرحله نهایی خدمت حضرت آیت اللّه خزعلی (دبیرکل بنیاد بین المللی غدیر) تقدیم و از محضر مبارک ایشان درخواست نمودیم که از راهنمایی ها و ارشادات خویش، ما را بهره مند سازند. ایشان نیز ضمن تقریظ مبارک خود، تذکراتی مرقوم داشتند که در تکمیل این اثر مورد توجّه قرار گرفت؛ از جمله:

الف) تا حدّ امکان سعی گردید با مراجعه به منابع برادران اهل سنّت، و تحقیق بیشتر در کتب آنان، مصادر و مسانید آنها ذکر شود. هرچند برخی از جاهلان متعصّب، در بسیاری موارد، فضایل آن مظلوم تاریخ را از کتاب ها و منابع خود حذف نموده اند.

ب) و نیز سعی گردید از اوصاف و عناوینی که غلو کنندگان درباره امیرالمؤمنین علیه السلام ذکر می کنند، پرهیز شود و فقط از مطالبی استفاده شود که علمای معروف شیعه در کتب خود آنها را ذکر نموده اند.

اینک جادارد از حضرت آیت اللَّه خزعلی «حفظه اللَّه» که باملاحظه متن کتاب و تقریظ مبارک خود، مارا مورد لطف قرار دادند و نیز از تولیت محترم مسجد مقدّس جمکران، حضرت آیت اللَّه وافی «حفظه اللَّه» که با

الطاف خود، مجموعه انتشارات را حمایت و پشتیبانی می کنند، تشکر و قدردانی نمایم.

ص: 3

در پایان، از روحانی محقّق و پژوهشگر پرتلاش، برادر حاج احمد سعیدی که این مجموعه را گردآوری نموده اند، و نیز از برادران همکار در واحد پژوهش انتشارات؛ حجج اسلام رضا دیلمی، سید حمیدرضا موسوی، احمدرضا فیض پور و برادر ارجمند جناب آقای امیرسعید سعیدی در به ثمر رسیدن این اثر، کمال تشکر و سپاس را دارم.

امید است مورد توجّه حضرت صاحب الزمان «عجّل اللَّه تعالی فرجه الشریف» قرار گرفته، خوانندگان و سروران گرامی ما را از راهنمایی ها، پیشنهادات و انتقادات خود محروم نفرمایند.

در ضمن، این اثر به مناسبت عید سعید غدیر از چاپ خارج و ان شاء اللَّه توسط بنیاد بین المللی غدیر استان ها، به فرهیختگان و علاقه مندان امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیهما السلام عرضه می گردد.

مدیر مسؤول انتشارات مسجد مقدّس جمکران حسین احمدی

تقریظ حضرت آیت اللَّه خزعلی (دامت برکاته)

الحمدللَّه ربّ العالمین و الصلوه والسلام علی سیدنا و نبینا محمّد و علی آله الطاهرین لا سیما بقیه اللّه فی الأرضین و لعنه اللّه علی أعدائهم أجمعین.

یا أباالحسن! یا أمیرالمؤمنین! روحی لتراب مقدمک الفداء!

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست که تر کنی سر انگشت و صفحه بشماری.

مگر نه آنی که گفتی: «ینحدر عنی السیل ولا یرقی إلی الطیر» و فرمودی: «إنّ هیهنا لعلماً جمّاً لو أصبت له حمله» و بیان کردی: «لو کشف الغطاء ما ازددت یقیناً».

مگر ابن عباس درباره ات زبان نگشود و نگفت: «فضایل علی به سی هزار نزدیک تر است تا سه هزار».

مگر درباره سخنت نگفتند: «دون کلام الخالق و فوق کلام المخلوق».

هیچ کس را یارای بیان فضایل تو نیست! بهتر خاموش شدن و پرچم عجز و ناتوانی را برافراشتن است؛ ولی چه کنیم با جوشش درونی نسبت به عظیم العظماء؛ و چه توان کرد با ذوق و شوق و سوز و شور نسبت به این خجسته خصال!

از این رو می بینیم طلبه فاضل جناب آقای احمد سعیدی، که سوز و شوقش، او را به لا به لای اوراق کتاب های بسیار می برد و شب را تا سحر بیدار می دارد، مدت مدیدی دو ماه رمضان را با عشق و علاقه سر می کند؛ بلکه نمی از یمی به دست آورد.

و در نتیجه بیش از دوهزار منقبت را به رشته تحریر می آورد. جزاه اللَّه أفضل جزاء المحسنین وحشره مع علی وآله الأطیبین.

در ختام چند نکته را متذکّر می شوم:

1. چه خوب است به کتب اهل سنّت در این باره مراجعه بیشتری داشته باشیم که سخن مخالف وقتی موافق افتد، دلگرمی بیشتری حاصل می

شود؛(1)

خوشتر آن باشد که سرّ دلبران

گفته آید از زبان دیگران

ص: 5

1- 1. بعد از تقریظ معظم له مراجعه کامل تری شد و مآخذ اهل سنّت در پاورقی ذکر گردید .

بنگریم شافعی را که می گوید:

لو أنّ المرتضی أبدی محلّه

لخرّ الناس طرّاً سجّداً له

2. در کتب خودی گاه افراد کذاب و اشخاص غالی دیده می شوند که فضایلی را ذکر می کنند که مناسب شأن ائمه علیهم السلام نیست و خود امامان علیهم السلام ما را از اینها برحذر داشته اند؛ پس در نقل فضایل دقّت بیشتری داشته باشیم.(1)

3. کتاب مفصلی چون این کتاب برای پژوهشگران مفید و سودمند است؛ ولی آنها معدودند و قلیل. عموم مردم به کتاب های جیبی و کوچک رو می آورند، خوب است آنها را از این خرمن پرفیض برخوردار کنیم.

در ختام توفیق وافر و حسن عاقبت جناب عالی را از خداوند سبحان مسألت دارم.

والسلام علیکم ابوالقاسم خزعلی

12/1/88

1- 2. با توجّه به راهنمایی معظم له، در مقدمه به این مطلب اشاره شده است .

مقدمه

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

الحمد للَّه ربّ العالمین و صلّی اللَّه علی سیدنا محمّد و آله الطیبین الطاهرین

ولعنه اللَّه علی أعدائهم أجمعین إلی یوم الدین.

در ابتدای مقدمه توجّه خوانندگان محترم را به چند نکته جلب می نمایم:

1 - امام رضاعلیه السلام در توصیف مقام و مرتبه امام معصوم می فرماید:

امام، یگانه روزگار است؛ نه کسی با او برابری می کند و نه دانشمندی همانند اوست؛ نه جایگزین دارد و نه مثل و مانندی؛ همه فضیلت ها از آن اوست، بدون این که آن را کسب و تحصیل کرده باشد؛ بلکه از الطاف و تفضل خداوند متعال برای اوست. کیست که بتواند به شناخت حقیقی امام دست یابد یا او را انتخاب نماید؟ هیهات! هرگز! عقل ها در او گم گشته، خاطرها سرگردان، خردها حیران، چشم ها کور، بزرگان کوچک، حکیمان در حیرت، بردباران درمانده، خطیبان بی زبان، هوشمندان گیج و نادان، شاعران لال و گنگ، ادیبان و بلیغان ناتوان از توصیف یکی از شؤون و مقامات او و درک فضیلتی از فضایل اویند و همه به عجز و تقصیر اعتراف دارند. چگونه می توان کنه او را وصف کرد یا اسرارش را فهمید؟! کیست که بتواند جانشین او شود و نیازها را برآورد؟! هرگز! چطور و چگونه؟! او مانند ستاره ای است که از دسترس جویندگان و توصیف واصفان به دور است. اختیار بشر کجا و انتخاب امام کجا؟! عقل انسان کجا و مقام امام کجا؟! کجاست که همانند او یافت شود؟! آیا گمان می کنند چنین شخصیتی در غیر اهل بیت علیهم السلام یافت می شود؟! ...(1)

1- 3. اصول کافی، ج 2، ص 124.

2 - چطور امیرمؤمنان علی علیه السلام پس از پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله، برترین انسان ها و اشرف مخلوقات است؟

از طرفی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بارها فرمود: من برترین فرزند آدم و بهترین بشر هستم؛ همان طور که از جهت نبوّت هم اعظم و خاتم همه آنان است.

از طرفی دیگر، در آیه شریفه مباهله، علی علیه السلام به منزله جان پیامبر معرفی شده: «أَنْفُسَنا وَأَنْفُسَكُمْ»؛ یعنی ابوالحسن نزد پروردگار یگانه در حدّ رسول خداصلی الله علیه وآله، یا در درجه بعد قرار دارد و چون برای برتری پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله بر همه انسان ها دلیل قاطع داریم، پس خلیفه الرسول باید دومین شخصیت عالم باشد؛ یعنی امام علی علیه السلام بر سایر پیامبران نیز فضیلت دارد.

در کنار آیه شریفه، روایات متعدّدی از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود: «عَلِی مِنِّی وَأَنَا مِنْهُ» و «أَنْتَ أَخِی فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَهِ».

3 - خاتم انبیا محمّد مصطفی صلی الله علیه وآله، بر اساس روایت ثقلین، که متواتر بین همه راویان و محدثان است، اهل بیت خود را همسنگ و عِدل قرآن قرار داده که هرگز از هم جدا نمی شوند.(1) از طرفی هم بر اساس آیه شریفه، قرآن کریم بر تمام کتب آسمانی گذشته برتری، تسلّط و هیمنه دارد.(2)

هر پیامبری نیز هم سطح و برابر با کتاب خودش می باشد؛ یعنی پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله بر تمام پیامبران و قرآن کریم بر تمام کتب آسمانی برتری دارد.(3) پس علی بن ابی طالب که افضل اهل بیت پیامبرعلیهم السلام و به منزله نفس و جان رسول خاتم است، بر تمام انبیای الهی علیهم السلام فضیلت و برتری دارد.

4 - روایات متعددی از امامان معصوم علیهم السلام رسیده که فرمودند: «ما مخلوق و بنده خدای متعال هستیم و بیشتر از بقیه مردم او را عبادت می کنیم؛ لکن خدا به ما مقامی داده که با اذن خودش، از علوم و اسرار عالم آگاهیم و می توانیم کارهایی بکنیم که دیگران از انجام آن عاجز و ناتوانند». به همین جهت فرمودند: «ما را از خدایی و ربوبیت پایین بیاورید، آن گاه هرچه خواستید درباره ما بگویید».(4)

1- 4. انی تارک فیکم الثقلین کتاب اللَّه و عترتی، اهل بیتی.... که در کلیه کتب حدیثی آمده است.
2- 5. بر اساس آیه 48 سوره مائده: «وَأَنْزَلْنا إِلَیکَ الْکِتابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقاً لِّما بَینَ یدَیهِ مِنَ الْکِتابِ وَمُهَیمِناً عَلَیهِ فَاحْکُمْ بَینَهُمْ بِما أَنْزَلَ اللَّهُ وَلا تَتَّبِعْ أَهْواءَهُمْ عَمّا جاءَکَ مِنَ الْحَقِّ».
3- 6. چنان که امام علی علیه السلام در وصف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «فإنّ اللَّه بعث محمّداًصلی الله علیه وآله نذیراً للعالمین و مهیمناً علی المرسلین»؛ نهج البلاغه، نامه 62.
4- 7. امام علی علیه السلام فرمود: ایاکم والغلوّ فینا، قولوا انّا عبید مربوبون وقولوا فی فضلنا ما شئتم؛ و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: اجعلونا مخلوقین، و قولوا فینا ما شئتم؛ و یا در حدیث دیگر گفته شده: نزّهونا عن الربوبیه قولوا فینا ما شئتم. بحارالانوار، ج 25، ص 270.

پس آنان را که، به این توصیه توجّه نکرده، درباره امام غلوّ نمودند، طرد و تکفیر کرده و حکم به قتل غلوّ کنندگان داده اند.

5 - از چند مقدمه پیشین معلوم شد:

اوّلاً: مقام و مرتبه پیامبر و امام معصوم علیهم السلام بسیار بالا و برتر است.

ثانیاً: این مقام و مرتبه، نه تنها برای دیگران دست نیافتنی است؛ بلکه برای بسیاری حتی قابل فهم و درک هم نیست. لذا بسیاری از القاب و اوصاف دیگر در مورد سید الاوصیاء بود که حقیر به گوشه ای از آنها دست پیدا کردم؛(1) و از آنجا که چون برخی از این القاب و اوصاف را خود نیز نفهمیده و قادر به درک آن نبودم و هم از برخی خوانندگان مثل خود واهمه غلوّ داشتم، به پیشنهاد اساتید و دوستان، از ذکر آن در این کتاب خودداری نمودم.

قابل ذکر است که نگارنده مجموعه ای از اسامی، اوصاف و القاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله را در کتاب «اوصاف الرسول»، و نیز اسامی، اوصاف و القاب حضرت مهدی - عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف - را در کتاب «اوصاف المهدی»، که در هرکدام بیش از پانصد عنوان از اسامی، اوصاف، القاب و کنیه های آن بزرگواران، با بهره گیری از آیات قرآن کریم، احادیث، ادعیه و زیارات و کتب گذشتگان گردآوری نموده که توسط انتشارات مسجد مقدّس جمکران به زیور طبع آراسته گردید.

با توجّه به نکات ذکر شده، پس از توفیقی که در تدوین این دو اثر نصیب شد، از سوی برخی اساتید عزیز و دوستان گرامی پیشنهاد گردید که این کار پیرامون امیر المؤمنین هم صورت گیرد؛ ولی بسیار روشن بود که اسامی، اوصاف و القاب امام المتقین بیش از آن است که بتوان در یک کتاب مختصر جمع آوری نمود! و نیز فضایل و مناقب افضل السابقین بسیار والاتر و بالاتر از آن است که حتی بتوان فقط شماره نمود! خدای متعال و رسول گرامی او و امامان معصوم و سایر مردم، از دوست و دشمن، آن قدر در مورد آن آیت الحق سخن گفته اند که حدّ و حصری ندارد. تا آنجا که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «اگر همه درختان قلم شوند و دریاها مرکّب، و تمام جنّیان حساب گر شوند و آدمیان نویسنده، باز هم نمی توانند فضایل اخو الرسول را برشمارند».(2)

1- 8. به خصوص چند خطبه معروف به «خطبه البیان» و «خطبه التطنجین»
2- 9. مشارق انوار الیقین، ص 199؛ حلیه الابرار، ج 2، ص 122.

به هر حال، علیرغم عجز و ناتوانی در بیان اسامی و توصیف القاب و حدّ و حصر اوصاف آن صاحب الفضایل عزم جزم و تصمیم راسخ گرفته شد و با عنایات ذات باری تعالی و استمداد از خود آن آیت اللّه الکبری، اسامی، اوصاف و القاب آن سید الکونین جمع آوری و با جست و جوی عناوین و بهره گیری از کتاب های مختلف شیعه و اهل سنّت، آغاز گردید و سپس برای استناد و استخراج مصادر آنها، به آیات قرآن کریم و احادیث پیامبرصلی الله علیه وآله و روایات معصومین علیهم السلام مراجعه گردید. (1)

این کار، از ماه مبارک رمضان 1428 ه.ق شروع گردید و تا پایان یافتن آن، به دو ماه مبارک رمضان، که متعلق به آن شهید قدر و محراب است، برخورد نمود؛ لذا تمام شب های ماه مبارک تا هنگام سحر، به این مهم اختصاص یافت، که خود همین احیای دو ماهه نیز توفیق بزرگی برای حقیر بود که شکری مضاعف را می طلبد.

امّا القاب و فضایل آن أمیر لو کشف بیش از آن بود که به پایانی برسیم. مولایی که دوست و دشمن از او می گویند؛ آقایی که مسلمان و مسیحی، دیندار و بی دین به وی افتخار می کنند؛ امامی که می گویند دوستان از ترس، فضایلش را بازگو نکردند و دشمنان نیز به جهت بغض و کینه ای که نسبت به وصی مصطفی داشتند، مناقبش را مخفی کردند. با این حال، فضایل و مناقبش جهان را پر نموده است.(2)

از جمله می توان به نامه(3) امام علی علیه السلام به مالک اشتر اشاره کرد، که توسط سازمان ملل متّحد، به عنوان منشور ملل انتشار پیدا می کند.

اینک ما نیز، فقط کمی بیش از دوهزار از این هزاران مناقب را، آن هم در حدّ شماره، بیان کردیم. گرچه مطلب بیش از این حرف ها است؛ همان طور که وقتی به ابن عباس گفتند: فضایل علی علیه السلام چقدر زیاد است؟! فکر کنم به سه هزار برسد. ابن عباس گفت: چرا نمی گویی سی هزار؟!

لذا نگارنده خود را بسیار کوچک تر از آن می داند که، در این مقدمه، بخواهد به بیان خوبی های آن صفوه اللّه بپردازد؛ بلکه غرض، فقط گزارش قطره ای از آن دریای بیکران بود.

1- 10. که این جست و جو بیش از پنج هزار پاورقی و پی نوشت برای کتاب ترتیب داده است.
2- 11. به نقل از محمّد بن ادریس شافعی و نیز الخلیل بن احمد. چنان که احمد بن حنبل می گوید: برای هیچ یک از اصحاب پیامبرصلی الله علیه وآله، فضایلی مانند فضایل علی بن ابی طالب نرسیده. ر.ک: المستدرک علی الصحیحین 3/116؛الکشف و البیان 4/81؛ تفسیر ثعلبی 1/760؛ مناقب الاسد الغالب 1/2؛ الکامل فی التاریخ 2/105.
3- 12. نهج البلاغه، نامه 31.

نگارنده بر این باور است که خواننده محترم با مطالعه دقیق این کتاب، به یقین در بسیاری از موارد، اشک از دیدگانش جاری می گردد؛ آن گاه که مقام والای خلیفه اللَّه را نزد پروردگار ذو الجلال ببیند؛ آن گاه که توصیفات جبرئیل امین از مقام البدر المنیر را بخواند، و آن گاه که تعریفات پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله را از أنیس الرسول مشاهده کند؛ آن گاه که شجاعت ها و جان بازی های أسد اللَّه و أسد رسوله را می خواند، اشک بهجت و عشق سر می دهد؛ امّا آن گاه که همین فاتح خیبر، قهرمان قهرمانان را در کوچه های بنی هاشم، غریب و تنها، با دستانی بسته و ریسمانی به گردن می بیند... بغض گلویش می ترکد و اشک حسرت می ریزد!... .

و اینک این زحمت ناچیز و البته مجموعه نورانی را به خاک پاک قدم فرزند برومندش، وارث پیامبران، یادگار امامان، پیشوای مسلمانان و شیعیان، امید و سرور آزادگان و مستضعفان، آن که امروز وارث و صاحب اصلی غدیر است؛ یعنی مهدی موعود موجود، امام زمان «عجّل اللَّه تعالی فرجه الشریف»، نثار و پیش کش می کنم.

جا دارد یاد حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی قدس سره و شهدای گران قدر انقلاب اسلامی و دفاع مقدّس و همرزمان شهیدم(1): علی اسکندری، علی بختیاری، علی رضا چوپان، شیخ علی فردوسی، علی فردوسیان، علی متحدّی (اسماعیل)، علی متحدّی (حسینعلی)، علی میقانی، علی نگهبان را گرامی داشته، برای سرافرازی نظام جمهوری اسلامی ایران و سلامتی مقام معظّم رهبری حضرت آیت اللَّه العظمی خامنه ای «حفظه اللَّه» دعا کنیم.

در پایان از بذل توجّه حضرت آیت اللَّه خزعلی - دامت برکاته - به جهت راهنمایی ها و تقریظی که بر این کتاب نگاشتند، و توجّه ویژه مدیریت محترم انتشارات مسجد مقدّس جمکران، حجّه الاسلام والمسلمین احمدی قمی در چاپ و نشر این اثر، و نیز همکاری خالصانه طلبه محقّق و پژوهشگر مدقّق، جناب آقای احمدرضا فیض پور در به ثمر رسیدن این اثر تشکر می نمایم.

شهر مقدّس قم - احمد سعیدی

لیالی قدر رمضان المبارک 1430 ه.ق

شهریور 1388 ه.ش

ص: 11

1- 13. تعدادی از دوستان شهیدم از شهر «بسطام» که مزّین به نام مبارک «علی» بودند.

«وَلَایَهُ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ حِصْنِی فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِی أَمِنَ مِنْ عَذَابِی»

خداوند متعال فرموده است:

ولایت علی بن ابی طالب دژ محکم من است

هرکه ولایت او را بپذیرد از عذاب آتش در امان خواهد بود.

امالی شیخ صدوق: 306؛ شواهد التنزیل: 1 / 170؛ بحارالانوار: 39 / 246 ص: 12

تصوير

ص: 13

ص: 14

اختصاصی ترین لقب

1 أَمِیرُ الْمُؤمِنین

«امیر المؤمنین» به معنای امیر، فرمان روا، آقا و سالار همه ایمان آورندگان به خدا و رسول است که از زیباترین، مشهورترین، مهم ترین و اختصاصی ترین لقب امام علی علیه السلام می باشد.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: این لقب به علی اختصاص دارد که خداوند متعال برای او برگزیده، نه قبل از ایشان و نه بعد از ایشان برای کسی نامیده نشده است.(1)

هرچند برخی از غاصبان، هم خلافت و مقام امیر المؤمنین را غصب کردند و هم نام و لقب مبارک حضرت را، در صورتی که نقل شده: حتی برای سایر امامان نیز، از این عنوان استفاده نشود.(2)

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: آیا با عنوان «امیر المؤمنین» به امام زمان علیه السلام سلام کنیم؟

فرمود: هرگز؛ چون این اسمی است که خداوند فقط برای امام علی علیه السلام برگزیده است و هیچ کس، نه قبل از وی و نه بعد از وی، به آن نامیده نشده؛ مگر کافر باشد.(3)

خداوند به جبرئیل امر کرد که با این عنوان به علی علیه السلام سلام کند.

امیر المؤمنین گفت: ای رسول خدا! صدایی را می شنوم؛ ولی چیزی را نمی بینم. حضرت فرمود: این جبرئیل است که این گونه سلام می کند و می گوید که مردم نیز چنین کنند.

در اخبار و روایات متعددی وارد شده که رسول خداصلی الله علیه وآله به مردم امر فرمود:

«سَلِّمُوا عَلی عَلِیّ بِإِمْرَهِ الْمُؤْمِنِینَ».(4)

«علی علیه السلام را با عنوان امیرالمؤمنین سلام کنید».

شخص پیامبرصلی الله علیه وآله نیز، بسیاری از اوقات، آن حضرت را با این عنوان خطاب می کرد.

برخی از منابع و کتاب هایی که به این مطلب اشاره دارد، از این قرار است:

الارشاد مفید 1/48؛ الاصول الکافی 1/392؛ الخرائج والجرائح 2/805؛ الخصال صدوق 2/464؛ خصائص الأئمّه ص 67؛ رجال برقی ص 64؛ رجال کشّی ص 94؛ رساله فی معنی المولی ص 39؛ روضه الواعظین 1/99؛ سعد السعود ص 115؛ شرح نهج البلاغه 12/26؛ الصراط المستقیم 2/54؛ الصوارم المهرقه ص 110؛ العدد القویه ص 182؛ عیون أخبار الرضا 2/68؛ الفصول المختاره ص 23؛ الفضائل ص 133؛ قصص الانبیاء راوندی ص 355؛ کتاب سلیم بن قیس ص 729؛ کشف الغمّه 1/340؛ کشف الیقین ص 112؛ مسار الشیعه ص 39؛ مناقب آل ابی طالب 3/53.

1- 14. بحارالانوار، ج 37، ص 294؛ امالی صدوق، ص 407؛ اصول کافی، ج 1، ص 412.
2- 15. وسائل الشیعه، ج 14، ص 600.
3- 16. بحارالانوار، ج 52، ص 373.
4- 17. ارشاد مفید، ج 1، ص 48.

فصل اول:امیرالمؤمنین علیه السلام در لسان قرآن مبین

اشاره

در قرآن کریم آیات فراوانی آمده است که به تصریح و کنایه، فضایل و مناقب امیرمؤمنان علیه السلام اشاره نموده؛ هرچند به جهت صیانت قرآن از دست برد تحریف گران، به نام ایشان تصریح نشده است.

در روایتی نقل شده: در قرآن کریم، هرجا «یا أیها الذین آمنوا» آمده است، خطاب به علی علیه السلام است(1) و یا هرجا صفات مؤمنان را برمی شمرد، آن حضرت، فرد اعلای ایشان می باشد.

با این حال، ذکر تمام آن آیات و توضیح آنها در این مختصر نمی گنجد؛ پس فقط به برخی از القاب و فضایل ایشان در قرآن، که از وضوح بیشتری برخوردار است، اشاره می کنیم:

2 الْآمِرُ بِالْعَدْلِ

کسی که به عدل و عدالت، فرمان می دهد و خود نیز طبق آن عمل می کند. این عنوان از القابی است که در قرآن کریم به آن حضرت اشاره شده، و در آیه شریفه می فرماید:

«هَلْ یسْتَوِی هُوَ وَمَنْ یأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ»؛(2)

«آیا چنین انسانی، با کسی که امر به عدل و داد می کند و بر راهی راست قرار دارد، برابر است؟».

از امام باقرعلیه السلام نقل شده: مراد از کسی که به عدل امر می کند، علی بن ابی طالب علیه السلام است.(3)

3 الْمِنُ بِاللَّهِ

ایمان آورنده به خدا. عباس بن عبدالمطلب و ابن ابی طلحه با یکدیگر مفاخره می کردند که من ساقی حاجیان هستم، آن دیگری هم می گفت: من مسجد الحرام را تعمیر کردم. امیرمؤمنان علیه السلام که از آنجا می گذشت، فرمود: من هم به خدا و روز قیامت ایمان آوردم.

ابن عباس می گوید: آیه شریفه نازل شد و کار علی را برتر دانست:

«أَجَعَلْتُمْ سِقایَهَ الْحآجِّ وَعِمارَهَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ کَمَنْ آمَنَ بِاللّهِ وَالْیوْمِ الْآخِرِ وَجاهَدَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ لایسْتَوُونَ عِنْدَاللَّهِ وَاللَّهُ لایَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمِینَ»؛(4)

«آیا سیراب کردن حُجّاج، و آباد ساختن مسجد الحرام را، همانند (عمل) کسی قرار دادید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه او جهاد کرده است؟! (این دو) نزد خدا مساوی نیستند و خداوند گروه ظالمان را هدایت نمی کند».(5)

4 آیهُ الْمُتَوَسِّمِینَ

جابر انصاری گوید: گروهی از اهل یمن به محضر رسول خداصلی الله علیه وآله شرفیاب شده و عرض کردند: وصی شما کیست؟

1- 18. تاریخ الخلفاء، ج 1، ص 150.
2- 19. سوره نحل، آیه 76.
3- 20. بحارالانوار، ج 41، ص 111؛ تأویل الآیات، ص 262.
4- 21. سوره توبه، آیه 19.
5- 22. بحارالانوار، ج 36، ص 138. تفسیر الطبری، ج 14، ص 171؛ تفسیر الصنعانی، ج 2، ص 269؛ تاریخ دمشق، ج 42، ص 358؛ الدرّ المنثور، ج 5، ص 29؛ المناقب ابن مغازلی، ص 321.

حضرت فرمود: همان کسی که خدای تعالی شما را بر اعتصام به او فرمان داده است:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا»؛(1)

«و همگی به ریسمان الهی [قرآن و اسلام، و هر وسیله وحدت چنگ زنید و پراکنده نشوید».

گفتند: این حبل چیست و چگونه است؟

فرمود: همان فرمایش خداوند؛

«إِلّا بِحَبْلٍ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلٍ مِنَ النّاسِ»(2)

«مگر با ارتباط به خدا، و ارتباط به مردم».

پس حبل (ریسمان) از جانب خدا، کتاب اوست و حبل از جانب مردم، وصی من است.

گفتند: وصی شما کیست؟ فرمود: همان که خدای تعالی درباره اش فرمود:

«أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يا حَسْرَتى عَلى ما فَرَّطتُ فِى جَنْبِ اللَّهِ»؛(3)

«(این دستورها برای آن است که) مبادا کسی در روز قیامت بگوید: افسوس بر من، به خاطر کوتاهی هایی که در اطاعت فرمان از خدا کردم».

گفتند: جنب اللَّه چیست؟ فرمود: همان که در موردش آمده:

«يا لَيتَنِى اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً»؛(4)

«(از شدّت حسرت، دست خود را به دندان می گزد و می گوید:) ای کاش با رسول (خدا) راهی برگزیده بودم!»

وصی من، همان سبیل به سوی من است.

گفتند: او را به ما نشان ده که خیلی مشتاق او هستیم. فرمود:

«هُوَ الَّذِی جَعَلَهُ اللَّهُ «آیةَ لِلْمُتَوَسِّمِینَ»(5) فَإِنْ نَظَرْتُمْ إِلَیهِ نَظَرَ «لِمَنْ کانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَی السَّمْعَ وَهُوَ شَهِیدٌ»(6) عَرَفْتُمْ أَنَّهُ وَصِیی کَما عَرَفْتُمْ أَنِّی نَبِیکُمْ»؛(7)

«او کسی است که خدای تعالی وی را «نشانه حقّ جویان» قرار داده، پس اگر به خوبی به او نظر کنید مانند «کسی که عقل و گوش سالم دارد»، حتماً خواهید یافت که او وصی من است، همان طور که مرا به عنوان پیامبر شناختید...».

5 الْإِحْسانُ

«إِنَّ اللَّهَ یأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسانِ»؛(8)

«خدای تعالی به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد».

در مورد این آیه، روایات متعددی نقل شده که: مراد از عدل در این آیه، رسول خداصلی الله علیه وآله، و مراد از احسان، علی بن ابی طالب علیه السلام است.(9)

6 الْأَذانُ

اعلان و آگاهی دادن. آیه شریفه «وَأَذانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ»(10) اعلان و اطلاعیه ای از جانب خدا و رسولش است.

1- 23. سوره آل عمران، آیه 103.
2- 24. سوره آل عمران، آیه 112.
3- 25. سوره زمر، آیه 56.
4- 26. سوره فرقان، آیه 27.
5- 27. اشاره دارد به: سوره حجر، آیه 75.
6- 28. اشاره دارد به: سوره ق، آیه 37.
7- 29. بحارالانوار، ج 36، ص 17.
8- 30. سوره نحل، آیه 90.

9- 31. تفسیر قمی، ج 1، ص 388؛ تفسیر فرات، ص 236؛ تفسیر عیاشی، ج 2، ص 267؛ تأویل الآیات، ص 263.
10- 32. سوره توبه، آیه 3.

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز فرموده است:

«قالَ اللَّهُ تَعالی «وَأَذانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» فَأَنَا ذلِکَ الْأَذانُ»؛(1)

«اینکه خداوند می فرماید: «و این اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش» من آن اذان هستم».

جریان نزول سوره برائت (توبه) و مأمور شدن ابوبکر برای اعلان آن در مکّه و سپس فرستادن علی علیه السلام به این مأموریت و برگرداندن ابوبکر، در تاریخ معروف و ثبت شده است.(2)

7 الْأُذُنُ الْواعِیهُ

به معنای گوش شنوا و فراگیرنده می باشد، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به امام علی علیه السلام فرمود:

«یا عَلِی! إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَنِی أَنْ أُدْنِیکَ وَأُعَلِّمُکَ لِتَعِی، وَأُنْزِلَتْ هذِهِ الْآیهُ: «وَ تَعِیها أُذُنٌ واعِیهٌ»(3) فَأَنْتَ الْأُذُنُ الْواعِیهُ»؛(4)

«ای علی! خدا به من فرمان داده که تو را نزدیک گردانم و تو را چنان بیاموزم تا همه را فرا بگیری و این آیه نازل شد... تو همان اذن واعیه هستی».

و امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

«أَنَا الْأُذُنُ الْواعِیهُ یقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «وَتَعِیها أُذُنٌ واعِیهٌ»»؛(5)

«من همان (اذن واعیه) گوش شنوا هستم که خدای تعالی فرموده: «و گوش های شنوا آن را دریابد و بفهمد»».

امام باقرعلیه السلام نیز فرمود:

«اَلْأُذُنُ الْواعِیهُ أُذُنُ عَلِیّ»؛(6)

«گوش شنوا، همان گوش علی علیه السلام است».

لذا در زیارت آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا عَینَ اللّهِ النّاظِرَهَ وَیدَهُ الّباسِطَهَ وَأُذُنَهُ الّواعِیهَ»؛(7)

«سلام بر تو ای چشم بینای خدا و دست گشاده خدا و گوش شنوای او».

8 الْإِسْلامُ

اسلام با تمام احکام و اصول و فروع خود، در پیامبرصلی الله علیه وآله و امام معصوم تجسم یافته است؛ یعنی امام همان اسلام مجسّم است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: امیرمؤمنان علیه السلام بر منبر کوفه چنین خطبه خواند:

«وَاللَّهِ! إِنِّی لَدَیانُ النّاسِ یوْمَ الدِّینِ وَقَسِیمُ اللَّهِ بَینَ الْجَنَّهِ وَالنّارِ... أَنَا الْإِسْلامُ الَّذِی ارْتَضاهُ لِنَفْسِهِ، کُلُّ ذلِکَ مَنّاً مِنَ اللَّهِ»؛(8)

«به خدا قسم که من حاکم مردم در روز قیامت هستم، منم که مردم را برای بهشت و جهنم تقسیم

1- 33. بحارالانوار، ج 35، ص 46.
2- 34. بحارالانوار، ج 35، ص 288؛ تأویل الآیات، ص 203؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 51؛ تفسیر المنار، ج 10، ص 157.
3- 35. سوره حاقه، آیه 12.
4- 36. بحارالانوار، ج 35، ص 329. الکشاف، ج 7، ص 133؛ تفسیر الرازی، ج 15، ص 485؛ تفسیر الکشف والبیان، ج 10، ص 28.
5- 37. بحارالانوار، ج 35، ص 46.
6- 38. بحارالانوار، ج 35، ص 329.
7- 39. بحارالانوار، ج 97، ص 305؛ جمال الاسبوع، ص 37؛ اقبال الاعمال، ص 608؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام.
8- 40. بحارالانوار، ج 26، ص 318.

می کنم... من همان اسلامی هستم که خداوند آن را پسندیده است. تمام اینها منت و افتخاری است از جانب خداوند متعال».

حضرت در این خطبه به این آیه شریفه اشاره فرموده: «اَلْیوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَیکُمْ نِعْمَتِی وَرَضِیتُ لَکُمُ الْإِسْلامَ دِیناً»؛(1)

«امروز، دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم».

9 الْإِمامُ الْمُبِینُ

پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله امام علی علیه السلام را مصداق امام مبین بیان کرده و در خطبه غدیر فرمود:

«مَعاشِرَ النّاسِ! ما مِنْ عِلْمٍ إِلّا وَقَدْ عَلَّمْتُهُ عَلِیاً، وَهُوَ الْإِمامُ الْمُبِینُ»؛(2)

«ای مردم هیچ علمی نبود جز اینکه آن را به علی آموختم و او امام مبین است».

امام باقرعلیه السلام می فرماید: هنگامی که آیه شریفه «وَکُلَّ شَی ءٍ أَحْصَیناهُ فِی إِمامٍ مُبِینٍ» نازل شد، مردم از پیامبر سؤال کردند: آیا این امام مبین، تورات و انجیل و قرآن است؟

فرمود: خیر، آن علی بن ابی طالب علیه السلام است.(3)

ابن عباس به نقل از امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«أَنَا وَاللَّهِ الْإِمامُ الْمُبِینُ أُبِینُ الْحَقَّ مِنَ الْباطِلِ وَرَثْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه وآله»؛(4)

«به خدا قسم! من امام مبین هستم که حقّ را از باطل جدا و مشخص می کنم و این را از رسول خداصلی الله علیه وآله به ارث برده ام».

10 الْإِنْسانُ

در مورد آیه «وَقالَ الْإِنْسانُ ما لَها»(5) نقل شده فرمود: مراد از آن، امیر المؤمنین علیه السلام است.(6) چنان که روزی این آیه را نزد ایشان

قرائت کردند، فرمود:

«فَأَنَا الْإِنْسانُ الَّذِی یقُولُ ما لَکَ»؛(7)

«من آن انسانم که به زمین گوید تو را چه شده؟».

همچنین است «الانسان» در آیه شریفه «خَلَقَ الْإِنْسانَ * عَلَّمَهُ الْبَیانَ»(8)

«انسان را آفرید. و به او، بیان را آموخت».

امام رضاعلیه السلام فرمود: مراد از این انسان، امیرمؤمنان علیه السلام است که هرچه را مردم به آن نیاز دارند، خداوند به علی علیه السلام آموخت.(9)

11 أُولِی الْأَمْرِ

«... أَطِیعُوا اللَّهَ وَأَطِیعُوا الرَّسُولَ وَأُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ»؛(10)

«... اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الأمر (اوصیای پیامبر) را».

1- 41. سوره مائده، آیه 3.
2- 42. بحارالانوار، ج 35، ص 427؛ الیقین، ص 349.
3- 43. الصراط المستقیم، ج 1، ص 271.
4- 44. بحارالانوار، ج 35، ص 427؛ تفسیرقمی، ج 2،ص 212.
5- 45. سوره زلزله، آیه 3.
6- 46. بحارالانوار، ج 24، ص 96؛ تفسیر قمی، ج 2، ص 433.
7- 47. بحارالانوار، ج 57، ص 129؛ و ج 41، ص 256؛ دلائل الامامه، ص 1؛ تأویل الآیات، ص 806.
8- 48. سوره الرحمن، آیه 3 و 4.
9- 49. بحارالانوار، ج 36، ص 165.
10- 50. سوره نساء، آیه 59.

جابر انصاری می گوید: به رسول خداصلی الله علیه وآله در مورد این آیه عرض کردم: ما خدا و رسول او را شناختیم، پس اولی الامر کیانند؟ فرمود:

«هُمْ خُلَفآئِی یا جابِرُ! وَأَئِمَّهُ الْمُسْلِمِینَ بَعْدِی، أَوَّلُهُمْ عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ»؛ (1)

«آنان جانشینان من هستند ای جابر، آنان امام مسلمانان بعد از من هستند که اول ایشان علی بن ابی طالب علیه السلام است».

سلمان فارسی از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل کرده: مراد از اولی الامر علی بن ابی طالب علیه السلام است.(2)

12 أَوْلی بِالْمُؤْمِنِینَ

کسی از جانب خدای تعالی مقامی دارد که نسبت به مردم و مؤمنان از خودشان هم به خودشان سزاوارتر و اولاتر باشد. این مقام طبق آیه شریفه «النَّبِی أَوْلی بِالْمُؤْمِنِینَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ»(3) مخصوص پیامبرصلی الله علیه وآله است؛ لکن هر آنچه پیامبر دارد، امام معصوم نیز دارا می باشد، که از این جمله است امام علی علیه السلام.(4)

امام هادی علیه السلام در زیارت امام علی علیه السلام در روز غدیر می فرماید:

«وَأَشْهَدُ أَنَّهُ... أَوْلی بِالْمُؤْمِنِینَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ، کَما جَعَلَهُ اللَّهُ کَذلِکَ»؛(5)

«گواهی می دهم که خداوند تو را بر مؤمنان سزاوارتر از خودشان قرار داد، چنان که خداوند نیز رسول خدا را چنین مقامی عنایت فرمود».

13 الْإِیمانُ فِی الْقُرْآنِ

یکی از نام های امام علی علیه السلام در قرآن، ایمان است که به کنایه از آن حضرت تعبیر شده؛ چنان که امام باقرعلیه السلام در مورد آیه شریفه «وَمَنْ یکْفُرْ بِالْإِیمانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِی الْآخِرَهِ مِنَ الْخاسِرِینَ» فرمود:

«اَلْإِیمانُ فِی بَطْنِ الْقُرْآنِ عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ، فَمَنْ کَفَرَ بِوِلایتِهِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ»؛(6)

«مراد از ایمان در قرآن کریم، علی بن ابی طالب است، هرکس به ولایت او کافر شود تمام اعمالش نابود می شود».

در حدیث بعدی از ابن عباس نقل شده که گفته: برای علی بن ابی طالب علیه السلام نام های زیادی است که مردم خبر ندارند. گفتیم: کدام نام است؟ گفت: از جمله اینکه خدای تعالی در قرآن کریم او را «الایمان» نامیده و فرموده:

«وَمَن یکْفُرْ بِالْإِیمانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِی الْآخِرَهِ مِنَ الْخاسِرِینَ»؛(7)

«و هرکس انکار کند آنچه را باید به آن ایمان بیاورد، اعمال او تباه می گردد، و در سرای دیگر، از زیان کاران خواهد بود».

1- 51. تأویل الآیات، ص 141.
2- 52. بحارالانوار، ج 36، ص 136.
3- 53. سوره احزاب، آیه 6.
4- 54. تفسیر الثعلبی، ج 1، ص 769؛ تفسیر الکشف والبیان، ج 4، ص 92.
5- 55. بحارالانوار، ج 97، ص 360؛ مفاتیح الجنان، اعمال عید غدیر.
6- 56. بحارالانوار، ج 35، ص 348.
7- 57. سوره مائده، آیه 5.

همچنین است ایمان در آیه: «حَبَّبَ إِلَیکُمُ الْإِیمانَ»(1) که امام صادق علیه السلام فرموده است.(2)

14 بِئْرٌ مُعَطَّلَهٌ

«وَبِئْرٍ مُعَطَّلَهٍ وَقَصْرٍ مَشِیدٍ»؛(3)

«و چه بسیار چاه پرآب بی صاحب ماند، و چه بسیار قصرهای محکم و مرتفع».

امیر المؤمنین علیه السلام در مورد این آیه فرمود:

«فَالْقَصْرُ مُحَمَّدٌ وَالْبِئْرُ الْمُعَطَّلَهُ وِلایتِی، عَطَّلُوها وَجَحَدُوها وَمَنْ لم یقِرَّ بِوِلایتِی لَمْ ینْفَعْهُ الْإِقْرارُ بِنُبُوَّهِ مُحَمَّدٍصلی الله علیه وآله»؛(4)

«همانا مراد از قصر، محمّد است و چاه معطل مانده، ولایت من است که آن را معطل گذاشته و انکار کردند، هر که به ولایت من اقرار نکند اقرار به نبوّت برای او نفعی ندارد».

15 بَأْسٌ شَدِیدٌ

بأس به معنای سخت و شجاع و مراد کسی است که با شجاعت و دلاوری خود موجب عذاب دشمنان است.

از امام باقر و امام رضاعلیهما السلام روایت شده که فرمودند: مراد از «لِینْذِرَ بَأْساً شَدِیداً مِنْ لَدُنْهُ»(5) علی علیه السلام است.(6)

«وَهُوَ لَدُنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه وآله قاتَلَ مَعَهُ عَدُوَّهُ»؛(7)

«او نزد رسول خداصلی الله علیه وآله با دشمنان آن حضرت جنگ می کند».

16 بابُ الْحِطَّهِ

آن گاه که بنی اسرائیل مرتکب گناه شدند، به ایشان امر شد که بگویید: «حِطَّه» و داخل باب شوید تا خدا شما را بیامرزد.(8)

این جریان به باب الحطّه معروف شد؛ اگرچه بسیاری نپذیرفتند، به همین مناسبت رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«مَثَلُ أَهْلِ بَیتِی مَثَلُ بابِ حِطَّةٍ فِی بَنِی إِسْرائِیلَ»؛(9)

«اهل بیت من همانند باب الحطه در بنی اسرائیل هستند، که تمسّک به ایشان موجت مغفرت است».

از امیر مؤمنان علیه السلام هم نقل شده که فرمود:

«أَنَا بابُ حِطَّةٍ»؛(10)

«من باب حطه و مغفرت الهی هستم».

امام صادق علیه السلام در آداب زیارت امام علی علیه السلام فرمود: خود را به قبر حضرت بچسبان و بگو:

«یا وَلِی اللَّهِ! یا حُجَّةَ اللَّهِ! یا بابَ حِطَّهِ اللَّهِ...»؛(11)

«ای ولی خدا، ای حجت خدا و ای باب حطه و مغفرت الهی! ...».

1- 58. سوره حجرات، آیه 7.
2- 59. اصول کافی، ج 1، ص 426.
3- 60. سوره حجّ، آیه 45.
4- 61. بحارالانوار، ج 26، ص 3.
5- 62. سوره کهف، آیه 2؛ «... تا (بدکاران را) از عذاب شدید او بترساند».
6- 63. تأویل الآیات، ص 285.
7- 64. بحارالانوار، ج 41، ص 64 و ج 36، ص 21؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 81.
8- 65. سوره بقره، آیه 58؛ سوره اعراف، آیه 161.
9- 66. بحارالانوار، ج 24، ص 198؛ امالی طوسی، ص 633؛ امالی صدوق، ص 74. جمع الجوامع، ج 1، ص 9279. جامع الاحادیث، ج 10، ص 8.

10- 67. بحارالانوار، ج 39، ص 339؛ توحید صدوق، ص 164؛ معانی الاخبار، ص 17.
11- 68. بحارالانوار، ج 97، ص 375؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

17 بَدِّلْهُ

«ائْتِ بِقُرْآنٍ غَيرِ هذَا أَوْ بَدِّلْهُ»؛(1)

«قرآنی غیر از این بیاور، یا آن را تبدیل کن».

مفضل بن عمر می گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه شریفه پرسیدم، فرمود: دشمنان گفتند: به جای علی علیه السلام، فرد دیگری را جانشین خود قرار بده.(2) آیه شریفه در پاسخ فرمود:

«قُلْ ما يكُونُ لِی أَنْ أُبَدِّلَهُ مِن تِلْقآئِ نَفْسِی إِنْ أَتَّبِعُ إِلّا ما يوحى إِلَی»؛(3)

«بگو: من حق ندارم که از پیش خود آن را تغییر دهم، و فقط از چیزی که بر من وحی می شود، پیروی می کنم».

18 بُرْجُ السَّمآءِ

برج السماء؛ کاخ و قصر باعظمت آسمانی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بعد از تلاوت آیه شریفه «وَالسَّمآءِ ذاتِ الْبُرُوجِ» به ابن عباس فرمود:

«يابْنَ عَبّاسٍ! إِنَّ اللَّهَ يقْسِمُ بِالسَّمآءِ ذاتِ الْبُرُوجِ وَيعْنِی بِهِ السَّمآءُ وَبُرُوجُها؟ قُلْتُ: يا رسولَ اللَّهِ! فَما ذاکَ؟ قالَ: أَمَّا السَّمآءُ فَأَنَا وَأَمَّا الْبُرُوجُ فَالْأَئِمَّةُ بَعْدِی أَوَّلُهُمْ عَلِی وَآخِرُهُمْ الْمَهَدِی»؛(4)

«ای فرزند عباس! خداوند متعال به آسمان که دارای برج هاست قسم می خورد، و مرادش آسمان و بروج آن است. گفتم: ای رسول خدا منظور از آن چیست؟

فرمود: مراد از آسمان من هستم و امّا بروج، امامان بعد از من هستند که اوّل ایشان علی و آخر آنان مهدی است».

19 الْبَصِيرُ

«وَما يسْتَوِی الْأَعْمی وَالْبَصِيرُ * وَلَا الظُّلُماتُ وَلَا النُّورُ * وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحَرُورُ»؛(5)

«و نابینا (کور) و بینا. و نه تاریکی ها و نه روشنایی. و نه سایه (آرام بخش) و نه باد داغ و سوزان هرگز برابر نیستند».

از ابن عباس نقل شده:

«مراد از اعمی، ابوجهل است و مراد از بصیر، امیرالمؤمنین علی علیه السلام. مقصود از ظلمات، ابوجهل است و مقصود از نور، علی علیه السلام. و منظور از حرور (آتش جهنّم)، ابوجهل است و منظور از ظلّ (بهشت)، علی علیه السلام».(6)

20 بَعْضُ ما یوحی

«فَلَعَلَّکَ تارِکٌ بَعْضَ ما یوحَی إِلَیکَ وَضَآئِقٌ بِهِ صَدْرُکَ»؛(7)

«شاید (ابلاغ) بعض آیاتی را که به تو وحی می شود، (به خاطر عدم پذیرش آنها) ترک کنی (و به تأخیر اندازی)، و سینه ات از این جهت تنگ (و ناراحت) شود».

1- 69. سوره یونس، آیه 15.
2- 70. اصول کافی، ج 1، ص 419؛ تفسیر قمی، ج 1، ص 310؛ تفسیر عیاشی، ج 2، ص 120.
3- 71. سوره یونس، آیه 15.
4- 72. بحارالانوار، ج 36، ص 371؛ الاختصاص، ص 223؛ مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 284.
5- 73. سوره فاطر، آیات 19 - 21.
6- 74. بحارالانوار، ج 24، ص 372؛ تفسیر البرهان، ج 3، ص 361. شواهد التنزیل، ج 2، ص 101.
7- 75. سوره هود، آیه 12.

امام صادق علیه السلام فرمود: این آیه شریفه در شأن امام علی علیه السلام نازل شده؛ چون رسول خداصلی الله علیه وآله می دانست برخی مردم جاهل با آن مخالفت می کنند؛ لیکن خدای تعالی حضرت را تسکین داد: «إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ سَیجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمنُ وُدّاً»؛(1)

«مسلّماً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام می دهند، خداوند رحمان محبّتی برای آنان در دلها قرار می دهد».(2)

21 التِّجارَةُ المُنْجِیهُ

امام علی علیه السلام فرموده است:

«أَنَا التِّجارَةُ المُرْبِحَهُ الْمُنْجِیهُ مِنَ الْعَذابِ الْأَلِیمِ الَّتِی دَلَّ عَلَیها فِی کِتابِهِ، فَقالَ: «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّکُمْ عَلی تِجارَةٍ تُنْجِیکُمْ مِنْ عَذابٍ أَلِیمٍ»؛(3)

«من همان تجارت پرسود و نجات دهنده از عذاب دردناک هستم که آیه شریفه در باره آن فرموده است: ای کسانی که ایمان آورده اید! آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک رهایی می بخشد؟!».(4)

22 الثَّوابُ عِنْدَ اللَّهِ

«ثَواباً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوابِ»؛(5)

«این پاداشی است از طرف خداوند، و بهترین پاداش ها نزد پروردگار است».

از اصبغ بن نباته نقل شده: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خداصلی الله علیه وآله در مورد این آیه، خطاب به من فرمود:

«أَنْتَ الثَّوابُ وَأَصْحابُکَ الْأَبْرارُ»؛(6)

مراد از ثواب تویی، و یاران تو نیز ابرار هستند».

23 جَنْبُ اللَّهِ

«یا حَسْرَتی عَلی ما فَرَّطتُ فِی جَنْبِ اللَّهِ»؛(7)

«افسوس بر من از کوتاهی هایی که در اطاعت فرمان خدا کردم».

از امام کاظم علیه السلام در مورد این آیه سؤال شد، فرمود: مراد از جنب اللّه در این آیه شریفه، امیرالمؤمنین علیه السلام است.(8)

و مراد از جنب اللّه؛ یعنی اطاعت من اطاعت خداست، پس هرکه در اطاعت من تفریط کند از اطاعت خدا کم گذاشته است.(9)

در خطبه غدیر رسول خداصلی الله علیه وآله نیز آمده و خود امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«أَنَا جَنْبُ اللَّهِ وَأَنَا بابُ اللَّهِ»؛(10)

«منم جنب اللّه و منم باب اللّه».

امام صادق علیه السلام نیز در زیارت مخصوصه آن حضرت می فرماید:

«وَأَنَّکَ جَنْبُ اللَّهِ وَوَجْهُهُ الَّذِی مِنْهُ یؤْتی ؛(11)

1- 76. سوره مریم، آیه 96.
2- 77. بحارالانوار، ج 36، ص 100.
3- 78. سوره صف، آیه 10.
4- 79. بحارالانوار، ج 24، ص 330.
5- 80. سوره آل عمران، آیه 195.
6- 81. بحارالانوار، ج 36، ص 97. شواهد التنزیل، ج 1، ص 178.
7- 82. سوره زمر، آیه 56.
8- 83. اصول کافی، ج 1، ص 145.
9- 84. بحارالانوار، ج 4، ص 9.
10- 85. اصول کافی، ج 1، ص 145؛ بحارالانوار، ج 4، ص 8.
11- 86. بحارالانوار، ج 97، ص 305؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

«گواهی می دهم که تو جنب اللَّه هستی و نیز آن وجه الهی که از آن وارد می شوند».

از امام باقرعلیه السلام نقل شده که فرمود: معنای جنب اللَّه یعنی هیچ کسی از رسول خداصلی الله علیه وآله به خدا نزدیک تر نیست و نیز کسی هم از وصی رسول به رسول نزدیک تر نیست، یعنی در قرب و نزدیکی مثل جنب اوست.(1)

24 حَبْلُ اللَّهِ

آیه شریفه می فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِیعاً وَلَا تَفَرَّقُوا»؛(2) «و همگی به ریسمان الهی چنگ زنید، و پراکنده نشوید».

حبل یعنی ریسمان و هر آنچه که واسطه و اتصال بین دو چیز قرار می گیرد، حبل اللَّه یعنی آنچه که انسان را به خدا متصل می نماید.

بین خدا و انسان دو قسم حبل اللَّه است؛ یکی کتاب خدا و قرآن و دیگری پیامبر و امامان. از جمله ایشان امام علی علیه السلام است که پیامبر خداصلی الله علیه وآله در روز غدیر فرمود: ای مردم حاضران به غایبان برسانید:

«أَلا قَدْ خَلَّفْتُ فِیکُمْ کِتابَ اللَّهِ، فِیهِ النُّورُ وَالْهُدی وَالْبَیانُ، ما فَرَّطَ اللَّهُ فِیهِ مِنْ شَی ءٍ حُجَّهُ اللَّهِ لِی عَلَیکُمْ، وَخَلَّفْتُ فِیکُمُ الْعَلَمَ الْأَکْبَرَ عَلَمَ الدِّینِ وَنُورَ الْهُدی وَصِیی عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ، إِلّا هُوَ حَبْلُ اللَّهِ فَاعْتَصِمُوا بِهِ جَمِیعاً وَلا تَفَرَّقُوا»؛(3)

«آگاه باشید که من بین شما کتاب خدا را باقی گذاشتم که نور و هدایت و بیان در آن است، که خداوند هیچ چیزی را در آن کم نگذاشته و حجّت خدا بر شما می باشد، همچنین بزرگ ترین پرچم و نشانه را برای شما گذاشتم، پرچم دین و نور هدایت که جانشین من یعنی علی بن ابی طالب است؛ بدانید که او حبل اللَّه است پس همگی به او چنگ زنید و متفرق نشوید».

25 الْحُجَّهُ الْبالِغَهُ

دلیل و حجّتی که به همه می رسد و عالم و جاهل به آن آگاهی پیدا می کنند، لذا این حقّ خداست که روز قیامت با همه احتجاج کند. همان که

خدای تعالی در آیه قرآن فرموده: «فَلِلّٰهِ الْحُجَّةُ الْبالِغَةُ» و علی حجت بالغه الهی است.

در حدیثی طولانی نقل شده: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در حالی که فضایل و مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام را بیان می فرمود، به یک باره عباس عموی آن حضرت از جا برخاست و بین دو چشم علی را بوسید و گفت: به خدا قسم که تو حجت بالغه خدایی، برای هر کسی که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشد.(4)

در یکی از زیارات مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلی حُجَّهِ اللَّهِ الْبالِغَهِ»؛(5)

«سلام بر تو که حجت بالغه الهی هستی».

1- 87. بحارالانوار، ج 4، ص 9.
2- 88. سوره آل عمران، آیه 103.
3- 89. بحارالانوار، ج 22، ص 486.
4- 90. بحارالانوار، ج 37، ص 82؛ تأویل الآیات، ص 143.
5- 91. بحارالانوار، ج 97، ص 287؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 222؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

26 حِزْبِيلٌ

حزبیل نام همان مؤمن آل فرعون است که در قرآن به آن اشاره شده است، که می فرماید:

«وَقالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ یکْتُمُ إِیمانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلاً أَنْ یقُولَ رَبِّی اللَّهُ وَقَدْجاءَکُمْ بِالْبَیناتِ مِنْ رَبِّکُمْ وَإِنْ یکُ کاذِباً فَعَلَیهِ کَذِبُهُ وَإِنْ یکُ صادِقاً یصِبْکُمْ بَعْضُ الَّذِی یعِدُکُمْ إِنَّ اللَّهَ لا یهْدِی مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ کَذّابٌ»؛(1)

«و مرد مؤمنی از آل فرعون که ایمان خود را پنهان می داشت گفت: آیا می خواهید مردی را بکشید به خاطر این که می گوید: پروردگار من "اللَّه" است، در حالی که دلایل روشنی از سوی پروردگارتان برای شما آورده؟! اگر دروغ گو باشد، دروغ دامن خودش را خواهد گرفت؛ و اگر راست گو باشد، بعضی از عذابهایی را که وعده می دهد به شما خواهد رسید؛ خداوند کسی را که اسراف کار و بسیار دروغگوست هدایت نمی کند».

امام علی علیه السلام فرموده است:

«أَنَا اسْمِی فِی الْاِنْجِیلِ اِلْیا، وَفِی صُحُفِ اِبْراهِیمِ حِزْبِیلٌ»؛(2)

«نام من در انجیل، الیا و در صحف ابراهیم، حزبیل است».

27 الْحَسْرَهُ

«وَإِنَّهُ لَحَسْرَهٌ عَلَی الْکافِرِینَ»؛(3)

«و آن مایه حسرت کافران است».

از امام صادق علیه السلام نقل شده: مراد از «الحسره» در این آیه شریفه امیرالمؤمنین علیه السلام است.(4)

بسیاری افراد روز قیامت، به جهت کوتاهی در حقّ وی، فریاد واحسرتا سر می دهند:

«یا حَسْرَتی عَلی ما فَرَّطتُ فِی جَنْبِ اللَّهِ»؛(5)

«افسوس بر من از کوتاهی هایی که در اطاعت فرمان خدا کردم».

«وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شآءَ ...»؛(6)

«بگو: این حقّ است از سوی پروردگار شما! هرکس می خواهد...».

در مورد این آیه، از امام باقرعلیه السلام نقل شده که فرمود: مراد از حقّ در این آیه، ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام است.(7) همچنین است آیه شریفه:

«أَفَمَن یعْلَمُ أَنَّما أُنْزِلَ إِلَیکَ مِنْ رَبِّکَ الْحَقُّ کَمَنْ هُوَ أَعْمی ...»؛(8)

«آیا کسی که می داند آنچه ازطرف پروردگارت بر تو نازل شده حق است، مانند کسی است که نابینا است؟! ...».

هم از ابن عباس و هم از امام باقرعلیه السلام نقل شده: مراد از حقّ، علی بن ابی طالب علیه السلام است.(9)

1- 92. سوره غافر، آیه 28.
2- 93. بحارالانوار، ج 35، ص 62؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 276.
3- 94. سوره حاقه، آیه 50.
4- 95. بحارالانوار ج 36،ص 149. تفسیرعیاشی ج 2،ص 268.
5- 96. بحارالانوار، ج 36، ص 150.
6- 97. سوره کهف، آیه 29.
7- 98. اصول کافی، ج 1، ص 424؛ الصراط المستقیم، ج 1، ص 291؛ تفسیر القمی، ج 2، ص 289.
8- 99. سوره رعد، آیه 19.
9- 100. بحارالانوار، ج 36، ص 124.

29 حَقُّ الْيقِينِ

حقیقت و اصل یقین خالص.

«وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيقِينِ»؛(1)

«و آن یقین خالص است».

در تفسیر این آیه شریفه، از امام صادق علیه السلام نقل شده: مراد علی بن ابی طالب علیه السلام است.(2)

30 الْخاشِعُ فِی الْقُرْآنِ

«وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلاهِ وَإِنَّها لَكَبِيرَهٌ إِلّا عَلَى الْخاشِعِينَ»؛(3)

«ازصبر و نماز یاری جویید و بااستقامت و مهار هوس های درونی و توجه به پروردگار، نیرو بگیرید. این کار جز برای خاشعان گران است».

الخاشع یکی از اسامی قرآنی امیرمؤمنان علیه السلام است. ابن عباس درباره آیه شریفه می گوید:

«اَلْخاشِعُ الذَّلِيلُ فِی صَلاتِهِ الْمُقْبِلُ عَلَيها: رَسُولُ اللَّهِ وَعَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ»؛(4)

«مراد از خاشع و کسی که در نمازش خاشع و ذلیل است و به آن اقبال دارد، رسول خداصلی الله علیه وآله و علی بن ابی طالب علیه السلام است».

31 خَصْمُ الْكُفّارِ

«هذانِ خَصْمانِ اخْتَصَمُوا فِی رَبِّهِمْ»؛(5)

«اینان دو گروه اند که درباره پروردگارشان به مخاصمه و جدال پرداختند».

روایات بسیاری در کتب شیعه و اهل سنّت نقل شده: این آیه شریفه درباره امیرالمؤمنین علی علیه السلام و حمزه و عبیده در جنگ بدر نازل شده است.(6)

32 دابَّهُ الْأَرْضِ

جنباننده و گرداننده روی زمین، چنان که آیه شریفه می فرماید:

«وَإِذا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيهِمْ أَخْرَجْنا لَهُمْ دآبَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَ النّاسَ كانُوابِآياتِنالايوقِنُونَ»؛(7)

«وقتی فرمان عذاب آنها رسد (و در آستانه رستاخیز قرار گیرند)، جنبنده ای را از زمین برای آنها خارج کنیم که با آنان تکلّم می کند (و می گوید) که مردم به آیات ما ایمان نمی آوردند».

رسول خداصلی الله علیه وآله درباره این آیه شریفه فرمود:

«عَلِی دآبَّهُ الْأَرْضِ وَفاصِلُ الْقَضآءِ»؛(8)

«علی علیه السلام همان گرداننده زمین و فیصله دهنده قضاوت ها می باشد».

از امیرمؤمنان علیه السلام نیز نقل شده که فرمود:

«أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَأَنَا دآبَّهُ الْأَرْضِ»؛(9)

«من بنده خداوند، و همان جنباننده و گرداننده زمین هستم».

1- 101. سوره حاقه، آیه 51.
2- 102. بحارالانوار، ج 36، ص 149.
3- 103. سوره بقره، آیه 45.
4- 104. بحارالانوار، ج 35، ص 348؛ تفسیر فرات، ص 59؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 20.
5- 105. سوره حج، آیه 19.
6- 106. السنن الکبری، ج 3، ص 391؛ تفسیر الطبری، ج 10، ص 131؛ صحیح مسلم، ج 4، ص 34.
7- 107. سوره نمل، آیه 82.
8- 108. بحارالانوار، ج 40، ص 57.

9- 109. بحارالانوار، ج 39، ص 243؛ و ج 41، ص 5؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 102.

33 الدّاعِی

«یوْمَئِذٍ یتَّبِعُونَ الدّاعِی لا عِوَجَ لَهُ»؛(1)

«در آن روز، همه از دعوت کننده الهی پیروی نموده، و قدرت بر مخالفت او ندارند».

امام کاظم علیه السلام از امام صادق علیه السلام فرمود: از پدرم درباره این آیه پرسیدم، فرمود: مراد از داعی، علی علیه السلام است.(2)

34 دِینُ الْحَقِّ

«هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَدِینِ الْحَقِّ لِیظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ»؛(3)

«او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند».

محمّد بن فضیل می گوید: امام کاظم علیه السلام در مورد این آیه شریفه فرمود:

«هُوَ الَّذِی أَمَرَ رَسُولَهُ بِالْوِلایهِ لِوَصِیهِ، وَالْوِلایهُ هِی دِینُ الْحَقِّ»؛(4)

«او آن است که خداوند پیامبرصلی الله علیه وآله را امر فرمود برای وصی خود به ولایت که ولایت همان دین حقّ است».

35 الذّاکِرُ

کسی که ذکر خدای تعالی را می گوید و او را در هر حال به یاد می آورد.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

«أَنَا الذّاکِرُ یقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «اَلَّذِینَ یذْکُرُونَ اللَّهَ قِیاماً وَقُعُوداً وَعَلی جُنُوبِهِمْ»(5)»؛(6)

«من همان ذاکری هستم که خداوند می فرماید: «کسانی که در حال ایستاده، نشسته و به پهلو خوابیده به یاد خدا هستند»».

36 ذِكْرُ الرَّسُولِ

ابن عباس درباره آیه «ذِكْراً رَسُولاً»(7) گوید:

«اَلنَّبِی ذِكْرٌ مِنَ اللَّهِ وَعَلِی ذِكْرٌ مِنْ مُحَمَّدٍ، كَما قالَ: «وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْئَلُونَ»(8)؛

«رسول خدا ذکری از خداست و علی نیز ذکری از محمّد است، چنان که خدا فرموده است: «و این مایه یادآوری (و عظمت) تو و قوم تو است» و به زودی سؤال خواهید شد».(9)

37 ذُو الْقَلْبِ

کسی که دارای قلب و عقل است، چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

أَنَا ذُوالْقَلْبِ فَیقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «إِنَّ فِی ذلِكَ لَذِكْری لِمَنْ كانَ لَهُ قَلْبٌ »؛(10)

«من صاحب قلبی هستم، که خداوند فرموده: «در این تذکّری است برای آن که قلب دارد»».(11)

1- 110. سوره طه، آیه 108.
2- 111. بحارالانوار، ج 36، ص 127.
3- 112. سوره صف، آیه 9.
4- 113. اصول کافی، ص 358.
5- 114. سوره آل عمران، آیه 191.
6- 115. بحارالانوار، ج 35، ص 46؛ معانی الاخبار، ص 58.
7- 116. سوره طلاق، آیه 10.
8- 117. سوره زخرف، آیه 44.
9- 118. بحارالانوار، ج 35، ص 403؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 97.
10- 119. سوره ق. آیه 37.
11- 120. بحارالانوار، ج 35، ص 46 و ج 33، ص 282؛ بشاره المصطفی، ص 13. شواهد التنزیل، ج 2، ص 899.

38 ذُو مَتْرَبَهٍ

«أَوْ مِسْكِيناً ذا مَتْرَبَهٍ»؛(1)

«یا مستمندی خاک نشین را».

نقل شده: امام باقرعلیه السلام در مورد این آیه فرمود: مراد امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ او مترب بالعلم است؛ از نظر علم از همه بی نیاز است، و به اندازه کل زمین علم دارد.(2)

39 ذِی الْقُرْبی

مراد از ذی القربی در آیات شریفه، اهل بیت پیامبر و افضل ایشان امیرمؤمنان علیه السلام است.(3)

از جمله در آیه شریفه می فرماید:

«وَاعْلَمُوا أَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَی ءٍ فَأَنَّ للَّهِ ِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِی الْقُرْبی ..»؛(4)

«بدانید هر غنیمتی بدست آورید، خمس آن برای خدا و پیامبر، و برای ذی القربی و ... است».

40 الرّاکِعُونَ فِی الْقُرْآنِ

«إِنَّما وَلِیکُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِینَ آمَنُوا الَّذِینَ یقِیمُونَ الصَّلاهَ وَیؤْتُونَ الزَّکاهَ وَهُمْ راکِعُونَ»؛(5)

«سرپرست و ولی شما، تنها خدا و پیامبر او است و آنها که ایمان آورده اند؛ همانها که نماز را برپا می دارند، و در حال رکوع، زکات می دهند».

شیعه و سنّی نقل کرده اند: این آیه، فقط در حقّ امیرمؤمنان علیه السلام نازل شده، وقتی در مسجد و در حال رکوع به فقیر و سائل کمک کرد.

پیامبر و اصحاب به مسجد آمدند، از فقیر سؤال کردند: چه کسی به تو کمک کرد، گفت: «ذاکَ الرّاکِعُ» که علی بن ابی طالب باشد.(6)

41 الرِّجالُ عَلَی الْأَعْرافِ

«وَبَینَهُما حِجابٌ وَعَلَی الأعْرافِ رِجالٌ یعْرِفُونَ کُلاّ بِسِیماهُمْ»؛(7)

«و در میان آن دو گروه [بهشتیان و دوزخیان ، حجابی است، و بر اعراف، مردانی هستند که هریک از آن دو را از چهره شان می شناسند».

حضرت زهراعلیها السلام فرمود: از پدرم رسول خداصلی الله علیه وآله پرسیدم: مراد از اعراف در این آیه کیانند؟

آن حضرت فرمود:

«هُمُ الْأَئِمَّهُ بَعْدِی عَلِی وَسِبْطای وَتِسْعَهٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَینِ، هُمْ رِجالُ الْأَعْرافِ»؛(8)

«مراد امامان پس از من هستند، ایشان علی و دو سبط من و نه امام از نسل حسین علیهم السلام که مردان اعراف هستند».

بنابراین فقط کسانی وارد بهشت می شوند که ایشان را بشناسند و کسانی داخل جهنم می شوند که منکر ایشان باشند.

1- 121. سوره بلد، آیه 16.
2- 122. بحارالانوار، ج 24، ص 282؛ تفسیرقمی، ج 2،ص 422.
3- 123. الاحتجاج، ج 2، ص 306. المعجم الصغیر ج 1، ص 76؛ شواهد التنزیل، ج 1، ص 189.
4- 124. سوره انفال، آیه 41.
5- 125. سوره مائده، آیه 55.
6- 126. بحارالانوار، ج 35، ص 185؛ تفسیر فرات، ص 128؛ العمده، ص 123. کنز العمال، ج 6، ص 391؛ تاریخ دمشق، ج 42، ص 357 و کتب دیگر از اهل سنت.
7- 127. سوره اعراف، آیه 46.
8- 128. بحارالانوار، ج 36، ص 351.

42 الرَّحْمَهُ

«قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذلِکَ فَلْيفْرَحُوا هُوَخَيرٌ مِمّا يجْمَعُونَ»؛(1)

«بگو: به فضل و رحمت خدا باید خوشحال شوند؛ این از تمام آنچه جمع کرده اند، بهتراست».

«... وَلَوْلا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيطانَ إِلّا قَلِيلاً»؛(2)

«... و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، جز عدّه کمی، همگی از شیطان پیروی می کردید».

یکی از اسامی قرآنی امیرمؤمنان علیه السلام رحمت است؛ چنان که ابن عباس درباره آیه می گوید:

«بِفَضْلِ اللَّهِ النَّبِی صلی الله علیه وآله وَبِرَحْمَتِهِ عَلِی علیه السلام»؛(3)

«مراد از فضل خدا، رسول خداست و مراد از رحمت، علی بن ابی طالب است».

همچنین در تفسیر قمی آمده است:

«اَلْفَضْلُ رَسُولُ اللَّهِ وَالرَّحْمَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام، فَبِذلِکَ فَلْيفْرَحُوا، قالَ: فَلْيفْرَحْ شِيعَتُنا هُوَ خَيرُ مِمّا أُعْطِی أَعْداؤُنا مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّهِ»؛(4)

«مراد از فضل، رسول خدا و منظور از رحمت، امیرمؤمنان است، پس (شیعیان ما) به آن باید خوشحال باشند؛ چون این بهتر از طلا و نقره ای است که به دشمنان ما داده شود».

43 الزُّجاجَهُ

حباب شفّاف و درخشنده. و مصباح نیز یعنی چراغ؛

«فِيها مِصْباحٌ الْمِصباحُ فِی زُجاجَهٍ»؛(5)

«آن چراغ در حبابی قرار گیرد، حبابی شفاف و درخشنده همچون یک ستاره فروزان».

فرمود: «مراد علم رسول اللّه صلی الله علیه وآله است که بر قلب امیرمؤمنان علیه السلام وارد شده».(6)

44 الزُّلْفَهُ

ذا زلفه؛ کسی که رتبه و درجه ای دارد.

«فَلَمّا رَأَوْهُ زُلْفَهً سِیئَتْ وُجُوهُ الَّذِینَ کَفَرُوا وَقِیلَ هذَا الَّذِی کُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ»؛(7)

«وقتی آن (وعده الهی) را از نزدیک می بینند، صورت کافران زشت و سیاه می گردد، و به آنها گفته شود: این همان چیزی است که می خواستید».

امام صادق علیه السلام فرمود: مراد از زلفه در این آیه، امیرالمؤمنین علیه السلام است.

«إذا رَأَوْا مَنْزِلَتَهُ وَمَکانَهُ مِنَ اللَّهِ أَکَلُوا أَکُفَّهُمْ عَلی ما فَرَّطُوا فِی وِلایتِهِ. وَإِذا رَأَوْا صُورَهَ أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ یوْمَ الْقِیامَهِ سِیئَتْ وُجُوهُ الَّذِینَ کَفَرُوا»؛(8)

«هرگاه مقام و منزلت آن حضرت را نزد خدای متعال ببینند، به خاطر کوتاهی که در ولایت آن حضرت داشتند دست های خود را می خورند و می گزند؛ هرگاه صورت امیرالمؤمنین را ببینند چهره کافران سیاه و غم آلود می شود.

1- 129. سوره یونس، آیه 58.
2- 130. سوره نساء، آیه 83.
3- 131. بحارالانوار، ج 35، ص 423.
4- 132. بحارالانوار، ج 35، ص 423؛ مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص 180؛ تفسیر القمی، ج 1، ص 145.
5- 133. سوره نور، آیه 35.
6- 134. بحارالانوار، ج 23، ص 36؛ الاختصاص، ص 278؛ تأویل الآیات، ص 356؛ التوحید، ص 158.
7- 135. سوره ملک، آیه 27.
8- 136. بحارالانوار، ج 36، ص 67.

در یکی از زیارات مطلقه آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ أَیهَا الصِّدِّیقُ الْأَکْبَرُ... وَالزُّلْفَهُ وَالْکَوْثَرُ»؛(1)

سلام بر تو ای صدیق اکبر ... ای زلفه و کوثر».

45 الزَّیتُونُ

زیتون هم از القاب قرآنی امیرمؤمنان علیه السلام گفته شده است؛ چنان که در تفسیر قمی ذیل آیه شریفه نقل شده است: «وَالتِّینِ وَالزَّیتُونِ»(2) مراد از تین، رسول خداست و مقصود از زیتون، امیرالمؤمنین است.(3)

46 السّائِقُ

یکی دیگر از القاب قرآنی امام علی علیه السلام سائق است، به معنای سوق دهنده و یا راننده است.

«وَجآءَتْ کُلُّ نَفْسٍ مَعَها سآئِقٌ وَشَهِیدٌ»؛(4)

«هر انسانی وارد محشر می گردد در حالی که همراه او حرکت دهنده و گواهی است».

امام صادق علیه السلام در مورد این آیه شریفه فرمود:

«اَلسّائِقُ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ وَالشَّهِیدُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وآله»؛(5)

«مراد از سائق امیرمؤمنان علیه السلام است و شهید (شاهد) نیز رسول خداصلی الله علیه وآله می باشد».

47 السّابِقُونَ

«وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِکَ الْمُقَرَّبُونَ»؛(6)

«و سومین گروه، پیشگامان پیشگامند، آنها مقرّبانند».

ابن عباس می گوید: از پیامبر خداصلی الله علیه وآله درباره این آیه سؤال کردم، فرمود:

«قالَ لِی جَبْرَئِیلُ: ذلِکَ عَلِی وَشِیعَتُهُ هُمُ السّابِقُونَ إِلَی الْجَنَّهِ الْمُقَرَّبُونَ مِنَ اللّهِ بِکَرامَتِهِ لَهُمْ»؛(7)

«جبرئیل به من گفت: مراد از سابقون علی و شیعیان او هستند که به سوی بهشت سبقت گرفته اند و از نزدیکان به خدا هستند که خداوند این کرامت را به آنان داده است».

48 السّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ

در مورد آیه شریفه: «وَالسّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهاجِرِینَ وَالْأَنْصارِ»(8) نقل شده که: ایشان چند نفر انگشت شمارند و اوّل ایشان هم علی علیه السلام است که از همه زودتر ایمان آورده است.(9)

49 السّاجِدُ

کسی که برای خدا سجده می کند.

«أَمَّنْ هُوَ قانِتٌ آناءَ اللَّیلِ ساجِداً وَقآئِماً یحْذَرُ الْآخِرَهَ وَیرْجُوا رَحْمَهَ رَبِّهِ»؛(10)

«(آیا چنین کسی باارزش است) یا کسی که در ساعات شب به عبادت مشغول است و در حال سجده و قیام، از عذاب آخرت می ترسد و به رحمت پروردگارش امیدوار است؟!».

1- 137. بحارالانوار، ج 97، ص 347.
2- 138. سوره تین، آیه 1.
3- 139. بحارالانوار، ج 24، ص 105؛ تفسیرقمی، ج 2،ص 430.
4- 140. سوره ق، آیه 21.
5- 141. تأویل الآیات، ص 589؛ بحارالانوار، 36/72.
6- 142. سوره واقعه، آیات 10 و 11.
7- 143. بحارالانوار، ج 35، ص 332.
8- 144. سوره توبه، آیه 100.
9- 145. بحارالانوار، ج 36، ص 166. تفسیر القشیری، ج 3، ص 180؛ تاریخ دمشق، ج 42، ص 44؛ شواهد التنزیل، ج 1، ص 333.
10- 146. سوره زمر، آیه 9.

از القاب امیرالمؤمنین علیه السلام در قرآن کریم، بوده و این آیه درباره آن حضرت نازل شده.(1)

50 السَّبِیلُ

راه. از القاب مولا علی علیه السلام در قرآن است.

«یا لَیتَنِی اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِیلاً»؛(2)

«ای کاش با رسول خدا راهی برگزیده بودم».

امام باقرعلیه السلام در مورد این آیه شریفه فرمود:

«یا لَیتَنِی اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ عَلِیاً»؛(3)

«ای کاش همراه پیامبر، علی را قبول می کردم».

51 سَلَمُ رَسُولِ اللَّهِ

امیرالمؤمنین علیه السلام به طور خالص و مخلص، تسلیم و در اختیار رسول خداصلی الله علیه وآله بود.

«ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً رَجُلاً فِیهِ شُرَکَآءُ مُتَشاکِسُونَ وَرَجُلاً سَلَماً لِرَجُلٍ هَلْ یسْتَوِیانِ مَثَلاً»؛(4)

«خداوند مثالی زده است: مردی که مملوک شریکانی است و درباره اش مدام با هم مشاجره می کنند، و مردی که تنها تسلیم یک نفر است؛ آیا این دو یکسانند؟!».

امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد این آیه شریفه فرموده است:

«وَأَنَا السَّلَمُ لِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه وآله یقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ «وَرَجُلاً سَلَماً لِرَجُلٍ»؛(5)

«من آن رجل سَلم برای رسول خداصلی الله علیه وآله هستم که خداوند متعال می فرماید رجلاً سلماً لرجل».

ابو خالد کابلی نیز از امام باقرعلیه السلام همین آیه را سؤال کرده که امام فرمود:

«الرَّجُلُ السَّلَمُ لِرَجُلٍ، عَلِی علیه السلام وَشِیعَتُهُ»؛(6)

«همانا رجل سَلم، علی و شیعیان او هستند».

52 الشّاهِدُ

شخصی به امام علی علیه السلام عرض کرد: بهترین منقبت شما چیست؟ فرمود: آنچه در مورد من در قرآن نازل شده است.

گفت: چه چیزی نازل شده است؟

فرمود: «أَفَمَنْ کانَ عَلی بَینَهٍ مِنْ رَبِّهِ وَیتْلُوهُ شاهِدٌ مِنْهُ...»(7)

«أَنَا الشّاهِدُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه وآله»؛(8)

«من همان شاهد پیامبر خدایم».

امام باقرعلیه السلام نیز فرموده است:

«إِنَّما نُزِلَتْ «أَفَمَنْ کانَ عَلی بَینَهٍ مِنْ رَبِّهِ» یعْنِی رَسُولَ اللَّهِ. «وَیتْلُوهُ شاهِدٌ مِنْهُ» یعْنِی عَلِیاً أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ»؛(9)

«مراد از آیه «آیا آن کس که دلیل آشکاری از پروردگار خویش دارد» رسول خداصلی الله علیه وآله و مراد از آیه «و به دنبال آن، شاهدی از سوی او می باشد» امیر مؤمنان علی علیه السلام می باشد».

1- 147. بحارالانوار، ج 35، ص 375؛ تأویل الآیات، ص 501؛ تفسیر القمی، ج 2، ص 245.
2- 148. سوره فرقان، آیه 27.
3- 149. بحارالانوار، ج 35، ص 363؛ تأویل الآیات، ص 370؛ تفسیر القمی، ج 2، ص 112.
4- 150. سوره زمر، آیه 29.

5- 151. بحارالانوار، ج 35، ص 46؛ بشاره المصطفی، ص 13؛ مناقب آل ابی طالب،ج 2،ص 104؛معانی الاخبار،ص 58.
6- 152. تأویل الآیات، ص 504. شواهد التنزیل، ج 2، ص 176.
7- 153. سوره هود، آیه 17.
8- 154. بحارالانوار، ج 35، ص 387.
9- 155. مدرک پیشین. تفسیر الخازن، ج 3، ص 445.

53 الشَّجَرُ

«وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يسْجُدانِ»؛(1)

«و گیاه و درخت برای او سجده می کنند».

روایت شده که فرمود: مراد از نجم رسول خداصلی الله علیه وآله و مقصود از شجر، امیرمؤمنان علیه السلام است با سایر امامان علیهم السلام.(2)

54 الشَّجَرُ بَينَهُمْ

«فَلا وَرَبِّکَ لايؤْمِنُونَ حَتّى يحَكِّمُوکَ فِيما شَجَرَ بَينَهُمْ، ثُمَّ لايجِدُوا فِى أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمّا قَضَيتَ وَيسَلِّمُوا تَسْلِيماً»؛(3)

«به پروردگارت سوگند! آنها ایمان نمی آورند مگر اینکه در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند؛ و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشند».

از امام صادق علیه السلام روایت شده: مراد از «شجر» در آیه، امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام است.(4)

55 شَجَرَةٌ مُبارَكَةٌ

«يوقَدُ مِن شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ زَيتُونَه»؛(5)

«این چراغ با روغنی افروخته می شود که از درخت پربرکت زیتونی گرفته شده».

روایت شده: مراد از شجره مبارکه، علی بن ابی طالب علیه السلام است.(6)

56 شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ

«أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ»؛(7)

«آیا کسی که خدای تعالی سینه اش را برای اسلام گشاده و بر فراز مرکبی از نور الهی قرار گرفته (همچون کوردلان گمراه است؟!)».

در روایت آمده: این آیه شریفه در مورد علی علیه السلام و حمزه نازل شده است.(8)

57 الشَّفْعُ

«وَالْفَجْرِ * وَلَيالٍ عَشْرٍ * وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ»؛(9)

«به سپیده دم سوگند * و به شب های ده گانه * و به زوج و فرد».

جابر جعفی در مورد آیه شریفه می گوید: امام به من فرمود: ای جابر! «وَالْفَجْرِ» جدّ من است «وَلَيالٍ عَشْرٍ» ده امام می باشند «وَالشَّفْعِ» امیرالمؤمنین، «وَالْوَتْرِ» هم اسم قائم است.(10)

58 صاحِبُ آیهِ الْبَرائَهِ

آیات ابتدایی سوره مبارکه توبه می فرماید:

«وَأَذانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النّاسِ يوْمَ الْحَجِّ الأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيرٌ لَكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذابٍ أَلِيمٍ * إِلَّا الَّذِينَ عاهَدتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ ينقُصُوكُمْ شَيئاً وَلَمْ يظاهِرُوا عَلَيكُمْ أَحَداً فَأَتِمُّوا إِلَيهِمْ عَهْدَهُمْ

1- 156. سوره الرحمن، آیه 6.
2- 157. بحارالانوار، ج 24، ص 309؛ تأویل الآیات، ص 612.
3- 158. سوره نساء، آیه 65.
4- 159. بحارالانوار، ج 36، ص 96.
5- 160. سوره نور، آیه 35.
6- 161. بحارالانوار، ج 23، ص 324؛ معانی الاخبار، ص 15.
7- 162. سوره زمر، آیه 22.
8- 163. تفسیر آلوسی، ج 17، ص 453؛ تفسیر الثعالبی، ج 3، ص 322؛ تفسیر المحرر الوجیز، ج 5، ص 474.
9- 164. سوره فجر، آیات 1 - 3.
10- 165. مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 281.

إِلى مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يحِبُّ الْمُتَّقِينَ * فَإِذَا انْسَلَخَ الأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِنْ تابُوا وَأَقامُوا الصَّلاةَ وَآتَوا الزَّكاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ (1)

«و این، اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به (عموم) مردم در روز حج اکبر [عید قربان] که: خدا و پیامبرش از مشرکان بیزارند! با این حال، اگر توبه کنید، برای شما بهتر است! و اگر سرپیچی نمایید، بدانید شما نمی توانید خدا را ناتوان سازید (و از قلمرو قدرتش خارج شوید)! و کافران را به مجازات دردناک بشارت ده! * مگر مشرکانی را که با آنها عهد بستید، و چیزی از آن را در حقّ شما فروگذار نکردند، و احدی را بر ضدّ شما تقویت ننمودند؛ پیمان آنها را تا پایان مدّتشان محترم بشمرید؛ زیرا خداوند پرهیزگاران را دوست دارد. * (امّا) وقتی ماه های حرام پایان گرفت، مشرکان را هرجا یافتید به قتل برسانید، و آنها را اسیر سازید و محاصره کنید، و در هر کمین گاه، بر سر راه آنها بنشینید! هرگاه توبه کنند و نماز را برپا دارند و زکات را بپردازند، آنها را رها سازید؛ زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است!

از ابن عمر نقل شده: پیامبر خداصلی الله علیه وآله ابوبکر را با آیات برائت به مکّه فرستاد، وقتی به ذوالحلیفه رسید، علی علیه السلام را به دنبال وی فرستاد تا آیات را تحویل بگیرد.

ابوبکر گفت: مگر مشکلی پیش آمده؟

فرمود: نه.

ابوبکر خدمت رسول خداصلی الله علیه وآله آمد و گفت: مطلب چیست؟ حضرت فرمود: دستور الهی است که این آیات را یا من باید قرائت کنم یا کسی که از خودم باشد... .

امام علی علیه السلام آیات برائت را به مکّه آورد و در مراسم حج در حضور مشرکان و سران آنان، این آیات را با شجاعت ابلاغ نمود.(2)

«إِنَّما وَلِیکُمُ اللّهُ وَرَسُولَهُ وَالّذِینَ آمَنُوا الّذِینَ یقِیمُونَ الصَّلاهَ وَیؤْتُونَ الزَّکاهَ وَهُمْ راکِعُونَ»؛(3) «سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده اند؛ همانها که نماز را برپا می دارند، و در حال رکوع، زکات می دهند».

این آیه شریفه درباره امام علی علیه السلام نازل شده؛ چنان که رسول خداصلی الله علیه وآله آن را تأیید کرده است:

«عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ أَقامَ الصَّلاهَ وَآتَی الزَّکاهَ وَهُوَ راکِعٌ یرِیدُ وَجْهَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِی کُلِّ حالٍ»؛(4)

«علی بن ابی طالب علیه السلام نماز اقامه نمود و زکات پرداخت کرد؛ در حالی که در رکوع بود و خواهان قرب الهی در هر حالی است».

شأن نزول آیه: وقتی این آیه نازل شد، رسول خداصلی الله علیه وآله به طرف مسجد آمد، سائلی را

1- 166. سوره توبه، آیات 3 و 4.
2- 167. بحارالانوار، ج 35، ص 284؛ و نیز رجوع کنید به کتاب: فروغ ابدیت یا فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام.
3- 168. سوره مائده، آیه 55.
4- 169. وسائل الشیعه، ج 9، ص 478.

دید که از مسجد بیرون می آمد، فرمود: آیا کسی به تو چیزی داد؟ گفت: آری آن آقایی که مشغول نماز است. و او امیرمؤمنان علیه السلام بود که در حال رکوع به سائل فقیر کمک نمود.(1)

60 صاحِبُ آیهِ النَّجْوی

پیامبرصلی الله علیه وآله خوش مشرب و خوش برخورد و با مردم مهربان و خودمانی بود، اصحاب هم همیشه و هروقت دوست داشتند به خدمت حضرت می رسیدند و با ایشان خلوت نموده، تقاضای ملاقات خصوصی می کردند و از هر دری سخن می گفتند. گاه این مجالس طولانی و زیاد می شد و پیامبر خداصلی الله علیه وآله را از کارهایش بازمی داشت، تا اینکه آیه شریفه نازل شد:

«یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذا ناجَیتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَینَ یدَی نَجْویکُمْ صَدَقَةً ذلِکَ خَیرٌ لَکُمْ وَأَطْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ»؛(2)

«ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که می خواهید با رسول خدا نجوا کنید (و سخنان درگوشی بگویید)، قبل از آن صدقه ای (در راه خدا) بدهید. این برای شما بهتر و پاکیزه تر است و اگر توانایی ندارید، خداوند غفور و رحیم است».

امّا آنان که فقیر بودند، چیزی نداشتند که بدهند و آنان که پول داشتند بخل ورزیدند و ندادند. تنها کسی که به این آیه عمل کرد امام علی علیه السلام بود.(3) چنان که حضرت فرمود: در قرآن آیه ای است که هیچ کسی غیر از من به آن عمل نکرد، نه قبل از من و نه بعد از من، و آن آیه مناجات است؛ چون من یک دینار داشتم آن را به چند درهم فروخته و هرگاه خدمت حضرت می رسیدم یک درهم صدقه می دادم.

تا اینکه آیه نسخ شد با آیه: «ءَأَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَینَ یدَی نَجْویکُمْ صَدَقاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتابَ اللَّهُ عَلَیکُمْ فَأَقِیمُوا الصَّلاةَ وَآتُوا الزَّکاةَ وَأَطِیعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ خَبِیرٌ بِما تَعْمَلُونَ»؛(4)

«آیا ترسیدید فقیر شوید که از دادن صدقات قبل از نجوا خودداری کردید؟! اکنون که این کار را نکردید و خداوند توبه شما را پذیرفت، نماز را برپا دارید و زکات را ادا کنید و خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید و (بدانید) خداوند از آنچه انجام می دهید باخبر است».(5)

61 صاحِبُ آیهِ وَالنَّجْمِ

«وَالنَّجْمِ إِذا هَوی ماضَلَ صاحِبُکُمْ وَماغَوی ؛(6)

«سوگند به ستاره هنگامی که افول می کند، هرگز دوست شما (محمّد) منحرف نشده و مقصد را گم نکرده است».

ص:20

1- 170. بحارالانوار، ج 35، ص 183؛ امالی صدوق، ص 124؛ ارشاد القلوب، ج 2، ص 260؛ اقبال الاعمال، ص 304؛ الافصاح، ص 132. تفسیر الرازی، ج 6، ص 87؛ تفسیر البیضاوی، ج 2، ص 88؛ تفسیر ابن کثیر، ج 3، ص 138؛ تفسیر البغوی، ج 3، ص 73.
2- 171. سوره مجادله، آیه 12.
3- 172. المصنّف لابن ابی شیبه، ج 12، ص 81.
4- 173. سوره مجادله، آیه 13.
5- 174. بحارالانوار، ج 35، ص 376؛ العمده، ص 186. شواهد التنزیل، ج 2، ص 320؛ تفسیر الطبری، ج 23، ص 248، تفسیر الصنعانی، ج 3، ص 280.
6- 175. سوره نجم، آیات 1و 2،

ابن عباس در مورد نزول این آیه می گوید: شبی نماز عشا را با رسول خداصلی الله علیه وآله خواندیم، پس فرمود: امشب نور ستاره ای از آسمان در خانه یکی از شما سقوط می کند، هرکه باشد او جانشین من خواهد بود. آن شب، خیلی ها منتظر ماندند و بیش از همه پدرم عباس بن عبدالمطلب بود، ولی نور آن ستاره بر خانه علی بن ابی طالب علیه السلام فرود آمد.

منافقین گفتند: رسول خداصلی الله علیه وآله در محبت به علی خیلی زیاده روی می کند. آن گاه این آیه نازل شد که پیامبرصلی الله علیه وآله در محبت به علی گمراه نشده و از پیش خود نیز چیزی نمی گوید.(1)

62 صاحِبُ الْأَعْرافِ

«وَنادی أَصْحابُ الأَعْرافِ رِجالاً یعْرِفُونَهُمْ بِسِیماهُمْ ...»؛(2)

«و اصحاب اعراف، مردانی (دوزخیان) را که از سیمایشان آنها را می شناسند، صدا می زنند...».

رسول خداصلی الله علیه وآله درباره این آیه فرمود:

«یا عَلِی! إِنَّکَ وَالْأَوْصِیاءِ مِنْ بَعْدِکَ أَعْرافٌ بَینَ الْجَنَّهِ وَالنّارِ»؛(3)

«ای علی! تو و جانشینان بعد از تو همان اعراف بین بهشت و جهنم هستند».

علی علیه السلام نیز در قسمتی از خطبه خود فرمود:

«سَلُونِی قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِی، أَنَا یعْسُوبُ الْمُؤْمِنِینَ وَغایهُ السّابِقِینَ وَلِسانُ الْمُتَّقِینَ وَخاتِمُ الْوَصِیینَ وَخَلِیفَهُ رَبِّ الْعالَمِینَ، أَنَا قَسِیمُ النّارِ، أَنَا صاحِبُ الْجِنانِ، أَنَا صاحِبُ الْأَعرافِ، أَنَا صاحِبُ الْحَوْضِ»؛(4)

«بپرسید از من قبل از آنکه مرا از دست بدهید، من یعسوب مؤمنان و غایت سابقان هستم، من زبان تقواپیشگان، و خاتم جانشینان و جانشین پروردگار جهانیان هستم، من تقسیم کننده آتش جهنم و صاحب بهشت هستم، من صاحب اعراف و صاحب حوض کوثر می باشم».

63 صاحِبُ الْبَینَهِ

«أفَمَنْ كانَ عَلی بَینَهٍ مِنْ رَبِّهِ کَمَن زُینَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أهْوآءَهُمْ»؛(5)

«آیا آن که دلیل روشنی از سوی پروردگارش دارد، مانند کسی است که زشتی اعمال در نظرش آراسته شده و از هوای نفسش پیروی می کند؟».

در مورد این آیه شریفه گفته شده: مراد از کسی که دارای بینه است، امیرمؤمنان علیه السلام است.(6)

«أَشْهَدُ أَنَّکَ کُنْتَ عَلی بَینَهٍ مِنْ رَبِّکَ»؛(7)

«گواهی می دهم که تو از جانب پروردگارت دارای بینه هستی».

64 صاحِبُ صِراطِ السَّوِیّ

صراط السوی؛ راه عدل و حقّ و طریق واضح و روشنی که هیچ کژی و اعوجاج ندارد.

1- 176. بحارالانوار، ج 35، ص 272؛ امالی صدوق، ص 565.
2- 177. سوره اعراف، آیه 48.
3- 178. بحارالانوار، ج 8، ص 336.
4- 179. بحارالانوار، ج 26، ص 154؛ غرر الحکم، ص 118؛ تفسیر عیاشی، ج 2، ص 17.
5- 180. سوره محمّد، آیه 14.
6- 181. بحارالانوار، ج 36، ص 88؛ تفسیر قمی، ج 2، ص 402.
7- 182. اصول کافی، ج 4، ص 570.

«فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحابُ الصِّراطِ السَّوِیّ وَمَنِ اهْتَدی ؛(1)

«امّا به زودی می دانید چه کسی از اصحاب صراط مستقیم، و چه کسی هدایت یافته است».

امام باقرعلیه السلام در مورد این آیه شریفه فرمود:

«عَلِی صاحِبُ الصِّراطِ السَّوِیّ»؛(2)

«علی علیه السلام صاحب صراط حق و راه روشن است».

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلَی اسْمِ اللَّهِ الرَّضِی، وَوَجْهِهِ الْمُضِی ءِ، وَجَنْبِهِ الْقَوِی، وَصِراطِهِ السَّوِی»؛(3)

«سلام بر نام نیکوی خدا و چهره درخشان حقّ و جانب قوی آن و راه عدل و داد و روشن خدا».

65 الصّادِقُ

صادق یکی دیگر از القاب قرآنی امام علی علیه السلام است؛ یعنی کسی که گفتار و رفتارش راست و درست و مطابق حقیقت است. خدای تعالی در آیه شریفه فرموده: «کُونُوا مَعَ الصّادِقِینَ»؛(4)

«ای ایمان آورندگان! با صادقان باشید».

و آن حضرت فرمود: «أَنَا ذلِکَ الصّادِقُ»؛(5) «من آن صادق هستم».

در زیارت مطلقه امیرمؤمنان علیه السلام آمده:

«وَالشّاهِدِینَ، عَلی أَنَّکَ صادِقٌ أَمِینٌ صِدِّیقٌ»؛(6)

«همه گواهی می دهند که تو صادق، امین و صدیق هستی».

66 صالِحُ الْمُؤْمِنِینَ

شایسته ترین مؤمن. هنگامی که آیه «وَصالِحُ الْمُؤْمِنِینَ...»(7) نازل شد،

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ صالِحُ الْمُؤْمِنِینَ»؛(8)

«ای علی! تو شایسته ترین مؤمنان هستی».

در جای دیگر فرمود:

«إِنَّ عَلِیاً بابُ الْهُدی بَعْدِی وَالدّاعِی إِلی رَبِّی وَهُوَ صالِحُ الْمُؤْمِنِینَ»؛(9)

«همانا علی علیه السلام باب هدایت بعد از من، و دعوت گر به سوی خدا و شایسته ترین مؤمنان است».

در زیارت مطلقه آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلی صالِحِ الْمُؤْمِنِینَ»؛(10)

«سلام بر شایسته ترین مؤمنان».

67 الصِّراطُ الْمُسْتَقِیمُ

رسول خداصلی الله علیه وآله خطاب به علی علیه السلام فرمود:

«أَنْتَ الطَّرِیقُ الْواضِحُ، وَأَنْتَ الصِّراطُ الْمُسْتَقِیمُ»؛(11)

1- 183. سوره طه، آیه 135.
2- 184. بحارالانوار، ج 24، ص 150؛ تأویل الآیات، ص 317.
3- 185. الاقبال، ص 610؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین در روز میلاد پیامبر.
4- 186. سوره توبه، آیه 119.
5- 187. بحارالانوار، ج 35، ص 46 و ج 33، ص 282؛ بشاره المصطفی، ص 13. الدرّ المنثور، ج 5، ص 186؛ تفسیر الکشف والبیان، ج 5، ص 109.
6- 188. من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 589؛ کامل الزیارات، ص 44؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

7- 189. سوره تحریم، آیه 4.
8- 190. بحارالانوار، ج 36، ص 30؛ تفسیر فرات، ص 489. الدرّ المنثور، ج 10، ص 57؛ الکشف والبیان، ج 9، ص 349.
9- 191. امالی صدوق، ص 31؛ روضه الواعظین، ج 1، ص 100؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 77.
10- 192. بحارالانوار، ج 97، ص 287؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
11- 193. بحارالانوار، ج 38، ص 100؛ امالی صدوق، ص 306.

«ای علی! تو طریق واضح هستی و تو صراط مستقیم می باشی».

جابر انصاری گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآله اصحابش را حاضر کرده و با اشاره به علی علیه السلام فرمود:

«هذا صِراطٌ مُسْتَقِیمٌ فَاتَّبِعُوهُ»؛(1)

«علی صراط مستقیم است، پس اطاعتش کنید».

«وَإِنَّهُ فِی أُمِّ الْکِتابِ لَدَینا لَعَلِی حَکِیمٌ»؛(2)

«و آن در امّ الکتاب (لوح محفوظ) نزد ما بلندپایه و استوار است».

امام صادق علیه السلام در مورد این آیه فرمود:

«وَهُوَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ فِی أُمِّ الْکِتابِ فِی قَوْلِهِ «اِهْدِنا الصِّراطَ الْمُسْتَقِیمَ»»؛(3)

«مراد آیه، علی علیه السلام است که خداوند در سوره حمد فرموده: «ما را به راه راست هدایت کن»».

و در فرازی از زیارت آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلی صِراطِ اللَّهِ الْمُسْتَقِیمِ»؛(4)

«سلام بر آن که صراط مستقیم خداوند است».

68 الصِّهْرُ

صهر به معنای داماد است.

«وَهُوَ الَّذِی خَلَقَ مِنَ الْماءِ بَشَراً فَجَعَلَهُ نَسَباً وَصِهْراً»؛(5)

«او کسی است که از آب، انسانی را آفرید؛ سپس او را نسب و سبب قرار داد».

ابن عباس گوید: هنگامی که این آیه نازل شد، پیامبرصلی الله علیه وآله دخترش را به عِقد علیِ علیه السلام درآورد.

«فَکانَ لَهُ نَسَباً وَصِهْراً»؛

«پس هم پسرعمویش بود و هم دامادش».

و خود حضرت فرمود:

«أَنَا الصِّهْرُ یقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ «وَهُوَ الَّذِی خَلَقَ مِنَ الْمآءِ بَشَراً فَجَعَلَهُ نَسَباً وَصِهْراً»»؛(6)

«من همان صهر هستم که خدای تعالی در قرآن کریم به آن اشاره فرموده است».

69 الطَّرِیقَهُ

«وَأَلَّوِ اسْتَقامُوا عَلَی الطَّرِیقَهِ لَأَسْقَیناهُمْ مآءً غَدَقاً»؛(7)

«اگر آنها (جنّ و انس) در راه ایمان استقامت ورزند، با آب فراوان سیرابشان می کنیم».

از امام باقرعلیه السلام نقل شده: مراد از طریقه در آیه شریفه، ولایت علی و اوصیاعلیهم السلام است.(8)

70 الطُّورُ

«وَالطُّورِ* وَکِتابٍ مَسْطُورٍ* فِی رَقٍ مَنشُورٍ»؛(9)

«سوگند به کوه طور، و کتابی که نوشته شده، در شماره ای گسترده».

در زیارت مطلقه امیرمؤمنان علیه السلام، با اشاره به این آیه شریفه، به آن حضرت خطاب شده و این گونه شهادت می دهیم:

1- 194. بحارالانوار، ج 35، ص 365.
2- 195. سوره زخرف، آیه 4.
3- 196. بحارالانوار، ج 35، ص 373.
4- 197. بحارالانوار، ج 98، ص 301؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

5- 198. سوره فرقان، آیه 54.
6- 199. بحارالانوار، ج 35، ص 46؛ معانی الاخبار، ص 58.
7- 200. سوره جن، آیه 16.
8- 201. بحارالانوار، ج 24، ص 101؛ اصول کافی ج 1، ص 220.
9- 202. سوره طور، آیات 1 - 3.

«أَشْهَدُ أَنَّکَ الطُّورُ وَالْکِتابُ الْمَسْطُورُ»؛(1)

«گواهی می دهم که تو نور طور و حقیقت کتاب مسطور هستی».

71 طُورُ سِینِینَ

امام صادق علیه السلام در مورد آیه شریفه:

«وَالتِّینِ وَالزَّیتُونِ * وَطُورِ سِینِینَ * وَهذَا الْبَلَدِ الْأَمِینِ»(2) فرموده است:

«وَالتِّینُ الْحَسَنُ وَالزَّیتُونُ الْحُسَینُ وَطُورُ سِینِینَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ وَهذَا الْبَلَدُ الْأَمِینُ ذاکَ رَسُولُ اللَّهِ»؛(3)

«مراد از تین امام حسن علیه السلام است و زیتون امام حسین علیه السلام است، و طور سینین نیز امیرمؤمنان علیه السلام و شهر امین هم رسول خداصلی الله علیه وآله است».

72 الظِّلُّ

سایه و خنکای بهشت.

همچنین مراجعه شود به: الْبَصِیرُ [19]

73 عَذابُ یوْمِ الظُّلَّهِ

امام علی علیه السلام با توجّه به آیه «فَکَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذابُ یوْمِ الظُّلَّهِ إِنَّهُ کانَ عَذابَ یوْمٍ عَظِیمٍ»؛(4)

«سرانجام او را تکذیب کردند، و عذاب روز سایبان (سایبانی از ابر صاعقه خیز) آنها را فراگرفت؛ یقیناً آن عذاب روز بزرگی بود».

فرموده است: «أَنَا عَذابُ یوْمِ الظُّلَّهِ»؛(5)

«من همان عذاب فراگیر برای کافران هستم».

74 الْعُرْوَهُ الْوُثْقی

دستگیره و حلقه محکم.

«لا إِكْراهَ فِی الدِّینِ قَدْ تَبَینَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَیِّ فَمَنْ یکْفُرْبِالطّاغُوتِ وَیؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْاِسْتَمْسَکَ بِالْعُرْوَهِ الْوُثْقَی لَا انْفِصامَ لَها وَاللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ»؛(6)

«در قبول دین، اکراهی نیست؛ زیرا راه درست از راه انحرافی، روشن شده. بنابراین، هرکس به طاغوت (بت و شیطان و هر موجود طغیان گر) کافر شود و به خدا ایمان آورد، به دستگیره محکمی چنگ زده است، که گسستن برای آن نیست. و خداوند، شنوا و داناست».

«وَمَنْ یسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَی اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَکَ بِالْعُرْوَه الْوُثْقی وَ إِلَی اللَّهِ عاقِبَهُالْأُمُورِ»؛(7)

«هرکس روی خود را تسلیم خدا کند در حالی که نیکوکار باشد، به دستگیره و تکیه گاه محکمی چنگ زده؛ و عاقبت همه کارها به سوی خداست».

رسول خداصلی الله علیه وآله به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

«أَنْتَ الْعُرْوَهُ الْوُثْقَی الَّتِی لَانْفِصامَ لَها»؛(8)

«تو همان دستگیره محکم الهی هستی که هیچ گسستی ندارد».

چنان که خود آن حضرت فرمود:

«أَنَا الْعُرْوَهُ الْوُثْقی وَکَلِمَهُ التَّقْوی ؛(9)

«من دستگیره محکم و کلمه تقوای الهی هستم».

1- 203. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
2- 204. سوره تین، آیات 1 تا 3.
3- 205. بحارالانوار، ج 24، ص 105؛ مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 301. شواهد التنزیل، ج 2، ص 456.
4- 206. سوره شعراء، آیه 189.
5- 207. بحارالانوار، ج 26، ص 5.
6- 208. سوره بقره، آیه 256.
7- 209. سوره لقمان، آیه 22.

8- 210. کشف الیقین، ص 466؛ طرائف، ج 2، ص 521.
9- 211. امالی صدوق، ص 38؛ بحارالانوار، ج 39، ص 335.

و در زیارت آن حضرت گفته می شود:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلی عَبْدِکَ وَأَمِینِکَ الْأَوْفی وَعُرْوَتِکَ الْوُثْقی ؛(1)

«خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و بر بنده ات که امین باوفا و دستگیره محکم توست».

75 عَلِی حَکِیمٌ

امام صادق علیه السلام در مورد آیه شریفه «اهْدِنا الصِّرَ اطَ الْمُسْتَقِیمَ» فرمود:

«هُوَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام وَمَعْرِفَتُهُ وَالدَّلِیلُ عَلی أَنَّهُ أَمِیرُالْمُؤْمِنِینَ، قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ: «وَإِنَّهُ فِی أُمِّ ّ الْکِتابِ لَدَینا لَعَلِی حَکِیمٌ»(2) وَهُوَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ فِی أُمِّ ّ الْکِتابِ فِی قَوْلِهِ: «اهْدِنا الصِّراطَ الْمُسْتَقِیمَ»»؛(3)

«صراط مستقیم خدا، امیرمؤمنان و معرفت آن حضرت است. و دلیل بر اینکه علی علیه السلام امیرمؤمنان است، فرمایش خداوند متعال است که فرمود: «او در امّ الکتاب و در نزد ما «علی حکیم» است» و لذا او امیرمؤمنان است، در امّ الکتاب که فرموده است: «ما را به سوی راه راست هدایت فرما»».

76 الْقائِمُ

قیام کننده؛ مراد کسی است که برای یاد و عبادت خداوند قیام می کند و از آخرت ترسان است. و امام علی علیه السلام نیز چنین بوده.

«أَمَّنْ هُوَ قانِتٌ آناءَ اللَّیلِ ساجِداً وَقآئِماً یحْذَرُ الْآخِرَهَ»؛(4)

«(آیا چنین کسی باارزش است) یا کسی که در ساعات شب به عبادت مشغول است و در حال سجده و قیام، از عذاب آخرت می ترسد و به رحمت پروردگارش امیدوار است؟!».

چنان که در احادیث وارد شده: این آیه شریفه در مورد علی علیه السلام نازل شده است.(5)

راوی می گوید: من یک شبانه روز همراه و ملازم امیرمؤمنان علیه السلام بودم، تمام ساعات را به عبادت و نماز و ذکر خدا و خدمت بندگان خدا مشغول بود.

77 الْقانِتُ

عبادت کننده و مطیع محض. چنان که از انس بن مالک نقل شده:

««أَمَّنْ هُوَ قانِتٌ آناءَ اللَّیلِ ساجِداً وَقآئِماً یحْذَرُ الْآخِرَهَ» نُزِلَتْ فِی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ»؛(6)

«این آیه در مورد علی علیه السلام نازل شده است».

78 الْقُرْآنُ

«ق وَ الْقُرآنِ الْمَجِیدِ»(7)

امیرمؤمنان علیه السلام در بیانی در تفسیر این آیه شریفه فرمود:

«أَنَا ق وَالقُرآنُ الْمَجِیدُ»؛(8)

«من ق و قرآن مجید هستم».

و مراد این است که من قرآن مجسّم هستم.

1- 212. بحارالانوار، ج 97، ص 307؛ مفاتیح الجنان، زیارت مخصوصه امیرالمؤمنین..
2- 213. سوره زخرف، آیه 4.
3- 214. بحارالانوار، ج 35، ص 373؛ تفسیر قمی، ج 1، ص 28.
4- 215. سوره زمر، آیه 9.
5- 216. بحارالانوار، ج 35، ص 373؛ تأویل الآیات، ص 501.
6- 217. بحارالانوار، ج 35، ص 375؛ تأویل الآیات، ص 501. تفسیرقمی، ص 575؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2،ص 124.
7- 218. سوره ق، آیه 1.
8- 219. الفضایل، ص 1.

79 الْقَلَمُ

«ن وَالْقَلَمِ وَما يسْطُرُونَ»(1)

محمّد بن فضيل گويد: از امام كاظم عليه السلام در تفسير آيه پرسيدم، فرمود: "ن" اسم رسول خداصلى الله عليه وآله است و "القلم" اسم اميرالمؤمنين عليه السلام است.(2)

80 قَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ

در احاديث معصومين عليهم السلام به اميرمؤمنان عليه السلام تفسير شده است. امام صادق عليه السلام در مورد آيه «ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ * وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ»(3) فرمود:

«ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ اِبْنُ آدَمَ الْمَقْتُولُ وَمُؤْمِنُ آلِ فِرْعَوْنَ وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ عَلِى بْنُ أَبِى طالِبٍ»؛(4)

«مراد از گروهى از اولين همانا فرزند مقتول آدم (هابيل) است و نيز مؤمن آل فرعون، و امّا منظور از "قليل من الآخرين" امام على عليه السلام است».

81 الْقَمَرُ

رسول خداصلى الله عليه وآله با توجّه به آيه قرآن، فرمود:

«إِذا فَقَدْتُمُ الشَّمْسَ فَتَمَسَّكُوا بِالْقَمَرِ... أَمَّا الشَّمْسُ فَأَنَا وَأَمَّا الْقَمَرُ فَعَلِى»؛(5)

«هرگاه خورشيدرا نيافتيد به ماه تمسّک جوييد و بدانيد كه من خورشيدم و على نيز ماه است».

82 الْقَوْلُ الثّابِتُ

آيه شريفه مى فرمايد:

«يثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثّابِتِ فِى الْحَياهِ الدُّنْيا وَفِى الْآخِرَهِ»؛(6)

«خداوند کسانی را که ایمان آوردند، به خاطر گفتار و اعتقاد ثابتشان، هم در این جهان، و هم در سرای دیگر استوار می دارد».

از ابن عباس نقل شده: مراد از قول ثابت ولایت امیرمؤمنان علیه السلام است.(7)

83 الْکِتابُ

«ذلِکَ الْکِتابُ لا رَیبَ فِیهِ هُدی لِلْمُتَّقِینَ»؛(8)

«آن کتاب باعظمتی است که شک در آن راه ندارد؛ و مایه هدایت پرهیزکاران است».

امام باقرعلیه السلام در مورد این آیه شریفه فرمود:

«اَلْکِتابُ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ لا شَکَّ فِیهِ أَنَّهُ إِمامٌ»؛(9)

«مراد از کتاب، امیرمؤمنان علیه السلام است که هیچ شکی در آن نیست که او امام است».

84 الْکِتابُ الْمَسْطُورُ

کتاب مسطور؛ کتاب مکتوب و نوشته شده. این عنوان با توجّه به آیه اول و دوم سوره طور به امیرمؤمنان علیه السلام نسبت داده شد، چنان که در یکی از زیارات آن حضرت آمده:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ الطُّورُ وَالْکِتابُ الْمَسْطُورُ»؛(10)

«گواهی می دهم که طور و کتاب مسطور تویی».

1- 220. سوره قلم، آیه 1.
2- 221. بحارالانوار، ج 36، ص 165.
3- 222. سوره واقعه، آیات 13 و 14.
4- 223. بحارالانوار، ج 38، ص 230؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 6؛ تفسیرفرات ص 465؛ شواهدالتنزیل ج 2،ص 299.
5- 224. بحارالانوار، ج 36، ص 289.

6- 225. سوره ابراهیم، آیه 27.
7- 226. بحارالانوار، ج 36، ص 141؛ تفسیر فرات، ص 220. شواهد التنزیل، ج 1، ص 410.
8- 227. سوره بقره، آیه 2.
9- 228. بحارالانوار، ج 24، ص 351؛ تأویل الآیات، ص 33.
10- 229. بحارالانوار، ج 97، ص 301.

تو حامل لفظ و معنای کتاب، و عمل کننده به محتوای آن و جایگاه کتاب مسطور می باشی.(1)

85 الْکِتابُ النّاطِقُ

«هذا کِتابُنا ینْطِقُ عَلَیکُمْ بِالْحَقِّ»؛(2)

«این کتاب ماست که با شما به حق سخن می گوید (و اعمال شما را بازگو می کند)».

با توجّه به این آیه شریفه گفته شده: مراد از این کتاب ناطق، امیرالمؤمنین علیه السلام است.(3)

86 اللِّسانُ

«وَلِساناً وَشَفَتَینِ»(4)

امام باقرعلیه السلام فرمود: «لسان، امیرمؤمنان علیه السلام است و شفتین یعنی حسن و حسین علیهما السلام».(5)

87 اللِّسانُ الصِّدْقُ

زبان راست گو.

پیامبرصلی الله علیه وآله در مورد آیه «وَجَعَلْنا لَهُمْ لِسانَ صِدْقٍ عَلِیاً»(6) به علی علیه السلام فرمود:

«تو لسان صدقی که به ولایت تو هدایت شوند».(7)

88 مُؤْتِی الزَّکاهِ

کسی که زکات پرداخت کرده و انفاق نموده.

«إِنَّما وَلِیکُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِینَ آمَنُوا اَلَّذِینَ یقِیمُونَ الصَّلاهَ وَیؤْتُونَ الزَّکاهَ وَهُمْ راکِعُونَ»؛(8)

«سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده اند؛ همانها که نماز را برپا می دارند، و در حال رکوع، زکات می دهند».

این آیه شریفه در شأن آن حضرت نازل شد. امیرمؤمنان علیه السلام در مسجد، در حال نماز و هنگام رکوع انگشتر خود را به سائل داد.(9)

89 الْمُؤَذِّنُ

مؤذّن از اذان و به معنای اعلان کننده است. امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

«أَنَا الْمُؤَذِّنُ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَهِ، قالَ اللَّهُ تَعالی «فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَينَهُمْ أَنْ لَعْنَهُاللَّهِ عَلَى الظّالِمِينَ»(10) أَنَا ذلِکَ الْمُؤَذِّنُ»؛(11)

«من مؤذن در دنیا و آخرت هستم، همان که خداوند فرموده: مؤذن اعلان می کند که لعنت خدا بر ظالمان باد، من آن مؤذن هستم».

ابن عباس نیز در مورد این آیه روایت کرده:

«وَالْمُؤَذِّنُ يوْمَئِذٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ»؛(12)

«مؤذن از جانب خداوند و رسولش در آن روز، امیرمؤمنان علیه السلام است».

90 الْمُؤْمِنُ

ابن عباس می گوید: بین علی بن ابی طالب علیه السلام و ولید بن عقبه مشاجره سختی پیش آمد. ولید خطاب به علی علیه السلام گفت:

1- 230. بحارالانوار، ج 97، ص 315.
2- 231. سوره جاثیه، آیه 29.
3- 232. مشارق انوار الیقین، ص 135.
4- 233. سوره بلد، آیه 9.
5- 234. بحارالانوار، ج 24، ص 283؛ تأویل الآیات، ص 772.
6- 235. سوره مریم، آیه 50.
7- 236. تنبیه الغافلین، ص 107.
8- 237. سوره مائده، آیه 55.
9- 238. الکشاف، ج 2، ص 38.

10- 239. سوره اعراف، آیه 44؛ «در این هنگام، ندادهنده ای در میان آنها ندا می دهد: «لعنت خدا بر ستمگران باد».
11- 240. بحارالانوار، ج 35، ص 45.
12- 241. بحارالانوار، ج 36، ص 138؛ تفسیر فرات، ص 158.

«أَنَا أَحَدُّ مِنْکَ سَناناً وَأَبْسَطُ مِنْکَ لِساناً وَأَمْلَأُ لِلْکَتِیبَهِ مِنْکَ»؛(1)

«تیراندازی من از تو دقیق تر و زبانم از تو بازتر و فصیح تر و نویسندگی من از تو بهتر است».

علی علیه السلام در پاسخ فرمود:

«اُسْکُتْ فَإِنَّما أَنْتَ فاسِقٌ»؛

«ساکت باش که تو فاسق هستی».

آن گاه این آیه شریفه نازل شد:

«أَفَمَن کانَ مُؤْمِناً کَمَنْ کانَ فاسِقاً لا یسْتَوُونَ»؛(2)

«آیا کسی که مؤمن است همانند کسی است که فاسق است».(3)

و هنگامی که ولید داشت از امیرالمؤمنین علیه السلام بدگویی می کرد، امام حسن علیه السلام فرمود:

«کَیفَ تَشْتَمُ عَلِیاً وَقَدْ سَمّاهُ اللَّهُ مُؤْمِناً فِی عَشْرِ آیاتٍ وَسَمّاکَ فاسِقاً؟»؛(4)

«چطور به علی علیه السلام بد می گویی؛ در حالی که خدای تعالی در ده آیه قرآن، او را مؤمن و تو را فاسق نامیده است».

91 الْمُؤْمِنُونَ

«... ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَکِینَتَهُ عَلی رَسُولِهِ وَعَلَی الْمُؤْمِنِینَ»؛(5)

«... سپس خدای تعالی آرامش و سکینه خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد».

«هُوَ الَّذِی أَیدَکَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِینَ»؛(6)

«او همان کسی است که تو را با یاری خود و مؤمنان تقویت کرد».

گفته شده: مراد از «المؤمنون» در این دو آیه، علی علیه السلام و پیروان او هستند.(7) خداوند با نصرت خود و کمک امیرمؤمنان علیه السلام، پیامبرصلی الله علیه وآله را یاری و پیروز گردانید.(8)

92 ما أُنْزِلَ

«یا أَیهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیکَ مِنْ رَبِّکَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَاللَّهُ یعْصِمُکَ مِنَ النّاسِ إِنَّ اللَّهَ لا یهْدِی الْقَوْمَ الْکافِرِینَ»؛(9)

«ای پیامبر! آنچه را که از طرف پروردگارت بر تو نازل شده، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده ای! و خدای تعالی تو را از خطرات احتمالی مردم نگاه می دارد، و خدای تعالی جمعیت کافران (لجوج) را هدایت نمی کند».

رسول خداصلی الله علیه وآله در مورد جانشین خود بارها فرموده بود، تا این آیه نازل شد که اعلان عمومی شود.(10)

1- 242. تفسیر الطبری، ج 20، ص 187؛ البحر المحیط، ج 9، ص 122.
2- 243. سوره سجده، آیه 18.
3- 244. بحارالانوار، ج 35، ص 338؛ تفسیر القمی، ج 2، ص 170. شواهد التنزیل، ج 1، ص 575؛ تفسیر القرطبی، ج 6، ص 231؛ الاتقان، ج 2، ص 391؛ الدرّ المنثور، ج 8، ص 115؛ البحر المحیط، ج 9، ص 122؛ تفسیر الکشف والبیان، ج 8، ص 333.
4- 245. بحارالانوار، ج 35، ص 339؛ احتجاج، ج 1، ص 276.
5- 246. سوره توبه، آیه 26.
6- 247. سوره انفال، آیه 62.
7- 248. بحارالانوار، ج 97، ص 364.
8- 249. بحارالانوار، ج 27، ص 10؛ و ج 36، ص 54.
9- 250. سوره مائده، آیه 67.
10- 251. مسند احمد، ج 1، ص 118؛ الصواعق المحرقه، ص 25؛ تفسیر الکشف والبیان، ج 4، ص 92؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 533؛ تفسیر آلوسی، ج 5، ص 72.

پس در روز غدیر فرمود: «مَنْ کُنْتُ مَوْلاهُ فَهذا عَلِی مَوْلاهُ».

آن گاه که از همه بیعت گرفت، و فرمود: «فَلْیبَلِّغِ الشّاهِدُ الْغائِبَ»؛

«هر کس من مولای او هستم، پس این علی علیه السلام مولای اوست... پس حاضران باید این خبر را به غایبان برسانند».

93 الْمُبْتَلی بِهِ

«إِنَّما یبْلُوکُمُ اللَّهُ بِهِ وَلَیبَیِنَنَّ لَکُمْ یوْمَ الْقِیامَهِ ما کُنْتُمْ فِیهِ تَخْتَلِفُونَ»؛(1)

«خدای تعالی فقط شما را با این وسیله آزمایش می کند، و به یقین در روز قیامت، آنچه را در آن اختلاف داشتید، برای شما روشن می سازد».

امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: مردم به وسیله امیرالمؤمنین علیه السلام امتحان می شوند.(2)

94 الْمُتَصَدِّقُ فِی الْمِحْرابِ

امام علی علیه السلام مصداق و شأن نزول این آیه است که فرمود:

«إِنَّما وَلِیکُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِینَ آمَنُوا الَّذِینَ یقِیمُونَ الصَّلاهَ وَیؤْتُونَ الزَّکاهَ وَهُمْ راکِعُونَ»؛(3)

«سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده اند؛ همانها که نماز را برپا می دارند، و در حال رکوع، زکات می دهند».

حضرت علی علیه السلام در مسجد، در حال رکوع نماز بود که گدایی وارد شد، از مردم تقاضا کرد؛ ولی کسی جوابش نداد، امام با دستش اشاره کرد و انگشتر خود را به سائل داد.(4)

امام صادق علیه السلام نیز در زیارتش فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ أَیهَا الْمُتَصَدِّقُ بِالْخاتَمِ فِی الْمِحْرابِ»؛(5)

«سلام بر تو ای آقایی که انگشتر خود را در محراب عبادت و نماز به سائل صدقه دادی».

95 الْمَثَلُ الْأَعْلی

«وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلی وَهُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ»؛(6)

«و برای خدا، صفات عالی است؛ و او قدرت مند و حکیم است».

و رسول خداصلی الله علیه وآله در این باره فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ حُجَّهُ اللَّهِ.. وَأَنْتَ الْمَثَلُ الْأَعَلی ؛(7)

«ای علی! تو حجت خدایی... تو مثل و صفت عالی خدا می باشی».

و در زیارت آن حضرت سلام می دهیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا حِجابَ الْوَری وَالدَّعْوَهُ الْحُسْنی وَالْآیهُ الْکُبْری وَالْمَثَلُ الْأَعْلی ؛(8)

سلام بر تو ای حجاب آفرینش... و دعوت حسنای الهی و آیت کبرای خدا و مثل اعلای او».

96 الْمُجاهِدُ

جهاد کننده در راه خدا. کسی که در کارهای مشکل، سعی و کوشش و تلاش می کند.

1- 252. سوره نحل، آیه 92.
2- 253. بحارالانوار، ج 36، ص 170.
3- 254. سوره مائده، آیه 55.
4- 255. الدرّ المنثور، ج 3، ص 404؛ الکشاف، ج 2، ص 38؛ تفسیرآلوسی ج 5، ص 28؛ تفسیر ابن کثیر ج 2، ص 139.
5- 256. بحارالانوار، ج 97، ص 373؛ اقبال الاعمال، ص 608؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.
6- 257. سوره نحل، آیه 60.
7- 258. بحارالانوار، ج 36، ص 4؛ عیون اخبارالرضا ج 2، ص 6.
8- 259. بحارالانوار، ج 97، ص 348.

این کلمه بیشتر با عنوان «مجاهد فی سبیل اللَّه» به کار رفته و از القابی است که خدای متعال برای امیرمؤمنان علیه السلام بیان فرموده است:

«ذاکَ الْمُجاهِدُ فِی سَبِیلِی وَالْمُقاتِلُ لِناکِثِی عَهْدِی وَالْقاسِطِینَ فِی حُکْمِی وَالْمارِقِینَ مِنْ دِینِی»؛(1)

«او کسی است که در راه من جهاد می کند، و با پیمان شکنان عهد من جنگ می نماید، و با ظالمان و خوارج نیز قتال خواهد کرد».

چنان که در دعای عید غدیر نیز در توصیف آن حضرت آمده است:

«وَالْمُجاهِدِ فِی سَبِیلِکَ، لَمْ تَأْخُذْهُ فِیکَ لَوْمَهُ لآئِمٍ»؛(2)

«او مجاهد در راه توست، او کسی است که هیچ گونه سرزنشی در وی تأثیر نداشت».

همچنین مراجعه شود به: الْآمِنُ بِاللَّهِ [3]

97 الْمُحْسِنُ

یکی دیگر از اسامی قرآنی آن حضرت، «محسن» است، طبق آیه شریفه «وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِینَ»؛(3) «و خداوند با نیکوکاران است».

چنان که خود آن حضرت فرمود:

«أَنَا الْمُحْسِنُ یقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِینَ»؛(4)

«من همان محسن هستم که خدای تعالی فرمود: خداوند با نیکوکاران است».

98 الْمُرْتَضی مِنَ الرَّسُولِ

امیرمؤمنان علیه السلام به سلمان فرمود: آیا این آیه را قرائت کرده ای؟

«عالِمُ الْغَیبِ فَلا یظْهِرُ عَلی غَیبِهِ أَحَداً * إِلّا مَنِ ارْتَضی مِنْ رَسُولٍ»؛(5)

«دانای غیب اوست و کسی را بر اسرار غیبش آگاه نمی سازد مگر رسولانی که آنان را برگزیده».

سلمان گفت: بله، آقای من! امام فرمود: «أنَا الْمُرْتَضی مِنَ الرَّسُولِ الّذِی أَظْهَرَهُ عَلی غَیبِهِ»؛(6)

«من همان کسی هستم که توسط پیامبر انتخاب شده و او را بر علم غیب خود آگاه ساخته است».

99 الْمَشْهُودُ

یکی دیگر از اسامی امیرمؤمنان علیه السلام در قرآن کریم، مشهود است.

امام صادق علیه السلام در مورد آیه شریفه «وَشاهِدٍ وَمَشْهُودٍ»(7) فرمود:

«اَلنَّبِی وَأَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیهما السلام»؛(8)

«مراد از شاهد رسول خداصلی الله علیه وآله است و مراد از مشهود نیز امیرمؤمنان علیه السلام است».

در مورد شاهد و مشهود تفاسیر دیگری هم شده؛ مثلاً مراد روز جمعه و روز عرفه است.

در بخشی از زیارت حضرت علیه السلام وارد شده:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ... مَضَیتلِلَّذِی کُنْتَ عَلَیهِ شَهِیداً وَشاهِداً وَمَشْهُوداً»؛(9)

1- 260. بحارالانوار، ج 38، ص 107؛ امالی صدوق، ص 547، مجلس 81، حدیث 17،
2- 261. اقبال الاعمال، ص 492؛ مفاتیح الجنان، اعمال غدیر.
3- 262. سوره عنکبوت، آیه 69.
4- 263. بحارالانوار، ج 35، ص 46؛ معانی الاخبار، ص 58.
5- 264. سوره جن، آیه 26 و 27.
6- 265. بحارالانوار، ج 54، ص 341.
7- 266. سوره بروج، آیه 3.
8- 267. بحارالانوار، ج 36، ص 115؛ اصول کافی ج 1، ص 425.
9- 268. من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 589؛ المزار، ص 78؛ مفاتیح الجنان، زیارت مخصوصه.

«گواهی می دهم تو بر دین خدا که بر آن بودی از جهان درگذشتی؛ در حالی که شهید شدی و شاهد و مشهود خدا بودی».

100 الْمُصَدِّقُ

«وَالَّذِی جآءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولئِکَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»؛(1)

«امّا کسی که سخن راست بیاورد و کسی که آن را تصدیق کند، آنان پرهیزکارانند».

امام باقرعلیه السلام فرمود: مراد از «بِالصِّدْقِ» در آیه شریفه رسول خداصلی الله علیه وآله، و مراد از «صَدَّقَ بِهِ» (تصدیق کننده پیامبر) امیرمؤمنان علیه السلام است.(2)

101 مُطْعِمُ الطَّعامِ

«وَیطْعِمُونَ الطَّعامَ عَلَی حُبِّهِ مِسْکِیناً وَیتِیماً وَأَسِیراً»؛(3)

«و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه و نیاز دارند، به مسکین و یتیم و اسیر می دهند».

این آیه در شأن امیرمؤمنان علیه السلام و خانواده آن حضرت نازل شده، که سه روز روزه گرفتند و هرشب، افطار خود را به مسکین و یتیم و اسیر اطعام دادند.(4)

امام هادی علیه السلام در زیارت آن حضرت به ایشان چنین خطاب می کند:

«أَنْتَ مُطْعِمُ الطَّعامِ عَلی حُبِّهِ مِسْکِیناً وَیتِیماً وَأَسِیراً لِوَجْهِ اللَّهِ، لا تُرِیدُ مِنْهُمْ جَزآءً وَلا شَکُوراً»؛(5)

«آن مطعم که در قرآن آمده، تو هستی که به مسکین و یتیم و اسیر اطعام دادی، آن هم به قصد قرب الهی که از ایشان هیچ گونه پاداشی و توقع تشکری نداشتی».

102 الْمُنْتَظِرُ

کسی که در انتظار امری است. امام علی علیه السلام منتظر شهادت در راه خدا بود.

در صدر اسلام برخی از دوستان حضرت در جنگ ها به شهادت رسیدند، ایشان نیز آرزو می کرد که به آنان برسد.

این آیه شریفه نازل شد:

«مِنَ الْمُؤْمِنِینَ رِجالٌ صَدَقُوا ما عاهَدُوا اللَّهَ عَلَیهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضی نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ ینتَظِرُ وَما بَدَّلُوا تَبْدِیلاً»؛(6)

«در میان مؤمنان مردانی هستند که بر عهدی که با خدا بستند، صادقانه ایستاده اند؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او شربت شهادت نوشیدند) و بعضی دیگر در انتظارند، و هرگز تغییر و تبدیلی در پیمان خود ندادند».

در احادیث وارد شده: مراد از «من ینتظر» امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ چون حمزه و جعفر بن ابی طالب شهید شده بودند و علی علیه السلام در انتظار شهادت بود و خود حضرت قسم یاد کرد که:

1- 269. سوره زمر، آیه 33.
2- 270. بحارالانوار، ج 35، ص 407؛ تأویل الآیات، ص 506؛ الافصاح، ص 165. تاریخ دمشق، ج 42، ص 359؛ تفسیر القرطبی، ج 15، ص 256؛ شواهد التنزیل، ج 2، ص 178؛
3- 271. سوره انسان، آیه 8.
4- 272. تفسیر اللباب، ج 16، ص 131؛ تفسیر آلوسی، ج 22، ص 12؛ تفسیر البغوی، ج 8، ص 295.
5- 273. بحارالانوار، ج 97، ص 364؛ مفاتیح الجنان، زیارت مخصوصه امیرالمؤمنین در روز غدیر.
6- 274. سوره احزاب، آیه 23.

«أَنَا وَاللَّهِ الْمُنْتَظِرُ»؛(1)

«سوگند به خدا! من منتظر (شهادت) هستم».

103 الْمُنْتَقِمُ

«فَإِمّا نَذْهَبَنَّ بِکَ فَإِنّا مِنْهُمْ مُنتَقِمُونَ»؛(2)

«و هرگاه تو را از میان آنها ببریم، حتماً از آنان انتقام خواهیم گرفت».

از جابر و ابن عباس نقل شده است: مراد از منتقمون، در آیه شریفه امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ یعنی خدا به وسیله امام انتقام می گیرد.(3)

104 مَنْ طَهَّرَهُ اللَّهُ

کسی که خدای تعالی او را پاک و پاکیزه و دور از گناه قرار داد.

قاطبه علمای شیعه و اکثر مفسّرین اهل سنّت موافق هستند: آیه «إِنَّما یرِیدُ اللَّهُ لِیذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیتِ وَیطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً»(4) در شأن علی و فاطمه و فرزندان ایشان علیهم السلام نازل شده است.(5)

105 مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْکِتابِ

کسی که تمام علم و دانش قرآن نزد اوست.

«قُلْ کَفی بِاللَّهِ شَهِیداً بَینِی وَبَینَکُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْکِتابِ»؛(6)

«بگو: کافی است خداوند و کسی که علم کتاب نزد اوست، میان من و شما گواه باشند».

از رسول خداصلی الله علیه وآله در مورد این آیه شریفه پرسیدند، فرمود:

«ذاکَ أَخِی عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ»؛(7)

«مراد از آن، برادرم علی بن ابی طالب است».

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْکِتابِ»؛(8)

«سلام بر تو ای آنکه دانش تمام کتاب آسمانی و علوم الهی نزد اوست».

106 الْمُنْفِقُ

«الَّذِینَ یُنْفِقُونَ أَمْوالَهُم بِاللَّیلِ وَالنَّهارِ سِرّاً وَعَلانِیةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلا خَوْفٌ عَلَیهِمْ وَلا هُمْ یحْزَنُونَ»؛(9)

«آن کسانی که اموال خود را شب و روز، به صورت پنهانی و آشکارا انفاق می کنند، پاداش و مزدشان نزد پروردگار است؛ نه ترسی دارند، و نه غمگین می شوند».

از ابن عباس نقل شده: این آیه شریفه درباره امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده است.(10)

1- 275. بحارالانوار، ج 20، ص 332 و ج 31، ص 349؛ شواهد التنزیل، ج 2، ص 6؛ کشف الغمّه، ج 1، ص 308.
2- 276. سوره زخرف، آیه 41.
3- 277. بحارالانوار، ج 29، ص 455؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 219؛ کشف الیقین، ص 399؛ الطرائف ج 1، ص 142. الدرّالمنثور، ج 9، ص 98؛ المناقب ابن مغازلی، ص 320.
4- 278. سوره احزاب، آیه 33.
5- 279. الصواعق المحرقه، ص 143؛ تفسیر الکشف والبیان، ج 8، ص 38؛ ینابیع الموده، ج 1، ص 294.
6- 280. سوره رعد، آیه 43.
7- 281. وسائل الشیعه، ج 27، ص 188. تفسیر الکشف والبیان، ج 5، ص 303.
8- 282. بحارالانوار، ج 97، ص 373؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین در روز میلاد پیامبر.
9- 283. سوره بقره، آیه 274.
10- 284. الدرّ المنثور، ج 2، ص 236؛ الکشاف، ج 1، ص 243؛ تفسیر ابن کثیر، ج 1، ص 708.

107 مَنْ كَفَى اللَّهُ بِهِ

کسی که خداوند به وسیله نیرو و قدرت او، دیگران را کفایت کرده. از جمله در جنگ بدر و احزاب و غیره. از ابن مسعود و امام صادق علیه السلام پیرامون آیه «وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتالَ» نیز نقل شده که در شأن آن حضرت نازل شده است.(1)

امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا مَنْ كَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتالَ بِهِ یوْمَ الْأَحْزابِ»؛(2)

«سلام بر تو ای آقایی که خداوند متعال به جهت شجاعت و دلاوری او مسلمانان را از جنگ احزاب نجات داد و مؤمنان را کفایت کرد».

108 مَنْ لَهُ حُسْنُ مَآبٍ

«طُوبى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ»؛(3)

«پاکیزه ترین (در زندگی) نصیبشان است، و بهترین سرانجام ها».

از رسول خداصلی الله علیه وآله، درباره این آیه سؤال شد، حضرت فرمود: این آیه در شأن امیرمؤمنان علیه السلام نازل شده است. و طوبی درختی است که اصل و ریشه آن، در خانه علی علیه السلام در بهشت و شاخه های آن در خانه دیگران است.(4)

امام صادق علیه السلام در زیارت حضرت فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا مَنْ لَهُ طُوبى وَحُسْنُ مَآبٍ»؛(5)

«سلام بر تو ای آنکه مقام طوبی (سرفرازی و بهجت) و نیکو منزل رجعت مخصوص اوست».

109 مَنْ لَهُ طُوبى

کسی که مقام و درخت طوبی مال او است.

همچنین مراجعه شود به: مَنْ لَهُ حُسْنُ مَآبٍ [108]

110 مَنْ یشْرِی نَفْسَهُ

کسی که نفس و جانش را با خدا معامله کند.

«وَمِنَ النّاسِ مَنْ یشْرِی نَفْسَهُ ابْتِغآءَ مَرْضاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبادِ»؛(6)

«بعضی از مردم باایمان و فداکار، جان خود را به خاطر خشنودی خدا می فروشند و خدای تعالی نسبت به بندگان مهربان است».

ابن عباس نقل کرده: این آیه شریفه در شأن حضرت علی علیه السلام نازل شده، که شب هجرت، در جایگاه پیامبرصلی الله علیه وآله خوابید. این داستان، به داستان «لیله المبیت» نیز مشهور است.(7)

111 الْمِیزانُ

«اَللَّهُ الَّذِی أَنْزَلَ الْکِتابَ بِالْحَقِّ وَالْمِیزانَ»؛(8)

«خداوند کسی است که کتاب را به حق نازل کرد و میزان (سنجش حق و باطل و خبر قیامت) را».

از امام صادق علیه السلام نقل شده که در مورد این آیه فرمود: مراد از میزان، امیرمؤمنان علیه السلام است.

1- 285. مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 134. ینابیع المودّه، ج 1، ص 93؛ تاریخ دمشق، ج 42، ص 360.
2- 286. بحارالانوار، ج 97، ص 373؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین در روز میلاد پیامبر.
3- 287. سوره رعد، آیه 29.
4- 288. کشف الغمه، ج 1، ص 323؛ مائه منقبه، ص 137؛ الیقین، ص 249.
5- 289. بحارالانوار، ج 97، ص 373؛ اقبال الاعمال، ص 608؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.
6- 290. سوره بقره، آیه 207.
7- 291. تفسیر القرطبی، ج 3، ص 21؛ تفسیر الثعلبی، ص 1، ص 232.
8- 292. سوره شوری، آیه 17.

همچنین مراد از «میزان» در آیه: «وَالسَّمآءَ رَفَعَها وَوَضَعَ الْمِیزانَ»(1) امام علی علیه السلام است.(2)

112 النّاسُ

«أَمْ یحْسُدُونَ النّاسَ عَلی ماآتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»؛(3)

«یا نسبت به مردم (پیامبر و خاندانش) و برآنچه خدا ازفضلش به آنان بخشیده، حسدمی ورزند؟».

در شرح این آیه شریفه آمده: مراد از الناس، امیرمؤمنان و سایر ائمه علیهم السلام هستند.(4)

113 النَّبَأُ الْعَظِیمُ

خبر مهم و بزرگ. از نام های قرآنی است که رسول خداصلی الله علیه وآله به امیرمؤمنان علیه السلام خطاب کرد: «أَنْتَ النَّبَأُ الْعَظِیمُ»؛(5)

مراد همان نبأ عظیم است، که در آیه شریفه آمده است:

«عَمَّ یتَسآءَلُونَ * عَنِ النَّبَإِ الْعَظِیمِ * الَّذِی هُمْ فِیهِ مُخْتَلِفُونَ»؛(6)

«آن ها از چه چیز از یکدیگر سؤال می کنند؟! * از خبر بزرگ و پراهمیت (رستاخیز)! * همان خبری که پیوسته در آن اختلاف دارند».

حضرت نیز فرمود: «وَاللَّهِ أَنَا النَّبَأُ الْعَظِیمُ»؛(7)

«به خدا قسم من همان خبرمهم و بزرگ هستم».

امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ أَیهَا النَّبَأُ الْعَظِیمُ»؛(8)

«سلام بر تو ای نبأ عظیم».

114 النَّجْمُ

«وَعَلاماتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ یهْتَدُونَ»؛(9)

«و نیز علاماتی را قرار داد؛ و (شب هنگام) به وسیله ستارگان هدایت می شوند».

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به امیرمؤمنان علیه السلام فرموده بود:

«أَنْتَ نَجْمُ بَنِی هاشِمٍ»؛(10)

«تو ستاره درخشان بنی هاشم هستی».

امام باقرعلیه السلام در شرح آیه شریفه فرمود: مراد از نجم در آیه، امیرمؤمنان علیه السلام می باشد.(11)

115 النَّصِیرُ

«وَاجْعَلْ لِی مِنْ لَدُنْکَ سُلْطاناً نَصِیراً»؛(12)

«و از جانب خود، سلطان و حجّتی یاری کننده برایم قرار ده».

مراد از نصیر در آیه شریفه، علی علیه السلام است که هم امیر و هم وزیر است.(13)

116 نَفْسُ الرَّسُولِ

بارها گفت محمّد که علی جان من است

هم به جان علی و جان محمّد صلوات!

1- 293. سوره الرحمن، آیه 7.
2- 294. بحارالانوار، ج 35، ص 373؛ تفسیرقمی، ج 2،ص 274.
3- 295. سوره نسا، آیه 54.
4- 296. بحار الانوار ج 9، ص 193؛ و ج 40، ص 87؛ تأویل الآیات، ص 137.
5- 297. بحارالانوار ج 36،ص 4؛ عیون اخبارالرضا، ج 2، ص 6.
6- 298. سوره نبأ، آیات 1 - 3.
7- 299. الصراط المستقیم، ج 1، ص 279؛ الفضائل، ص 1؛ تأویل الآیات ص 735؛ مناقب آل ابی طالب ج 3، ص 80.

8- 300. بحارالانوار، ج 97، ص 279؛ البلدالامین، ص 291؛ المزار، ص 78؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین.
9- 301. سوره نحل، آیه 16.
10- 302. تفسیر نورالثقلین، ج 3، ص 45.
11- 303. شواهد التنزیل، ج 1، ص 425.
12- 304. سوره اسراء، آیه 80.
13- 305. مشارق انوار الیقین، ص 64.

«قُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَأَبْناءَكُمْ وَنِساءَنا وَنِساءَكُمْ وَأَنْفُسَنا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكاذِبِينَ»؛(1)

«بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما فرزندان خود را؛ ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما زنان خود را؛ ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود؛ آن گاه مباهله کرده و لعنت خدا را بر دروغ گویان قرار دهیم».

این آیه شریفه، به آیه مباهله معروف است، و اشاره دارد به اینکه: امیرالمؤمنین علیه السلام نفس رسول خداصلی الله علیه وآله است.

هنگامی که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: ما خودمان و جانمان و نفسمان را با خود می آوریم، رسول خداصلی الله علیه وآله از مردان فقط علی را با خودش به مباهله برد. از زنان هم فقط حضرت زهراعلیها السلام، و از فرزندان نیز امام حسن و امام حسین علیه السلام را همراه آورد. پس خداوند متعال نفس النبی را مانند نفس علی قرار داده است.(2)

پیامبرصلی الله علیه وآله نیز فرمود:

«عَلِی مِنِّی وَأَنَا مِنْ عَلِیّ»؛(3)

«علی از من است و من از علی هستم».

اگرچه از لحاظ جسمی و مادی، جدای از رسول خداصلی الله علیه وآله است؛ ولی نفس و جان او همان نفس و جان رسول خداصلی الله علیه وآله است.

خود حضرت فرمود:

«عَلِی کَنَفْسِی لا فَرْقَ بَینِی وَبَینَهُ إِلَّا النُّبُوَّهُ»؛(4)

«علی مانند جان من است، بین من و او هیچ فرقی جز نبوت نیست».

و نیز فرمود:

«عَلِی نَفْسِی وَأَخِی»؛(5)

«على نفس من و برادر من است».

117 النَّقِيبُ

مانند کفیل و ضمین؛ کسی که در بین قوم اطلاع و آگاهی و معرفتش به مردم و امور آنان از همه بیشتر است.

«وَبَعَثْنا مِنْهُمُ اثْنَی عَشَرَ نَقِیباً»؛(6)

«و از آنها، دوازده (سرپرست) برانگیختیم».

با توجّه به آیه شریفه، رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«مِنْ أَهْلِ بَیتِی اِثْنا عَشَرَ نَقِیباً نُجَباءُ مُحَدِّثُونَ مُفَهِّمُونَ»؛(7)

«از اهل بیت من دوازده نقیب نجیب که همه محدّث و مفهّم هستند، خواهد بود».

و امام علی علیه السلام اولین نقیب می باشد و آخر ایشان حضرت مهدی علیه السلام است.(8)

118 النُّورُ

از اسامی قرآنی امیرمؤمنان علیه السلام، نور است.

1- 306. سوره آل عمران، آیه 61.
2- 307. منتخب الانوار، ص 70؛ متشابه القرآن، ج 2، ص 277؛ العمده، ص 188؛ عیون اخبار الرضا، ج 1، ص 231.
3- 308. بحارالانوار، ج 37، ص 254. الفضائل الخمسه من الصحاح السّتّه، ج 1، ص 341.
4- 309. الصراط المستقیم، ج 1، ص 252؛ موسوعه امام علی، ج 8، ص 82.
5- 310. بحارالانوار، ج 38، ص 82؛ المناقب خوارزمی ص 89؛
6- 311. سوره مائده، آیه 12.
7- 312. بحارالانوار، ج 36، ص 271؛ اصول کافی ج 1، ص 534.

8- 313. مائه منقبه، ص 71.

«فَالَّذِینَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِی أُنْزِلَ مَعَهُ أُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛(1)

«پس کسانی که به او ایمان آوردند، و حمایت و یاری اش کردند، و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنان رستگارانند».

ابوبصیر می گوید: امام باقرعلیه السلام در مورد آیه شریفه فرمود:

«اَلنُّورُ هُوَ عَلِی علیه السلام»؛(2)

«مراد از نور، علی علیه السلام است».

همچنین مراجعه شود به: الْبَصِیرُ [19]

119 النُّورُ الْمُبِینُ

«قَدْ جآءَکُمْ بُرْهانٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَأَنْزَلْنا إِلَیکُمْ نُوراً مُبِیناً»؛(3)

«دلیل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد، و نور آشکاری به سوی شما نازل کردیم».

امام صادق علیه السلام در این باره فرموده: مراد از برهان، محمّدصلی الله علیه وآله است و نور نیز علی علیه السلام است.(4)

120 الْواحِدَهُ

«قُلْ إِنَّما أَعِظُکُم بِواحِدَهٍ أَنْ تَقُومُوا للَّهِ ِ مَثْنی وَفُرادی ثُمَّ تَتَفَکَّرُوا ما بِصاحِبِکُمْ مِنْ جِنَّهٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِیرٌ لَکُم بَینَ یدَی عَذابٍ شَدِیدٍ»؛(5)

«بگو: شما را تنها به یک چیز اندرز می دهم، و آن اینکه: دو به دو یا یک به یک برای خدا قیام کنید، سپس بیندیشید این دوست و همنشین شما (محمّد) هیچ گونه جنونی ندارد؛ او فقط بیم دهنده شما در برابر عذاب شدید الهی است».

از امام باقرعلیه السلام در مورد این آیه شریفه سؤال شد، فرمود: مراد ولایت علی علیه السلام است.(6)

121 الْوالِدُ

«وَوالِدٍ وَما وَلَدَ»؛(7)

«و قسم به پدر و فرزند».

از امام صادق علیه السلام در مورد آیه شریفه نقل شده که فرمود: مراد از «والِد» علی علیه السلام است، و «ما وَلَدَ» نیز امامان علیهم السلام هستند.(8)

همچنین از امام باقرعلیه السلام نقل شده:

«اَلْوالِدُ؛ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ، وَما وَلَدَ؛ الْحَسَنُ وَالْحُسَینُ».(9)

122 الْوُدُّ

خدای تعالی فرموده:

«إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ سَیجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمنُ وُدّاً»؛(10)

«مسلّماً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند رحمان محبّتی برای آنان در دلها قرار می دهد».

1- 314. سوره اعراف، آیه 157.
2- 315. بحارالانوار، ج 35، ص 404.
3- 316. سوره نساء، آیه 174.
4- 317. تفسیر قمی، ج 1، ص 159؛ تفسیر فرات، ص 116؛ تأویل الآیات، ص 150.
5- 318. سوره سبأ، آیه 46.
6- 319. اصول کافی، ج 1، ص 430؛ تفسیر قمی، ج 2، ص 204؛ تفسیر فرات، ص 346.
7- 320. سوره بلد، آیه 3.
8- 321. بحارالانوار، ج 23، ص 268؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 105.
9- 322. بحارالانوار، ج 23، ص 269؛ شواهد التنزیل، ج 3، ص 430.
10- 323. سوره مریم، آیه 96.

ابوبصیر می گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه پرسیدم، فرمود:

«وِلایهُ أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ هِی الْوُدُّ الَّذِی قالَ اللَّهُ»؛(1)

«ولایت علی همان محبتی است که خدا فرموده».

123 الْوَسِیلَهُ

وسیله یعنی واسطه و چیزی که دیگران به واسطه آن، به خدا تقرب می جویند.

خداوند می فرماید: «وَابْتَغُوا إِلَیهِ الْوَسِیلَهَ»(2)؛

«و وسیله ای برای تقرّب به او بجویید».

و امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: من آن وسیله هستم، با فرزندانم.(3)

124 الْوِلایهُ

قرآن کریم می فرماید:

«هُنالِکَ الْوِلایهُ للَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَیرٌ ثَواباً وَخَیرٌ عُقْباً»؛(4)

«در آنجا ثابت گردید که ولایت (و قدرت) از آن خداوند برحقّ است! اوست که برترین ثواب و بهترین عاقبت را (برای مطیعان) دارد».

روایت شده که امام باقر و امام صادق علیهما السلام در مورد این آیه شریفه فرمودند: مراد از «الولایه» ولایت امیرمؤمنان علیه السلام است.(5)

125 هادِی الْأُمَّهِ

قرآن کریم می فرماید:

«إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ»؛(6)

«تو فقط بیم دهنده ای! و برای هر گروهی هدایت کننده ای است».

ابن عباس می گوید: هنگامی که این آیه شریفه نازل شد، رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: من منذر هستم و علی نیز هادی است.(7)

در زیارت آن حضرت نیز، از امام صادق علیه السلام نقل شده:

«وَصَلِّ عَلی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ... الَّذِی جَعَلْتَهُ... هادِیاً لِأُمَّتِهِ»؛(8)

«خدایا درود فرست بر امیرمؤمنان، او که هادی برای امّت قرارش دادی».

126 الْیسْرُ

«یرِیدُ اللَّهُ بِکُمُ الْیسْرَ وَلا یرِیدُ بِکُمُ الْعُسْرَ»؛(9)

«خدای تعالی راحتی شما را می خواهد، نه زحمت شما را».

امام باقرعلیه السلام در تفسیر این آیه شریفه فرمود: مراد از یسر، حضرت علی علیه السلام است و دیگران عُسر هستند.(10)

1- 324. بحارالانوار ج 35، ص 353؛ اصول کافی، ج 1، ص 431. الدرّالمنثور ج 6،ص 490؛ المعجم الکبیر ج 12،ص 122.
2- 325. سوره مائده، آیه 35.
3- 326. مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 75.
4- 327. سوره کهف، آیه 44.
5- 328. بحارالانوار ج 36، ص 126؛ اصول کافی ج 1، ص 422.
6- 329. سوره رعد، آیه 7.
7- 330. بحارالانوار، ج 9، ص 107؛ الصراط المستقیم، ج 2، ص 10. شواهدالتنزیل، ج 1، ص 384؛ الدرّ المنثور، ج 5، ص 476؛ تفسیر الرازی، ج 9، ص 148؛ تفسیر الثعلبی، ج 1، ص 1211؛ تفسیر الکشف والبیان، ج 5، ص 272.
8- 331. بحارالانوار، ج 97، ص 307؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
9- 332. سوره بقره، آیه 185.
10- 333. بحارالانوار، ج 36، ص 99؛ تفسیر عیاشی، ج 1، ص 82.

اشاره

فصل دوم:امیرالمؤمنین علیه السلام در بیان خاتم النبیین صلی الله علیه وآله

مقدمه

آنچه در این فصل می آید: اسامی، القاب، اوصاف و فضایل امام علی علیه السلام است که در کلمات گهربار پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله بیان شده است؛ چه اوصافی که از جانب خود در معرفی امام فرمودند، و یا از جانب خدای تعالی و جبرئیل به ایشان ابلاغ شده و مأمور به بیان آن بودند. و آن حضرت در خلوت و جلوت و در خطبه عمومی و مجلس خصوصی، به ذکر فضایل و مناقب ایشان پرداخته است و ما از لابه لای احادیث آن حضرت و زیارات و خطبه های ایشان جمع آوری نموده ایم.

127 الْآخِذُ

گیرنده و حفظ کننده سنّت پیامبر؛ چنان که رسول خداصلی الله علیه وآله خطاب به امام علی علیه السلام فرمود:

«أَنْتَ الآخِذُ بِسُنَّتِی وَالذّآبُّ عَنْ مِلَّتِی»؛(1)

«ای علی! تو همانی که سنّت مرا اخذ و حفظ نموده و از ملّت و آیین من دفاع خواهی کرد».

128 آخِرُ النّاسِ عَهْداً بِالرَّسُولِ

آخرین کسی که با پیامبر خداصلی الله علیه وآله وداع نمود و او را به خاک سپرد.

رسول خداصلی الله علیه وآله با اشاره به امام علی علیه السلام فرمود:

«هذا عَلِی أَوَّلُ النّاسِ إِیماناً وآخِرُهُمْ بِی عَهْداً، وَأَوَّلُ النّاسِ فِی الْقِیامِ یوْمَ الْقِیامَهِ»؛(2)

«این علی علیه السلام، نخستین ایمان آورندگان و آخرین کسی است که با من وداع می کند و اوّلین کسی است که روز محشر، به همراه من برمی

خیزد».

129 آصِفُ الْأُمَّهِ

آصف، نام وزیر و خواهرزاده و جانشین سلیمان علیه السلام بود که او را وصی خود قرار داد.(3)

ابن عباس نقل می کند: رسول خداصلی الله علیه وآله در معرفی امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

«مَعاشِرَ النّاسِ! مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ قِيلاً وَأَصْدَقُ مِنْهُ حَدِيثاً؟! مَعاشِرَ النّاسِ! إِنّ رَبَّكُمْ جَلَّ جَلالُهُ أَمَرَنِى أَنْ أُقِيمَ لَكُمْ عَلِياً عَلَماً وَإِماماً وَخَلِيفَةً... إِنَّ عَلِياً صِدِّيقُ هذِهِ الأُمَّهِ وَفارُوقُها وَمُحَدِّثُها، إِنَّهُ هارُونُها وَيوشَعُها وَآصِفُها وَشَمعُونُها ...»؛(4)

«ای مردم! چه کسی از خدا بهتر سخن می گوید و چه کسی از او راستگوتر است؟ ای مردم! خدای شما به من فرمان داده که علی را برای شما معرفی کنم که او امام و خلیفه باشد. بدانید علی صدّیق این امّت است، او فاروق و محدّث این امّت است، او هارون و یوشع و آصف و شمعون این امّت است».

130 آیهُ اللَّهِ الْکُبْری

کبری مثل عظمی اسم تفضیل و مؤنث اکبر یعنی بزرگ تر و بزرگ ترین؛ بنابراین علی علیه السلام

1- 334. بحارالانوار، ج 37، ص 191؛ کشف الیقین، ص 466؛ الطرائف، ج 2، ص 521؛ امالی طوسی، ص 351.
2- 335. ینابیع المودّه، ج 1، ص 245.
3- 336. بحارالانوار، ج 14، ص 122؛ من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 174.
4- 337. بحارالانوار، ج 38، ص 93؛ امالی صدوق، ص 31؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 90.

آیت و نشانه بزرگ خدا و بزرگ ترین آنها می باشد.(1) این عنوان از القاب امام علی علیه السلام است که رسول خداصلی الله علیه وآله در مورد آن حضرت فرمود:

«أَنْتَ کَلِمَهُ اللَّهِ الْعُلْیا وَآیهُ اللَّهِ الْکُبْری وَلا یقْبَلُ اللَّهُ الإِیمانَ إِلّا بِوِلایتِکَ»؛(2)

«ای علی! تو عالی ترین کلمه خدا و بزرگ ترین نشانه خدایی، و خداوند ایمان کسی را قبول نمی کند؛ مگر با ولایت تو باشد».

خود امیرمؤمنان علیه السلام نیز فرموده:

«أَنَا الْحُجَّهُ الْعُظْمی وَالآیهُ الْکُبْری ؛(3)

«من بزرگ ترین حجّت خدا و بزرگ ترین آیه و نشانه او هستم».

و در دعای افتتاح در شب های ماه مبارک رمضان می خوانیم: «اَللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلی عَلِی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ... وَآیتِکَ الْکُبْری ؛(4)

«خدایا درود فرست بر امیرمؤمنان علیه السلام ... او که بزرگ ترین آیه و نشانه توست».

همچنین در نماز عید غدیر گفته می شود:

«اَللَّهُمَّ بَلی بِشَهدْنا بِمَنِّکَ وَلُطْفِکَ بِأَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ رَبُّنا وَمُحَمَّدٌ عَبْدُکَ وَرَسُولُکَ نَبِینا وَعَلِی أَمِیرُالْمُؤْمِنِینَ وَالْحُجَّهُ الْعُظْمی وَآیتُکَ الْکُبْری ؛(5)

«بار الها! به منّ و کرم و لطف تو گواهی می دهیم که تو همان خدایی هستی که غیر از تو نیست و محمّد بنده و رسول تو، پیامبر ماست و علی، امیرمؤمنان و بزرگ ترین دلیل و نشانه تو است».

131 آیهُ الْحَقِّ

آیه الحق به معنای نشانه حقّ و حقیقت است و البته حقّ محض و خالص خدای تعالی است، پس علی علیه السلام نشانه خداوند است، از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود:

«عَلِی آیهُ الْحَقِّ وَرایهُ الْهُدی ؛(6)

«علی علیه السلام نشانه خدا و پرچم هدایت است».

132 أَبْصَرُ الْمُؤمِنِینَ

روزی رسول خداصلی الله علیه وآله دستی به کتف علی علیه السلام زده و فرمود: ای علی! هفت خصلت در تو هست که هیچ یک از قریش نمی تواند با تو رقابت و احتجاج کند.

آن هفت خصلت چنین است:

«... أَنْتَ أَوَّلُهُمْ إِیماناً بِاللَّهِ وَأَوْفاهُمْ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَقْوَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ وَأَقْسَمُهُمْ بِالسَّوِیهِ وَأَعْدَلُهُمْ فِی الرَّعِیهِ وَأَبْصَرُهُمْ فِی الْقَضِیهِ وَأَعْظَمُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ یوْمَ الْقِیامَهِ مَزِیهً»؛(7)

1- 338. البته همان طور که در مقدّمه تأکید شد، هرچه در مورد امیر مؤمنان گفته می شود و به عنوان برترین فرد معرفی می گردد، مراد غیر از رسول خداصلی الله علیه وآله است؛ چون آن حضرت، اول شخص عالم خلقت است و هیچ مؤمن معتقدی به خود اجازه نمی دهد که امام علی علیه السلام را برتر از پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله بداند.
2- 339. مشارق انوار الیقین، ص 102؛ امالی صدوق، ص 11؛ بشاره المصطفی، ص 18.
3- 340. بحارالانوار، ج 39، ص 236.
4- 341. اقبال الاعمال، ص 60؛ مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.
5- 342. تهذیب طوسی، ج 3، ص 145.
6- 343. بحارالانوار، ج 22، ص 196؛ امالی طوسی، ص 505.
7- 344. بحارالانوار، ج 38، ص 10؛ امالی طوسی، ص 553؛ الخصال صدوق، ج 2، ص 363؛ کشف الیقین، ص 283؛ کشف الغمه، ج 1، ص 152؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 6. جامع الاحادیث، ج 23، ص 317؛ کنز العمال، ج 11، ص 617.

«تو اولین ایمان آورنده به خدا از بین مؤمنان و وفادارترین آنان به عهد خدا و برپادارترین فرد به امر خدا و تقسیم کننده به تساوی و عادل ترین آن ها با مردم و عالم ترین آنان به قضایا و حوادث می باشی و کسی هستی که روز قیامت درجه و مزیتش از همه عظیم تر است».

133 ابْنُ عَمِّ الرَّسُولِ

حضرت علی علیه السلام پسر عموی رسول خداصلی الله علیه وآله است، البته در دایره دین الهی قرابت نسبی و سببی جایگاهی ندارد؛ لکن در کنار سایر مناقب و فضایل علی علیه السلام، این قرابت و نزدیکی با پیامبر خداصلی الله علیه وآله خود ارزش و فضیلتی دیگر محسوب می گردد.

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود:

«عَلِی أَخِی وَصاحِبِی وَابْنُ عَمِّی».(1)

در زیارت مخصوصه آن حضرت در روز یکشنبه آمده است:

«... وَبِحَقِّ ابْنِ عَمِّکَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَعَلَیهِمْ أَجْمَعِینَ».(2)

134 أَبُو الْأَئِمَّهِ

پدر امامان، عنوانی است که رسول خداصلی الله علیه وآله در حقّ حضرت فرمود:

«أَنْتَ الْإِمامُ، أَبُوالْأَئِمَّهِ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ صُلْبِکَ»؛(3)

«تو امام هستی، پدر یازده امام که همه از صلب تو هستند».

امام علی علیه السلام پدر امامان معصوم علیهم السلام است؛ یعنی همه امامان از نسل او و از فرزندان امام حسین علیه السلام هستند؛ چنان که در یکی از زیارات مطلقه آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلی أَبِی الْأَئِمَّهِ وَخَلِیلِ النُّبُوَّهِ وَالْمَخْصُوصِ بِالْأُخُوَّهِ»؛(4)

«سلام بر پدر امامان و دوست پیامبر، همان که به جهت برادری پیامبرصلی الله علیه وآله امتیاز ویژه یافت».

135 أَبُو الْأَئِمَّهِ الزُّهَرِ

زُهَر جمع زهره است و به معنای درخشنده و نورانی؛ یعنی امامان ما همه چنین هستند و امیر مؤمنان پدر ایشان است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در مورد علی علیه السلام فرموده است:

«أَلا إِنَّهُ الْمُبَلِّغُ عَنِّی وَالْإِمامُ بَعْدِی وَأَبُوالْأَئِمَّهِ الزُّهَرِ»؛(5) «بدانید او از جانب من ابلاغ می کند، او امام بعد از من و پدر امامان درخشنده و نورانی است».

136 أَبُو الْأَئِمَّهِ الْمَهْدِيينَ

پدر امامان هدایت یافته.

از کلمات گهربار پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است که در روز غدیر درباره حضرت علی علیه السلام فرمود:

«إِنَّ عَلِیاً مِنِّی وَأَنَا مِنْ عَلِیٍّ، خُلِقَ مِنْ طِینَتِی وَهُوَ إِمامُ الْخَلْقِ بَعْدِی... خَیرُ الْوَصِیینَ وَزَوْجُ سَیدَهِ نِسآءِ الْعالَمِینَ وَأَبُوالْأَئِمَّهِ الْمَهْدِیینَ»؛(6)

1- 345. الصراط المستقیم، ج 2، ص 81؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 186. تاریخ ابن عساکر، ج 1، ص 131.
2- 346. جمال الاسبوع، ص 31؛ مفاتیح الجنان، زیارت یکشنبه.
3- 347. بحارالانوار، ج 36، ص 335.
4- 348. بحارالانوار، ج 97، ص 287.
5- 349. بحارالانوار، ج 36، ص 316؛ الصراط المستقیم، ج 2، ص 114.
6- 350. امالی صدوق، ص 125.

«علی، از من است و من از علی هستم، خلقت او از طینت من است، او بعد از من امام مردم است ... علی بهترین جانشینان و همسر بهترین زنان جهان است و پدر امامان هدایت یافته می باشد».

137 أَبُو الْأُمَّهِ

پدر امّت. یکی از کنیه های امام علی علیه السلام است که همراه پیامبر خداصلی الله علیه وآله، پدر امّت هستند.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: رسول خداصلی الله علیه وآله به من فرمود:

«یا عَلِی! فَقُلْتُ: لَبَّیکَ یا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه وآله. قالَ: أَنَا وَأَنْتَ أَبَوا هذِهِ الْأُمَّهِ فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ عَقَّنا، قُلْ: آمِینَ. فَقُلْتُ: آمِینَ»؛(1)

«ای علی! و من گفتم: بله ای رسول خدا! فرمود: من و تو دو پدر این امّت هستیم. خدا لعنت کند هر کس که حقّ ما را رعایت نکند و از ما نافرمانی کند، فرمود: بگو آمین، و من هم گفتم: آمین».

138 أَبُو تُرابٍ

پدر خاک. از کنیه های ویژه امیرالمؤمنین علیه السلام است که پیامبر خداصلی الله علیه وآله به آن حضرت نسبت داده و از کنیه هایی است که امام علی علیه السلام نیز آن را بسیار دوست می داشت و اگر کسی او را با آن کنیه صدا می کرد، بسیار خوشحال می شد.(2)

درمورد علّت نام گذاری آن، مطالب متعددی گفته شده؛ از جمله اینکه: روزی حضرت بر روی زمین در حال سجده بود و گرد و خاک بر سر و رویش نشسته بود، پیامبرصلی الله علیه وآله این منظره را دید و فرمود:

«إِنَّما أَنْتَ أَبُوتُرابٍ».

و در موارد مختلف نیز، با عنوان «ابوتراب» ایشان را مورد خطاب قرار می داد.(3)

139 أَبُو ذُرِّیهِ الرَّسُولِ

پدر فرزندان پیامبر.

این عنوانی دیگر است که رسول خداصلی الله علیه وآله به امام علی علیه السلام نسبت داده؛(4) چون همسرش فاطمه زهراعلیها السلام دختر پیامبر است، فرزندان ایشان ذرّیه رسول خداصلی الله علیه وآله می باشند؛ لذا با این عنوان در موارد بسیاری از امیرالمؤمنین تعریف و تمجید شده است؛ از جمله در یکی از زیارات آن حضرت آمده:

«اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی وَلِیکَ وَأَخِی نَبِیکَ... وَأَبِی ذُرِّیتِهِ»؛(5)

«خدایا! درود فرست بر علی، که ولی تو و برادر پیامبرت ... و پدر ذرّیه آن جناب است».

140 أَبُو الرَّیحانَتَینِ

پدر دو ریحانه و دسته گل (امام حسن و امام حسین علیهما السلام) پیامبرصلی الله علیه وآله سه روز قبل از رحلت، به امام علی علیه السلام چنین فرمود:

1- 351. بحارالانوار، ج 36، ص 6؛ معانی الاخبار، ص 118. تفسیر آلوسی، ج 16، ص 135؛ تفسیر روح البیان، ج 10، ص 336.
2- 352. بحارالانوار، ج 35، ص 66.
3- 353. بحارالانوار، ج 18، ص 119 و ج 19، ص 187 و ج 35، ص 50 و ج 25، ص 51. عمده القاری، ج 24، ص 334.
4- 354. بحارالانوار، ج 23، ص 143؛ الروضه، ص 146.
5- 355. بحارالانوار، ج 97، ص 372؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین در روز میلاد پیامبر.

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا أَبَا الرَّیحانَتَین، أُوصِیکَ بِرَیحانَتَی مِنَ الدُّنْیا...»؛(1)

«سلام بر تو ای پدر دو دسته گل، از این دنیا تو را به گل های خودم سفارش می کنم».

141 أَبُو السِّبْطَینِ

سبطین تثنیه سبط و به معنای نوه می باشد. رسول خداصلی الله علیه وآله خطاب به امام علی علیه السلام فرمود:

«أَنْتَ أَبُو سِبْطَی»؛(2)

«تو پدر دو سبط من هستی».

امام حسن و امام حسین علیهما السلام دو سبط و نوه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله هستند، امام علی علیه السلام نیز داماد پیامبرصلی الله علیه وآله و پدر ایشان است؛ لذا به حضرت این گونه سلام می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا أَبا سِبْطَی رَسُولِ اللَّهِ»؛(3)

«سلام برتو ای پدر دو سبط (نوه) رسول خدا».

142 أَبُو الشُّهَداءِ

پدر شهیدان. و منظور آن آقایی است که همه فرزندان او را یا شهید کردند و یا اسیر و آواره و یا تبعید نمودند.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«عَلِی سَیدُ الشُّهَداءِ وَأَبُوالشُّهَداءِ الْغُرَباءِ»؛(4)

«علی آقای شهیدان و پدر شهیدان است که در غربت به شهادت رسیدند».

در فرازی از دعای ندبه نیز اشاره دارد:

«وَالْأُمَّهُ مُصِرَّهٌ عَلی مَقْتِهِ، مُجْتَمِعَهٌ عَلی قَطِیعَهِ رَحِمِهِ وَإِقْصآءِ وُلْدِهِ، إِلَّا الْقَلِیلَ مِمَّنْ وَفی لِرِعایهِ الْحَقِّ فِیهِمْ، فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ، وَسُبِی مَنْ سُبِی، وَأُقْصِی مَنْ أُقْصِی»؛(5)

«و همه امّت، کمر بر دشمنی آنها بسته و متّفق شدند تا نسل پیامبر را قطع کنند و فرزندانش را آواره نمایند، مگر عدّه کمی که در رعایت حقّ اهل بیت علیهم السلام وفادار ماندند، پس عدّه ای کشته شدند و عده ای اسیر گشتند و برخی نیز آواره شدند».

143 أَبُو الْغُرَباءِ

پدر غریبان. و منظور آن آقایی است که همه فرزندانش غریب گشتند و در غربت به شهادت رسیدند، یا اسیر و آواره و یا تبعید شدند.

همچنین مراجعه شود به: أَبُو الشُّهَداءِ [142]

144 أَبُو الْمُؤْمِنِينَ

پدر مؤمنان. پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود:

«أَنَا وَعَلِی أَبُو الْمُؤْمِنِينَ، فَمَنْ سَبَّ أَحَدَنا فَعَلَيهِ لَعْنَهُ اللَّهِ»؛(6)

«من و علی پدر مؤمنان هستیم، هرکس یکی از ما را دشنام و ناسزا دهد، پس لعنت خدا بر او باد».

145 أَبُو وُلْدِ الرَّسُولِ

رسول خداصلی الله علیه وآله به فاطمه زهراعلیها السلام فرمود:

«إِنَّ عَلِیاً أَخِی وَصَفِیی وَأَبُو وُلْدِی»؛(7)

1- 356. بحارالانوار، ج 43، ص 173؛ امالی صدوق، ص 135. کنز العمال، ج 11، ص 625؛ جامع الاحادیث، ج 13، ص 282؛ جمع الجوامع، ج 1، ص 1337.
2- 357. بحارالانوار، ج 36، ص 330.
3- 358. بحارالانوار، ج 97، ص 328.
4- 359. موسوعه امام علی علیه السلام، ج 8، ص 138.
5- 360. بحارالانوار، ج 99، ص 106؛ اقبال الاعمال، ص 296؛ مفاتیح الجنان، دعای ندبه.
6- 361. الصراط المستقیم، ج 2، ص 93.

7- 362. بحارالانوار، ج 22، ص 503؛ امالی طوسی، ص 606. المستدرک على الصحيحين، ج 3، ص 239.

«همانا علی، برادر و برگزیده من است، او پدر فرزندان من می باشد».

146 اِتِّباعُهُ فَرِيضَةُ اللَّهِ

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«أَلا إِنَّ وِلايةَ عَلِيّ وِلايةُ اللَّهِ، وَحُبَّهُ عِبادَةُ اللَّهِ وَاتِّباعَهُ فَرِيضَةُ اللَّهِ، وَأَوْلِياءَهُ أَوْلِياءُ اللَّهِ، وَأَعْداءَهُ أَعْداءُ اللَّهِ، وَحَرْبَهُ حَرْبُ اللَّهِ وَسِلْمَهُ سِلْمُ اللَّهِ»؛(1)

«آگاه باشید! ولایت علی همان ولایت خداست، دوست داشتن او عبادت و پیروی از او واجب و فریضه الهی است، دوستان او دوستان خدا و دشمنان او دشمنان خدایند، جنگ او جنگ خدا و صلح او صلح خداست».

147 اِتِّباعُهُ فَضِيلَةٌ

کسی که پیروی و اطاعت از او، موجب فضیلت و برتری شخص پیروی کننده است.

پیامبرصلی الله علیه وآله در فضایل امام علی علیه السلام فرمود:

«حُبُّ عَلِی نِعْمَةٌ وَاتِّباعُهُ فَضِيلَةٌ دانَ بِهِ الْمَلائِكَةُ وَحَفَّتْ بِهِ الْجِنُّ الصّالِحُونَ، لَمْ يمْشِ عَلَى الْأَرْضِ ماشٍ بَعْدِی إِلّا كانَ هُوَ أَكْرَمَ مِنْهُ عِزّاً وَفَخْراً وَمِنْهَاجاً لَمْ يكُ فَظّاً غَجُولاً وَلَا مُسْتَرْسِلاً لِفَسادٍ وَلا مُتَعَنِّداً حَمَلَتْهُ الْأَرْضُ فَأَكْرَمَتْهُ لَمْ يخْرُجْ مِنْ بِطْنِ أُنْثى بَعْدِی أَحَدٌ كانَ أَكْرَمَ خُرُوجاً مِنْهُ وَلَمْ ينْزِلْ مَنْزِلاً إِلّا كانَ مَيمُوناً أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيهِ الْحِكْمَةَ وَرَدّاهُ بِالْفَهْمِ تُجالِسُهُ المَلائِكَةُ وَلا يراها»؛(2)

«دوستی حضرت علی علیه السلام نعمت خدا و پیروی از او فضیلت است که فرشتگان نیز به آن معتقدند و صالحان از جن به گرد اویند. بعد از من کسی بزرگوارتر از علی علیه السلام بر روی زمین راه نرفته است جز آنکه علی علیه السلام بهتر از اوست، او عزت و افتخار و دلیل راه است، نه سخت و شتاب کار و نه سهل انگار در فساد است و نه عنادورز. زمین او را برداشته و گرامی داشته. پس از من کسی گرامی تر از او از مادر متولد نشده و هر کجا فرود آمده میمنت داشته است. خدا بر وی حکمت فرو فرستاده و اورا با فهمش پوشانیده است.فرشتگان با وی همنشین باشند؛ ولی آنان را نبیند».

148 أَجِيرُ هذَا الْخَلْقِ

رسول خداصلی الله علیه وآله به امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

«یا عَلِی! أَنَا وَأَنْتَ أَجِیرا هذَا الْخَلْقِ، فَمَنْ مَنَعَنا أَجْرَنا فَعَلَیهِ لَعْنَهُ اللَّهِ، أَمِّنْ یا عَلِی! فَقُلْتُ: آمِینَ یا رَسُولَ اللَّهِ»؛(3)

«ای علی! من و تو اجیر این خلق هستیم، پس هر که اجر ما را نپردازد، لعنت خدا بر او باد، بگو آمین ای علی! من هم گفتم آمین ای رسول خدا».

149 أَحَبُّ إِخْوانِ الرَّسُولِ

رسول اکرم صلی الله علیه وآله درباره امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

«أَحَبُّ إِخْوانِی إِلَی عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ، وَأَحَبُّ أَعْمامِی إِلَی حَمْزَهُ»؛(4)

«محبوب ترین برادرانم، علی است و بهترین عموهایم حمزه است».

1- 363. امالی صدوق، ص 31؛ روضه الواعظین، ج 1، ص 100؛ مشارق انوار الیقین، ص 106.
2- 364. بحارالانوار، ج 39، ص 38.
3- 365. بحارالانوار، ج 34، ص 333.
4- 366. امالی صدوق، مجلس 82، حدیث 7.

150 أَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ

محبوب ترین خلق نزد خدا.

روزی مرغ بریانی را برای رسول خداصلی الله علیه وآله هدیه آوردند، آن حضرت از خدای تعالی درخواست کرد: خدایا! محبوب ترین بندگانت را نزد من بفرست تا در خوردن این مرغ، با من شریک شود. مدتی نگذشت امیرالمؤمنین وارد شد. بدین سبب، امام علی علیه السلام به «أَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ»، و این جریان به داستان «طیر مشوی» معروف شد.(1)

151 أَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَى الرَّسُولِ

امیرالمؤمنین علیه السلام دوست داشتنی ترین افراد نزد رسول خداصلی الله علیه وآله بود؛ چون ایشان به آن جناب فرموده بود:

«أَنْتَ أَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَى»؛(2)

«تو محبوب ترین مردم نزد من هستی».

و در جای دیگر فرمود:

«اللَّهُمَّ عَلِی أَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَى»؛(3)

«خدایا! علی محبوب ترین خلق نزد من است».

152 أَحَبُّ الرِّجالِ

عایشه از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل می کند:

«فاطِمَهُ أَحَبُّ النّاسِ إِلى رَسُولِ اللَّهِ وَزَوْجُها عَلِی أَحَبُّ الرِّجالِ إِلَيهِ»؛(4)

«فاطمه محبوب ترین مردم نزد رسول خداصلی الله علیه وآله و شوهرش علی محبوب ترین مردم نزدشان بود».

153 أَحَدُ الثَّقَلَينِ

در احادیث متعددی از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود:

«إِنِّی تارِکٌ فِيکُمُ الثَّقَلَين کِتابَ اللَّهِ وَعِتْرَتِی»؛(5)

«مَن از َبین شما می رَوم؛ ولی دو گوهر گرانبها نزد شما باقی می گذارم، یکی کتاب خدا و دیگری عترت و اهل بیت من است».

مراد از عترتی، اهل بیت پیامبرعلیهم السلام می باشد که فرد اکمل و اتمّ عترت رسول خداصلی الله علیه وآله نیز امام علی علیه السلام است، او هم داماد و هم پسرعموی پیامبر و هم جانشین و خلیفه ایشان می باشد.

154 أَحْسَنُ النّاسِ خُلْقاً

کسی که در میان مردم، اخلاقش از همه بهتر و نیکوتر است.

پیامبرصلی الله علیه وآله خطاب به امام علی علیه السلام فرمود:

«أَنْتَ أَحْسَنُهُمْ خُلْقاً وَأَصْدَقُهُمْ لِساناً»؛

«ای علی! اخلاق تو از همه بهتر و زبان تو از هم راست گوتر است».

155 أَحْلَمُ النّاسِ

حلم صفتی است که با آن، خشم و غضب و احساسات کنترل می شود و علی علیه السلام که مظهر اسمای الهی است، نه تنها حلیم است؛ بلکه از همه مردم هم حلیم تر می باشد.

1- 367. بحارالانوار، ج 10، ص 431 و ج 22، ص 338؛ ارشاد مفید، ج 1، ص 38.
2- 368. احتجاج، ج 1، ص 139.
3- 369. بحارالانوار، ج 43، ص 96.
4- 370. الصواعق المحرقه، ج 2، ص 354.
5- 371. بحارالانوار، ج 2، ص 225؛ احتجاج، ج 1، ص 149؛ ارشاد القلوب، ج 2، ص 378؛ امالی صدوق، ص 415؛ وسائل الشیعه، ج 27، ص 33.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«عَلِی أَشْجَعُ النّاسِ قَلْباً وَأَحْلَمُ النّاسِ حِلْماً»؛(1)

«علی شجاع ترین و بردبارترین مردم است».

156 أَخْلَصُ الْمُؤْمِنِینَ إِیماناً

امام علی علیه السلام، هم اولین مؤمن به رسول خدا و هم امیرمؤمنان است و هم در بین مؤمنان، ایمانش خالص ترین ایمان هاست.

پیامبرصلی الله علیه وآله به آن جناب فرمود:

«أَنْتَ أَوَّلُ الْمُؤْمِنِینَ إِسْلاماً وَأَخْلَصُهُمْ إِیماناً»؛(2)

«تو اولین کسی هستی که به اسلام پیوسته و ایمانت خالص ترین ایمان است».

لذا در زیارت مخصوص آن حضرت آمده:

«یا أَبَالْحَسَنِ! أَشْهَدُ أَنَّکَ کُنْتَ أَوَّلَ الْقَوْمِ إِسْلاماً، وَأَخْلَصَهُمْ إِیماناً»؛(3)

«گواهی می دهم که تو اولین مسلمان در قوم بودی و نیز خالص ترین ایمان را داشتی».

157 أَخُو الرَّسُولِ

کسی که پیامبرصلی الله علیه وآله او را برادر خود گرفت. آن گاه که پیامبر خداصلی الله علیه وآله بین مسلمانان عقد و پیمان اخوت و برادری برقرارنمود، علی علیه السلام تنها ماند. پس عرض کرد: یا رسول اللّه! آیا مرا با کسی برادر نکردی؟ فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ أَخِی»؛(4)

«ای علی! تو برادر من هستی».

و در جای دیگر نیز فرمود:

«مَکْتُوبٌ عَلی بابِ الْجَنَّهِ: لا إِلهَ إِلّا اللّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّهِ، عَلِی أَخُو رَسُولِ اللّهِ»؛(5)

«بر بالای در بهشت چنین نوشته شده است: خدایی جز اللّه نیست، محمّد رسول خدا و علی برادر پیامبر خداست».

و ما هم این گونه شهادت می دهیم:

«وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِیاً عَبْدُ اللَّهِ وَأَخُو رَسُولِ اللَّهِ»؛(6)

«گواهی می دهم که علی علیه السلام بنده خدا و برادر رسول خداست».

158 أَرْأَفُ الْمُؤْمِنِینَ

کسی که نسبت به مؤمنان از همه مهربان تر و رؤوف تر می باشد.

این عنوان و لقبی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«أَنْتَ أَوَّلُ الْمُؤْمِنِینَ بِاللَّهِ إِیماناً وَأَوْفاهُمْ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَقْوَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ وَأَرْأَفُهُمْ بِالرَّعِیهِ»؛(7)

«تو اولین ایمان آورنده به خدا و باوفاترین آنان به پیمان الهی هستی و از همه بیشتر به امر الهی قیام می کنی و به مردم از همه مهربان تر هستی».

1- 372. امالی صدوق، ص 439؛ بشاره المصطفی، ص 174؛ مناقب آل ابی طالب، 2، ص 35.
2- 373. بحارالانوار، ج 96، ص 38.
3- 374. بحارالانوار، ج 303، ص 38؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام.
4- 375. مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 104؛ الصوارم المهرقه، ص 209؛ کنز العمال، ج 13، ص 150؛ فضائل الصحابه، ج 2، ص 663؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 15.

5- 376. بحارالانوار، ج 7، ص 231. جامع الاحادیث، ج 19، ص 449؛ تاریخ بغداد، ج 6، ص 387؛ المعجم الاوسط، ج 5، ص 343؛ الکامل فی الرجال، ج 6، ص 2103.
6- 377. من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 589؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام.
7- 378. بحارالانوار، ج 31، ص 382؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 6. کنز العمال، ج 11، ص 617.

159 أَزْهَدُ النّاسِ

زاهدترین مردم.

وقتی از رسول خداصلی الله علیه وآله سؤال شد:

«مَنْ أَزْهَدُ النّاسِ وَأَفْقَرُهُمْ؟»؛

«چه کسی از همه مردم زاهدتر می باشد؟»

ایشان در پاسخ فرمود: او علی علیه السلام است که وصی و جانشین من می باشد.(1)

160 أَسْخَی الْأُمَّهِ

با سخاوت ترین مردم. عنوان و لقبی است که رسول خداصلی الله علیه وآله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است:

«یا عَلِی! أَنْتَ أَفْضَلُ أُمَّتِی فَضْلاً... وَأَشْجَعُهُمْ قَلْباً وَأَسْخاهُمْ کَفّاً»؛(2)

«ای علی! تو بافضیلت ترین امّت من، و نیز تو شجاع ترین و باسخاوت ترین امّت من می باشی».

161 أَسْخی مِنَ الْفُراتِ

رسول خداصلی الله علیه وآله با اشاره به امیرالمؤمنین علیه السلام، خطاب به ابوهریره فرمود:

«هذَا الْبَحْرُ الزّاخِرُ، هذَا الشَّمْسُ الطّالِعَهُ، أَسْخی مِنَ الْفُراتِ کَفّاً، وَأَوْسَعُ مِنَ الدُّنْیا قَلْباً، فَمَنْ أَبْغَضَ فَعَلَیهِ لَعْنَهُ اللّهِ»؛(3)

«این (علی علیه السلام) دریای پربار علم است، این (علی علیه السلام) خورشید تابان است، که دستش باسخاوت تر از فرات (رودخانه بزرگ)، و قلبش گسترده تر از دنیا است، پس هرکه با او دشمنی ورزد، لعنت خدا بر او باد».

162 أَسَدُ اللَّهِ

شیر خدا. کنایه از کسی است که بسیار شجاع و نترس است و دارای نیرویی الهی می باشد. هنگامی که از رسول خداصلی الله علیه وآله سؤال کردند: چه کسی از همه زاهدتر و فقیرتر است؟

حضرت در پاسخ فرمود:

«عَلِی وَصِیی وَابْنُ عَمِّی وَأَخِی وَحَیدَرِی وَکَرّارِی وَصَمْصامِی وَأَسَدِی وَأَسَدُ اللَّهِ»؛(4)

«علی، که جانشین و پسرعموی من است، او که برادر و حیدر و کرار و صمصام من و شیر خدا و من است».

در قسمتی از زیارت آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلی أَسَدِ اللَّهِ فِی الْوَغی ؛(5)

«سلام بر او که شیر خدا بود در جنگ و جهاد».

163 أَسَدُ رَسُولِ اللَّهِ

شیر رسول خدا.

عنوانی است که خود پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرموده است. طبق حدیثی که در «اسد اللّه» گفته شد.

164 أَسْمَحُ الْأُمَّهِ

اسمح از واژه سمح؛ کسی است که از همه بخشنده تر و باسخاوت تر باشد.

رسول خداصلی الله علیه وآله طبق حدیثی فرمود:

«عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ أَقْدَمُ أُمَّتِی سِلْماً، وَأَکْثَرُهُمْ عِلْماً، وَأَصَحُّهُمْ دِیناً، وَأَفْضَلُهُمْ یقِیناً، وَأَکْمَلُهُمْ حِلْماً،

1- 379. بحارالانوار، ج 39، ص 73.

2- 380. بحارالانوار، ج 37، ص 255؛ امالی صدوق، ص 46.
3- 381. بحارالانوار، ج 27، ص 227؛ مائه منقبه، ص 32؛ کنز الفوائد، ج 1، ص 148.
4- 382. بحارالانوار، ج 39، ص 73.
5- 383. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام.

وَأَسْمَحُهُمْ كَفّاً، وَأَشْجَعُهُمْ قَلْباً، وَهُوَ الْإِمامُ وَالْخَلِيفَهُ بَعْدِی»؛(1)

«علی بن ابی طالب علیه السلام مقدم ترین مسلمان امّت من است، او از همه بیشتر علم دارد، دینش از همه صحیح تر، یقینش از همه برتر، حلم و بردباری اش از همه کامل تر، از همه سخاوت مندتر و از همه شجاع تر است، او امام و خلیفه بعد از من است».

165 أَشْجَعُ الْأُمَّهِ

شجاع ترین و نترس ترین افراد امّت. کسی که قلبی محکم و نترس دارد.

در زیارت آن حضرت آمده:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ کُنْتَ... أَشْجَعَهُمْ قَلْباً»؛(2)

«گواهی می دهم که تو... دلت از همه قوی تر و شجاع تر بود».

همچنین مراجعه شود به: أَسْخَی الْأُمَّهِ [160]

166 أَشْجَعُ النّاسِ

شجاع ترین مردم.

همچنین مراجعه شود به: أَحْلَمُ النّاسِ [155]

167 أَشْرَفُ أَهْلِ الْبَیتِ

رسول خداصلی الله علیه وآله خطاب به فاطمه زهراعلیها السلام در مورد همسرش امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

«هُوَ أَشْرَفُ أَهْلِ بَیتِکَ حَسَباً وَأَکْرَمُهُمْ مَنْصَباً»؛(3)

«علی علیه السلام شریف ترین فرد اهل بیت از حیث نسب و گرامی ترین آنان از جهت منصب و مقام است».

168 أَصْحابُهُ الْأَبْرارُ

رسول خداصلی الله علیه وآله به حضرت علی علیه السلام فرمود:

«أنْتَ الثّوابُ وَأصْحابُکَ الْأبْرارُ»؛(4)

«تو ثواب و پاداش هستی و یاران تو خوبان هستند».

169 أَصْحابُهُ فِی الْجَنَّهِ

رسول خداصلی الله علیه وآله به حضرت علی علیه السلام فرمود:

«یاعَلِی! أَبْشِرْ فَإِنَّکَ وَأَصْحابُکَ وَشِیعَتُکَ فِی الْجَنَّهِ»؛(5)

«ای علی! بشارت باد بر تو! همانا تو و یاران و پیروانت در بهشت خواهید بود».

170 أَصَحُّ الدِّینِ

دینش صحیح ترین دین و آیین است.

همچنین مراجعه شود به: أَسْمَحُ الْأُمَّهِ [164]

171 أَصْدَقُ النّاسِ

کسی که زبانش از همه راست گوتر است.

همچنین مراجعه شود به: أَحْسَنُ النّاسِ خُلْقاً [154]

172 أَصْلُ الدِّینِ

اصل واساس دین به پذیرش ولایت و امامت علی و امامان از فرزندان آن حضرت علیه السلام است، چنان که پیامبر خداصلی الله علیه وآله به آن حضرت فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ أَصْلُ الدِّینِ وَمَنارُ الْإِیمانِ وَغایهُ الْهُدی ...»؛(6)

1- 384. مائه منقبه، ص 50؛ التحصین، ص 619.
2- 385. بحارالانوار، ج 97، ص 377؛ مفاتیح الجنان، زیارت مخصوصه.
3- 386. بحارالانوار، ج 36، ص 307.
4- 387. بحارالانوار، ج 36، ص 97. شواهد التنزیل، ج 1، ص 178.

5- 388. فضائل الصحابه، ج 1، ص 654.
6- 389. بحارالانوار، ج 35، ص 400 و ج 23، ص 3؛ مستدرک الوسائل، ج 11، ص 270؛ تفسیر فرات، ص 205؛ بصائر الدرجات، ص 32.

«ای علی! تو اصل و اساس دین و پایان هدایت و نتیجه هدایت هستی ...».

به همین جهت فرمود: اگر کسی در بهترین مکان روی زمین (کعبه) و در بهترین زمان ها و ساعات به عبادت خدا مشغول شود، روزها را روزه بگیرد و شب ها را به شب زنده داری بگذراند؛ امّا ولایت اهل بیت علیهم السلام را نداشته باشد، خداوند هیچ عملی از او را نمی پذیرد.(1)

173 أَصْلُ الرَّسُولِ

مراد از اصل، همه کاره بودن است. رسول خداصلی الله علیه وآله در مورد حضرت علی علیه السلام فرمود:

«عَلِی أَصْلِی وَجَعْفَرٌ فَرْعِی»؛(2)

«علی اصل من و جعفر فرع من است».

174 الْأَصْلَعُ

دارای صورت کشیده. اصلع کسی است که موی جلوی سر او ریخته باشد.

رسول خداصلی الله علیه وآله به عمار فرمود: بعد از من اختلاف و کشمکش پیش می آید و برخی شمشیر می کشند، هر وقت چنین شد:

«فَعَلَیکَ بِهذَا الْأَصْلَعِ عَنْ یمِینِی عَلِیّ بْنِ أَبِی طالِبٍ»؛(3)

«تو ملازم این اصلع باش که در کنار من است؛ یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام».

اگر همه مردم به طرفی رفتند و این اصلع (علی علیه السلام) به طرف دیگر رفت، تو به طرف علی علیه السلام برو.

175 أَعْداؤُهُ أَعْداءُ اللَّهِ

دشمنان او دشمنان خدا هستند؛ پس هرکه با او دشمنی کند، گویا با خدا دشمنی کرده است.

همچنین مراجعه شود به: اِتّباعُهُ فَرِیضَهُ اللَّهِ [146]

176 أعْداؤُهُ أعْداءُ الرَّسُولِ

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله خطاب به امام علی علیه السلام فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ وَصِیِی وَخَلِیفَتِی وَوَزِیرِی وَوارِثِی وَأَبُو وُلْدِی، شِیعَتُکَ شِیعَتِی وَأَنْصارُکَ أَنْصارِی وَأَوْلِیآؤُک أَوْلِیآئِی وَأَعْدآؤُکَ أَعْدآئِی»؛(4)

«ای علی! تو وصی و جانشین و وزیر و وارث و پدر فرزندان منی، پیروان تو پیروان من، و یاران تو یاران من هستند، دوستان تو دوستان من، و دشمنان تو دشمن من هستند».

177 أَعْدَلُ النّاسِ

هرجا سخن از عدل باشد، نام علی علیه السلام درکنار آن می درخشد و هر وقت نام علی علیه السلام را به یاد آوریم، عدالت خود به خود به ذهن می آید.

دوره کوتاه حکومت آن حضرت، نمونه ماندگار حکومت عادلانه برای تمام جهانیان است؛ تا جایی که گفته اند: علی علیه السلام به جهت شدّت رفتار عادلانه به شهادت رسید. و این هم امضای رسول خداصلی الله علیه وآله که فرموده:

«أَما وَاللَّهِ! إِنَّهُ أَوَّلُکُمْ إِیماناً بِاللَّهِ وَأَعْدَلُکُمْ فِی الرَّعِیهِ»؛(5)

1- 390. بحارالانوار، ج 65، ص 332؛ وسائل الشیعه، ج 1، ص 119؛ المحاسن برقی، ج 1، ص 286.
2- 391. الجامع الصغیر، ج 2، ص 176؛ کنز العمال، ج 11، ص 602؛ ینابیع المودّه، ج 2، ص 96.
3- 392. بحارالانوار، ج 28، ص 69.
4- 393. امالی صدوق، مجلس 53، حدیث 13.
5- 394. بحارالانوار، ج 35، ص 435؛ امالی طوسی، ص 251؛ بشاره المصطفی، ص 192.

«آگاه باشید که علی علیه السلام اولین مؤمن از بین شماست و عادل ترین شما بین مردم است».

178 الْأَعَزُّ عِنْدَ الرَّسُولِ

امام علی علیه السلام از رسول خداصلی الله علیه وآله پرسید: آیا من نزد شما محبوب ترم یا فاطمه؟ فرمود:

«فاطِمَهُ أَحَبُّ إِلَی مِنْکَ وَأَنْتَ أَعَزُّ عَلَی مِنْها»؛(1)

«فاطمه علیها السلام نزد من محبوب تر از تو است و تو عزیزتر از او هستی».

179 أَعْظَمُ الْمَزِیهِ

فضیلت و درجه و امتیازش از همه بیشتر است. عنوان و افتخاری دیگر از رسول خداصلی الله علیه وآله برای امیرمؤمنان علیه السلام است.

همچنین مراجعه شود به: أَبْصَرُ الْمُؤْمِنِینَ [132]

180 أَعْظَمُ الْمُؤْمِنِینَ جِهاداً

پیامبرصلی الله علیه وآله خطاب به امام علی علیه السلام فرمود:

«أَنْتَ أَوَّلُ الْمُؤْمِنِینَ مَعِی إِیماناً وَأَعْظَمُهُمْ جِهاداً وَأَعْلَمُهُمْ بِآیاتِ اللَّهِ»؛(2)

«تو اولین مؤمنان بودی که به همراه من ایمان آوردی و بزرگ ترین آنان در جهاد، و عالم ترین ایشان نسبت به آیات الهی هستی».

181 أَعْلَمُ الْأُمَّهِ

داناترین و عالم ترین مردم؛ چنان که رسول خداصلی الله علیه وآله فرموده:

«أَعْلَمُکُمْ عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ»؛(3)

«عالم ترین شما (امّتم) علی بن ابی طالب است».

«أَعْلَمُ أُمَّتِی مِنْ بَعْدِی عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ»؛(4)

«عالم ترین امّتم بعدمن، علی بن ابی طالب است».

و شواهد فراوانی هم در این زمینه است؛ از جمله اینکه تمام اصحاب در مسایل خود به آن حضرت رجوع می کردند و به او نیاز داشتند؛ ولی او در هیچ مسأله ای به آنان رجوع نکرده؛ یعنی سؤالی و نیازی نداشته.

و پیامبر به ایشان فرمود: «أَنْتَ أَخِی وَوارِثِی»؛ وارث یعنی کسی که علم پیامبر را ارث برده، که فرموده: «تَرِثُ مِنِّی ما وَرِثَ الْأَنْبِیاءُ» آنچه که پیامبران ارث بردند، تو هم از من به ارث بردی، که آن کتاب خدا و سنّت پیامبر است.(5)

182 أَعْلَمُ بِالسُّنَّهِ

آگاه ترین فرد به سنّت و روش پیامبراکرم صلی الله علیه وآله، که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«أَعْلَمُ بِالسُّنَّهِ وَالْقَضآءِ بَعْدِی عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ»؛(6)

«آگاه ترین فرد به سنّت و قضاوت بعد از من، علی بن ابی طالب علیه السلام است».

از امامان معصوم علیهم السلام رسیده که فرموده اند:

1- 395. موسوعه امام علی علیه السلام، ج 8، ص 72. مسند احمد، ج 2، ص 41؛ اسد الغابه، ج 3، ص 397؛ فیض القدیر، ج 4، ص 556؛ الصواعق المحرقه، ج 2، ص 559؛ المعجم الاوسط، ج 7، ص 343؛
2- 396. ارشاد، ج 1، ص 38؛ کشف الغمه، ج 1، ص 85.
3- 397. اصول کافی، ج 7، ص 422.
4- 398. کنز العمال، ج 11، ص 614.
5- 399. بحارالانوار، ج 39، ص 69؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 33؛ کشف الغمه، ج 1، ص 334؛ العمده، ص 183.
6- 400. بحارالانوار، ج 40، ص 150؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 33.

«أَهْلُ الْبَیتِ أَدْری بِما فِی الْبَیتِ»؛(1)

«اهل خانه و خاندان، بهتر از هر کسی می دانند که در آن خانه و خاندان چه بوده و چه می گذرد».

و عایشه نیز به آن اعتراف داشت.(2)

183 أَعْلَمُ الْمُؤْمِنِینَ بِآیاتِ اللَّهِ

در بین مؤمنان از همه بیشتر به آیات قرآن آشنایی و علم دارد.

همچنین مراجعه شود به: أَعْظَمُ المُؤْمِنِینَ جِهاداً [180]

184 أَعْلَمُ النّاسِ

از همه بیشتر می داند و به همه چیز علم دارد؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله تأیید فرموده:

«عَلِی أَشْجَعُ النّاسِ قَلْباً وَأَحْلَمُ النّاسِ حِلْماً... وَأَعْلَمُ النّاسِ عِلْماً»؛(3)

«علی شجاع ترین و بردبارترین ... و عالم ترین مردم است».

به همین جهت خودش بارها می فرمود:

«سَلُونِی قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِی»؛(4)

«قبل از اینکه من را از دست بدهید، هرچه می خواهید بپرسید».

و قسم یاد می فرمود که من به راه های آسمان بیشتر از راه های زمین آگاهی دارم... .(5)

185 اِفْتِخارُ النَّبِیّ

ابن عمر می گوید: رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«یفْتَخِرُ یوْمَ الْقِیامَهِ آدَمُ بِابْنِهِ شَیثٍ، وَأَفْتَخِرُ أَنَا بِعَلِیّ بْنِ أَبِی طالِبٍ»؛(6)

«در روز قیامت، حضرت آدم علیه السلام به فرزندش شیث و من به علی بن ابی طالب علیه السلام افتخار می کنم».

186 أَفْضَلُ الْأُمَّهِ یقِیناً

بین امّت، یقین او از همه برتر است.

همچنین مراجعه شود به: أَسْمَحُ الْأُمَّهِ [164]

187 أَفْضَلُ الْأَوْصِیاءِ

امیرالمؤمنین علیه السلام از همه اوصیا و جانشینان پیامبران، بافضیلت تر است و این افتخاری است که خدای تعالی داده و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نیز آن را اعلان نموده و فرموده است:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ اخْتارَ مِنَ الْأَیامِ الْجُمُعَهَ، وَمِنَ الشُّهُورِ شَهْرَ رَمَضانِ، وَمِنَ اللَّیالِی لَیلَهَ الْقَدْرِ، وَاخْتارَنِی عَلَی جَمِیعِ الْأَنْبِیاءِ، وَاخْتارَ مِنِّی عَلِیاً وَفَضَّلَهُ عَلی جَمِیعِ الْأَوْصِیاءِ»؛(7)

«خداوند از بین روزها، روز جمعه را برگزید، و از بین ماه ها، ماه رمضان را و از بین شب ها، شب قدر را. از بین همه پیامبران، مرا انتخاب کرد و علی را از من انتخاب نمود و او را بر همه اوصیا فضیلت بخشید».

1- 401. بحارالانوار، ج 78، ص 274.
2- 402. بحارالانوار، ج 40، ص 179؛ کشف الیقین، ص 57؛ موسوعه امام علی علیه السلام، ج 8، ص 293.
3- 403. امالی صدوق، ص 439؛ بشاره المصطفی، ص 174؛ مناقب آل ابی طالب، 2، ص 35.
4- 404. ارشاد القلوب، ج 2، ص 376؛ وسائل الشیعه، ج 15، ص 128؛ مستدرک، ج 11، ص 101؛ الاختصاص 248؛ بصائر الدرجات، 267.
5- 405. بحارالانوار، ج 34، ص 258؛ سلیم بن قیس، ص 712.
6- 406. بحارالانوار، ج 39، ص 41؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 242.
7- 407. بحار الانوار، ج 36، ص 256؛ وسائل الشیعه، ج 7، ص 381؛ کمال الدین، ج 1، ص 281.

188 أَفْضَلُ الْخَلائِقِ

از همه مردمان بهتر و بافضیلت تر است، آن هم در روزی که همه پرونده ها رو می شود. امام علی علیه السلام در دفاع از مظلومیت خود فرمود: چه کسی به غیر از من می تواند ادّعا کند که رسول خداصلی الله علیه وآله در باره او چنین فرموده:

«أَنْتَ أَفْضَلُ الْخَلآئِقِ عَمَلاً یوْمَ الْقِیامَهِ...»؛(1)

«تو بهترین آفریدگان هستی، عمل تو در روز قیامت از همه مردم برتر است».

189 أَفْضَلُ السّابِقِینَ

در بین سابقین و اصحاب پیامبر و مسلمانان صدر اسلام، از همه بافضیلت تر است.

لقبی که رسول خداصلی الله علیه وآله برای امام علی علیه السلام به کار برده است:

«یا عَلِی! أَنْتَ سَیدُ الْوَصِیینَ وَوارِثُ عِلْمِ النَّبِیینَ وَخَیرُ الْخَلآئِقِ وَأَفْضَلُ السّابِقِینَ»؛(2)

«ای علی! تو سرور جانشینان، وارث علم پیامبران و بهترین آفریدگان و بافضیلت ترین سابقان در اسلام هستی».

190 أَفْضَلُ مِنَ الْعَرْشِ وَ الْکُرْسِیّ

فضیلتش از عرش و کرسی هم بیشتر است، دراین باره رسول خداصلی الله علیه وآله فرموده:

«وَفَتَقَ نُورَ عَلِیّ بْنِ أَبِی طالِبٍ فَخَلَقَ مِنْهُ الْعَرْشَ وَالْکُرْسِی، وَعَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ وَاللّهِ أَفْضَلُ مِنَ الْعَرْشِ وَالْکُرْسِیّ»؛(3)

«آن گاه خدا نور علی بن ابی طالب علیه السلام را شکافت و عرش و کرسی را از آن آفرید، پس به خدا قسم که علی علیه السلام از عرش و کرسی افضل است».

191 أفْضَلُ مِنْ كِتابِ اللّهِ

فضیلتش از کتاب خدا (قرآن) هم بیشتر است، زید بن ثابت می گوید: رسول خداصلی الله علیه وآله در ضمن حدیثی فرمود:

«إِنِّی تارِکٌ فِیکُمُ الثَّقَلَینِ کِتابَ اللَّهِ وَعَلِی بْنَ أَبِی طالِبٍ. وَاعْلَمُوا أَنَّ عَلِیاً لَکُمْ أَفْضَلُ مِنْ کِتابِ اللَّهِ؛ لِأَنَّهُ مُتَرْجِمٌ لَکُمْ عَنْ کِتابِ اللَّهِ تَعالی ؛(4)

«من دو گوهر گران بها برای شما به یادگار می گذارم: کتاب خدا (قرآن) و علی بن ابی طالب علیه السلام. امّا بدانید که علی علیه السلام برای شما از قرآن کریم هم برتر است؛ زیرا او بیان کننده و مفسّر کتاب خدا برای شما می باشد».

192 أَفْضَلُ مِنَ الْمَلآئِکَهِ

فضیلتش از ملائکه بیشتر است.

در حدیثی طولانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله آمده:

«... ثُمَّ فَتَقَ نُورَ أَخِی عَلِیّ فَخَلَقَ مِنْهُ الْمَلآئِکَهَ، فَالْمَلآئِکَهُ مِنْ نُورِ أَخِی عَلِی ّ وَنُورُ عَلِیّ مِنْ نُورِ اللَّهِ وَعَلِی أَفْضَلُ مِنَ الْمَلآئِکَهِ»؛(5)

«... آن گاه نور برادرم علی علیه السلام را شکافت و از آن فرشتگان را آفرید، پس فرشتگان از نور برادرم علی علیه السلام هستند و نور علی علیه السلام نیز از نور خداست و علی علیه السلام افضل از ملائکه می باشد».

1- 408. بحارالانوار، ج 31، ص 338؛ احتجاج، ج 1، ص 141.
2- 409. بحارالانوار، ج 27، ص 63؛ الیقین، ص 236.
3- 410. بحارالانوار، ج 40، ص 43؛ الفضائل، ص 128.
4- 411. مئه منقبه، ص 161.
5- 412. بحارالانوار، ج 37، ص 83.

193 أَفْضَلُ النّاسِ

بافضیلت ترین و برترین انسان ها، رسول خداصلی الله علیه وآله در خطبه غدیر درباره علی علیه السلام فرمود:

«مَعاشِرَ النّاسِ! فَضِّلُوا عَلِیاً؛ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النّاسِ بَعْدِی مِنْ ذَکَرٍ وَأُنْثی ..»؛(1)

«ای مردم! علی را از همه برتر بدانید؛ چرا که او بعد از من، از هر مرد و زنی والاتر است».

194 أَقْدَمُ الْأُمَّهِ سِلْماً

در اسلام آوردن، بر افراد امّت مقدم است.(2)

همچنین مراجعه شود به: أَسْمَحُ الْأُمَّهِ [164]

195 أَقْرَبُ الْخَلائِقِ بِالرَّسُولِ

نزدیک ترین افراد به رسول خداصلی الله علیه وآله، امام علی علیه السلام است. آن قدر نزدیک است که خدای تعالی در قرآن کریم آن دو را با یک عبارت "أنفسنا" نام برده؛ یعنی جان آن دو یکی است.

همچنین مراجعه شود به: سَیدُ الْمُسْلِمِینَ [447]

196 أَقْسَمُ بِالسَّوِیهِ

در تقسیم عادلانه از همه بهتر عمل می کند.

همچنین مراجعه شود به: أَبْصَرُ الْمُؤْمِنِینَ [132]

197 أَقْضَی النّاسِ

قضاوتش از همه دقیق تر و مطابق با واقع است. این مدال افتخاری است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله آن را به علی علیه السلام نسبت داده است.

به اتفاق و اجماع راویان آمده است که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«أَقْضاکُمْ عَلِی»؛(3)

«قاضی ترین شما علی است».

و در جای دیگر فرمود:

«أَقْضی أُمَّتِی وَأَعْلَمُ أُمَّتِی بَعْدِی عَلِی»؛(4)

«قاضی ترین و داناترین شما در امّتم بعد از من، علی علیه السلام است».

از عمر بن خطاب رسیده که گفت: «أقضانا علی»؛(5) «قضاوت علی از همه ما بهتر است».

به همین جهت، قضاوت های عجیب امام علی علیه السلام نیز معروف است و کتاب های متعددی در این مورد نوشته شده است.

198 أَقْوَمُ الْمُؤْمِنِینَ

پایدارتر و ثابت قدم تر از همه مؤمنان است.

همچنین مراجعه شود به: أَبْصَرُ الْمُؤْمِنِینَ [132]

199 أَکْثَرُ الْأُمَّهِ عِلْماً

علم و دانش او از همه اهل امّت بیشتر است.

همچنین مراجعه شود به: أَبْصَرُ الْمُؤْمِنِینَ [132]

همچنین مراجعه شود به: أَسْمَحُ الْأُمَّهِ [164]

200 أَکْثَرُ الْقَوْمِ یقِیناً

امام علی علیه السلام یقینش از همه مردم بیشتر بود؛ چون علم و آگاهی و معرفت آن حضرت از همه بیشتر بود؛ لذا به خداوند و معاد باور و یقین کامل داشت.

1- 413. بحارالانوار، ج 35، ص 427؛ قسمتی از خطبه غدیر.

2- 414. کنز العمال، ج 11، ص 605.
3- 415. بحارالانوار، ج 40، ص 87 و 150؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 33. فتح الباری، ج 8، ص 167؛ الریاض النضره، ج 1، ص 267.
4- 416. امالی صدوق، مجلس 81، حدیث 20.
5- 417. الاحتجاج، ج 2، ص 391. الاستیعاب، ج 1، ص 6؛ الریاض النضره، ج 1، ص 268.

جابر بن عبد اللَّه انصاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمود:

«عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ أَقْدَمُ أُمَّتِی سِلْماً وَأَکْثَرُهُمْ عِلْماً وَأَصَحُّهُمْ دِیناً وَأَکْثَرُهُمْ یقِیناً»؛(1)

«علی بن ابی طالب علیه السلام ازهمه زودتر مسلمان شد و از همه بیشتر علم دارد، دینش از همه صحیح تر و یقین او از همه مردم بیشتر است».

201 أَکْرَمُ أَهْلِ الْبَیتِ

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: امام علی علیه السلام از حیث منصب و مقام، گرامی ترین فرد اهل بیت است.

همچنین مراجعه شود به: أَشْرَفُ أَهْلِ الْبَیتِ [167]

202 أَکْرَمَتْهُ الْأَرْضُ

کسی که زمین هم او را گرامی داشته است.

همچنین مراجعه شود به: اِتِّباعُهُ فَضِیلَهٌ [147]

203 أَکْمَلَ اللَّهُ بِهِ الدِّینَ

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«مَعاشِرَ النّاسِ! إِنَّما أَکْمَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دِینَکُمْ بِإِمامَتِهِ»؛

«ای مردم! خداوند دین شما را تنها با امامت علی علیه السلام کامل می داند».

در روایات متعدد و متواتر نقل شده، که آیه شریفه: «اَلْیوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَیکُمْ نِعْمَتِی»(2) فقط در مورد علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده، نه هیچ یک از مردم. پس با قبول ولایت او، دین کامل و نعمت الهی تمام می شود،(3) چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

«وَکانَ کَمالُ الدِّینِ بِوِلایهِ عَلِیّ بْنِ أَبِی طالِبٍ»؛(4)

«کامل شدن دین به ولایت و امامت علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد».

204 أَکْمَلُ الْأُمَّهِ

کامل ترین فرد از امّت.

همچنین مراجعه شود به: أَسْمَحُ الْأُمَّهِ [164]

205 إِمامُ الْأَبْرارِ

پیشوا و رهبر نیکوکاران و افراد نیک رفتار. و این عنوانی است که خداوند متعال در شب معراج درباره امیرمؤمنان به پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود:

«عَلِی رایهُ الْهُدی وَإِمامُ الْأَبْرارِ وَقاتِلُ الْفُجّارِ»؛(5)

«علی علیه السلام پرچم هدایت و امام نیکان و کشنده فاجران است».

و در عبارتی از زیارت آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلی إِمامِ الْأَبْرارِ».(6)

206 إِمامُ الْأَتْقِیاءِ

امام پرهیزکاران و خداترسان و تقواپیشگان. و این عبارتی است، که در یکی از دعاهای مأثوره وارد شده:

«سَیدُ الْأَوْصِیآءِ وَإِمامُ الْأَتْقِیآءِ، یعْسُوبُ الدِّینِ، عَلِی أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ...»؛(7)

«... آن که آقای جانشینان و امام تقواپیشگان و پیشوای اهل دین است، علی علیه السلام می باشد که امیر مؤمنان است».

1- 418. کنزالفوائد، ج 1، ص 262.
2- 419. سوره مائده، آیه 3.
3- 420. بحارالانوار، ج 36، ص 129.

4- 421. اصول کافی، ج 1، ص 290.
5- 422. بحارالانوار، ج 18، ص 392؛ الیقین، ص 291. حلیه الاولیاء، ج 1، ص 67؛ تاریخ دمشق، ج 42، ص 330.
6- 423. بحارالانوار، ج 99، ص 198.
7- 424. بحارالانوار، ج 92، ص 383.

207 الْإِمامُ الْأَزْهَرُ

ازهر به معنای درخشنده تر و نورانی تر.

ابوذر غفاری نقل می کند: در محضر رسول خداصلی الله علیه وآله بودم که علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شد، پیامبر خوشحال شد و به من فرمود: آیا این را می شناسی؟

گفتم: برادر و همسر دختر و پسر عموی شما و پدر حسن و حسین است.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«یا أَبادَرٍّ! هذَا الْإِمامُ الْأَزْهَرُ وَرُمْحُ اللَّهِ الْأَطْوَلُ وَبابُ اللَّهِ الْأَكْبَرُ، فَمَنْ أَرادَ اللَّهَ فَلْيدْخُلِ الْبابَ»؛(1)

«ای ابوذر! این درخشنده ترین امام و نیزه قدرت و باب بزرگ الهی است، پس هر که می خواهد به خدا برسد، باید از درب آن وارد شود».

208 إِمامُ الْأُمَّهِ

امیرمؤمنان علی علیه السلام، امام و پیشوای امّت اسلامی است، او رهبر امّت محمّدصلی الله علیه وآله است، پیامبرصلی الله علیه وآله بارها خطاب به آن حضرت فرموده:

«أَنْتَ إِمامُ أُمَّتِی»؛

«تو امام امّت من هستی».

و نیز به یکی از اصحاب فرمود:

«یابْنَ سَمُرَهِ! إِذَا اخْتُلِفَتِ الْأَهْواءُ وَتَفَرَّقَتِ الْآراءُ، فَعَلَیکَ بِعَلِی ّ بْنِ أَبِی طالِبٍ، فَإِنَّهُ إِمامُ أُمَّتِی وَخَلِیفَتِی عَلَیهِمْ مِنْ بَعْدِی»؛(2)

«ای فرزند سمره! هرگاه آرا و نظرات مردم مختلف و پراکنده شد، تو در طرف و گروه علی بن ابی طالب علیه السلام باش؛ چون او امام امّت من و نیز خلیفه من بر ایشان بعد از من است».

209 الْإِمامُ الْأَوَّلُ

پیامبر خاتم الهی صلی الله علیه وآله دوازده جانشین وخلیفه داشت؛ یعنی بعد از رسول اسلام صلی الله علیه وآله دوازده امام هستند که اولین ایشان امیرالمؤمنین علیه السلام است. و این نیز طبق انتخاب و گزینش خداوند و اعلان آن توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله صورت گرفته است؛ چنان که بارها می فرمود:

«اَلْأَئِمَّهُ مِنْ بَعْدِی اِثْنا عَشَرَ، أَوَّلُهُمْ أَنْتَ یا عَلِی وَآخِرُهُمُ الْقآئِمُ»؛(3)

«امامان بعد از من دوازده نفرند که اولین آنان تو هستی ای علی! و آخر ایشان قائم است».

210 إِمامُ الْأَوْلِیاءِ

پیشوای دوستان خدا. لقبی است که خدای تعالی در شب معراج برای علی علیه السلام به کار برده.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: خداوند با من عهدی بست، گفتم: این چه عهدی است؟ فرمود:

«یا مُحَمَّدُ! اِسْمَعْ، عَلِی رایهُ الْهُدی وَإِمامُ أَوْلِیآئِی وَنُورُ مَنْ أَطاعَنِی»؛(4)

«ای محمّد! بشنو که علی علیه السلام پرچم هدایت و امام اولیای من و نور کسی است که از من اطاعت کند».

1- 425. بحارالانوار، ج 40، ص 57.
2- 426. بحارالانوار، ج 36، ص 226؛ امالی صدوق، ص 26.
3- 427. بحارالانوار، ج 36، ص 226؛ امالی صدوق، ص 111؛ عیون اخبار الرضا، ج 1، ص 65؛ روضه الواعظین، ج 1، ص 103؛ الصراط المستقیم، ج 2، ص 110.
4- 428. بحارالانوار، ج 18، ص 120. امالی طوسی، ص 513. تاریخ بغداد، ج 7، ص 141؛ تاریخ مدینه دمشق، ج 42، ص 270؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 67.

211 إِمامُ أَهْلِ الدُّنْيا

امیرمؤمنان علیه السلام، امام و پیشوای الهی است برای تمام مردم دنیا؛ چه خود بدانند یا ندانند، چه بخواهند یا نخواهند، و امام برای همه رحمت است.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«إِنَّهُ مِحْنَهُ الْوَری وَالْحُجَّهُ الْعُظْمی وَالآیهُ الْکُبْری وَإِمامُ أَهْلِ الدُّنْیا»؛(1)

«علی علیه السلام امتحان شده و خالص شده مردم است که دیگران نیز به وسیله او امتحان می شوند. او حجّت اعظم و آیت بزرگ خدا و امام اهل دنیا است».

212 إِمامُ أَهْلِ الطّاعَهِ

رسول خداصلی الله علیه وآله در توضیح بخشی از جریان معراج می فرماید که خدای تعالی فرمود:

«عَلِی حُجَّتِی بَعْدَکَ عَلی خَلْقِی وَإِمامُ أَهْلِ طاعَتِی»؛(2) «پس از تو، علی علیه السلام حجّت من بر بندگانم و پیشوای اهل طاعت من می باشد».

213 إِمامُ الْبَرَرَهِ

امام پاکان و نیکان. عمروبن عاص در مکاتبه با معاویه به وی نوشت: رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«عَلِی إِمامُ الْبَرَرَهِ، وَقاتِلُ الْفَجَرَهِ، مَنْصُورٌ مَنْ نَصَرَهُ، مَخْذُولٌ مَنْ خَذَلَهُ»؛(3)

«علی علیه السلام امام نیکان و جنگ کننده با فاجران است، هرکه او را یاری کند خودش یاری می شود و هرکه او را خوار کند خودش خوار می شود».

214 إِمامُ التُّقی

پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«یا عَلِی! أنْتَ صاحِبُ حَوْضِی وَوارِثُ عِلْمِی وَحامِلُ لِوائِی وَمُنْجِزُ وَعْدِی وَمُفَرِّجُ هَمِّی وَمُسْتَوْدِعُ مَواریثِ الْأَنْبیآءِ وَأَنْتَ أَمِینُ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ وَخَلِیفَتُهُ عَلی خَلْقِهِ وَأَنْتَ مِصْباحُ النَّجاهِ وَطَرِیقُ الْهُدی وَإِمامُ التُّقی وَالْحُجَّهُ عَلَی الْوَری وَأَنْتَ الْعَلَمُ الْمَرْفُوعُ فِی الدُّنْیا وَالصِّراطُ الْمُسْتَقِیمُ یوْمَ الْقِیامَهِ»؛(4)

«ای علی! تو صاحب حوض من، و وارث علم من و حامل لوای من هستی، تو وعده های مرا وفا می کنی، و همّ و غمّ مرا برطرف می نمایی، تو امانت دار میراث پیامبران، و امین خدا در زمین و خلیفه او بر مردم هستی، تو چراغ نجات و راه هدایت، و پیشوای پرهیزکاران و حجّت بر همه مردم می باشی، تو پرچم برافراشته در دنیا و صراط مستقیم در آخرت می باشی».

215 إِمامُ الْخَلْقِ

کسی که امام و پیشوای همه مخلوقات است.

همچنین مراجعه شود به: أَبُو الْأَئِمَّهِ الْمَهْدِیینَ [136]

216 إِمامُ الشِّیعَهِ

أنس بن مالک گوید: رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: هفتاد هزار نفر داخل بهشت می شوند که نه حسابی دارند و نه عذابی.

1- 429. بحارالانوار، ج 38، ص 93.
2- 430. امالی صدوق، مجلس 72، حدیث 27.
3- 431. بحارالانوار، ج 33، ص 53. جامع الاحادیث، ج 14، ص 232؛ کنز العمال، ج 11، ص 602؛ مستدرک حاکم، ج 3، ص 129؛ جمع الجوامع، ج 1، ص 1460.
4- 432. مشارق انوار الیقین، ص 99؛ امالی صدوق، ص 306؛ بشاره المصطفی، ص 54.

آن گاه به علی علیه السلام توجّه کرده، و فرمود:

«هُمْ شِیعَتُکَ وَأَنْتَ إِمامُهُمْ»؛(1)

«آنان شیعیان تو هستند و تو هم امام ایشان هستی».

217 إِمامُ الْقَوْمِ

از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود: «برای خداوند، لوایی است از نور که دو هزار سال قبل از خلقت آسمان و زمین آفریده شده، و بر روی آن نوشته است: «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، خَیرُ الْبَرِیهِ آلُ مُحَمَّدٍ» و صاحب آن لواء، علی علیه السلام است که «امام القوم» است.(2)

218 إِمامُ الْقِیامَهِ

جلودار روز قیامت. این لقب را رسول خداصلی الله علیه وآله به امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت داده است.(3)

219 إِمامُ کُلِّ مُؤْمِنٍ

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

«أَنْتَ مَوْلی کُلِّ مُسْلِمٍ وَإِمامُ کُلِّ مُؤْمِنٍ وَقائِدُ کُلِّ تَقِیٍّ، وَبِوِلایتِکَ صارَتْ أُمَّتِی مَرْحُومَهً وَبِعَداوَتِکَ صارَتِ الْفِرْقَهُ الْمُخالَفَهُ مِنْها مَلْعُونَهً»؛(4)

«ای علی! تو مولای هر مسلمان و امام هر مؤمن و جلودار هر باتقوایی هستی، به ولایت توست که امّت من امّت مرحومه شدند، و به خاطر دشمنی با توست که عدّه ای از مخالفان ملعون شده اند».

220 إِمامُ کُلِّ مُسْلِمٍ

امام و پیشوای هر مسلمان در هرجای جهان است. هرکه پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله را قبول داشته باشد، باید او را هم به امامت و رهبری بپذیرد.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«مَنْ أَحَبَّ أَنْ يسْتَمْسِکَ بِدِينِی وَيرْكَبُ سَفِينَةَ النَّجاهِ بَعْدِی فَلْيقْتَدِ بِعَلِیّ بْنِ أَبِی طالِبٍ وَلْيعادِ عَدُوَّهُ وَلْيوالِ وَلِيهُ؛ فَإِنَّهُ وَصِیی وَخَلِيفَتِی عَلی أُمَّتِی فِی حَياتِی وَبَعْدَ وَفاتِی وَهُوَ إِمامُ كُلِّ مُسْلِمٍ وَأَمِيرُ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِی، قَوْلُهُ قَوْلِی وَأَمْرُهُ أَمْرِی وَنَهْيهُ نَهْيی وَتابِعُهُ تابِعِی وَناصِرُهُ ناصِرِی وَخاذِلُهُ خاذِلِی»؛(5)

«هرکه دوست دارد به دین من چنگ زند و بعد از من بر کشتی نجات سوار شود، باید به علی بن ابی طالب علیه السلام اقتدا کند، دشمنان او را دشمن بدارد و دوستانش را دوست بدارد، چون او وصی و جانشین بر امّت من است؛ چه در حیات من و چه پس از وفات من، و او امام هر مسلمانی و امیر هر مؤمنی بعد از من است، سخن او سخن من، امر او امر من و نهی او نهی من است، پیرو او پیرو من و یاور او یاور من است، و هرکه او را خوار کند مرا خوار کرده است».

221 إِمامُ الْمُؤْمِنِينَ

علی بن ابی طالب علیه السلام، هم اولین ایمان آورنده به خدا و رسولش بود و هم امیرمؤمنان و هم امام آنان، او امام و رهبر ایمان آورندگان است، لذا همه مؤمنان باید به او اقتدا کنند.

1- 433. ارشاد مفید، ج 1، ص 42؛ بشاره المصطفی، ص 163.
2- 434. تأویل الآیات، ص 610.
3- 435. بحارالانوار، ج 36، ص 65.
4- 436. مشارق انوار الیقین، ص 108؛ امالی صدوق، ص 111؛ ارشاد القلوب، ج 2، ص 295؛ بشاره المصطفی، 197.
5- 437. بحار الانوار، ج 36، ص 254؛ التحصین، ص 553؛ کمال الدین، ج 1، ص 260.

این از القابی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به امام علی علیه السلام داده است؛ چنان که انس بن مالک گوید: در خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بودم، که فرمود:

«یا أَنَسَ بْنَ مالِکٍ! یدْخُلُ عَلَی رَجُلٌ إِمامُ الْمُؤْمِنِینَ وَسَیدُ الْمُسْلِمِینَ وَخَیرُ الْوَصِیینَ. فَضُرِبَ الْبابُ فَإِذاً عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ»؛(1)

«ای اَنس! اینک مردی بر من وارد می شود که امام مؤمنان و آقای مسلمانان و بهترین جانشین است. در همان لحظه درب خانه زده شد و علی بن ابی طالب علیه السلام داخل شد».

222 إِمامُ الْمُتَّقِینَ

امام تقواپیشگان، امام پرهیزکاران و امام خداترسان. او هم باتقواترین پرهیزکاران و نیز امام خداترسان می باشد.

و این ندایی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: از مرکز عرش به گوش می رسد:

«هذا عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ، وَصِی رَسُولِ رَبِّ الْعالَمِینَ وَإِمامُ الْمُتَّقِینَ»؛(2)

«این علی بن ابی طالب علیه السلام، جانشین پیامبر پروردگار جهانیان و امام پرهیزکاران است».

چنان که در فرازی از زیارت آن حضرت نیز آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلی أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ عَبْدِ اللَّهِ وَأَخِی رَسُولِ اللَّهِ الصِّدِّیقِ الْأَکْبَرِ وَسَیدِ الْمُسْلِمِینَ وَإِمامِ الْمُتَّقِینَ»؛(3)

«سلام بر امیر مؤمنان، بنده خدا و برادر رسول خداصلی الله علیه وآله، او که صدّیق اکبر و سرور مسلمانان و امام پرهیزکاران است».

223 الْإِمامُ الْهادِی

امام هدایت گر. رسول خداصلی الله علیه وآله در خطبه غدیر درباره امام علی علیه السلام فرمود:

«خَلِيفَهُ رَسُولِ اللّهِ وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْإِمامُ الْهادِی»؛

«علی علیه السلام، جانشین رسول خدا، و امیرمؤمنان و پیشوای هدایت گر است».

224 إِمامُ الْهُدی

امام و پیشوای هدایت.

علی علیه السلام مردم را از ضلالت و گمراهی به سعادت هدایت می کند. هرکه می خواهد به هدایت برسد، باید پشت سر او حرکت کند.

چنان که پیامبرصلی الله علیه وآله به علی علیه السلام فرمود: جبرئیل در مورد تو خبری به من داد که چشم مرا روشن و قلب مرا شاد نمود، جبرئیل گفت: خدای تعالی به تو سلام رسانده و می فرماید:

«إِنَّ عَلِیاً إِمامُ الْهُدی وَمِصْباحُ الدُّجی وَالْحُجَّهُ عَلی أَهْلِ الدُّنْیا»؛(4)

«همانا علی علیه السلام امام هدایت و چراغ تاریکی ها و حجّت بر تمام اهل دنیا است».

در زیارتی مربوط به آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا إِمامَ الْهُدی ؛(5)

«سلام بر تو ای امام هدایت».

1- 438. بحارالانوار، ج 38، ص 17؛ الیقین، ص 478.
2- 439. بحارالانوار، ج 7، ص 235.
3- 440. تهذیب شیخ طوسی، ج 6، ص 56.
4- 441. بحارالانوار، ج 27، ص 113؛ التمحیص، ص 622.
5- 442. من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 592؛ کامل الزیارات، ص 230؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین،

225 إِمامُ يوْمِ الْغَدِيرِ

روز غدیر روزی بود که به دستور خداوند متعال، امامت علی بن ابی طالب علیه السلام اعلان شد و پیامبراکرم صلی الله علیه وآله در شأن و فضیلت شان فرمود:

«لَوْ كانَتِ الْبِحارُ مِداداً وَالْغِياضُ أَقْلاماً، وَالسَّماواتِ صُحُفاً وَالْجِنُّ وَالْإِنْسُ كُتّاباً، لَنُفِدَ الْمِدادُ وَكَلَّتِ الثَّقَلانِ أَنْ يكْتُبُوا مِعْشارَ عُشْرِ فَضائِلِ إِمامِ يوْمِ الْغَدِيرِ...»؛(1)

«اگر همه دریاها مرکّب و همه درختان قلم، همه آسمانها دفتر، و همه جن و انسان نویسنده شوند، مرکب ها تمام می شود و جن و انسان از نوشتن باز می مانند قبل از آن که بخواهند یک درصد از فضایل علی علیه السلام در روز غدیر را بنویسند».

226 أَمْرُهُ أَمْرُ الرَّسُولِ

هر امر و فرمانی بدهد، گویا رسول خداصلی الله علیه وآله امر و فرمان داده است، چنان که رسول خداصلی الله علیه وآله به امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است:

«عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ خَلِيفَةُ اللَّهِ وَخَلِيفَتِی، وَحُجَّةُ اللَّهِ وَحُجَّتِی، وَبابُ اللَّهِ وَبابِی، وَصَفِی اللَّهِ وَصَفِيی، وَحَبِيبُ اللَّهِ وَحَبِيبِی، وَخَلِيلُ اللَّهِ وَخَلِيلِی، وَسَيفُ اللَّهِ وَسَيفِی، وَهُوَ أَخِی وَصاحِبِی وَوَزِيرِی وَوَصِيی، مُحِبُّهُ مُحِبِّی وَمُبْغِضُهُ مُبْغِضِی، وَوَلِيهُ وَلِيی وَعَدُوُّهُ عَدُوِّی، وَزَوْجَتُهُ ابْنَتِی وَوُلْدُهُ وُلْدِی، وَحِزْبُهُ حِزْبِی وَقَوْلُهُ قَوْلِی وَأَمْرُهُ أَمْرِی، وَهُوَ سَيدُ الْوَصِيينَ وَخَيرُ أُمَّتِی»؛(2)

«علی بن ابی طالب علیه السلام خلیفه خدا و من است، او حجّت خدا و من، و باب خدا و باب من است، او برگزیده خدا و من، و دوست خدا و من است، او خلیل خدا و من، و شمشیر خدا و من است، او برادر و همراه و وزیر و وصی من است، دوستدار او دوستدار من، کینه ورز با او کینه ورز با من، ولی او ولی من و دشمن او دشمن من است، همسر او دختر من است و فرزندانش فرزندان من، حزب او حزب من، سخن او سخن من و فرمان او فرمان من است، او آقای جانشینان و بهترین امّت من است».

227 الْأَمِيرُ

رسول خداصلی الله علیه وآله خطاب به امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است:

«یا عَلِی! أَنْتَ الْإِمامُ بَعْدِی وَالْأَمِیرُ...»؛(3)

«ای علی! تو بعد از من امام و امیر می باشی».

228 أَمِیرُ الْبَرَرَهِ

آقا و سرور همه خوبان و نیکان عالم.

همچنین مراجعه شود به: قاتِلُ الْفَجَرَهِ [576]

229 أَمِیرُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِینَ

پادشاه، فرمانروا، فرمانده و امیر سفیدرویان و آبرومندان. از عناوینی است که پیامبر خداصلی الله علیه وآله آن حضرت را ملقّب فرموده است.

چنان که امام باقرعلیه السلام می فرماید: پیامبر خداصلی الله علیه وآله دست علی علیه السلام را به سینه چسبانیده و فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ أَصْلُ الدِّینِ وَمَنارُ الْإِیمانِ وَغایهُ الْهُدی وَأَمِیرُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِینَ، أَشْهَدُ لَکَ بِذلِکَ»؛(4)

1- 443. مشارق انوار الیقین، ص 199؛ حلیه الابرار، ج 2، ص 122.
2- 444. بحارالانوار، ج 26،ص 263 و ج 38،ص 137؛ مئهمنقبه، ص 34؛ امالی صدوق، ص 203؛ کنزالفوائد، ج 2، ص 12؛ الصراطالمستقیم، ج 2، ص 34؛بشارهالمصطفی،ص 31؛
3- 445. امالی صدوق، مجلس 11، حدیث 4.
4- 446. بحارالانوار، ج 35، ص 400؛ التمحیص، ص 560.

«ای علی! تو اصل و اساس دین، نشانه ایمان، انتهای هدایت و امیر نخبگان و سفیدرویان هستی و من این را برای تو گواهی می دهم».

230 أَمِیرُ الْقُری

فرمانروای شهرها و آبادی ها.

رسول خداصلی الله علیه وآله خطاب به امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است:

«إِنَّکَ مَنارُ الْأَنامِ وَغایهُ الْهُدی وَأَمِیرُ الْقُری ؛(1)

«همانا تو تابلوی نورانی مردم و نهایت هدایت و امیر شهرها و آبادی ها هستی».

231 أَمِیرُ الْکُلِّ

فرمانروای همگان در همه جا. برگرفته از حدیث رسول خداصلی الله علیه وآله است که فرمود:

«أَنْتَ (یا عَلِی) أَمِیرُ مَنْ فِی السَّمآءِ وَأَمِیرُ مَنْ فِی الْأَرْضِ وَأَمِیرُ مَنْ مَضَی وَأَمِیرُ مَنْ بَقی ؛

«ای علی! تو هم بر آسمانی ها و هم بر زمینیان امیری، هم بر گذشتگان و هم بر آیندگان امیری».

232 أَمِیرُ کُلِّ مُؤْمِنٍ

زیباترین عنوان و لقب آن است که پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله آن را برای شخص انتخاب نماید، امیر همه مؤمنان نیز از آن لقب هاست، که فرمود:

«مَنْ أَحَبَّ أَنْ یسْتَمْسِکَ بِدِینِی وَیرْکَبُ سَفِینَهَ النَّجاهِ بَعْدِی، فَلْیقْتَدِ بِعَلِیِّ بْنِ أَبِی طالِبٍ ... وَهُوَ إِمامُ کُلِّ مُسْلِمٍ وَأَمِیرِ کُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِی»؛(2)

«هرکه دوست دارد به دین من متمسک شود و بعد از من بر کشتی نجات سوار شود، باید به علی بن ابی طالب علیه السلام اقتدا کند؛ چرا که او امامِ همه مسلمانان و امیر همه مؤمنان بعد از من است».

233 أمِيرُ النَّحْلِ

از امام رضاعليه السلام نقل شده: اين عنوان را پيامبر اكرم صلى الله عليه وآله براى اميرمؤمنان عليه السلام به كار برده است؛ البته براى وجه تسميه آن چند قول بيان شده است كه به كتب مربوطه مراجعه شود.(3)

234 الْأَمِينُ

امين از امانت؛ كسى است كه ديگران او را به امانت دارى و درست كارى قبول دارند و او مورد اعتماد و اطمينان و وثوق آنان است.

رسول خداصلى الله عليه وآله فرمود: اگر على عليه السلام براى ثقلين هم شهادت دهد، خدا شهادت او را قبول مى كند؛ چون:

«إِنَّهُ الصّادِقُ الْأَمِينُ»؛(4)

«همانا على راست گو و امين است».

در قسمتى از زيارت آن حضرت نيز آمده:

«الشّاهِدِينَ عَلى أَنَّكَ صادِقٌ أَمِينٌ صِدِّيقٌ»؛(5)

«فرشتگان الهى گواهى مى دهند كه تو راستگو و امين و صدّيق هستى».

235 أَمِينُ اللَّهِ

كسى كه مورد اعتماد و اطمينان خدا است و از جانب او در امان و امنيت هستند. او امين

1- 447. بحارالانوار، ج 23، ص 2؛ تأويل الآيات، ص 227.
2- 448. بحارالانوار، ج 36،ص 254؛ كمال الدين، ج 1،ص 260.
3- 449. بحارالانوار، ج 3، ص 110 و ج 35، ص 56؛ مناقب آل ابى طالب، ج 2، ص 315.
4- 450. بحارالانوار، ج 43، ص 23.
5- 451. من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 589؛ المزار، ص 78؛ مفاتيح الجنان؛ زيارت مطلقه اميرالمؤمنين عليه السلام.

اللَّه است، امین خدا بر خلق او، چنان که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«أَنْتَ أَمِینُ اللَّهِ فی أَرْضِهِ»؛(1)

«ای علی! تو امین خدا در روی زمین هستی».

و خود آن حضرت فرموده است:

«أَنَا الْعُرْوَهُ الْوُثْقی وَکَلِمَهُ التَّقْوی وَأَمِینُ اللَّهِ عَلی أَهْلِ الدُّنْیا»؛(2)

«من محکم ترین دست گیره و کلمه تقوی هستم، من امین خدا بر اهل دنیایم».

در ابتدای زیارت امین اللَّه نیز آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا أَمِینَ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ وَحُجَّتَهُ عَلی عِبادِهِ، اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ»؛(3)

چنان که در دعای روز عید غدیر در توصیف آن حضرت آمده است:

«مَوْضِعُ سِرِّ اللَّهِ وَأَمِینُ اللَّهِ عَلی خَلْقِهِ»؛(4)

«تو محلّ اسرار خدا و امین الهی بر مردم هستی».

236 أَمِینُ الْأُمَّهِ

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ أَمِینُ أُمَّتِی وَحُجَّهُ اللَّهِ عَلَیها بَعْدِی»؛(5)

«ای علی! تو امین امّت من، و حجّت خدا بر مردم بعد از من می باشی».

237 أَمِینُ الرَّسُولِ

امام علی علیه السلام نزدیک ترین فرد به رسول خداعلیه السلام و مورد اعتماد و اطمینان او، و در یک کلمه امین او بود که بارها نیز به این مطلب اشاره نموده، از جمله فرموده است:

«عَلِی أخِی وَوارِثِی وَوَزِیرِی وَأمِینِی وَالْقآئِمُ بِأمْرِی»؛(6)

«علی علیه السلام برادر و وارث و وزیر و امین من است که به امر من قیام می کند».

در قسمتی از زیارت آن حضرت آمده است:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ وَوَصِیهُ وَوارِثُ عِلْمِهِ وَأَمِینُهُ عَلی شَرْعِهِ»؛(7)

«گواهی می دهم تو برادر رسول خدا و جانشین و وارث علم و امین او بر شریعتش هستی».

238 أَمِینُ الْقُرْآنِ

این فرمایش رسول خداصلی الله علیه وآله است که درباره آیه «وَلِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ» به امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

«أَنْتَ مَنارُ الْأَنامِ وَرایهُ الْهُدی وَأَمِینُ الْقُرْآنِ»؛(8)

«تو منار و نمایش گر مورد توجّه مردم، و پرچم هدایت و امین قرآن هستی».

پس هرچه امیر مؤمنان علیه السلام از جانب قرآن کریم بفرماید و یا آیات آن را تفسیر نماید، مورد قبول است.

1- 452. بحارالانوار، ج 100، ص 38.
2- 453. بحارالانوار، ج 39، ص 336؛ امالی صدوق، ص 38.
3- 454. مصباح المتهجّد، ص 738؛ کامل الزیارات، ص 39؛ مفاتیح الجنان، زیارت امین اللّه.
4- 455. بحارالانوار، ج 95، ص 298؛ اقبال الاعمال، ص 473؛ مفاتیح الجنان، اعمال عید غدیر.
5- 456. امالی صدوق، مجلس 53، حدیث 13.
6- 457. بحارالانوار، ج 22، ص 486. جامع الاحادیث، ج 30، ص 290؛ اتحاف الخیره، ج 5، ص 370؛ سنن نسائی، ج 5، ص 128؛ مسند البزار، ج 1، ص 162.

7- 458. بحارالانوار، ج 97، ص 359؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام.
8- 459. بحارالانوار، ج 35، ص 298؛ تأویل الآیات، ص 237؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 83.

239 أَمِينُ الْمَفاتِيحِ

دارنده و امانت دار کلیدها. رسول خداصلی الله علیه وآله در مورد امام علی علیه السلام فرمود:

«صاحِبُ رایتِی فِی الْقِیامَهِ وَأَمِینِی عَلی مَفاتِیحِ خَزائِنِ رَبِّی»؛(1)

«علی علیه السلام صاحب پرچم من در قیامت است، و او امین بر کلیدهای خزینه های پروردگارم است».

240 اِنْتَجاهُ اللَّهُ

خدای تعالی با او نجوا کرده است.

پیامبرصلی الله علیه وآله در روز طائف، علی علیه السلام را خواست و با او به نجوا پرداخت، مردم گفتند: نجوای پیامبرصلی الله علیه وآله با پسر عمویش طولانی شد، حضرت فرمود:

«مَا انْتَجَیتُهُ وَلکِنَّ اللَّهَ انْتَجاهُ»؛(2)

«من با علی علیه السلام نجوا نمی کردم؛ بلکه این خدا بود که با علی علیه السلام نجوا می کرد».

241 الْأَنْزَعُ

پیشانی بلند. انزع از ماده نزع گرفته شده است، و در لغت؛ کسی است که موهای دو طرف پیشانی اش ریخته باشد. امّا در اصطلاح؛ کسی است که از شرک گرفته شده باشد.

ابن عباس به روایت از رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«مَنْ أَرادَ النَّجاهَ غَداً، فَلْیأْخُذْ بِحُجْزَهِ هذَا الْأَنْزَعِ یعْنِی عَلِیاً»؛(3)

«هرکه می خواهد فردای قیامت از عذاب نجات یابد، دامن این پیشانی بلند را بگیرد؛ یعنی علی امیرالمؤمنین علیه السلام را».

242 الْأَنْزَعُ الْبَطِینُ

در این باره، تفاسیر متعددی شده است. علاّمه مجلسی در این باره می گوید: انزع بطین؛ کسی که هیچ گونه شرکی در او راه ندارد و قلب و دلش سرشار از علم و ایمان است.(4)

معنای دیگر برای بطین: این کلمه بر وزن فُعَیل؛ کسی که شکم کوچکی دارد.

رسول خداصلی الله علیه وآله خطاب به امام علی علیه السلام فرموده:

«یا عَلِی! فَابْشِرْ فَإِنَّکَ الْأَنْزَعُ الْبَطِینُ، مَنْزُوعٌ مِنَ الشِّرْکِ، بَطِینٌ مِنَ الْعِلْمِ»؛(5)

«ای علی! بشارت باد بر تو که انزع بطین هستی؛ یعنی از هرگونه شرک جدا شدی و دلت از علم و ایمان سرشار گردیده است».

243 أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَیهِ الْحِکْمَة

خداوند متعال حکمت را بر او نازل کرده.

همچنین مراجعه شود به: اِتِّباعُهُ فَضِیلَهٌ [147]

244 أَنْصارُهُ أَنْصارُ اللَّهِ

رسول خداصلی الله علیه وآله خطاب به امام علی علیه السلام فرمود:

«یاعَلِی! شِیعَتُکَ شِیعَهُ اللَّهِ وَأَنْصارُکَ أَنْصارُ اللَّهِ»؛(6)

«ای علی! پیروان تو پیرو خدا و یاوران تو یاران خدا هستند».

1- 460. الصراط المستقیم، ج 2، ص 23.
2- 461. بحارالانوار، ج 39، ص 157؛ موسوعه امام علی علیه السلام ج 8، ص 139.
3- 462. بحارالانوار، ج 35، ص 53؛ امالی صدوق، ص 673؛ علل الشرایع، ج 1، ص 159؛ معانی الاخبار، ص 63.
4- 463. بحارالانوار، ج 83، ص 359.
5- 464. بحارالانوار، ج 35، ص 52؛ امالی طوسی، ص 293.

6- 465. امالی صدوق، مجلس 4، حدیث 8.

اصبغ بن نباته گوید: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

«أَنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ! شِيعَتِی أَوْلِيآءُ اللَّهِ وَأَنْصارِی أَنْصارُ اللَّهِ»؛(1)

«من امیر مؤمنان هستم، شیعیان و پیروان من دوستان خدا و یاوران من یاوران خدا هستند».

245 أَنْصارُهُ أَنْصارُ الرَّسُولِ

یاران امام علی علیه السلام، یاران رسول خداصلی الله علیه وآله هستند.

همچنین مراجعه شود به: أَعْداؤُهُ أَعْداءُ الرَّسُولِ [176]

246 إِنْكارُهُ إِنْكارُ اللَّهِ

حذیفه بن اسید غفاری گوید: رسول خداصلی الله علیه وآله به من فرمود:

«يا حُذَيفَهُ! إِنَّ حُجَّهَ اللَّهِ عَلَيكُمْ (عَلَيكَ) بَعْدِی عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ، الْكُفْرُ بِهِ كُفْرٌ بِاللَّهِ، وَالشِّرْكُ بِهِ شِرْكٌ بِاللَّهِ، وَالشَّكُّ فِيهِ شَكٌّ فِی اللَّهِ، وَالْإِلْحادُ فِيهِ إِلْحادٌ فِی اللَّهِ، وَالْإِنْكارُ لَهُ إِنْكارٌ لِلَّهِ، وَالْإِيمانُ بِهِ إِيمانٌ بِاللَّهِ»؛(2)

«ای حذیفه! همانا علی بن ابی طالب علیه السلام بعد از من حجّت خدا بر شماست، کفر به او کفر به خدا و شرک به او شرک به خداست. شک در او شک در خدا و الحاد و انکار او، الحاد و انکار خداست و ایمان به او ایمان به خدا می باشد».

247 أَوْسَعُ قَلْباً

دارای وسعت قلب و سعه صدر است.

همچنین مراجعه شود به: أَسْخی مِنَ الْفُراتِ [161]

248 الْأَوْفی

وفادارترین فرد؛ عهد و پیمان ها را تمام و کمال انجام می دهد. رسول خداصلی الله علیه وآله به امام علی علیه السلام فرمود: هفت خصلت در تو هست که هیچ کس نمی تواند با تو احتجاج کند:

«أنْتَ أوَّلُ الْمُؤْمِنِینَ بِاللّهِ إیماناً وَأوْفاهُمْ بِعَهْدِاللّهِ ...»؛(3)

«تو اولین ایمان آورندگان به خدا و باوفاترین آنان به عهد خدا هستی ...».

و در جمع اصحاب نیز اعلام فرمود:

«یا أَیهَا النّاسُ! إِنَّ عَلِیاً أَوْفاکُمْ بِعَهْدِ اللَّهِ»؛(4)

«ای مردم! علی علیه السلام وفادارترین شخص به عهد خداوند است».

و در زیارت آن حضرت، این گونه آمده:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَبْدِکَ الْمُرْتَضی وَأَمِینِکَ الْأَوْفی ؛(5)

«خدایا درود فرست بر محمّد و آلش و بر امیر مؤمنان که بنده پسندیده و امین با وفای توست».

249 أَوَّلُ الْاِثْنَی عَشَرَ

حضرت علی علیه السلام اولین امام از میان دوازده امام و جانشین پیامبرصلی الله علیه وآله است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله خطاب به امام علی علیه السلام فرمود:

1- 466. مشارق انوار الیقین، ص 88.
2- 467. امالی صدوق، مجلس 36، حدیث 2.
3- 468. بحارالانوار، ج 38، ص 230؛ امالی طوسی، ص 553؛ مناقب آل ابی طالب، ج 6، ص 2؛ الخصال صدوق، ج 1، ص 336.
4- 469. بحارالانوار، ج 23، ص 242؛ کشف الیقین، ص 295؛ تفسیر فرات، ص 544.
5- 470. بحارالانوار، ج 97، ص 307 و 379؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام.

«إِنَّهُ سَیکُونُ بَعْدِی إِثْناعَشَرَ إِماماً وَمِنْ بَعْدِهِمْ إِثْناعَشَرَ مَهْدِیاً؛ فَأَنْتَ یا عَلِی! أَوَّلُ الإِثْنَی عَشَرَ الْإِمامِ، سَمّاکَ اللَّهُ فِی السَّمآءِ عَلِیاً الْمُرْتَضی ؛(1)

«ای علی! بعد از من، دوازده امام و دوازده مهدی خواهد بود که تو اولین آن دوازده امام هستی، و خداوند متعال در آسمان ها تو را علی مرتضی نامیده است».

250 أَوَّلُ الْأَوْصِیاءِ

اوصیا جمع وصی به معنای جانشینان است، و امام علی علیه السلام اولین آن جانشینان است، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به فاطمه زهراعلیها السلام فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ اطَّلَعَ إِلَی الْأَرْضِ اطِّلاعَةً فَاخْتارَنِی نَبِیاً وَثانِیةً فَاخْتارَ بَعْلَکَ وَصِیاً أَوَّلَ الْأَوْصِیاءِ»؛(2)

«خداوند متعال به زمین توجّهی فرمود و مرا پیامبر قرار داد، دیگر بار توجّهی نمود و شوهرت را به عنوان وصی و اولین وصی مقرّر فرمود».

و در عبارت دیگر فرمود:

«أَوَّلُ الْأَوْصِیاءِ بَعْدِی أَخِی عَلِی»؛(3)

«اولین جانشین بعد از من، برادرم علی است».

251 أَوَّلُ الْمُؤْمِنِینَ

چه افتخاری بالاتر از آن است که دوست و دشمن به آن معترف باشند.

عمر بن خطّاب نقل می کند: رسول خداصلی الله علیه وآله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ أَوَّلُ الْمُسْلِمِینَ إِسْلاماً، وَأَنْتَ أَوَّلُ الْمُؤْمِنِینَ إِیماناً»؛(4)

«تو اولین مسلمان و اولین مؤمن هستی».

قبلاً گفته شد که پیامبرصلی الله علیه وآله به امام علی علیه السلام فرمود: تو هفت خصلت داری که در هیچ کس دیگر وجود ندارد، از جمله

اینکه تو اوّل المؤمنین هستی.(5)

252 أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ

اولین کسی که دین مبین اسلام را پذیرفت.(6)

همچنین مراجعه شود به: أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ [251]

253 أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ

اولین کسی که به خدا ایمان آورد. این افتخاری است که پیامبرصلی الله علیه وآله به آن شهادت داده.

«إِنَّ عَلِياً أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ»؛(7)

«علی علیه السلام اولین کسی بود که به خدا و رسولش ایمان آورد».

254 أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِالرَّسولِ

اولین کسی که به پیامبری رسول خداصلی الله علیه وآله ایمان آورد.

1- 471. بحارالانوار، ج 36، ص 261 و ج 53، ص 147؛ غیبت طوسی، ص 150.
2- 472. بحارالانوار، ج 36، ص 224؛ الصراط المستقیم، ج 2، ص 119.
3- 473. کمال الدین، ج 1، ص 262.
4- 474. بحارالانوار، ج 37، ص 267؛ بناء المقاله، ص 315. جامع الاحادیث، ج 28، ص 230.
5- 475. بحارالانوار، ج 38، ص 230؛ الصراط المستقیم، ج 1، ص 330؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 6.
6- 476. جامع الاحادیث، ج 28، ص 230؛ السنن الکبری، ج 5، ص 105؛ المعجم الکبیر، ج 22، ص 452؛ مسند أحمد، ج 39، ص 278؛ کنز العمال، ج 11، ص 605.
7- 477. بحارالانوار، ج 22، ص 502؛ نهج البلاغه، خطبه 71. البحرالزخار ج 9، ص 271؛ تفسیرالخازن ج 3، ص 331.

رسول خداصلی الله علیه وآله خطاب به امام علی علیه السلام فرمود:

«هذا أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِی وَأَوَّلُ مَنْ صَدَّقَنِی، وَهُوَ الصِّدِّیقُ الْأَکْبَرُ وَهُوَ الْفارُوقُ الْأَکْبَرُ الَّذِی یفْرِقُ بَینَ الْحَقِّ وَالباطِلِ»؛(1)

«این (علی علیه السلام) اولین کسی است که به من ایمان آورد و مرا تصدیق کرد، او صدیق اکبر و فاروق اکبر است که بین حقّ و باطل را جدا می کند».

همچنین مراجعه شود به: أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ [253]

255 أَوَّلُ مَنْ صَدَّقَ الرَّسُولَ

اولین کسی که به رسول خداصلی الله علیه وآله ایمان آورد و او را تصدیق نمود.

همچنین مراجعه شود به: أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِالرَّسُولِ [254]

256 أَوَّلُ مَنْ صَلّی مَعَ الرَّسُولِ

اولین کسی که به همراه رسول خداصلی الله علیه وآله و پشت سر او نماز گزارد.

ابن عباس می گوید: آیه «وَالَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ أُولئِکَ أَصْحابُ الْجَنَّهِ هُمْ فِیها خالِدُونَ» فقط درباره علی علیه السلام نازل شده؛ چون او اوّلین کسی بود که پس از پیامبرصلی الله علیه وآله نماز خواند.(2)

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نیز آن را تأیید کرده و فرموده:

«یا عَلِی! أَنْتَ أَوَّلُ مَنْ صَلّی مَعِی»؛(3)

«ای علی! تو اوّلین کسی بودی که با من نماز خواندی».

امام علی علیه السلام نیز فرمود:

«أَنَا أَوَّلُ مَنْ صَلّی مَعَ رَسُولِ اللَّهِ»؛(4)

«من اولین کسی بودم که همراه رسول خداصلی الله علیه وآله به نماز ایستادم».

257 أَوَّلُ مَنْ یدْخُلُ الْجَنَّهَ

امام علی علیه السلام اولین کسی است که وارد بهشت می شود. حضرت فرمود: رسول خداصلی الله علیه وآله به من فرمود: تو اولین داخل شونده بهشت هستی.

گفتم: یعنی قبل از شما وارد بهشت می شوم؟

فرمود: آری؛ چون تو پرچمدار و صاحب لوای من هستی. تو هم در دنیا و هم در آخرت پرچمدار من هستی، و پرچمدار نیز جلوتر حرکت می کند. من آن روزی را می بینم که تو وارد بهشت شده ای و لوای حمد نیز، در دست توست و همه در زیر آن هستند.(5)

258 أَوَّلُ مَنْ یصافِحُ الرَّسُولَ

اولین کسی که با رسول خداصلی الله علیه وآله مصافحه می کند. روایت شده که روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود:

«إِنَّ هذا أَوَّلُ مَنْ یصافِحُنِی یوْمَ الْقِیامَهِ وَهذَا الصِّدِّیقُ الْأَکْبَرُ»؛(6)

1- 478. بحارالانوار، ج 38، ص 215؛ الیقین، ص 508.
2- 479. مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 14.
3- 480. بحارالانوار، ج 38، ص 139. جامع الاحادیث، ج 10، ص 302؛ سنن النسائی، ج 5، ص 105؛ السنن الکبری، ج 1، ص 225؛ کنز العمال، ج 11، ص 616.
4- 481. بحارالانوار، ج 38، ص 203؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 15.
5- 482. بحار الانوار، ج 39، ص 217؛ علل الشرایع، ج 1، ص 172.
6- 483. بحارالانوار، ج 38، ص 230؛ امالی صدوق، ص 205؛ امالی شیخ طوسی، ص 147؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 6. فیض القدیر، ج 4، ص 472؛ جامع الاحادیث، ج 9، ص 384.

«این علی علیه السلام اولین کسی است که روز قیامت با من مصافحه خواهد کرد، این صدّیق اکبر است».

259 أَوَّلُ مَنْ یقْرَعُ بابَ الْجَنَّهِ

اولین کسی که درِ بهشت را می کوبد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله خطاب به علی علیه السلام فرمود:

«یا عَلِی! إِنَّکَ أَوَّلُ مَنْ یقْرَعُ بابَ الْجَنَّهِ فَتَدْخُلُها بِغَیرِ حِسابٍ بَعْدِی»؛(1)

«ای علی! تو اولین کسی هستی که روز قیامت درِ بهشت را می کوبی و بعد از من، بدون حساب وارد بهشت می شوی».

260 أَوْلَی النّاسِ بِالنّاسِ

نسبت به مردم از همه ایشان به آنان سزاوارتر است.

رسول خداصلی الله علیه وآله می فرماید: خدای تعالی فرمود:

«اِخْبِرْ عَلِیاً بِأَنَّهُ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ وَسَیدُ الْمُسْلِمِینَ وَأَوْلَی النّاسِ بِالنّاسِ»؛(2)

«به علی خبر بده که او امیر مؤمنان و سرور مسلمانان و سزاوارترین مردم به ایشان است».

261 أَوْلَی النّاسِ بِالنَّبِیینَ

بین مردم از همه بیشتر به پیامبران، نزدیک تر و شایسته تر است.

این افتخاری برای امیر مؤمنان از جانب رسول خداصلی الله علیه وآله است. انس بن مالک می گوید: روزی نزد پیامبر خداصلی الله علیه وآله بودم که فرمود:

«اَلآنَ یدْخُلُ سَیدُ الْمُسْلِمِینَ وَأَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ وَخَیرُ الْوَصِیینَ وَأَوْلَی النّاسِ بِالنَّبِیینَ»؛(3)

«هم اینک آقای مسلمانان و مولای مؤمنان و بهترین جانشین و کسی که از همه سزاوارتر به پیامبران است، داخل خواهد شد».

چیزی نگذشت که علی علیه السلام وارد شد.

262 أَوْلِیآؤُهُ أَوْلِیآءُ اللَّهِ

دوستان او دوستان خدا هستند؛ یعنی هرکه او را دوست بدارد، خدا را دوست داشته است. همچنین مراجعه شود به: اِتّباعُهُ فَرِیضَهُ اللّهِ [146]

263 أَوْلِیآؤُهُ أَوْلِیآءُ الرَّسُولِ

دوستان او دوستان رسول خداصلی الله علیه وآله هستند.

همچنین مراجعه شود به: أَعْداؤُهُ أَعْداءُ الرَّسُولِ [176]

264 الْإِیمانُ بِهِ إِیمانٌ بِاللَّهِ

ایمان به او، با ایمان به خدا عجین شده است.

همچنین مراجعه شود به: إِنْکارُهُ إِنْکارُ اللَّهِ [246]

265 الْإِیمانُ مُخالِطُ دَمِهِ

ایمان با خون او عجین و مخلوط شده است.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«اَلْإِیمانُ مُخالِطُ لَحْمِکَ وَدَمِکَ، کَما خالَطَ لَحْمِی وَدَمِی»؛(4)

«ایمان با گوش و خون تو عجین شده؛ همان طور که با گوشت و خون من مخلوط شده است».

266 الْإِیمانُ مُخالِطُ لَحْمِهِ

ایمان با گوشت او عجین و مخلوط شده.

همچنین مراجعه شود به: الْإِیمانُ مُخالِطُ دَمِهِ [265]

1- 484. الریاض النضره، ج 1، ص 246.

2- 485. بحارالانوار، ج 24، ص 182.
3- 486. بحارالانوار، ج 38، ص 134؛ اليقين، ص 243.
4- 487. الغدير، ج 3، ص 179؛ مفاتيح الجنان، دعای ندبه.

267 إِيمانُهُ أَرجَحُ

ایمانش از همه برتری دارد.

عمر بن خطّاب گفته: گواهی می دهم از رسول خداصلی الله علیه وآله شنیدم که فرمود:

«لَوْ أَنَّ السَّماواتِ السَّبْعِ وَالْأَرَضِينَ السَّبْعِ وُضِعْنَ فِی كَفَّهِ مِيزانٍ وَوُضِعَ إِيمانُ عَلِیّ فِی كَفَّهِ مِيزانٍ لَرَجَحَ إِيمانُ عَلِیّ!»؛(1)

«اگر همه هفت آسمان و هفت زمین را در یک کفه ترازو بگذارند و ایمان علی علیه السلام را در کفه دیگر بگذارند، ایمان علی علیه السلام برتر از آنها می باشد».

268 بابُ اللَّهِ

راه و درگاه و دروازه خدا؛ یعنی اگر کسی بخواهد به خدا برسد باید از علی بگذرد، باید معرفت، ولایت و محبت علی را داشته باشد.

رسول خداصلی الله علیه وآله به امام علی علیه السلام فرموده است:

«يا عَلِی! أَنْتَ حُجَّهُ اللَّهِ وَأَنْتَ بابُ اللَّهِ وَأَنْتَ الطَّرِيقُ إِلَی اللَّهِ...»؛(2)

«ای علی! تو حجّت خدا و باب الهی و راه رسیدن به خدایی».

چنان که خود مولا نیز فرموده است:

«أَنَا عَينُ اللَّهِ وَأَنَا يدُ اللَّهِ وَأَنَا جَنْبُ اللَّهِ وَأَنَا بابُ اللَّهِ»؛(3)

و امام صادق علیه السلام فرموده است:

«كانَ أَمِيرُالْمُؤْمِنِينَ علیه السلام بابَ اللَّهِ الَّذِی لا يؤْتی إِلّا مِنْهُ»؛(4)

«امیر مؤمنان همان باب اللّه است که هر که بخواهد به خدا برسد باید از او بگذرد».

269 بابُ الجَنَّهِ

درِ بهشت. یعنی کسی از غیر راه علی علیه السلام نمی تواند به بهشت برسد.

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود:

«أَنَا مَدِینَهُ الْجَنَّهِ وَعَلِی بابُها، فَمَنْ أَرادَ الْجَنَّهَ فَلْیأْتِها مِنْ بابِها»؛(5)

«من شهر بهشت هستم و علی درب آن است و هر که می خواهد داخل آن شود باید از درب آن وارد شود».

امام کاظم علیه السلام نیز فرمود:

«إِنَّ عَلِیاًعلیه السلام بابٌ مِنْ أَبْوابِ الْجَنَّهِ فَمَنْ دَخَلَ بابَهُ کانَ مُؤْمِناً وَمَنْ خَرَجَ مِنْ بابِهِ کانَ کافِراً»؛(6)

«همانا علی علیه السلام دری از درهای بهشت است، پس هرکه به آن وارد شود، مؤمن است و هرکه از آن خارج گردد، کافر است».

270 بابُ حِکمَهِ النَّبِیّ

در چندین روایت وارد شده: پیامبر خداصلی الله علیه وآله خطاب به امام علی علیه السلام فرمود:

«یا عَلِی! أَنَا مَدِینَهُ الْحِکْمَهِ وَأَنْتَ بابُها»؛(7)

«ای علی! من شهر حکمت هستم و تو باب و درب آن هستی».

1- 488. بحارالانوار، ج 38، ص 249؛ موسوعه امام علی، ج 9، ص 127. تاریخ دمشق، ج 42، ص 341؛ ذخائر العقبی، ج 1، ص 100؛ کشف الغمّه، ج 1، ص 288. کنز العمّال، ج 11، ص 617؛ میزان الاعتدال، ج 3، ص 494؛ لسان المیزان، ج 5، ص 97.
2- 489. بحارالانوار ج 36، ص 4؛ عیون اخبارالرضا، ج 2، ص 6.
3- 490. بحارالانوار، ج 4، ص 8؛ اصول کافی، ج 1، ص 145.
4- 491. اصول کافی، ج 1، ص 197.

5- 492. امالی صدوق ص 577؛ موسوعه امام علی ج 8، ص 131. تاریخ دمشق، ج 42، ص 378.
6- 493. اصول کافی، ج 3.
7- 494. بحارالانوار، ج 23، ص 125.

و نیز: «أَنَا مَدِینَهُ الْحِکْمَهِ وَعَلِی بابُها»؛(1)

«من شهر حکمت هستم و علی درب آن است».

و هرکه بخواهد وارد شهر حکمت پیامبرصلی الله علیه وآله شود، راهی جز از درب آن؛ یعنی عبور از امیرالمؤمنین علیه السلام و تبعیت از آن حضرت ندارد.

در فرازی از زیارت حضرت نیز آمده:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی وَلِیکَ وَأَخِی نَبِیکَ وَوَزِیرِهِ... وَبابِ حِکْمَتِهِ»؛(2)

«خدایا درود فرست بر ولی خودت که برادر و وزیر ... و باب حکمت پیامبرت می باشد».

271 بابُ الدِّینِ

رسول خداصلی الله علیه وآله در این مورد فرمود:

«عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ بابُ الدِّینِ، مَنْ دَخَلَ فِیهِ کانَ مُؤْمِناً وَمَنْ خَرَجَ مِنْهُ کانَ کافِراً»؛(3)

«علی بن ابی طالب علیه السلام دروازه دین است، هر که داخل آن شود مؤمن خواهد بود و هر که از آن خارج شود کافر است».

272 بابُ الرَّحْمَهِ

مسیر و طریق نزول رحمت خدا بر بندگان، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

«نَحْنُ مَعْدِنُ الْحِکْمَهِ وَبابُ الرَّحْمَهِ»؛(4)

«ما گنجینه حکمت و درگاه رحمت الهی هستیم».

در زیارت آن حضرت علیه السلام آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا بابَ الرَّحْمَهِ»؛(5)

«سلام بر تو ای درگاه رحمت خدا».

273 بابُ الرَّسُولِ

پیامبرصلی الله علیه وآله در معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ خَلِیفَهُ اللَّهِ وَخَلِیفَتِی وَحُجَّهُ اللَّهِ وَحُجَّتِی وَبابُ اللَّهِ وَبابِی»؛

«علی علیه السلام هم خلیفه خدا و هم خلیفه من است، او حجّت خدا و حجّت من، و باب خدا و باب من است».

و خود حضرت نیز فرموده: من «بابُ النَّبِیّ الْمُصْطَفی هستم.(6)

همچنین مراجعه شود به: أَمْرُهُ أَمْرُ الرَّسُولِ [226]

274 بابُ عِلْمِ النَّبِیّ

یکی از بزرگ ترین افتخارات علی علیه السلام این است که درب ورودی علم پیامبرصلی الله علیه وآله است.

پیامبرصلی الله علیه وآله می فرماید: من شهر علم هستم؛ یعنی هرچه علم و دانشی وجود داشته باشد، در سینه پیامبرصلی الله علیه وآله است و علی علیه السلام نیز راه ورودی آن می باشد.

پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله بارها فرموده است:

«أَنَا مَدِینَهُ الْعِلْمِ وَعَلِی بابُها»؛(7)

«من شهر علم هستم و علی هم دروازه آن».

1- 495. بحارالانوار، ج 25، ص 223. تاریخ بغداد، ج 11، ص 203؛ میزان الاعتدال، ج 3، ص 41.
2- 496. بحارالانوار، ج 97، ص 287؛ مفاتیح الجنان، زیارت مخصوص امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبرصلی الله علیه وآله.
3- 497. علی یا علی، ص 53، به نقل از کتب اهل سنت.

4- 498. بحارالانوار، ج 25، ص 22.
5- 499. بحارالانوار، ج 97، ص 327.
6- 500. بحارالانوار، ج 39، ص 335.
7- 501. بحارالانوار، ج 10، ص 119؛ وسائل الشیعه، ج 27، ص 34؛ الاحتجاج، ج 1، ص 78؛ الارشاد، ج 1، ص 33؛ امالی صدوق، ص 343؛ امالی شیخ طوسی، ص 558؛ اقبال الاعمال، ص 296. المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 137؛ المعجم الکبیر، ج 11، ص 65؛ جامع الاحادیث، ج 7، ص 36؛ کنز العمال، ج 11، ص 614.

و هرکس بخواهد داخل شهر شود، باید از درب آن وارد شود؛ پس باید برای رسیدن به علم و دانش پیامبر، از دروازه علی علیه السلام گذشت و به او مراجعه نمود.

275 بابُ الهُدی

پیامبر خداصلی الله علیه وآله درباره امام علی علیه السلام فرمود:

«إِنَّ عَلِیاً بابُ الْهُدی بَعْدِی وَالدّاعِی إِلی رَبِّی»؛(1)

«همانا علی باب هدایت بعد از من است و دعوت کننده به سوی پروردگارم می باشد».

در زیارت مطلقه و در فرازی از آن خطاب به امام علی علیه السلام عرض می شود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ! أَشْهَدُ أَنَّکَ کَلِمَهُ التَّقْوی وَبابُ الْهُدی وَالْعُرْوَهُ الْوُثْقی ؛(2)

«گواهی می دهم که تو کلمه تقوی و باب هدایت و ریسمان محکم الهی هستی».

276 بابُهُ مَفْتُوحٌ

پیامبرصلی الله علیه وآله از جانب خداوند مأمور شد همه درهای رو به مسجد را ببندد مگر در خانه حضرت علی علیه السلام را. پس فرمود:

«فَإِنِّی أُمِرْتُ بِسَدِّ هذِهِ الْأَبْوابِ غَیرِ بابِ عَلِیّ»؛(3)

«همانا من مأمور شدم به بستن همه درها به جز در خانه علی».

277 باهَ اللَّهُ بِهِ

خدا به وجود او فخر و مباهات نموده است.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرموده است: بعد از پایان جنگ بدر نشسته بودم که جبرئیل آمد و عرضه داشت: ای رسول خدا! خداوند تو را سلام رسانده و می فرماید:

«باهَیتُ الْیوْمَ بِعَلِیّ مَلائِکَتِی...»؛(4)

«من امروز پیش فرشتگان به وجود علی فخر و مباهات نمودم».

278 الْبَحْرُ الزّاخِرُ

دریای خروشان و پربار علم.

همچنین مراجعه شود به: أَسْخی مِنَ الْفُراتِ [161]

279 بَحْرُ الْعِلْمِ

رسول خداصلی الله علیه وآله خطاب به امیرمؤمنان علیه السلام و فاطمه زهراعلیها السلام فرمود: در آیه شریفه «مَرَجَ الْبَحْرَینِ یلْتَقِیانِ»(5) مراد خدای متعال از ارسال کردن دو بحر این است:

«عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ بَحْرُ الْعِلْمِ وَفاطِمَهُ بَحْرُ النُّبُوَّهِ»؛(6)

«علی بن ابی طالب علیه السلام دریای علم است و فاطمه زهراعلیها السلام دریای نبوّت است».

280 بَطْشَهُ اللَّهِ

قدرت و مجازات و عذاب خداوند. رسول خداصلی الله علیه وآله به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

1- 502. بحارالانوار، ج 32، ص 178؛ امالی صدوق، ص 31.
2- 503. بحارالانوار ج 97، ص 294؛ اصول کافی ج 4، ص 492؛ تهذیب طوسی، ج 6، ص 29.
3- 504. بحارالانوار، ج 32، ص 178؛ امالی صدوق، ص 31. مسند احمد، ج 3، ص 41، مستدرک حاکم، ج 2، ص 125؛ سنن نسائی، ج 5، ص 135.
4- 505. بحارالانوار، ج 27، ص 128.
5- 506. سوره الرحمن، آیه 19؛ «دو دریای مختلف (شور و شیرین، گرم و سرد) را در کنار هم قرار داد، در حالی که با هم تماس دارند».
6- 507. بحارالانوار، ج 24، ص 99؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 319.

«یا عَلِی! إِنَّکَ لِسانُ اللَّهِ الَّذِی ینْطِقُ مِنْهُ وَأَنَّکَ لَبَأْسُ اللَّهِ الَّذِی ینْتَقِمُ بِهِ وَأَنَّکَ لَسَوْطُ عَذابِ اللَّهِ الَّذِی ینْتَصِرُ بِهِ وَأَنَّکَ لَبَطْشَهُ اللَّهِ الَّتِی قالَ اللَّهُ: «وَلَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنا فَتَمارَوْا بِالنُّذُرِ»(1)»؛(2)

«ای علی! تو زبان گویای خدایی که از جانب او سخن می گویی، تو نشانه غضب و شدت خدایی که به وسیله تو انتقام می گیرد، تو وسیله عذاب خدا هستی که با آن بر دشمنان غالب می شود، و تو همان بطشه خدا هستی که خدای تعالی فرموده: او آنها را از مجازات ما بیم داد، ولی آنها بر مجادله و القای شکّ اصرار داشتند!».

281 الْبَطَلُ الْجَسُورُ

پهلوانی که همه از او حساب می برند.

ابن عباس نقل می کند: بعد از نماز در محضر رسول خداصلی الله علیه وآله نشسته بودم، مطلبی پیش آمد که امیرمؤمنان علیه السلام را طلب کرد و به حذیفه فرمود:

«یا حُذَیفَهُ! اِنْطَلِقْ إِلی حُجْرَهِ کاشِفِ الْکُرُوبِ وَعَبْدِ عَلّامِ الْغُیوبِ وَاللَّیثِ الْهَصُورِ وَاللِّسانِ الشَّکُورِ وَالذبرِ الْغَیورِ وَالْبَطَلِ الْجَسُورِ وَالْعالِمِ الصَّبُورِ الَّذِی حَوَی اسْمَهُ التَّوْراهُ وَالْاِنْجِیلُ وَالزَّبُورُ، اِنْطَلِقْ إِلی حُجْرَهِ ابْنَتِی فاطِمَهَ وَائْتِنِی بِبَعْلِها عَلِیّ بْنِ أَبِی طالِبٍ»؛(3)

«ای حذیفه! برو منزل کسی که گرفتاری ها را آسان می کند، آن بنده خدای دانای غیب؛ آن شیر بیشه شجاعت، که زبان بسیار سپاس گزار دارد، و در مقابل دشمنان خشن و غیرت مند است، آن قهرمان چالاک و آن دانشمند صبور که نامش در تورات و انجیل و زبور آمده، برو به منزل دخترم فاطمه، و شوهرش علی بن ابی طالب را بیاور».

282 الْبَطِینُ

همچنین مراجعه شود به: الْأَنْزَعُ الْبَطِینُ [242]

283 بُغْضُهُ نِفاقٌ

پیامبرصلی الله علیه وآله درباره علی علیه السلام فرمود: «حُبُّهُ إِیمانٌ وَبُغْضُهُ نِفاقٌ، اَلنَّظَرُ إِلَیهِ رَأْفَهٌ وَمَوَدَّتُهُ عِبادَهٌ»؛(4)

«دوستی با علی نشانه ایمان است و بغض با او علامت نفاق، نگاه به چهره او مهربانی و مودت و علاقه به او عبادت است».

284 بِمَنْزِلَهِ إِسْحاقَ

اسحاق فرزند ابراهیم، یکی از پیامبران است. به منزله اسحاق، تشبیهی است برای امام علی علیه السلام که پیامبرصلی الله علیه وآله بیان فرموده. در حدیثی امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می کند:

رسول خداصلی الله علیه وآله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ مِنِّی بِمَنْزِلَهِ هِبَهِ اللَّهِ مِنْ آدَمَ وَبِمَنْزِلَهِ سام مِنْ نُوحٍ، وَبِمَنْزِلَهِ إِسْحاقَ مِنْ إِبْراهِیمَ وَبِمَنْزِلَهِ هارُونَ مِنْ مُوسی وَبِمَنْزِلَهِ شَمْعُونَ مِنْ عِیسی إِلّا أَنَّهُ لا نَبِی بَعْدِی»؛(5)

«ای علی! تو برای من مثل هبه اللَّه هستی برای آدم، و مثل سام هستی برای نوح و مانند اسحاق هستی برای ابراهیم و شبیه هارون هستی برای

1- 508. سوره قمر، آیه 36.
2- 509. بحارالانوار، ج 40، ص 64؛ تفسیر فرات، ص 455.
3- 510. بحارالانوار، ج 39، ص 187.
4- 511. بحارالانوار، ج 40، ص 76؛ کشف الغمّه، ج 1، ص 93؛ کشف الیقین، ص 225؛ کنز العمال، ج 11، ص 615؛ کشف الخفاء، ج 1، ص 204.
5- 512. بحارالانوار، ج 37، ص 254؛ امالی صدوق، ص 46؛ روضه الواعظین، ج 1، ص 101.

موسی و به منزله شمعون برای عیسی می باشی، جز اینکه بعد از من دیگر پیامبری نخواهد بود، (یعنی تو پیامبر نیستی)».

285 بِمَنْزِلَهِ رَأسِ النَّبِیّ

رسول خداصلی الله علیه وآله در بیانی فرمود:

«عَلِی مِنِّی بِمَنْزِلَهِ رَأْسِی مِنْ بَدَنِی»؛(1)

«علی برای من بمانند سر است برای بدن من».

286 بِمَنْزِلَهِ سامٍ

سام فرزند حضرت نوح بود که به دستور خداوند جانشین وی شد.(2) تشبیهی برای امیرالمؤمنین علیه السلام از جانب رسول خداصلی الله علیه وآله است که فرمود: «ای علی! تو برای من مثل سام هستی برای نوح، که جانشین وی شده بود، جز اینکه تو پیامبر نیستی»؛ یعنی با اینکه پیامبر نیست امّا او را با پیامبران تشبیه نموده است.

همچنین مراجعه شود به: بِمَنْزِلَهِ إِسْحاقَ [284]

287 بِمَنْزِلَهِ شَمْعُونَ

چنان که گفته شد: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله برای بیان مقام و عظمت امیرالمؤمنین علیه السلام او را به پیامبران و جانشینان ایشان تشبیه نموده است.

از جمله فرمود: «ای علی! تو برای من مانند شمعون برای عیسی هستی که جانشین او بود، تو جانشین من هستی؛ ولی فقط پیامبرنیستی».

همچنین مراجعه شود به: بِمَنْزِلَهِ إِسْحاقَ [284]

288 بِمَنْزِلَهِ الْکَعْبَهِ

تشبیه جالب اینکه پیامبرصلی الله علیه وآله علی علیه السلام را به خانه کعبه تشبیه نموده، آنجا که رسول خداصلی الله علیه وآله به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ بِمَنْزِلَهِ الْکَعْبَهِ تُؤْتی وَلا تَأْتِی، فَإِنْ أتاکَ هؤُلآءَ الْقَوْمُ فَسَلِّمُوا لَکَ هذَا الْأَمْرَ فَاقْبِلْهُ مِنْهُمْ وَإِنْ لَمْ یأْتُوکَ فَلا تَأْتِهِمْ»؛(3)

«ای علی! تو همانند کعبه هستی که دیگران باید به طرف و طواف تو بیایند نه تو به سوی آنان بروی، اگر آمدند و تسلیم امامت تو شدند آنها را بپذیر و اگر نیامدند، با ایشان کاری نداشته باش».

289 بِمَنْزِلَهِ هارُونَ

هارون برادر حضرت موسی علیه السلام هم پیامبر بود و هم جانشین حضرت موسی علیه السلام شد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله امیرمؤمنان علیه السلام را با هارون که پیامبرالهی است، مقایسه فرموده؛ لکن تصریح فرموده: با این تفاوت که علی علیه السلام پیامبر نیست.

این حدیث، از احادیث متواتر و معروف است که تمام راویان شیعه و سنّی آن را نقل کرده اند که پیامبر خداصلی الله علیه وآله بارها فرمود:

«عَلِی مِنِّی بِمَنْزِلَهِ هارُونَ مِنْ مُوسی إِلّا أَنَّهُ لا نَبِی بَعْدِی»؛(4)

1- 513. بحارالانوار، ج 38، ص 319؛ بناء المقاله، ص 78. جامع الاحادیث، ج 14، ص 249؛ کنز العمال، ج 11، ص 603؛ الریاض النضره، ج 1، ص 247.
2- 514. اصول کافی، ج 8، ص 285؛ من لایحضره الفقیه، ج 4، ص 174.
3- 515. بحارالانوار، ج 39، ص 48؛ بشارهالمصطفی، ص 277.
4- 516. بحارالانوار، ج 5، ص 69؛ اصول کافی، ج 8، ص 106؛ مفاتیح الجنان، دعای ندبه. المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 143؛ صحیح ترمذی، ج 3، ص 214؛ مسند احمد، ج 29، ص 160؛ السنن الکبری، ج 5، ص 125؛ المعجم الکبیر ج 5، ص 203؛ کنز العمال ج 11، ص 599.

«علی برای من مثل هارون برای موسی است جز این که بعد از من پیامبری نخواهد بود».

از جانب خدای تعالی و توسط جبرئیل به رسول خداصلی الله علیه وآله ابلاغ شده که: خداوند متعال تو را سلام می رساند و می فرماید:

«عَلِی مِنْکَ بِمَنْزِلَهِ هارُونَ مِنْ مُوسی وَلا نَبِی بَعْدَکَ».(1)

290 بِمَنْزِلَهِ هِبَهِ اللَّهِ

اولین وصی روی زمین، هبه اللَّه فرزند آدم که هم خود پیامبر بود و هم جانشین حضرت آدم علیه السلام شد.(2)

پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«ای علی! تو برای من مثل هبه اللَّه برای آدم هستی؛ یعنی جانشین من می باشی، امّا فقط پیامبر نیستی؛ چون من خاتم الانبیاء هستم.

همچنین مراجعه شود به: بِمَنْزِلَهِ إِسْحاقَ [284]

291 بَهْجَتُهُ بَهْجَهُ سُلَیمانٍ

کسی که خوش رویی و زیبایی چهره اش، مانند حضرت سلیمان علیه السلام است.

پیامبراعظم صلی الله علیه وآله در مورد شباهت علی علیه السلام به سایر پیامبران فرمود:

«شَبَهَتْ لِینُهُ بِلِینِ لُوطٍ، وَخُلْقُهُ بِخُلْقِ یحْیی وَزُهْدُهُ بِزُهْدِ أَیوبَ، وَسَخآؤُهُ بِسَخآءِ إِبْراهِیمَ، وَبَهْجَتُهُ بِبَهْجَهِ سُلَیمانَ بْنِ داوُدَ وَقُوَّتَهُ بِقُوَّهِ داوُد»؛(3)

«نرم خویی علی علیه السلام به حضرت لوطعلیه السلام شباهت دارد، اخلاقش به اخلاق یحیی علیه السلام، زهدش به زهد ایوب علیه السلام، سخاوتش به سخاوت ابراهیم علیه السلام، بهجت او به سلیمان علیه السلام و نیروی او به نیروی داودعلیه السلام شباهت دارد».

292 بِهِ یهتَدِی الْمُهْتَدُونَ

هدایت یافتگان به وسیله او هدایت می یابند.

پیامبرصلی الله علیه وآله در این باره فرمود:

«أَنَا الْمُنْذِرُ وَأَنْتَ الْهادِی مِنْ بَعْدِی. یا عَلِی! بِکَ یهْتَدِی الْمُهْتَدُونَ»؛(4)

«من بیم دهنده هستم و تو هم هادی. ای علی! همه به وسیله تو هدایت می یابند».

293 بَیتُ اللَّهِ

رسول خداصلی الله علیه وآله از جانب خدای تعالی درباره امام علی علیه السلام فرموده است:

«جَعَلْتُهُ الْعَلَمَ الْهادِی مِنَ الضَّلالَهِ، وَبابِی الَّذِی أُوتِی مِنْهُ، وَبَیتِی الَّذِی مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً مِنْ نارِی وَحِصْنِی الَّذِی مَنْ لَجَأَ إِلَیهِ حَصَّنَهُ مِنْ مَکْرُوهِ الدُّنْیا وَالْآخِرَهِ، وَوَجْهِی الَّذِی مَنْ تَوَجَّهَ إِلَیهِ لَمْ أَصْرِفْ وَجْهِی عَنْهُ»؛(5)

«من علی علیه السلام را پرچم هدایت گر مردم از گمراهی قرار دادم، او باب من است که مردم باید به آن درآیند، خانه من است. هرکه داخل آن شود از آتش عذاب درامان است، دژ محکم من است هرکه بدان پناه برد از بدی دنیا و عذاب آخرت محفوظ

1- 517. بحارالانوار، ج 43، ص 238؛ امالی صدوق، ص 134.
2- 518. اصول کافی، ج 1، ص 234.
3- 519. بحارالانوار، ج 39، ص 38.
4- 520. فرهنگ غدیر، آیه منذر. جامع الاحادیث ج 6، ص 498؛ الدرّ المنثور، ج 5، ص 476.
5- 521. امالی صدوق، مجلس 39، حدیث 10.

می شود، و او وجه من است هرکه بدان رو کند، از او رو برنگردانم».

294 بَیتُهُ بَیتُ النَّبِیّ

امام علی علیه السلام می فرماید: روزی خواستم وارد خانه آن حضرت شوم، اجازه گرفتم، ایشان اجازه دادند. وقتی داخل شدم، فرمود:

«أَما عَلِمْتَ أَنَّ بَیتِی بَیتُکَ، فَما لَکَ تَسْتَأْذِنُ عَلَی!»؛(1)

«مگر نمی دانی خانه من خانه تو است؛ پس چرا اجازه می گیری؟!».

295 تابِعُهُ تابِعُ الرَّسُولِ

رسول خداصلی الله علیه وآله در ولایت، فضیلت و منقبت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«أَمْرُهُ أَمْرِی، نَهْیهُ نَهْیی وَتابِعُهُ تابِعِی»؛

«فرمان او فرمان من است، و نهی او نهی من و تابع او تابع من است».

همچنین مراجعه شود به: إِمامُ کُلِّ مُسْلِمٍ [220]

296 تُجالِسُهُ الْمَلآئِکَهُ

فرشتگان الهی با او همنشین می شوند.

همچنین مراجعه شود به: اِتِّباعُهُ فَضِیلَهٌ [147]

297 تُقاتِلُهُ الْفِئَهُ الْباغِیهُ

گروهی ستمکار و تجاوزگر با او می جنگند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«یا عَلِی! سَتُقاتِلُکَ الْفِئَهُ الْباغِیهُ وَأَنْتَ عَلَی الْحَقِّ، فَمَنْ لَمْ ینْصُرْکَ یوْمَئِذٍ فَلَیسَ مِنِّی»؛(2)

«ای علی! به زودی گروهی ستمکار و تجاوزگر با تو می جنگند، و تو بر حقّ هستی، پس هرکس تو را در آن روز یاری نرساند، از من نیست».

298 تَقِی الْقَلْبِ

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بین اصحاب خود با اشاره به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

«هذا عَلِی قَدْ أَتاکُمْ تَقِی الْقَلْبِ، نَقِی الْکَفَّینِ»؛(3)

«این علی است که به سوی شما می آید، با قلبی خالص و صاف و دستی پاک و سالم».

299 الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ

در پی حدیث معروف ثقلین، پیامبرصلی الله علیه وآله در روز غدیر فرمود:

«مَعاشِرَ النّاسِ! إِنَّ عَلِیاً وَالطَّیبِینَ مِنْ وُلْدِی هُمُ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ وَالْقُرْآنُ هُوَ الثَّقَلُ الْأَکْبَرُ، فَکُلٌّ واحِدٍ مُنْبِئٌ عَنْ صاحِبِهِ وَمُوافِقٌ لَهُ، لَنْ یفْتَرِقا حَتّی یرِدا عَلَی الْحَوْضَ»؛(4)

«ای مردم! بدانید علی و فرزندان پاک و مطهر من همان ثقل اصغر و قرآن کریم، ثقل اکبر هستند که هر کدام از دیگری خبر می دهند و سازگار می باشند، این دو از یکدیگر جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من وارد گردند».

300 الْجامِعُ لِلْمَکارِمِ

تمام مکارم و بزرگواری ها را در خود جمع کرده است. پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله در مورد امام علی علیه السلام فرمود:

1- 522. بحارالانوار، ج 37، ص 230؛ مائه منقبه، ص 59. کنز الفوائد، ج 2، ص 55.
2- 523. جامع الاحادیث، ج 23، ص 331؛ کنز العمال، ج 11، ص 613.
3- 524. بحارالانوار، ج 40، ص 268.
4- 525. بحارالانوار، ج 37، ص 208؛ إقبال الأعمال، ص 456؛ العدد القویه، ص 173؛ خطبه غدیریه.

«هذَا الْجامِعُ لِلْمَکارِمِ، الْحاوِی لِلْفَضآئِلِ، الْمُشْتَمِلُ عَلَی الْجَمِیلِ»؛(1)

«این علی کسی است که همه مکارم و فضیلت ها را در خود جمع کرده و دارای زیبایی هاست».

301 جَبْرَئِیلُ عَنْ یمِینِهِ

رسول اعظم صلی الله علیه وآله فرمود:

«ما بَعَثْتُهُ فِی سَرِیهٍ وَلا أَبْرَزْتُهُ بِمُبارَزَهٍ إِلّا رَأَیتُ جَبْرائِیلَ عَنْ یمِینِهِ وَمِیکائِیلَ عَنْ یسارِهِ وَمَلَکَ الْمَوْتِ أَمامَهُ وَسَحابَهً تَظِلُّهُ حَتّی یعْطِیهُ اللّهُ خَیرَ النَّصْرِ وَالظَّفَرِ»؛(2)

«من علی علیه السلام را به هیچ مأموریت و جنگی اعزام نکردم جز اینکه می دیدم جبرئیل از سمت راست و میکائیل از سمت چپ و ملک الموت از مقابل او هستند و ابری نیز بر او سایه افکن است تا اینکه خداوند بهترین فتح و پیروزی را نصیب می کرد».

302 جَلِیلٌ فِی السَّمآءِ

در آسمان دارای جلالت و عظمت و مقام والایی است.

در یکی از زیارات آن حضرت آمده است:

«کُنْتَ کَما قالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیهِ وَآلِهِ... کَبِیراً فِی الْأَرْضِ، جَلِیلاً فِی السَّمآءِ»؛(3)

«تو همان گونه که رسول خداصلی الله علیه وآله فرموده... در زمین، بزرگ و در آسمان، باجلالت می باشی».

303 جَنْبُ اللَّهِ الظّاهِرُ

مراد از جَنب اللَّه یعنی سمت و سویی که همه برای رسیدن به خدا باید متوجه آن ناحیه شوند؛ پس اطاعت از امام، اطاعت از خداست.

ابوذر غفاری از پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله نقل می کند که حضرت در مورد امام علی علیه السلام فرمود:

«هُوَ عَینُ اللّهِ النّاظِرَهُ وَأُذُنُهُ السّامِعَهُ وَلِسانُهُ النّاطِقَهُ فِی خَلْقِهِ، وَیدُهُ الْمَبْسُوطَهُ عَلی عِبادِهِ بِالرَّحْمَهِ، وَوَجْهُهُ فِی السَّماواتِ وَالْأَرْضِ وَجَنْبُهُ الظّاهِرُ الْیمِینُ وَحَبْلُهُ الْقَوِی الْمَتِینُ»؛(4)

«علی چشم بینای خدا و گوش شنوا و زبان گویای او بین بندگان است، او دست گشاده خدا بر بندگان برای رحمت به ایشان است، وجه خدا در آسمانها و زمین، علی علیه السلام است. او جَنب اللّه ظاهر و ریسمان محکم الهی است».

304 جُنَّهُ الرَّسُولِ

کسی که سپر بلای رسول خداست.

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: «برای علی علیه السلام در بهشت اسامی متعددی است، این بشارت پروردگارم به من بود که من هم به علی علیه السلام بشارت دادم».

«عَلِی مَحْمُودٌ عِنْدَ الْحَقِّ مُزَکّی عِنْدَ الْمَلائِکَهِ وَخاصَّتِی وَخالِصَتِی وَظاهِرَتِی وَمِصْباحِی وَجُنَّتِی وَرَفِیقِی، آنَسَنِی بِهِ رَبِّی»؛(5)

«علی پسندیده نزد خدا و پاکیزه نزد فرشتگان است، او فرد خاص و خالص من است، او پشتوانه

1- 526. بحارالانوار، ج 42، ص 21؛ تفسیر الامام، ص 99.
2- 527. بحارالانوار، ج 31، ص 153؛ امالی طوسی، ص 505؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 239؛ موسوعه امام علی، ج 9، ص 439.
3- 528. بحارالانوار، ج 97، ص 379؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
4- 529. بحارالانوار، ج 40، ص 97.
5- 530. بحارالانوار، ج 39، ص 38.

و چراغ من است، او سپر بلا و رفیق همراه من است، خداوند به وسیله او با من انس می گیرد».

305 حاسِدُهُ حاسِدُ الرَّسُولِ

پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله در مورد امام علی علیه السلام فرمود:

«مَنْ حَسَدَ عَلِیاً فَقَدْ حَسَدَنِی، وَمَنْ حَسَدَنِی فَقَدْ کَفَرَ»؛(1)

«هرکس به علی علیه السلام حسد ورزد، هرآینه به من حسد ورزیده، و هرکس به من حسد ورزد، هرآینه کافر است».

306 حامِلُ اللِّواءِ

لواء به معنای پرچم و علامت و نشانه است که در جنگ ها به کار می گرفته اند و مرکزیت سپاه یا فرماندهی را مشخص می کرده است. و امیرمؤمنان علیه السلام پرچم دار مخصوص پیامبر خداصلی الله علیه وآله است در دنیا و آخرت.

در روایتی امام علی علیه السلام می فرماید: رسول خداصلی الله علیه وآله به من فرمود: «اولین کسی که داخل بهشت می شود تو هستی». گفتم: آیا قبل از شما وارد می شوم؟ فرمود: آری!

«... لِأَنَّکَ صاحِبُ لِوائِی فِی الْآخِرَهِ کَما أَنَّکَ صاحِبُ لِوائِی فِی الدُّنْیا وَحامِلُ اللِّواءِ هُوَ الْمُتَقَدِّمُ»؛(2)

«چون تو صاحب لوای من در آخرت هستی همان طور که صاحب لوای من در دنیا می باشی، و پرچمدار نیز مقدم بر دیگران است».

در زیارت آن حضرت نیز آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلی صاحِبِ الْحَوْضِ وَحامِلِ اللِّواءِ»؛(3)

«سلام بر صاحب حوض کوثر و حامل پرچم شفاعت».

307 الْحاوِی لِلْفَضائِلِ

کسی که فضیلت ها و خوبی ها را در خود جمع کرده است.

همچنین مراجعه شود به: الْجامِعُ لِلْمَکارِمِ [300]

308 حَبْلُ اللَّهِ الْقَوِی

امام، ریسمان قوی و محکم خدا در بین بندگان است.

همچنین مراجعه شود به: جَنْبُ اللَّهِ الظّاهِرُ [303]

309 حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِینُ

ریسمان محکم الهی. ابوذر از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در مورد سفر معراج چنین نقل می کند: «هنگامی که به آسمان ششم رسیدم، فرشتگان به استقبالم آمدند و بر من سلام کردند. گفتم: آیا ما را می شناسید؟ گفتند: آری، ای رسول خدا! چطور شما را نشناسیم؛ در حالی که خداوند بهشتی را خلق کرده که بر در آن درختی است و بر هر برگ آن نوشته شده:

«لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ عُرْوَهُ اللَّهِ الْوَثِیقَهُ وَحَبْلُ اللَّهِ الْمَتِینُ».

از جانب ما به او هم سلام برسان که خیلی مشتاق وی هستیم.(4)

پس در زیارت آن حضرت آمده است:

1- 531. کنز العمال، ج 11، ص 926.
2- 532. بحارالانوار، ج 39، ص 217؛ علل الشرایع، ج 1، ص 172. جامع الاحادیث، ج 31، ص 158.
3- 533. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
4- 534. بحارالانوار، ج 8، ص 174.

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا حَبْلَ اللَّهِ الْمَتِینِ»؛(1)

«سلام بر تو ای ریسمان محکم خداوند».

و خود آن حضرت نیز فرموده است:

«أَنَا حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِینُ»؛(2)

«من حبل اللَّه و ریسمان محکم خدا هستم».

همچنین مراجعه شود به: جَنْبُ اللَّهِ الظّاهِرُ [303]

310 حُبُّهُ إِیمانٌ

محبّت و دوست داشتن او، جزیی از ایمان است.

همچنین مراجعه شود به: جَنْبُ اللَّهِ الظّاهِرُ [303]

311 حُبُّهُ بَراءَهٌ مِنَ النّارِ

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«حُبُّ عَلِیّ بَراءَهٌ مِنَ النّارِ»؛(3)

«محبّت علی علیه السلام نجات دهنده از آتش است».

312 حُبُّهُ جَوازُ الصِّراطِ

رسول خداصلی الله علیه وآله درباره محبت علی علیه السلام فرمود:

«لِکُلِّ شَی ءٍ جَوازٌ، وَجَوازُ الصِّراطِ حُبُّ عَلِیّ بْنِ أَبِی طالِبٍ»؛(4)

«برای هرچیزی مجوز عبور لازم است و مجوز عبور از پل صراط، محبت امام علی علیه السلام است».

313 حُبُّهُ حَسَنَهٌ

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

«حُبُّ عَلِیّ بْنِ أَبِی طالِبٍ حَسَنَهٌ لا یضُرُّ مَعَها سَیئَهٌ»؛(5)

«دوستی و محبت علی علیه السلام حسنه ای است که با وجود آن، سیئات ضرری نمی رساند».

314 حُبُّهُ شَجَرَهُ طُوبی

رسول خداصلی الله علیه وآله در مورد امام علی علیه السلام فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ تَعالی أَلْقی فِی رَوْعِی أَنَّ حُبَّهُ شَجَرَهُ طُوبَی الَّتِی غَرَسَهَا اللَّهُ تَعالی بِیدِهِ»؛(6)

«خدای تعالی در قلب من انداخت که دوستی و محبت نسبت به علی علیه السلام، همان شجره طوبایی است که خدای تعالی با دست خود کاشته است».

315 حُبُّهُ عِبادَهُ اللَّهِ

محبّت و دوست داشتن او، عبادت خدا محسوب می شود.

همچنین مراجعه شود به: اِتّباعُهُ فَرِیضَهُ اللَّهِ [146]

316 حُبُّهُ عُرْوَهُ الْوُثْقی

پیامبر خداصلی الله علیه وآله در مورد دوستی و ولایت امام علی علیه السلام فرمود:

«مَنْ أَحَبَّ أَنْ یتَمَسَّکَ بِالْعُرْوَهِ الْوُثْقی فَلْیتَمَسَّکْ بِحُبِّ عَلِیّ وَأَهْلِ بَیتِی»؛(7)

«هرکه دوست دارد به دستگیره محکم خدا تمسک جوید باید به دوستی علی و اهل بیت من متمسک شود».

1- 535. مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبرصلی الله علیه وآله.

2- 536. بحارالانوار، ج 24، ص 198؛ معانی الاخبار، ص 17؛ غیبت نعمانی، ص 165.
3- 537. بحارالانوار، ج 39، ص 258؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 200. الفردوس دیلمی، ج 2، ص 142.
4- 538. بحارالانوار، ج 39، ص 202؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 156؛ موسوعه امام علی علیه السلام، ج 11، ص 206.
5- 539. موسوعه امام علی علیه السلام، ج 11، ص 206.
6- 540. بحارالانوار، ج 27، ص 128.
7- 541. بحارالانوار، ج 27، ص 79؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 76؛ عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 58؛ موسوعه امام علی، ج 11، ص 195؛ الصراط المستقیم، ج 1، ص 286.

317 حُبُّهُ عُنْوانُ صَحِيفَهِ الْمُؤْمِنِ

پیامبرصلی الله علیه وآله در فضیلت امیرمؤمنان علیه السلام فرموده:

«عُنْوانُ صَحِيفَهِ الْمُؤْمِنِ يوْمَ الْقِيامَهِ حُبُّ عَلِىّ بْنِ أَبِى طالِبٍ»؛(1)

«عنوان نامه اعمال هر مؤمنی در روز قیامت محبت علی بن ابی طالب علیه السلام است».

318 حُبُّهُ نِعْمَهٌ

محبّت و دوست داشتن او، نوعی نعمت در دنیا و آخرت محسوب می شود.

همچنین مراجعه شود به: اِتّباعُهُ فَضِيلَهٌ [147]

319 حُبُّهُ واجِبٌ

بر همه واجب است که او را از صمیم قلب دوست داشته باشند.

رسول خداصلی الله علیه وآله در این باره امر می فرماید:

«يجِبُ عَلَيكُمْ أَنْ تُحِبُّوهُ»؛(2)

«بر همه شما واجب است که علی علیه السلام را دوست داشته باشید».

320 حُبُّهُ يأْكُلُ الذُّنُوبَ

رسول اعظم صلی الله علیه وآله فرمود:

«حُبُ عَلِىّ علیه السلام يأْكُلُ الذُّنُوبَ كَما تَأْكُلُ النّارُ الْحَطَبَ»؛(3)

«دوستی و محبّت علی علیه السلام گناهان را می خورد همان طور که آتش، هیزم را می خورد».

321 حُبُّهُ يخْمِدُ النِّيرانَ

دوستی با علی علیه السلام آتش جهنّم را خاموش می کند. رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«حُبُّهُ یخْمِدُ النِّیرانَ»؛(4)

«محبت و دوست داشتن علی علیه السلام آتش جهنم را خاموش می کند».

322 حُبُّهُ یذِیبُ السَّیئاتِ

دوستی با علی علیه السلام گناهان و بدیها را ذوب می کند. رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«أَیهَا النّاسُ! مَنْ أَرادَ أَنْ یطْفِئَ غَضَبَ اللَّهِ، وَمَنْ أَرادَ أَنْ یقْبَلَ عَمَلُهُ، فَلْیحِبَّ عَلِی بْنَ أَبِی طالِبٍ، فَإِنَّ حُبَّهُ یزِیدُ الْإِیمانَ، وَإِنَّ حُبَّهُ یذِیبُ السَّیئاتِ کَما تُذِیبُ النّارُ الرَّصاصَ»؛(5)

«ای مردم! هرکس می خواهد خشم و غضب خدا را خاموش کند و اعمالش پذیرفته شود، پس باید علی بن ابی طالب علیه السلام را دوست بدارد؛ زیرا دوستی با علی، ایمان را فزونی می بخشد و گناهان را ذوب می کند همان طور که آتش سرب را ذوب می کند».

323 حُبُّهُ یزِیدُ الْإِیمانَ

دوستی با علی علیه السلام ایمان را فزونی می بخشد.

همچنین مراجعه شود به: حُبُّهُ یذِیبُ السَّیئاتِ [322]

324 حَبِیبُ اللَّهِ

دوست و محبوب خدا. خدا او را دوست دارد. این سخن رسول خداصلی الله علیه وآله است که فرمود: «آن گاه که مرا به معراج بردند، بر باب الجنّه دیدم، نوشته بود:

«لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِی حَبِیبُ اللَّهِ،

1- 542. بحارالانوار ج 27، ص 142؛ کنز العمال ج 11، ص 601.
2- 543. بحارالانوار، ج 27، ص 128.
3- 544. الصراط المستقیم، ج 1، ص 198؛ موسوعه امام علی، ج 11، ص 202.

4- 545. بحارالانوار، ج 39، ص 304.
5- 546. موسوعه امام على عليه السلام، ج 11، ص 201. ينابيع المودّه، ج 2، ص 305.

اَلْحَسَنُ وَالْحُسَینُ صَفْوَهُ اللَّهِ، فاطِمَهُ أَمَهُ اللَّهِ، عَلی باغِضِهِمْ لَعْنَهُ اللَّهِ»؛(1)

«خدایی جز اللَّه نیست، محمّد فرستاده خداست، علی دوست خداست، حسن و حسین برگزیده خدایند و فاطمه بانوی الهی است؛ بر دشمنان و کینه ورزان آنان لعنت خدا باد».

و در زیارت آن حضرت، سلام می دهیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ، اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا حَبِیبَ اللَّهِ»؛(2)

«سلام بر تو ای امیرمؤمنان و سلام بر تو ای دوست محبوب خدا».

همچنین مراجعه شود به: أَمْرُهُ أَمْرُ الرَّسُولِ [226]

325 حَبِیبُ الرَّسُولِ

علی علیه السلام دوست و محبوب رسول خداصلی الله علیه وآله بود. جریان فتح خیبر و حدیث "رایه" نیز از قضایای متواتر و قطعی است که شیعه و سنّی نقل کرده اند.

غزوه خیبر مدتی طول کشیده بود و پیامبر هر گروهی را که با فرماندهی کسی می فرستاد، توفیقی نداشتند، یک روز فرمود:

«لَأُعْطِینَّ الرّایهَ غَداً رَجُلاً یحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَیحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ کَرّاراً غَیرَ فَرّارٍ لا یرْجِعُ حَتّی یفْتَحَ اللَّهُ عَلی یدَیهِ»؛(3)

«فردا پرچم و فرماندهی را به مردی خواهم داد که خدا و رسول را دوست دارد و خدا و رسول هم او را دوست دارند، او فقط حمله می کند و فرار ندارد و برنمی گردد مگر اینکه خدا به دست او فتح و پیروزی را نصیب کند».

و احادیث متعددی وارد شده که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود:

«حَبِیبِی عَلِی»؛(4)

«دوست و حبیب من علی علیه السلام است».

و این دوستی میان رسول خدا و امیرمؤمنان دوجانبه بوده؛ چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره فرموده است:

«أَنَا أَخُو رَسُولِ اللَّهِ وَوَصِيهُ وَحَبِيبُهُ»؛(5)

«من برادر رسول خدا و جانشین و دوست او هستم».

و در زیارت آن حضرت آمده است:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی وَلِیکَ وَأَخِی نَبِیکَ وَوَزِیرِهِ وَحَبِیبِهِ وَخَلِیلِهِ...»؛(6)

«خدایا درود فرست بر ولی خودت که برادر، وزیر، حبیب و خلیل پیامبرت می باشد».

326 حَبِيبُ قَلبِ الرَّسُولِ

دوست صمیمی و یار نزدیک پیامبرصلی الله علیه وآله.

1- 547. بحارالانوار، ج 27، ص 4؛ امالی طوسی، ص 355؛ الارشاد، ج 2، ص 234؛ الصراطالمستقیم، ج 1، ص 248. لسان المیزان، ج 4، ص 194؛ اتحاف السائل، ج 1، ص 10.
2- 548. بحارالانوار، ج 97، ص 285؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 592؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
3- 549. بحارالانوار، ج 21، ص 2؛ اصول کافی، ج 8، ص 349؛ امالی صدوق، ص 513؛ امالی طوسی، ص 170. تاریخ الخلفا، ج 1، ص 150. المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 143؛ شعب الإیمان، ج 1، ص 88.
4- 550. بحارالانوار، ج 19، ص 5؛ الخرایج، ج 2، ص 497.
5- 551. بحارالانوار، ج 39، ص 335.
6- 552. بحارالانوار، ج 95، ص 292؛ مفاتیح الجنان، زیارت حضرت در روز میلاد پیامبر.

رسول خداصلی الله علیه وآله خطاب به آن حضرت فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ صاحِبُ حَوْضِی وَصاحِبُ لِوائِی وَحَبِیبُ قَلْبِی»؛(1)

«ای علی! تو صاحب اختیار حوض و پرچمدار منی، تو دوست قلبی من هستی».

327 حَبِیبُهُ حَبِیبُ الرَّسُولِ

حضرت فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ سَیدٌ فِی الدُّنْیا وَسَیدٌ فِی الْآخِرَهِ، حَبِیبُکَ حَبِیبِی، وَحَبِیبِی حَبِیبُ اللّهِ»؛(2)

«ای علی! تو آقایی در دنیا و آخرت. دوستدار تو دوستدار من است و دوستدار من، دوستدار خدای تعالی است».

328 الْحِجابُ وَ السِّتْرُ

ابوذر می گوید: رسول خداصلی الله علیه وآله به من فرمود:

«یا أَباذَرُ! لَوْلا عَلِی ما بانَ الْحَقُّ مِنَ الْباطِلِ وَلا الْمُؤْمِنُ مِنَ الْکافِرِ وَلا عُبِدَ اللّهُ؛ لِأَنَّهُ ضَرَبَ رُؤُوسَ الْمُشْرِکِینَ حَتّی أَسْلَمُوا وَعَبَدُوا اللّهَ، وَلَوْلاَ ذلِکَ لَمْ یکُنْ ثَوابٌ وَلا عِقابٌ، وَلا یسْتُرُهُ مِنَ اللّهِ سِتْرٌ وَلا یحْجُبُهُ مِنَ اللّهِ حِجابٌ، وَهُوَ الْحِجابُ وَالسِّتْرُ»؛(3)

«ای ابوذر! اگر علی علیه السلام نبود حقّ و باطل معلوم نمی شد، مؤمن از کافر مشخص نمی شد، و اصلاً خدا عبادت نمی گردید، چون علی بود که گردن سرکردگان شرک را زد تا اسلام آورند و خدا را عبادت نمایند. اگر چنین نبود ثواب و عقابی نبود. هیچ پرده و پوششی بین او و خدا نیست، هیچ حجاب و مانعی بین او و خدای تعالی نیست، او خود واسطه و پرده بین خدا و خلق است».

329 حُجَّهُ اللّهِ

حجت یعنی دلیل و مدرک؛ و به معنای کسی یا چیزی است که فردی به وسیله آن با دیگران احتجاج می کند. حجّه اللّه؛ دلیل و مدرک خدا.

رسول خداصلی الله علیه وآله به حضرت اعلان فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ حُجَّهُ اللَّهِ وَأَنْتَ بابُ اللَّهِ»؛(4)

«ای علی! تو حجّت خدا و باب اللَّه هستی».

و امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد آیه: «قُلْ فَلِلَّهِ ِ الْحُجَّهُ» فرموده است:

«أَنَا حُجَّهُ اللَّهِ وَأَنَا خَلِیفَهُ اللَّهِ»؛(5)

«من حجّت خدا و جانشین او در زمین هستم».

در دعای توسل از آن حضرت می خواهیم:

«یا حُجَّهَ اللَّهِ عَلی خَلْقِهِ! یا سَیدَنا وَمَوْلانا! إِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ إِلَی اللَّهِ»؛(6)

«ای حجّت خدا بر بندگانش، ای آقا و مولای ما! همانا ما به تو روی آوردیم و از تو طلب شفاعت نمودیم و نزد خداوند، تو را وسیله قرار دادیم».

330 حُجَّهُ اللَّهِ الْواضِحَهُ

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله درباره روز قیامت فرمود:

1- 553. امالی صدوق، مجلس 50. ینابیع الموده، باب 44.
2- 554. المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 138.
3- 555. بحار الانوار، ج 40، ص 56؛ تأویل الایات، ص 831؛ تفسیر فرات، ص 370.
4- 556. بحارالانوار، ج 36، ص 4؛ امالی صدوق، ص 306.
5- 557. بحارالانوار، ج 39، ص 44 - 51؛ امالی صدوق، ص 35؛ اقبال الاعمال، ص 463.
6- 558. بحارالانوار، ج 99، ص 247؛ البلد الامین، ص 325؛ مفاتیح الجنان، دعای توسل.

«أَنْتَ فِی ذلِکَ الْیوْمِ أَمِینُ اللَّهِ وَحُجَّهُ اللَّهِ الْواضِحَهُ»؛(1)

«ای علی! تو در آن روز امین خدا و حجّت آشکار او هستی».

331 حُجَّهُ الرَّسُولِ

رسول خداصلی الله علیه وآله در آن حدیث مفصل فرمود:

«عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ خَلِیفَهُ اللَّهِ وَخَلِیفَتِی وَحُجَّهُ اللَّهِ وَحُجَّتِی»؛(2)

«علی بن ابی طالب خلیفه خدا و من است، او حجت خدا و حجت من است».

همچنین مراجعه شود به: أَمْرُهُ أَمْرُ الرَّسُولِ [226]

332 الْحُجَّهُ الْعُظْمی

بزرگ ترین حجّت خدا.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«مَعاشِرَ النّاسِ! إِنَّهُ مِحْنَهُ الْوَری وَالْحُجَّهُ الْعُظْمی وَالْآیهُ الْکُبْری وَإِمامُ أَهْلِ الدُّنْیا»؛(3)

«ای مردم! علی مایه آزمایش و امتحان همگان است، او حجّت بزرگ خدا و آیت کبرای او و امام اهل دنیاست».

در دعای بعد از نماز عید غدیر آمده است: هنگامی که در عالم ذرّ، خدای تعالی با بندگان خود «پیمان الست» برقرار نمود و بر خدایی و یکتایی خود پیمان گرفت، همه گفتند: آری، همه شهادت می دهیم:

«بِأَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ، أَنْتَ رَبُّنا وَمُحَمَّدٌ عَبْدُکَ وَرَسُولُکَ نَبِینا وَعَلِی أَمِیرُالْمُؤْمِنِینَ وَالْحُجَّهُ الْعُظْمی وَآیتُکَ الْکُبْری وَالنَّبَأُ الْعَظِیمُ»؛(4)

«به اینکه تو همان خدایی هستی که جز تو خدایی نیست و تو پروردگار مایی، و محمّد، بنده و رسول تو، پیامبر ماست و علی نیز امیرمؤمنان و حجّت عظمی و آیت کبری و نبأ عظیم است».

و خود آن حضرت نیز فرمود:

«أَنَا الْحُجَّهُ الْعُظْمی وَالْآیهُ الْکُبْری ؛(5)

«من حجّت عظمی و آیت کبری هستم».

333 حُجَّهُ الْقِیامَهِ

روز قیامت حجّت و دلیل خدای تعالی بر بندگان است.

رسول خداصلی الله علیه وآله با اشاره به علی علیه السلام فرمود:

«أَنَا وَهذا حُجَّهٌ عَلی أُمَّتِی یوْمَ الْقِیامَهِ»؛(6)

«من و علی علیه السلام در روز قیامت، بر امّتم حجّت هستیم».

334 حُجَّهُ الْوَری

حجّت و دلیل خدا بر بندگان.

همچنین مراجعه شود به: إِمامُ التُّقی [214]

335 حَرْبُهُ حَرْبُ اللَّهِ

هرکس با علی علیه السلام جنگ کند، گویا با خدا جنگیده است.

همچنین مراجعه شود به: اِتّباعُهُ فَرِیضَهُ اللَّهِ [146]

1- 559. موسوعه امام علی علیه السلام، ج 8، ص 166.
2- 560. بحارالانوار، ج 26، ص 263؛ امالی صدوق، ص 203؛ کنزالفؤاد، ج 2، ص 13.
3- 561. روضه الواعظین، ج 1، ص 100؛ امالی، ص 31.
4- 562. بحارالانوار، ج 36، ص 4: تهذیب طوسی ج 3، ص 145.
5- 563. بحارالانوار، ج 39، ص 335؛ امالی صدوق، ص 38؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 278.
6- 564. کنز العمال، ج 11، ص 620.

336 حَرْبُهُ حَرْبُ الرَّسُولِ

هرکس با علی علیه السلام جنگ کند، گویا با رسول خداصلی الله علیه وآله جنگیده است. رسول خداصلی الله علیه وآله بارها و در موارد مختلف آن را فرموده است و شیعه و سنّی آن را نقل کرده اند:

«یا عَلِی! أَنْتَ الْإِمامُ وَالْخَلِیفَهُ بَعْدِی، حَرْبُکَ حَرْبِی وَسِلْمُکَ سِلْمِی»؛(1)

«ای علی! تو امام و جانشین پس از منی، هرکه با تو جنگ کند، گویا با من جنگیده و هرکه با تو سازش کند، با من سازش کرده است».

337 حِزْبُ أَعْدائِهِ حِزْبُ الشَّیطانِ

حزب و گروه دشمنان علی علیه السلام، همان حزب شیطان است.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«حِزْبُ عَلِیّ حِزْبُ اللَّهِ، وَحِزْبُ أَعْدائِهِ حِزْبُ الشَّیطانِ»؛(2)

«حزب و گروه علی علیه السلام همان حزب خداست و حزب دشمنان او حزب شیطان است».

338 حِزبُهُ حِزْبُ اللَّهِ

هرکه در حزب و گروه او باشد، جزو حزب و گروه خدای تعالی است.

همچنین مراجعه شود به: حِزْبُ أَعْدائِهِ حِزْبُ الشَّیطانِ [337]

339 حِزْبُهُ حِزْبُ الرَّسُولِ

هرکه در گروه او باشد، جزو گروه پیامبرصلی الله علیه وآله خواهد بود؛ چنان که رسول خداصلی الله علیه وآله در معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است:

«حِزْبُهُ حِزْبِی وَقَوْلُهُ قَوْلِی»؛(3)

«حزب و گروه او همان حزب من است، و سخن او نیز سخن من است».

همچنین مراجعه شود به: أَمْرُهُ أَمْرُ الرَّسُولِ [226]

340 حِصْنُ هذِهِ الاُمَّهِ

دژ و قلعه امّت پیامبرصلی الله علیه وآله.

ابن عباس نقل می کند: رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«سِبْطُ هذِهِ الْاُمَّهِ الْحَسَنُ وَالْحُسَینُ، وَحِصْنُ هذِهِ الْاُمَّهِ عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ»؛ (4)

«دو جگرگوشه این امّت، حسن و حسین علیهما السلام هستند، و دژ و قلعه محکم این امّت، علی علیه السلام است».

341 حَفَّتْ بِهِ الْجِنُّ الصّالِحُونَ

نیکان از جنّ او را دربر گرفته اند.

همچنین مراجعه شود به: اِتّباعُهُ فَضِیلَهٌ [147]

342 الْحَقُّ عَلی لِسانِهِ

فقط حقّ بر زبان او جاری است و هرچه می گوید حقّ است.

رسول خداصلی الله علیه وآله خطاب به ایشان فرمود:

«یا عَلِی! إِنَّ الْحَقَّ مَعَکَ وَالْحَقُّ عَلی لِسانِکَ وَفِی قَلْبِکَ وَبَینَ عَینَیکَ؛(5)

«ای علی! همانا حقّ با تو و برزبان توست و در قلب تو و در مقابل توست».

1- 565. بحارالانوار، ج 26، ص 349؛ کفایه الاثر، ص 156.
2- 566. مشارق انوارالیقین، ص 88؛ امالی صدوق، مجلس 20، حدیث 1.
3- 567. بحارالانوار، ج 36، ص 262.
4- 568. بحارالانوار، ج 40، ص 77.
5- 569. بحارالانوار، ج 38، ص 34؛ امالی صدوق، مجلس 21، حدیث 1؛ اعلام الوری، ص 186.

و در زیارت آن حضرت می گوییم:

«أَشْهَدُ أَنَّ الْحَقَّ مَعَکَ وَإِلَیکَ وَأَنْتَ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ»؛(1)

«گواهی می دهم که حقّ با تو و به سوی توست و تو اهل و اصل و ریشه حقّ هستی».

343 الْحَقُّ فِی قَلْبِهِ

حقّ و حقیقت در تمام وجود او جا گرفته و در قلب او غیر از حقّ چیزی وجود ندارد.

همچنین مراجعه شود به: الْحَقُّ عَلی لِسانِهِ [342]

344 الْحَقُّ مَعَ عَلِیّ

یکی از بزرگ ترین افتخارات امیرمؤمنان علیه السلام این است که نه تنها او با حقّ است، بلکه حقّ نیز با اوست. رسول خداصلی الله علیه وآله از خداوند خواسته است که حقّ را به دور علی علیه السلام بگرداند.

اینکه کسی با حقّ باشد خوب است، اگرچه این افراد زیاد نیستند؛ بلکه مهم تر آن است که حقّ به دنبال کسی باشد.

از روایات اجماعی و متواتر رسول خداصلی الله علیه وآله درباره امیرالمؤمنین علیه السلام این است که فرمود:

«عَلِی مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِیّ، اَللّهُمَّ أَدِرِ الْحَقَّ مَعَ عَلِیّ حَیثُما دارَ»؛(2)

«علی با حقّ است و حقّ با علی، خدایا حق را با علی بگردان هر کجا علی می رود».

و در جای دیگر فرمود:

«عَلِی مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِیّ، یدُورُ مَعَهُ حَیثُما دارَ عَلِی»؛(3)

«علی با حقّ است و حقّ هم با علی است، و هر کجا علی برود حقّ هم با او می رود».

345 حَقّهُ حَقُّ الْوالِدِ

حقّ پدری بر گردن مسلمانان دارد.

جابر بن عبداللَّه انصاری نقل می کند که رسول خداصلی الله علیه وآله فرموده است:

«حَقُّ عَلِیّ عَلی هذِهِ الْأُمَّهِ کَحَقِّ الْوالِدِ عَلَی الْوَلَدِ»؛(4)

«حقّ علی بر امّت، مثل حقّ پدر بر فرزند است».

346 حَلْقَهُ بابِ الْجَنَّهِ

دستگیره آویخته بر در بهشت.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در این باره فرمود:

«عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ حَلْقَهُ مُعَلَّقَهُ بِبابِ الْجَنَّهِ، مَنْ تَعَلَّقَ بِها دَخَلَ الْجَنَّهَ»؛(5)

«علی بن ابی طالب علیه السلام حلقه و دستگیره آویخته بر در بهشت است هرکه به آن بیاویزد، داخل بهشت می شود.

347 حَلَّ لَهُ ما حَلَّ لِلرَّسُولِ

هرچه برای پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله حلال بود، برای علی علیه السلام هم حلال بود.

رسول اکرم صلی الله علیه وآله درباره امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

1- 570. بحارالانوار ج 97، ص 294؛ اصول کافی، ج 4، ص 570.
2- 571. الصراط المستقیم، ج 2، ص 18. تاریخ بغداد، ج 14، ص 320؛ الجمل، ص 81.
3- 572. بحارالانوار، ج 28، ص 368؛ نهج الحق، ص 225؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 62؛ متشابه القرآن، ج 2، ص 42؛ کشف الیقین، ص 234.
4- 573. بحارالانوار، ج 36، ص 4.

5- 574. بحارالانوار، ج 39، ص 206؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 161؛ المناقب خوارزمی، فصل 19، ص 324؛ فرائد السمطین، ج 1، ص 180؛ .

«لا یحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ یجْنُبَ فِی هذَا الْمَسْجِدِ إلّا أَنَا وَعَلِی وَفاطِمَهُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَینُ وَمَنْ کانَ مِنْ أَهْلِی فَإِنَّهُ مِنِّی»؛(1)

«برای هیچ کس جایز نیست که در مسجد جُنب شود؛ جز من و علی و فاطمه و حسن و حسین و هر که از اهل من است چون او هم از من است».

348 حُورُهُ أَکْثَرُ مِنْ وَرَقِ الشَّجَرِ

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در مورد شب معراج فرمود:

«دَخَلْتُ الْجَنَّهَ فَرَأَیتُ حُورَ عَلِیّ أَکْثَرَ مِنْ وَرَقِ الشَّجَرِ وَقُصُورَ عَلِیّ کَعَدَدِ الْبَشَرِ»؛(2)

«داخل بهشت که شدم حوری های علی علیه السلام را بیش از برگ درختان دیدم و قصرهای او را به تعداد افراد بشر».

349 حَیاتُهُ حَیاتُ النَّبِیّ

رسول اکرم صلی الله علیه وآله خطاب به علی علیه السلام فرمود:

«حَیاتُکَ حَیاتِی وَمَوتُکَ مَوْتِی»؛(3)

«زندگی تو زندگی من و مرگ تو مرگ من است».

350 حَیدَرُ الرَّسُولِ

حیدر به معنای شیرمرد و فرد شجاع است.

از رسول خداصلی الله علیه وآله سؤال شد: در میان مردم، زاهدترین و فقیرترین شخص کیست؟

آن حضرت در پاسخ فرمود:

«عَلِی وَصِیی وَابْنُ عَمِّی وَأَخِی وَحَیدَرِی وَکَرّارِی وَصَمْصامِی وَأَسَدِی وَأَسَدُ اللَّهِ»؛(4)

«امام علی علیه السلام که وصی و پسرعمو و برادر من و شیر دلاور و شمشیر قدرت من است، او که شیر خدا و رسول اوست».

351 خاتِمُ أَلْفِ وَصِیّ

رسول خداصلی الله علیه وآله درباره امام علی علیه السلام فرمود:

«إِنِّی خاتِمُ أَلْفِ نَبِیّ، وَأَنَّکَ خاتِمُ أَلْفِ وَصِیّ»؛(5)

«من آخرین از هزار پیامبر هستم و تو آخرین از هزار وصی می باشی».

352 خاتَمُ الْأَوْلِیاءِ

نگین و آخرین و سرآمد اولیا و دوستان خدا.

رسول خداصلی الله علیه وآله به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

«أَنَا خاتَمُ الْأَنْبیاءِ وَأَنْتَ یا عَلِی خاتَمُ الْأَوْلِیاءِ»؛(6)

«من خاتم پیامبران و تو ای علی! خاتم اولیای الهی هستی».

353 خاتَمُ الْوَصِیینَ

خاتَم یعنی نگین و انگشتری و سبب زینت دیگران، و اگر خاتِم باشد یعنی در بین همه اوصیای پیامبران، او آخرین وصی می باشد.

1- 575. بحارالانوار، ج 23، ص 145؛ وسائل الشیعه، ج 2، ص 207؛ من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 557؛ موسوعه امام علی، ج 9، ص 407؛ السنن الکبری، ج 7، ص 66.
2- 576. بحارالانوار، ج 39، ص 37؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 155؛ امالی صدوق، ص 8؛ روضه الواعظین، ج 1، ص 160.
3- 577. بحارالانوار، ج 38، ص 369؛ موسوعه امام علی علیه السلام، ج 8، ص 92. المعجم الکبیر، ج 7، ص 308؛ المعجم الاوسط، ج 6، ص 76.
4- 578. بحارالانوار، ج 39، ص 73؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 259.
5- 579. بحارالانوار، ج 52، ص 234؛ غیبت نعمانی، ص 258؛ بصائر الدرجات، ص 310.

6- 580. بحارالانوار، ج 39، ص 76؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 261.

عنوانی است از جانب رسول خداصلی الله علیه وآله برای امام علی علیه السلام که فرمود:

«أَنَا خاتَمُ النَّبِیینَ وَعَلِی خاتَمُ الْوَصِیینَ»؛(1)

«من خاتم پیامبران و علی خاتم جانشینان است».

از خود حضرت نیز وارد شده و در زیارت ایشان آمده:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی سَیدِی وَمَوْلای أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ خاتَمِ الْوَصِیینَ وَسَیدِ الْمُؤْمِنِینَ»؛(2)

«خدایا بر آقا و مولای من امیرمؤمنان درود فرست که خاتم جانشینان و آقای مؤمنان است».

354 خاذِلُهُ خاذِلُ الرَّسُولِ

خوار کننده امیرالمؤمنین علیه السلام خوار کننده رسول خداصلی الله علیه وآله است. و گویا پیامبر را خوار کرده. رسول اکرم صلی الله علیه وآله درباره ایشان فرمود:

«ناصِرُهُ ناصِرِی وَخاذِلُهُ خاذِلِی»؛

«یاور او یاور من است و خوار کننده او خوار کننده من است».

همچنین مراجعه شود به: إِمامُ کُلِّ مُسْلِمٍ [220]

355 خازِنُ عِلْمِ الرَّسُولِ

آن وجود نازنین هم خازن علم الهی است، هم خازن علم رسول اوست.

از حضرت نقل شده که فرمود:

«عَلِی خازِنُ عِلْمِی»؛(3)

«علی گنجینه و مخزن علم من است».

و خود ایشان هم فرموده:

«أنَا بابُ مَدِينَهِ الْعِلْمِ وَخازِنُ عِلْمِ رَسُولِ اللّهِ»؛(4)

«من باب شهر علم و گنجينه علم رسول خدايم».

356 خاصَّهُ أَهْلِ الْبَيتِ

پيامبر اكرم صلى الله عليه وآله فرمود:

«إِنَّ عَلِى بْنَ أَبِى طالِبٍ خاصَّهُ أَهْلِى وَحَبِيبِى إِلى قَلْبِى»؛(5)

«همانا على بن ابى طالب فرد ويژه اهل بيت من و دوست و محبوب قلب من است».

357 خاصَّهُ الرَّسُولِ

فرد مخصوص و برگزيده رسول خداصلى الله عليه وآله.

همچنين مراجعه شود به: جُنَّهُ الرَّسُولِ [304]

358 خاصِفُ النَّعْلِ

كفش و نعلين پيامبر را وصله و پينه مى كرد. رسول خداصلى الله عليه وآله در چند مورد اين عنوان را براى اميرمؤمنان عليه السلام به كار برده است.

ابوسعيد خدرى گويد: رسول خداصلى الله عليه وآله فرمود:

«إِنَّ مِنْكُمْ مَنْ يقاتِلُ عَلى تَأْوِيلِ الْقُرْآنِ كَما قاتَلْتُ عَلى تَنْزِيلِهِ. فَقالَ أَبُوبَكْرٍ: أَنَا هُوَ يا رَسُولَ اللّهِ؟ قالَ: لا، قالَ عُمَرُ: أَنَا هُوَ يا رَسُولَ اللّهِ؟ قالَ: لا، وَلكِنَّهُ خاصِفُ النَّعْلِ...»؛(6)

1- 581. بحارالانوار، ج 16، ص 225؛ عيون اخبار الرضا، ج 2، ص 74.
2- 582. بحارالانوار، ج 97، ص 329.
3- 583. شرح نهج البلاغه ابن ابى الحديد، ج 2، ص 448.
4- 584. بحارالانوار، ج 35، ص 45؛ بشاره المصطفى، ص 12؛ معانى الاخبار، ص 58.

5- 585. موسوعه امام على عليه السلام، ج 8، ص 87.
6- 586. بحارالانوار، ج 32، ص 301؛ الارشاد، ج 1، ص 119؛ اعلام الورى، ص 189؛ امالى شيخ طوسى، ص 254. المستدرک على الصحيحين، ج 2، ص 149؛ سنن ترمذى، ج 12، ص 177؛ جامع الاحاديث، ج 9، ص 341؛ فضائل الصحابه، ج 6، ص 571؛ اتحاف الخيره، ج 7، ص 187.

«از بین شما کسی است که بر تأویل قرآن خواهد جنگید؛ چنان که من بر تنزیل آن جنگیدم. هر کدام از ابوبکر و عمر گفتند: آیا من هستم؟ فرمود: نه، بلکه او خاصف النعل است».

ابو بصیر می گوید: دقت کردیم دیدیم او علی علیه السلام است که کفش رسول خداصلی الله علیه وآله را وصله و پینه می کرد.

در حدیث دیگر، رسول خداصلی الله علیه وآله آیه «إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ»؛(1) «تو فقط بیم دهنده ای! و برای هر گروهی هدایت کننده ای است»، را قرائت کرد و فرمود:

«أَنَا الْمُنْذِرُ، أَتَعْرِفُونَ الْهادِی؟ قُلْنا: لا یا رَسُولَ اللَّهِ! قالَ: هُوَ خاصِفُ النَّعْلِ»؛(2)

«من منذر هستم، آیا هادی را می شناسید؟ گفتیم: نه، ای رسول خدا، فرمود: او همان خاصف النعل است».

پس همه گردن ها به سمت در گردانیده شد، ناگاه علی بن ابی طالب علیه السلام از حجره ای خارج شد؛ درحالی که نعلین رسول خداصلی الله علیه وآله دردستش بود و آن را می دوخت.

در زیارت آن حضرت نیز آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا کاشِفَ الْمَحْلِ وَخاصِفَ النَّعْلِ وَسَیدَ الْأَهْلِ»؛(3)

«سلام برتو ای برطرف کننده سختی ها، وصله زننده نعلین پیامبر و ای آقای اهل بیت!».

359 خالِصَهُ الرَّسُولِ

خالص و خلاصه رسول خداصلی الله علیه وآله.

همچنین مراجعه شود به: جُنَّهُ الرَّسُولِ [304]

360 خَتَنُ الرَّسُولِ

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به امام علی علیه السلام فرمود:

«أما أنْتَ یا عَلِی! فَخَتَنِی وَأبُو وُلْدِی وَأنْتَ مِنِّی وَأنَا مِنْکَ»؛(4)

«ای علی! تو شوهر دختر من و پدر فرزندان من هستی، و تو از من و من از تو هستم».

361 خَشِنٌ فِی ذاتِ اللَّهِ

هنگامی که برخی افراد از سخت گیری و حفظ بیت المال توسط امام علیه السلام به رسول خداصلی الله علیه وآله گله کردند، پیامبر فرمود:

«أَیهَا النّاسُ! لا تَشْکُوا عَلِیاً، فَوَاللَّهِ إِنَّهُ لَأَخْشَنَ فِی ذاتِ اللَّهِ وَفِی سَبِیلِ اللَّهِ»؛(5)

«ای مردم از علی گلایه و شکایت نکنید، به خدا قسم علی برای خدا و در راه خدا سخت گیر است».

362 خِصْبُ الْبِلادِ

باعث آبادانی و آسایش و راحتی شهرها است.پیامبرصلی الله علیه وآله درباره امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده:

«... فَزَینَ اللَّهُ بِهِ الْمَحافِلَ وَأَکْرَمَ بِهِ الْعَساکِرَ، وَأَخْصَبَ بِهِ الْبِلادَ وَأَعَزَّ بِهِ الْأَجْنادَ، مَثَلُهُ کَمَثَلِ

1- 587. سوره رعد، آیه 7.
2- 588. بحارالانوار، ج 36، ص 315.
3- 589. بحارالانوار، ج 97، ص 332.
4- 590. السنن الکبری، ج 5، ص 149؛ مسند احمد، ج 44، ص 248.
5- 591. بحارالانوار، ج 41، ص 116؛ العمده، ص 273. الکامل فی التاریخ، ج 2، ص 301؛ مسند أحمد، ج 3، ص 86؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 144؛ کنز العمّال، ج 11، ص 620؛ تفسیر آلوسی، ج 5، ص 68؛ عقیده أهل السنّه والجماعه، ج 1، ص 282.

بَيتِ اللَّهِ الْحَرامِ يزارُ وَلا يزُورُ، وَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْقَمَرِ إِذا طَلَعَ أَضآءَ الظُّلْمَةَ، وَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الشَّمْسِ إِذا طَلَعَتْ أَنارَتِ الدُّنْيا، وَصَفَهُ اللَّهُ فِی كِتابِهِ وَمَدَحَهُ بِآياتِهِ وَوَصَفَ فِيهِ آثارَهُ وَأَجْرى مَنازِلَهُ، فَهُوَ الْكَرِيمُ حَياً وَالشَّهِيدُ مَيتاً ...»؛(1)

«... خداوند محافل را به وسیله او زینت داده، لشکرها را به او کرامت داده، شهرها را به وسیله او پر آب نموده، و سپاهیان را به سبب او گرامی داشته است، مَثل او مانند کعبه است که همه به زیارتش می روند ولی او به زیارت کسی نمی رود، مَثل او مانند ماه باشد هنگامی که طلوع می کند تاریکی ها را روشن می کند، و مانند خورشید است هنگامی که بتابد همه دنیا را نورانی می کند، او کسی است که خداوند در قرآن توصیفش نموده و ستایش وی را کرده، و آثار و منازل او را بیان داشته است، او زندگی اش با بزرگواری و مرگش با شهادت است».

363 خُلْقُهُ خُلْقُ يحْيى

خلق و خو و اخلاقش بسان اخلاق و خلق و خوی یحیی علیه السلام می باشد.

همچنین مراجعه شود به: بَهْجَتُهُ بَهْجَةُ سُلَيمانَ [291]

364 خَلِيفَةُ اللَّهِ

خلیفه از خلف و به معنای جانشین و قائم مقام می باشد. مقام خلیفه اللَّه، منصبی است که خدای تعالی به امیرالمؤمنین علیه السلام داده و رسول خداصلی الله علیه وآله آن را اعلان فرموده:

«عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ خَلِيفَةُ اللَّهِ وَخَلِيفَتِی»؛(2)

«علی بن ابی طالب خلیفه خدا و خلیفه من است».

خود آن حضرت نیز فرمود:

«أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ وَأَنَا خَلِيفَةُ اللَّهِ»؛(3)

«من حجّت خدا و خلیفه اویم».

و در زیارت آن حضرت آمده:

السَّ

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا خَلِیفَهَ اللّهِ»؛(4)

«سلام بر تو ای خلیفه خدا».

365 خَلِیفَهُ الرَّسُولِ

جانشین رسول خداصلی الله علیه وآله. جانشین بلافصل آن حضرت است؛ چنان که رسول خداصلی الله علیه وآله بارها و در مواقع مختلف تصریح فرمود:

«إِنَّ عَلِیاً وَصِیی وَخَلِیفَتِی»؛(5)

«علی علیه السلام وصی و جانشین من است».

لذا در فرازی از زیارت آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا خَلِیفَهَ الرَّسُولِ عَلی أُمَّتِهِ»؛(6)

«سلام بر تو ای خلیفه و جانشین پیامبر خدا بر امّت آن حضرت».

و به آن حضرت این گونه سلام می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیّ بْنِ أَبِی طالِبٍ وَصِیّ رَسُولِ اللَّهِ وَخَلِیفَتِهِ»؛(7)

1- 592. بحارالانوار، ج 39، ص 38.
2- 593. بحارالانوار، ج 26، ص 263.
3- 594. بحارالانوار، ج 39، ص 44 و335؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 240: امالی صدوق، ص 35.
4- 595. اصول کافی، ج 4، ص 570.
5- 596. من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 179. جامع الاحادیث، ج 31، ص 154؛ مسند أحمد، ج 6، ص 436.
6- 597. بحارالانوار، ج 97، ص 331.
7- 598. مصباح المتهجّد، ص 739؛ المزار، ص 76؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

«سلام بر امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام که وصی رسول خداصلی الله علیه وآله و جانشین وی است».

366 خَلِیفَهُ خَیرِ الْمُرْسَلِینَ

جانشین بهترین فرستادگان و پیامبران.

رسول خداصلی الله علیه وآله برای امیرمؤمنان علیه السلام، جانشین خود به کار برده است. آن حضرت خطاب به امام علی علیه السلام فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ زَوْجُ سَیدَهِ نِسآءِ الْعالَمِینَ وَخَلِیفَهُ خَیرِ الْمُرْسَلِینَ»؛(1)

«ای علی! تو همسر بهترین زنان جهانیان و خلیفه بهترین پیامبران هستی».

367 خَلِیلُ اللَّهِ

خلیل یعنی دوست صمیمی و نزدیک به هم. خلیل اللَّه کسی است که فقط با خدا دوستی دارد، و این لقبی است که رسول خداصلی الله علیه وآله برای امام علی علیه السلام بیان فرمود:

«عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ خَلِیفَهُ اللَّهِ وَخَلِیفَتِی وَخَلِیلُ اللَّهِ وَخَلِیلِی»؛(2)

«علی علیه السلام خلیفه خدا و من است و او دوست و خلیل خدا و من است».

368 خَلِیلُ النَّبِیّ

دوست صمیمی و یار جانی پیامبرصلی الله علیه وآله.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بارها و بارها امام علی علیه السلام را خلیل خود خوانده است، چنان که آن حضرت فرموده است:

«عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ خَلِیلِی وَوَزِیرِی»؛(3)

«علی فرزند ابوطالب، خلیل و وزیر من است».

رسول خداصلی الله علیه وآله هنگام رحلت، فرمود: خلیل و یار صمیمی مرا بگویید بیاید.

عایشه کسی را به دنبال پدر خود ابوبکر فرستاد؛ ولی پیامبر اعتنایی نکرد.

بار دیگر فرمود: ادْعُوا لِی خَلِیلِی. حفصه کسی را به دنبال پدر خود عمر فرستاد، ولی پیامبرصلی الله علیه وآله باز اعتنایی نفرمود.

بار سوم، فاطمه زهراعلیها السلام همسرش علی علیه السلام را صدا زد و پیامبرصلی الله علیه وآله او را در آغوش گرفت.(4)

لذا در زیارت آن حضرت آمده:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی وَلِیکَ وَأَخِی نَبِیکَ وَوَزِیرِهِ وَحَبِیبِهِ وَخَلِیلِهِ»؛(5)

«خدایا درود فرست بر ولی خودت که برادر و وزیر و حبیب و خلیل پیامبرت می باشد».

همچنین مراجعه شود به: أَمْرُهُ أَمْرُ الرَّسُولِ [226]

369 خَیرُ الْآخِرِینَ

بهترین خلق خدا از ابتدا تا آخر. ابوذر نقل می کند: رسول خداصلی الله علیه وآله به امیرمؤمنان علیه السلام نظر کرد و فرمود:

«هذا خَیرُ الْأَوَّلِینَ وَخَیرُ الْآخِرِینَ مِنْ أَهْلِ السَّماواتِ وَأَهْلِ الْأَرَضِینَ»؛(6)

1- 599. بحارالانوار، ج 27، ص 63؛ کنز الفوائد، ج 2، ص 12؛ الیقین، ص 236.
2- 600. امالی صدوق، ص 203؛ بحارالانوار، ج 26، ص 263.
3- 601. بحارالانوار، ج 37، ص 86.
4- 602. بحارالانوار، ج 40، ص 215؛ اصول کافی ج 1، ص 296.
5- 603. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت روز میلاد پیامبرصلی الله علیه وآله.
6- 604. بحارالانوار، ج 26، ص 310.

«این علی بهترین خلق خدا از ابتدا تا آخر است، از اهل آسمان ها و اهل زمین».

370 خَیرُ إِخْوَهِ الرَّسُولِ

بهترین برادر رسول خداصلی الله علیه وآله. از عایشه نقل شده: رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«خَیرُ إِخْوَتِی عَلِی وَخَیرُ أَعْمامِی حَمْزَهُ»؛(1)

«بهترین برادر من علی، و بهترین عموهایم حمزه است».

371 خَیرُ الْأَصْحابِ

بهترین صحابی و یار رسول خداصلی الله علیه وآله.

اصحاب و یاران پیامبرصلی الله علیه وآله (غیر از برخی منافقان و نااهلان که خود را به پیامبر نزدیک می کردند) اغلب مردانی مؤمن، بزرگ، مجاهد و مقاوم بودند و با کمک رشادت ها و مبارزات آنان بود که اسلام گسترش پیدا کرد. در بین همه آنان، علی بن ابی طالب علیه السلام برجسته ترین و بهترین صحابی رسول خداصلی الله علیه وآله بوده، و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نیز به آن گواهی داده است:

«خَیرُ مَنْ أَخْلَفُ بَعْدِی وَخَیرُ أَصْحابِی عَلِی»؛(2)

«بهترین فردی که بعد از خود باقی می گذارم و بهترین یاوران من علی است».

372 خَیرُ الْأُمَّهِ

بهترین فرد امّت.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ خَیرُ هذِهِ الْأُمَّهِ مِنْ بَعْدِی وَفاطِمَهُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَینُ، فَمَنْ قالَ غَیرَ هذا فَعَلَیهِ لَعْنَهُ اللَّهِ»؛(3)

«علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام بهترین افراد امّت بعد از من هستند، هر که غیر از این بگوید لعنت خدا بر او باد».

همچنین مراجعه شود به: أَمْرُهُ أَمْرُ الرَّسُولِ [226]

373 خَیرُ الْأَوْصِیآءِ

علی علیه السلام نه تنها بین اصحاب رسول خداصلی الله علیه وآله بلکه از بین تمام اوصیای سایر پیامبران نیز او بهترین آنان است؛ چنان که پیامبر گواهی داده:

«عَلِی وَصِیی وَهُوَ خَیرُ الْأَوْصِیاءِ فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَهِ»؛(4)

«علی جانشین من و بهترین جانشینان است در دنیا و آخرت».

و در جای دیگر فرمود:

«أَنَا خَیرُ النَّبِیینَ وَعَلِی خَیرُ الْأَوْصِیاءِ مِنْ أَهْلِ بَیتِی»؛(5)

«من بهترین پیامبران هستم و علی بهترین اوصیا از اهل بیت من است».

همچنین فرمود:

«أَخِی خَیرُ الْأَوْصِیاءِ وَسِبْطَی خَیرُ الْأَسْباطِ وَسَوْفَ یخْرِجُ اللَّهُ تَبارَکَ وَتَعالی مُنْ صُلْبِ الْحُسَینِ أَئِمَّهَ أَبْرارٍ»؛(6)

«برادرم علی بهترین اوصیا و دو سبط من بهترین اسباط هستند و به زودی خداوند از صلب حسین، امامان ابرار را به دنیا خواهد آورد».

1- 605. کنز العمال، ج 11، ص 600؛ جامع الاحادیث، ج 12، ص 335؛ اسد الغابه، ج 1، ص 551.
2- 606. بحارالانوار، ج 36، ص 318؛ کفایه الاثر، ص 96.
3- 607. بحارالانوار، ج 27، ص 228؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 71؛ مائه منقبه، ص 127؛ کنز الفؤاد، ج 1، ص 149.
4- 608. مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 47.

5- 609. بحارالانوار، ج 36، ص 295.
6- 610. بحارالانوار، ج 36، ص 293؛ کفایه الاثر، ص 35.

374 خَيرُ الْأَوَّلِينَ

بهترين پيشينيان.

همچنين مراجعه شود به: خَيرُ الْآخِرِينَ [369]

375 خَيرُ الْبَرِيهِ

بهترين مردم و خلق خدا.

البته پيامبر اكرم صلى الله عليه وآله بهترين و برگزيده ترين تمام مخلوقات خداى تعالى است و كسى به مقام و مرتبه او نمى رسد؛ ولى بعد از او، على بن ابى طالب عليه السلام چنين مقامى را دارد. امام باقرعليه السلام فرموده است:

«قالَ رَسُولُ اللَّهِ مِنَ الْخَيرِ لِعَلِىّ بْنِ أَبِى طالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام ما لَمْ يقُلْ لِأَحَدٍ، قالَ: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحاتِ أُولئِکَ هُمْ خَيرُ الْبَرِيهِ»(1)؛ فَعِلِى وَاللَّهِ خَيرُ الْبَرِيهِ»؛(2)

«رسول خداصلى الله عليه وآله در مورد اميرمؤمنان، آنقدر از خير و خوبى فرموده كه درباره كس ديگرى چنين نگفته است، ايشان در آيه شريفه «كسانى كه ايمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، بهترين مخلوقات خدايند» فرمود: به خدا قسم! على خير البريه و بهترين مردم و خلق خدا است».

و در جاى ديگر، پيامبر اكرم صلى الله عليه وآله فرمود:

«أُولئِکَ هُمْ خَيرُ الْبَرِيهِ، أَنْتَ وَشِيعَتُکَ يا عَلِى»؛(3)

«مراد از بهترين مردم و خلق خدا (در آيه)، تو و شيعيان تو هستند اى على!».

پس هر زمان، على عليه السلام وارد مجلسى مى شد، اصحاب پيامبر مى گفتند:

«قَدْ جآءَ خَيرُ الْبَرِيهِ»؛

«هرآينه بهترين مردم وارد شده است».

376 خَیرُ الْبَشَرِ

بهترین بشر.

بیشتر منابع اهل سنت از عایشه و ... و نیز تمام شیعه آن را از اصحاب حضرت نقل کرده اند که رسول خداصلی الله علیه وآله بارها فرمود:

«عَلِی خَیرُ الْبَشَرِ مَنْ أَبی فَقَدْ کَفَرَ»؛(4)

«علی علیه السلام بهترین انسان و بشر است، هر که قبول نکند، کافر است».

«عَلِی خَیرُ الْبَشَرِ لا یشُکُّ فِیهِ إِلّا کافِرٌ»؛(5)

«علی بهترین انسان است که غیر از کافر کسی در او شک ندارد».

377 خَیرُ الْخَلْقِ

بهترین و برترین مردم.

امام علی علیه السلام بعد از رتبه رسول خداصلی الله علیه وآله، برترین شخصیت عالم است، چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

«خَیرُ الْخَلْقِ بَعْدِی وَسَیدُهُمْ أَخِی هذا وَهُوْ إِمامُ کُلِّ مُسْلِمٍ»؛(6)

«بهترین خلق بعد از من و آقای آنان، این برادرم (علی) است، او که امام همه مسلمانان است».

1- 611. سوره بینه، آیه 7.
2- 612. بحارالانوار، ج 35، ص 345.
3- 613. بحارالانوار، ج 35، ص 345.
4- 614. جامع الاحادیث، ج 14، ص 238؛ کنز العمال، ج 11، ص 625.
5- 615. بحارالانوار، ج 26، ص 306؛ عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 59؛ نهج الحق، ص 395؛ کشف الیقین، ص 291؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 67.
6- 616. بحارالانوار، ج 36، ص 253.

همچنین در زیارت مطلقه آن حضرت آمده:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَبْدِکَ وَخَیرِ خَلْقِکَ بَعْدَ نَبِیکَ»؛(1)

«خدایا درود فرست بر امیرمؤمنان که عبد تو و برترین خلق بعد از رسول توست».

378 خَیرُ الرِّجالِ

بهترین مردان و مردمان.

بیان پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است که فرمود:

«خَیرُ رِجالِکُمْ عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ»؛(2)

«بهترین مردان شما علی علیه السلام است».

379 خَیرٌ مِنَ الحَسَنِ وَ الْحُسَینِ

حضرت در بیانی فرمود:

«اَلْحَسَنُ وَالْحُسَینُ سَیدا شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّهِ وَأَبُوهُما خَیرٌ مِنْهُما»؛(3)

«حسن و حسین دو آقای جوانان اهل بهشت هستند و پدرشان بهتر از آن دو است».

380 خَیرُ مَنْ خَلَّفَ الرَّسُولِ

بهترین جانشین و یادگار پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله. بهترین کسی که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بعد از خود باقی گذاشته است. این بیان را سلمان فارسی نقل می کند که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«إِنَّ أَخِی وَوَزِیرِی وَخَیرَ مَنْ أَخْلَفُ بَعْدِی عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ»؛(4)

«همانا برادر و وزیرمن و بهترین کسی که بعداز خود به یادگار می گذارم علی بن ابی طالب است».

381 خَیرٌ مِنْ عِبادَهِ الثَّقَلَینِ

اشاره دارد به اینکه عبادت علی علیه السلام از عبادت ثقلین (تمامی انس و جنّ) بالاتر و برتر است. چنان که پیامبرصلی الله علیه وآله در ماجرای جنگ خندق، هنگام ضربت شمشیر علی علیه السلام به فرق عمرو بن عبدود، در شأن عمل آن حضرت فرمود:

«لَضَرْبَهُ عَلِیّ خَیرٌ مِنْ عِبادَهِ الثَّقَلَینِ»؛(5)

«هرآینه ضربت علی علیه السلام در جنگ خندق، بهتر و برتر از تمام عبادات جنّ و انس است».

382 خَیرُ الْمَوْلُودِ

بهترین مولود.

جابر انصاری گوید: از رسول خداصلی الله علیه وآله درباره میلاد امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال کردم، فرمود:

«آه آه! لَقَدْ سَأَلْتَنِی عَنْ خَیرِ مَوْلُودٍ وُلِدَ بَعْدِی عَلی سُنَّهِ الْمَسِیحِ، إِنَّ اللَّهَ تَبارَکَ وَتَعالی خَلَقَنِی وَعَلِیاً مِنْ نُورٍ واحِدٍ قَبْلَ أَنْ خَلَقَ الْخَلْقَ بِخَمْسِ مِأَهِ أَلْفِ عامٍ»؛(6)

«آه، آه! از بهترین مولودی پرسیدی که بعد از من بر سنّت مسیح خلق شده است. خداوند من و علی را از نور واحد خلق کرده، پانصد هزار سال قبل از اینکه دیگران را خلق کند».

383 خَیرُ النّاسِ

رسول خداصلی الله علیه وآله درباره امام علی علیه السلام فرموده:

1- 617. بحارالانوار، ج 97، ص 293؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 587؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
2- 618. موسوعه امام علی علیه السلام، ج 8، ص 114.
3- 619. موسوعه امام علی علیه السلام ج 8، ص 74.
4- 620. بحارالانوار، ج 38، ص 12؛ کشف الغمّه، ج 1، ص 156.
5- 621. بحارالانوار، ج 39، ص 2.

6- 622. بحارالانوار، ج 15، ص 316؛ اليقين، ص 485؛ روضه الواعظين، ج 1، ص 77.

«إِنَّ عَلِی بْنَ أَبِی طالِبٍ خَیرُ النّاسِ»؛(1)

«علی بن ابی طالب بهترین مردم است».

384 خَیرُ الْوَصِیینَ

بهترین جانشینان.

ملائکه و فرشتگان الهی در شب معراج، درباره امیرمؤمنان علیه السلام به پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله گفتند:

«مُحَمَّدٌ خاتِمُ النَّبِیینَ وَعَلِی خَیرُ الْوَصِیینَ»؛(2)

«محمّدصلی الله علیه وآله خاتم پیامبران، و علی علیه السلام بهترین جانشینان است».

و رسول خداصلی الله علیه وآله نیز بارها این عنوان را فرموده که: «عَلِی خَیرُ الْوَصِیینَ».(3)

385 خِیرَهُ اللَّهِ

برگزیده و انتخاب شده خدا.

رسول خداصلی الله علیه وآله جریان سفر معراج را تعریف فرمود تا رسید به اینجا:

«ما مِنْ مَوْضِعٍ فِیهِ مَکْتُوبٌ: مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ إِلّا وَفِیهِ مَکْتُوبٌ: عَلِی خِیرَهُ اللَّهِ»؛(4)

«در هیچ جایی ندیدم که نوشته شده باشد محمّد رسول اللَّه، مگر اینکه دیدم در کنار آن نوشته شده است: علی خیره اللَّه».

امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا خِیرَهَ اللَّهِ عَلَی الْخَلْقِ أَجْمَعِینَ»؛(5)

«سلام بر تو ای برگزیده خدا بر تمام خلق جهان».

386 دابَّهُ الْجَنَّهِ

عمرو بن الحمق نقل می کند: رسول خداصلی الله علیه وآله با اشاره به علی علیه السلام، خطاب به من فرمود:

«یا عَمْرُوُ! هَلْ رَأَیتَ دآبَّهَ الْجَنَّهِ تَأْکُلُ الطَّعامَ وَتَشْرِبُ الشَّرابَ وَتَمْشِی فِی الْأَسْواقِ؟ هذا دابَّهُ الْجَنَّهِ»؛(6)

«ای عمرو! آیا گرداننده بهشت را دیده ای که غذا بخورد و نوشیدنی بنوشد و در بازارها راه برود؟ این آقا همان گرداننده بهشت است».

387 الدّاعِی إِلَی اللَّهِ

مردم را به سوی خدا فرا می خواند و به دین خدا دعوت می کند.

پیامبرصلی الله علیه وآله راجع به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«إِنَّ عَلِیاً بابُ الْهُدی بَعْدِی وَالدّاعِی إِلی رَبِّی»؛(7)

«همانا علی علیه السلام بعد از من باب هدایت و دعوت گر به سوی پروردگارم می باشد».

در زیارت مربوط به آن حضرت آمده است:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی وَلِیکَ وَأَخِی نَبِیکَ وَوَزِیرِهِ... وَالدَّاعِی إِلی شَرِیعَتِهِ»؛(8)

«خدایا درود فرست بر ولی خودت که برادر و وزیر پیامبرت ودعوت گر به شریعت اوست».

1- 623. بحارالانوار، ج 31، ص 358؛ اعلام الوری، ص 127؛ الارشاد، ج 1، ص 162. جامع الاحادیث، ج 21، ص 412؛ الجامع الکبیر، ج 1، ح 6605.
2- 624. بحارالانوار، ج 18، ص 354.
3- 625. عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 13 و 6؛ الیقین، ص 478؛ کفایه الاثر، ص 79؛ مائه منقبه، ص 57؛ قصص راوندی، ص 173؛ کشف الغمه، ج 1، ص 343.
4- 626. بحارالانوار، ج 36، ص 314.

5- 627. بحارالانوار، ج 97، ص 279؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام.
6- 628. جامع الاحادیث، ج 23، ص 350؛ جمع الجوامع، ج 1، ص 27؛ کنز العمال، ج 11، ص 626.
7- 629. بحارالانوار، ج 36، ص 28؛ امالی صدوق، ص 31.
8- 630. مستدرک الوسائل، ج 10، ص 220؛ مصباح المتهجد، ص 399؛ جمال الاسبوع، ص 485؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبرصلی الله علیه وآله.

388 دانَ بِهِ الْمَلائِکَهُ

فرشتگان الهی به او اعتقاد دارند.

همچنین مراجعه شود به: اِتّباعُهُ فَضِیلَهٌ [147]

389 دَمُهُ دَمُ الرَّسُولِ

خونش از خون پیامبرصلی الله علیه وآله است.

امام علی علیه السلام با پیامبر خداصلی الله علیه وآله همخون هستند، این عنوانی است که رسول اکرم صلی الله علیه وآله بارها خطاب به امام علی علیه السلام فرموده است:

«أَنْتَ أَخِی وَوَصِیی وَوارِثِی، لَحْمُکَ مِنْ لَحْمِی وَدَمُکَ مِنْ دَمِی»؛(1)

«تو برادر، وصی و وارث من هستی، گوشت تو از گوشت من و خون تو از خون من است».

390 الدَّیانُ

دیان از اسمای الهی و به معنای قهّار و حاکم و قاضی و جزا دهنده است. از انس بن مالک نقل شده است که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«إِذا کانَ یوْمُ الْقِیامَهِ نادی مُنادٍ: یا عَلِی یا وَلِی! یا سَیدُ! یا صابِرُ! یا دَیانُ! یا والِی! یا هادِی! یا زاهِدُ! یا طَیبُ! یا طاهِرُ! مُرْ أَنْتَ وَشِیعَتُکَ إِلَی الْجَنَّهِ بِغَیرِ حِسابٍ»؛(2)

«هنگامی که قیامت فرا برسد منادی ندا می کند: ای علی، ای ولی، ای سید، ای صابر، ای دیان، ای والی، ای هادی، ای زاهد، ای طیب، ای طاهر! خودت و شیعیانت بدون حساب وارد بهشت شوید».

391 دَیانُ الدِّینِ

کسی که قاضی دین است و پاداش و کیفر خوب و بدی را می دهد. از القاب امامان علیهم السلام و به خصوص امام علی علیه السلام است.

رسول خداصلی الله علیه وآله از جانب خدای تعالی فرمود:

«عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ حُجَّتِی عَلی خَلْقِی وَدَیانُ دِینِی»؛(3)

«علی بن ابی طالب حجّت من بر خلق است و نیز قاضی دین من است».

در زیارت مربوط به آن حضرت آمده است:

«وَدَیانَ الدِّینِ بِعَدْلِکَ»؛(4)

«او جزا دهنده و قاضی دین است که به عدل تو قضاوت می کند».

392 دَیانُ هذِهِ الْأُمَّهِ

امام صادق علیه السلام نقل می کند: رسول اکرم صلی الله علیه وآله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ دَیانُ هذِهِ الْأُمَّهِ وَالْمُتَوَلِّی حِسابِهِمْ»؛(5)

«ای علی! تو حسابرس و قاضی و حاکم این امّت و متولی و مسؤول حساب و کتاب آنان می باشی».

عبارت «عَلِی دَیانُ هذِهِ الْأُمَّهِ» را اهل سنت نیز در کتب خود نقل کرده اند.(6)

393 الدِّینُ مَعَ عَلِیّ

رسول خداصلی الله علیه وآله در مورد امام علی علیه السلام فرمود:

1- 631. بحارالانوار، ج 99، ص 106؛ اقبال الاعمال، ص 296؛ امالی صدوق، ص 269؛ کمال الدین، ج 1، ص 241. کنز العمال، ج 11، ص 607.
2- 632. مائه منقبه، ص 83؛ الصراط المستقیم، ج 1، ص 282؛ مشارق انوار الیقین، ص 91.
3- 633. بحارالانوار، ج 36، ص 244.
4- 634. بحارالانوار، ج 97، ص 271؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام.
5- 635. بحارالانوار، ج 24، ص 272.
6- 636. بحارالانوار، ج 28، ص 368.

«لا یزالُ الدِّینُ مَعَ عَلِیّ وَعَلِی مَعَهُ حَتّی یرِدا عَلَی الْحَوْضَ»؛(1)

«پیوسته دین با علی و علی با دین است تا این که هر دو در نزد حوض کوثر به نزد من آیند».

394 دِینُهُ سالِمٌ

در آخرین جمعه ماه شعبان، رسول خداصلی الله علیه وآله در خطبه اش فضایل ماه رمضان را بیان می کرد، امام علی علیه السلام سؤال کرد: بهترین کار در این ماه چیست؟ پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: ورع و خودداری از گناه. پیامبر همان طور که به علی نگاه می کرد، گریه اش گرفت، امام پرسید: چه شد؟ حضرت فرمود: «روزی را می بینم که در این ماه مشغول نماز هستی و شقی ترین فرد از اولین و آخرین «فَضَرَبَکَ ضَرْبَةً عَلی قَرْنِکَ فَخُضِبَ مِنْها لَحْیتُکَ»؛ با شمشیر خود بر فرق و پیشانی تو ضربتی می زندکه محاسن و ریش تو از خون فرق سرت خضاب و رنگین می شود».

امام علی علیه السلام پرسید:

«یا رَسُولَ اللَّهِ! وَذلِکَ فِی سَلامَةٍ مِنْ دِینِی؟»؛

«آیا در آن هنگام دین من سالم است؟»

حضرت فرمود: «فِی سَلامَةٍ مِنْ دِینِکَ»؛

«آری دین تو سالم است».

«مَنْ قَتَلَکَ فَقَدْ قَتَلَنِی وَمَنْ أَبْغَضَکَ فَقَدْ أَبْغَضَنِی وَمَنْ سَبَّکَ فَقَدْ سَبَّنِی لِأَنَّکَ مِنِّی کَنَفْسِی ...»؛(2)

«هرکه تو را بکشد مرا کشته است، هر که با تو دشمنی کند با من دشمنی کرده و هر که به تو دشنام دهد مرا دشنام داده است».

395 الذّائِدُ

دفاع از چیزی و طرد و راندن اجنبی از آن. در فرازی از زیارت مطلقه آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا ذائِداً عَنِ الْحَوْضِ أعْداءَ اللّهِ»؛(3)

«سلام بر تو ای آقایی که دشمنان خدا را از حوض کوثر دور می کنی».

و این عنوان از حدیثی گرفته شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به امّ سلمه فرمود:

«اِسْمَعِی وَاشْهَدِی هذا عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ وَصِیی وَخَلِیفَتِی مِنْ بَعْدِی وَقاضِی عِداتِی وَالذّائِدُ عَنْ حَوْضِی»؛(4)

«ای امّ سلمه! بشنو و شاهد باش که این علی جانشین و خلیفه بعد از من است که وعده های مرا انجام می دهد و از حوض من دفاع می کند».

396 الدّآبُ

کسی که از خانواده و قوم خود به سختی دفاع و پشتیبانی می کند، لقبی است که رسول خداصلی الله علیه وآله برای امام علی علیه السلام به کار برده؛ از جمله در روز فتح خیبر به ایشان فرمود:

1- 637. موسوعه امام علی علیه السلام، ج 2، ص 237.
2- 638. بحارالانوار، ج 42، ص 190؛ عیون اخبار الرضا، ج 1، ص 297؛ وسائل الشیعه، ج 10، ص 33؛ روضهالواعظین، ج 2، ص 345؛ امالی صدوق، ص 93؛ اقبال الاعمال ص 2
3- 639. بحارالانوار، ج 97، ص 324.
4- 640. بحارالانوار، ج 22، ص 221؛ معانی الاخبار، ص 204. مسند احمد، ج 6، ص 323؛ مختصر تاریخ دمشق، ج 5، ص 404؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 130؛ جامع الاحادیث، ج 20، ص 368.

«أَنْتَ الآخِذُ بِسُنَّتِی وَالذّآبُّ عَنْ مِلَّتِی»؛(1)

«ای علی! تو سنّت مرا اخذ و نگه داری می کنی و از دین و ملّت من دفاع می نمایی».

و امام هادی علیه السلام نیز در زیارت روز عید غدیر به آن حضرت خطاب می کند:

«وَأَنْتَ وَلِی اللَّهِ وَأَخُو رَسُولِهِ، وَالذّآبُّ عَنْ دِینِهِ»؛(2)

«تو ولی خدا و برادر رسول خدایی و از دین او دفاع می نمایی».

397 الدُّبَرُ الْغَیورُ

فردی که با دشمنان خشن و سخت بوده و بسیار غیرتمند است.

همچنین مراجعه شود به: اَلْبَطَلُ الْجَسُورُ [281]

398 ذُخْرُ الرَّسُولِ

گنجینه و ذخیره پیامبرصلی الله علیه وآله.

گویند: رسول خداصلی الله علیه وآله پس از ولادت علی علیه السلام، علاقه شدیدی به وی داشت و حتی به مادرش می فرمود: گهواره او را نزدیک رختخواب من بگذار. و در تربیت و شست و شوی او کمک می کرد، موقع خواب او را تکان می داد و بر سینه خود می گذاشت و می فرمود:

«هذا أَخِی وَوَلِیِی وَناصِرِی وَصَفِیی وَذُخْرِی وَکَهْفِی وَظَهْرِی وَظَهِیرِی وَوَصِیی وَزَوْجُ کَرِیمَتِی وَأَمِینِی عَلَی وَصِیتِی وَخَلِیفَتِی»؛(3)

«این، برادر، ولی و ناصر من است، او برگزیده و ذخیره و پناه و پشتیبان من است، او جانشین و همسر دخترم می باشد، او امانت دار وصیتم و خلیفه من است».

399 ذُرِّیهُ النَّبِیّ فِی صُلْبِهِ

امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبرصلی الله علیه وآله می فرماید:

«إِنَّ اللّهَ تَعالی جَعَلَ ذُرِّیهَ کُلِّ نَبِیّ فِی صُلْبِهِ، وَجَعَلَ ذُرِّیتِی فِی صُلْبِ عَلِیّ بْنِ أَبِی طالِبٍ مَعَ فاطِمَهَ ابْنَتِی»؛(4)

«خداوند متعال ذریه هر پیامبری را در صُلب خودش قرار داد و ذریه مرا در صُلب علی بن ابی طالب و دخترم فاطمه قرار داد».

400 ذِکْرُ عَلی عِبادَهُ

یادآوری نام و یاد او، عبادت خدا به حساب می آید.

ابن عباس نقل کرده که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«ذِکْرُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عِبادَهٌ وَذِکْرِی عِبادَهٌ وَذِکْرُ عَلِیّ عِبادَهٌ وَذِکْرُ الْأَئِمَّهِ مِنْ وُلْدِهِ عِبادَهٌ»؛(5)

«ذکر خدای متعال عبادت است، ذکر من عبادت است، ذکر علی علیه السلام عبادت است و ذکر امامان از فرزندان وی نیز عبادت است».

از عایشه همسر پیامبرصلی الله علیه وآله نیز این حدیث نقل شده است.(6)

1- 641. بحارالانوار، ج 28، ص 45.
2- 642. بحارالانوار، ج 97، ص 393؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
3- 643. بحارالانوار، ج 35، ص 9؛ کشف الیقین، ص 67؛ نهج الحق، ص 232.
4- 644. بحارالانوار، ج 23، ص 144؛ کشف الغمه، ج 1، 53؛ کشف الیقین، ص 420؛ الفضائل، ص 154. کنز العمال، ج 11، ص 601.
5- 645. بحارالانوار، ج 36، ص 370؛ الاختصاص، ص 223.
6- 646. مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 202؛ العمده، ص 365؛ کشف الیقین، ص 449. کنز العمال، ج 11، ص 601.

401 ذُو الْقَرْنَينِ

ذوالقرنین لقب عبداللَّه بن ضحّاک بن معد، یکی از مؤمنان و صالحان و دانشمندان روزگار بوده؛ ولی پیامبر نبود.(1)

رسول خداصلی الله علیه وآله فرموده است:

«یا عَلِی! أَنْتَ نَذِیرُ أُمَّتِی وَأَنْتَ رَبِیها وَأَنْتَ صاحِبُ حَوْضِی وَأَنْتَ ساقِیها وَأَنْتَ یا عَلِی ذُوقَرْنَیها»؛(2)

«ای علی! تو انذاردهنده امّت من، تو پرورش دهنده امّت من، تو صاحب حوض کوثر و ساقی آن و تو ای علی! ذوالقرنین این امّت هستی».

در وجه تسمیه آن برای امیرمؤمنان علیه السلام گفته شده: چون دو بار به فرق آن جناب ضربت خورده: یکی روز خندق و یکی شب نوزدهم ماه رمضان.

و نیز گفته شده: چون دارای شمشیر دو لبه بوده است. یا اینکه بر آن سیطره و تسلط دارد.

402 ذُو قَرْنَی الْجَنّهِ

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

«یا عَلِی! إِنَ لَکَ کَنْزاً (بَیتاً) فِی الْجَنَّهِ وَأَنْتَ ذُوقَرْنَیها»؛(3)

«ای علی! برای تو در بهشت، خانه و گنجی است و تو ذوالقرنین آن و صاحب دو طرف آن هستی».

403 رَأْسُ الدِّینِ

جابر انصاری می گوید: از رسول خداصلی الله علیه وآله در مورد امیرمؤمنان علیه السلام پرسیدم، حضرت ضمن تعریف و تمجید مفصل از ایشان، جریان شب ولادت را توضیح دادند که به ابوطالب چنین تبریک گفته شد:

«هُوَ إِمامُ الْمُتَّقِینَ وَناصِرُ الدِّینِ وَقامِعُ الْمُشْرِکِینَ وَغَیظُ الْمُنافِقِینَ وَزَینُ الْعابِدِینَ وَوَصِی رَسُولِ رَبِّ الْعالَمِینَ، إِمامُ هُدی وَنَجْمٌ عَلاً وَمِصْباحُ دُجی

وَمُبِيدُ الشِّركِ وَالشَّبَهاتِ، وَهُوَ نَفْسُ الْيقِينِ وَرَأسُ الدِّينِ»؛(4)

«او پیشوای پرهیزکاران و یاری دهنده دین خدا است، او درهم کوبنده مشرکان و به خشم آورنده منافقان است، او زینت عبادت کنندگان و جانشین رسول پروردگار جهانیان، امام هدایت، ستاره ای برجسته، چراغ تاریکی ها و نابود کننده شرک و شبهات، او حقیقت یقین و سرآغاز دین است».

404 الرّآدُّ عَلَیهِ زاهِقٌ

از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود:

«اَلْمُخالِفُ لِعَلِیّ بَعْدِی کافِرٌ، وَالشّاکُّ بِهِ مُشْرِکٌ مُغادِرٌ، وَالْمُحِبُّ لَهُ مُؤْمِنٌ صادِقٌ، وَالْمُبْغِضُ لَهُ مُنافِقٌ، وَالْمُحارِبُ لَهُ مارِقٌ، وَالرّآدُّ عَلَیهِ زاهِقٌ، وَالْمُقْتَفی لِأَثَرِهِ لاحِقٌ»؛(5)

«هرکه بعد از من با علی مخالفت کند کافر است، هرکه در او شک کند مشرک خائن است، دوستدار او مؤمن واقعی، و دشمن او منافق است. هرکه با

1- 647. بحارالانوار، ج 10، ص 124؛ و ج 12، ص 36؛ اصول کافی، ج 1، ص 296.
2- 648. بحارالانوار، ج 37، ص 312.
3- 649. بحارالانوار، ج 39، ص 41؛ معانی الاخبار، ص 205؛ العمده، ص 265. المستدرک علی الصحیحین، ج 13، ص 133؛ مسند احمد، ج 3، ص 308؛ المعجم الاوسط، ج 1، ص 209.
4- 650. بحارالانوار، ج 35، ص 62؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 287؛ روضه الواعظین، ج 1، ص 79.
5- 651. بحارالانوار ج 27ص 226؛ مشارق انوارالیقین ص 7و8.

او جنگ کند از دین خارج شده. هرکه حکم او را رد کند نابود می شود. و هرکه پیروی او نماید، به حقیقت ملحق شده است».

405 راعِی الْأُمَّهِ

راعی در لغت، نگهبان و محافظ و مراقب و مراعات کننده است، به چوپان نیز "راعی" گویند؛ چون مراقب و محافظ گوسفندان است.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: رسول خداصلی الله علیه وآله به من فرمود:

«یا عَلِی! أَنَا وَأَنْتَ راعِیا هذِهِ الْأُمَّهِ فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ضَلَّ عَنّا»؛(1)

«ای علی! من و تو دو نگهبان و مراقب این امّت هستیم، پس هرکه از ما گمراه شود لعنت خدا بر او باد».

406 رایهُ الْهُدی

علامت و پرچم هدایت. رایه از رؤیت به معنای دیدن؛ یعنی علامتی که دیگران او را ببینند و به او اقتدا کنند تا هدایت شوند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می فرماید: خدای تعالی در شب معراج درباره امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«عَلِی رایهُ الْهُدی وَإِمامُ الْأَبْرارِ وَقاتِلُ الْفُجّارِ»؛(2)

«علی علیه السلام پرچم هدایت و پیشوای نیکان و کشنده فاجران است».

407 الرَّبّانِی

خداشناس. به کسی گویند که خدای تعالی را زیاد پرستش می کند.

گفته شده: ربّانی را هنگامی به کار می برند که بخواهند علم خداشناسی را به کسی اختصاص دهند. ربّانی؛ یعنی کسی که تمسّک شدید به دین خدا و طاعت او دارد.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرموده است:

«عَلِی رَبّانِی هذِهِ الْاُمَّهِ»؛(3)

«علی بالاترین خداشناس این امّت است».

408 رَبُّ الْأَرْضِ

پرورش دهنده زمین. رسول خداصلی الله علیه وآله در مورد امام علی علیه السلام فرمود:

«لا یرْتابُ فِیهِ إِلّا مُشْرِکٌ، وَهُوَ رَبُّ الْأَرْضِ وَسَکْنِها وَکَلِمَهُ التَّقْوی ؛(4)

«در مورد فضایل علی علیه السلام، کسی جز مشرک شک نمی کند، او پرورش دهنده ساکنان زمین است، و او کلمه تقوی است».

409 رَداهُ اللَّهُ الْفَهْمَ

خداوند لباس و ردای فهم و دانش را بر او پوشانده است.

همچنین مراجعه شود به: اِتّباعُهُ فَضِیلَهٌ [147]

410 رَزُّ الْأَرْضِ

رزّ؛ میخ و پایه و استوانه و چیزی است که اشیا را با آن به زمین می چسبانند و میخکوب می کنند.

1- 652. بحارالانوار، ج 36، ص 6؛ معانی الاخبار، ص 118.
2- 653. بحارالانوار، ج 18، ص 392؛ امالی صدوق، ص 565. حلیه الاولیاء، ج 1، ص 67؛ فیض القدیر، ج 3، ص 60؛ مختصر تاریخ دمشق، ج 5، ص 397.
3- 654. بحارالانوار، ج 40، ص 160؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 46.
4- 655. مشارق انوار الیقین، ص 357.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرموده است:

إِنِّی وَأَحَدَ عَشَرَ مِنْ وُلْدِی وَأَنْتَ یا عَلِی! رَزُّ الْأَرْضِ(1) - أَعْنِی أَوْتارُها وَجِبالُها - بِنا أَوْتَدَ اللَّهُ الْأَرْضَ أَنْ تَسِیخَ بِأَهْلِها، فَإِذا ذَهَبَ الْاِثْناعَشَرَ مِنْ وُلْدِی ساخَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِها وَلَمْ ینْظَرُوا»؛(2)

«من و یازده نفر از فرزندان من و تو ای علی! پایه و میخ های زمین هستیم؛ لذا به سبب ماست که خدا زمین را میخکوب و محکم نموده است تا اهل آن نابود نشوند. پس هرگاه این دوازده نفر از فرزندان من بروند، زمین اهلش را نابود می کند و به کسی هم مهلت داده نمی شود».

411 رِضاهُ حُکْمٌ

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می فرماید: در شب معراج خداوند متعال به من فرمود: سلام مرا به علی برسان و به او بگو:

«إِنَّ غَضَبَهُ عِزٌّ وَرِضاهُ حُکْمٌ»؛(3)

«همانا خشم و غضب او سخت و گران است و رضایت او همان حکم خداست».

412 رَفِیقُ الرَّسُولِ

رفیق از رفق و مدارا و همراهی، در دنیا و آخرت همیشه همراه رسول خداصلی الله علیه وآله است که در درجه اوّل، مخصوص امیرمؤمنان علیه السلام است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به حضرت علی علیه السلام فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ مَعِی فِی قَصْرِی فِی الْجَنَّهِ مَعَ فاطِمَهَ بِنْتِی، وَهِی زَوْجَتُکَ فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَهِ وَأَنْتَ رَفِیقِی»؛(4)

«ای علی! تو در بهشت در قصر من و همراه من، و همراه دخترم فاطمه هستی، او در دنیا و آخرت همسر توست و تو رفیق و همراه من هستی».

همچنین مراجعه شود به: جُنَّهُ الرَّسُولِ [304]

413 رُکْنُ اللَّهِ

رکن؛ پشتیبان، پایه و اساس هر چیزی.

رسول خداصلی الله علیه وآله به امام علی علیه السلام فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ دَیانُ هذِهِ الْأُمَّهِ وَالْمُتَوَلِّی حِسابِهِمْ وَأَنْتَ رُکْنُ اللَّهِ الْأَعْظَمِ یوْمَ الْقِیامَهِ»؛(5)

«ای علی! تو قاضی این امّت هستی که حساب امّت را رسیدگی می کنی تو از ارکان بزرگ الهی در روز قیامت هستی».

414 رُکْنُ الْأَرْضِ

رسول خداصلی الله علیه وآله در مورد امام علی علیه السلام فرمود:

«وَهُوَ نُورُ الْأَرْضِ وَرُکْنُها»؛(6)

«علی علیه السلام نور و پشتوانه زمین است».

415 الرُّکْنُ الْأَکْبَرُ

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ عَلَمُ اللَّهِ بَعْدِی الْأَکْبَرُ فِی الْأَرْضِ وَأَنْتَ الرُّکْنُ الْأَکْبَرُ فِی الْقِیامَهِ»؛(7)

«ای علی! تو بعد از من در زمین، بزرگ ترین پرچم افراشته خدا هستی و در روز قیامت نیز رکن اکبر خدا می باشی».

1- 656. در برخی منابع «زرّ» آمده است: کافی، ج 1، ص 534.
2- 657. بحارالانوار ج 36،ص 259. عمدهالقاری ج 24ص 334.
3- 658. بحارالانوار، ج 24، ص 324؛ تأویل الایات، ص 604.
4- 659. بحارالانوار، ج 36، ص 72؛ تفسیر فرات، ص 226. جامع الاحادیث، ج 31، ص 157.
5- 660. بحارالانوار ج 24ص 272؛ مشارق انوارالیقین ص 335.
6- 661. بحارالانوار، ج 23، ص 320؛ تأویل الایات، ص 663.
7- 662. بحارالانوار، ج 22، ص 147.

416 رُكْنُ الْإِيمانِ

حضرت در بیانی فرمود:

«يا عَلِى! أَنْتَ رُكْنُ الْإِيمانِ وَعَمُودُ الدِّينِ»؛

«ای علی! تو رکن مهم ایمان و پایه خیمه دین هستی».

417 رُمْحُ اللَّهِ

نیزه و تیر غیب خدای تعالی.

همچنین مراجعه شود به: اَلْإِمامُ الْأَزْهَرُ [207]

418 رُوحُهُ رُوحُ الرَّسُولِ

روح و جانش، همان روح و جان رسول خداصلی الله علیه وآله است، و این از جمله فضایل ویژه امام علی علیه السلام است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله درباره امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

«يا عَلِى! رُوحُكَ مِنْ رُوحِى»؛(1)

«ای علی! روح و جان تو از روح و جان من است».

419 الزّاهِدُ

نسبت به دنیا و امور مادّی آن بسیار بی اعتنا و بی علاقه باشد.

همچنین مراجعه شود به: الدَّيانُ [390]

420 زَوْجُ ابْنَةِ الرَّسُولِ

علی علیه السلام همسر یگانه دختر و یادگار رسول خداصلی الله علیه وآله در دنیا و آخرت است؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

«عَلِى مِنِّى وَأَنَا مِنْ عَلِىّ، وَهُوَ زَوْجُ ابْنَتِى»؛(2)

«علی علیه السلام از من است و من از علی علیه السلام هستم و او همسر دخترم می باشد».

در زیارت به آن حضرت سلام می دهیم:

«اَلسَّلامُ عَلی أَخِی رَسُولِ اللَّهِ وَابْنِ عَمِّهِ وَزَوْجِ ابْنَتِهِ»؛(3)

«سلام بر برادر رسول خدا و پسرعمویش و همسر دخترش».

421 زُهْدُهُ زُهْدُ أَیوبَ

زهد و بی اعتنایی امام علی علیه السلام به دنیا، مانند زهد حضرت ایوب علیه السلام است.

همچنین مراجعه شود به: بَهْجَتُهُ بَهْجَهُ سُلَیمانَ [291]

422 زَهْرَهُ الْجَنَّهِ

درخشنده و نورافشان. بهشت روشنایی خود را از نور جمال علی علیه السلام می گیرد؛ چنان که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«عَلِی یزْهَرُ لِأَهْلِ الْجَنَّهِ کَکَوْکَبِ الصُّبْحِ لِأَهْلِ الدُّنْیا»؛(4)

«علی علیه السلام برای بهشتیان چنان می درخشد که ستاره صبح برای اهل دنیا».

423 زِینَهُ الْمَجالِسِ

از عایشه نقل شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

«زَینُوا مَجالِسَکُمْ بِذِکْرِ عَلِیّ»؛(5)

«مجالس خود را به ذکر علی علیه السلام زینت بخشید».

1- 663. بحارالانوار، ج 23، ص 126؛ مشکاه الانوار، ص 80؛ کمال الدین، ج 1، ص 241.

2- 664. بحارالانوار ج 36، ص 301؛ کمال الدین، ج 1، ص 257.
3- 665. بحارالانوار، ج 97، ص 305؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
4- 666. بحارالانوار، ج 40، ص 76؛ المناقب، ج 3، ص 238؛ العمده، ص 363. کنزالعمال، ج 11، ص 604؛ الفردوس دیلمی، ج 3، ص 63.
5- 667. بحارالانوار، ج 38، ص 200؛ کشف الیقین، ص 450؛ بشاره المصطفی، ص 60.

424 زِينَةُ الْمَحافِلِ

در هر مجلسی و محفلی باشد یا ذکری از او شود، زینت آن محفل خواهد بود.

همچنین مراجعه شود به: خَصْبُ الْبِلادِ [362]

425 زَيَنَهُ اللَّهُ بِالزُّهْدِ

رسول اکرم صلی الله علیه وآله به امام علی علیه السلام فرمود:

«يا عَلِی! إِنَّ اللَّهَ تَعالی قَدْ زَيَنَکَ بِزِينَةٍ لَمْ تَزَيَنَ الْعِبادَ بِزِينَةٍ أَحَبَّ إِلَی اللَّهِ تَعالی مِنْها، وَهِی زِينَةُ الْأَبْرارِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، الزُّهْدُ فِی الدُّنْيا»؛(1)

«ای علی! خداوند متعال تو را به چیزی زینت داده که تاکنون کسی را به آن زینت نداده است که محبوب تر نزد خدا باشد، و آن زینت ابرار است که زهد در دنیا می باشد».

426 السّابِقُ

از دیگران جلو رفته و سبقت گرفته است.

اکثر محدثان از ابن عباس نقل کرده اند که «سابق هذه الاُمّه» امیرالمؤمنین است.(2)

خود حضرت نیز فرمود:

«أَنَا صِنْوُ رَسُولِ اللَّهِ وَالسّابِقُ إِلَی الْإِسلامِ»؛(3)

«من نزدیک ترین فرد به رسول خدا و پیش قدم در اسلام هستم».

427 سابُّهُ سابُّ الرَّسُولِ

از جهت قرابت و نزدیکی به رسول خداصلی الله علیه وآله در درجه ای است که هرکس به او بد بگوید یا او را دشنام دهد، گویا به پیامبر دشنام داده است، چنان که آن حضرت فرمود:

«مَنْ سَبَّ عَلِياً فَقَدْ سَبَّنِی، وَمَنْ سَبَّنِی فَقَدْ سَبَّ اللَّهُ»؛(4)

«هرکس علی علیه السلام را دشنام دهد، هرآینه مرا دشنام داده است. و هرکس مرا دشنام دهد، هرآینه خدای تعالی را دشنام داده است».

همچنین مراجعه شود به: دِینُهُ سالِمٌ [394]

428 ساقِی الْکَوْثَرِ

آب رسان؛ کسی که به دیگران نوشیدنی و آب می دهد.

به تصریح رسول خداصلی الله علیه وآله امام علی علیه السلام ساقی حوض کوثر می باشد.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله روایت شده که فرمود:

«أَنَا وارِدُکُمْ عَلَی الْحَوْضِ وَأَنْتَ یا عَلِی السّاقِی»؛(5)

«من بر سر حوض کوثر بر شما وارد می شوم و تو ای علی ساقی آن هستی».

در تفسیر آیه شریفه «وَسَقیهُمْ رَبُّهُمْ»(6) نیز گفته شده که مراد علی بن ابی طالب علیه السلام است.(7)

1- 668. بحارالانوار، ج 39، ص 297؛ امالی طوسی، ج 181؛ موسوعه امام علی، ج 9، ص 160؛ کشف الغمه، ج 1، ص 170. کنز العمال، ج 11، ص 626؛ جامع الاحادیث، ج 8، ص 66.
2- 669. بحارالانوار، ج 38، ص 228؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 5؛ نهج الحق، ص 181؛ شواهدالتنزیل ج 2، ص 291.
3- 670. غرر الحکم، حدیث 3754.
4- 671. سنن نسائی، ج 5، ص 133؛ کنز العمال، ج 11، ص 602؛ اتحاف الخیره، ج 7، ص 202.
5- 672. بحارالانوار، ج 36، ص 270؛ مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 152 و 292؛ الصراط المستقیم، ج 2، ص 150؛ العدد القویه ص 88؛ الطرائف ج 1، ص 173؛ مائهمنقبه ص 23.
6- 673. سوره انسان، آیه 21.

7- 674. بحارالانوار، ج 39، ص 212؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 162.

429 سامِعُ الوَحْی

وحی خدا را می شنود.

مطابق حدیث متواتری که در بسیاری از کتب حدیثی آمده: رسول خداصلی الله علیه وآله در جریان آغاز نزول وحی که امیرمؤمنان علیه السلام نیز در کنار ایشان حضور داشت، فرمود:

«إِنَّکَ تَری ما أَری وَتَسْمَعُ ما أَسْمَعُ إِلّا أَنَّکَ لَسْتَ بِنَبِیّ وَلکِنَّکَ لَوَزِیرٌ وَإِنَّکَ لَعَلَی خَیرٍ»؛(1)

«آنچه من می بینم تو هم می بینی و هر چه من می شنوم تو هم می شنوی، تو فقط پیامبر نیستی، لکن وزیر پیامبری و تو بر مسیر خیر و طریق سعادت قرار داری».

430 سَبِیلُ الْجَنَّهِ

راه رسیدن به بهشت، در پیروی از علی علیه السلام است. پیامبر خداصلی الله علیه وآله به امام علی علیه السلام فرمود:

«یا عَلِی! إِنَّکَ لَسَبِیلُ الْجَنَّهِ وَرایهُ الْهُدی وَعَلَمُ الْحَقِّ وَإِمامُ مَنْ آمَنَ بِی وَوَلِی مَنْ تَوَلّانِی»؛(2)

«ای علی! همانا تو راه بهشت و پرچم هدایت و نشانه حقّ هستی، تو امام مؤمنان به من و ولی هر کسی می باشی که ولایت مرا قبول دارد».

431 سِرُّهُ سِرُّ الرَّسُولِ

رسول خداصلی الله علیه وآله به امام علی علیه السلام فرمود:

«إِنَّ حَرْبَکَ حَرْبِی وَسِلْمَکَ سِلْمِی وَأَنَّ سِرَّکَ سِرِّی وَعَلانِیتَکَ عَلانِیتِی»؛(3)

«ای علی! جنگ تو جنگ من است و صلح تو صلح من می باشد، راز و سرّ تو راز و سرّ من است و آشکار تو آشکار من است».

432 سَفِینَهُ النَّجاهِ

کشتی نجات بشریت. رسول خداصلی الله علیه وآله در مورد مقام امام علی علیه السلام فرمود:

«مَنْ أَحَبَّ أَنْ یرْکَبَ سَفِینَهَالنَّجاهِ فَلْیوالِ عَلِیاً بَعْدِی»؛(4)

«هرکه دوست دارد بر کشتی نجات سوار شود باید ولایت علی را بعد از من بپذیرد».

و در جای دیگر رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«لِکُلِّ أُمَّهٍ صِدِّیقٌ وَفارُوقٌ، وَصِدِّیقُ هذِهِ الْأُمَّهِ وَفارُوقُها عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ. إِنَّ عَلِیاً سَفِینَهُ نِجاتِها وَبابُ حِطَّتِها»؛(5)

«برای هر امتی صدیق و فاروقی است و صدیق و فاروق این امّت علی بن ابی طالب است، همانا علی کشتی نجات و درگاه مغفرت است».

خود امیرالمؤمنین علیه السلام نیز فرمود:

«أَنَا بابُ الْمَقامِ... وَسَفِینَهُ النَّجاهِ، مَنْ رَکِبَها نَجی وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْها غَرِقَ»؛(6)

«من باب المقام و کشتی نجات هستم که هر که بر آن سوار شود نجات می یابد و هر که از آن تخلف کند غرق می شود».

و در زیارت آن حضرت می خوانیم:

1- 675. نهج البلاغه، خطبه 192؛ مشارق انوار الیقین، ص 52.
2- 676. موسوعه امام علی علیه السلام ج 2، ص 192.
3- 677. امالی صدوق، مجلس 21، حدیث 1.
4- 678. کمال الدین، ج 1، ص 260؛ عیون اخبار الرضا، ج 1، ص 292؛ کشف الغمّه، ج 2، ص 295.
5- 679. بحارالانوار، ج 38، ص 112؛ عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 13؛ امالی صدوق، ص 31.
6- 680. مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 118.

«أَشْهَدُ أَنَّکَ وَالْأَئِمَّهَ مِنْ وُلْدِکَ سَفِینَهُ النَّجاهِ وَدَعائِمُ الْأَوْتادِ»؛(1)

«گواهی می دهم که تو و امامان از فرزندان تو کشتی نجات و پایه های محکم دین هستید».

433 سِلْمُهُ سِلْمُ اللَّهِ

سلم به معنای سلامت و سازش است؛ صلح و سازش امام علی علیه السلام همان صلح و سازش خدای تعالی است.

همچنین مراجعه شود به: اِتّباعُهُ فَرِیضَهُ اللَّهِ [146]

434 سِلْمُهُ سِلْمُ الرَّسُولِ

سلم به معنای سلامت و سازش است؛ یعنی جایگاه امیرالمؤمنین علیه السلام عین همان جایگاه رسول خدا است، هرکه با علی صلح و سازش داشته باشد، گویا با پیامبرصلی الله علیه وآله سازش نموده است، و این را رسول خداصلی الله علیه وآله بارها فرموده و موافق و مخالف نیز نقل کرده اند:

«یا عَلِی! حَرْبُکَ حَرْبِی وَسِلْمُکَ سِلْمِی»؛(2)

«ای علی! جنگ تو جنگ من است و سازش تو سازش من است».

435 سَوْطُ عَذابِ اللَّهِ

او چوب و شلاق خدای تعالی بر گردن مشرکان و ظالمان است.

همچنین مراجعه شود به: بَطْشَهُ اللَّهِ [280]

436 السَّیدُ

آقا و سرور و بزرگ هر قوم و جمعیت.

همچنین مراجعه شود به: الدَّیانُ [390]

437 سَیدُ الْآخِرَهِ

بزرگ و سرور در روز قیامت.

رسول خداصلی الله علیه وآله درباره علی علیه السلام فرموده است:

«فَوَاللَّهِ! إِنَّهُ سَیدٌ فِی الدُّنْیا وَسَیدٌ فِی الْآخِرَهِ»؛(3)

«به خدا قسم! علی علیه السلام آقای در دنیا و آقای در آخرت است».

و در جای دیگر، خطاب به ایشان فرمود:

«أَنْتَ سَیدٌ فِی الدُّنْیا وَسَیدٌ فِی الْآخِرَهِ»؛(4)

«تو در دنیا و آخرت سرور و بزرگ هستی».

438 سَیدُ الْأَوْصِیاءِ

آقا و بزرگ جانشینان.

این لقب و فضیلتی است که رسول خداصلی الله علیه وآله برای امیرمؤمنان بیان فرموده است:

«أَنَا سَیدُ الْأَنْبِیاءِ وَأَنْتَ سَیدُ الْأَوْصِیاءِ»؛(5)

«من آقا و سرور پیامبران هستم و تو نیز سرور جانشینان».

پیامبرصلی الله علیه وآله نیز هیچ گاه از جانب خود چیزی نمی گوید و هرچه می فرماید از جانب خدا است، این مطلب را نیز جبرئیل از جانب خدا ابلاغ نمود:

«یا مُحَمَّدُ! إِنَّ اللَّهَ جَعَلَکَ سَیدَ الْأَنْبِیاءِ وَجَعَلَ عَلِیاً سَیدَ الْأَوْصِیاءِ»؛(6)

1- 681. بحارالانوار، ج 97، ص 342.
2- 682. مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 217؛ کنز الفوائد، ج 2، ص 178؛ کفایه الاثر، ص 156؛ کشف الیقین، ص 430.
3- 683. بحارالانوار، ج 34، ص 99؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 319.
4- 684. مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 13؛ العمده، ص 268؛ کشف الیقین، ص 302؛ بشاره المصطفی، ص 146.
5- 685. بحارالانوار، ج 36، ص 337؛ کفایه الاثر، ص 156.

6- 686. اليقين، ص 227.

«ای محمّد! همانا خداوند تو را سید پیامبران و علی را سید اوصیاء قرار داده است».

و در زیارت آن حضرت آمده:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلی أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ عَبْدِکَ الْمُرْتَضی وَسَیدَ الْأَوْصِیاءِ»؛

«خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و نیز درود فرست بر امیرمؤمنان که بنده پسندیده تو و آقای جانشینان است».

439 سَیدُ أَهْلِ الْجَنَّهِ

سرور بهشتیان، آقا و رهبر اهل بهشت.

رسول خداصلی الله علیه وآله در بیانی فرمود:

«نَحْنُ وُلْدُ عَبْدِالْمُطَّلِبِ، سادَهُ أَهْلِ الْجَنَّهِ: أَنَا وَحَمْزَهُ وَجَعْفَرُ وَعَلِی وَالْحَسَنُ وَالْحُسَینُ وَالْمَهْدِی»؛(1)

«ما فرزندان عبدالمطلب، آقایان و سروران اهل بهشت هستیم: من و حمزه و جعفر و علی و حسن و حسین و مهدی علیهم السلام».

440 سَیدُ الْخَلائِقِ

بزرگ و آقای همه مردمان، چنان که رسول خداصلی الله علیه وآله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«أَنَا سَیدُ الْأَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ وَأَنْتَ یا عَلِی! سَیدُ الْخَلایقِ بَعْدِی أَوَّلُنا کَآخِرِنا وَآخِرُنا کَأَوَّلِنا»؛(2)

«من آقای اولین و آخرین هستم و تو ای علی! آقای همه خلایق بعد از من هستی، اوّلین ما مثل آخرین ماست و آخرین ما مثل اوّلین ماست».

441 سَیدُ الدُّنْیا

ابن عباس می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآله نگاهی به امیرالمؤمنین علیه السلام کرد و فرمود:

«أَنْتَ سَیدٌ فِی الدَّنْیا وَسَیدٌ فِی الْآخِرَهِ، مَنْ أَحَبَّکَ فَقَدْ أَحَبَّنِی وَمَنْ أَحَبَّنِی فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهِ وَمَنْ أَبْغَضَکَ فَقَدْ أَبْغَضَنِی وَمَنْ أَبْغَضَنِی فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ»؛(3)

«تو در دنیا و آخرت آقایی، هر که تو را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر که مرا دوست بدارد خدا را دوست داشته است. هرکه تو را دشمن بدارد مرا دشمن داشته و هرکه مرا دشمن بدارد با خدا دشمنی نموده است».

442 سَیدُ شَبابِ الْعَرَبِ

سرور جوانان عرب.

عایشه از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل می کند که فرمود:

«مَنْ سَرَّهُ أَنْ ینْظُرَ إِلی سَیدِ شَبابِ الْعَرَبِ فَلْینْظُرْ إِلی عَلِیّ»؛(4)

«هر که دوست دارد به سرور جوانان عرب نگاه کند به علی نگاه کند».

443 سَیدُ الشُّهَداءِ

سرور و سالار شهیدان.

انس بن مالک گوید: رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«یدْخُلُ عَلَیکُمْ مِنْ هذَا الْبابِ خَیرُ الْأَوْصِیاءِ وَسَیدُ الشُّهَداءِ وَأَدْنَی النّاسِ مَنْزِلَهً مِنَ الْأَنْبِیاءِ، فَدَخَلَ عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ علیه السلام»؛(5)

1- 687. بحارالانوار، ج 26، ص 261؛ غیبت طوسی، ص 183؛ العمده، ص 430.
2- 688. بحارالانوار، ج 57، ص 302؛ مائه منقبه، ص 18.
3- 689. بحارالانوار، ج 39، ص 250؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 13؛ نهج الحق، ص 261.
4- 690. العمده، ص 357.
5- 691. بحارالانوار، ج 38، ص 16؛ امالی صدوق، مجلس 37.

«اینک بهترین اوصیا و سرور شهیدان و کسی که منزلتش از همه به پیامبران نزدیک تر است وارد می شود، آن گاه علی بن ابی طالب داخل شد».

و امام صادق علیه السلام نیز در زیارت مخصوص آن حضرت سلام می کند:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا سَیدَ الشُّهَداءِ»؛(1)

«سلام بر تو ای سید و بزرگ شهیدان راه خدا».

البته پس از شهادت حسین بن علی علیهما السلام و واقعه تاریخی عاشورا، عنوان سید الشهداء برای امام حسین علیه السلام بیشتر به کار می رود، همان طور که این عنوان در صدر اسلام نیز تا مدتی برای حضرت حمزه علیه السلام معروف بود.

444 سَیدُ الصِّدِّیقِینَ

آقا و بزرگ راست گویان.

ابوذر گوید: رسول خداصلی الله علیه وآله به امیرمؤمنان علیه السلام نگاهی کرد و فرمود:

«هذا خَیرُ الْأَوَّلِینَ وَخَیرُ الْآخِرِینَ مِنْ أَهْلِ السَّماواتِ وَأَهْلِ الْأَرَضِینَ، وَهذا سَیدُالصِّدِّیقِینَ وَسَیدُ الْوَصِیینَ»؛(2)

«این بهترین فرد اولین و آخرین از اهل آسمان ها و زمین ها و آقای صدیقان و جانشینان است».

و در زیارت آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا سَیدَ الْوَصِیینَ وَأَمِینَ رَبِّ الْعالَمِینَ وَسَیدَ الصِّدِّیقِینَ»؛(3)

«سلام بر تو ای سرور و آقای جانشینان و امین پروردگار جهانیان و آقای راست گویان».

445 سَیدُ الْعَرَبِ

آقا و سرور عرب.

عایشه نقل می کند: رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«عَلِی سَیدُ الْعَرَبِ»؛(4)

«علی آقا و سرور عرب است».

گفتم: مگر شما سید العرب نیستید؟ فرمود:

«أَنَا سَیدُ وُلْدِ آدَمَ وَعَلِی سَیدُ الْعَرَبِ»؛(5)

«من سرور و آقای فرزندان آدم هستم و علی علیه السلام سید و آقای عرب است».

گفتم: مراد از سید چیست؟ فرمود:

«مَنِ افْتَرَضَتْ طاعَتُهُ کَمَا افْتَرَضَتْ طاعَتِی»؛(6)

«کسی که اطاعتش واجب است؛ همان طور که اطاعت من واجب است».

446 سَیدُ الْمُؤْمِنِینَ

سرور و آقای مؤمنان.

از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود:

«عَلِی سَیدُ الْمُؤْمِنِینَ»؛(7)

«علی سرور مؤمنان است».

و در زیارت آن حضرت نیز آمده:

1- 692. بحارالانوار، ج 97، ص 373؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبرصلی الله علیه وآله.
2- 693. بحارالانوار، ج 26، ص 309.

3- 694. بحارالانوار، ج 97، ص 285؛ مفاتيح الجنان، زيارت مطلقه اميرالمؤمنين.
4- 695. بحارالانوار ج 38، ص 93. تاريخ دمشق ج 42، ص 304؛ تفسير رازى، ج 3، ص 430؛ مناقب الاسد الغالب، ج 1، ص 10؛ المواقف للإيجى، ج 3، ص 633.
5- 696. المستدرک على الصحيحين، ج 3، ص 133؛ كنزالعمال، ج 11، ص 619.
6- 697. بحارالانوار، ج 4، ص 198؛ معانى الاخبار، ص 103.
7- 698. اصول كافى، ج 1، ص 293.

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی سَیدِی وَمَوْلای أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ خاتِمِ الْوَصِیینَ وَسَیدِ الْمُؤْمِنِینَ»؛(1)

«خدایا درود فرست بر امیر مؤمنان مولا و سرور من که نگین جانشینان و سرور مؤمنان است».

447 سَیدُ الْمُسْلِمِینَ

سرور و آقای مسلمانان.

امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: از رسول خداصلی الله علیه وآله ده ویژگی برای من بیان شده، شب و روز به داشتن هریک از آنها خوشحال هستم.

اصحاب گفتند: برای ما بیان کنید.

حضرت فرمود: رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ الْوَصِی وَأَنْتَ الْوَزِیرُ وَأَنْتَ الْخَلِیفَهُ فِی الْأَهْلِ وَالْمالِ، وَلِیکَ وَلِیی وَعَدُوُّکَ عَدُوِّی وَأَنْتَ سَیدُ الْمُسْلِمِینَ مِنْ بَعْدِی، وَأَنْتَ أَخِی، وَأَنْتَ أَقْرَبُ الْخَلائِقِ مِنِّی فِی الْمَوْقِفِ، وَأَنْتَ صاحِبُ لِوائِی فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَهِ»؛(2)

«ای علی! تویی جانشین، تویی وزیر و خلیفه من از اهل و مال، دوست تو دوست من است و دشمن تو دشمن من است، تو سید و سالار مسلمانان بعد از من می باشی، تو برادر و نزدیک ترین فرد به من هستی در روز قیامت، تو صاحب و پرچمدار من در دنیا و آخرت هستی».

در زیارت آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا سَیدَ الْمُسْلِمِینَ»؛(3)

«سلام بر تو ای سرور و سالار مسلمانان».

448 سَیدُ الْوَصِیینَ

سرور و آقای جانشینان.

امام علی علیه السلام جانشین پیامبر؛ بلکه اوّلین جانشین، و جانشین بلافصل پیامبر است.

رسول خداصلی الله علیه وآله خطاب به آن حضرت فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ سَیدُ الْوَصِیینَ وَوارِثُ عِلْمِ النَّبِیینَ وَخَیرُ الصِّدِّیقِینَ وَأَفْضَلُ السّابِقِینَ»؛(4)

«ای علی! تو آقای وصیان، وارث پیامبران، بهترین صدیقان و برترین فرد از سابقان هستی».

در زیارت آن حضرت عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا سَیدَ الْوَصِیینَ»؛(5)

«سلام بر تو ای آقای جانشینان».

همچنین مراجعه شود به: سَیدُ الصِّدِّیقِینَ [444]

449 سَیدُ وُلْدِ آدَمَ

بهترین فرزند آدم علیه السلام.

رسول خداصلی الله علیه وآله خطاب به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

«أَنْتَ سَیدُ وُلْدِ آدَمَ ما خَلَا النَّبِیینَ وَالْمُرْسَلِینَ»؛(6)

«غیراز پیامبران، تو بهترین فرزند آدم هستی».

450 سَیفُ اللَّهِ

شمشیر خدا.

1- 699. بحارالانوار، ج 97، ص 329.
2- 700. بحارالانوار، ج 39، ص 338؛ الخصال صدوق، ج 2، ص 429.
3- 701. بحارالانوار، ج 97، ص 359؛ مفاتیح الجنان، دعای روز غدیر.

4- 702. کنز الفوائد، ج 2، ص 12؛ مائه منقبه، ص 28؛ الیقین، ص 236.
5- 703. بحارالانوار، ج 97، ص 285؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
6- 704. بحارالانوار، ج 37، ص 295.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«عَلِی آیهُ الْحَقِّ وَرایهُ الْهُدی عَلِی سَیفُ اللَّهِ»؛(1)

«علی علیه السلام نشانه حقّ و پرچم هدایت و شمشیر قدرت خدای تعالی است».

و در عبارت دیگر فرمود:

«عَلِی سَیفُ اللَّهِ عَلی أَعْدائِهِ»؛(2)

«علی علیه السلام شمشیر قدرت خدای تعالی بر گردن دشمنانش می باشد».

451 سَیفُ الرَّسُولِ

علی هم سیف اللَّه است و هم سیف رسول. علی علیه السلام سرباز فداکار پیامبر؛ و جانباز و فدایی راه خدا بود.

سیف الرسول مقامی است که رسول خداصلی الله علیه وآله به جهت شجاعت و فداکاری امیرمؤمنان علیه السلام، به ایشان داده است.

همچنین مراجعه شود به: أَمْرُهُ أَمْرُ الرَّسُولِ [226]

452 سَیفُ نِقْمَهِ اللَّهِ

رسول خداصلی الله علیه وآله می فرماید: خداوند بر در بهشت فردوس، درختی خلق فرموده که بر تمام برگ های آن نوشته شده:

«لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ عُرْوَهُ اللَّهِ الْوَثِیقَهِ وَحَبْلُ اللَّهِ الْمَتِینُ وَعَینُهُ فِی الْخَلائِقِ أَجْمَعِینَ وَسَیفُ نِقْمَتِهِ عَلَی الْمُشْرِکِینَ»؛(3)

«لا اله الاّ اللَّه، محمّد رسول اللَّه، علی بن ابی طالب ریسمان محکم و مطمئن و متین خداست، علی چشم خدا بر تمام مردم است، و علی شمشیر غضب و انتقام خدا بر مشرکان است».

این عنوان یا عبارات دیگری از جمله: «أَنْتَ أَسَدُ اللّهِ فِی أَرْضِهِ وَسَیفُ نِقْمَتِهِ عَلی أَعْدائِهِ» نیز بیان شده که در کتب حدیث آمده است.(4)

453 الشّاکُّ بِهِ مُشْرِکٌ

هرکه در ولایت او شک کند، مشرک است.

همچنین مراجعه شود به: الرّآدُّ عَلَیهِ زاهِقٌ [404]

454 شَبِیهُ عِیسی

سلمان فارسی می گوید: روزی با عدّه ای از اصحاب در خدمت پیامبرصلی الله علیه وآله بودیم که فرمود:

«إِنَّهُ یدْخُلُ السّاعَهَ شَبِیهُ عِیسَی بْنِ مَرْیمَ»؛

«هم اینک شخصی که شبیه عیسی بن مریم است داخل می شود».

یکی از افراد که آنجا نشسته بود، رفت بیرون که برگردد تا او آن فرد باشد، ناگاه علی علیه السلام داخل شد.(5) آن گاه رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«یا عَلِی! إِنَّ فِیکَ شِبْهاً مِنْ عِیسَی بِنْ مَرْیمَ، أَحَبَّتْهُ النَّصاری حَتّی أَنْزَلُوهُ بِمَنْزِلَهٍ لَیسَ بِها، وَأَبْغَضَهُ الْیهُودُ حَتّی بَهَتُوا أُمَّهُ»؛(6)

«ای علی! همانا در تو شباهتی از عیسی بن مریم است، نصاری آن قدر او را دوست داشتند

1- 705. بحارالانوار، ج 22، ص 196؛ امالی طوسی، ص 505.
2- 706. امالی صدوق، ص 11.
3- 707. بحارالانوار، ج 8، ص 174؛ تفسیر فرات، ص 374.
4- 708. بحارالانوار ج 39، ص 55؛ ارشادالقلوب ج 2، ص 388.
5- 709. بحارالانوار، ج 35، ص 319.
6- 710. بحارالانوار، ج 35، ص 318؛ امالی طوسی، ص 256؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 260؛ العمده ص 313. کنز العمال، ج 11، ص 623؛

البحر الزخار، ج 2، ص 434.

او را به مقام بالایی بردند در حالی که آن گونه نبود، و یهود نیز آنقدر با او دشمنی کردند که حتی به مادرش هم بهتان زدند».

و امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز فرمود:

«یهْلَکُ فِی رَجُلانِ: مُحِبٌّ مُفْرِطٌ بِما لَیسَ فِی، وَمُبْغِضٌ یحْمِلُهُ شَنَئاتِی عَلَی أَنْ یبْهَتَنِی»؛(1)

«دو دسته به جهت من هلاک شدند: دسته ای که در دوستی من افراط و غلوّ کردند و دسته ای که بغض و کینه آنان آنقدر شد که به من تهمت زدند».

455 الشَّجَرَهُ الْواحِدَهُ

رسول خداصلی الله علیه وآله خطاب به علی علیه السلام فرمود:

«یا عَلِی! النّاسُ مِنْ شَجَرَهٍ شَتّی وَأَنَا وَأَنْتَ مِنْ شَجَرَهٍ واحِدَهٍ»؛(2)

«ای علی! مردم از اصلها و ریشه های گوناگون و پراکنده اند؛ ولی من و تو از یک ریشه و اصلیم».

456 الشِّرْکُ بِهِ شِرْکٌ بِاللَّهِ

هرکه برای او شریک در خلافت قرار دهد، گویا برای خدا شریک قرار داده است.

همچنین مراجعه شود به: إِنْکارُهُ إِنْکارُ اللَّهِ [246]

457 الشَّکُّ فِیهِ شَکٌّ فِی اللَّهِ

هرکه در مقام و مرتبه او شک و تردید کند، گویا در خدا شک کرده است.

همچنین مراجعه شود به: إِنْکارُهُ إِنْکارُ اللَّهِ [246]

458 شَمْسُ السَّماءِ السّابِعَهِ

پیامبرصلی الله علیه وآله در فضایل امام علی علیه السلام فرمود:

«عَلِی فِی السَّمآءِ السّابِعَهِ کَالشَّمْسِ بِالنَّهارِ فِی الْأَرْضِ وَفِی السَّمآءِ الدَّنْیا کَالْقَمَرِ بِاللَّیلِ فِی الْأَرْضِ. أَعْطَی اللّٰهُ عَلِیاً مِنَ الْفَضْلِ جُزْءاً لَوْ قُسِمَ عَلَی أَهْلِ الْأَرْضِ لَوَسِعَهُمْ وَأَعْطاهُ اللّٰهُ مِنَ الْفَهْمِ لَوْ قُسِمَ عَلی أَهْلِ الْأَرْضِ لَوَسِعَهُمْ»؛(3)

«علی علیه السلام در آسمان هفتم همانند خورشید است در وسط روز، و در آسمان دنیا مانند ماه است در شب تاریک. خداوند آن قدر به علی فضیلت داده که اگر به همه اهل زمین تقسیم کنند به همه خواهد رسید و آن قدر فهم و دانش به وی داده که اگر به همه اهل زمین بدهند، به همه خواهد رسید».

459 الشَّمْسُ الطّالِعَهُ

خورشید تابان و نورافشان.

همچنین مراجعه شود به: أَسْخی مِنَ الْفُراتِ [161]

460 شَمْعُونُ الْأُمَّهِ

رسول خداصلی الله علیه وآله امیرمؤمنان علیه السلام را به شمعون وصی حضرت عیسی علیه السلام تشبیه کرده و ایشان را شمعون این امّت نامیده است.

همچنین مراجعه شود به: آصِفُ الْأُمَّهِ [129]

461 الشَّهِیدُ

امام علی علیه السلام اولین و شجاع ترین مبارز صدر اسلام، در کنار پیامبرصلی الله علیه وآله با کافران و مشرکان تا آخرین نفس جهاد نمود. اجر و مزد جهاد نیز، چیزی جز شهادت نیست.

1- 711. بحارالانوار، ج 35، ص 319؛ الصراط المستقیم، ج 2، ص 61.
2- 712. جامع الاحادیث، ج 23، ص 321؛ کنز العمال، ج 11، ص 608؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 263.
3- 713. بحارالانوار، ج 39، ص 38.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در بیانی فرمود:

«فَهُوَ الْكَرِيمُ حَياً وَالشَّهِيدُ مَيتاً»؛(1)

«زندگی او با کرامت و بزرگواری و مرگش نیز با شهادت است».

و به آن حضرت، این گونه سلام می دهیم:

«اَلسَّلامُ عَلَيکَ أَيهَا الصِّدِّيقُ الشَّهِيدُ»؛(2)

«سلام بر تو ای صدیق و شهید».

امام هادی علیه السلام فرمود: نزد قبر امیرالمؤمنین علیه السلام این گونه گواهی دهید:

«فَأَشْهَدُ أَنَّکَ لَقِيتَ اللَّهَ وَأَنْتَ شَهِيدٌ»؛(3)

«گواهی می دهم که تو خدا را ملاقات نمودی در حالی که شهید شدی».

462 شِيعَتُهُ أَوْلِيآءُ اللَّهِ

کسی که شیعیان و پیروان او دوستان خدایند و خدا آنان را دوست دارد.

همچنین مراجعه شود به: أَنْصارُهُ أَنْصارُ اللَّهِ [244]

463 شِيعَتُهُ شِيعَهُ اللَّهِ

شیعه و پیرو او، شیعه خدا است.

همچنین مراجعه شود به: أَنْصارُهُ أَنْصارُ اللَّهِ [244]

464 شِيعَتُهُ شِيعَهُ الرَّسُولِ

پیروان او، پیروان رسول خداصلی الله علیه وآله هستند.

همچنین مراجعه شود به: أَعْداؤُهُ أَعْداءُ الرَّسُولِ [176]

465 شِيعَتُهُ الْفائِزُونَ

رسول خداصلی الله علیه وآله در مورد حضرت و پیروانش چنین فرمود:

«شِیعَهُ عَلِیّ هُمُ الْفائِزُونَ یوْمَ الْقِیامَهِ»؛(4)

«شیعیان علی رستگاران روز قیامت هستند».

466 شِیعَتُهُ فِی الْجَنَّهِ

رسول خداصلی الله علیه وآله به حضرت علی علیه السلام فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ وَشِیعَتُکَ فِی الْجَنَّهِ»(5)؛

«ای علی! تو و پیروانت در بهشت خواهید بود».

467 الصّابِرُ

صبر کننده و شکیبا و تحمل کننده.

حضرت در خطبه اش چنین بیان فرمود: صبر کردم درحالی که خار در چشم و استخوان در گلو داشتم، صبر کردم در حالی که میراث خود را بر باد رفته می دیدم، مدت طولانی با چنین وضعی صبر نمودم.

امام هادی علیه السلام در زیارت مخصوصه آن حضرت در روز غدیر می فرماید:

«وَأَنْتَ الصّابِرُ فِی الْبَأْساءِ وَالضَّرّاءِ وَحِینَ الْبَأْسِ»؛(6)

«تو صبر کننده در سختی ها و سستی ها هستی و در هر زمان که مشکلی پیش آید».

امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت فرموده:

«وَجاهَدَ النّاکِثِینَ فِی سَبِیلِکَ، وَالْقاسِطِینَ فِی حُکْمِکَ، وَالْمارِقِینَ عَنْ أَمْرِکَ، صابِراً مُحْتَسِباً»؛(7)

1- 714. بحارالانوار، ج 39، ص 38.

2- 715. بحارالانوار، ج 97، ص 337.
3- 716. من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 586؛ اصول کافی، ج 4، ص 569؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
4- 717. امالی صدوق، مجلس 20، حدیث 1. مسند احمد، ج 4، ص 165.
5- 718. تاریخ دمشق، ج 42، ص 334.
6- 719. بحارالانوار، ج 97، ص 364.
7- 720. بحارالانوار، ج 97، ص 372؛ مفاتیح الجنان، زیارت مخصوصه امیرالمؤمنین در روز غدیر.

«امیرمؤمنان در راه تو با پیمان شکنان جهاد نمود و با قاسطین و با مارقین از امر تو مبارزه نمود، در حالی که صبر و شکیبایی را پیشه خود ساخته بود».

همچنین مراجعه شود به: الدَّیانُ [390]

468 صاحِبُ الْإِلْهامِ

از جانب خدا به او الهام می شود؛ یعنی به پیامبر وحی و به امیرالمؤمنین علیه السلام الهام می شد.

ابن عباس از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل می کند که حضرت فرمود:

«أَعْطانِی اللَّهُ خَمْساً وَأَعْطی عَلِیاً خَمْساً، أَعْطانِی جَوامِعَ الْکَلِمِ وَأَعْطی عَلِیاً جَوامِعَ الْعِلْمِ، وَجَعَلَنِی نَبِیاً وَجَعَلَهُ وَصِیاً، وَأَعْطانِی الْکَوْثَرَ وَأَعْطاهُ السَّلْسَبِیلَ، وَأَعْطانِی الْوَحْی وَأَعْطاهُ الْإِلْهامَ، وَأَسْری بِی إِلَیهِ وَفَتَحَ لَهُ أَبْوابَ السَّماءِ وَالْحُجُبَ حَتّی نَظَرَ إِلَی وَنَظَرْتُ إِلَیهِ»؛(1)

«خداوند متعال پنج عطیه به من و پنج عطیه هم به علی علیه السلام داده است؛ به من جوامع الکلم داده و به علی علیه السلام جوامع العلم را. مرا پیامبر نموده و علی علیه السلام را جانشین. به من کوثر را داده و به علی علیه السلام چشمه سلسبیل را. به من وحی می شود و به علی علیه السلام الهام. مرا به نزد خود بالا برد و برای علی علیه السلام نیز درهای آسمان و حجاب ها گشوده شد؛ به گونه ای که هم او مرا می دید و هم من او را می دیدم».

469 صاحِبُ التَّأْوِیلِ

تأویل ازجهتی در مقابل تنزیل است؛ مراد از تنزیل این است که قرآن کریم نازل شده و مراد از تأویل آن است که باید طبق آن عمل نمود. و از جهتی تأویل؛ یعنی تفسیر و باطن قرآن.

رسول خداصلی الله علیه وآله بارها به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: من برای تنزیل قرآن جنگیدم و تو برای تأویل آن جنگ خواهی کرد.(2)

و در زیارت حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلی مَنْ عِنْدَهُ تَأوِیلُ الْمُحْکَمِ وَالْمُتَشابَهِ»؛(3)

«سلام بر آقایی که تأویل آیات محکم و متشابه قرآن نزد اوست».

470 صاحِبُ التّاجِ

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«إذا کانَ یوْمُ الْقِیامَهِ یؤْتی بِکَ عَلی حِجْلَهٍ مِنْ نُورٍ، عَلی رَأْسِکَ تاجٌ مِنَ النُّورِ، لَهُ أَرْبَعَهُ أَرْکانٍ، عَلی کُلِّ رُکْنٍ ثَلاثَهُأَسْطُرٍ: لا إِلَهَ إِلَّااللَّهُ، مُحَمَّدٌرَسُولُ اللَّهِ، عَلِی وَلِی اللَّهِ»؛(4)

«ای علی! هنگامی که روز قیامت شود تو را با حجله ای از نور می آورند، که بر سر تو نیز تاجی از نور با چهار رکن قرار دارد، بر هر رکن آن سه

1- 721. بحارالانوار، ج 8، ص 27؛ امالی طوسی، ص 188؛ ارشاد القلوب، ج 2، ص 254؛ کشف الیقین، ص 462؛ کشف الغمّه، ج 1، ص 380؛ تأویل الایات، ص 27؛ روضهالواعظین ج 1، ص 109؛ بشارهالمصطفی، ص 41؛ الفضائل، ص 5.
2- 722. بحارالانوار، ج 22، ص 465؛ وسائل الشیعه، ج 27، ص 204؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 44؛ متشابه القرآن، ج 2، ص 41.
3- 723. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام.
4- 724. امالی صدوق، ص 670؛ مشارق انوار الیقین، ص 335.

سطر نوشته شده: لا اله الا اللَّه، محمّد رسول اللَّه، على ولى اللَّه».

471 صاحِبُ الْجِنانِ

صاحب اختيار بهشت؛ دوستانش را به بهشت راه مى دهد و دشمنانش را از آن دور مى كند.

ابن عباس نقل مى كند: پيامبرصلى الله عليه وآله فرمود:

«يا عَلِى! أَنْتَ صاحِبُ الْجِنانِ وَقَسِيمُ النِّيرانِ، أَلا وَإِنَّ مالِكاً وَرِضْوانَ يأْتِيانِ غَداً عَنْ أَمْرِ الرَّحْمنِ فَيقُولانِ لِى: يا مُحَمَّدُ! هذِهِ هِبَةُ اللَّهِ إِلَيكَ، فَسَلِّمْها إِلى عَلِىّ بْنِ أَبِى طالِبٍ، فَأَدْفَعُها إِلَيكَ، مَفاتِيحُ الْجَنَّهِ وَالنّارِ يوْمَئِذٍ بِيدِكَ تَفْعَلُ بِها ما تَشآءُ»؛(1)

«اى على! تو صاحب اختيار بهشت و تقسيم كننده آتش هستى، بدان كه در روز قيامت مالک و رضوان كه مأموران بهشت و جهنم هستند از جانب پروردگار پيش من مى آيند و مى گويند: اى محمّد! اين هديه خدا براى توست، پس آن را به على بده. من هم آن را به تو مى دهم، كليدهاى بهشت و جهنم در آن روز به دست توست، هر چه بخواهى خواهى كرد».

472 صاحِبُ الْجَوازِ

برگه عبور و مجوّز افراد را صادر مى كند.

پيامبر خاتم صلى الله عليه وآله فرمود:

«إِذا كانَ يوْمَ الْقِيامَهِ وَنَصَبَ الصِّراطَ عَلى جَهَنَّمَ، لَمْ يجُزْ عَلَيهِ إِلّا مَعَهُ جَوْازٌ فِيهِ وِلايهُ عَلِىّ بْنِ أَبِى طالِبٍ»؛(2)

«آن گاه كه روز قيامت فرا برسد و پل صراط را بر روى جهنم نصب كنند، هيچ كسى نمى تواند از آن عبور كند؛ مگر اينكه جواز عبور داشته باشد و آن جواز ولايت على بن ابى طالب است ...».

473 صاحِبُ جَوامِعِ الْعِلْمِ

همچنين مراجعه شود به: صاحِبُ الْإِلْهامِ [468]

474 صاحِبُ الْحَقِّ

همچنین مراجعه شود به: الْحَقُّ عَلی لِسانِهِ [342]

475 صاحِبُ الْحَوْضِ

بر سر حوض (کوثر) می ایستد، دوستانش را سیراب و دشمنانش را از آن دور می کند.

رسول خداصلی الله علیه وآله خطاب به امام علی علیه السلام فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ صاحِبُ الْحَوْضِ لا یمْلِکُهُ غَیرُکَ»؛(3)

«ای علی! تو صاحب حوض کوثر هستی که غیر از تو مالک آن نخواهد شد».

همچنین مراجعه شود به: صاحِبُ الْأَعْرافِ [62]

در زیارت آن حضرت سلام می دهیم:

«اَلسَّلامُ عَلی صاحِبِ الْحَوْضِ وَحامِلِ اللِّوآءِ»؛(4)

«سلام بر صاحب حوض کوثر و حمل کننده لوای رسول خداصلی الله علیه وآله».

476 صاحِبُ الدَّرَجَهِ

پیامبر خداصلی الله علیه وآله خطاب به امام علی علیه السلام فرمود:

«یا أَبَاالْحَسَنِ! أَنْتَ عُضْوٌ مِنْ أَعْضائِی تَنْزِلُ حَیثُ

1- 725. بحارالانوار، ج 27، ص 313؛ امالی طوسی، ص 368؛ مشارق انوار الیقین، ص 337.
2- 726. امالی طوسی، ص 291؛ مشارق انوار الیقین، ص 346.
3- 727. الخصال صدوق، ج 2، ص 575. المعجم الاوسط، ج 1، ص 67.
4- 728. بحارالانوار، ج 97، ص 373؛ اقبال الاعمال، ص 608؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

نَزَلْتُ، وَإِنَّ لَکَ فِی الْجَنَّهِ دَرَجَهً، وَهِی دَرَجَهُ الْوَسِیلَهِ، فَطُوبی لَکَ وَلِشِیعَتِکَ مِنْ بَعْدِکَ»؛(1)

«ای علی! تو عضوی از اعضای من هستی، هرجا فرود آیم تو هم فرود آیی، و همانا برای تو در بهشت درجه ای است که آن درجه «وسیله» است. پس خوشا به حال تو و شیعیان پس از تو».

477 صاحِبُ الرّایهِ

پرچم اسلام و یا پرچم مخصوص پیامبرصلی الله علیه وآله به دست اوست. (2)

همچنین مراجعه شود به: أَمِینُ الْمَفاتِیحِ [239]

478 صاحِبُ الرَّسُولِ

همراه و صحابی رسول خدا؛ آن هم صحابی مخصوص که پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«عَلِی أَخِی وَصاحِبِی وَابْنُ عَمِّی»؛(3)

«علی برادر و همراه و پسرعموی من است».

و در جای دیگر فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ صاحِبِی عَلَی الْحَوْضِ غَداً وَأَنْتَ صاحِبِی فِی الْمَقامِ الْمَحْمُودِ»؛(4)

«ای علی! تو در فردای قیامت برسر حوض کوثر همراه من هستی و در مقام محمود نیز همراه من می باشی».

479 صاحِبُ السَّلْسَبِیلِ

صاحب اختیار چشمه سلسبیل.

همچنین مراجعه شود به: صاحِبُ الْإِلْهامِ [468]

480 صاحِبُ السَّنامِ

سنام هم اسم کوهی است و هم به معنای قسمت بلند هر چیزی است و علی علیه السلام صاحب مقام بلند و رفیع است.

رسول خداصلی الله علیه وآله به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

«عَلِی دَیانُ هذِهِ الْأُمَّهِ وَالشّاهِدُ عَلَیها وَالْمُتَوَلِّی لِحِسابِها، وَهُوَ صاحِبُ السَّنامِ الْأَعْظَمِ»؛(5)

«علی علیه السلام قاضی و حاکم این امت و گواه بر آنان است، او حسابرس اعمال آنان و صاحب مقام بلند و باعظمت است».

481 صاحِبُ الْعَصا

دارنده عصای مخصوص بهشتی؛ چنان که ابوسعید از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل می کند که فرمود:

«یا عَلِی! مَعَکَ یوْمُ الْقِیامَهِ عَصاً مِنْ عَصَی الْجَنَّهِ تَذُودُ بِهَا الْمُنافِقِینَ عَنْ حَوْضِی»؛(6)

«ای علی! روزقیامت یک عصای بهشتی همراه توست که منافقان را ازکنار حوضم دورمی کنی».

امام صادق علیه السلام از امیرمؤمنان علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمود:

«أَنَا قَسِیمُ اللَّهِ بَینَ الْجَنَّهِ وَالنّارِ وَأَنَا الْفارُوقُ الْأَکْبَرُ وَأَنَا صاحِبُ الْعَصا وَالْمَیسَمِ»؛(7)

1- 729. بحارالانوار، ج 22، ص 110؛ الطرائف، ج 1، ص 117؛ ارشاد القلوب، ج 2، ص 423؛ مائه منقبه، ص 86؛ نهج الحق، ص 227؛ الفضائل، ص 146.
2- 730. مورد معروف آن، روز فتح خیبر است؛ صحیح بخاری، ج 13، ص 110؛ السنن الکبری، ج 5، ص 42؛ سنن نسائی، ج 5، 46؛ جامع الاحادیث، ج 32، ص 208.
3- 731. بحارالانوار، ج 38، ص 12.

4- 732. بحارالانوار، ج 39، ص 93؛ بشاره المصطفی، ص 55؛ امالی صدوق، ص 320.
5- 733. بحارالانوار ج 40، ص 95؛ کتاب سلیم بن قیس ص 858.
6- 734. بحارالانوار ج 40،ص 79.المعجم الصغیرج 2،ص 193.
7- 735. اصول کافی، ج 1، ص 280؛ تأویل الآیات، ص 307؛ علل الشرایع، ج 1، ص 164.

«منم تقسیم کننده بهشت و جهنم، از جانب خدا، منم فاروق اکبر و نیز من هستم صاحب عصا و علامت گذارنده».

482 صاحِبُ الْکُرسِیّ

رسول خداصلی الله علیه وآله به امام علیه السلام فرمود:

«تُعْطی مَفاتِیحُ الْجَنَّهِ ثُمَّ یوضَعُ لَکَ کُرْسِی یعْرَفُ بِکُرْسِیّ الْکَرامَهِ فَتَقْعُدُ عَلَیهِ»؛(1)

«روز قیامت، کلیدهای بهشت را به تو می دهند، سپس برایت کرسی نصب می نمایند که به کرسی کرامت معروف است، پس تو بر آن می نشینی».

483 صاحِبُ الْکَنْزِ

رسول خداصلی الله علیه وآله به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

«یا عَلِی! لَکَ کَنْزٌ فِی الْجَنَّهِ وَأَنْتَ ذُوقَرْنَیها»؛(2)

«ای علی! برای تو در بهشت گنجی است و تو حافظ و صاحب هر دو طرف آن هستی».

484 صاحِبُ الْکَوْثَرِ

صاحب اختیار حوض کوثر رسول خداصلی الله علیه وآله.

همچنین مراجعه شود به: صاحِبُ الْإِلْهامِ [468]

485 صاحِبُ اللِّواءِ

جابر انصاری می گوید: در محضر رسول خداصلی الله علیه وآله صحبت از بهشت به میان آمد، حضرت فرمود: اولین کسی که وارد بهشت می شود، علی علیه السلام است.

ابودجانه انصاری گفت: مگر شما نفرمودید بهشت بر همه حرام است تا اینکه شما داخل شوید؟ فرمود: آری؛ ولی علی صاحب لواء و پرچم است و صاحب لواء نیز جلوتر حرکت می کند؛ پس به آن حضرت سلام می شود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا صاحِبَ اللَواءِ»؛(3)

«سلام بر تو ای صاحب لواء».

486 صاحِبُ لِواءِ الْحَمْدِ

پرچم حمد را مقابل رسول خداصلی الله علیه وآله بلند می کند. این مقامی است که رسول خداصلی الله علیه وآله در مورد امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ صاحِبُ لِواءِ الْحَمْدِ فِی الْآخِرَهِ»؛(4)

«ای علی! تو پرچمدار حمد در آخرت هستی».

و امام صادق علیه السلام درزیارت آن حضرت فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ عِلْمِ النَّبِیینَ، وَمُسْتَوْدَعَ عِلْمِ الْأَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ، وَصاحِبَ لِواءِ الْحَمْدِ»؛(5)

«سلام بر تو ای وارث علم پیامبران الهی و محل ودیعه و امانت علم و اسرار اولین و آخرین و صاحب پرچم حمد (شفاعت بزرگ رسول خدا)».

487 صاحِبُ لِواءِ الرَّسُولِ

رسول خداصلی الله علیه وآله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ صاحِبُ لِوائِی فِی الْآخِرَهِ کَما أَنْتَ صاحِبُ لِوائِی فِی الدُّنْیا، لَقَدْ سَعَدَ مَنْ تَوَلاّکَ وَشَقِی مَنْ عاداکَ»؛(6)

1- 736. امالی صدوق، مجلس 95، حدیث 10.
2- 737. بحارالانوار ج 39، ص 206. مسندأحمد، ج 3، ص 308؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 133؛ کنز العمال، ج 11، ص 627؛ اتحاف الخیره، ج 7، ص 187.
3- 738. بحارالانوار، ج 97، ص 323؛ و ج 8، ص 5.
4- 739. بحارالانوار، ج 31، ص 435؛ الخصال صدوق، ج 2، ص 572. الریاض النضره، ج 1، ص 269.

5- 740. اقبال الاعمال، ص 608؛ مفاتیح الجنان،زیارت حضرت در روز میلاد پیامبر.
6- 741. بحارالانوار، ج 39، ص 93؛ خصال، ج 2، ص 429؛ امالی صدوق، ص 331.

«ای علی! تو پرچمدار من در قیامت هستی؛ همان طور که در دنیا نیز پرچمدار من هستی. هرکه ولایت تو را پذیرفت، سعادتمند شد و هرکه با تو دشمنی کرد، شقی و بدبخت شد».

خود حضرت نیز فرموده است:

«أَنَا صاحِبُ لِواءِ رَسُولِ اللَّهِ فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَهِ»؛(1)

«من پرچمدار رسول خدایم در دنیا و آخرت».

488 صاحِبُ الْمَفاتِیحِ

کلیددار خزانه رحمت الهی.

از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شده فرمود:

«وَبِیدِ عَلِیّ مَفاتِیحُ خَزائِنِ رَحْمَهِ رَبِّی»؛(2)

«کلید خزینه های رحمت پروردگارم به دست علی بن ابی طالب است».

همچنین مراجعه شود به: صاحِبُ الْجِنانِ [471]

489 صاحِبُ مَفاتِیحِ الْجَنَّهِ

کسی که کلیدهای بهشت در اختیار اوست.

همچنین مراجعه شود به: صاحِبُ الْکُرْسِی [482]

490 صاحِبُ ناقَهِ الْجَنَّهِ

ناقه الجنّه؛ شتر بهشتی که امام علی علیه السلام بر آن سوار می شود و لوای حمد را به دست می گیرد و ندا می دهد: لا إله إلّا اللّه، محمّد رسول اللّه، و همه تحت لوای او به سوی بهشت می روند.(3)

از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود:

«أَمّا عَلِی فَعَلی ناقَهٍ مِنْ نُوقِ الْجَنَّهِ، زِمامُها مِنْ یاقُوتٍ»؛(4)

«امّا علی علیه السلام بر شتری از شترهای بهشت سوار می شود که زمام آن از یاقوت است».

491 صاحِبُ النُّورِ

صاحب نور.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

«لِعَلِیّ نُورانِ: نُورٌ فِی السَّماءِ وَنُورٌ فِی الْأَرْضِ، فَمَنْ تَمَسَّکَ بِنُورٍ مِنْهُما دَخَلَ الْجَنَّه وَمَنْ أَخْطَأَهُما دَخَلَ النّارَ وَما بَعَثَ اللّهُ وَلِیاً إِلّا وَقَدْ دَعاهُ إِلَی وِلایهِ عَلِیّ طائِعاً أَوْ کارِهاً»؛(5)

«برای علی علیه السلام دو نور است: یکی در آسمان و یکی در زمین؛ هر که به یکی از آن دو متمسک شود داخل بهشت خواهد شد و هرکه به خطا رود داخل آتش می شود. خداوند هیچ ولیی را مبعوث نکرده؛ مگر اینکه او را به ولایت علی فراخوانده؛ چه خوش داشته باشد یا نداشته باشد».

492 الصِّدِّیقُ

تصدیق کننده و بسیار راست گو.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«الصِّدِّیقُونَ ثَلاثَهٌ: حِزْقِیلُ مُؤْمِنُ آلِ فِرْعَوْنَ، وَحَبِیبُ نَجّارٍ صاحِبُ آلِ یس، وَعَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ»؛(6)

«صدّیقان سه نفرند: حزقیل مؤمن آل فرعون، حبیب نجّار همنشین آل یس، و علی بن ابی طالب».

1- 742. بحارالانوار، ج 35، ص 46؛ بشاره المصطفی، ص 13؛ معانی الاخبار، ص 58.
2- 743. بحارالانوار، ج 40، ص 80.
3- 744. مناقب آل ابی طالب ج 3، ص 229؛ کفایهالاثر ص 100.

4- 745. القصص الجزائرى، ص 92؛ بحارالانوار، ج 7، ص 221. جامع الاحاديث، ج 31، ص 160.
5- 746. تأويل الايات، ص 643؛ مشارق انوار اليقين ، ص 101.
6- 747. كنز العمال، ج 11، ص 601.

امام صادق علیه السلام نیز در زیارتش خطاب به آن حضرت فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ أَیهَا الصِّدِّیقُ الرَّشِیدُ»؛(1)

«سلام بر تو ای صدیق رشید (راست گو و هدایت یافته)».

در زیارت دیگر آمده است:

«وَالشّاهِدِینَ عَلی أَنَّکَ صادِقٌ أَمِینٌ صِدِّیقٌ»؛(2)

«همه گواهی می دهند که تو صادق و امین راست گو هستی».

493 الصِّدِّیقُ الْأَکْبَرُ

رسول خداصلی الله علیه وآله در خطاب به علی علیه السلام فرمود:

«أَنْتَ أَوَّلُ مَنْ یصافِحُنِی یوْمَ الْقِیامَهِ وَأَنْتَ الصِّدِّیقُ الْأَکْبَرُ»؛(3)

«تو اولین کسی هستی که در روز قیامت با من مصافحه می کند و تو صدیق اکبر هستی».

مولا علی علیه السلام در معرفی خود فرموده است:

«أَنَا أَخُو رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه وآله وَخازِنُ عِلْمِهِ، أَنَا الصِّدِّیقُ الْأَکْبَرُ وَلا یقُولُها غَیرِی إِلّا مُفْتَرٍ کَذّابٍ»؛(4)

«من برادر رسول خداصلی الله علیه وآله و خزینه دار علم او و صدیق اکبر هستم و این را غیر از من کسی نمی گوید مگر دروغ گوی افترازننده».

در فرازی از زیارت امیرمؤمنان علیه السلام آمده:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَبْدِکَ الْمُرْتَضی .. وَصِدِّیقِکَ الْأَکْبَرِ»؛(5)

«خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و نیز درود فرست بر امیرمؤمنان که بنده پسندیده توست... و او که صدیق اکبر است».

494 الصِّراطُ صِراطُهُ

راه او همان راه و صراط الهی است.

حضرت فرموده است:

«یا عَلِی! الصِّراطُ صِراطُکَ وَالْمَوْقِفُ مَوْقِفُکَ»؛(6)

«ای علی! راه، راه توست و جایگاه نیز جایگاه و مقام تو می باشد».

495 صَعِدَ عَلی مِنْکَبِ النَّبِیّ

تنها کسی که بر شانه های پیامبرصلی الله علیه وآله بالا رفت، هنگام شکستن بت های کعبه در فتح مکّه، پیامبرصلی الله علیه وآله به علی علیه السلام فرمود:

«اصْعَدْ عَلی مِنْکَبَی...»؛(7)

«از شانه هایم بالا برو و بت ها را به زیر انداز».

496 صَفْوَةُ اللَّهِ

صاف و گزینش شده؛ یعنی امام علی علیه السلام گزینش شده خدای تعالی است.

امیرمؤمنان علیه السلام صفوه اللَّه است، که پیامبرصلی الله علیه وآله در این باره فرموده است:

1- 748. بحارالانوار، ج 97، ص 279؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
2- 749. من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 589؛ المزار، ص 78؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
3- 750. الیقین، ص 516؛ بشاره المصطفی، ص 103. تاریخ دمشق، ج 1، ص 884؛ جامع الاحادیث، ج 9، ص 384.
4- 751. بحارالانوار، ج 26، ص 260؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 104؛ کشف الیقین، ص 167؛ اعلام الوری، ص 183.

5- 752. بحارالانوار، ج 97، ص 307؛ مفاتيح الجنان، زيارت مطلقه اميرالمؤمنين.
6- 753. المناقب المرتضويه، ص 133.
7- 754. جامع الاحاديث، ج 30، ص 174؛ مسند أحمد، ج 2، ص 115؛ سنن نسائى، ج 5، ص 142.

«زَوَّجْتُ فاطِمَةَ أَمَتِی مِنْ عَلِیّ صَفْوَتِی، اِشْهَدُوا مَلائِکَتِی»؛(1)

«فاطمه را تزویج نمودم به علی که انتخاب شده من است، پس ای فرشتگانِ من! شما شاهد باشید».

امام صادق علیه السلام درزیارت حضرت می فرماید:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ، اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا حَبِیبَ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا صَفْوَةَ اللَّهِ»؛(2)

«سلام بر تو ای امیرمؤمنان، سلام بر تو ای محبوب خدا، سلام بر تو ای گزینش شده خدا».

497 صَفِی اللَّهِ

صفی؛ صافی و خالصی هر چیزی است، و صفی اللَّه؛ خالص شده خدا.

رسول خداصلی الله علیه وآله درباره امیرمؤمنان علیه السلام فرموده:

«عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ خَلِیفَةُ اللَّهِ وَخَلِیفَتِی وَصَفِی اللَّهِ وَصَفِیی»؛(3)

«علی علیه السلام جانشین خدا و من است، او صفی خدا و من است».

498 صَفِی الرَّسُولِ

خالص و خلاصه پیامبر. رسول خداصلی الله علیه وآله درباره امیرمؤمنان علی علیه السلام فرموده است:

«هذا أَخِی وَوَلِیی وَناصِرِی وَصَفِیی»؛(4)

«این علی برادر و ولی و یاور و صفی من است».

خود آن حضرت نیز فرموده است:

«أَنَا صَفِی رَسُولِ اللَّهِ وَصاحِبُهُ»؛(5)

«من صفی پیامبر و مصاحب و همراه او هستم».

همچنین مراجعه شود به: أَمْرُهُ أَمْرُ الرَّسُولِ [226]

همچنین مراجعه شود به: ذُخْرُ الرَّسُولِ [398]

همچنین مراجعه شود به: صَفِی اللَّهِ [497]

499 صَمْصامُ الرَّسُولِ

صمصام شمشیری است بسیار قاطع.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله سؤال شد: زاهدترین مردم کیست؟ فرمود:

«عَلِی وَصِیی وَابْنُ عَمِّی وَأَخِی وَحَیدَرِی وَکَرّارِی وَصَمْصامِی وَأَسَدِی وَأَسَدُ اللَّهِ»؛(6)

«علی زاهدترین مردم است، او که جانشین من، و پسر عمویم، و برادرم و شیر جنگجوی من و شمشیر قدرت من و شیر خداست».

500 صِهْرُ النَّبِیّ

داماد رسول خداصلی الله علیه وآله. پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود:

«هذا أَخِی وَابْنُ عَمِّی وَصِهْرِی وَأَبُو وُلْدِی. اَللَّهُمَّ کُبَّ مَنْ عاداهُ فِی النّارِ»؛(7)

«این آقا، برادر و پسرعمویم و نیز داماد و پدر فرزندانم است. پروردگارا! هرکس را که با او دشمنی می کند، او را بر آتش افکن».

501 ضَرَبَ رُؤُوسَ الْمُشْرِکِینَ

سر و گردن سرکردگان شرک را زد.

همچنین مراجعه شود به: الْحِجابُ وَ السِّتْرُ [328]

1- 755. مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 348.

2- 756. من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 589؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
3- 757. بحارالانوار، ج 26، ص 263.
4- 758. بحارالانوار ج 35، ص 10. اتحاف الخیره ج 5،ص 370؛ سنن نسائی ج 5،ص 128؛جامع الاحادیث ج 30،ص 290.
5- 759. بحارالانوار، ج 39، ص 335؛ امالی صدوق، ص 38.
6- 760. بحارالانوار، ج 39، ص 73؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 259.
7- 761. کنز العمال، ج 11، ص 609.

502 طاعَتُهُ طاعَةُ الرَّسُولِ

ابوذر می گوید: روزی محضر رسول خداصلی الله علیه وآله بودیم که علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شد. پیامبر با اشاره به وی فرمود:

«هذا إِمامُكُمْ مِنْ بَعْدِی طاعَتُهُ طاعَتِی، وَمَعْصِيتُهُ مَعْصِيتِی، وَطاعَتِی طاعَةُ اللَّهِ وَمَعْصِيتِی مَعْصِيةُ اللَّهِ»؛(1)

«این علی پیشوای شما بعد از من است، اطاعت از او اطاعت از من است و نافرمانی از او نافرمانی از من است، و اطاعت و نافرمانی از من، اطاعت و نافرمانی از خداست».

503 طاعَتُهُ مَقْرُونَةٌ بِطاعَةِ اللَّهِ

پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله فرموده است:

«إِنَّ عَلِياً خَلِيفَةُ اللَّهِ وَحُجَّةُ اللَّهِ وَإِنَّهُ إِمامُ الْمُسْلِمِينَ، طاعَتُهُ مَقْرُونَةٌ بِطاعَةِاللَّهِ وَمَعْصِيتُهُ مَقْرُونَةٌ بِمَعْصِيةِاللَّهِ»؛(2)

«همانا علی خلیفه و حجّت خدا و امام مسلمانان است، اطاعت از او همراه با اطاعت خدا و نافرمانی از او مقرون به معصیت خدا است».

504 طالُوتُ الْأُمَّةِ

طالوت یکی از نوادگان بنیامین است، داستان وی در چند آیه قرآن آمده که شجاع ترین، عالم ترین و زیباترین بنی اسرائیل بوده است.(3)

امام علی علیه السلام به منزله طالوت این امّت است، چنان که رسول خداصلی الله علیه وآله فرموده است.

همچنین مراجعه شود به: آصِفُ الْأُمَّةِ [129]

505 الطّاهِرُ

پاک و طیب، چنان که خداوند متعال در آیه تطهیر(4) به آن گواهی داده است.

همچنین مراجعه شود به: الدَّيانُ [390]

506 الطَّرِيقُ إِلَى اللّهِ

راهی که مقصد و منتهای آن، رسیدن به خدا می باشد. این لقبی است که رسول خداصلی الله علیه وآله به امیرمؤمنان داده است:

«یا عَلِی! أَنْتَ حُجَّهُ اللَّهِ وَأَنْتَ بابُ اللَّهِ وَأَنْتَ الطَّرِیقُ إِلَی اللَّهِ»؛(5)

«ای علی! تو حجت و باب خدایی، و تو راه رسیدن به خدایی».

507 الطَّرِیقُ الْواضِحُ

راه آشکار هدایت الهی.

رسول خداصلی الله علیه وآله خطاب به امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است:

«أَنْتَ الطَّرِیقُ الْواضِحُ وَأَنْتَ الصِّراطُ الْمُسْتَقِیمُ»؛(6)

«ای علی! تو راه آشکار هدایت الهی و صراط مستقیم خدا می باشی».

508 طَرِیقُ الْهُدی

راه هدایت به سوی خدا است.

همچنین مراجعه شود به: إِمامُ التُّقی [214]

509 طُوبی لِمُحِبِّهِ

خوشا به حال دوستداران علی علیه السلام. عمّار نقل می کند: پیامبرصلی الله علیه وآله به امام علی علیه السلام فرمود:

1- 762. امالی صدوق، مجلس 80، حدیث 7.
2- 763. امالی صدوق، مجلس 27، حدیث 8.
3- 764. بحارالانوار، ج 13، ص 437.
4- 765. سوره احزاب، آیه 33؛ «إِنَّما یرِیدُ اللَّهُ لِیذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیتِ وَیطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً».

5- 766. بحارالانوار، ج 36، ص 4؛ عیون اخبارالرضا ج 2، ص 6.
6- 767. امالی صدوق، ص 306؛ بشاره المصطفی، ص 54.

«یا عَلِی! طُوبی لِمَنْ أَحَبَّکَ وَصَدَّقَ فِیکَ، وَوَیلٌ لِمَنْ أَبْغَضَکَ وَکَذَّبَ فِیکَ»؛ (1)

«ای علی! خوشا به حال آنکه تو را دوست دارد و تو را تصدیق نماید، و وای بر کسی که با تو دشمنی کند و تو را تکذیب نماید».

510 الطَّیبُ

پاک و طاهر.

همچنین مراجعه شود به: الدَّیانُ [390]

511 ظاهِرَهُ الرَّسُولِ

پشتیبان رسول خداصلی الله علیه وآله.

همچنین مراجعه شود به: جُنَّهُ الرَّسُولِ [304]

512 ظَهْرُ الرَّسُولِ

پشتیبان رسول خداصلی الله علیه وآله.

علی بن ابی طالب علیه السلام، حامی و پشتیبان پیامبرصلی الله علیه وآله بود. در کلام رسول خداصلی الله علیه وآله آمده که درباره امام علی علیه السلام فرمود:

«هذا أَخِی وَوَلِیی وَناصِرِی وَصَفَیی وَذُخْرِی وَکَهْفِی وَظَهْرِی وَظَهِیرِی»؛(2)

«این علی برادر، ولی و یاور من است، او صفی و گنجینه و پناه و پشتیبان من است».

513 ظَهِیرُ الرَّسُولِ

ظهیر؛ شخص قوی و نیرومند که در خط مقدم دفاع می باشد.

«عَلِی ظَهِیرُ الرَّسُولِ»؛

«علی علیه السلام پشتیبان رسول خداصلی الله علیه وآله است».

همچنین مراجعه شود به: ظَهْرُ الرَّسُولِ [512]

514 عالِمُ الْأُمَّهِ

عالم و دانشمند امّت پیامبرصلی الله علیه وآله.

سلمان فارسی از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل می کند که آن حضرت فرمود:

«عَلَیکُمْ بِعَلِی ّ بْنِ أَبِی طالِبٍ؛ فَإِنَّهُ مَوْلاکُمْ فَأَحِبُّوهُ، وَکَبِیرُهُمْ فَاتَّبِعُوهُ، وَعالِمُکُمْ فَأَکْرِمُوهُ، وَقائِدُکُمْ إِلَی الْجَنَّهِ فَعَزِّرُوهُ»؛(3)

«بر شما باد به پیروی از علی بن ابی طالب؛ زیرا او مولای شما است، پس باید او را دوست بدارید. و بزرگ شما است، پس از او پیروی کنید. و عالم و دانشمند شما است، پس او را احترام و تکریم نمایید، و رهبر و پیشوای شما به سوی بهشت است، پس او را بزرگ شمارید».

515 الْعالِمُ الصَّبُورُ

دانشمند بردبار.

همچنین مراجعه شود به: اَلْبَطَلُ الْجَسُورُ [281]

516 الْعامِلُ بِما یرضَی اللَّهُ

علی علیه السلام به کارهایی می پردازد که موجب رضایت و خشنودی خدای تعالی است. رسول خداصلی الله علیه وآله چنین گواهی داد:

«وَالدّاعِی إِلَیهِ وَالْعامِلُ بِما یرْضاهُ وَالْمُحارِبُ لِأَعْدائِهِ وَالْمُوالِی عَلی طاعَتِهِ وَالنّاهِی عَنْ مَعْصِیتِهِ»؛(4)

«مردم را به کتاب خدا دعوت می کند، کارهایی می کند که موجب رضایت خدا باشد، با دشمنان

1- 768. المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 145.
2- 769. بحارالانوار، ج 35، ص 9.

3- 770. بحارالانوار، ج 27، ص 112؛ مائه منقبه، ص 63؛ کنز الفوائد، ج 2، ص 56.
4- 771. بحارالانوار، ج 37، ص 208؛ العدد القویه، ص 173؛ الاحتجاج، ج 1، ص 61.

خدا در پیکار است، در فرمان برداری از خدا سخت کوش، و مردم را از معصیت باز می دارد».

517 عَبْدُ عَلّامِ الْغُیوبِ

علی علیه السلام بنده آن خدایی است که به همه غیب ها آگاهی دارد.

همچنین مراجعه شود به: اَلْبَطَلُ الْجَسُورُ [281]

518 الْعَبْقَرِی

شخص والا و برتر و کامل از هر جهت.

ابن عباس نقل کرده: به همراه عدّه ای از اصحاب، محضر رسول خداصلی الله علیه وآله بودیم که امیرمؤمنان علیه السلام وارد شد، پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ (إِنَّکَ) عَبْقَریهُمْ»؛(1)

«ای علی! تو عبقری (گل سرسبد) اینان هستی».

519 عَدُوُّهُ عَدُوُّ اللَّهِ

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«وَلِی عَلِیّ وَلِی اللَّهِ وَعَدُوُّ عَلِیّ عَدُوُ اللَّهِ»؛(2)

«دوست علی علیه السلام دوست خدا و دشمن علی علیه السلام دشمن خدا است».

520 عَدُوُّهُ عَدُوُّ الرَّسُولِ

علی علیه السلام نفس و جان پیامبرصلی الله علیه وآله و جانشین به حقّ اوست، در جای وی قرار گرفته؛ هرکه با او دشمنی کند، گویا با رسول خداصلی الله علیه وآله دشمنی کرده.

همچنین مراجعه شود به: أَمْرُهُ أَمْرُ الرَّسُولِ [226]

521 عَدُوُّهُ مُسْتَحِقُّ النّارِ

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«اِسْتَوْجَبَ الْجَنَّهَ مَنْ تَوَلّاکَ، وَاسْتَحَقَّ النّارَ مَنْ عاداکَ یا عَلِی»؛(3)

«ای علی! هرکه ولایت تو را بپذیرد، بهشت بر او واجب می گردد و هرکه با تو دشمنی کند، مستحقّ آتش است».

522 عَضُدُ الرَّسُولِ

یار و یاور و بازوی توانای رسول خداصلی الله علیه وآله.

پیامبرصلی الله علیه وآله مانند حضرت موسی علیه السلام از خدا خواسته بود کسی را برای او کمک قرار دهد و خداوند علی علیه السلام را کمک کار او قرار داد.(4)

رسول خداصلی الله علیه وآله در حدیثی به ابوذر فرمود:

«یا أباذَر! عَلِی أَخِی وَصِهْرِی وَعَضُدِی»؛(5)

«ای ابوذر! علی برادر و داماد و کمک من است».

523 عُضْوُ الرَّسُولِ

علی علیه السلام عضوی از اعضای رسول خدا است.

همچنین مراجعه شود به: صاحِبُ الدَّرَجَهِ [476]

524 العَظِیمُ عِنْدَ اللَّهِ

نزد خدای تعالی دارای قدر و منزلت بزرگی است. رسول خداصلی الله علیه وآله در مورد امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است:

«قَوِیاً فِی بَدَنِکَ مُتَواضِعاً فِی نَفْسِکَ، عَظِیماً عِنْدَاللَّهِ»؛(6)

1- 772. کنز العمال، ج 11، ص 627؛ جامع الاحادیث، ج 23، ص 327؛ تاریخ بغداد، ج 8، ص 436.

2- 773. امالی صدوق، مجلس 20، حدیث 1. کنزالعمال، ج 11، ص 601؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 138.
3- 774. بحارالانوار، ج 27، ص 63؛ مائه منقبه، ص 28.
4- 775. بحارالانوار، ج 38، ص 92؛ امالی صدوق، ص 21.
5- 776. بحارالانوار، ج 39، ص 99؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 236.
6- 777. اصول کافی، ج 1، ص 454؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 592؛ کمال الدین، ج 2، ص 387؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

«تو از جهت بدنی قوی هستی، در نفس خودت متواضع، و نزد خداوند نیز عظیم هستی».

رسول خداصلی الله علیه وآله به یکی از همسرانش فرمود:

«یا صَفِیهُ! إِنَّ عَلِیاً عَظِیمٌ عِنْدَ اللَّهِ»؛(1)

«ای صفیه! همانا مقام علی علیه السلام نزد خدای تعالی بسیار بزرگ است».

525 عَلَمُ اللَّهِ

رسول خداصلی الله علیه وآله به امام علی علیه السلام فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ عَلَمُ اللَّهِ بِعْدِی الْأَکْبَرُ فِی الْأَرْضِ»؛(2)

«ای علی! تو بعد از من، بزرگ ترین پرچم و نشانه خدا در روی زمین هستی».

526 العَلَمُ الْأَکْبَرُ

پرچم و نشانه. علی بن ابی طالب علیه السلام علم اکبر است؛ چنان که پیامبرصلی الله علیه وآله در روز غدیر فرمود:

«وَخَلَّفْتُ فِیکُمُ الْعَلَمَ الْأَکْبَرَ عَلَمَ الدِّینِ وَنُورَ الْهُدی وَصِیی عَلِی بْنَ أَبِی طالِبٍ»؛(3)

«من در بین شما بزرگ ترین پرچم و نشانه را می گذارم، او که نشانه دین و نور هدایت است، او جانشین من همان علی بن ابی طالب است».

527 عَلَمُ الْحَقِّ

نشانه و پرچم حقّ و حقیقت. هرجا او باشد، حقّ آنجاست.

همچنین مراجعه شود به: سَبِیلُ الْجَنَّهِ [430]

528 عَلَمُ الدِّینِ

امام علی علیه السلام پرچم و علامت و نشانه ای برای دین خدا است.

همچنین مراجعه شود به: الْعَلَمُ الْأَكْبَرُ [526]

در اعمال غدیر در توصیف حضرت آمده:

«عَلَماً لِدِينِ اللَّهِ وَخازِناً لِعِلْمِهِ»؛(4)

«او پرچم و علامت برای دین خدا و خزانه دار علم الهی است».

529 الْعَلَمُ الْمَرْفُوعُ

پرچم برافراشته.

رسول خداصلی الله علیه وآله خطاب به آن حضرت فرمود:

«أَنْتَ الْعَلَمُ الْمَرْفُوعُ لِأَهْلِ الدُّنْيا، مَنْ تَبَعَکَ نَجى وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْکَ هَلَکَ»؛(5)

«تو پرچم برافراشته برای اهل دنیا هستی، هرکه پیرو تو شود نجات یابد و آن که از تو تخلف کند هلاک شود».

530 الْعَلَمُ الْهادِی

پرچم و نشانه هدایت الهی.

همچنین مراجعه شود به: بَيتُ اللَّهِ [293]

531 عَلَمُ الْهُدى

نشانه و پرچم هدایت؛ علامتی است که گم گشتگان راه خدا، با دیدن نور پرفروغ آن حضرت به خدا می رسند.

رسول خداصلی الله علیه وآله به امام علی علیه السلام فرمود:

1- 778. مشارق انوار اليقين، ص 198.
2- 779. بحارالانوار، ج 22، ص 147.
3- 780. بحارالانوار، ج 22، ص 486؛ الصراط المستقيم، ج 3، ص 135.

4- 781. بحارالانوار، ج 95، ص 290؛ اقبال الاعمال، ص 473؛ مفاتيح الجنان، اعمال عيد غدير.
5- 782. بحارالانوار، ج 38، ص 10؛ بشاره المصطفى، ص 54؛ امالى صدوق، ص 301؛ مشارق انوار اليقين، ص 99.

«إِنَّما أَنْتَ عَلَمُ الْهُدی وَنُورُ الدِّینِ وَهُوَ نُورُ اللَّهِ یا أَخِی»؛(1)

«همانا تو پرچم هدایت و نور دین هستی که آن نور خداست ای برادر من».

لذا به آن حضرت سلام می دهیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا عَلَمَ الْهُدی وَمَنارَ التُّقی ؛(2)

«سلام بر تو ای پرچم و شاخص هدایت و سلام بر تو ای منبع نور تقوا و پرهیزگاری».

532 عَلِی

والا و بلندمرتبه. این نام، برای اولین بار جهت امام نام گذاری شده؛ یعنی تاقبل ازایشان در عرب، کسی به این اسم نامیده نشده و فقط به عنوان صفت از آن استفاده می شده است.

مادرش فاطمه بنت اسد نقل می کند: هنگام خروج از خانه کعبه هاتفی ندا داد:

«یا فاطِمَهُ! سَمِّیهِ عَلِیاً فَهُوَ عَلِی وَاللَّهُ الْعَلِی الْأَعْلی یقُولُ: إِنِّی شَقَقْتُ اسْمَهُ مِنْ اِسْمِی»؛(3)

«ای فاطمه! اسم او را علی بنام، که او علی است و خدای عالی اعلی می فرماید: اسم او را از اسم خودم گرفتم».

و رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: خداوند دو نام از نام های خود را برای من و علی پدید آورد؛ خدا محمود است و من محمّد شدم، و خدا اعلی است و او علی شد.(4)

533 عَلِی عَلَی الْحَقِّ

علی علیه السلام هم با حق است و هم بر حق است، همه چیز علی صلی الله علیه وآله حق و حقیقت است؛ چنان که رسول خداصلی الله علیه وآله فرموده:

«عَلِی عَلَی الْحَقِّ فَمَنِ اتَّبَعَهُ اتَّبَعَ الْحَقَّ وَمَنْ تَرَکَهُ تَرَکَ الْحَقَّ»؛(5)

«علی بر حقّ است، هر که از وی تبعیت کند از حقّ پیروی کرده است، و هر که او را ترک کند از حقّ فاصله گرفته است».

534 عَلِی عَلَی الْخَیرِ

امیرالمؤمنین علی علیه السلام بر مسیر حقّ و خیر و طریق سعادت قرار دارد.

همچنین مراجعه شود به: سامِعُ الْوَحْی [429]

535 عَلِی عَلَی الصِّراطِ

امیرالمؤمنین علی علیه السلام روز قیامت، بر پل صراط می ایستد.

رسول خداصلی الله علیه وآله در مورد امام علی علیه السلام فرمود:

«یقْعُدُهُ اللَّهُ یوْمَ الْقِیامَهِ عَلَی الصِّراطِ، فَیدْخِلُ أَوْلِیاءَهُ الْجَنَّهَ وَیدْخِلُ أَعْداءَهُ النّارَ»؛(6)

«خداوند روز قیامت علی علیه السلام را بر صراط می نشاند. پس او دوستان و محبّانش را به بهشت و دشمنانش را به آتش داخل می کند».

536 عَلِی فِی الْجَنَّهِ

ابن عمر از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل می کند: آن حضرت به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

1- 783. بحارالانوار، ج 22، ص 484؛ مشارق انوار الیقین، ص 424.
2- 784. بحارالانوار، ج 97، ص 332.
3- 785. بحارالانوار، ج 35، ص 8؛ علل الشرایع، ج 1، ص 135؛ امالی صدوق، ص 132؛ بشاره المصطفی، ص 7.
4- 786. معروف است که: «علی اشتقّ من الأعلی».
5- 787. جامع الاحادیث، ج 23، ص 331.
6- 788. موسوعه امام علی علیه السلام ج 2، ص 292.

«یا عَلِی! أَنْتَ فِی الْجَنَّهِ، یا عَلِی! أَنْتَ فِی الْجَنَّهِ، یا عَلِی! أَنْتَ فِی الْجَنَّهِ»؛ (1)

«ای علی! جایگاه تو در بهشت است، ای علی! جایگاه تو در بهشت است، ای علی! جایگاه تو در بهشت است».

537 عَلِی مَعَ الْحَقِّ

رسول خداصلی الله علیه وآله به طور مکرّر و به دفعات، درباره امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است:

«عَلِی مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِیّ لا یفْتَرِقانِ حَتّی یرِدا عَلَی الْحَوْضَ»؛(2)

«علی با حقّ و حقّ نیز با علی است و از هم جدا نمی شوند تا کنار حوض کوثر برمن وارد شوند».

538 عَلِی مَعَ الْقُرْآنِ

علی علیه السلام هم با حقّ است هم با قرآن، چون حقّ و قرآن از هم جدا نمی شوند، علی علیه السلام هم از آنان جدا نمی شود و آنها هم با علی علیه السلام هستند. رسول خداصلی الله علیه وآله در این زمینه فرموده است:

«عَلِی مَعَ الْحَقِّ وَالْقُرْآنِ، وَالْحَقُّ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِیّ وَلَنْ یفْتَرِقا حَتّی یرِدا عَلَی الْحَوْضَ»؛(3)

«علی علیه السلام با حقّ و قرآن است، قرآن و حقّ هم با علی علیه السلام هستند و اینها از هم جدا نمی شوند تا اینکه بر سر حوض کوثر نزد من آیند».

539 عَلِی مِنَ الرَّسُولِ

رسول خداصلی الله علیه وآله بارها فرموده:

«عَلِی مِنِّی وَأَنَا مِنْ عَلِیّ»؛(4)

«علی از من است و من از علی هستم».

امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: من و محمّد نور واحدی از نور خدا بودیم، خداوند متعال به آن نور امر کرد که دو قسم شود، یکی را گفت: محمّد شو و یکی را هم گفت: علی باش. به همین سبب رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: علی از من است و من هم از علی هستم.

«لا یؤَدِّی عَنِّی إِلّا عَلِی»؛

«و هیچ کس برای من علی نمی شود».(5)

540 عَمُودُ الدِّینِ

عمود و عماد به معنای پایه و ستون است و عمود الدین؛ یعنی ستون دین. و این از القابی است که رسول خداصلی الله علیه وآله به امام علی علیه السلام فرموده:

«عَلِی سَیدُ الْمُؤْمِنِینَ وَعَلِی عَمُودُ الدِّینِ»؛(6)

«علی آقای مؤمنان و پایه و اساس دین است».

امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا عَمُودَ الدِّینِ»؛(7)

«سلام بر تو ای عمود خیمه دین».

541 عِنْدَهُ آثارُ عِلْمِ النُّبُوَّهِ

جبرئیل بر پیامبرصلی الله علیه وآله نازل شد و گفت:

1- 789. مسند احمد، ج 1، ص 397؛ جامع الاحادیث، ج 36، ص 495؛ کنز العمال، ج 13، ص 110.
2- 790. مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 62؛ امالی صدوق،ص 89؛ الخصال، ج 2، ص 496؛ کشف الیقین، ص 234.
3- 791. کنزالعمال، ج 11، ص 603؛ مناقب خوارزمی، ص 176.
4- 792. بحارالانوار ج 37، ص 254. کنز العمال ج 11، ص 559؛ مسند أحمد، ج 2، ص 237.

5- 793. بحارالانوار، ج 26، ص 3.
6- 794. اصول کافی، ج 1، ص 293.
7- 795. اصول کافی، ج 4، ص 570؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 589؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

«یا مُحَمَّدُ! إِنَّکَ قَدْ قَضَیتَ نُبُوَّتَکَ وَاسْتَکْمَلْتَ أَیامَکَ، فَاجْعَلْ الْاِسْمَ الْأَکْبَرَ وَمِیراثَ الْعِلْمِ وَآثارَ عِلْمِ النُّبُوَّهِ عِنْدَ عَلِی ّ»؛(1)

«ای محمّد! همانا دوران نبوت و پیامبری تو به پایان رسیده و روزگارت به سر آمده، پس اسم اکبر خدا و میراث علم و آثار علم نبوت را نزد علی علیه السلام بسپار».

542 عِنْدَهُ الْاِسْمُ الْأَکْبَرُ

اسم اکبر خدا نزد او است.

همچنین مراجعه شود به: عِنْدَهُ آثارُ عِلْمِ النُّبُوَّهِ [541]

543 عِنْدَهُ مِیراثُ الْعِلْمِ

میراث علم و دانش نزد او است.

همچنین مراجعه شود به: عِنْدَهُ آثارُ عِلْمِ النُّبُوَّهِ [541]

544 عَیبَهُ الْعِلْمِ

ظرف و جایگاه علم و دانش.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرموده است:

«إِنِّی مُبَلِّغُکُمْ عَنِ اللَّهِ جَلَّ اسْمُهُ فِی أَمْرِ رَجُلٍ لَحْمُهُ مِنْ لَحْمِی وَدَمُهُ مِنْ دَمِی وَهُوَ عَیبَهُ الْعِلْمِ»؛(2)

«من از جانب خداوند مأمور هستم کسی را برای شما معرفی کنم که گوشت او از گوشت من است و خون او از خون من است، و او گنجینه تمام علوم است (که او امیرمؤمنان است)».

545 عَیبَهُ عِلْمِ النَّبِی ّ

مخزن و جایگاه علم و دانش پیامبرصلی الله علیه وآله.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«عَلِی عَیبَهُ عِلْمِی»؛(3)

«علی صندوقچه علم من است».

546 عَینُ اللَّهِ النّاظِرَهُ

چشم بینای خداوند بر بندگان.

همچنین مراجعه شود به: جَنْبُ اللَّهِ الظّاهِرُ [303]

و از بیانات امام علی علیه السلام است که فرمود:

«أَنَا عِلْمُ اللَّهِ وَأَنَا قَلْبُ اللَّهِ الْواعِی وَلِسانُ اللَّهِ النّاطِقُ وَعَینُ اللَّهِ النّاظِرَهُ»؛(4)

«من علم خدایم، من آن قلبی هستم که خداوند آن را گنجینه علم خود قرار داده، من زبان گویا و چشم بینای خداوند هستم».

و به ایشان این گونه سلام می دهیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا عَینَ اللَّهِ النّاظِرَهَ»؛(5)

«سلام بر تو که چشم ناظر و بینای خدا هستی».

547 غاسِلُ الرَّسُولِ

پیکر پاک و مطهر رسول خداصلی الله علیه وآله را غسل داد.

رسول خداصلی الله علیه وآله خطاب به علی علیه السلام فرموده:

«أَنْتَ وَصِیی وَوارِثِی وَغاسِلُ جُثَّتِی وَأَنْتَ الَّذِی تُوارِینِی فِی حُفْرَتِی وَتُؤَدِّی دِینِی وَتُنْجِزُ عِداتِی»؛(6)

1- 796. بحارالانوار، ج 23، ص 249؛ موسوعه امام علی، ج 10، ص 35؛ اصول کافی، ج 1، ص 295؛ کفایهالاثر، ص 177؛ تفسیر فرات، ص 398 .
2- 797. امالی مفید، ص 345؛ امالی طوسی، ص 118.

3- 798. بحارالانوار، ج 40، ص 149؛ مناقب آل أبی طالب، ج 2، ص 32؛ موسوعه امام علی علیه السلام، ج 10، ص 30؛ الصراط المستقیم، ج 2، ص 10. تاریخ دمشق، ج 42، ص 385؛ کنز العمال، ج 11، ص 603.
4- 799. بحارالانوار، ج 24، ص 198؛ توحید صدوق، ص 154.
5- 800. اقبال الاعمال، ص 608؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه ششم امیرالمؤمنین.
6- 801. امالی صدوق، مجلس 58، ص 15. کنز العمال، ج 11، ص 612؛ جامع الاحادیث، ج 31، ص 135.

«ای علی! تو وصی و وارث منی، تو مرا غسل خواهی داد و پیکرم را به خاک می سپاری، تو دین مرا ادا و به وعده هایم وفا می نمایی».

و امام نیز گواهی داده:

«وَلَقَدْ وَلَّیتُ غُسْلَهُ وَالْمَلائِکَهُ أَعْوانِی»؛(1)

«همانا من متصدی غسل رسول خداصلی الله علیه وآله بودم و فرشتگان خدا مرا کمک می کردند».

و در بخشی از زیارت آن حضرت آمده:

«وَأَعانَتْهُ مَلآئِکَتُکَ عَلی غُسْلِهِ وَتَجْهِیزِهِ»؛(2)

«فرشتگان الهی برای غسل و تجهیز رسول خداصلی الله علیه وآله به امیرمؤمنان علیه السلام کمک کردند».

548 غایهُ الْمُهْتَدِینَ

غایت، نهایت و مقصد هر چیزی. از بین هدایت یافتگان، امام علی علیه السلام در صدر و نهایت آن قرار دارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله پس از نزول آیه شریفه: «إِنَّما أَنتَ مُنذِرٌ» به خدا عرض کرد: خدایا من منذر هستم، پس هادی چه کسی است؟

خداوند متعال فرمود:

«یا مُحَمَّدُ! ذاکَ عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ غایهُ الْمُهْتَدِینَ وَإِمامُ الْمُتَّقِینَ وَقائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِینَ مِنْ أُمَّتِکَ بِرَحْمَتِی إِلَی الْجَنَّهِ»؛(3)

«آن هادی، علی علیه السلام است که غایت و مقصد هدایت یافتگان و امام پرهیزگاران و جلودار سفیدرویان و آبرومندان امّت تو است که با رحمت من به سوی بهشت می روند».

549 غایهُ الْهُدی

نهایت و آخرین مقصد هدایت.

خدای تعالی به رسول خودش صلی الله علیه وآله فرمود: به علی علیه السلام این گونه ابلاغ کن:

«إِنَّهُ غایهُ الْهُدی وَإِمامُ أَوْلِیائِی»؛(4)

«علی غایت هدایت و امام دوستان من است».

رسول خداصلی الله علیه وآله نیز دست علی علیه السلام را به سینه چسبانید و فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ أَصْلُ الدِّینِ، وَمَنارُ الْإِیمانِ، وَغایهُ الْهُدی ؛(5)

«ای علی! تو اصل و اساس دین و پرچم نورانی ایمان به خدا و غایت هدایت می باشی».

550 غَضَبُهُ عِزٌّ

خشم و غضب او سخت و بزرگ است.

همچنین مراجعه شود به: رِضاهُ حُکْمٌ [411]

551 غَیرُ مُداهِنٍ

رسول خداصلی الله علیه وآله در دین داری و خدامحوری علی علیه السلام فرموده است:

«فَإِنَّهُ خَشِنٌ فِی ذاتِ اللَّهِ، غَیرُ مُداهِنٍ فِی دِینِهِ»؛(6)

«همانا علی در راه خدا بسیار سخت گیر است و اهل سستی و مداهنه در دین نیست».

552 غَیظُ الْمُنافِقِینَ

امامی که وجودش سبب خشم منافقان است.

همچنین مراجعه شود به: رَأْسُ الدِّینِ [403]

1- 802. نهج البلاغه، خطبه 197.
2- 803. بحارالانوار، ج 97، ص 380؛ مفاتیح الجنان، زیارت مخصوصه.
3- 804. بحارالانوار، ج 35، ص 401.
4- 805. بشاره المصطفی، ص 151.
5- 806. تفسیر فرات، ص 205.
6- 807. موسوعه امام علی علیه السلام، ج 4، ص 132.

553 فارِقُهُ فارِقُ اللَّهِ

حضرت فرموده است:

«مَنْ فارَقَ عَلِیاً فارَقَنِی وَمَنْ فارَقَنِی فارَقَ اللَّهَ»؛(1)

«هرکه از علی جدا شود، از من جدا شده و هرکه از من جدا گردد، از خدا جدا شده است».

554 الْفارُوقُ

جدا کننده؛ کسی که بین حقّ و باطل جدایی می اندازد.

رسول خداصلی الله علیه وآله به امیرمؤمنان علیه السلام فرموده:

«أَنْتَ الْفارُوقُ الَّذِی تَفْرِقُ بَینَ الْحَقِّ وَالْباطِلِ»؛(2)

«ای علی! تو فاروق هستی که بین حقّ و باطل را جدا می کنی».

ای علی! هرکه به طرف تو آمد و تابع تو شد، به طرف حقّ رفته، و هرکه از تو جدا شد از حقّ جدا شده و به باطل گراییده است.

555 الْفارُوقُ الْأَعْظَمُ

رسول خداصلی الله علیه وآله به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ الْفارُوقُ الْأَعْظَمُ، وَأَنْتَ الصِّدِّیقُ الْأَکْبَرُ»؛(3)

«ای علی! تو بزرگ ترین فرق گذار بین حقّ و باطل هستی و نیز بزرگ ترین صدیق».

در فرازی از زیارت حضرت نیز آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ أَیهَا الْفارُوقُ الْأَعْظَمُ»؛(4)

«سلام بر تو ای فاروق اعظم».

556 الْفارُوقُ الْأَکْبَرُ

همچنین مراجعه شود به: أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِالرَّسُولِ [254]

557 فاصِلُ الْقَضاءِ

حکم کننده و فیصله دهنده قضاوت است.

رسول خداصلی الله علیه وآله می فرماید: فرشتگان خدا در شب معراج هنگام معرفی امیرمؤمنان گفتند:

«عَلِی دابَّهُ الْأَرْضِ(5) وَفاصِلُ الْقَضآءِ»؛(6)

«علی علیه السلام همان جنباننده و دابّه زمین و فیصله دهنده قضاوت است».

خود امیرالمؤمنین علیه السلام نیز فرمود:

«أَنَا بابُ الْمَقامِ وَحُجَّهُ الْخِصامِ وَدابَّهُ الْأَرْضِ وَصاحِبُ الْعَصا وَفاصِلُ الْقَضاءِ»؛(7)

«من باب مقام و حجّت بالغه بر دشمنان و دابه الارض و دارنده عصای بهشتی و فیصله دهنده قضاوت هستم».

558 الْفَتی

جوان و جوانمرد. مراد همان جوانمردی است که بر اثر شدت و سختی جهاد و مبارزه، شمشیرش شکست و جبرئیل برایش ذوالفقار آورد، و ندا داده شد:

1- 808. ینابیع الموده، باب 56؛ کنز العمال، ج 11، ص 614؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 133.
2- 809. شرح نهج البلاغه، ص 30؛ بشاره المصطفی، ص 103؛ الیقین، ص 513. کنز العمال، ج 11، ص 612؛ البحر الزخار، ج 9، ص 271.
3- 810. بحارالانوار، ج 38، ص 111؛ عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 6.
4- 811. البلد الامین، ص 291؛ کتاب المزار، ص 78؛ مصباح المتهجد، ص 742؛ مفاتیح الجنان، اعمال عید مبعث.

5- 812. سوره نمل، آیه 82: «وَإِذا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيهِمْ أَخْرَجْنا لَهُمْ دآبَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَ النّاسَ كانُوابِآياتِنا لا يوقِنُونَ».
6- 813. بحارالانوار، ج 40، ص 57؛ و ج 41، ص 5؛ تفسیرفرات، ص 372.
7- 814. بحارالانوار، ج 41، ص 5؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 118.

«لا فَتی إِلّا عَلِی، لا سَیفٌ إِلّا ذُوالْفَقارِ»؛(1)

«هیچ جوانمردی همانند علی علیه السلام نیست و هیچ شمشیری چون ذوالفقار نیست».

امام علی علیه السلام در یکی از مناظراتی که با ابوبکر داشت فرمود: تو را به خدا! آیا آن جوانی که برایش از آسمان ندا داده شد:

«لا سَیفٌ إِلّا ذُوالْفَقارِ وَلا فَتی إِلّا عَلِی»

من هستم یا تو؟

ابوبکر گفت: تو هستی.(2)

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: من فتی و فرزند فتی (ابراهیم علیه السلام) و برادر فتی (علی علیه السلام) هستم.(3)

559 فَضائلُهُ لا تُحْصی

فضایل و خوبی هایش قابل شمارش نیست.

حضرت در بیانی فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ لِأَخِی عَلِیّ فَضائِلَ لا تُحْصی کَثْرَةً»؛(4)

«خداوند متعال آنقدر برای علی فضیلت قرار داده که از کثرت آن قابل شمارش نیست».

560 فَضَّلَهُ اللَّهُ

خدای تعالی او را بر دیگران فضیلت و برتری داده است.

رسول خداصلی الله علیه وآله در خطبه غدیر در مورد علی علیه السلام فرمود:

«مَعاشِرَ النّاسِ! فَضِّلُوهُ فَقْدَ فَضَّلَهُ اللَّهُ وَأَقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ»؛(5)

«ای مردم! علی علیه السلام را از دیگران برتر بدانید که خدا او را برتر دانسته و ولایتش را بپذیرید که خدا او را به ولایت برگزیده است».

561 فَضْلُهُ كَفَضْلِ الشَّمْسِ

برتری او بر مردم، مثل برتری خورشید بر ماه و ستارگان است.

امام علی علیه السلام فرمود: آیا کسی غیر از من هست که رسول خداصلی الله علیه وآله خطاب به او فرموده باشد:

«فَضْلُکَ عَلی هذِهِ الْأُمَّهِ کَفَضْلِ الشَّمْسِ عَلَی الْقَمَرِ وَکَفَضْلِ الْقَمَرِ عَلَی النُّجُومِ»؛(6)

«برتری تو بر این امّت، مثل برتری خورشید بر ماه است، و مثل برتری ماه بر ستارگان است».

562 فَضْلُهُ كَفَضْلِ الْقَمَرِ

برتری او، مثل برتری ماه بر ستارگان است.

همچنین مراجعه شود به: فَضْلُهُ كَفَضْلِ الشَّمْسِ [561]

563 فِعْلُهُ فِعْلُ الرَّسُولِ

کارش کار پیامبر است.

آن حضرت به علی علیه السلام فرمود:

«یا عَلِی! فِعْلُکَ فِعْلِی»؛(7)

«ای علی! کار و فعل تو، کار من است».

1- 815. بحارالانوار، ج 19، ص 317؛ الکافی، ج 8، ص 110؛ الاحتجاج، ج 1، ص 115؛ امالی صدوق، ص 405؛ الارشاد، ج 1، ص 87.
2- 816. بحارالانوار، ج 29، ص 5؛ الاحتجاج، ج 1، ص 115؛ الخصال صدوق، ج 2، ص 550.

3- 817. بحارالانوار، ج 20، ص 105؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 88؛ الغدیر، ج 10، ص 17؛ مدینه المعاجز، ج 1، ص 109.
4- 818. بحارالانوار، ج 26، ص 229؛ تأویل الآیات، ص 844؛ مائه منقبه، ص 176؛ نهج الحق، ص 231.
5- 819. بحارالانوار، ج 35، ص 427.
6- 820. حلیه الابرار، ج 2، ص 331.
7- 821. بحارالانوار، ج 31، ص 434.

564 فِيهِ خِصالُ الْأَنْبِياءِ

ویژگی ها و فضایل پیامبران را دارد.(1)

ابوذر غفاری نقل می کند: در یکی از روزها به همراه اصحاب محضر رسول خداصلی الله علیه وآله بودم، ایشان بلند شد و به رکوع و سجده و شکر خدا پرداخت، سپس فرمود:

«یا جُنْدَبُ! مَنْ أَرادَ أَنْ ینْظُرَ إِلی آدَمَ فِی عِلْمِهِ، وَإِلی نُوحٍ فِی فَهْمِهِ، وَإِلی إِبْراهِیمَ فِی خَلَّتِهِ، وَإِلی مُوسی فِی مُناجاتِهِ، وَإِلی عِیسی فِی سِیاحَتِهِ، وَإِلی أَیوبَ فِی صَبْرِهِ وَبَلائِهِ، فَلْینْظُرْ إِلی هذَا الرَّجُلِ الْمُقابِلِ الَّذِی هُوَ کَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ السّارِی وَالْکَوْکَبِ الدُّرِّی ّ، أَشْجَعُ النَّاسِ قَلْباً وَأَسْخَی النّاسِ کَفّاً، فَعَلی مُبْغِضِهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلائِکَهِ وَالنّاسِ أَجْمَعِینَ»؛(2)

«ای جندب! هرکه می خواهد نگاه کند به آدم علیه السلام در علمش، و به نوح علیه السلام در فهمش، و به ابراهیم علیه السلام در خلیل بودنش، و به موسی علیه السلام در مناجاتش، و به عیسی علیه السلام در سیاحتش، و به ایوب علیه السلام در مصیبت و صبرش، پس به این مردی که از مقابل می آید نگاه کند، او همانند خورشید و ماه، و مانند ستاره درخشنده است. شجاع ترین و باسخاوت ترین مردم است. پس لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر دشمنان او باد».

ابوذر می گوید: پس همه نگاه کردند، دیدند علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شد.

565 فِیهِ کَرائِمُ الْقُرْآنِ

ابن عباس از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل می کند که حضرت فرمود:

«اِعْلَمُوا وَاللَّهُ أَنْزَلَ فِی عَلِی ّ کَرائِمَ الْقُرْآنِ»؛(3)

«بدانید خدای تعالی کرائم و محاسن (گنج های) قرآن را در مورد علی علیه السلام نازل فرموده است».

566 قائِدُ الْأُمَّهِ

رهبر و جلودار امّت. خاتم الانبیاصلی الله علیه وآله خطاب به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

«یا عَلِی! فَسَأَلْتُ رَبِّی أَنْ یجْعَلَکَ قائِدَ أُمَّتِی إِلَی الْجَنَّهِ، فَأَعْطانِی»؛(4)

«ای علی! از خدا خواستم تو را رهبر و جلودار امّتم به سوی بهشت قرار دهد، پس عطا فرمود».

567 قائِدُ الْبَرَرَهِ

امام و جلودار و رهبر همه نیکان و خوبان عالم علی علیه السلام است.

خاتم الانبیاصلی الله علیه وآله فرمود:

«عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ قائِدُ الْبَرَرَهِ وَقاتِلُ الْفَجَرَهِ»؛(5)

«علی علیه السلام پیشوای نیکان و کشنده فاجران است».

568 قائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِینَ

رهبر و پیشوای سفیدرویان و نخبگان. کسانی که از فرط رعایت تقوی و عبادت، تمام مواضع سجده آنان سفید و نورانی است.

1- 822. بحارالانوار، ج 39، ص 35؛ موسوعه امام علی، ج 8، ص 132؛ امالی مفید، ص 14.
2- 823. بحارالانوار، ج 39، ص 38.
3- 824. بحارالانوار، ج 35، ص 356؛ تفسیر فرات، ص 47؛ الفضائل، ص 124؛ شواهد التنزیل، ج 1، ص 56.
4- 825. جامع الاحادیث، ج 31، ص 158.
5- 826. بحارالانوار، ج 36، ص 318؛ کفایهالاثر، ص 96. فرائد السمطین، ج 1، ص 192؛ الکشف والبیان، ج 4، ص 80.

این عنوان بارها در کلام رسول خداصلی الله علیه وآله و نیز امام علی علیه السلام و ادعیه و زیارات برای امیرمؤمنان به کار رفته است:

«أَنْتَ قائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِینَ وَأَنْتَ یعْسُوبُ الْمُؤْمِنِینَ»؛(1)

«تو امام پرهیزکاران روسفید و پیشوا و پناه مؤمنان هستی».

569 قائِدُ کُلِّ تَقِیّ

امام علی علیه السلام رهبر و پیشوای هر فرد باتقوا و پرهیزکار است.

همچنین مراجعه شود به: إِمامُ کُلِّ مُؤْمِنٍ [219]

570 قائِدُ الْمُؤْمِنِینَ

امام علی علیه السلام جلودار همه مؤمنان است. اوست که جلوتر از همه اهل ایمان حرکت می کند و همه را به بهشت وارد می نماید. رسول خداصلی الله علیه وآله به امام علی علیه السلام فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ إِمامُ أُمَّتِی وَخَلِیفَتِی عَلَیها بَعْدِی وَأَنْتَ قائِدُ الْمُؤْمِنِینَ إِلَی الْجَنَّهِ...»؛(2)

«ای علی! تو امام امّت من هستی، تو جانشین بعد از من بر امّت هستی، و تو جلودار مؤمنان به سوی بهشت می باشی».

571 الْقآئِمُ بِأَمْرِ النَّبِیّ

امام علی علیه السلام به فرمان پیامبر خداصلی الله علیه وآله قیام نموده و امور آن حضرت را انجام می دهد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در این زمینه فرمود:

«عَلِی أَخِی وَوارِثِی وَوَزِیرِی وَأَمِینِی وَالْقآئِمُ بِأَمْرِی»؛(3)

«علی برادر، وارث، وزیر و امین من و قیام کننده به امور من است».

572 الْقآئِمُ بِحُجَّهِ النَّبِیّ

به سنّت الهی و حجّت پیامبرصلی الله علیه وآله قیام می کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در مورد علی علیه السلام فرمود:

«عَلِی الْمُحْیی لِسُنَّتِی مِنْ بَعْدِی وَمُعَلِّمُ أُمَّتِی وَالْقآئِمُ بِحُجَّتِی»؛(4)

«علی علیه السلام احیا کننده سنّت بعد از من است، او معلم امّت من و قیام کننده به حجّت من می باشد».

573 الْقآئِمُ مِنْ وُلْدِهِ

قائم آل محمّدعلیهم السلام از فرزندان او است.

حضرت فرمود:

«إِنَّ عَلِیاً وَصِیی وَمِنْ وُلْدِهِ الْقآئِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِی»؛(5)

«همانا علی علیه السلام وصی من است و آن مهدی منتظر و قائم از فرزندان اوست».

574 قاتَلَ عَلَی التَّأْوِیلِ

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بر اساس تنزیل قرآن کریم، و امیرمؤمنان علی علیه السلام بر مبنای تأویل و تفسیر آیات قرآن با مخالفان به مبارزه پرداخته اند.

همچنین مراجعه شود به: خاصِفُ النَّعْلِ [358]

575 قاتِلُ الْفُجّارِ

امام علی علیه السلام با فاجران و فاسقان مبارزه نموده است.

1- 827. بحارالانوار، ج 40، ص 52؛ امالی صدوق، ص 306.
2- 828. بشاره المصطفی، ص 177؛ امالی صدوق، ص 486.
3- 829. بحارالانوار، ج 22، ص 486.

4- 830. بحارالانوار، ج 28، ص 221؛ الاحتجاج، ج 1، ص 112؛ موسوعه امام على، ج 10، ص 36؛ اليقين، ص 448.
5- 831. كمال الدين، ج 1، ص 287؛ اليقين، ص 494. فرائد السمطين، باب 78.

در عهدنامه خدا با رسولش آمده است:

«عَلِی رایهُ الْهُدی وَإِمامُ الْأَبْرارِ وَقاتِلُ الْفُجّارِ»؛(1)

«علی علیه السلام پرچم هدایت و امام نیکان و قاتل فاسقان است».

576 قاتِلُ الْفَجَرَهِ

خدای تعالی به رسولش فرموده است:

«عَلِی قاتِلُ الْفُجّارِ» است؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نیز بارها به امّت خود این عنوان را اعلان فرموده:

«عَلِی أَمِیرُ الْبَرَرَهِ وَقاتِلُ الْفَجَرَهِ»؛(2)

«علی امیر نیکان و قاتل فاسقان است».

همچنین مراجعه شود به: أَمِیرُ الْبَرَرَهِ [228]

577 قاتِلُ الْقاسِطِینَ

امیرمؤمنان علیه السلام که به عنوان وصی و خلیفه بلافصل رسول خداصلی الله علیه وآله از جانب خدای تعالی منصوب شده بود، با توطئه چینی و رأی چند نفر انگشت شمار و سکوت عامّه مردم از امر خلافت کنار گذاشته، حدود بیست و پنج سال خانه نشین شد.

با کشته شدن عثمان، مردم به طرف آن حضرت هجوم آوردند؛ امّا امام فرمود: شما که به دولت دیگران عادت کردید، تحمل حکومت عادلانه مرا نخواهید داشت؛ پس مرا رها کنید.

ولی مردم اصرار و اجتماع کردند، آن گاه امام پذیرفت، سپس فرمود: بدانید درحکومت من، همه با هم برادر و برابرند، هرکس تا به حال سوء استفاده ای کرده، باید برگرداند... .

از همان ابتدا، گروهی از مسلمانان و حتی نزدیکان، که با آن حضرت بیعت کرده بودند، (ناکثین) بیعت خود را شکستند و جنگ جمل را به راه انداختند.

مدتی نگذشته بود که برخی به سرکردگی معاویه پیراهن عثمان را بالا آوردند و تهمت زدند که علی عثمان را کشته. بالاخره جنگ با این عدّه (قاسطین) در صفین اتفاق افتاد.

در آخرین لحظات، که سپاه امام در حال پیروزی بودند، معاویه و عمرو عاص حیله کرده و قرآن ها را بر نیزه زدند که ما هم قرآن را قبول داریم. جاهلان و خشک مقدّس ها که امام زمان خود را نمی شناختند دست از جنگ کشیدند و ولی خدا را نیز مجبور به حکمیت نمودند و حَکَم خود را بر امام تحمیل کردند.

چون ابوموسی اشعری فردی ساده لوح بود، در ماجرای حکمیت از عمروعاص شکست خورد. جاهلان گفتند: هم ما و هم علی گناه کردیم، پس باید توبه کنیم.

در حالی که امام فرمود: شما خود گناه کرده، و عصیان نمودید، و بر امام زمان خود خروج کردید و دست به شورش زدید.

به هر حال، این عدّه (مارقین) که علیه امام زمان خروج کرده بودند، (خارجی و خوارج) در بین مسلمانان دست به قتل و غارت زدند، امام ناچار شد در نهروان با آنان بجنگد.

1- 832. بحارالانوار، ج 18، ص 392؛ الیقین، ص 291.
2- 833. علل الشرائع، ج 1، ص 213؛ کشف الغمه، ج 1، ص 67؛ کشف الیقین، ص 236؛ الجامع الصغیر، ج 2، ص 177؛ کنز العمال، ج 11، ص 602.

این یکی از پیش بینی های رسول خداصلی الله علیه وآله بود، ابن مسعود نقل می کند: روزی رسول خداصلی الله علیه وآله در منزل امّ سلمه بود که علی علیه السلام محضر حضرت رسید، بعد رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«یا أُمَّ سَلَمَهِ! هذا وَاللَّهِ قاتِلُ الْقاسِطِینَ وَالنّاکِثِینَ وَالْمارِقِینَ مِنْ بَعْدِی»؛ (1)

«ای امّ سلمه! به خدا قسم این کشنده قاسطان و ناکثان و مارقان است».

عین این حدیث از جابر و امام باقرعلیه السلام هم نقل شده است.(2)

578 قاتِلُ الْکَفَرَهِ

با کافران و ملحدان، جهاد و مبارزه کرد.

رسول خداصلی الله علیه وآله در حضور و غیاب، خطاب به امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است:

«عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ قائِدُ الْبَرَرَهِ وَقاتِلُ الْکَفَرَهِ»؛(3)

«علی پیشوای نیکان و قاتل کافران است».

579 قاتِلُ الْمارِقِینَ

با خوارج (کسانی که از دین خارج شده اند) جنگ و جهاد کرد.

حضرت فرمود:

«أُمِرْتُ بِقِتالِ النّاکِثِینَ وَالْقاسِطِینَ وَالْمارِقِینَ»؛(4)

«من مأمورم با پیمان شکنان و ظالمان و خوارج جنگ کنم».

همچنین مراجعه شود به: قاتِلُ الْقاسِطِینَ [577]

580 قاتِلُ النّاکِثِینَ

کشنده و جهاد کننده با پیمان شکنان.

همچنین مراجعه شود به: قاتِلُ الْقاسِطِینَ [577]

581 قاتِلُهُ أَشْقَی الْآخِرِینَ

رسول خداصلی الله علیه وآله به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: آیا می دانی اشقی الاولین چه کسی است؟

عرض کرد: همان که ناقه صالح را کشت.

فرمود: راست گفتی، آیا می دانی اشقی الآخرین چه کسی است؟

عرض کرد: خدا و رسولش بهتر می دانند.

فرمود: قاتل تو اشقی الآخرین است که محاسن تو را به خون سرت خضاب می کند.(5)

582 قاتِلُهُ قاتِلُ الرَّسُولِ

از جهت قرابت و نزدیکی به رسول خداصلی الله علیه وآله در درجه ای است که هرکس او را بکشد، گویا پیامبر را کشته است.

همچنین مراجعه شود به: دِینُهُ سالِمٌ [394]

583 قاضِی دَینِ الرَّسُولِ

دین و دیون رسول خداصلی الله علیه وآله را ادا کرده و یا آنچه از امانت های مردم که در اختیار آن

1- 834. کشف الغمه ج 1، ص 126. تاریخ دمشق ج 42، ص 470؛ کنز العمال، ج 13، ص 110؛ جامع الاحادیث، ج 37، ص 155.
2- 835. بحارالانوار، ج 38، ص 15.
3- 836. بحارالانوار، ج 36، ص 331؛ العمده، ص 119؛ ارشاد القلوب، ج 2، ص 220. تفسیر الکشسف والبیان، ج 4، ص 80؛ تفسیر الثعلبی، ج 1، ص 759.

4- 837. بحارالانوار، ج 32، ص 309. جامع الاحادیث، ج 29، ص 335؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 150؛ المعجم الکبیر، ج 10، ص 91؛ اسد الغابه، ج 1، ص 801.
5- 838. بحارالانوار، ج 11،ص 393. مسنداحمد، ج 4،ص 263؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 151؛ تفسیر فخر رازی، ج 1، ص 2014؛ السنن الکبری، ج 5، ص 153.

حضرت بود، را به صاحبان خود بازگرداند؛ هنگام هجرت از مکّه به مدینه، امیرمؤمنان علیه السلام برای انجام این کارها سه روز در مکّه باقی ماند. رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«وَأَنْتَ تَقْضِی دَینِی وَتُنْجِزُ عِداتِی عَنِّی»؛(1)

«تو ای علی! دیون مرا ادا می کنی و وعده های مرا انجام می دهی».

و در عبارت دیگر فرمود:

«أَنْتَ وَصِیی وَوَزِیرِی وَقاضِی دَینِی»؛(2)

«تو وزیر و جانشین و ادا کننده قرض ها و دیون من هستی».

584 قامِعُ الْمُشْرِکِینَ

امیر مؤمنان علی علیه السلام پهلوان و شجاعی بود که با فداکاری های خود، مشرکان را قلع و قمع و نابود کرد.

همچنین مراجعه شود به: رَأْسُ الدِّینِ [403]

585 قِبْلَهُ الْعارِفِینَ

همه عارفان و خداشناسان عالم رو به سوی او دارند و از او به خدا می رسند.

رسول خداصلی الله علیه وآله در جمعی فرمود:

«اَلسّاعَهُ یدْخُلُ عَلَیکُمْ مِنَ الْبابِ رَجُلٌ هُوَ سَیدُ الْوَصِیینَ ... قِبْلَهُ الْعارِفِینَ وَیعْسُوبُ الدِّینِ»؛(3)

«هم اینک فردی از این در بر شما وارد می شود که بزرگ وصیان و قبله عارفان و رهبر دین است».

586 قَبُولُ الْأَعْمالِ بِحُبِّهِ

پذیرش اعمال انسان ها در روز قیامت، به واسطه دوست داشتن علی علیه السلام می باشد.

همچنین مراجعه شود به: حُبُّهُ یذِیبُ السَّیئاتِ [322]

587 الْقُرْآنُ مَعَ عَلِیّ

قرآن همیشه با امام علی علیه السلام و در جانب اوست و از او جدا نمی شود.(4)

همچنین مراجعه شود به: عَلِی مَعَ الْقُرْآنِ [538]

588 قَرِینُ الرَّسُولِ

قرین از قران و اقتران به معنای کسی که همیشه همراه دیگری است. و علی علیه السلام قرین رسول خداصلی الله علیه وآله است که حضرت بارها فرمود:

«هذا قَرِینِی فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَهِ»؛(5)

«علی قرین و همراه من است در دنیا و آخرت».

در بخشی از زیارت آن حضرت هم آمده:

«إِنَّهُ قَرِینُهُ فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَهِ»؛(6)

«علی، قرین رسول خدا در دنیا و آخرت است».

589 قَسِیمُ الْجَنَّهِ وَ النّارِ

بهشت و جهنم را تقسیم می کند؛ یعنی اینکه بهشت برای دوستان و شیعیان او و جهنم برای دشمنان و معاندان آن حضرت می باشد.

رسول خداصلی الله علیه وآله به امام علی علیه السلام فرمود:

«أَنْتَ قَسِیمُ الْجَنَّهِ وَالنّارِ تُدْخِلُ مُحِبِّیکَ الْجَنَّهَ وَمُبْغِضِیکَ النّارَ»؛(7)

1- 839. بحارالانوار، ج 38، ص 54؛ اقبال الاعمال، ص 296. جامع الاحادیث، ج 5، ص 469.

2- 840. بحارالانوار، ج 36، ص 417.
3- 841. بحارالانوار، ج 38، ص 136؛ شرح احقاق الحق، ج 4، ص 104.
4- 842. جامع الاحاديث، ج 14، ص 249.
5- 843. جامع الاخبار، ص 16؛ بحارالانوار، ج 39، ص 123.
6- 844. بحارالانوار، ج 97، ص 330.
7- 845. بحارالانوار، ج 36، ص 335؛ كفايه الاثر، ص 151.

«تو تقسیم کننده بهشت و جهنم هستی، دوستانت را به بهشت و دشمنانت را به جهنم داخل می کنی».

در زیارت آن حضرت نیز چنین آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلی قَسِیمِ الْجَنَّهِ وَالنّارِ»؛(1)

«سلام بر آن آقایی که تقسیم کننده بهشت و آتش است».

590 قُصُورُهُ کَعَدَدِ الْبَشَرِ

قصر و کاخ های بهشتی اش به تعداد افراد بشر است.

همچنین مراجعه شود به: حُورُهُ أَکْثَرُ مِنْ وَرَقِ الشَّجَرِ [348]

591 قَضِیبُ الْجَنَّهِ

دستگیره درب بهشت.

قضیب در لغت؛ شاخه درخت و شمشیر تیز و برّان و جایگاه دستگیری است.

حذیفه بن یمان از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ عَلِیاً قَضِیباً فِی الْجَنَّهِ، مَنْ تَمَسَّکَ بِهِ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّهِ»؛(2)

«خداوند متعال علی علیه السلام را به عنوان دستگیره درب بهشت قرار داده، هرکه به او تمسک جوید، حتماً از اهل بهشت خواهد شد».

592 الْقَمَرُ السّارِی

ماه روشنی بخش در گردش.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام همانند ماه نورانی در میان مردم است.

همچنین مراجعه شود به: فِیهِ خِصالُ الْأَنْبِیاءِ [564]

593 قَمَرُ سَمآءِ الدُّنْیا

برای اهل دنیا چون ماه آسمان است.

همچنین مراجعه شود به: شَمْسُ السَّمآءِ السّابِعَهِ [458]

594 قُوَّتُهُ قُوَّهُ داوُدَ

در شجاعت و قدرت بازو به مانند حضرت داودعلیه السلام بود.

همچنین مراجعه شود به: بَهْجَتُهُ بَهْجَهُ سُلَیمانَ [291]

595 قَوْلُهُ قَوْلُ الرَّسُولِ

سخن او سخن رسول خداصلی الله علیه وآله است.

همچنین مراجعه شود به: أَمْرُهُ أَمْرُ الرَّسُولِ [226]

596 قَوِی فِی الْبَدَنِ

از لحاظ جسمی و بدنی، بسیار شجاع و قوی است.

در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شده:

«کُنْتَ کَما قالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وآله، قَوِیاً فِی بَدَنِکَ»؛(3)

«تو همان طور که رسول خداصلی الله علیه وآله فرموده از لحاظ بدنی نیز قوی بودی».

597 کاشِفُ الْکُرُوبِ

برطرف کننده غم و اندوه.

همچنین مراجعه شود به: البَطَلُ الْجَسُورُ [281]

598 کَبِیرُ الْأُمَّهِ

بزرگ و سرور امّت اسلام.

همچنین مراجعه شود به: عالِمُ الْأُمَّهِ [514]

1- 846. بحارالانوار، ج 97، ص 305؛ مفاتيح الجنان، زيارت مطلقه ششم اميرالمؤمنين عليه السلام.
2- 847. مشارق انوار اليقين، ص 68.
3- 848. بحارالانوار، ج 97، ص 379؛ مفاتيح الجنان، زيارت مطلقه اميرالمؤمنين عليه السلام.

599 كَبِيرٌ فِی الْأَرْضِ

بین اهل زمین بزرگ و بزرگوار است.

در یکی از زیارات آن حضرت آمده:

«كُنْتَ، كَما قالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وآله، كَبِيراً فِی الْأَرْضِ، جَلِيلاً فِی السَّمآءِ»؛(1)

«تو همان گونه که رسول خداصلی الله علیه وآله فرموده است در زمین بزرگ هستی و در آسمان با عظمت و جلالت می باشی».

600 الْكَرّارُ

کرّ و کَرّه؛ رجوع. «کرّ» در جنگ؛ یعنی کسی که دائماً در حال حمله به دشمن می باشد، و هیچ فراری ندارد. از القابی است که رسول خداصلی الله علیه وآله به امیرمؤمنان علیه السلام فرموده، خصوصاً در جریان جنگ خیبر که فرمود:

«لَأَعْطِينَّ الرّايةَ غَداً رَجُلاً يحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ كَرّاراً غَيرَ فَرّارٍ لا يرْجِعُ حَتّی يفْتَحَ اللَّهُ عَلی يدَيهِ»؛(2)

«فردا پرچم را به مردی (علی علیه السلام) می دهم که هم او، خدا و رسولش را دوست دارد و هم خدا و رسولش، او را دوست دارند، او کرار (حمله برنده) غیر فرار است (فرار نمی کند)، برنمی گردد مگر اینکه خداوند پیروزی را نصیب وی کند».

601 كَرّارُ الرَّسُولِ

نقل شده که: از رسول خداصلی الله علیه وآله سؤال کردند، زاهدترین مردم کیست؟ فرمود:

«عَلِی وَصِيی وَابْنُ عَمِّی وَأَخِی وَحَيدَرِی وَكَرّارِی وَصَمْصامِی وَأَسَدِی وَأَسَدُ اللَّهِ»؛(3)

«علی وصی من، پسرعمو، برادر و حیدر و کرار من است، او شمشیر قدرت من و اسد اللّه است».

درکنار القاب «کرّار غیرفرّار» و «کرّار الرسول»، عنوان «حیدر کرّار» نیز در ادبیات فارسی به کار می رود که به شجاعت و دلاوری آن امام اشاره دارد، چنان که شاعر می گوید:(4)

همچنان در قهر جباران به تیغ ذوالفقار

هیچ کس انباز و یار حیدر کرار نیست

602 کَرامَهُ الْعَساکِرِ

کسی که موجب بزرگی و عظمت لشکر و سپاه اسلام است.

همچنین مراجعه شود به: خِصْبُ الْبِلادِ [362]

603 الْکُفْرُ بِهِ کُفْرٌ بِاللَّهِ

کافر شدن به مقام او، کافر شدن به خدا است.

همچنین مراجعه شود به: إِنْکارُهُ إِنْکارُ اللَّهِ [246]

604 کُلُّ الْإِیمانِ

تمام هستی و وجود ایمان. در غزوه احزاب (خندق) که همه دشمنان اسلام به جنگ آمده بودند، وقتی علی علیه السلام در برابر عمرو بن عبدود قرار گرفت، پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود:

1- 849. بحارالانوار، ج 97، ص 379؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
2- 850. الاحتجاج، ج 1، ص 272. کنزالعمال، ج 13، ص 123؛ جامع الاحادیث، ج 28، ص 283؛ تاریخ دمشق، ج 41، ص 219.
3- 851. بحارالانوار، ج 39، ص 73؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 259.
4- 852. فرهنگ غدیر.

«بَرَزَ الْإِيمانُ كُلُّهُ إِلَى الشِّرْكِ كُلِّهِ»؛(1)

«امروز، تمام هستی و وجود ایمان (علی علیه السلام) در برابر همه شرک، ظاهر و آشکار شده است».

605 كَلِمَةُ اللَّهِ الْعُلْيا

کلمه؛ یعنی چیزی که برای نشان دادن و بیان داشتن آنچه در نهان و ذهن است. علی علیه السلام کلمه اللّه است؛ یعنی خدای تعالی برای نشان دادن علوم و معارف و جلالت شأن خود، علی علیه السلام را خلق کرده است.(2)

رسول خداصلی الله علیه وآله در این مورد فرمود:

«عَلِی كَلِمَةُ اللَّهِ الْعُلْيا وَكَلِمَةُ أَعْدائِهِ السُّفْلى ؛(3)

«علی علیه السلام کلمه بلندمرتبه خداوند است و کلمه دشمنان او پست و پایین است».

606 كَلِمَةُ التَّقْوى

همه تقوا را در خود جمع نموده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در مورد علی علیه السلام فرمود:

«هُوَ كَلِمَةُ التَّقْوى وَعُرْوَةُ اللَّهِ الْوُثْقى ؛(4)

«او پایه و اساس تقوا و دستگیره محکم الهی است».

در قسمتی از دعای بعد از زیارت حضرت هم آمده:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ كَلِمَةُ التَّقْوى وَبابُ الْهُدى ؛(5)

«گواهی می دهم تو کلمه تقوی و باب هدایت هستی».

607 كَلِمَةُ عَدْلٍ

رسول خاتم صلی الله علیه وآله فرمود:

«إِنَّ اللّهَ تَعالی جَعَلَنِی مِیزانَ قِسْطٍ وَجَعَلَ عَلِیاً کَلِمَهَ عَدْلٍ»؛(6)

«خداوند متعال مرا ترازوی قسط قرار داد و علی را کلمه عدل قرارش داد».

608 کَلِیمُ الشَّمْسِ

امام علی علیه السلام با خورشید به گفت و گو پرداخت. و آن هم به فرمان رسول خداصلی الله علیه وآله که به آن حضرت فرمود:

«کَلِّمِ الشَّمْسَ»؛

«با خورشید سخن بگو».

تا بزرگواری و کرامت خداوند بر تو برای همه معلوم شود.

هنگامی که امام علی علیه السلام به خورشید سلام داد، خورشید در جواب گفت:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا أَخا رَسُولِ اللَّهِ وَوَصِیهُ وَحُجَّهَ اللَّهِ عَلی خَلْقِهِ»؛(7)

«سلام بر تو ای برادر و جانشین رسول خدا و ای حجّت خداوند بر بندگان».

609 کَنْزُ اللَّهِ

گنج و ذخیره خداوند.

1- 853. بحارالانوار، ج 39، ص 73؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 259.
2- 854. بحارالانوار، ج 97، ص 312.
3- 855. بحارالانوار، ج 38، ص 90؛ امالی صدوق، ص 11.
4- 856. غیبت نعمانی، ص 82. تاریخ بغداد، ج 7، ص 141؛ تاریخ مدینه دمشق، ج 42، ص 270.
5- 857. بحارالانوار ج 97، ص 294؛ اصول کافی، ج 4، ص 570.
6- 858. الصراط المستقیم، ج 1، ص 227؛ موسوعه امام علی، ج 8، ص 121.

7- 859. بحارالانوار، ج 41، ص 177؛ امالی صدوق، ص 589؛ الصراط المستقیم، ج 1، ص 246.

در بخشی از وصایای رسول خداصلی الله علیه وآله به مردم چنین آمده است:

«أَیهَا النّاسُ! هذا عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ کَنْزُ اللَّهِ الْیوْمَ وَما بَعْدَ الْیوْمِ»؛(1)

«ای مردم! این علی بن ابی طالب است گنج خدا برای امروز و فردای شما».

610 الْکَوْکَبُ الدُّرِّی

ستاره درخشنده.

همچنین مراجعه شود به: فِیهِ خِصالُ الْأَنْبِیاءِ [564]

امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلَی الْکَوْکَبِ الدُّرِّی»؛(2)

«سلام بر ستاره درخشنده (ولایت و علم)».

611 کَهْفُ الرَّسُولِ

کهف؛ یعنی پناهگاه و دژ بسیار محکم.

کهف الرسول؛ کسی که پناه رسول خداصلی الله علیه وآله است. رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«هذا أَخِی وَوَلِیی وَناصِرِی وَصَفِیی وَذُخْرِی وَکَهْفِی»؛(3)

«این علی، برادر، ولی، ناصر، صفی و ذخیره و پناه من است».

612 لا تَأْخُذُهُ فِی اللَّهِ لَوْمَهُ

فقط خدا را در نظر دارد و در این راه از هیچ ملامت و سرزنشی هراس ندارد. این بیان را رسول اکرم صلی الله علیه وآله در خطبه غدیریه خود فرمود.(4)

613 لا تَرْزَأُ الدُّنْیا مِنْهُ

سخن پیامبرصلی الله علیه وآله در مورد زهد و بی اعتنایی امام نسبت به دنیا چنین است:

«عَلِی لا یزْرَأُ مِنَ الدُّنْیا وَلا تَزْرَأُ الدُّنْیا مِنْهُ»؛(5)

«علی علیه السلام چیزی از مال دنیا اندوخته نکرد، دنیا هم برای فریب وی، چیزی از او به دست نیاورد».

614 لا حَسْرَهٌ لِمُحِبِّهِ

هنگام مرگ، حسرت وناراحتی ندارد.

حضرت فرموده است:

«یا عَلِی! حَسْبُکَ أَنْ لَیسَ لِمُحِبِّکَ حَسْرهٌ عِنْدَ مَوْتِهِ وَلا وَحْشَهٌ فِی قَبْرِهِ وَلا فَزَعٌ یوْمَ الْقِیامَهِ»؛(6)

«ای علی! برای تو همین بس که دوستانت نه حسرتی هنگام مرگ دارند و نه وحشتی در قبر و نه ترس و هراسی در روز قیامت».

615 لا وَحْشَهٌ لِمُحِبِّهِ

دوستان علی علیه السلام درقبر هیچ وحشتی ندارند.

همچنین مراجعه شود به: لا حَسْرَهَ لِمُحِبِّهِ [614]

616 لا یحْجُبُهُ مِنَ اللَّهِ حِجابٌ

هیچ حجاب و مانعی نمی تواند بین او و خدا فاصله شود.

همچنین مراجعه شود به: الْحِجابُ وَ السِّتْرُ [328]

617 لا یخْزِیهِ اللَّهُ أَبَداً

خدای تعالی هرگز او را خوار نگردانید.

1- 860. بحارالانوار، ج 22، ص 486.

2- 861. بحارالانوار، ج 97، ص 375؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.
3- 862. بحارالانوار، ج 35، ص 9؛ کشف الغمه، ج 1، ص 10.
4- 863. بحارالانوار، ج 37، ص 208؛ العدد القویه، ص 173؛ الیقین، ص 349.
5- 864. بحارالانوار، ج 40، ص 320؛ مناقب ابن شهرآشوب، ج 2، ص 93. کنز العمال، ج 11، ص 626.
6- 865. بحارالانوار، ج 39، ص 228؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 237. مودّه القربی، مودّه 9، ص 27.

از ابن عباس نقل شده: رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«لَأَبْعَثَنَّ رَجُلاً یحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ، وَلا یخْزِیهِ اللَّهُ أَبَداً»؛(1)

«هرآینه مردی را مأمور می کنم که خداوند و رسولش را دوست دارد، و خدای متعال نیز او را هرگز خوار نگرداند».

همه منتظر بودند، تا اینکه پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: علی کجاست؟!

618 لا یرْزَأُ مِنَ الدُّنْیا

چیزی از دنیا را اندوخته نکرده است.

همچنین مراجعه شود به: لا تَرْزَأُ الدُّنْیا مِنْهُ [613]

619 لا یسْتُرُهُ مِنَ اللَّهِ سَتْرٌ

هیچ پرده و پوششی بین او و خدا نیست.

همچنین مراجعه شود به: الْحِجابُ وَ السِّتْرُ [328]

620 لَحْمُهُ لَحْمُ الرَّسُولِ

با رسول خداصلی الله علیه وآله یکی است، حتی گوشت و پوست و خون او هم با گوشت و پوست و خون رسول خداصلی الله علیه وآله یکی است.

رسول خداصلی الله علیه وآله بارها به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

«أَنْتَ أَخِی وَوَصِیی وَوارِثِی، لَحْمُکَ مِنْ لَحْمِی»؛(2)

«تو برادر، جانشین و وارث من هستی، گوشت تو از گوشت من است».

621 اللُّحُوقُ بِهِ سَعادَهٌ

هرکه به او بپیوندد، سعادتمند می شود. جابر از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمود:

«فَهُوَ سَیدُ الْأَوْصِیاءِ، اَللُّحُوقُ بِهِ سَعادَهٌ وَالْمَوْتُ فِی طاعَتِهِ شَهادَهٌ»؛(3)

«علی علیه السلام، آقای جانشینان است، هرکه به او بپیوندد، سعادتمند می شود، و مرگ در راه طاعت او شهادت می باشد».

622 اللِّسانُ الشَّکُورُ

زبان بسیار سپاسگزار. کسی که سر تا پا به شکر و سپاس خدا مشغول است.

همچنین مراجعه شود به: اَلْبَطَلُ الْجَسُورُ [281]

623 لَمْ یکُنْ فَظّاً عَجُولاً

در امورش سخت گیر و شتاب زده نیست.

همچنین مراجعه شود به: اِتِّباعُهُ فَضِیلَهٌ [147]

624 لَمْ یکُنْ مُتَعَنِّداً

عنادورز و کینه توز نیست.

همچنین مراجعه شود به: اِتِّباعُهُ فَضِیلَهٌ [147]

625 لَوْلاهُ لَمْ یکُنْ ثَوابٌ و لا عِقابٌ

اگر علی علیه السلام نبود، ثواب و عقاب هم نبود.

همچنین مراجعه شود به: الْحِجابُ وَ السِّتْرُ [328]

626 لَوْلاهُ ما بانَ الْحَقُ

اگر علی علیه السلام نبود حقّ و باطل معلوم نمی شد.

همچنین مراجعه شود به: الْحِجابُ وَ السِّتْرُ [328]

627 لَوْلاهُ ما بانَ الْمُؤْمِنُ

اگر امیرالمؤمنین علیه السلام نبود، مؤمن از کافر شناخته نمی شد.

همچنین مراجعه شود به: الْحِجابُ وَ السِّتْرُ [328]

1- 866. مسند احمد، ج 7، ص 143؛ سنن نسائی، ج 5، ص 113؛ اتحاف الخیره ج 7، ص 196؛ تاریخ دمشق ج 42، ص 98.
2- 867. امالی صدوق، ص 169؛ اقبال الاعمال، ص 296. کنز العمال، ج 11، ص 607؛ تاریخ دمشق، ج 42، ص 471؛ جامع الاحادیث، ج 23، ص 90.
3- 868. بحارالانوار، ج 38، ص 92؛ امالی صدوق، مجلس 6، حدیث 5. ینابیع الموده، باب 12.

628 لَوْلاهُ ما عُبِدَ اللَّهُ

اگر امام عابدان نبود، خدا هم عبادت نمی شد.

همچنین مراجعه شود به: الْحِجابُ وَ السِّتْرُ [328]

629 لَوْلاهُ ما عُرِفَ الْمُؤْمِنُونَ

اگر علی علیه السلام نبود، مؤمنان شناخته نمی شدند.

رسول خداصلی الله علیه وآله خطاب به علی علیه السلام فرمود:

«لَوْلاکَ یا عَلِی! ما عُرِفَ الْمُؤْمِنُونَ مِنْ بَعْدِی»؛(1) «ای علی! اگر تو نبودی، پس از من، مؤمنان شناخته نمی شدند».

630 اللَّیثُ الْهَصُورُ

قهرمان و شیر بیشه شجاعت.

همچنین مراجعه شود به: البَطَلُ الْجَسُورُ [281]

631 الْمُؤَدِّی

ادا کننده وظایف رسول خداصلی الله علیه وآله.

عایشه از پدرش نقل می کند: رسول خداصلی الله علیه وآله در روز غدیر دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود:

«هذا وَلِیی وَالْمُؤَدِّی عَنِّی، وَإِنَّ اللَّهَ مُوالٍ لِمَنْ والاهُ وَمُعادٍ لِمَنْ عاداهُ»؛(2)

«این آقا، دوستدار من و ادا کننده وظایف من است، و همانا خدای تعالی دوست دارد کسی که او را دوست بدارد و دشمن است با کسی که او را دشمن بدارد».

در یکی از زیارات آن حضرت آمده است:

«وَالْمُؤَدِّی عَنْ نَبِیهِ»؛(3)

«وظایف رسول خداصلی الله علیه وآله را ادا می کند».

632 مُؤَمَّلُ الْمُسْلِمِينَ

محل آرزوی همه مسلمانان.

حضرت در بیانی فرمود:

«عَلِی سَیدٌ مُبَجَّلٌ مُؤَمَّلُ الْمُسْلِمِینَ، وَأَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ»؛(4)

«علی علیه السلام، آقایی است بزرگوار، که آرزوگاه مسلمانان و امیر مؤمنان می باشد».

633 الْمَأْمُونُ

از اسامی آسمانی امام علی علیه السلام مأمون است؛ امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: در آن شب که رسول خداصلی الله علیه وآله رحلت فرمود، وصایا و سفارشاتی به من نمود؛ از جمله فرمود:

«سَمّاکَ اللَّهُ فِی السَّمآءِ عَلِیاً الْمُرْتَضی وَأَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ وَالصِّدِّیقُ الْأَکْبَرُ وَالْفارُوقُ الْأَعْظَمُ وَالْمَأْمُونُ وَالْمَهْدِی»؛(5)

«خداوند تو را در آسمان به این اسامی نامیده است؛ علی مرتضی، امیرمؤمنان، صدیق اکبر، فاروق اعظم، مأمون و مهدی».

634 مُؤَیدُ الرَّسُولِ

تأیید کننده و یاری رساننده به پیامبرصلی الله علیه وآله. از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود:

«دو هزار سال قبل از خلقت آسمان ها و زمین، بر درب بهشت نوشته شده بود: «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، أَیدْتُهُ بِعَلِیّ».(6)

1- 869. جامع الاحادیث، ج 31، ص 159.
2- 870. السنن الکبری، ج 5، ص 107؛ سنن النسائی، ج 5، ص 134.
3- 871. بحارالانوار، ج 87، ص 31.
4- 872. المحاسن والمساوی، ج 1، ص 31.
5- 873. بحارالانوار، ج 36، ص 261؛ غیبت طوسی، ص 150.

6- 874. الدرّ المنثور، ج 4، ص 486؛ كنز العمال ج 11، ص 624؛ المعجم الكبير، ج 22، ص 200؛

635 ما عَرَفَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّسُولُ

غیر خدا و رسولش او را نشناختند.

حضرت فرمود:

«یا عَلِی! ما عَرَفَ اللَّهُ إِلّا أَنَا وَأَنْتَ، وَما عَرَفَنِی إِلَّا اللَّهُ وَأَنْتَ، وَما عَرَفَکَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَا»؛(1)

«ای علی! غیر از من و تو کسی خدا را نشناخت، من را هم کسی جز خدا و تو نشناخت، تو را هم غیر از خدا و من نشناخت».

636 الْمُبَجَّلُ

سید و بزرگوار، آقا.

همچنین مراجعه شود به: مُؤَمَّلُ الْمُسْلِمِینَ [632]

637 مُبْغِضُهُ مُبْغِضُ اللَّهِ

رسول خداصلی الله علیه وآله از جانب خدای تعالی نقل می کند که در مورد علی علیه السلام فرموده:

«مَنْ أَحَبَّهُ أَحَبَّنِی وَمَنْ أَبْغَضَهُ أَبْغَضَنِی، فَبَشِّرْ بِذلِکَ»؛(2)

«هرکه علی را دوست داشته باشد مرا دوست داشته و هرکه او را دشمن بدارد مرا دشمن داشته است. او را به این موهبت بشارت ده».

638 مُبْغِضُهُ مُبْغِضُ الرَّسُولِ

جایگاه و شخصیت و مقام امام علی علیه السلام به گونه ای است که اگرکسی بااو دشمنی و عداوت و بغض داشته باشد، گویا با رسول خداصلی الله علیه وآله دشمنی کرده است.

حضرت فرمود:

«خُلِقْتُ أَنَا وَعَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ مِنْ نُورٍ واحِدٍ، فَمُحِبِّی مُحِبُّ عَلِیّ وَمُبْغِضِی مُبْغِضُ عَلِیّ»؛(3)

«من و علی علیهما السلام از یک نور واحد خلق شدیم، پس دوستدار من دوست علی علیه السلام است و دشمن من دشمن علی علیه السلام است».

639 مُبْغِضُهُ مُنافِقٌ

هرکه با علی علیه السلام بغض و کینه داشته باشد، منافق است.

همچنین مراجعه شود به: الرّآدُّ عَلَیهِ زاهِقٌ [404]

640 مُبِیدُ الشُّبَهاتِ

هر نوع شک و شبهه را از بین می برد.

همچنین مراجعه شود به: رَأْسُ الدِّینِ [403]

641 مُبِیدُ الشِّرْکِ

شرک و بت پرستی را نابود کرد.

همچنین مراجعه شود به: رَأْسُ الدِّینِ [403]

642 الْمُبَیِنُ

امام علی علیه السلام بیان کننده و توضیح دهنده مبهمات و مشتبهات و آنچه را که امّت در آن به مشکل افتاده اند، می باشد. رسول خداصلی الله علیه وآله خطاب به امام علی علیه السلام فرمود:

«أَنْتَ تُبَینُ لَهُمْ مَا اشْتَبَهَ عَلَیهِمْ بَعْدِی»؛(4)

«تو برای مردم بیان خواهی کرد هرآنچه را که برای آنان مشتبه شده است».

و نیز فرمود:

1- 875. موسوعه امام علی علیه السلام، ج 8، ص 185.

2- 876. بحارالانوار، ج 18، ص 371؛ موسوعه امام على، ج 11، ص 185. كنز العمال، ج 11، ص 601.
3- 877. بحارالانوار، ج 39، ص 266؛ الفضائل، ص 96.
4- 878. امالى طوسى، ص 351؛ كشف الغمه، ج 1، ص 398؛ الطرائف، ج 2، ص 521.

«عَلِی بابُ عِلْمِی وَمُبَینٌ لِأُمَّتِی ما أُرْسِلْتُ بِهِ مِنْ بَعْدِی»؛(1)

«علی درب علم من است و آنچه را بر من نازل شده، پس از من برای امّتم بازگو می کند».

643 الْمُتَرْجِمُ

قرآن را تفسیر و ترجمه می کند.

همچنین مراجعه شود به: أَفْضَلُ مِنْ کِتابِ اللَّهِ [191]

644 الْمُتَواضِعُ فِی النَّفْسِ

خودش را بسیار پایین می گیرد و تواضع دارد. در یکی از زیارات آن حضرت آمده:

«کُنْتَ کَما قالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وآله، قَوِیاً فِی بَدَنِکَ، مُتَواضِعاً فِی نَفْسِکَ»؛(2)

«تو همان طور که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: در راه خدا بسیار قوی؛ امّا نزد خودت متواضع بودی».

645 الْمُتَوَلِّی

ولی و سرپرست و صاحب اختیار. در اینجا مراد ولایت الهی است.

همچنین مراجعه شود به: دَیانُ هذِهِ الْأُمَّهِ [392]

646 الْمُجادِلُ

رسول خداصلی الله علیه وآله در خطبه غدیر فرمود:

«مَعاشِرَ النّاسِ! هُوَ ناصِرُ دِینِ اللَّهِ وَالْمُجادِلُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ»؛(3)

«ای مردم! علی یاور دین خدا و مددکار رسول خداصلی الله علیه وآله است».

647 الْمُجْتَبی لِلْإِمامَهِ

برگزیده و انتخاب شده برای امامت.

علی علیه السلام از جانب خدا برای امامت مسلمانان برگزیده شده؛ چنان که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ أَخِی وَأَنَا أَخُوکَ، وَأَنَا الْمُصْطَفی لِلنُّبُوَّهِ وَأَنْتَ الْمُجْتَبی لِلْإِمامَهِ»؛(4)

«ای علی! تو برادر منی و من برادر توام، من برای پیامبری انتخاب شدم و تو برای امامت».

648 الْمُحارِبُ لَهُ مارِقٌ

هرکه با او جنگ و محاربه کند، از دین خارج شده است.

همچنین مراجعه شود به: الرّآدُّ عَلَیهِ زاهِقٌ [404]

649 مُحِبُّ اللَّهِ

خدا را دوست دارد، آن هم محبت واقعی که هم خدا و هم رسول گرامی اش آن را تأیید کرده و بارها فرموده اند: علی علیه السلام کسی است که «یحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَیحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ»؛(5)

«هم او خدا و رسولش را دوست دارد و هم خدا و رسولش او را دوست دارند».

همچنین مراجعه شود به: الْکَرّارُ [600]

650 مُحِبُّ الرَّسُولِ

رسول خداصلی الله علیه وآله را دوست دارد.

همچنین مراجعه شود به: مُحِبُّ اللَّهِ [649]

1- 879. کنز العمال، ج 11، ص 614؛ الفردوس دیلمی، ج 2، ص 316.

2- 880. اصول کافی، ج 1، ص 454؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام.
3- 881. بحارالانوار، ج 37، ص 210؛ الاحتجاج، ج 1، ص 62.
4- 882. وسائل الشیعه، ج 27، ص 188؛ امالی صدوق، ص 331.
5- 883. اصول کافی، ج 1، ص 293؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 127؛ کشف الیقین، ص 313؛ نهج الحق، ص 391. المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 40؛ شعب الایمان، ج 1، ص 88؛ تاریخ الخلفاء، ج 1، ص 150.

651 مَحْبُوبُ اللَّهِ

خدای تعالی او را دوست دارد.

همچنین مراجعه شود به: مُحِبُّ اللَّهِ [649]

652 مَحْبُوبُ الرَّسُولِ

رسول خداصلی الله علیه وآله او را دوست دارد.

این محبت از همان زمانی شروع شد که علی علیه السلام به دنیا آمد و در دامان فاطمه بنت اسد بزرگ شد، آن قدر به حضرت علاقه و محبت داشت که به مادرش می فرمود: گهواره او را نزدیک رختخواب من بگذار.(1)

همچنین مراجعه شود به: مُحِبُّ اللَّهِ [649]

653 مَحْبُوبُ الْمَساكِينَ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ

مستضعفان و مستمندان او را دوست دارند.

یک نوع دوستی که خدای تعالی آن را در دل ایشان انداخته است.

و فرمایش رسول خداصلی الله علیه وآله است که فرمود:

«یاعَلِی! إِنَ اللَّهَ تَبارَکَ وَتَعالی وَهَبَ لَکَ حُبَّ الْمَساکِینَ وَالْمُسْتَضْعَفِینَ»؛ (2)

«ای علی! خدای تعالی دوستی مستمندان و مستضعفان را به تو بخشیده است».

654 مُحِبُّهُ مُؤْمِنٌ

دوست دار او مؤمن است.

همچنین مراجعه شود به: الرّآدُّ عَلَیهِ زاهِقٌ [404]

655 مُحِبُّهُ مُحِبُّ اللَّهِ

هرکس او را دوست بدارد، خدا را دوست داشته است.

همچنین مراجعه شود به: مُبْغِضُهُ مُبْغِضُ اللّهِ [637]

656 مُحِبُّهُ مُحِبُّ الرَّسُولِ

دوستدار او دوستدار رسول خداصلی الله علیه وآله است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام کسی است که هرکس او را دوست داشته باشد، رسول خداصلی الله علیه وآله را دوست داشته است؛ از جمله فرمود:

«مَنْ أَحَبَّ عَلِیاً أَحَبَّنِی وَمَنْ أَبْغَضَ عَلِیاً فَقَدْ أَبْغَضَنِی»؛(3)

«هرکس علی علیه السلام را دوست بدارد، مرا دوست داشته و هرکس علی علیه السلام را دشمن بدارد، با من دشمنی کرده است».

همچنین مراجعه شود به: أَمْرُهُ أَمْرُ الرَّسُولِ [226]

657 الْمُحَدَّثُ

از عالم بالا با او سخن گفته می شود؛ ولی به چشم چیزی نمی بیند. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

«إِنَّ عَلِیاً صِدِّیقُ هذِهِ الْأُمَّهِ وَفارُوقُها وَمُحَدَّثُها»؛(4)

«همانا علی علیه السلام، صدّیق و فاروق و محدّث این امّت است».

658 الْمَحْمُودُ عِنْدَ الْحَقِّ

نزد خدا پسندیده و مورد رضایت است.

همچنین مراجعه شود به: جُنَّهُ الرَّسُولِ [304]

659 مِحْنَهُ الْوَرى

مورد آزمایش و امتحان برای خلق است و مردم به واسطه او امتحان می شوند.

همچنین مراجعه شود به: إِمامُ أَهْلِ الدُّنْیا [211]

1- 884. بحارالانوار، ج 35، ص 9.
2- 885. بحارالانوار، ج 36، ص 347.
3- 886. الریاض النضره ج 1 ص 249؛ کنزالعمال ج 11 ص 601.
4- 887. بحارالانوار، ج 38، ص 216؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 90؛ امالی صدوق، ص 31.

660 مُحْیی السُّنَّهِ

سنّت پیامبرصلی الله علیه وآله را زنده می کند.(1)

همچنین مراجعه شود به: الْقآئِمُ بِحُجَّهِ النَّبِیّ [572]

661 مُخالِفُهُ کافِرٌ

هرکه با امام مخالفت کند، کافر به خدا است.

همچنین مراجعه شود به: الرّآدُّ عَلَیهِ زاهِقٌ [404]

662 مَخْذُولٌ مَنْ خَذَلَهُ

هرکه او را خوار کند و قدمی علیه او بردارد، در حقیقت، خود را به زحمت انداخته و خوار نموده است.(2)

همچنین مراجعه شود به: إِمامُ الْبَرَرَهِ [213]

663 مَخْضُوبُ اللَّحْیهِ

سر و صورت و محاسنش به خون سرش خضاب و رنگین شده است.(3)

همچنین مراجعه شود به: دِینُهُ سالِمٌ [394]

664 مَدِینَهُ هُدی

شهر هدایت.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«إِنَّ عَلِیاً مَدِینَهُ هُدی فَمَنْ دَخَلَها نَجی وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْها هَلَکَ»؛(4)

«همانا علی شهر هدایت است، هرکه به آن داخل شود نجات می یابد و هرکه از آن تخلف نماید هلاک می شود».

665 الْمُرْتَضی

از اسامی آسمانی امام و به معنای پسندیده خدای تعالی است.

همچنین مراجعه شود به: اَلْمَأْمُونُ [632]

ابن عباس می گوید:

«کان عَلِیاً یتْبَعُ فِی جَمِیعِ أَمْرِهِ مَرْضاهَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَلِذلِکَ سُمِّی الْمُرْتَضی ؛ (5)

«علی علیه السلام پیوسته و در تمام امور تابع رضایت خدا و رسولش بود؛ پس او را مرتضی نامیدند».

و در بخشی از زیارت حضرت آمده:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَبْدِکَ الْمُرْتَضی ؛(6)

«خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و درود فرست بر علی علیه السلام که امیرمؤمنان و بنده پسندیده و مرتضای توست».

666 مَرْضِی اللَّهِ

مورد رضایت خدا است و خداوند از وی راضی و خشنود است.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: روزی محضر پیامبر خداصلی الله علیه وآله رسیدم که فرمود:

«أَصْبَحْتُ وَاللَّهِ یا عَلِی! عَنْکَ راضِیاً، وَأَصْبَحَ وَاللَّهِ رَبُّکَ عَنْکَ راضِیاً، وَأَصْبَحَ کُلُّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَهٍ عَنْکَ راضِینَ إِلی أَنْ تَقُومَ السّاعَهُ»؛(7)

1- 888. تاریخ دمشق، ج 42، ص 481.
2- 889. بحارالانوار، ج 36، ص 332 و ج 33، ص 51؛ کشف الغمّه، ج 1، ص 256. الصواعق المحرقه، ص 75؛ ینابیع المودّه، باب 56، ص 78.
3- 890. کنز العمال، ج 11، ص 617.
4- 891. بحارالانوار، ج 10، ص 121؛ الاختصاص، ص 237؛ امالی صدوق، ص 343؛ التوحید صدوق، ص 307؛
5- 892. بحارالانوار، ج 35، ص 60.

6- 893. بحارالانوار، ج 97، ص 307؛ مفاتيح الجنان، زيارت مطلقه اميرالمؤمنين.
7- 894. بحارالانوار، ج 35، ص 358.

«به خدا قسم ای علی! من در حالی صبح کردم که از تو راضی هستم، خدا هم از تو راضی است و هر مرد و زن مؤمنی هم از تو راضی است، تا روزی که قیامت برپا شود».

667 مَرْضِی الرَّسُولِ

مورد رضایت رسول خدا است و حضرت از او خشنود است.

همچنین مراجعه شود به: مَرْضِی اللَّهِ [666]

668 الْمُزَکّی عِنْدَ الْمَلائِکَهِ

نزد فرشتگان، پاک و بی عیب است.

همچنین مراجعه شود به: جُنَّهُ الرَّسُولِ [304]

669 الْمُسْتَخْلَفُ

جانشین برگزیده.

حضرت فرمود:

«یا عَلِی! إِنَّکَ (مُؤْمِنٌ) مُسْتَخْلَفٌ، وَأَنَّکَ مَقْتُولٌ وَأَنَّ هذِهِ مَخْضُوبَهٌ مِنْ هذِهِ»؛ (1)

«ای علی! همانا تو مؤمن و جانشین برگزیده بعد از من هستی؛ لکن تو مقتول و شهید خواهی شد و اینها (ریش تو) به اینها (خون سرت) خضاب و رنگین می شود.

670 الْمُسْتَوْدَعُ

مستودع از ودیعه؛ کسی که چیزی را نزد او به امانت و ودیعه گذاشته اند. امام علی علیه السلام امانت دار مواریث تمام پیامبران و امانت دار سرّ و علم رسول خداصلی الله علیه وآله است. چنان که رسول خداصلی الله علیه وآله به ایشان فرمود:

«أَنْتَ مُسْتَوْدَعُ مَوارِیثِ الْأَنْبِیاءِ»؛(2)

«تو امانت دار مواریث پیامبران می باشی».

حضرت علی علیه السلام نیز فرمود:

«أَنَا وَصِیهُ وَوَزِیرُهُ وَمُسْتَوْدَعُ سِرِّهِ وَعِلْمِهِ»؛(3)

«من وصی و وزیر رسول خدا و امانت دار سرّ و علم او هستم».

امام صادق علیه السلام نیز در زیارت آن حضرت چنین سلام می کند:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ عِلْمِ النَّبِیینَ، وَمُسْتَوْدِعَ عِلْمِ الْأَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ»؛(4)

«سلام بر تو ای وارث علم پیامبران خدا و محل ودیعه و امانت اسرار علم اولین و آخرین».

671 الْمُشْتَمِلُ عَلَی الْجَمِیلِ

زیبایی ها را در خود جمع کرده است.

همچنین مراجعه شود به: الْجامِعُ لِلْمَکارِمِ [300]

672 الْمُشَفَّعُ

شفاعتش به اذن و رضای خدا پذیرفته شده.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در این باره فرمود:

«إِنِّی لَأُشَفِّعُ یوْمَ الْقِیامَهِ فَأُشَفَّعُ وَیشَفِّعُ عَلِی فَیشَفَّعُ وَیشَفِّعُ أَهْلُ بَیتِی فَیشَفَّعُونَ»؛(5)

«من در روز قیامت شفاعت می کنم و شفاعتم قبول می شود. علی علیه السلام شفاعت می کند و شفاعتش پذیرفته می شود. اهل بیت من نیز شفاعت می کنند و شفاعت ایشان تأیید می شود».

1- 895. کنزالعمال، ج 13، ص 136؛ ینابیع الموده، ج 2، ص 86؛ جامع الاحادیث، ج 33، ص 494.

2- 896. بحارالانوار، ج 40، ص 52؛ امالی صدوق، ص 306.
3- 897. بحارالانوار، ج 28، ص 185؛ الاحتجاج، ج 1، ص 73.
4- 898. بحارالانوار، ج 97، ص 375؛ اقبال الاعمال، ص 608؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.
5- 899. بحارالانوار، ج 8، ص 43.

673 مِصْباحُ الدُّجی

چراغ روشن برای شب تار و بسیار تاریک.

این لقبی است که خدای تعالی به وسیله آن امیرالمؤمنین علیه السلام را مفتخر فرموده؛ چنان که پیامبرصلی الله علیه وآله از قول جبرئیل به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که خدای تعالی فرموده است:

«إِنَّ عَلِیاً إِمامُ الْهُدی وَمِصْباحُ الدُّجی وَالْحُجَّهُ عَلی أَهْلِ الدُّنْیا»؛(1)

«همانا علی علیه السلام امام هدایت و چراغ شب ظلمانی و حجت بر تمام اهل دنیاست».

سخن رسول خداصلی الله علیه وآله نیز چنین است:

«یا عَلِی! أَنْتَ مِصْباحُ الدُّجی وَأَنْتَ مَنارُ الْهُدی ؛(2)

«ای علی! تو چراغ شب تاریک و نور هدایت مردم هستی».

674 مِصْباحُ الرَّسُولِ

چراغ راه پیامبرصلی الله علیه وآله.

همچنین مراجعه شود به: جُنَّهُ الرَّسُولِ [304]

675 مِصْباحُ النَّجاهِ

چراغ راه نجات بندگان.

همچنین مراجعه شود به: إِمامُ التُّقی [214]

676 الْمُضْطَهَدُ

کنار زده شده و مقهور و مظلوم واقع شده.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ وَصِیی مِنْ بَعْدِی وَأَنْتَ الْمَظْلُومُ الْمُضْطَهَدُ بَعْدِی»؛(3)

«ای علی! تو وصی بعد از من هستی و تو مظلوم و مقهور بعد از من هستی».

677 الْمُطَهَّرُ

پاک و پاکیزه است و از هرگونه عیب و گناه و تقصیر و اشتباهی مبرّا و معصوم می باشد.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«یا أَیهَا النّاسُ! أَطِیعُوا عَلِیاً فَإِنَّهُ مُطَهَّرٌ مَعْصُومٌ»؛(4)

«ای مردم! از علی اطاعت کنید، که همانا او مطهر و معصوم است».

و امام صادق علیه السلام نیز شهادت می دهد:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ طُهْرٌ طاهِرٌ مُطَهَّرٌ، مِنْ طُهْرٍ طاهِرٍ مُطَهَّرٍ»؛(5)

«من گواهی می دهم که تو پاک پاک بودی و پاک شده از نسل پاک پاکان بودی».

678 الْمَظْلُومُ

حقّش پایمال و به او ستم شده است.

همچنین مراجعه شود به: الْمُضْطَهَدُ [676]

679 مَعْدِنُ حُکْمِ الرَّسُولِ

رسول خداصلی الله علیه وآله خطاب به امام علی علیه السلام فرمود:

«أَنْتَ وارِثُ عِلْمِی وَمَعْدِنُ حُکْمِی وَالْإِمامُ بَعْدِی»؛(6)

«ای علی! تو وارث علم و معدن حکم من، و امام بعد از من می باشی».

1- 900. بحارالانوار، ج 27، ص 113؛ مائه منقبه، ص 56؛ التمحیص، ص 622.

2- 901. امالی صدوق، ص 306؛ بشاره المصطفی، ص 54.
3- 902. بحارالانوار، ج 38، ص 329؛ مائه منقبه، ص 59. کنز الفوائد، ج 2، ص 52.
4- 903. موسوعه امام علی علیه السلام، ج 2، ص 247.
5- 904. بحارالانوار، ج 97، ص 305؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 589؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
6- 905. بحارالانوار، ج 36، ص 340؛ کفایه الاثر، ص 166.

680 الْمَعْصُومُ

پاک و مبرّا از گناه.

ادلّه و شواهد قرآنی و روایات فراوانی بر عصمت امامان، به ویژه امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شده است.

همچنین مراجعه شود به: الْمُطَهَّرُ [677]

681 مَعْصِيتُهُ مَقْرُونَةٌ بِمَعْصِيهِ اللَّهِ

نافرمانی از او، نافرمانی از خداوند است.

همچنین مراجعه شود به: طاعَتُهُ مَقْرُونَةٌ بِطاعَهِ اللَّهِ [503]

682 مَعْصِيتُهُ مَعْصيهُ الرَّسُولِ

هرکه از علی علیه السلام نافرمانی کند، گویا از رسول خداصلی الله علیه وآله نافرمانی کرده است.

همچنین مراجعه شود به: طاعَتُهُ طاعَهُ الرَّسُولِ [502]

683 مُعَلِّمُ الْأُمَّهِ

معلّم امّت پیامبرصلی الله علیه وآله.

همچنین مراجعه شود به: الْقآئِمُ بِحُجَّهِ النَّبِىّ [572]

684 مُعَلِّمُ الْقُرْآنِ

معلّم قرآن کتاب الهی.

رسول خداصلی الله علیه وآله در مورد آن حضرت فرمود:

«عَلِى يعَلِّمُ النّاسَ بَعْدِى مِنْ تَأْوِيلِ الْقُرْآنِ ما لا يعْلَمُونَ»؛(1)

«علی علیه السلام معلم قرآن مردم است بعداز من، تأویل و تفسیرقرآن و آنچه نمی دانند به آنان می آموزد».

685 الْمَغْفُورُ

با تأیید رسول خداصلی الله علیه وآله بخشیده شده خدایی است. حضرت در بیانی به وی فرمود:

«أَلا أُعَلِّمُکَ کَلِماتٍ إِذا قُلْتَهُنَّ: غَفَرَ اللَّهُ لَکَ وَإِنْ کُنْتَ مَغْفُوراً لَکَ، قالَ: قُلْ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِی الْعَظِیمُ، لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِیمُ الْکَرِیمُ، لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ سُبْحانَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ»؛(2)

«آیا می خواهی کلماتی به تو تعلیم کنم که هرگاه بگویی خدا تو را ببخشد؛ هرچند تو بخشیده شده خدایی، فرمود: بگو لا إله إلّا اللّه ...».

686 الْمُفارَقُ

رسول اکرم صلی الله علیه وآله در بیانی فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ الْمُفارَقُ بَعْدِی»؛(3)

«ای علی! بعد از من همه از تو جدا می شوند».

687 مِفتاحُ الْحِکْمَهِ

کلید حکمت.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«مَعاشِرَ النّاسِ! أَنَا دارُ الْحِکْمَهِ وَعَلِی مِفْتاحُها وَلَنْ یوصَلَ إِلَی الدّارِ إِلّا بِالْمِفْتاحِ»؛(4)

«ای مردم! من خانه حکمت هستم و علی کلید آن است، و کسی نمی تواند وارد آن خانه شود مگر به وسیله کلید آن».

688 مِفْتاحُ الْخَزائِنِ

کلید گنج.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

1- 906. موسوعه امام على، ج 9، ص 51؛ شواهد التنزيل، ج 1، ص 39.
2- 907. موسوعه امام على، ج 8، ص 146. البحر الزخار، ج 2، ص 295؛ المعجم الصغير، ج 1، ص 218؛ السنن الكبرى، ج 4، ص 397؛ جامع الاحاديث، ج 5، ص 477.
3- 908. بحارالانوار، ج 38، ص 111؛ عيون اخبار الرضا، ج 2، ص 6.
4- 909. امالى صدوق، مجلس 56، ص 8.

«أَنَا خَزانَهُ الْعِلْمِ وَعَلِی مِفْتاحُهُ، فَمَنْ أَرادَ الْخَزانَهَ فَلْیأْتِ الْمِفْتاحَ»؛(1)

«من گنجینه علم و دانش هستم و علی کلید آن است، هر که می خواهد به آن گنجینه برسد باید به دنبال کلید آن باشد».

689 مُفْتَرَضُ الطّاعَهِ

اطاعت از فرامین و اوامر او بر همه واجب و فرض است.

رسول اکرم صلی الله علیه وآله در خطبه روز غدیر، در مورد امام علی علیه السلام فرمود:

«فَاعْلَمُوا مَعاشِرَ النّاسِ! أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَکُمْ وَلِیاً وَإِماماً مُفْتَرَضاً طاعَتُهُ عَلَی الْمُهاجِرِینَ وَالْأَنْصارِ، وَعَلَی التّابِعِینَ لَهُمْ بِإِحْسانٍ، وَعَلَی الْبادِی وَالْحاضِرِ وَعَلَی الْأَعْجَمِی ّ وَالْعَرَبِی ّ، وَالْحُرِّ وَالْمَمْلُوکِ، وَالصَّغِیرِ وَالْکَبِیرِ، وَعَلَی الْأَبْیضِ وَالْأَسْوَدِ»؛(2)

«ای مردم بدانید خدای تعالی علی علیه السلام را به عنوان رهبر و امام شما منصوب کرد، و اطاعت او را واجب نمود بر همه مهاجران و انصار و تابعین ایشان و بر هر بیابانی و شهری، و هر عجم و عرب، بنده و آزاد، کوچک و بزرگ، و سفید و سیاه».

در زیارت آن حضرت هم آمده:

«أَشْهَدُ أَنَّ طاعَتَکَ مُفْتَرَضَهٌ»؛(3)

«گواهی می دهم اطاعت و پیروی از تو، واجب و فریضه است».

و در تلقین میت نیز گفته می شود:

«أَشْهَدُ أَنَّ عَلِیاً وَصِیهُ، وَهُوَ الْخَلِیفَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَالْإِمامُ الْمُفْتَرَضُ الطّاعَهِ مِنْ بَعْدِهِ»؛(4)

«گواهی می دهم علی علیه السلام وصی رسول خداصلی الله علیه وآله و جانشین بعد از ایشان است، و او امامی است که اطاعتش بعد از پیامبر واجب است».

690 مُفَرِّجُ الْكَرْبِ

گرفتاری ها و مشکلات را حل می کند و گشایش و فرج می آورد.

رسول خداصلی الله علیه وآله این عنوان را برای امام علی علیه السلام برگزیده و بارها تکرار فرموده که "تو مفرّج الکرب عن وجهی" هستی؛ به گونه ای که برای دیگران هم عادی شده بود؛ مثلاً در یک مورد پرونده اختلافی را به عمر ارجاع دادند، نتوانست جواب دهد، گفت:

«أَینَ أَبُوالْحَسَنِ مُفَرِّجُ الْکَرْبِ؟»؛(5)

«کجاست علی، که او گشاینده مشکلات است».

691 مُفَرِّجُ الْهَمِّ

گشاینده و برطرف کننده همّ و غمّ.

همچنین مراجعه شود به: إِمامُ التُّقی [214]

692 الْمُقاتِلُ

با دشمنان خدا، ناکثین و قاسطین و مارقین جهاد خواهد کرد.

همچنین مراجعه شود به: الْمُجاهِدُ [96]

1- 910. بحارالانوار، ج 40، ص 201؛ عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 74.
2- 911. بحارالانوار، ج 37، ص 132؛ الاحتجاج، ج 1، ص 59.
3- 912. بحارالانوار، ج 97، ص 325.
4- 913. اصول کافی، ج 3، ص 122؛ مفاتیح الجنان، کیفیت تلقین.
5- 914. بحارالانوار، ج 40، ص 234؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 367.

693 الْمُقْتَدی

امام، جلودار و پیشوای عدّه ای است و آنان به وی اقتدا کردند و به دنبال وی می روند.

این یکی از القاب آن حضرت است.(1) و این هم فرمایش رسول خداصلی الله علیه وآله که فرمود:

«وَمَنِ اقْتَدی بِهِ هَداهُ»؛(2)

«هرکه به او اقتدا کند، هدایت می شود و به مقصد می رسد».

694 الْمُقْتَفی لِأَثَرِهِ لاحِقٌ

هرکه پیروی امام را بکند، به حقیقت رسیده.

همچنین مراجعه شود به: الرّآدُّ عَلَیهِ زاهِقٌ [404]

695 الْمَقْتُولُ

کشته شده و شهید.

همچنین مراجعه شود به: الْمُسْتَخْلَفُ [669]

696 مُقِیمُ الْحُجَّهِ

اقامه کننده و برپا دارنده حجّت خداوند.

پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله فرمود: جبرئیل به من گفت: خداوند به شما سلام می رساند و می فرماید:

«مُحَمَّدٌ نَبِی رَحْمَتِی وَعَلِی مُقِیمُ حُجَّتِی»؛(3)

«محمّد پیامبر رحمت من است و علی برپا دارنده حجّت من است».

697 مَلَکُ الْمَوْتِ أَمامَهُ

در هنگام جنگ، ملک الموت در برابر او، در حرکت بود.

همچنین مراجعه شود به: جَبْرَئِیلُ عَنْ یمِینِهِ [301]

698 الْمَمْسُوسُ

امام علی علیه السلام به جهت شدت علاقه، محبت و جلب رضایت خدا، چیز دیگری را در نظر نمی گیرد، گویا مجنون و دیوانه خدا است.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«إِنَّ عَلِیاً مَمْسُوسٌ فِی ذاتِ اللَّهِ»؛(4)

«همانا علی مجنون و دلباخته ذات خدا است».

699 مَنارُ الْأَنامِ

تابلو و راهنمای همه بندگان.

روایت شده: رسول خداصلی الله علیه وآله در مورد آیه شریفه «وَلِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ» به علی علیه السلام فرمود:

«أَنْتَ مَنارُ الْأَنامِ وَرایهُ الْهُدی وَأَمِینُ الْقُرْآنِ»؛(5)

«تو راهنمای مردم و پرچم هدایت هستی، و تو امین قرآن می باشی».

700 مَنارُ الْإِیمانِ

نشانه و نمایشگر ایمان به خدا.

پیامبرصلی الله علیه وآله دست علی علیه السلام را به سینه چسبانید و خطاب به ایشان فرمود:

«یاعَلِی! أَنْتَ أَصْلُ الدِّینِ وَمَنارُالْإِیمانِ وَغایهُ الْهُدی ؛(6)

«ای علی! تو اصل و اساس دین و نشانه بلند ایمان و مقصد هدایت هستی».

1- 915. مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 278.

2- 916. بحارالانوار، ج 36، ص 226؛ امالی صدوق، ص 26.
3- 917. امالی صدوق، مجلس 94، حدیث 10.
4- 918. بحارالانوار، ج 107، ص 31 و ج 39، ص 313؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 221. کنز العمال، ج 11، ص 621؛ الجامع الاوسط ج 9، ص 142؛ حلیهالاولیاء ج 1، ص 68؛ جامع الاحادیث، ج 16، ص 160.
5- 919. مناقب آل ابی طالب ج 3، ص 83؛ تأویل الآیات ص 237.
6- 920. بحارالانوار، ج 35، ص 400؛ تفسیر فرات، ص 205؛ بصائر الدرجات، ص 30. تاریخ بغداد، ج 7، ص 141؛ تاریخ دمشق، ج 42، ص 270.

701 مَنارُ الْهُدی

منار؛ محل و جایگاهی است که در آن نور یا آتش می گذاشتند تا از راه دور دیده شود و مردم راه را پیدا کنند. علی علیه السلام نیز کسی است که در جایگاه هدایت مردم قرار گرفته است. منار الهدی از القابی است که خدای تعالی برای امیرمؤمنان در خطاب به رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«جَعَلْتُهُ الْعُرْوَةَ الْوُثْقی وَنُورَ أَوْلِیائِی وَمَنارَ الْهُدی ؛(1)

«من او را دستگیره محکم الهی و نور دوستان خود و تابلوی هدایت قرار دادم».

و پیامبرصلی الله علیه وآله برای همه اعلان فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلالُهُ جَعَلَ عَلِیاً وَصِیی وَمَنارَ الْهُدی بَعْدِی»؛(2)

«همانا خداوند متعال علی علیه السلام را جانشین من و مناره هدایت مردم بعد از من قرار داد».

702 مَنْ أَبْغَضَهُ اعْتَدی

هرکس علی علیه السلام را دشمن بدارد، از مسیر حقّ خارج شده است.

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود:

«مَنْ أَحَبَّ عَلِیاً فَقَدْ اهْتَدی وَمَنْ أَبْغَضَهُ فَقَدْ اعْتَدی ؛(3)

«هرکس او را دوست بدارد، هرآینه هدایت یافته است. و هرکس به او کینه ورزد، از مسیر حقّ خارج شده است».

703 مَنْ اِتَّبَعَهُ اِتَّبَعَ الْحَقَ

هرکه علی علیه السلام را پیروی کند، از حقّ پیروی کرده است.

همچنین مراجعه شود به: عَلِی عَلَی الْحَقِّ [533]

704 مَنْ اِتَّبَعَهُ نَجی

تابع و پیروی کننده او نجات می یابد.

حضرت فرمود:

«یا عَلِی! مَنِ اتَّبَعَکَ نَجی وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْکَ هَلَکَ»؛(4)

«ای علی! هرکه از تو پیروی کند نجات می یابد و هرکه از تو تخلف کند هلاک می گردد».

705 مَنْ أَحَبَّهُ اهْتَدی

هرکس علی علیه السلام را دوست بدارد، هدایت یافته است.

همچنین مراجعه شود به: مَنْ أَبْغَضَهُ اغْتَدی [702]

706 مَنْ أَنْکَرَهُ هَوی

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در شأن امام علی علیه السلام فرمود:

«مَنْ عَرَفَهُ نَجی إِلَی الْجَنَّهِ وَمَنْ أَنْکَرَهُ هَوی إِلَی النّارِ»؛(5)

«هرکه او را شناخت به بهشت خواهد رفت و آن که او را انکار نماید به جهنم سقوط خواهد کرد».

707 مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَلَکَ

هرکه از او تخلف کند و پیرو راه او نباشد هلاک می گردد.

همچنین مراجعه شود به: مَنْ اتَّبَعَهُ نَجی [704]

708 مُنْجِزُ وَعْدِ الرَّسُولِ

وعده های رسول خداصلی الله علیه وآله را عملی کرد.

1- 921. بحارالانوار، ج 25، ص 19.
2- 922. بحارالانوار، ج 38، ص 97؛ امالی صدوق، ص 284؛ بشاره المصطفی، ص 32.

3- 923. موسوعه امام على عليه السلام، ج 11، ص 197.
4- 924. بشاره المصطفى، ص 54؛ امالى صدوق، ص 306. ينابيع الموده، باب 44.
5- 925. بحارالانوار، ج 40، ص 97.

رسول خداصلی الله علیه وآله بارها در مورد امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

«قاضِی دِینِی وَمُنْجِزُ عِداتِی»؛(1)

«تو هستی که دین مرا ادا می کنی و وعده مرا انجام می دهی».

و در جای دیگر فرمود:

«إِنَّ وُلْدَکَ وُلْدِی وَأَنَّکَ مُنْجِزُ عِداتِی»؛(2)

«ای علی! فرزندان تو فرزندان من هستند، و تو وعده های مرا عملی می کنی».

709 مَنْ حَسَدَهُ فَقَدْ کَفَرَ

هرکس به علی علیه السلام حسد ورزد، کافر است.

همچنین مراجعه شود به: حاسِدُهُ حاسِدُ الرَّسُولِ [305]

710 مَنْزِلُهُ فِی الْجَنَّهِ

منزل و جایگاه او در بهشت است.

رسول خداصلی الله علیه وآله خطاب به علی علیه السلام فرمود:

«یا عَلِی! أَما تَرْضی أَنْ یکُونَ مَنْزِلُکَ فِی الْجَنَّهِ مُقابِلُ مَنْزِلِی؟ قالَ: بَلی بِأَبِی وَأُمِّی یا رَسُولَ اللّهِ! قالَ: فَإِنَّ مَنْزِلَکَ فِی الْجَنَّهِ مُقابِلُ مَنْزِلِی»؛(3)

«ای علی! آیا راضی نمی شوی به اینکه خانه ات در بهشت روبه روی خانه من باشد؟! گفت: بلی، پدر و مادرم فدای شما، ای رسول خدا! پیامبر فرمود: همانا خانه تو در بهشت، روبه روی خانه من باشد».

711 مَنْزِلُهُ مَیمُونٌ

به هر کجا نظر کند و به هرکجا وارد شود آنجا را مبارک می کند.

همچنین مراجعه شود به: اِتّباعُهُ فَضِیلَهٌ [147]

712 الْمَنْزُوعُ

گرفته شده، جدا و کنده شده.

رسول خداصلی الله علیه وآله به امام علی علیه السلام فرمود:

«فَابْشِرْ فَإِنَّکَ الْأَنْزَعُ الْبَطِینُ، الْمَنْزُوعُ مِنَ الشِّرْکِ، الْبَطِینُ مِنَ الْعِلْمِ»؛(4)

«بشارت باد بر تو که از شرک و بت پرستی جدا و کنده شدی، واز علم و دانش پرگشته ای».

713 مَنْصُورٌ مَنْ نَصَرَهُ

هرکه او را یاری کند، یاری می شود. بیانی است که رسول خداصلی الله علیه وآله در حقّ امیرمؤمنان علیه السلام فرموده و از خدای تعالی خواست:

«اَللَّهُمَّ والِ مَنْ والاهُ وَعادِ مَنْ عاداهُ وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ»؛(5)

«خدایا دوست باش با هر که او را دوست دارد و دشمن باش با هر که او را دشمن می دارد، یاری کن هر که او را یاری کند و خوار کن هر که او را خوار کند».

714 مَنْ عَرَفَهُ نَجی

هرکه به معرفت او دست یابد، نجات می یابد.

همچنین مراجعه شود به: مَنْ أَنْکَرَهُ هَوی [706]

1- 926. بحارالانوار، ج 36، ص 326.
2- 927. بحارالانوار، ج 37، ص 272.
3- 928. جامع الاحادیث، ج 23، ص 79؛ کنز العمال، ج 13، ص 251؛ مسند البزاز، ج 1، ص 496.
4- 929. بحارالانوار، ج 37، ص 79؛ عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 47. المناقب خوارزمی، ص 294؛ الفردوس دیلمی، ج 5، ص 329.

5- 930. بحارالانوار، ج 36، ص 232؛ مفاتیح الجنان دعای ندبه.

715 مَواعِيدُ اللَّهِ

خداوند در مورد او به دیگران وعده داده و یا تعهدی کرده است.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«هذا عَلِی إِمامُکُمْ وَوَلِیکُمْ وَهُوَ مَواعِیدُ اللَّهِ وَاللَّهُ یصَدِّقُ ما وَعَدَهُ»؛(1)

«این علی امام و صاحب اختیار شماست که خدا در مورد او به شما وعده و وعید داده و خدا به وعده هایش عمل می کند».

716 الْمُوالِی عَلی طاعَهِ اللَّهِ

بر طاعت و فرمان بری از خداوند پی گیر و سخت کوش است.

همچنین مراجعه شود به: الْعامِلُ بِما یرْضَی اللَّهُ [516]

717 الْمَوْتُ فِی طاعَتِهِ شَهادَهٌ

مرگ در راه اطاعت امام علی علیه السلام، مثل شهادت در راه خدا است.

همچنین مراجعه شود به: اللُّحُوقُ بِهِ سَعادَهٌ [621]

718 مَوْتُهُ مَوْتُ النَّبِیّ

زندگی و مرگ او، همانند زندگی و مرگ رسول خداصلی الله علیه وآله است.

همچنین مراجعه شود به: حَیاتُهُ حَیاهُ النَّبِیّ [349]

719 مَوَدَّتُهُ عِبادَهٌ

مودّت و محبّت به او عبادت است.

همچنین مراجعه شود به: بُغْضُهُ نِفاقٌ [283]

720 الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَالشُّکْرِ

امام علی صلی الله علیه وآله به شکرگزاری و صبر و پایداری توصیف شده است.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«أَلا وَإِنَّ عَلِیاً هُوَ الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَالشُّکْرِ»؛(2)

«آگاه باشید این علی همان است که به صبر و سپاس توصیف شده است».

721 مَوْضِعُ سِرِّ النَّبِیّ

جایگاه اسرار و رازهای پیامبر خداصلی الله علیه وآله.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«إِنَّ وَصِیِی وَمَوْضِعَ سِرِّی وَخَیرَ مَنْ أَتْرُکُ بَعْدِی وَینْجِزُ عِدَتِی ویقْضِی دَینِی عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ»؛(3)

«همانا جانشین من و جایگاه اسرار و رازهای من و بهترین یادگار بعد از من که به وعده هایم عمل می کند و دین و قرض مرا ادا می نماید، علی بن ابی طالب علیه السلام است».

یهودیان از ابوبکر سؤالاتی داشتند؛ ولی او از جواب بازماند، پس خدمت امام علی علیه السلام آمدند.

امیرمؤمنان علی علیه السلام ضمن پاسخ دادن به پرسش های آنان، در معرفی خود فرمود:

«أَنَا عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ، أَخُو النَّبِیّ وَوَصِیهُ فِی خَلافَتِهِ کُلِّها وَصاحِبُ کُلِ نَفِیسَهٍ وَغَزاهٍ وَمَوْضِعُ سِرِّ النَّبِیّ صلی الله علیه وآله»؛(4)

«من علی علیه السلام هستم، برادر پیامبر و جانشین وی در تمام امور، و صاحب خصلت ها و منقبت ها و جنگ ها و جایگاه سرّ پیامبر خداصلی الله علیه وآله هستم».

1- 931. بحارالانوار، ج 37، ص 211؛ الاحتجاج، ج 1، ص 62.
2- 932. اقبال الاعمال، ص 457؛ اليقين، 354.
3- 933. كنز العمال، ج 11، ص 610.
4- 934. بحارالانوار، ج 30، ص 86.

و در زیارت ایشان آمده است:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی وَلِیکَ وَأَخِی نَبِیکَ وَوَزِیرِهِ، وَحَبِیبِهِ وَخَلِیلِهِ، وَمَوْضِعِ سِرِّهِ»؛ (1)

«خدایا درود فرست بر ولی خود و برادر پیامبر که وزیر و حبیب و خلیل و جایگاه اسرار او است».

722 الْمُوفِی

وفا کننده به عهد و پیمان.

این از القابی است که رسول خداصلی الله علیه وآله هنگام رحلت، درباره امام علی علیه السلام فرموده:

«عَلِی أَخِی وَوارِثِی وَوَزِیرِی وَأَمِینِی وَالْقائِمُ بِأَمْرِی وَالْمُوفِی بِعَهْدِی عَلی سُنَّتِی»؛(2)

«علی علیه السلام برادر، وارث، وزیر و امین و قائم مقام من است، او طبق سنّت من به عهد من وفا می کند».

723 الْمَوْقِفُ مَوْقِفُهُ

همه باید در جایگاه و مقام او مستقر شوند.

همچنین مراجعه شود به: الصِّراطُ صِراطُهُ [494]

724 مَوْلَی الْأُمَّهِ

رهبر و پیشوای امّت پیامبرصلی الله علیه وآله.

همچنین مراجعه شود به: عالِمُ الْأُمَّهِ [514]

725 مَوْلَی الْبَرِیهِ

رهبر و پیشوای مردم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می فرماید: جبرئیل از جانب خدای تعالی، فرشتگان را در مورد علی علیه السلام چنین گواه گرفت:

«أُشْهِدُكُمْ أَنَّهُ إِمامُ خَلْقِی وَمَوْلی بَرِیتِی»؛(3)

«شاهد باشید که او امام خلق من و مولای همه مردم است».

726 مَوْلَی الْخَلْقِ

رسول خداصلی الله علیه وآله به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

«یاعَلِی! أَنَا وَأَنْتَ مَوْلَیا هِذَا الْخَلْقِ، فَمَنْ جَحَدَنا وِلائَنا وَأَنْكَرَنا حَقَّنا فَعَلَیهِ لَعْنَهُ اللّهِ، أَمِّنْ یا عَلِی! فَقُلْتُ: آمِینَ یا رَسُولَ اللّهِ»؛(4)

«ای علی! من و تو مولای این خلق هستیم، پس هرکه ولایت و حقّ ما را انکار کند، لعنت خدا بر او باد. آمین بگو ای علی! پس من هم گفتم: آمین ای رسول خدا».

727 مَوْلی كُلِّ مُؤْمِنٍ

آقا و سرور و صاحب اختیار هر مؤمن.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«عَلِی مَوْلی كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِی وَمُؤْمِنَهٍ»؛(5)

«علی علیه السلام بعد از من، مولای هر مرد و زن مؤمن و باایمانی است».

728 مَوْلَی الْمُؤْمِنِینَ

مولا و سرور همه مؤمنان.

رسول خداصلی الله علیه وآله به حضرت خدیجه علیها السلام فرمود:

«یا خَدِیجَهُ! هذا عَلِی مَوْلاكِ وَمَوْلَی الْمُؤْمِنِینَ وَإِمامُهُمْ بَعْدِی»؛(6)

«ای خدیجه! این علی مولای تو و مولای همه مؤمنان و امام ایشان بعد از من است».

1- 935. مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین در روز مولود پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله؛ بحارالانوار، ج 95، ص 292.
2- 936. بحارالانوار، ج 22، ص 486.
3- 937. موسوعه امام علی علیه السلام، ج 2، ص 185.
4- 938. بحارالانوار، ج 34، ص 333.
5- 939. الغدیر، ص 15؛ الصراط المستقیم، ج 2، ص 87.
6- 940. بحارالانوار، ج 18، ص 232.

موارد دیگری هست که فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ مَوْلَی الْمُؤْمِنِینَ».(1)

در اعمال روز عید غدیر نیز وارد شده:

«أَجَبْنا داعِی اللَّهِ، وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فِی مُوالاهِ مَوْلانا وَمَوْلَی الْمُؤْمِنِینَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ»؛(2)

«خدایا! ما دعوت الهی را اجابت کردیم و رسولت را تبعیت کردیم، در دوستی و ولایت مولایمان و مولای همه مؤمنان، او که امیرمؤمنان است».

729 مَوْلَی الْمُسْلِمِینَ

مولای همه مسلمانان.

امام صادق علیه السلام نقل فرمود: رسول خداصلی الله علیه وآله این مقام را به علی علیه السلام داده است:

«فَجَعَلَهُ مَوْلَی الْمُسْلِمِینَ وَإِمامَهُمْ»؛(3)

«رسول خداصلی الله علیه وآله، علی علیه السلام را مولای مسلمانان و امام ایشان قرار داده است».

730 الْمَهْجُورُ

کنار گذاشته شده؛ زیرا بعد از پیامبرصلی الله علیه وآله، علی علیه السلام را از حقّ خودش کنار می گذارند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به امیرمؤمنان فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ الْمَهْجُورُ بَعْدِی»؛(4)

«ای علی! بعد از من تو را از حقّت دور می کنند».

731 الْمَهْدِی

از اسامی آسمانی امیرمؤمنان علیه السلام است.

رسول خداصلی الله علیه وآله به یکی از اصحاب فرمود:

«عَلَیکَ بِعَلِیّ؛ فَإِنَّهُ الْهادِی الْمَهْدِی النّاصِحُ لِأُمَّتِی»؛(5)

«بر تو باد به علی علیه السلام، که او هادی و مهدی است و او ناصح امّت من است».

امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت فرمود:

«فَقَبَضْتَهُ إِلَیکَ شَهِیداً سَعِیداً وَلِیاً تَقِیاً رَضِیاً زَکِیاً، هادِیاً مَهْدِیاً»؛(6)

«خدایا او را با شهادت و سعادت به سوی خود بردی، او که ولی تقی و رضی و زکی و هادی مهدی بود».

همچنین مراجعه شود به: الْمَأْمُونُ [632]

732 مِیزانُ الْإِیمانِ وَ الْکُفْرِ

معیار و ملاک تشخیص مؤمن از کافر.

رسول خداصلی الله علیه وآله به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

«لا یحِبُّکَ إِلّا مُؤْمِنٌ وَلا یبْغِضُکَ إِلّا کافِرٌ»؛(7)

«کسی غیر از مؤمن تو را دوست نمی دارد، و غیر از کافر نیز کسی با تو دشمن نیست».

733 مِیزانُ الْإِیمانِ وَ النِّفاقِ

شاخص و ترازوی شناخت مؤمن از منافق.

هرکه امام علی علیه السلام را دوست داشت، مؤمن و گرنه منافق است.

1- 941. الیقین، ص 236؛ کفایه الاثر، ص 184؛ تفسیر فرات، ص 392.
2- 942. مائه منقبه، ص 28؛ الیقین، ص 236؛ مفاتیح الجنان، اعمال عید غدیر.

3- 943. موسوعه امام على عليه السلام ج 2، ص 186.
4- 944. بحارالانوار، ج 38، ص 111.
5- 945. بحارالانوار، ج 38، ص 123؛ اليقين، ص 451.
6- 946. بحارالانوار، ج 97، ص 372؛ مفاتيح الجنان، زيارت اميرالمؤمنين عليه السلام روز ميلاد پيامبرصلى الله عليه وآله.
7- 947. كشف اليقين، ص 425؛ نهج الحقّ، ص 391. السنن الكبرى، ج 6، ص 534؛ المعجم الاوسط، ج 5، ص 87؛ جامع الاحاديث، ج 10، ص 62.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«لا یحِبُّکَ إِلّا مُؤْمِنٌ وَلا یبْغِضُکَ إِلّا مُنافِقٌ»؛(1)

«غیر از مؤمن تو را دوست ندارد و غیر از منافق نیز با تو دشمن نیست».

در صدر اسلام، هرگاه اصحاب می خواستند بدانند که فرزندان آنان مؤمن هستند یا نه. علی را به فرزند خود نشان می دادند و می گفتند: آیا این آقا را دوست داری یا نه؟(2)

به همین جهت، پیامبرصلی الله علیه وآله فرموده است: «هرکه علی علیه السلام را دوست بدارد، خدا را دوست داشته و هرکه با علی علیه السلام دشمنی کند، با خدا دشمنی کرده است».(3)

734 مِیزانُ الطَّهارَهِ

معیار سنجش طهارت و پاکی فرزند به دنیا آمده می باشد؛ چنان که رسول خداصلی الله علیه وآله به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

«لا یحِبُّکَ إِلّا طاهِرُ الْوِلادَهِ، وَلا یبْغِضُکَ إِلّا خَبِیثُ الْوِلادَهِ»؛(4)

«دوست نمی دارد تورا مگر حلال زاده، و دشمن نمی دارد تو را مگر آنکه ناپاک به دنیا آمده است».

735 مِیکائِیلُ عَنْ یسارِهِ

در جنگ ها میکاییل از چپ در کنارش بود.

همچنین مراجعه شود به: جَبْرَئِیلُ عَنْ یمِینِهِ [301]

736 النّاصِحُ

نصیحت کننده و راهنمایی کننده. با دلسوزی مردم را کمک، راهنمایی و نصیحت می کند.

رسول خداصلی الله علیه وآله درباره امیرمؤمنان علیه السلام، به یکی از اصحاب خود فرمود:

«عَلَیکَ بِعَلِیّ؛ فَإِنَّهُ الْهادِی الْمَهْدِی النّاصِحُ لِأُمَّتِی»؛(5)

«بر تو لازم است که همواره طرف علی باشی؛ چرا که او هدایت کننده و هدایت شده و ناصح امّت من می باشد».

در زیارتش سلام عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا سَیدَ الْوَصِیینَ... وَالنّاصِحَ لِأُمَّهِ نَبِیهِ»؛(6)

«سلام بر تو ای آقای جانشینان... و ای کسی که ناصح امّت پیامبر بودی».

امام صادق علیه السلام نیز در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام تصریح و تأیید می کند:

«وَنَصَحَ لَکَ مُجْتَهِداً حَتّی أَتاهُ الْیقِینُ»؛(7)

«گواهی می دهم که آن حضرت در نصیحت و هدایت خلق به راه حقّ تا هنگام شهادت سعی و کوشش نمود».

737 ناصِرُ دِینِ اللَّهِ

یاری کننده دین خدا.

همچنین مراجعه شود به: الْمُجادِلُ [646]

1- 948. بحارالانوار، ج 27، ص 81؛ نهج الحق، ص 219. کنز العمال، ج 11، ص 598؛ تفسیر البغوی، ج 7، ص 327؛ السنن الکبری، ج 5، ص 137؛ المعجم الاوسط، ج 5، ص 87.
2- 949. امالی صدوق، مجلس 18، حدیث 6.
3- 950. بحارالانوار، ج 36، ص 178؛ الارشاد، ج 1، ص 45.
4- 951. بحارالانوار ج 27، ص 145؛ کمال الدین، ج 1، ص 261.
5- 952. بحارالانوار، ج 28، ص 226.
6- 953. بحارالانوار، ج 97، ص 85؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

7- 954. بحارالانوار، ج 97، ص 372؛ اقبال الاعمال، ص 493؛ مفاتيح الجنان، زيارت اميرالمؤمنين روز ميلاد پيامبر.

738 ناصِرُ الرَّسُولِ

از فرمایشات رسول خداصلی الله علیه وآله درباره امام علی علیه السلام چنین است:

«هذا أَخِی وَوَلِیی وَناصِرِی وَصَفِیی»؛(1)

«این علی برادر، ولی و ناصر و صفی من است».

739 ناصِرُهُ ناصِرُ الرَّسُولِ

اگر کسی امام علی علیه السلام را یاری و کمک کند، گویا رسول خداصلی الله علیه وآله را یاری کرده است.

همچنین مراجعه شود به: إِمامُ کُلِّ مُسْلِمٍ [220]

740 نَذِیرُ الْأُمَّهِ

انذار دهنده و بیم دهنده امّت؛ چنان که رسول خداصلی الله علیه وآله به امام علی علیه السلام فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ نَذِیرُ أُمَّتِی»؛(2)

«ای علی! تو بیم دهنده امّت من هستی».

741 نَصَبَهُ اللَّهُ

امیرالمؤمنین علی علیه السلام از جانب خدا برای امامت منصوب شده است.

همچنین مراجعه شود به: فَضَّلَهُ اللَّهُ [560]

742 النَّظَرُ اِلَیهِ رَأْفَهٌ

نگاه کردن به چهره علی علیه السلام، نوعی رأفت و مهربانی است، چنان که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«اَلنَّظَرُ إِلَیهِ رَأْفَهٌ»؛(3)

«نگاه کردن به چهره علی علیه السلام مهربانی است».

743 النَّظَرُ اِلَیهِ عِبادَهٌ

نگاه کردن به چهره او نوعی عبادت است.

این کلام زیبای رسول خداصلی الله علیه وآله در حقّ امیرمؤمنان علیه السلام است:

«اَلنَّظَرُ إِلی وَجْهِکَ یا عَلِی عِبادَهٌ»؛(4)

«نگاه کردن به چهره تو ای علی! عبادت است».

744 نَظِیرُ النَّبِیّ

شبیه و مانند پیامبرصلی الله علیه وآله.

رسول خداصلی الله علیه وآله در حقّ آن حضرت فرمود:

«ما مِنْ نَبِیّ إِلّا وَلَهُ نَظِیرٌ فِی أُمَّتِهِ وَعَلِی نَظِیرِی»؛(5)

«پیامبری نیست مگر اینکه شبیه خود را در امّتش داشته باشد، و علی علیه السلام شبیه و نظیر من است در میان امّتم».

745 نِعْمَ الْأَخُ

علی علیه السلام بهترین برادر پیامبرصلی الله علیه وآله است.

رسول خداصلی الله علیه وآله به امیرمؤمنان فرمود:

«نِعْمَ الْأَخُ أَنْتَ وَنِعْمَ الْخَتَنُ أَنْتَ وَنِعْمَ الصّاحِبُ أَنْتَ»؛(6)

«چه خوب برادری هستی تو و چه خوب داماد و صاحب و همراهی هستی».

746 نِعْمَ الْخَتَنُ

همسر دختر یا همان داماد هر شخصی را ختن گویند. علی علیه السلام داماد خوب پیامبرصلی الله علیه وآله و همسر فاطمه زهراعلیها السلام است.

همچنین مراجعه شود به: نِعْمَ الْأَخُ [745]

ص:150

1- 955. بحارالانوار، ج 35، ص 10، و ج 97، ص 329.
2- 956. بحارالانوار، ج 27، ص 312.
3- 957. کنز العمال، ج 11، ص 615.
4- 958. بحارالانوار، ج 40، ص 83. تاریخ دمشق، ج 40، ص 9؛ کنزالعمال ج 11، ص 601؛ المعجم الکبیر ج 10، ص 76؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 9، ص 171؛ حلیه الاولیاء، ج 5، ص 58.
5- 959. الریاض النضره، ج 1، ص 246.
6- 960. امالی صدوق، ص 558؛ تفسیر فرات، ص 413.

747 نِعْمَ الصّاحِبُ

على علیه السلام بهترین یار و یاور و همراه رسول خداصلی الله علیه وآله بود.

همچنین مراجعه شود به: نِعْمَ الْأَخُ [745]

748 نَفْسُ الْیقِینِ

على علیه السلام خودش حقیقت یقین است.

همچنین مراجعه شود به: رَأْسُ الدِّینِ [403]

749 نَقِی الْکَفَّینِ

دستانش از هر آلودگی و کژی پاک است.

همچنین مراجعه شود به: نَقِی الْقَلْبِ [298]

750 نُورُ اللَّهِ

رسول خداصلی الله علیه وآله در این زمینه فرمود:

«عَلِی نُورُ اللَّهِ فِی بِلادِهِ وَحُجَّتُهُ عَلی عِبادِهِ»؛(1)

«على علیه السلام نور خدا در شهرهایش و حجّت او بر بندگانش است».

و نیز از فرمایشات خود حضرت است که:

«أَنَا نُورُ اللَّهِ الَّذِی لا یطْفَأُ»؛(2)

«من نور خدایم که خاموش نمی شود».

پس به حضرت سلام می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا نُورَ اللَّهِ فِی سَمائِهِ وَأَرْضِهِ»؛(3)

«سلام بر تو ای نور خدا در آسمان و زمین».

751 نُورُ الْأَرْضِ

زمین به نور جمال او روشن شده است.

همچنین مراجعه شود به: رُكْنُ الْأَرْضِ [414]

752 نُورُ بَصَرِ الرَّسُولِ

نور دیدگان پیامبرصلی الله علیه وآله.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«فاطِمَةُ مُهْجَةُ قَلْبِی وَابْناها ثَمَرَةُ فُؤادِی وَبَعْلُها نُورُ بَصَرِی»؛(4)

«فاطمه جگرگوشه قلب من، و دو پسرش میوه دل من، و همسرش نور دیدگان من است».

753 نُورُ الدِّینِ

رسول خداصلی الله علیه وآله به امام علی علیه السلام فرمود:

«إِنَّما أَنْتَ عَلَمُ الْهُدی وَنُورُ الدِّینِ وَهُوَ نُورُ اللَّهِ یا أَخِی»؛(5)

«همانا تو پرچم هدایت و نور دین که نور خدایی است، می باشی ای برادر من».

754 نُورُ الرَّحْمنِ

به نقل از احمد بن حنبل، از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل شده که حضرت فرمود:

«كُنْتُ أَنَا وَعَلِی نُوراً بَینَ یدَی الرَّحْمنِ قَبْلَ أَنْ یخْلُقَ عَرْشَهُ بِأَرْبَعَ عَشَرَ أَلْفَ سَنَةٍ»؛(6)

«من و علی نوری بودیم نزد خدا، چهارده هزار سال قبل از این که عرش خود را بیافریند».

755 نُورُ الْهُدی

او نور و روشنایی هدایت است؛ یعنی هرکه بخواهد هدایت و راهنمایی شود، باید با نور وجود آن حضرت به مقصد برسد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بارها و به خصوص در روز غدیر فرمود:

1- 961. بحارالانوار، ج 38، ص 91.
2- 962. بحارالانوار، ج 27، ص 33.
3- 963. بحارالانوار، ج 97، ص 337.
4- 964. مائه منقبه، ص 76.
5- 965. بحارالانوار، ج 22، ص 484؛ خصائص الأئمّه، ص 72.
6- 966. مشارق انوار الیقین، ص 60؛ کشف الغمّه ج 1، ص 296؛ شرح نهج البلاغه، خطبه 154.

«وَخَلَّفْتُ فِيكُمُ الْعَلَمَ الْأَكْبَرَ عَلَمَ الدِّينِ وَنُورَ الْهُدى وَصِيى عَلِى بْنَ أَبِى طالِبٍ»؛(1)

«من در بین شما پرچم بزرگ و پرچم دین که نور هدایت است را، جانشین قرار می دهم، او وصی من علی بن ابی طالب است».

756 نُورُهُ نُورُ الرَّسُولِ

امام علی علیه السلام و رسول خداصلی الله علیه وآله از یک نور آفریده شده اند.

همچنین مراجعه شود به: مُبْغِضُهُ مُبْغِضُ الرَّسُولِ [638]

757 وارِثُ الرَّسُولِ

وارث رسول خداصلی الله علیه وآله.

در یکی از احادیث وارد شده: خدای تعالی در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام به پیامبرش فرمود:

«إِنَّ عَلِياً وارِثُکَ وَوارِثُ الْعِلْمِ مِنْ بَعْدِکَ»؛(2)

«همانا علی علیه السلام وارث تو و وارث تمام علوم بعد از تو است».

758 وارِثُ الْعِلْمِ

وارث علم و دانش رسول خداصلی الله علیه وآله.

پس به آن حضرت سلام داده می شود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ الْعِلْمِ»؛(3)

«سلام بر تو ای وارث همه علوم».

همچنین مراجعه شود به: وارِثُ الرَّسُولِ [757]

759 وارِثُ عِلْمِ الرَّسُولِ

علم و دانش پیامبرصلی الله علیه وآله را به ارث برده؛ چنان که رسول خداصلی الله علیه وآله فرموده است:

«یا أَبَا الْحَسَنِ! أَنْتَ وارِثُ عِلْمِی»؛(4)

«ای علی! تو وارث علم من هستی».

پس سلام بر او باد:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا زَوْجَ الْبَتُولِ وَوارِثَ عِلْمِ الرَّسُولِ»؛(5)

«سلام بر تو ای همسر زهرای بتول و وارث علم رسول خدا».

760 وارِثُ عِلْمِ النَّبِیینَ

امام علی علیه السلام نه تنها وارث علم پیامبرصلی الله علیه وآله؛ بلکه وارث علم تمام پیامبران الهی است، چنان که رسول خداصلی الله علیه وآله به امام علی علیه السلام فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ سَیدُ الْوَصِیینَ وَوارِثُ عِلْمِ النَّبِیینَ»؛(6)

«ای علی! تو سید و آقای جانشینان و وارث علم پیامبران هستی».

امام رضاعلیه السلام نیز در جواب به مأمون فرمود:

«عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ علیه السلام أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ وَإِمامُ الْمُتَّقِینَ وَقائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِینَ وَأَفْضَلُ الْوَصِیینَ وَوارِثُ عِلْمِ النَّبِیینَ وَالْمُرْسَلِینَ»؛(7)

«علی علیه السلام امیر مؤمنان و امام تقواپیشگان و پیشوای سفیدرویان آبرومند،و بهترین جانشینان و وارث علم همه پیامبران و رسولان خداست».

761 وارِثُ مُحَمَّدٍ

رسول خداصلی الله علیه وآله امیرمؤمنان علیه السلام را با عنوان «وارِثِی» خطاب می فرمود.

1- 967. بحارالانوار، ج 22، ص 486 و ج 36، ص 19.
2- 968. منتخب الاثر، ص 22؛ کمال الدین، ج 1، ص 250.
3- 969. بحارالانوار، ج 97، ص 327.
4- 970. امالی شیخ طوسی، ص 490؛ کفایه الاثر، ص 132.
5- 971. بحارالانوار، ج 97، ص 328.
6- 972. بحارالانوار، ج 27، ص 63؛ الیقین، ص 236.
7- 973. بحارالانوار، ج 10، ص 353؛ عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 121.

امام علی علیه السلام نیز فرموده است:

«إِنَّ اللَّهَ تَبارَکَ وَتَعالی خَصَّنِی بِما خَصَّ بِهِ أَوْلِیاءَهُ وَأَهْلَ طاعَتِهِ وَجَعَلَنِی وارِثَ مُحَمَّدٍصلی الله علیه وآله»؛(1)

«خداوند متعال مرا مخصوص گردانید به آنچه اولیا و اهل طاعت خود را مخصوص گردانیده و مرا وارث محمّد قرار داده است».

و ما هم چنین سلام می کنیم:

«السَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ مُحَمَّدٍ سَیدِ رُسُلِ اللَّهِ»؛(2)

«سلام بر تو ای وارث محمّد که آقای همه پیامبران خداست».

این وراثت و وصایت و خلافت نیز در تمام زمینه ها است؛ چه شخصی، و چه اجتماعی، و چه حکومتی:

«أَنْتَ الْوارِثُ وَالْوَصِی وَالْخَلِیفَهُ فِی الْأَهْلِ وَالْمالِ وَالْمُسْلِمِینَ»؛(3)

«تو وارث، وصی و خلیفه من هستی هم در اهل بیت هم در مورد اموال و هم بین مسلمانان».

762 وارَی النَّبِی فِی رَمْسِهِ

امام علی علیه السلام وارث و وصی و نزدیک ترین فرد به رسول خداصلی الله علیه وآله بود. و سزاوارتر از همه بود که برای امور بعد از رحلت آن حضرت قیام نماید. کفن و دفن آن جناب، یکی از این امور بود که شخص ایشان انجام داد، همان طور که رسول خداصلی الله علیه وآله در آخرین لحظات عمر شریف خود به ایشان فرمود:

«ثُمَّ وَجِّهْنِی إِلَی الْقِبْلَهِ تَوَلِّ أَمْرِی وَصَلِّ عَلَی أَوَّلَ النّاسِ وَلا تُفارِقْنِی حَتّی تُوارِینِی فِی رَمْسِی فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ تَعالی ؛(4)

«مرا رو به قبله نما و امور مرا خود به عهده بگیر و اولین نفری باش که بر من نماز می خوانی و از من جدا نشو تا اینکه پیکر مرا در قبر بگذاری و از خدای تعالی کمک بگیر».

در زیارت مخصوص امیرالمؤمنین علیه السلام، در فرازی از آن آمده:

«وَصَلّی عَلَیهِ وَواری شَخْصَهُ»؛(5)

«او که به پیکر پیامبرصلی الله علیه وآله نماز خواند و جسد پاکش را در قبر نهاد».

763 والِدُ الْأُمَّهِ

پدر و بزرگ تر امّت.

جابر بن عبداللّه می گوید: رسول خداصلی الله علیه وآله در مورد علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

«حَقُّ عَلِیّ عَلی هذِهِ الْأُمَّهِ کَحَقِّ الْوالِدِ عَلَی الْوَلَدِ»؛(6)

«حقّ علی علیه السلام بر این امّت، مثل حقّ پدر بر فرزندان است».

764 والِدُ الْمُسْلِمِینَ

رسول خداصلی الله علیه وآله در حقّ امام علی علیه السلام فرمود:

«حَقُّ عَلِیّ عَلَی الْمُسْلِمِینَ کَحَقِّ الْوالِدِ عَلی وُلْدِهِ»؛(7)

1- 974. بحارالانوار، ج 31، ص 444.
2- 975. بحارالانوار، ج 97، ص 377.
3- 976. بشاره المصطفی، ص 104.
4- 977. موسوعه امام علی علیه السلام، ج 1، ص 303.
5- 978. بحارالانوار، ج 97، ص 380؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
6- 979. بحارالانوار، ج 36، ص 4؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 105.
7- 980. بحارالانوار، ج 36، ص 5؛ العمده، ص 345.

«حقّ علی علیه السلام بر مسلمانان همانند حقّ پدر بر فرزندانش می باشد، (گویا علی علیه السلام پدر همه مسلمانان است)».

765 والِدُ النّاسِ

رسول خداصلی الله علیه وآله درباره امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

«حَقُّ عَلِیّ عَلَی النّاسِ حَقُّ الْوالِدِ عَلی وُلْدِهِ»؛(1)

«حقّ علی برمردم مانندحقّ پدر برفرزندان است».

766 الْوالِی

سرپرست و حاکم.

همچنین مراجعه شود به: الدَّیانُ [390]

767 وَجْهُ اللَّهِ

وجه و جنب خدا؛ یعنی ناحیه و سمت و سویی که مردم با توجّه به آن ناحیه به سوی خدا می روند.

رسول خداصلی الله علیه وآله به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

«أَنَا رَسُولُ اللَّهِ وَالْمُبَلِّغُ عَنْهُ وَأَنْتَ وَجْهُ اللَّهِ وَالْمُؤْتَمُّ بِهِ»؛(2)

«من رسول خدایم و از جانب او ابلاغ می کنم و تو وجه خدایی که دیگران باید تو را امام خود قرار دهند».

و خود حضرت نیز فرمود:

«أَنَا وَجْهُ اللَّهِ وَأَنَا جَنْبُ اللَّهِ»؛(3)

«من وجه خدا و من جنب خدا هستم، که مردم با توجّه به ناحیه من، به سوی خدا می روند».

همچنین مراجعه شود به: بَیتُ اللَّهِ [293]

768 الْوَحِیدُ الشَّهیدُ

انسان تنها و َغریب که شهید می شود.

عایشه نقل می کند: پیامبرصلی الله علیه وآله را دیدم که علی علیه السلام را به خود چسبانده و بوسید و فرمود:

«بِأَبِی الْوَحِیدُ الشَّهِیدُ، بِأَبِی الْوَحِیدُ الشَّهِیدُ»؛(4)

«پدرم به فدای آن تنهای شهید، پدرم به فدای آن تنهای شهید».

769 الْوَزِیرُ

وزیر کسی است که تمام کارهای سنگین و مهم بر دوش او قرار می گیرد و به مقام بالاتر خود کمک می کند.

از القاب مهم امیرمؤمنان علیه السلام است، و رسول خداصلی الله علیه وآله بارها به آن حضرت فرمود:

«أَنْتَ الْوَزِیرُ وَالْوَصِی»؛(5)

«تو وزیر و وصی من هستی».

عبارت «أَنْتَ وَزِیرِی» نیز بارها تکرار شده.(6)

770 وَزِیرُ الرَّسُولِ فِی الْآخِرَهِ

وزیر رسول خداصلی الله علیه وآله در آخرت.

رسول خداصلی الله علیه وآله به امّ سلمه فرمود:

1- 981. بحارالانوار، ج 36، ص 5؛ امالی طوسی، ص 270؛ روضه الواعظین، ج 1، ص 128.
2- 982. ارشاد القلوب، ج 2، ص 404؛ تأویل الآیات، ص 549.
3- 983. رجال الکشی، ص 211؛ الفضائل، ص 82.
4- 984. بحارالانوار، ج 38، ص 306؛ موسوعه امام علی، ج 7، ص 197. کنز العمال، ج 11، ص 618؛ اتحاف الخیره، ج 7، ص 200؛ جامع الاحادیث، ج 11، ص 74.

5- 985. بحارالانوار، ج 39، ص 337؛ الخصال صدوق، ج 2، ص 428. جامع الاحاديث، ج 5، ص 469؛ المعجم الكبير، ج 12، ص 420.
6- 986. بحارالانوار، ج 33، ص 103؛ تفسير قمى ج 1، ص 293؛ بشاره المصطفى، ص 216.

«یا أُمّ سَلَمَهِ! اسْمَعِی وَاشْهَدِی! هذا عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ وَزِیرِی فِی الدُّنْیا وَوَزِیرِی فِی الْآخِرَهِ»؛(1)

«ای ام سلمه! بشنو و گواه باش که این علی در دنیا و آخرت وزیر من می باشد».

771 وَزِیرُ الرَّسُولِ فِی الدُّنْیا

وزیر رسول خداصلی الله علیه وآله در دنیا.

همچنین مراجعه شود به: وَزِیرُ الرَّسُولِ فِی الْآخِرَهِ [770]

772 الْوَصِی

جانشین؛ کسی که وصایا و سفارشات خود را به او می کنیم، تا به انجام امور وی بپردازد.

رسول خداصلی الله علیه وآله از جانب خدای تعالی آن قدر این خطاب را به امیرمؤمنان علیه السلام کرده بود، که هرگاه به طور مطلق گفته می شد: «الوَصِی»، همه اذهان به جانب امام علی علیه السلام متوجه می شد. عنوان «یا عَلِی أَنْتَ الْوَصِی» در کتب متعددی نقل شده است.(2)

این امر نیز به فرمان خدای تعالی بوده؛ چنان که حضرت فرموده است:

«یا عَلِی! أَنْتَ وَصِیی أُوصِیتُ إِلَیکَ بِأَمْرِ رَبِّی»؛(3)

«ای علی! تو وصی من هستی و من نیز به امر خداوند به تو وصیت می کنم».

773 وَصِی رَسُولِ اللَّهِ

از القاب آسمانی امیرمؤمنان علیه السلام است که رسول خداصلی الله علیه وآله به ایشان فرمود: روز قیامت تو با چنان شکوه و عظمتی می آیی که همه می گویند: این یا فرشته است یا پیامبر. امّا ندا داده می شود که چنین نیست؛

«هذا عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ وَصِی رَسُولِ اللَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ»؛(4)

«این علی علیه السلام، فرزند ابوطالب جانشین رسول خداست که پروردگار جهانیان است».

فرازی از زیارت آن جناب:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وَصِی رَسُولِ رَبِّ الْعالَمِینَ»؛(5)

«سلام بر تو ای وصی پیامبر پروردگار جهانیان».

774 وَصِی الْمُصْطَفی

مصطفی لقب پیامبرصلی الله علیه وآله است و امام علی علیه السلام جانشین ایشان است.

رسول خداصلی الله علیه وآله می فرماید: بر تابلوی ورودی بهشت نوشته شده است:

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِی وَصِی الْمُصْطَفی ؛(6)

«محمّد رسول خدا و علی وصی مصطفی است».

از کتب اهل سنّت نقل شده: در صدر اسلام اشعار فراوانی با عنوان "وصی المصطفی" برای امام علی علیه السلام سروده شده است.(7)

1- 987. امالی صدوق، مجلس 60، حدیث 10.
2- 988. الخصال صدوق، ج 2، ص 429؛ امالی صدوق، ص 77؛ امالی مفید، ص 174؛ امالی طوسی، ص 193؛ بشاره المصطفی، ص 128؛ الصراط المستقیم، ج 2، ص 124؛ کفایه الاثر، ص 151؛ کشف الغمه، ج 1، ص 391.
3- 989. من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 179.
4- 990. بحارالانوار، ج 7، ص 233.
5- 991. مصباح المتهجّد، ص 739؛ المزار، ص 78؛ مفاتیح الجنان، دعای روز مبعث.
6- 992. بحارالانوار، ج 65، ص 76.
7- 993. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 1، ص 143.

775 وِقايةُ الرَّسُولِ

حافظ و سپر و نگهبان.

رسول خداصلی الله علیه وآله از جانب خداوند می فرماید:

«إِنَّ عَلِياً قَدْ اِنْفَرَدَ عَنِ الْخَلْقِ بِالْبَيتُوتَهِ عَلى فِراشِ مُحَمَّدٍ وَوِقايهِ رُوْحِهِ بِرُوحِهِ»؛(1)

«این فقط علی علیه السلام بود که شب را در بستر رسول خداصلی الله علیه وآله خوابید و با به خطر انداختن جان خود، از جان پیامبر محافظت کرد».

776 وِلايتُهُ حِصْنُ اللَّهِ

ولایت علی علیه السلام دژ و قلعه محکم الهی است. هرکه به آن داخل شود، از هر گزندی در امان و محفوظ می ماند. رسول خداصلی الله علیه وآله از جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و لوح و قلم و از خداوند نقل فرموده:

«وِلايهُ عَلِىّ حِصْنِى فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِى أَمِنَ مِنْ عَذابِى»؛(2)

«ولایت علی علیه السلام دژ محکم من است، هرکه در دژ من وارد شود، از عذاب ایمن می گردد».

همچنین مراجعه شود به: بَيتُ اللَّهِ [293]

777 وِلايتُهُ وِلايهُ اللَّهِ

ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام از جانب خدا است.

همچنین مراجعه شود به: اِتّباعُهُ فَرِيضَهُ اللَّهِ [146]

778 وِلايتُهُ وِلايهُ الرَّسُولِ

کسی که ولایتش، ولایت رسول خداصلی الله علیه وآله و از جانب ایشان است.

رسول خداصلی الله علیه وآله درمواردمختلف، به خصوص در روز غدیر، خطاب به مسلمانان فرمود:

«مَنْ کُنْتُ مَوْلاهُ فَعَلِی مَوْلاهُ»؛(3)

«هرکس که من مولای اویم، پس علی علیه السلام مولای او است».

این حدیث به تواتر در تمام کتب شیعه و اکثر کتب اهل سنّت ذکر شده است.

779 الْوَلِی

سرپرست و حاکم.

همچنین مراجعه شود به: الدَّیانُ [390]

780 وَلِی اللَّهِ

ابن مسعود از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل کرده: ایشان فرمود: بر درب بهشت نوشته شده است:

«لا إِلهَ إِلاَّ اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِی وَلِی اللَّهِ»

رسول خداصلی الله علیه وآله نیز این گونه شهادت داد:

«عَلِی وَلِی اللَّهِ وَأَوْلِیاءُ عَلِیّ الْمُفْلِحُونَ وَالْفائِزُونَ بِاللَّهِ»؛(4)

«علی علیه السلام ولی خدا است و دوستان او نیز رستگارانند و به فوز الهی رسیدند».

در زیارت آن حضرت نیز چنین آمده است:

«أَشْهَدُ لَکَ یا وَلِی اللَّهِ وَوَلِی رَسُولِهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیهِ وَآلِهِ بِالْبَلاغِ وَالْأَداءِ»؛(5)

1- 994. بحارالانوار، ج 39، ص 25.

2- 995. امالی طوسی، مجلس 12، حدیث 69؛ مشارق انوار الیقین، ص 51. شواهد التنزیل، ج 1، ص 170.
3- 996. الدرّ المنثور، ج 3، ص 404؛ سنن نسائی، ج 5، ص 134؛ تفسیر الکشف والبیان، ج 10، ص 35.
4- 997. فرائد السمطین، ج 1، ص 106.
5- 998. تهذیب طوسی، ج 6، ص 27؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 589؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

«گواهی می دهم برای تو ای ولی خدا و رسولش! که وظیفه تبلیغ و رسالت خود را ادا نمودی».

781 وَلِی رَسُولِ اللَّهِ

رسول خداصلی الله علیه وآله به امام علی علیه السلام فرمود:

«أَنْتَ وَلِیی، وَوَلِیی وَلِی اللَّهِ»؛(1)

«تو ولی من هستی و ولی من ولی خدا است».

همچنین مراجعه شود به: وَلِی اللَّهِ [780]

782 وَلِی کُلِّ مُؤْمِنٍ

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می فرماید: این خدای تعالی است که امام علی علیه السلام را ولی هر مؤمنی بعد از من قرار داده است.(2) پس حضرت فرمود:

«أَنْتَ إِمامُ کُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَهٍ وَوَلِی کُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَهٍ بَعْدِی»؛(3)

«تو امام هر مرد و زن مؤمنی هستی و نیز ولی هر مرد و زن مؤمن بعد از من هستی».

783 وَلِی کُلِّ مُؤْمِنَهٍ

آن حضرت بر هر زن مؤمنی ولایت دارد.

همچنین مراجعه شود به: وَلِی کُلِّ مُؤْمِنٍ [782]

784 وَلِی الْمُؤْمِنِینَ

رسول خداصلی الله علیه وآله به امام علی علیه السلام فرمود:

«إِنَّکَ وَلِی الْمُؤْمِنِینَ بَعْدِی»؛(4)

«همانا تو بعد از من، ولی و سرپرست مؤمنین هستی».

785 وَلِی الْمُتَّقِینَ

از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود: در شب معراج، آن گاه که به محضر الهی رسیدم، خدای تعالی سه خصلت را در علی علیه السلام بیان فرمود:

«إِنَّهُ سَیدُ الْمُسْلِمِینَ وَوَلِی الْمُتَّقِینَ وَقائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِینَ»؛(5)

«همانا او سید و سرور مسلمانان و سرپرست و ولی پرهیزکاران و پیشوای روسفیدان است».

786 وَلِیهُ مُسْتَوْجَبُ الْجَنَّهِ

هرکه ولایت امام علی علیه السلام را بپذیرد، بهشت بر او واجب می گردد.

همچنین مراجعه شود به: عَدُوُّهُ مُسْتَحِقُّ النّارِ [521]

787 وَلِیهُ وَلِی اللَّهِ

دوست او دوست خدا است.

همچنین مراجعه شود به: عَدُوُّهُ عَدُوُّ اللَّهِ [519]

788 وَیلٌ لِمُبْغِضِهِ

رسول خداصلی الله علیه وآله خطاب به علی علیه السلام فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ سَیدٌ فِی الدُّنْیا... وَالْوَیلُ لِمَنْ أَبْغَضَکَ بَعْدِی»؛(6)

«ای علی! تو در دنیا آقا و سرور هستی... وای بر آن که بعد از من، با تو دشمنی کند».

789 الْهادِی

هدایت کننده و راهنمایی کننده.

رسول خداصلی الله علیه وآله به یکی از اصحاب فرمود:

«عَلَیکَ بِعَلِیّ؛ فَإِنَّهُ الْهادِی الْمَهْدِی»؛(7)

1- 999. بحارالانوار، ج 38، ص 135.
2- 1000. بحارالانوار، ج 23، ص 320.
3- 1001. بحارالانوار، ج 98، ص 4؛ امالی طوسی، 351؛ امالی صدوق، ص 2.
4- 1002. جامع الاحادیث، ج 13، ص 214.
5- 1003. کنز العمال، ج 11، ص 620.
6- 1004. المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 138.
7- 1005. بحارالانوار، ج 29، ص 86.

«بر تو باد به ملازمت با علی علیه السلام، که او هدایت کننده هدایت شده است».

همچنین مراجعه شود به: الدَّیانُ [390]

790 هارُونُ الْأُمَّهِ

رسول خداصلی الله علیه وآله درباره امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

«إِنَّ عَلِیاً صِدِّیقُ هذِهِ الْأُمَّهِ وَفارُوقُها وَمُحَدَّثُها وَإِنَّهُ هارُونُها»؛(1)

«همانا علی علیه السلام صدیق این امّت و فاروق و محدّث و هارون این امّت است».

791 یدُ اللَّهِ الْمَبْسُوطَهُ

دست گشوده خدا برای بندگان.

همچنین مراجعه شود به: جَنْبُ اللَّهِ الظّاهِرُ [303]

792 یعْسُوبُ الدِّینِ

سید، رئیس، پیشوا و رهبر دین.

از فرمایشات رسول خداصلی الله علیه وآله خطاب به امیرمؤمنان علیه السلام است:

«أَنْتَ یعْسُوبُ الدِّینِ، وَالْمالُ یعْسُوبُ الْمُنافِقِینَ»؛(2)

«تو یعسوب دین هستی و مال نیز یعسوب منافقان است».

امام صادق علیه السلام نیز در زیارت حضرت فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا یعْسُوبَ الدِّینِ»؛(3)

«سلام بر تو که یعسوب دین هستی».

793 یعْسُوبُ الْمُتَّقِینَ

رسول خداصلی الله علیه وآله خطاب به امام علی علیه السلام فرمود:

«یا عَلِی! أَنْتَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ وَإِمامُ الْمُسْلِمِینَ وَقائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِینَ وَیعْسُوبُ الْمُتَّقِینَ»؛(4)

«ای علی! تو امیرمؤمنان، امام مسلمانان، پیشوای سفیدرویان و رئیس پرهیزکاران هستی».

خود حضرت نیز فرمود:

«أَنَا أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ وَیعْسُوبُ الْمُتَّقِینَ»؛(5)

«من امیرمؤمنان و رئیس پرهیزکارانم».

و در زیارت ایشان آمده:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَبْدِکَ... وَیعْسُوبِ الْمُتَّقِینَ»؛(6)

«خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و نیز درود فرست بر بنده ات امیرمؤمنان که رئیس پرهیزکاران است».

794 یعْسُوبُ الْمُسْلِمِینَ

رسول خداصلی الله علیه وآله درباره امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

«هذا یعْسُوبُ الْمُسْلِمِینَ»؛(7)

«این علی پیشوای مسلمانان است».

و نیز فرمود:

«هُوَ یعْسُوبُ الْمُسْلِمِینَ وَإِمامُ الْمُتَّقِینَ»؛(8)

«او رئیس مسلمانان و امام پرهیزکاران است».

795 یعْسُوبُ الْمُؤْمِنِینَ

در فرمایشی دیگر، رسول خداصلی الله علیه وآله خطاب به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

ص:158

1- 1006. بحارالانوار، ج 38، ص 216؛ امالی صدوق، ص 31.
2- 1007. بشاره المصطفی، ص 103.
3- 1008. مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.
4- 1009. بحارالانوار، ج 38، ص 103.
5- 1010. بحارالانوار، ج 53، ص 46.
6- 1011. بحارالانوار، ج 97، ص 379؛ مفاتیح الجنان، زیارت مخصوصه امیرالمؤمنین.
7- 1012. بحارالانوار، ج 38، ص 230.
8- 1013. بحارالانوار، ج 36، ص 264.

«یا عَلِی! أَنْتَ یعْسُوبُ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمالُ یعْسُوبُ الظّالِمِینَ»؛(1)

«ای علی! تو یعسوب مؤمنان هستی و اموال دنیا نیز یعسوب ستمکاران است».

796 یعْطِیهُ اللَّهُ خَیرَ الظَّفَرِ

خدای تعالی بهترین پیروزی ها را نصیب او گردانیده است.

همچنین مراجعه شود به: جَبْرَئِیلُ عَنْ یمِینِهِ [301]

797 یعْطِیهُ اللَّهُ خَیرَ النَّصْرِ

خدای تعالی بهترین پیروزی ها را نصیب او گردانیده است.

همچنین مراجعه شود به: جَبْرَئِیلُ عَنْ یمِینِهِ [301]

798 یوشَعُ الْأُمَّهِ

برای امّت اسلام به منزله یوشع است.

همچنین مراجعه شود به: آصِفُ الْأُمَّهِ [129]

اشاره

امیرالمؤمنین علیه السلام از زبان امیرالمؤمنین علیه السلام

مقدمه

یکی از راه های شناخت هر فردی، نگرش در خصوصیات و ویژگی های او، و شنیدن سخنان و فرمایشات وی است.

علی بن ابی طالب علیه السلام نیز در مواقع مختلف، و به مناسبت های گوناگون، در جنگ و صلح، با دوست و دشمن، درخطبه و نامه و نصیحت، در خلوت و جلوت، خانه نشینی و حکومت، برای اظهار مقام ولایت و جایگاه امامت، به معرفی و بیان فضایل و مناقب خود پرداخته؛ که البته مقصود از بیان این فضایل در برخی موارد، بیان نعمت های الهی بوده و قصد خودستایی نیست.

799 آخِذُ حَقِّ الضَّعِیفِ

حقّ مظلوم و ضعیف را از ظالم می گیرد.

امیرمؤمنان علی علیه السلام در یکی از خطبه های نهج البلاغه، برخی از ویژگی های خودرا چنین بیان می فرماید:

«فَقُمْتُ بِالْأَمْرِ حِینَ فَشِلُوا وَتَطَلَّعْتُ حِینَ تَقَبَّعُوا وَنَطَقْتُ حِینَ تَعْتَعُوا وَمَضَیتُ بِنُورِ اللَّهِ حِینَ وَقَفُوا، وَکُنْتُ أَخْفَضُهُمْ صَوْتاً وَأَعْلاهُمْ فَوْتاً، فَطَرْتُ بِعِنانِها وَاسْتَبْدَدتُ بُرْهانَها کَالْجَبَلِ لا تُحَرِّکُهُ الْقَواصِفُ وَلا تُزِیلُهُ الْعَواصِفُ. لَمْ یکُنْ لِأَحَدٍ فِی مَهْمَزٌ، وَلا

1- 1014. بحارالانوار، ج 35، ص 55؛ نهج البلاغه، حکمت 316.

لِقائِلٍ فِی مَغْمَزٌ. اَلذَّلِیلُ عِنْدِی عَزیزٌ حَتّی آخِذَ الْحَقَّ لَهُ وَالْقَوِی عِنْدِی ضَعِیفٌ حَتّی آخِذَ الْحَقَّ مِنْهُ»؛(1)

«آن گاه که همه سستی ورزیدند، من قیام کردم. هنگامی که همه خود را پنهان کردند، من به میدان آمدم. وقتی همه سکوت کردند، من به بیان حق پرداختم. آن گاه که همه توقّف کردند، من به نور خدا حرکت نمودم. به هنگام حرف و شعار صدایم پایین بود؛ امّا در مقام عمل، از همه پیشی گرفتم. زمام امور را به دست گرفتم و جلوتر از همه پرواز نمودم و پاداش آن را نیز دریافت کردم. مانند کوهی که تندبادها آن را حرکت نمی دهد و طوفان ها آن را از جای نمی کنند. کسی در من عیبی پیدا نکرد و هیچ سخن چینی در من جای عیب جویی نیافت. افراد ضعیف و مظلوم، نزد من عزیز هستند تا حقّ آنان را بازستانم، و افراد قوی ظالم نزد من ضعیف هستند تا زمانی که حقّ مظلوم را از آنان بازگیرم».

800 الْآخِرُ

شخصی از امیرمؤمنان علیه السلام سؤال کرد: چگونه صبح کردید و در چه حالی هستید؟

حضرت فرمود:

«أَصْبَحْتُ وَأَنَا الصِّدِّیقُ الْأَکْبَرُ وَالْفارُوقُ الْأَعْظَمُ وَأَنَا وَصِی خَیرِ الْبَشَرِ وَأَنَا الْأَوَّلُ وَأَنَا الْآخِرُ وَأَنَا الْباطِنُ وَأَنَا الظّاهِرُ وَأَنَا بِکُلِّ شَی ءٍ عَلِیمٌ وَأَنَا عَینُ اللَّهِ وَأَنَا جَنْبُ اللَّهِ وَأَنَا أَمِینُ اللَّهِ عَلَی الْمُرْسَلِینَ، بِنا عُبِدَ اللَّهُ وَنَحْنُ خُزّانُ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ وَسَمائِهِ وَأَنَا أُحْیی وَأَنَا أُمِیتُ وَأَنَا حَی لا أَمُوتُ»؛(2)

«صبح کردم در حالی که من صدّیق اکبر و فاروق اعظم هستم. من وصی بهترین بشر هستم. منم اول، منم آخر، منم باطن، منم ظاهر، من به هر چیزی عالم هستم. منم عین اللّه، منم جنب اللّه، من امین خدا بر پیامبران هستم. به واسطه ما خداوند عبادت می شود، ما خزینه های الهی در آسمان و زمین هستیم. من زنده می کنم، من می میرانم، و من زنده لایموت هستم».

سؤال کننده از این جواب امیرمؤمنان علیه السلام درشگفت ماند، پس حضرت فرمود:

«اوّل؛ یعنی اولین کسی هستم که به رسول خداصلی الله علیه وآله ایمان آوردم. آخر؛ یعنی آخرین کسی بودم که آن حضرت را زیارت کردم، آن گاه که ایشان را در قبر گذاشتم.

ظاهر؛ یعنی من ظاهر اسلام هستم. باطن؛ یعنی من مملوّ از علم و دانش هستم. به همه چیز آگاهم؛ یعنی هرچه را که خدا به پیامبرش آموخت، آن حضرت نیز همه را به من خبر داد.

من عینِ اللّه هستم؛ یعنی چشم بینای خدا بر مؤمنان و کافران هستم. من جنب اللّه هستم، اشاره به فرمایش خدای تعالی است که می فرماید:

«یا حَسْرَتی عَلی ما فَرَّطتُ فِی جَنْبِ اللَّهِ»(3)

«افسوس برمن از کوتاهی هایی که در اطاعت

1- 1015. نهج البلاغه، خطبه 37.
2- 1016. بحارالانوار، ج 39، ص 348؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 385.
3- 1017. سوره زمر، آیه 56.

فرمان خدا کردم». پس هرکه درمورد من کوتاهی کند، در مقابل خدا کوتاهی کرده است.

من زنده کننده ام؛ یعنی سنّت رسول خداصلی الله علیه وآله را زنده می کنم. میراننده هستم؛ یعنی هرگونه بدعتی را نابود می کنم. من زنده ای هستم که مرگ ندارد، اشاره به فرمایش خدای تعالی است که فرمود: آنان که در راه خدا کشته شده اند را مرده نپندارید، بلکه ایشان زنده اند و نزد پروردگارشان روزی می خورند».

801 آنَسَ بِالْمَوْتِ

عاشق و دلباخته شهادت و مرگ در راه خدا.

آن حضرت قسم یاد کرده است:

«وَاللَّهِ لَابْنِ أَبِی طالِبٍ آنَسَ بِالْمَوْتِ مِنَ الطِّفْلِ بِثَدْی أُمِّهِ»؛(1)

«به خدا قسم که (علی) فرزند ابوطالب عاشق تر و مأنوس تر به مرگ و شهادت است تا علاقه طفل شیرخوار به پستان مادرش».

802 آیهُ اللَّهِ الْعُظْمی

عظمی اسم تفضیل و مؤنث اعظم به معنای بزرگ و بزرگ ترین است و آیت یعنی نشانه و علامت. پس آیت اللّه العظمی به معنای بزرگ ترین نشانه و علامت خدا؛ یعنی هرکه بخواهد خدا را بشناسد، ببیند و درک کند، باید علی علیه السلام را ببیند، بشناسد و درک کند.

خود حضرت فرمود:

«أَنَا آیهُ اللَّهِ الْعُظْمی وَالْمُعْجِزُ الْباهِرُ»؛(2)

«من بزرگ ترین آیه و نشانه خدا و معجزه آشکار هستم».

از امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا آیهَ اللَّهِ الْعُظْمی ؛(3)

«سلام بر تو ای بزرگ ترین آیت و حجت خدا».

علّامه مجلسی در بحارالانوار، از کتاب منتخب البصائر حدیثی را از امام باقرعلیه السلام نقل کرده: امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ای ضمن معرفی خود فرمود:

«وَأَنَّ لِی الْکَرَّهَ بَعْدَ الْکَرَّهِ وَالرَّجْعَهَ بَعْدَ الرَّجْعَهِ، وَأَنَا صاحِبُ الرَّجَعَاتِ وَالْکَرَّاتِ، وَصاحِبُ الصَّوْلاتِ وَالنَّقِماتِ وَالدُّولاتِ الْعَجِیباتِ، وَأَنَا قَرْنٌ مِنْ حَدِیدٍ، وَأَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَأَخُو رَسُولِ اللَّهِ، أَنَا أَمِینُ اللَّهِ وَخازِنُهُ وَعَیبَهُ سِرِّهِ، وَحِجابُهُ وَوَجْهُهُ وَصِراطُهُ وَمِیزانُهُ، وَأَنَا الْحاشِرُ إِلَی اللَّهِ، وَأَنَا کَلِمَهُ اللَّهِ الَّتِی یجْمَعُ بِهَا الْمُفْتَرِقَ وَیفَرِّقُ بِهَا الْمُجْتَمِعَ، وَأَنَا أَسْمآءُ اللَّهِ الْحُسْنی وَأَمْثالُهُ الْعُلْیا وَآیاتُهُ الْکُبْری وَأَنَا صاحِبُ الْجَنَّهِ وَالنّارِ أَسْکِنُ أَهْلَ الْجَنَّهِ الْجَنَّهَ وَأُسْکِنُ أَهْلَ النّارِ النّارَ، وَإِلَی تَزْویجُ أَهْلِ الْجَنَّهِ وَإِلَی عَذَابُ أَهْلِ النّارِ وَإِلَی إِیابُ الْخَلْقِ جَمِیعاً، وَأَنَا الإِیابُ الَّذِی یئُوبُ إِلَیهِ کُلُّ شَی ءٍ بَعْدَ الْقَضآءِ وَإِلَی حِسابُ الْخَلْقِ جَمِیعاً، وَأَنَا صاحِبُ الْهِباتِ، وَأَنَا الْمُؤَذِّنُ عَلَی الأَعْرافِ، وَأَنَا بارِزُ الشَّمْسِ، وَأَنَا دابَّهُ الأَرْضِ،

ص:161

1- 1018. بحارالانوار، ج 28، ص 223؛ الاحتجاج، ج 2، ص 95؛ نهج البلاغه، خطبه 5.
2- 1019. بحارالانوار، ج 54، ص 336.
3- 1020. بحارالانوار، ج 97، ص 373؛ اقبال الاعمال، ص 608؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.

وَأَنَا قَسِيمُ النّارِ، وَأَنَا خازِنُ الْجِنانِ وَصاحِبُ الأَعْرافِ، وَأَنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَيَعْسُوبُ الْمُتَّقِينَ وَآيَةُ السَّابِقِينَ وَلِسانُ النَّاطِقِينَ وَخَاتِمُ الْوَصِيينَ وَوارِثُ النَّبِيينَ وَخَلِيفَةُ رَبِّ الْعالَمِينَ وَصِراطُ رَبِّی الْمُسْتَقِيمُ وَقُسْطاطُهُ وَالْحُجَّةُ عَلَی أَهْلِ السَّماواتِ وَالْأَرَضِينَ وَما فِيهِما وَما بَينَهُما، وَأَنَا الَّذِی احْتَجَّ اللّهُ بِهِ عَلَيكُمْ فِی ابْتِداءِ خَلْقِكُمْ، وَأَنَا الشّاهِدُ يوْمَ الدِّينِ، وَأَنَا الَّذِی عَلِمْتُ عِلْمَ الْمَنايا وَالْبَلايا وَالْقَضايا وَفَصْلَ الْخِطَابِ وَالْأَنْسابَ، وَاسْتُحْفِظْتُ آياتِ النَّبِيينَ الْمُسْتَخْفِينَ الْمُسْتَحْفَظِينَ، وَأَنَا صاحِبُ الْعَصا وَالْمِيسَمِ، وَأَنَا الَّذِی سُخِّرَتْ لِی السَّحابُ وَالرَّعْدُ وَالْبَرْقُ وَالظُّلَمُ وَالْأَنْوارُ وَالرِّياحُ وَالْجِبالُ وَالْبِحارُ وَالنُّجُومُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ، أَنَا الْقَرْنُ الْحَدِيدُ، وَأَنَا فارُوقُ الْأُمَّهِ، وَأَنَا الْهادِی، وَأَنَا الَّذِی أَحْصَيتُ كُلَّ شَی ءٍ عَدَداً بِعِلْمِ اللّهِ الَّذِی أَوْدَعَنِيهِ، وَبِسِرِّهِ الَّذِی أَسَرَّهُ إِلی مُحَمَّدٍصلی الله علیه وآله وَأَسَرَّهُ النَّبِی صلی الله علیه وآله إِلَی، وَأَنَا الَّذِی أَنْحَلَنِی رَبِّی اسْمَهُ وَكَلِمَتَهُ وَحِكْمَتَهُ وَعِلْمَهُ وَفَهْمَهُ، يا مَعْشَرَ النَّاسِ! اسْأَلُونِی قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِی»؛(1)

«همانا برای من است حمله بعد از حمله ای، و رجعت بعد از رجعتی، من دارای رجعت های پی در پی هستم، من دارای صولت و نقمت دولت های عجیب هستم، من همتا و حریف شجاعان هستم، من بنده خدا و برادر رسول اویم، من امین خدا و ذخیره و گنجینه اسرار اویم، من حجاب و وجه خدا و راه مستقیم و میزان الهی هستم.

من متصل و چسبیده به سوی خدایم، من همان کلمه خدایم که به وسیله او پراکندگی ها را جمع می کند و جمع دشمنان را پراکنده می نماید، من اسماء الحسنی هستم، من امثال العلیا و آیات کبرایم، صاحب اختیار بهشت و جهنم می باشم، بهشتیان را در بهشت ساکن می کنم و جهنمیان را به دوزخ می فرستم. تزویج بهشتیان و تعذیب جهنمیان به عهده من است، همه خلق به سوی من خواهند آمد؛ چون بعد از قضای خدا، محل رجوع همه چیز هستم و حساب همه مردم با من است.

آن که دارای بخشش های زیاد است منم، مؤذن بر اعراف من هستم، خورشید تابنده و فروزنده منم، آن دابّه و جنباننده زمین منم، تقسیم کننده بهشت و جهنم منم، خازن و نگهبان بهشت و صاحب اعراف منم. من امیر مؤمنان و پیشوای پرهیزکاران هستم، من آیت سبقت گرفتگان به اسلام و زبان گویندگان هستم، من بهترین جانشینان و وارث پیامبران هستم، من خلیفه خدای جهانیان و راه مستقیم و خیمه گاه اویم، من حجّت خدا بر اهل آسمان ها و زمینیان، و هرآنچه در آنها و بین آنهاست می باشم، من همان

کسی هستم که خدا به وسیله او بر شما در ابتدای خلقت احتجاج می کند و من گواه روز قیامت هستم.

من همانم که به همه مرگ و میرها و بلایا و قضایا و فصل الخطاب و نسب ها آگاهی دارم، آیات و نشانه های پیامبران مستخفین. من صاحب عصا و دارنده علامت می باشم، من همانم

1- 1021. بحارالانوار، ج 53، ص 46.

که ابر و رعد و برق و تاریکی و روشنایی و باد و کوه ها و دریاها و ستارگان و خورشید و ماه در تسخیر من است.

من همتا و حریف شجاعان می باشم. منم فاروق امّت، منم هادی، منم که شماره هر چیزی را به علم الهی می دانم، همان علمی که خدا در من نهاده و با همان سری که خدا آن را به محمّدصلی الله علیه وآله سپرد و پیامبرصلی الله علیه وآله نیز آن را در اختیار من گذاشت. منم آن کس که خدای تعالی اسم و کلمه و حکمت و علم و فهم خود را به من بخشید. ای مردم! از من بپرسید قبل از این که مرا از دست بدهید».

804 أَبُو الْحَسَنِ

پدر حسن. از کنیه های معروف امام علی علیه السلام؛ چون امام حسن علیه السلام اولین فرزند و پسر آن حضرت بود، کنیه ایشان به ابوالحسن معروف شد، چنان که در دعای توسل عرض می کنیم:

«یا أَبَاالْحَسَنِ، یا أَمِیرَالْمُؤْمِنِینَ، یاعَلِی بْنَ أَبِی طالِبٍ»؛(1)

«ای پدر حسن، ای امیرمؤمنان و ای علی بن ابی طالب».

805 أَبُو الْحُسَینِ

آن حضرت هم پدر امام حسن است و هم پدر امام حسین علیه السلام؛ اگرچه امام حسن علیه السلام زودتر به دنیا آمد، امیرالمؤمنین علیه السلام به ابوالحسن معروف شد؛ لیکن عبارت ابوالحسین نیز وارد شده، چنان که در زیارت مطلقه آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا أَبَا الْحَسَنِ وَالْحُسَینِ»؛(2)

«سلام بر تو ای پدر حسن و حسین علیهما السلام».

806 أَبُو الْعِتْرَهِ

پدر عترت و بزرگ خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله؛ چنان که خود آن حضرت فرمود:

«أَنَا إِمامُ الْبَرِیهِ وَوَصِی خَیرِ الْخَلِیقَهِ وَزَوْجُ سَیدَهِ نِسآءِ هذِهِ الْأُمَّهِ وَأَبُو الْعِتْرَهِ الطّاهِرَهِ»؛(3)

«من امام خلایق و جانشین بهترین خلق خدایم، من همسر بهترین زنان این امّت و پدر عترت طاهره هستم».

807 أَبُو الْقُصَمِ

در هنگامه جنگ و غزوه احد که درگیری شدید شد، رسول خداصلی الله علیه وآله به سوی امام علی علیه السلام فرستاد و فرمود: پرچم را پیش ببر. پس علی علیه السلام نیز چنین کرد، مبارز طلبید و فرمود:

من ابو القصم هستم؛ کسی که می بُرد و شکست می دهد و جلو می رود.(4)

808 أَبُو الْمَساکِینَ

امام علی علیه السلام در حقّ همه بیچارگان و فقرا و مساکین نهایت رعایت را می نمود و خود نیز در حدّ پایین ترین افراد جامعه زندگی می کرد،

1- 1022. بحارالانوار، ج 99، ص 247؛ مفاتیح الجنان، دعای توسل.
2- 1023. بحارالانوار، ج 97، ص 285؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
3- 1024. بحارالانوار، ج 39، ص 336؛ امالی صدوق، ص 605؛ بشاره المصطفی، ص 191.
4- 1025. البته این کلمه به دو گونه آمده: یکی قُصم به معنای بریدن و دیگری قُصم به معنای شکستن. موسوعه امام علی علیه السلام ج 1، ص 193.

امام صادق علیه السلام می فرماید: حضرت امیرعلیه السلام در خطبه اش فرمود:

«أَنَا الْهادِی، وَأَنَا الْمُهْتَدِی، وَأَنَا أَبُوالْیتامی وَالْمَساکِینَ»؛(1)

«منم هدایت کننده، منم هدایت یافته و منم پدر یتیمان و مساکین».

809 أَبُو الْیتامی

پدر یتیمان؛ چه یتیمان ظاهری؛ آنان که پدر خود را از دست داده بودند، حضرت در حقّ آنان پدری می فرمود، و چه یتیمان باطنی؛ کلّ امّت اسلام که بعد از رسول خداصلی الله علیه وآله یتیم شده بودند. چون پیامبر فرموده بود: ما (من و علی) پدر امّت هستیم.

همچنین مراجعه شود به: أَبُو الْمَساکِینَ [808]

810 أَحْرَصَ عَلَی الْجَماعَهِ

بیش از همه نسبت به وحدت و اتّحاد امّت و جماعت اسلامی کوشا بود.

اولین منادی وحدت امّت اسلامی و کسی که از تمام حقوق مسلّم خود به جهت جلوگیری از تفرقه امّت اسلام گذشت و تا آنجا که به نفع دین بود سکوت کرد، او خلیفه بحقّ و بلافصل رسول خداصلی الله علیه وآله بود:

«وَلَیسَ رَجُلٌ فَاعْلَمْ أَحْرَصَ عَلی جَماعَهِ أُمَّهِ مُحَمَّدٍصلی الله علیه وآله وَأُلْفَتَها مِنِّی»؛(2)

«در امّت اسلام هیچ کسی وجود ندارد که به وحدت و جماعت امّت محمّدصلی الله علیه وآله و انس و الفت آنان به یکدیگر، از من دلسوزتر باشد».

811 أَحَقُّ النّاسِ بِالْخِلافَهِ

نسبت به خلافت و جانشینی رسول خداصلی الله علیه وآله از همه سزاوارتر است.

هنگامی که شورای شش نفره عمر، تصمیم به انتخاب عثمان گرفتند، از مردم اقرار گرفتِ:

«لَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنِّی أَحَقُّ النّاسِ بِها مِنْ غَیرِی وَوَاللّهِ لَأَسْلِمَنَّ ما سَلِمَتْ أُمُورُ الْمُسْلِمِینَ»؛(3)

«همه شما می دانید که من از همه به خلافت سزاوارترم، ولی به خدا سوگند! به جهت سامان یافتن امور مسلمین سکوت می کنم».

812 أَخْفَضُ النّاسِ صَوْتاً

در مقام حرف و شعار، صدایش از همه پایین تر است.

همچنین مراجعه شود به: آخِذُ حَقِّ الضَّعِیفِ [799]

813 أَخُو النَّبِیّ

برادر پیامبر.

خود حضرت فرمود:

«أَنَا عَلِی بْنُ أَبِی طالِبِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَلِّبِ، أَخُو النَّبِیّ وَزَوْجُ ابْنَتِهِ فاطِمَهُ»؛(4)

«من علی فرزند ابوطالب، نوه عبدالمطلب، برادر پیامبر و همسر دخترش فاطمه هستم».

و در زیارت آن حضرت وارد شده است:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی وَلِیکَ وَأَخِی نَبِیکَ وَوَزِیرِهِ»؛(5)

1- 1026. بحارالانوار، ج 24، ص 199.
2- 1027. نهج البلاغه، نامه 78.
3- 1028. نهج البلاغه، خطبه 74.
4- 1029. بحارالانوار، ج 10، ص 1.
5- 1030. بحارالانوار، ج 95، ص 292؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.

«خدایا درود فرست بر علی که ولی تو و برادر و وزیر پیامبر توست».

814 أَسْبَقُ السّابِقِینَ

امام حسن علیه السلام به نقل از پدر بزرگوارش امیرمؤمنان علیه السلام، در مورد آیه شریفه «وَالسّابِقُونَ السّابِقُونَ * أُولئِکَ الْمُقَرَّبُونَ»(1) فرمود:

«إِنِّی أَسْبَقُ السّابِقِینَ إِلَی اللَّهِ وَإِلی رَسُولِهِ وَأَقْرَبُ الْمُقَرَّبِینَ إِلَی اللَّهِ وَإِلی رَسُولِهِ»؛(2)

«من سابق ترین سبقت گیران به خدا و رسول او و من نزدیک ترین مقربان به خدا و رسول هستم».

815 أَسْمآءُ اللَّهِ الْحُسْنی

محل تجلّی و مظهر اسمای نیکوی الهی.

همچنین مراجعه شود به: آیهُ السّابِقِینَ [802]

816 أَعْلَمُ بِالقُرْآنِ

از همه بیشتر به قرآن علم و آگاهی دارد.

آن حضرت در بیانی فرمود:

«واللَّهِ إِنِّی أَعْلَمُ بِالْقُرْآنِ وَتَأْوِیلِهِ مِنْ کُلِّ مُدَّعٍ عِلْمِهِ، وَلَوْلا آیهٌ فِی کِتابِ اللَّهِ لَأَخْبَرْتُکُمْ بِما یکُونُ إِلی یوْمِ الْقِیامَهِ»؛(3)

«به خدا سوگند! من از هر کسی بیشتر به قرآن و تأویل آن علم دارم، از هرکه ادّعا کند، اگر نبود آیه ای در قرآن، هرآینه به شما خبر می دادم آنچه را که قرار است تا روز قیامت اتفاق بیفتد».

817 أَعْلَمُ بِطُرُقِ السَّمآءِ

به راه های آسمان آگاهی دارد، حتی دانش او به آسمان ها بیشتر از زمین است.

آن حضرت در بیانی فرمود:

«فَوَاللّهِ إِنِّی بِطَرُقِ السَّمآءِ أعْلَمُ بِطَرُقِ الْأرْضِ»؛(4)

«به خدا قسم! من به راه های آسمان آشناتر هستم تا راه های زمین».

818 أَعْلَی النّاسِ

در مقام عمل از همه بالاتر است.

همچنین مراجعه شود به: آخِذُ حَقِّ الضَّعِیفِ [799]

819 أَقْرَبُ الْمُقَرَّبِینَ

مقرّبین کسانی هستند که به قرب الهی بار یافته اند و به درجات بالا رسیده اند؛ ولی در بین آنان، امیر مؤمنان علیه السلام ازهمه نزدیک تر است.

همچنین مراجعه شود به: أَسْبَقُ السّابِقِینَ [814]

820 اِکْتَفی بِطِمْرَیهِ

به کمترین امکانات دنیوی اکتفا و قناعت نموده است. پس فرمود:

«أَلا وَإِنَّ إِمامَکُمْ قَدْ اِکْتَفی مِنْ دُنْیاهُ بِطِمْرَیهِ وَمِنْ طَعامِهِ بِقُرْصَیهِ...»؛(5)

«آگاه باش امام شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده و دو قرص نان رضایت داده است».

821 اِکْتَفی بِقُرصَیهِ

از مواهب دنیا به دو قرص نان اکتفا نمود.

همچنین مراجعه شود به: اِکْتَفی بِطِمْرَیهِ [820]

1- 1031. سوره واقعه، آیات 10 و 11؛ «این گروه، پیشگامان پیشگامند، آنها مقرّبانند».
2- 1032. بحارالانوار، ج 24، ص 8؛ تأویل الآیات، ص 620؛ کتاب سلیم بن قیس، ص 936.

3- 1033. الارشاد مفید، ج 1، ص 35.
4- 1034. مصباح البلاغه، ج 2، ص 346؛ مشابه آن در نهج البلاغه، خطبه 189 آمده است.
5- 1035. نهج البلاغه، نامه 45.

822 إِلَيهِ إِيابُ الْخَلْقِ

با توجّه به آیات قرآن و سخن آن حضرت، بازگشت همه به نزد امام می باشد.

همچنین مراجعه شود به: آیهُ السّابِقِینَ [802]

823 إِلَيهِ تَزْوِيجُ أَهْلِ الْجَنَّهِ

تزویج بهشتیان به وسیله ایشان است.

همچنین مراجعه شود به: آیهُ السّابِقِینَ [802]

824 إِلَيهِ حِسابُ الْخَلْقِ

حساب و کتاب مردم به دست ایشان است.

همچنین مراجعه شود به: آیهُ السّابِقِینَ [802]

825 إِلَيهِ عَذابُ أَهْلِ النّارِ

مجازات جهنمیان به دست ایشان است.

همچنین مراجعه شود به: آیهُ السّابِقِینَ [802]

826 إِمامُ الْبَرِيهِ

پیشوا و رهبر خلایق.

اصبغ بن نباته از آن حضرت نقل کرده که فرمود:

«أَنَا إِمامُ الْبَرِيهِ وَوَصِی خَيرِ الْخَلِيقَهِ»؛(1)

«من امام بندگان و جانشین بهترین آفریده و خلق خدایم».

827 الْأَمانُ

حضرت فرموده است:

«أَنَا وَأَهْلُ بَيتِی أَمانٌ لِأَهْلِ الْأَرْض كَما أَنَّ النُّجُومَ أَمانٌ لِأَهْلِ السَّمآءِ»؛(2)

«من و اهل بیت من موجب امآن و امنیت مردم روی زمین هستیم؛ همان گونه که ستارگان امان اهل آسمان می باشند».

حافظ رجب برسی از علمای قرن نهم نیز در توصیف خود از امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید:

«أَنْتَ الْأَمانُ مِنَ الرَّدی أَنْتَ النَّجاهُ مِنَ الْمَهالِکِ، أَنْتَ الصِّراطُ الْمُسْتَقِیمُ قَسِیمُ جَنّاتِ الْأَرائِکِ»؛(3)

«تو موجب امان و امنیت از رذالت و نجات از هلاکت هستی، تو راه مستقیم خدا و تقسیم کننده بهشت های الهی هستی».

828 أَمِیرُ الْکَلامِ

سخن و کلام او و سایر امامان علیهم السلام برترین و بالاترین کلام هاست. شاهد آن نیز، کتاب ارزشمند نهج البلاغه است، چنان که فرموده:

«وَإِنّا لَأُمَراءُ الْکَلامِ، وَفِینا تَنَشَّبَتْ عُرُوقُهُ وَعَلَینا تَهَدَّلَتْ غُصُونُهُ»؛(4)

«همانا ما امیران سخن هستیم، درخت سخن در ما ریشه دوانده، و شاخه های آن بر ما سایه افکنده است».

829 أَمِینُ رَبِّ الْعالَمِینَ

امین و امانت دار پروردگار جهانیان.

خود حضرت فرموده:

«أَنَا أَخُو سَیدُ الْمُرْسَلِینَ وَأَمِینُ رَبِّ الْعالَمِینَ»؛(5)

«من برادر آقای پیامبران و امین پروردگار جهانیان هستم».

1- 1036. بحارالانوار، ج 39، ص 336؛ امالی صدوق، ص 38.
2- 1037. غرر الحکم، حدیث 3764.
3- 1038. مشارق انوار الیقین، ص 375.

4- 1039. بحارالانوار، ج 31، ص 245؛ اعلام الدين، ص 331؛ نهج البلاغه، خطبه 233؛ شرح نهج البلاغه، ج 13،ص 12.
5- 1040. بحارالانوار، ج 54، ص 341.

پس در لسان امامان علیهم السلام و دعاها نیز جاری شده و در یکی از زیارات آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا سَیدَ الْوَصِیینَ، وَأَمِینَ رَبِّ الْعالَمِینَ»؛(1)

«سلام بر تو ای آقای جانشینان و امین پروردگار جهانیان».

830 الْأَوَّلُ

اولین کسی که به رسول خداصلی الله علیه وآله ایمان آورده.

همچنین مراجعه شود به: الْآخِرُ [800]

831 أَوَّلُ مُؤْمِنٍ بِالرَّسُولِ

اولین کسی که به پیامبرصلی الله علیه وآله ایمان آورد.

علی علیه السلام می فرماید: در جریان آغاز دعوت پیامبرصلی الله علیه وآله و دشمنی قریش، آنان می گفتند: محمّد ساحر و کذّاب است؛ امّا من می گفتم:

«لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ، إِنِّی أَوَّلُ مُؤْمِنٍ بِکَ یا رَسُولَ اللَّهِ وَأَوَّلُ مَنْ أَقَرَّ بِأَنَّ الشَّجَرَ فَعَلَتْ ما فَعَلَتْ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعالَی تَصْدِیقاً بِنُبُوَّتِکَ وَإِجْلالاً لِکَلِمَتِکَ...»؛(2)

«خدایی جز اللَّه نیست، همانا من اولین مؤمن به تو هستم ای رسول خدا، و نخستین کسی هستم که اقرار می کنم درخت با فرمان خدا برای تصدیق نبوت و بزرگ داشت دعوت رسالت، آنچه را خواستی (حرکت کردن درخت از جای خود) انجام داد».

832 أَوَّلُ مَنْ أَجابَ

اولین کسی که دعوت حقّ و پیامبر را اجابت نموده است.

حضرت در نهج البلاغه فرموده است:

«اَللَّهُمَّ إِنِّی أَوَّلُ مَنْ أَنابَ وَسَمِعَ وَأَجابَ، لَمْ یسْبَقْنِی إِلّا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وآله بِالصَّلاهِ»؛(3)

«خدایا! من اولین کسی هستم که به تو روی آوردم، دعوتت را شنیده و اجابت نمودم. در نماز، کسی جز رسول خداصلی الله علیه وآله بر من پیشی نگرفت».

833 أَوَّلُ مَنْ أَنابَ

اولین کسی که به سوی خدا روی کرده و ایمان آورده است.

همچنین مراجعه شود به: أَوَّلُ مَنْ أَجابَ [832]

834 أَوَّلُ مَنْ بايعَ

اولین کسی که با رسول خداصلی الله علیه وآله بیعت نموده.

امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه ای به معاویه فرمود:

«أَنَا أَوَّلُ مَنْ بايعَ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه وآله تَحْتَ الشَّجَرَهِ فِی قَوْلِهِ تَعالی «لَقَدْ رَضِی اللَّهُ عَنِ المُؤْمِنِینَ اِذْ یبایعُونَکَ تَحْتَ الشَّجَرَهِ»»؛(4)

«من اولین کسی بودم که با رسول خداصلی الله علیه وآله در زیر درخت بیعت نمودم همان که خداوند در آیه فرموده: خدا از مؤمنان، هنگامی که زیر آن درخت با تو بیعت کردند، راضی و خشنود شد».

835 أَوَّلُ مَنْ سَمِعَ

اولین کسی که سخن خدا و رسولش را با جان و دل گوش داد.

همچنین مراجعه شود به: أَوَّلُ مَنْ أَجابَ [832]

1- 1041. بحارالانوار، ج 97، ص 285؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
2- 1042. نهج البلاغه، خطبه 192.
3- 1043. نهج البلاغه، خطبه 131.
4- 1044. بحارالانوار، ج 33، ص 233؛ تفسیر قمی ج 2، ص 268.

836 أَوْلی بِالرَّسُولِ

از همه به پیامبرصلی الله علیه وآله نزدیک تر و سزاوارتر است. حضرت فرمود:

«أَنَا أَوْلی بِرَسُولِ اللَّهِ حَیاً وَمَیتاً، وَأَنَا وَصِیهُ وَوَزِیرُهُ وَمُسْتَوْدَعُ سِرِّهِ وَعِلْمِهِ»؛ (1)

«من از همه به رسول خداصلی الله علیه وآله سزاوارترم؛ چه در هنگام حیات و چه بعد از رحلت آن حضرت، و من وصی، جانشین و وزیر و امانت دار سرّ و علم او هستم».

837 أَهْلُ مُوالاتِهِ مَرحُومُونَ

حضرت بر منبر کوفه می فرمود:

«أَهْلُ مُوالاتِی مَرْحُومُونَ وَأَهْلُ عِداوَتِی مَلْعُونُونَ»؛(2)

«دوستداران ولایت من مورد رحمت خدایند و دشمنان من مورد لعن خدایند».

838 الْإِیابُ

بازگشتن و محل بازگشت مردم.

همچنین مراجعه شود به: آیهُ السّابِقِینَ [802]

839 بَأْسُ اللَّهِ

جابر بن عبداللَّه انصاری از امام باقرعلیه السلام نقل می کند: هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام از نهروان به سمت کوفه برمی گشت، برای مردم خطبه خواند، و این در حالی بود که خبر دشنام معاویه به آن حضرت رسیده بود. حضرت ایستاد و پس از حمد و ثنای الهی و درود بر پیامبر و ذکر نعمت های خدا فرمود: اگر آیه شریفه «وَأَمّا بِنِعْمَهِ رَبِّکَ فَحَدِّثْ»(3) نبود، این سخنان را نمی گفتم، تا رسید به اینجا:

«أَنَا أَخُو رَسُولِ اللَّهِ وَابْنُ عَمِّهِ، وَسَیفُ نِقْمَتِهِ وَعِمادُ نُصْرَتِهِ وَبَأْسِهِ وَشِدَّتِهِ، أَنَا رَحی جَهَنَّمَ الدّائِرَهِ وَأَضْراسِهَا الطّاحِنَهِ، أَنَا مُوتِمُ الْبَنِینَ وَالْبَناتِ وَقابِضُ

الْأَرْواحِ وَبَأسُ اللّهِ الّذِی لا یرُدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِینَ، أَنَا مُجْدِلُ الْأَبْطالِ وَقاتِلُ الْفُرْسانِ وَمُبِیرُ مَنْ کَفَرَ بِالرَّحْمنِ وَخَیرُ الْأَنامِ، أَنَا سَیدُ الْأَوْصِیاءِ وَوَصِی خَیرِ الْأَنْبِیاءِ، أَنَا بابُ مَدِینَهِ الْعِلْمِ وَخازِنُ عِلْمِ رَسُولِ اللّهِ وَوارِثُهُ، أَنَا زَوْجُ الْبَتُولِ سَیدَهِ نِساءِ الْعالَمِینَ»؛(4)

«من برادر رسول خداصلی الله علیه وآله و پسرعموی اویم؛ من شمشیر قدرت و اساس نصرت او هستم؛ من آسیاب گردان جهنم و سنگ کوبنده آن هستم، من یتیم کننده فرزندان کافران هستم، منم که قبضِ روح می کنم، من عذاب الهی بر مجرمان هستم، من به زمین زننده پهلوانان، کُشنده جنگجویان و به هلاکت رساننده هرکس که به خدای رحمان کافر شود، هستم. منم آقای اوصیا و وصی بهترین پیامبران، من باب مدینه و گنجینه علم رسول خدا و وارث اویم. من همسر بهترین زنان عالم هستم».

840 بابُ الْإِیمانِ

درب ورودی ایمان به خدا.

امام صادق علیه السلام از بیان آن جناب فرموده است:

«أَنَا الْفارُوقُ الْأَکْبَرُ وَقَرْنٌ مِنْ حَدِیدٍ وَبابُ الْإِیمانِ»؛(5)

1- 1045. بحارالانوار، ج 28، ص 185؛ الاحتجاج، ج 1، ص 73؛ موسوعه امام علی علیه السلام ج 8، ص 199.
2- 1046. امالی صدوق، مجلس 7، حدیث 2.
3- 1047. سوره ضحی، آیه 11: «و نعمت های پروردگارت را بازگو کن».
4- 1048. بحارالانوار، ج 33، ص 283؛ و ج 35، ص 45؛ بشاره المصطفی، ص 12؛ معانی الاخبار، ص 58.
5- 1049. بحارالانوار، ج 26، ص 317.

«من جدا کننده بزرگ (بین حقّ و باطل) هستم، من سپر و نیزه آهنین و باب ایمان می باشم».

و در زیارت آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا بابَ الْإِیمانِ»؛(1)

«سلام بر تو ای علی! که باب ایمان هستی».

841 بابُ الْمَقامِ

مقام هم به معنای منزلت و جاه و هم به معنای مکان و هنگام اقامت گزیدن؛ امام علی علیه السلام در جایگاهی است که شایسته اقامت گزیدن است.

امیر المؤمنین علیه السلام بارها فرمود:

«أَنَا بابُ الْمَقامِ وَحُجَّهُ الْخِصامِ»؛(2)

«من باب مقام و دلیل بر دشمنان هستم».

شاید منظور این باشد که درک مقام ابراهیم در حج و عمره فقط با ولایت ما قبول می شود و یا اینکه ما محل و مقام ایستادن نزد پروردگار هستیم برای حسابرسی در روز قیامت.(3)

چنان که امام صادق علیه السلام خود را به قبر شریف آن حضرت چسبانید و فرمود:

«بِأَبِی أَنْتَ وَأُمِّی یا بابَ الْمَقامِ»؛(4)

«پدر و مادرم فدای تو ای درگاه مقام».

842 بابُ النَّبِیّ

هرکه می خواهد پیامبر خداصلی الله علیه وآله را بشناسد و به او برسد، باید علی علیه السلام را بشناسد و تابع او باشد، چنان که خود آن حضرت فرموده است:

«أَنَا الْحُجَّةُ الْعُظْمی وَالآیهُ الْکُبْری وَالْمَثَلُ الْأعْلی وَبابُ النَّبِیّ الْمُصْطَفی ؛ (5)

«من عظیم ترین و بزرگ ترین آیه و حجّت خدایم، من مثل اعلی و باب پیامبر برگزیده هستم».

843 بارِزُ الشَّمْسِ

خورشید تابنده و فروزنده.

همچنین مراجعه شود به: آیهُ السّابِقِینَ [802]

844 الْباطِلُ

مملوّ از علم و ایمان.

همچنین مراجعه شود به: الْآخِرُ [800]

845 الْباقِرُ لِلْباطِلِ

شکافنده باطل.

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، در یکی از خطبه هایش فرموده است:

«وَأَیمُ اللَّهِ! لأَبْقَرَنَّ الْباطِلَ حَتّی أُخْرِجَ الْحَقَّ مِنْ خاصِرَتِهِ»؛(6)

«به خدا قسم که درون باطل را می شکافم و حقّ را از پهلوی آن بیرون می کشم».

846 الْبَحْرُ الْقَمْقامُ

دریای بسیار بزرگ.

از امام علی علیه السلام نقل شده است که فرمود:

«أَنَا الْبَحْرُ الْقَمْقامُ الزّاخِرُ»؛(7)

«من دریای بیکران و پربار هستم».

1- 1050. بحارالانوار، ج 97، ص 348.
2- 1051. بحارالانوار، ج 41، ص 5؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 118.
3- 1052. بحارالانوار، ج 97، ص 280.
4- 1053. بحارالانوار، ج 97، ص 279؛ المزار ص 78؛ بلد الامین ص 291؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
5- 1054. بحارالانوار، ج 39، ص 335؛ امالی صدوق، ص 38.
6- 1055. بحارالانوار، ج 34، ص 239؛ نهج البلاغه، خطبه 104؛ الارشاد، ج 1، ص 247.
7- 1056. بحارالانوار، ج 39، ص 348.

847 تابِعُ الرَّسُولِ

از رسول خداصلی الله علیه وآله تبعیت و پیروی می کرد، که خود می فرماید:

«وَلَقَدْ كُنْتُ أَتَّبِعُهُ اتِّباعَ الْفَصِيلِ أَثَرَ أُمِّهِ...»؛(1)

«من همواره تابع و همراه پیامبر بودم؛ همان طور که بچه شتر و فرزند، به دنبال مادرش است».

848 تُراثُهُ نَهْباً

ارث و میراث خلافت او را غصب کرده و به تاراج بردند؛ چنان که حضرت فرمود:

«أَرى تُراثِى نَهْباً»؛(2)

«میراث خلافت را که حقّ من بود، غارت شده می بینم».

و البته برای جلوگیری از تفرقه بین امّت نوپای اسلامی سکوت فرمود.

849 تَرْجُمانُ وَحْى اللَّهِ

مفسّر قرآن کریم و تبیین کننده وحی الهی.

حضرت می فرماید:

«أَنَا تَرْجُمانُ وَحْى اللَّهِ، أَنَا مَعْصُومٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ»؛(3)

«من مفسّر قرآن کریم و تبیین کننده وحی الهی هستم. من معصوم از جانب خداوند هستم».

850 الْحاشِرُ إِلَى اللَّهِ

متصل شده و چسبیده به قرب خدای تعالی.

همچنین مراجعه شود به: آیهُ السّابِقِينَ [802]

851 حامِلُ سُورَهِ التَّنْزِيلِ

...

آن گاه که سوره برائت نازل گردید و قرار شد به مردم مکّه اعلان شود، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله ابتدا ابوبکر را فرستاد؛ ولی وحی آمد: ای پیامبر! یا خودت باید این کار را انجام دهی یا کسی که مثل خودت باشد. پس علی علیه السلام را فرستاد، و حضرت نیز با شجاعت تمام در بین مشرکان قریش و مکّه حاضر شد و آن سوره را در مجامع عمومی حج اعلان کرد.

خود حضرت می فرماید:

«أَنَا حامِلُ سُورَهِ التَّنْزِیلِ إِلی أَهْلِ مَکَّهَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعالی ؛(4)

«منم آن کسی که سوره نازل شده برائت را به امر خدای تعالی به سوی اهالی مکّه حمل نمودم».

852 الْحامِلُ عَلَی الْفَرَسَینِ

فرسین؛ یعنی فارسین به معنای دو اسب است. یا اینکه در برخی جنگ ها بر اسب بعد از اسبی سوار می شده؛ خود آن حضرت در بیانی فرموده است:

«أَنَا الضّارِبُ بِالسَّیفَینِ وَالْحامِلُ عَلی فَرَسَینِ»؛(5)

«من با دو شمشیر جهاد کردم و بر دو اسب سوار شدم».

853 حامِلُ النّاسِ إِلَی الْجَنَّهِ

حضرت در وجوب اطاعت از امامت خود و تشویق مردم می فرماید:

«فَإِنْ أَطَعْتُمُونِی فَإِنِّی حامِلُکُمْ إِنْ شآءَ اللَّهُ عَلی سَبِیلِ الْجَنَّهِ، وَإِنْ کانَ ذا مَشَقَّهٍ شَدِیدَهٍ وَمَذاقَهٍ مَرِیرَهٍ»؛(6)

1- 1057. بحارالانوار، ج 14، ص 475؛ نهج البلاغه، خطبه 192؛ الطرائف، ج 2، ص 413.
2- 1058. معانی الاخبار، ص 360؛ نهج البلاغه، خطبه 3.
3- 1059. احقاق الحق، ج 4، ص 332.

4- 1060. الفضائل، ص 83.
5- 1061. بحارالانوار، ج 39، ص 341؛ امالی صدوق، ص 35؛ بشاره المصطفی، ص 155.
6- 1062. بحارالانوار، ج 32، ص 240؛ نهج البلاغه، خطبه 156.

«اگر از من اطاعت کنید به خواست خدا شما را به راه بهشت خواهم برد؛ هرچند سخت و دشوار و پر از تلخی ها باشد».

854 حِجابُ الْوَری

حجاب و واسطه آفرینش مخلوقات. و از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمود:

«أَنَا بابُ الْمَقامِ وَحُجَّهُ الْخِصامِ وَحِجابُ الْوَری ؛(1)

«من باب مقام و حجّت بر دشمنان و حجاب و واسطه آفرینش مخلوقات هستم».

در زیارت آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا حِجابَ الْوَری وَالدَّعْوَهَ الحُسْنی ؛(2)

«سلام برتو ای واسطه آفرینش و دعوت نیکو».

855 حُجَّهُ اللَّهِ عَلَی الْأَبْرارِ

او حجت برای نیکان و نیکوکاران است. حضرت در خطبه روز غدیر فرمود:

«أَنَا حُجَّهُ اللَّهِ عَلَی الْفُجّارِ وَالْأَبْرارِ وَنُورُ الْأَنْوارِ»؛(3)

«من حجّت خدا بر تبهکاران و نیکوکارانم، من نور انوارم».

و در زیارت به آن حضرت سلام می دهیم:

«اَلسَّلامُ عَلی حُجَّهِ الْأَبْرارِ»؛(4)

«سلام بر آن که حجت ابرار است».

856 حُجَّهُ اللَّهِ عَلَی الْفُجّارِ

حجّت خدا بر فاجران و بدکاران است.

همچنین مراجعه شود به: حُجَّهُ اللَّهِ عَلَی الْأَبْرارِ [855]

857 حُجَّهُ الْأَنْبِيآءِ

پیامبران به وسیله او، بر دشمنان خود احتجاج می کنند.

امام علی علیه السلام فرمود:

«أَنَا شَجَرَهُ النَّدی وَحِجابُ الْوَری وَصاحِبُ الدُّنْیا وَحُجَّهُ الْأَنْبِیآءِ»؛(5)

«من درخت بخشنده و پرثمر و حجاب و واسطه آفرینش مردم و صاحب دنیا و دلیل و راهنمای پیامبران الهی هستم».

858 حُجَّهُ الْخِصامِ

حجّت و دلیل بر ضدّ دشمنان و کافران.

همچنین مراجعه شود به: بابُ الْمَقامِ [841]

859 الحُجَّهُ عَلَی السَّماواتِ وَ الْأَرَضِینَ

حجّت بر اهل آسمان و زمین و آنچه در آنها و بین آنهاست، می باشد.

همچنین مراجعه شود به: آیهُ السّابِقِینَ [802]

860 حَجِیجُ الْقِیامَهِ

گواه و شاهد و دلیل روز قیامت.

حضرت فرمود:

«أَنَا شاهِدٌ لَکُمْ وَحَجِیجُ یوْمِ الْقِیامَهِ عَلَیکُمْ»؛(6)

«من اکنون گواه شمایم و روز قیامت دلیل بر شما خواهم بود».

1- 1063. بحارالانوار، ج 41، ص 5؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 118.
2- 1064. بحارالانوار، ج 97، ص 447.
3- 1065. مصباح المتهجّد، ص 756.

4- 1066. بحارالانوار، ج 97، ص 302؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
5- 1067. بحارالانوار، ج 41، ص 5؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 118.
6- 1068. نهج البلاغه، خطبه 176؛ غرر الحکم، حدیث 3762.

861 حَجِيجُ الْمارِقِينَ

با حجّت و برهان، مارقین و از دین خارج شدگان را مغلوب می کند.

این دفاعیه حضرت در برابر تهمت ها است:

«أَنَا حَجِيجُ الْمارِقِينَ وَخَصِيمُ النّاكِثِينَ وَالْمُرْتابِينَ»؛(1)

«من مارقین از دین خارج شده را با برهان قاطع مغلوب می کنم، و دشمن ناکثین پیمان شکن و تردیدکنندگان در دین هستم».

862 حَی لا یمُوتُ

زنده ای که نمی میرد.

همچنین مراجعه شود به: الْآخِرُ [800]

863 خازِنُ الْجِنانِ

کلیددار و نگهبان.

امیرمؤمنان علیه السلام در معرفی خود فرموده است:

«أَنَا قَسِيمُ النّارِ وَخازِنُ الْجِنانِ وَصاحِبُ الْحَوْضِ»؛(2)

«من قسمت کننده آتش جهنم و خزینه دار بهشت و صاحب حوض کوثر هستم».

864 خازِنُ عِلْمِ اللَّهِ

خزینه دار علم خداوند. امام علی علیه السلام چنین مقام و منزلت و جایگاهی دارد که فرمود:

«أَنَا بابُ اللَّهِ وَأَنَا خازِنُ عِلْمِ اللَّهِ»؛(3)

«من باب خدا و خزینه دار علم خدایم».

چنان که در توصیف آن حضرت آمده است:

«عَلَماً لِدِينِ اللّهِ وَخازِناً لِعِلْمِهِ»؛(4)

«او علامت بر دین خدا و خازن علم الهی است».

865 خَصِيمُ الْمُرْتابِينَ

با تردیدکنندگان در دین، دشمن است.

همچنین مراجعه شود به: حَجِيجُ الْمارِقِينَ [861]

866 خَصِيمُ النّاكِثِينَ

با پیمان شکنان دشمن است.

همچنین مراجعه شود به: حَجِيجُ الْمارِقِينَ [861]

867 الْخَمِيصُ

گرسنه و شکم خالی؛ کنایه از کسی که تشنه دیدار و لقای خداوند است. حضرت فرمود:

«يأْتِينِى أَمْرُ اللَّهِ وَأَنَا خَمِيصٌ، إِنَّما هِى لَيلَةٌ أَوْ لَيلَتانِ»؛(5)

«امر خدا برای من خواهد آمد و من فرمانروای گرسنه هستم، و آن هم یک شب یا دو شب دیگر».

و در همان شب، به شهادت رسید.

868 الدَّلِيلُ

دلالت و راهنمایی اش بر چیزهای دیگر بسیار واضح و مشخص است.

حضرت فرمود:

«أَنَا داعِيكُمْ إِلى طاعَةِ رَبِّكُمْ وَمُرْشِدُكُمْ إِلى فَرائِضِ دِينِكُمْ وَدَلِيلُكُمْ إِلى ما يُنْجِيكُمْ»؛(6)

«من شمارا به اطاعت پروردگارتان می خوانم و به واجبات دینتان هدایت می کنم و راهنمای شمایم به آنچه شما را رستگار و نجات دهد».

1- 1069. بحارالانوار، ج 31، ص 500؛ نهج البلاغه، خطبه 75.
2- 1070. غرر الحکم، ص 118؛ الیقین، ص 489.
3- 1071. بحارالانوار، ج 39، ص 335؛ امالی صدوق، ص 35؛ روضه الواعظین، ج 1، ص 101.
4- 1072. بحارالانوار، ج 95، ص 298؛ اقبال الاعمال، ص 473؛ مفاتیح الجنان، اعمال عید غدیر.
5- 1073. بحارالانوار، ج 41، ص 300؛ الارشاد مفید ج 1، ص 14.
6- 1074. غرر الحکم، حدیث 3763.

در یکی از زیارات مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام، امام صادق علیه السلام از خدا می خواهد:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ... وَالدَّلِیلِ عَلی مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسالاتِکَ»؛(1)

«خدایا درود فرست بر امیرمؤمنان، همان که او را دلیل بر رسالت پیامبرت قرارش دادی».

869 دَیانُ النّاسِ

قاضی و جزا دهنده و حاکم مردم، در دنیا و آخرت، چنان که آن حضرت فرمود:

«أَنَا دَیانُ النّاسِ یوْمَ الْقِیامَهِ وَقَسِیمُ اللَّهِ بَینَ أَهْلِ الْجَنَّهِ وَالنّارِ»؛(2)

«من دیان مردم در روز قیامت هستم و قسیم خدا بین اهل بهشت و جهنم هستم».

و نیز فرمود:

«أَنَا یعْسُوبُ الْمُؤْمِنِینَ وَإِمامُ الْمُتَّقِینَ وَدَیانُ النّاسِ یوْمَ الدِّینِ»؛(3)

«من پیشوای مؤمنان و امام پرهیزکاران و جزا دهنده مردم در روز جزا هستم».

870 ذُو الْبَیعَتَینِ

با پیامبرصلی الله علیه وآله دو بار بیعت کرده، و در دو بیعت مهم مسلمانان با پیامبرصلی الله علیه وآله حضور داشته است؛ یکی بیعت فتح و دیگری بیعت رضوان. این مطلب را امیرالمؤمنین علیه السلام در حضور مردم بیان داشت و همه تصدیق کردند.(4)

871 ذُو الْهِجْرَتَینِ

دوبار هجرت کرده است. از فضایلی است که خود امیرالمؤمنین علیه السلام بیان فرمود:

«أَنَا الَّذِی هاجَرْتُ الْهِجْرَتَینِ وَبایعْتُ الْبَیعَتَینِ؛(5)

«منم آنکه دو بار هجرت و دو بار بیعت نمودم».

یک بار هجرت از مکّه به حبشه، و یک بار هم هجرت از مکّه به مدینه.(6)

872 رَحْی جَهَنَّمَ

صاحب اختیار و آسیاب گردان جهنم است و کفار را به آن داخل می کند.

از بیانات امیرالمؤمنین علیه السلام است که فرموده:

«أَنَا رَحْی جَهَنَّمَ الدّائِرَهِ وَأَضْراسِهَا الطّاحِنَهِ»؛(7)

«منم آسیاب گردان جهنم و سنگ کوبنده آن».

همچنین مراجعه شود به: بَأْسُ اللَّهِ [839]

873 رِقُّ الْمَنْشُورِ

رقّ یعنی جلد صحیفه و برگه و کتاب سفید، رق منشور به معنای صحیفه گشوده شده و از القابی است که خود امام علی علیه السلام فرموده:

«أَنَا الرَّقُّ الْمَنْشُورُ»؛(8)

«من همان کتاب منتشره هستم.

1- 1075. کافی ج 4، ص 572؛ من لایحضره الفقیه ج 2، ص 587؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
2- 1076. بحارالانوار، ج 32، ص 258؛ کتاب سلیم، ص 712.
3- 1077. بحارالانوار، ج 52، ص 272.
4- 1078. بحارالانوار، ج 31، ص 330؛ روضه الواعظین، ج 1، ص 111؛ امالی صدوق، ص 25.
5- 1079. روضه الواعظین، ج 1، ص 111.
6- 1080. بحارالانوار، ج 38، ص 288؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 58؛ و ج 3، ص 287؛ شواهد التنزیل، ج 1، ص 336؛ المحاسن، ج 2، ص 321؛ رجال کشی، ص 72.
7- 1081. بحارالانوار، ج 35، ص 45 و 49؛ بشاره المصطفی، ص 12.

8- 1082. الفضائل، ص 82.

در یکی از زیارات امیرالمؤمنین علیه السلام آمده:

«أَشْهَدُأَنَّکَ الطُّورُ وَالْکِتابُ الْمَسْطُورُ وَالرَّقُّ الْمَنْشُورُ»؛(1)

«گواهی می دهم که تو طور و کتاب نوشته شده و صحیفه گشوده شده الهی هستی (یعنی تو محل کتاب مسطور و منشور هستی)».

874 زَوْجُ الْأَرامِلِ

ارمله کسی است که همسرش فوت کرده و به مساکین و فقرا نیز ارامل گفته می شود. حضرت در خطبه ای فرمود:

«أَنَا الْهادِی وَأَنَا الْمُهْتَدِی، وَأَنَا أَبُوالْیتامی وَالْمَساکِینَ وَزَوْجُ الْأَرامِلِ»؛(2)

«منم هدایت کننده، منم هدایت شده، و منم پدر یتیمان و مساکین و بی سرپرستان».

875 زَوْجُ الْبَتُولِ

همسر فاطمه زهراعلیها السلام، شوهر بتول، بتول از القاب حضرت فاطمه زهراعلیها السلام است.

همچنین مراجعه شود به: بَأْسُ اللَّهِ [839]

876 زَینُ الدِّینِ

زینت دین و مکتب.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«أَنَا زَینُ الدِّینِ، أَنَا قاضِی الدِّینِ، أَنَا أَبُوالْحَسَنِ وَالْحُسَینِ»؛(3)

«من زینت دین و حکم کننده در مکتب هستم، من پدر حسن و حسین علیهما السلام هستم».

همچنین مراجعه شود به: أَبُوالْحَسَنِ [804]

877 سامِعُ رِنَّهِ الشَّیطانِ

صدای ناله شیطان را در آغاز بعثت شنید.

حضرت در این باره می فرماید:

«وَلَقَدْ سَمِعْتُ رَنَّةَ الشَّیطانِ حِینَ نَزَلَ الْوَحْی عَلَیهِ، فَقُلْتُ: یا رَسُولَ اللَّهِ! ما هذِهِ الرَّنَّةُ؟ فَقالَ: هذَا الشَّیطانُ قَدْ أَیسَ مِنْ عِبادَتِهِ»؛(4)

«من صدای ناله شیطان را شنیدم، آن گاه که وحی بر پیامبر نازل شد، گفتم: ای رسول خدا! این چه ناله ای بود؟ فرمود: این ناله شیطان بود که از پرستش خود مأیوس شده».

878 سَبِیلُ اللَّهِ

راه خدا و مسیر خط خدا؛ یعنی هرکس می خواهد به خدا برسد، باید از این مسیر حرکت کند.

امام علی علیه السلام در معرفی خود فرموده است:

«أَنَا سَبِیلُ اللَّهِ وَبِهِ عَزَمْتُ عَلَیهِ»؛(5)

«من راه خدایم و برآن ثابت قدم و مصمّم هستم».

و در زیارت مطلقه آن حضرت آمده است:

«وَأَشْهَدُ أَنَّکَ جَنْبُ اللَّهِ وَأَنَّکَ سَبِیلُ اللَّهِ»؛(6)

«گواهی می دهم تو جنب اللَّه و سبیل اللَّه هستی».

1- 1083. بحارالانوار، ج 97، ص 303.
2- 1084. بحارالانوار، ج 24، ص 198 و ج 4، ص 8.
3- 1085. بحارالانوار، ج 40، ص 268.
4- 1086. بحارالانوار، ج 14، ص 475؛ نهج البلاغه، ص 300؛ الطرائف، ج 2، ص 413؛ الصراط المستقیم، ج 2، ص 65.
5- 1087. بحارالانوار، ج 39، ص 349؛ رجال کشی، ص 211.

6- 1088. من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 589؛ تهذیب طوسی ج 6، ص 27؛ البلد الامین، ص 293؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

879 سُخِّرَتْ لَهُ السَّحابُ وَ الْبَرْقُ

خدای تعالی، ابر و رعد و برق، باد و کوه و دریا، و ستارگان و خورشید و ماه را در تسخیر او قرار داده است.

همچنین مراجعه شود به: آیهُ السّابِقِینَ [802]

880 السِّراجُ

چراغ راه در تاریکی.

حضرت فرمود:

«إِنَّما مَثَلِی بَینَکُمْ کَمَثَلِ السِّراجِ فِی الظُّلْمَهِ، یسْتَضِی ءُ بِهِ مِنْ وَلَجِها»؛(1)

«همانا من در میان شما، مانند چراغ نورانی و روشنی بخش در تاریکی هستم، هرکه به آن روی آورد، از نورش بهره می گیرد».

881 سَفِیرُ السُّفَراءِ

نماینده و پیک و سفیر همه سفیران.

حضرت در مناسبتی فرمود:

«أَنَا الْحُجَّهُ الْبالِغَهُ وَالْکَلِمَهُ الْباقِیهُ وَأَنَا سَفِیرُ السُّفَراءِ»؛(2)

«حجّت بالغه الهی و کلمه باقی خدا من هستم، و من سفیر همه سفیران هستم».

882 سَیفُ نِقْمَهُ الرَّسُولِ

شمشیر شدّت و عذاب رسول خداصلی الله علیه وآله.

از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«أَنَا أَخُو رَسُولِ اللَّهِ وَابْنُ عَمِّهِ وَسَیفُ نَقْمَتِهِ وَعِمادُ نُصْرَتِهِ»؛(3)

«من برادر رسول خداصلی الله علیه وآله و پسر عموی او و شمشیر قدرت و اساس پیروزی های او هستم».

883 صاحِبُ ألْفِ بابٍ

رسول خداصلی الله علیه وآله آن قدر از علوم و اسرار عالم را به علی علیه السلام تعلیم فرمود که فقط خدا می داند. امام علی علیه السلام نیز فرمود:

«عَلَّمَنِی رَسُولُ اللَّهِ أَلْفَ بابٍ یفْتَحُ مِنْ کُلِّ بابٍ أَلْفَ بابٍ»؛(4)

«رسول خداصلی الله علیه وآله هزار باب از علم به من آموخت که از هر بابی، هزار باب دیگر گشوده می شود».

884 صاحِبُ أَمْرِ النَّبِیّ

امیرمؤمنان علیه السلام در معرفی خود فرمود:

«صارَ مُحَمَّدٌ نَبِیاً مُرْسَلاً وَصِرْتُ أَنَا صاحِبُ أَمْرِ النَّبِیّ»؛(5)

«محمّدصلی الله علیه وآله پیامبر مرسَل شد و من صاحب امر آن حضرت شدم».

885 صاحِبُ بَدْرٍ وَ حُنَینٍ

در جنگ های صدر اسلام؛ به خصوص غزوه بدر و حنین جان فشانی های زیادی از خود نشان داد.

از فرمایشات خود حضرت است که فرمود:

«أَنَا صاحِبُ بَدْرٍ وَحُنَینٍ، أَنَا الضّارِبُ بِالسَّیفَینِ»؛(6)

«منم صاحب افتخارات جنگ بدر و حنین، منم مبارزه کننده با دو شمشیر».

1- 1089. نهج البلاغه، خطبه 187.
2- 1090. بحارالانوار، ج 26، ص 292.
3- 1091. بحارالانوار، ج 35، ص 45؛ معانی الاخبار، ص 58.
4- 1092. بحارالانوار، ج 26، ص 29؛ الخصال، ج 2، ص 647.
5- 1093. بحارالانوار، ج 26، ص 5.

6- 1094. بحارالانوار، ج 39، ص 341؛ روضه الواعظين، ج 1، ص 111.

به سبب فداکاری و جانبازی های مهم حضرت، شمشیر ایشان شکست. پس برایش از آسمان، ذوالفقار آمد.

886 صاحِبُ الْبَصِیرَهِ

دارای بینش و بصیرت و آگاهی.

حضرت فرمود:

«إِنِّی لَعَلی بَینَهٍ مِنْ رَبِّی وَبَصِیرَهٍ مِنْ دِینِی وَیقِینٍ مِنْ أَمْرِی»؛(1)

«من همواره از جانب پروردگارم با دلیل روشن هستم و در دینم با بینش، و در کارم بر یقین می باشم».

امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید: پدرم امام هادی علیه السلام در روز عید غدیر امیرمؤمنان علیه السلام را چنین زیارت فرمود:

«وَأَنْتَ عَلی نَهْجِ بَصِیرَهٍ وَهُدی، وَهُمْ عَلی سُنَنِ ضَلالَهٍ»؛(2)

«تو بر راه و روش علم و آگاهی و هدایت بودی، امّا دشمنان تو بر سبیل گمراهی بودند».

887 صاحِبُ الْجَنَّهِ

خدای تعالی، اختیار بهشت را به او سپرده.

همچنین مراجعه شود به: آیهُ السّابِقِینَ [802]

888 صاحِبُ الْجُنَّهِ

جُنّه یعنی سپر؛ آن گاه که امیرالمؤمنین علیه السلام را تهدید به ترور کردند، حضرت فرمود:

«وَإِنَّ عَلَی مِنَ اللَّهِ جُنَّهٌ حَصِینَهٌ، فَإِذا جآءَ یوْمِی انْفَرَجَتْ عَنِّی وَأَسْلَمَتْنِی فَحِینَئِذٍ لا یطِیشُ السَّهْمُ وَلا یبْرَأُ الْکَلْمُ»؛(3)

«همانا از جانب خدا بر من پوشش و سپر محکمی قرار دارد که مرا حفظ نماید، هرگاه روز اجل فرا رسد، سپر از من دور شده، مرا تسلیم مرگ می

کند؛ آن گاه نه تیر کسی خطا می رود و نه زخم بهبود می یابد».

889 صاحِبُ الدُّنْیا

صاحب اختیار امور دنیا؛ این به جهت ولایتی است که خدای تعالی به آن حضرت عطا فرموده، چنان که در بیانات خود حضرت آمده:

«أَنَا شَجَرَهُاالنَّدی وَحِجابُ الْوَری وَصاحِبُ الدُّنْیا»؛(4)

«منم درخت بخشنده و واسطه آفرینش مردم و صاحب اختیار امور دنیا».

890 صاحِبُ الدَّوْلاتِ

دارای دولت های گوناگون، و رجعت های متعدد دارد.

همچنین مراجعه شود به: آیهُ السّابِقِینَ [802]

891 صاحِبُ دَوْلَهِ الدُّوَلِ

آن حضرت فرموده است:

«أَنَا صاحِبُ الْکَرّاتِ وَدَوْلَهِ الدُّوَلِ»؛(5)

«من صاحب رجعت ها و صاحب دولت هایم».

1- 1095. غرر الحکم، حدیث 3766.
2- 1096. بحارالانوار، ج 97، ص 367؛ مفاتیح الجنان، اعمال عید غدیر.
3- 1097. نهج البلاغه، خطبه 62.
4- 1098. بحارالانوار، ج 41، ص 5؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 118.
5- 1099. بحارالانوار ج 53، ص 119؛ بصائرالدرجات، ص 201؛ اصول کافی، ج 1، ص 197.

رجعت یعنی پس از ظهور امام زمان علیه السلام برخی از بهترین مؤمنان و بعضی از بدترین انسان ها زنده می شوند و به دنیا برمی گردند. شاید مراد از «دوله الدول»، علم آن حضرت به حکومت هر دولتی باشد. و شاید مراد غلبه آن حضرت در جنگ ها باشد؛ چون دولت به معنای غلبه است. احتمال دارد اینکه دولت هر صاحب دولتی از انبیا و اولیا و اوصیا، به جهت ولایت و نور آن حضرت است.(1)

892 صاحِبُ الرَّجَعاتِ

چند نوبت رجعت خواهد کرد.

همچنین مراجعه شود به: آیهُ السّابِقِینَ [802]

893 صاحِبُ الرَّجْعَهِ بَعْدَ الرَّجْعَهِ

رجعت بعد از رجعت دارد.

همچنین مراجعه شود به: آیهُ السّابِقِینَ [802]

894 صاحِبُ السِّنِینَ

صاحب راه روشن و آشکار.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است:

«أَنَا بابُ الْإِیمانِ وَصاحِبُ الْمَیسَمِ وَصاحِبُ السِّنِینَ»؛(2)

«من باب ایمان و صاحب علامت گذارنده و صاحب سنین و روش آشکار هستم».

895 صاحِبُ السَّیفِ

دارنده قدرت و شمشیر. آن حضرت در معرفی خویش فرموده:

«صارَ مُحَمَّدٌ صاحِبَ الدَّعْوَهِ، وَصِرْتُ أَنَا صاحِبَ السَّیفِ»؛(3)

«پیامبر صاحب دعوت شد و من صاحب شمشیر شدم».

896 صاحِبُ الصَّوْلاتِ

صاحب پهلوانی ها و فداکاری ها.

همچنین مراجعه شود به: آیهُ السّابِقِینَ [802]

897 صاحِبُ الْفِرْقَهِ النّاجِیهِ

در روایات متعددی از پیامبر و امامان علیهم السلام نقل شده که به تفرقه امّت اشاره و فقط یک گروه را اهل نجات معرفی نمودند، از جمله امام علی علیه السلام فرموده:

«لَتَفْرَقَنَّ هذِهِ الْأُمَّهِ عَلی ثَلاثَ وَسَبْعِینَ فِرْقَهً، وَالَّذِی نَفْسِی بِیدِهِ إِنَّ الْفِرَقَ کُلَّها ضالَّهٌ إِلّا مَنِ اتَّبَعَنِی وَکانَ مِنْ شِیعَتِی»؛(4)

«این امّت هفتاد و سه فرقه شوند، قسم به آن که جانم به دست اوست، همه فرقه ها گمراهند، مگر گروهی که از من پیروی کنند و شیعه من شوند».

898 صاحِبُ الْقِبْلَتَینِ

کسی که به سمت هر دو قبله نماز خوانده، هم بیت المقدس و هم کعبه؛ و از اولین مؤمنان به خدا و اسلام است. خود حضرت فرموده: من خودستایی نمی کنم؛ ولی اینها نعمت های خدا بر من است:

«أَنَا صاحِبُ الْقِبْلَتَینِ وَحامِلُ الرّایتَینِ»؛(5)

«من صاحب دو قبله و دارنده دو پرچم هستم».

1- 1100. بحارالانوار، ج 25، ص 355.
2- 1101. بحارالانوار، ج 26، ص 317.
3- 1102. الفضائل، ص 33؛ بحارالانوار، ج 26، ص 5.
4- 1103. بحارالانوار، ج 28، ص 3.
5- 1104. بحارالانوار، ج 25، ص 32.

899 صاحِبُ الْكَرّاتِ

كرّه؛ رجوع و رجعت. رجعت از مباحث اعتقادی شیعه است. و امام علی علیه السلام نیز رجعت های متعدد دارد.

گاه مراد از کرّه، حملات مکرر به دشمنان است. خود آن حضرت فرمود:

«أَنَا صاحِبُ الْكَرّاتِ وَدَوْلَهِ الدُّوَلِ»؛(1)

«من صاحب رجعت ها و صاحب دولت هایم».

900 صاحِبُ الْكَرَّهِ بَعْدَ الْكَرَّهِ

رجعت بعد از رجعت؛ یا کسی که حملات مکرر دارد.

همچنین مراجعه شود به: آیهُ السّابِقِینَ [802]

901 صاحِبُ كُلِّ نَفِيسَهٍ وَ غَزاهٍ

یهودیانی که پس از رحلت پیامبرصلی الله علیه وآله برای دریافت پاسخ به پرسش های خود آمده بودند، ابوبکر از جواب آنان بازماند. امام علی علیه السلام ضمن پاسخ دادن به پرسش های آنها، به معرفی خود پرداخت:

«أَنَا عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ، أَخُو النَّبِیّ... وَصاحِبُ كُلِّ نَفِيسَهٍ وَغَزاهٍ»؛(2)

«من علی علیه السلام هستم، برادر پیامبرصلی الله علیه وآله و صاحب هر غنیمت پربها و جنگ هایم».

902 صاحِبُ اللَّوْحِ الْمَحْفُوظِ

علم لوح محفوظ در نزد اوست.

از فرمایشات امیرمؤمنان علیه السلام است که فرمود:

«أَنَا صاحِبُ اللَّوْحِ الْمَحْفُوظِ، أَلْهَمَنِی اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عِلْمَ ما فِيهِ»؛(3)

«من دارنده لوح محفوظ هستم که خداوند علم هرچه در آن است، را به من الهام فرموده است».

903 صاحِبُ الْمِیسَمِ

میسم؛ وسیله ای که با آن، بر روی چیزی علامت گذاری می کنند. امام علی علیه السلام صاحب میسم است و این اشاره به حدیثی است که می فرماید: او همان دابّه ای است که در آخر الزمان ظاهر می شود و همراه او عصا و میسم است که با آن مؤمن و کافر را از یکدیگر جدا و علامت گذاری می نماید. بر پیشانی مؤمن می نویسد: این مؤمن است و بر پیشانی کافر می نویسد: این کافر است.(4)

چنان که خود آن حضرت نیز فرموده:

«أَنَا صاحِبُ الْمِیسَمِ وَأَنَا الْفارُوقُ الْأَکْبَرُ»؛(5)

«من صاحب میسم و بزرگ ترین فاروق هستم، فرق گذارنده حقّ و باطل».

در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام نیز آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا عَمُودَ الدِّینِ وَوارِثَ عِلْمِ الْأَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ، وَصاحِبُ الْمِیسَمِ وَالصِّراطِ الْمُسْتَقِیمِ»؛(6)

1- 1105. بحارالانوار ج 39، ص 345؛ اصول کافی ج 1، ص 197؛ بصائر الدرجات، ص 202.
2- 1106. بحارالانوار، ج 30، ص 89.
3- 1107. بحارالانوار، ج 36، ص 4.
4- 1108. بحارالانوار، ج 97، ص 275.
5- 1109. مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 39؛ بصائر الدرجات، ص 202.
6- 1110. بحارالانوار، ج 97، ص 272؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 589؛ مصباح المتهجد، ص 742.

«سلام بر تو ای پایه استوار دین خدا و وارث علم اولین و آخرین، ای صاحب میسم و ای صراط مستقیم الهی».

904 صاحِبُ النّارِ

امام صادق علیه السلام فرمود: روز قیامت منبری قرار می دهند که همه خلایق آن را می بینند و شخصی بر آن نشسته، آن گاه فرشته ای از راست و چپ او بلندمی شود و ندا می دهد: این علی بن ابی طالب، صاحب بهشت و صاحب آتش است، هرکه رابخواهد درآن واردمی کند.(1)

و خود آن حضرت نیز فرمود:

«صارَ مُحَمَّدٌ صاحِبُ الْجَنَّهِ وَصِرْتُ أَنَا صاحِبُ النّارِ أَقُولُ لَها خُذِی هذا وَذَرِی هذا»؛(2)

«محمّد صاحب بهشت شد و من صاحب آتش و به آن فرمان می دهم که این را بگیر و این را رها کن، (دوست و دشمن من معلوم می شوند)».

905 صاحِبُ النَّشْرِ

نشر و خلق مخلوقات، به سبب آن حضرت و نور سایر امامان علیهم السلام بوده.

از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده که فرموده است:

«صارَ مُحَمَّدٌ صاحِبَ الْجَمْعِ وَصِرْتُ أَنَا صاحِبُ النَّشْرِ»؛(3)

«محمّد صاحب جمع و من صاحب نشر شدم».

906 صاحِبُ النَّشْرِ الْآخِرِ

امام صادق علیه السلام از امیرمؤمنان علیه السلام نقل می کند که فرمود:

«أَنَا الْفارُوقُ الْأَکْبَرُ وَصاحِبُ الْمَیسَمِ وَأَنَا صاحِبُ النَّشْرِ الْأَوَّلِ وَالنَّشْرِ الْآخِرِ»؛(4)

«منم فاروق اکبر، و صاحب میسم (مؤمن و کافر را علامت می گذارم) منم صاحب نشر اوّل و آخر».

نشر اول؛ یعنی خلقت و نشر اولیه به سبب من بوده و نشر آخر نیز؛ یعنی رجعت و قیامت به سبب من خواهد بود.

907 صاحِبُ النَّشْرِ الْأَوَّلِ

صاحب خلقت اولیه.

همچنین مراجعه شود به: صاحِبُ النَّشْرِ الْآخِرِ [906]

908 صاحِبُ النَّقِماتِ

سختی ها را به جان خرید.

همچنین مراجعه شود به: آیهُ السّابِقِینَ [802]

909 صاحِبُ الْهِباتِ

بخشش و کرم او زیاد است.

همچنین مراجعه شود به: آیهُ السّابِقِینَ [802]

910 صاحِبُ الْهُدَّهِ

در نفخه صور می دمد و آن را آرام می کند.

در کلام خود آن حضرت بیان شده است:

«صارَ مُحَمَّدٌ صاحِبَ الرَّجْفَهِ، وَصِرْتُ أَنَا صاحِبَ الْهُدَّهِ»؛(5)

«رسول خداصلی الله علیه وآله صاحب الرجفه است (در نفخه صور می دمد) و من صاحب الهدّه هستم (صور را آرام می کنم)».

1- 1111. علل الشرایع، ج 1، ص 164.
2- 1112. بحارالانوار، ج 26، ص 4.
3- 1113. بحارالانوار، ج 26، ص 3.
4- 1114. بحارالانوار، ج 53، ص 98.
5- 1115. بحارالانوار، ج 26، ص 4.

911 صاحِبُ الْيقِينِ

دارای یقین و علم و آگاهی در حدّ اعلی

حضرت فرموده:

«إِنِّی لَعَلی یقِینٍ مِنْ رَبِّی وَغَیرِ شُبْهَهٍ فِی دِینِی»؛(1)

«من از جانب پروردگارم بر یقین هستم و در امور دینم هیچ شک و شبهه ای ندارم».

همچنین مراجعه شود به: صاحِبُ الْبَصِیرَهِ [886]

912 الصّامِتُ

امیرالمؤمنین علیه السلام ضمن حدیث طولانی، در معرفی خود به سلمان و جندب فرمود: من و رسول خداصلی الله علیه وآله نور واحد بودیم، رسول خدا شد محمّد مصطفی و من شدم وصی مرتضی؛ محمّدصلی الله علیه وآله شد ناطق و من شدم صامت؛ زیرا در هر عصر و زمانی لازم است یکی ناطق باشد و یکی صامت.(2)

913 الصِّدِّیقُ الْأَوَّلُ

اولین کسی که رسالت و نبوت پیامبرصلی الله علیه وآله را تصدیق و گواهی نمود. شخصی احوال امام را از آن حضرت جویا شد، فرمود:

«أَصْبَحْتُ وَأَنَا الصِّدِّیقُ الْأَوَّلُ وَالْفارُوقُ الْأَعْظَمُ»؛(3)

«من در حالی روز خود را آغاز کردم که اولین تصدیق کننده رسالت هستم، و من بزرگ ترین فرق گذارنده بین حقّ و باطل می باشم».

914 صِراطُ اللَّهِ

امام علی علیه السلام راه و خط رسیدن به خدای تعالی هست؛ هرکه می خواهد به خدا برسد، باید پیرو او شود. و خودش فرمود:

«أَنَا صِراطُ اللَّهِ الَّذِی مَنْ لَمْ یسْلُکْهُ بِطاعَهِ اللَّهِ فِیهِ هَوی بِهِ إِلَی النّارِ»؛(4)

«من آن راه خدا هستم که اگر کسی آن را با طاعت خدا نپیماید، به جهنم خواهد رفت».

915 صِنْوُ الرَّسُولِ

نزدیک ترین فرد و هم ریشه با رسول خدا.

حضرت فرمود:

«أَنَا صِنْوُ رَسُولِ اللَّهِ وَالسّابِقُ إِلَی الْإِسْلامِ وَکاسِرُ الْأَصْنامِ وَمُجاهِدُ الْکُفّارِ وَقامِعُ الْأَضْدادِ»؛(5)

«من نزدیک ترین فرد به رسول خدا و پیش قدم در اسلام هستم، من بت شکن و پیکارگر با کافران و ریشه کن کننده دشمنانم».

و در اشعار به آن اشاره شده:(6)

مَنْ کانَ صِنْوَ النَّبِیّ غَیرَ عَلِیّ

مَنْ غَسَّلَ الطُّهْرَ ثُمَّ واراها

کَلّا وَحَقُّ أَمِیرِ النَّحْلِ حَیدَرَهْ

صِنْوُ النَّبِیّ أَمِیرُالْمُؤْمِنِینَ عَلِی

916 صِهْرُ خَیرِ الْأَنامِ

داماد بهترین مخلوق خدا که پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله باشد. امام علی علیه السلام هم کفو و هم شأن و همسر

1- 1116. غرر الحکم، حدیث 3767.
2- 1117. بحارالانوار، ج 26، ص 4.
3- 1118. بحارالانوار، ج 39، ص 347؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 386.
4- 1119. بحارالانوار، ج 24، ص 191؛ مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص 273؛ مصباح المتهجد، ص 756.

5- 1120. غرر الحکم، حدیث 3754.
6- 1121. مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 302 و ج 3، ص 96.

فاطمه زهراعلیها السلام یگانه دختر و یادگار رسول خداصلی الله علیه وآله است. خود حضرت نیز فرمود:

«أَنَا صِهْرُ خَیرِ الْأَنام وَأَنَا سَیدُ الْأَوْصِیاءِ»؛(1)

«من داماد بهترین خلق خدایم و من آقای اوصیایم».

917 الضّارِبُ بِالسَّیفَینِ

با دو شمشیر می جنگید.

آن حضرت فرمود:

«أَنَا صاحِبُ بَدْرٍ وَحُنَینٍ، أَنَا الضّارِبُ بِالسَّیفَینِ»؛(2)

«من صاحب جنگ بدر و حنین هستم و جنگ کننده به دو شمشیر می باشم».

مراد از دو شمشیر، چند وجه متصوّر است:

یکی شمشیر تنزیل در زمان رسول خداصلی الله علیه وآله و دیگری شمشیر تأویل بعد از حضرت است.

یا اینکه: در برخی جنگ ها، دو شمشیر به دست می گرفته. و یا شمشیرش می شکست و شمشیر دیگر می گرفت، چنان که در جریان جنگ احد شمشیرش شکست و رسول خداصلی الله علیه وآله ذوالفقار را به ایشان داد.

و یا اینکه: مراد «ذوالفقار» بوده که دو لبه یا دو تیغه داشته است.(3)

918 الطّاعِنُ بِالرُّمْحَینِ

پرتاب کننده نیزه و کشنده کافران و مشرکان به وسیله نیزه.

«أَنَا الضّارِبُ بِالسَّیفَینِ، أَنَا الطّاعِنُ بِالرُّمْحَینِ»؛(4)

«من جنگ کننده با دو شمشیر هستم، من پرتاب کننده دو نیزه هستم».

919 طَوی لَهُ الْبَعِیدَ

خدای تعالی، دور را برایش نزدیک می کند.

امام علی علیه السلام به سلمان فارسی فرمود:

«أَنَا الَّذِی هَوَّنَ اللَّهُ عَلَیهِ الشَّدائِدَ وَطَوِی لَهُ الْبَعِیدَ»؛(5)

«من همان کسی هستم که خداوند متعال، شداید را برایش آسان می کند و دور را برایش نزدیک می نماید».

920 الظّاهِرُ

امام علی علیه السلام نشانه و ظاهر اسلام است و اسلام در او ظهور یافته است.

همچنین مراجعه شود به: الْآخِرُ [800]

921 عالِمٌ بِالْإِنْجِیلِ

امیرمؤمنان علیه السلام در بیانی فرمود:

«أَنَا وَاللَّهِ أَعْلَمُ بِالتَّوْراهِ مِنْ أَهْلِ التَّوْراهِ، وَأَعْلَمُ بِالْإِنْجِیلِ مِنْ أَهْلِ الْإِنْجِیلِ، وَأَعْلَمُ بِالْقُرْآنِ مِنْ أَهْلِ الْقُرْآنِ»؛(6)

«به خدا قسم! من به تورات از اهل تورات هم آشناترم و به انجیل هم از اهل انجیل آگاه ترم و به قرآن نیز از اهل قرآن به آن آشناتر هستم».

1- 1122. بحارالانوار، ج 33، ص 282؛ معانی الاخبار، ص 58؛ بشاره المصطفی، ص 12.
2- 1123. بحارالانوار، ج 34، ص 268؛ امالی صدوق، مجلس 7، حدیث 2، ص 25؛ بشاره المصطفی، ص 155.
3- 1124. بحارالانوار، ج 39، ص 341.
4- 1125. بحارالانوار، ج 34، ص 297؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 287؛ الفضائل، ص 83.
5- 1126. نوادر المعجزات، ص 18

6- 1127. بحارالانوار، ج 40،ص 137؛ بصائرالدرجات،ص 134؛ موسوعه امام على، ج 10، ص 61.

922 عالِمٌ بِالتَّوْراهِ

عالم به تورات، حتی عالم تر از اهل آن است.

همچنین مراجعه شود به: عالِمٌ بِالْإِنْجِيلِ [921]

923 عالِمٌ بِالْقُرْآنِ

به کتاب خدا، قرآن از همه عالم تر و آگاه تر است.

همچنین مراجعه شود به: عالِمٌ بِالْإِنْجِيلِ [921]

924 الْعالِمُ الرَّبّانِی

عالم خدایی و خداشناس و خداگونه.

امیرمؤمنان علیه السلام به سلمان فرمود:

«عالِمُ الْغَيبِ فَلا يظْهِرُ عَلى غَيبِهِ أَحَداً * إِلّا مَنِ ارْتَضى مِنْ رَسُولٍ»؛(1)

«دانای غیب اوست و هیچ کس را بر اسرار غیبش آگاه نمی سازد، مگر رسولانی که آنان را برگزیده و مراقبینی از پیش رو و پشت سر برای آنها قرار می دهد».

آیا این آیه شریفه را قرائت کرده ای؟

سلمان گفت: آری، ای آقای من!

فرمود: «أَنَا الْمُرْتَضى مِنَ الرَّسُولِ الَّذِی أَظْهَرَهُ عَلى غَيبِهِ، أَنَا الْعالِمُ الرَّبّانِی»؛(2)

«من همان انتخاب شده از رسول هستم که او را بر غیب خود آگاه نموده، من عالم ربّانی هستم».

925 عَبْدُ اللَّهِ

بنده خدا. و این بالاترین افتخار آن حضرت است که می فرماید:

«أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَأَخُو رَسُولِ اللَّهِ»؛(3)

«من بنده خدا و برادر رسول خدایم».

در اعمال روز عید غدیر آمده:

«وَأَجَبْنا داعِی اللَّهِ، وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فِی مُوالاهِ مَوْلانا وَمَوْلَی الْمُؤْمِنِینَ أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ عَلِی بْنِ أَبِی طالِبٍ، عَبْدِ اللَّهِ وَأَخِی رَسُولِهِ»؛(4)

«ما دعوت کننده به سوی خدا را اجابت کردیم و پیامبر را تبعیت نمودیم در دوستی و موالات مولایمان و مولای همه مؤمنان و امیرمؤمنان علی بن ابی طالب که بنده خدا و برادر رسول خداست».

در دعای افتتاح نیز می گوییم:

«اَللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلی عَلِی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ، وَوَصِی رَسُولِ رَبِّ الْعالَمِینَ، عَبْدِکَ وَوَلِیکَ»؛(5)

«خدایا درود فرست بر علی که امیرمؤمنان و وصی پیامبر پروردگار عالمیان است او که عبد محض و ولی توست».

هنگام زیارت آن حضرت شهادت می دهیم:

«وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِیاً عَبْدُ اللَّهِ وَأَخُو رَسُولِ اللَّهِ»؛(6)

«گواهی می دهم علی علیه السلام بنده خدا و برادر رسول خدا است».

926 عَبْدٌ مِنْ عَبِیدِ مُحَمَّدٍ

یکی از احبار یهود خدمت حضرت آمد،

1- 1128. سوره جن، آیه 26 و 27.
2- 1129. بحارالانوار، ج 54، ص 341 و ج 42، ص 52.
3- 1130. بحارالانوار، ج 25، ص 236؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 104.
4- 1131. بحارالانوار، ج 95، ص 298؛ مفاتیح الجنان؛ اعمال عید غدیر.
5- 1132. اقبال الاعمال، ص 60؛ مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

6- 1133. من لايحضره الفقيه ج 2، ص 587؛ تهذيب، ج 6، ص 25.

سؤالات گوناگونی پرسید و ایشان جواب دادند، در پایان پرسید: آیا تو پیامبر هستی؟ حضرت فرمود:

«وَیلَکَ! إِنَّما أَنَا عَبْدٌ مِنْ عَبِیدِ مُحَمَّدٍ»؛(1)

«وای بر تو! من بنده ای از بنده های محمّد هستم».

شیخ صدوق در ادامه گفته: مراد این است که من بنده اطاعت او هستم.

927 عِلْمُ اللَّهِ

هرچه قرار بوده که خدای تعالی از علم و دانش برای بشر و مخلوقاتش بدهد، به پیامبر خدا و امیرمؤمنان علیهما السلام داده است.

از فرمایشات آن حضرت است که فرمود:

«أَنَا عِلْمُ اللَّهِ وَأَنَا قَلْبُ اللَّهِ الْواعِی»؛(2)

«من علم خدا هستم، و من قلب و گنجینه حفظ شده خدایم».

928 عَلی جآدَّهِ الْحَقِّ

بر سبیل و راه حقّ و حقیقت است.

حضرت فرمود:

«إِنِّی لَعَلی جآدَّهِ الْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَعَلی مَزَلَّهِ الْباطِلِ»؛(3)

«همانا من در راه حقّ هستم و دشمنان من بر پرتگاه باطل می باشند».

929 عِمادُ نُصْرَهِ الرَّسُولِ

رسول خداصلی الله علیه وآله یاران و یاوران و اصحاب زیادی داشتند و آن حضرت را در جنگ و غیر آن کمک می کردند؛ لکن آنکه از همه بیشتر ناصر ایشان بود، امیرمؤمنان علیه السلام بود و آن حضرت نیز به این مطلب افتخار می کرد:

«أَنَا أَخُو رَسُولِ اللَّهِ وَابْنُ عَمِّهِ وَسَیفُ نِقْمَتِهِ وَعِمادُ نُصْرَتِهِ»؛(4)

«من برادر رسول خدا و پسر عموی او و شمشیر قدرت و اساس پیروزی او هستم».

930 عَمَلَ بِالثِّقْلِ الْأَكْبَرِ

امام علی علیه السلام در برابر نامردمی مردمان از ایشان اقرار می گیرد و چنین می فرماید:

«وَأَعْذَرُوا مَنْ لا حُجَّةَ لَكُمْ عَلَيهِ (وَهُوَ أَنَا) أَلَمْ أَعْمَلْ فِيكُمْ بِالثِّقْلِ الْأَكْبَرِ وَأَتْرُكْ فِيكُمُ الثِّقْلَ الْأَصْغَرَ، قَدْ رَكَزْتُ فِيكُمْ رايةَ الْإِيمانَ وَوَقَفْتُكُمْ عَلى حُدُودِ الْحَلالِ وَالْحَرامِ، وَأَلْبَسْتُكُمُ الْعافِيةَ مِنْ عَدْلِى وَفَرَشْتُكُمُ الْمَعْرُوفَ مِنْ قَوْلِى وَفِعْلِى، وَأَرَيتُكُمْ كَرائِمَ الْأَخْلاقِ مِنْ نَفْسِى، فَلا تَسْتَعْمِلُوا الرَّأى فِيما لا يدْرِكُ قَعْرَهُ الْبَصَرُ وَلا تَتَغَلْغَلُ إِلَيهِ الْفِكْرُ»؛(5)

«ای مردم! از کسی که بر ضد او دلیلی ندارید عذرخواهی کنید و آن من هستم. آیا من در میان شما به ثقل اکبر که قرآن است، عمل نکردم؟! آیا ثقل اصغر را، که عترت پیامبرتان است، حفظ نکردم؟! آیا پرچم ایمان را در بین شما استوار نساختم؟ آیا شما را بر حدود حلال و حرام خدا آگاه نکردم؟ آیا با عدل خود جامه عافیت بر شما نپوشاندم؟ آیا با سخن و رفتار خود نیکی ها را

1- 1134. توحید صدوق، ص 175.
2- 1135. بحارالانوار، ج 24، ص 198؛ توحید صدوق، ص 164؛ بصائر الدرجات، ص 64.
3- 1136. نهج البلاغه، خطبه 197؛ غرر الحکم، حدیث 3770.
4- 1137. معانی الاخبار، ص 58؛ بشاره المصطفی، ص 12.
5- 1138. نهج البلاغه، خطبه 87.

رواج ندادم؟ آیا زیبایی ها و ملکات نفسانی را به شما نشان ندادم؟ پس به وهم و خیال خود عمل نکنید آنجا که چشم دل ژرفای آن را نمی بیند و فکرتان توانایی راه یافتن به آن را ندارد».

931 عِنْدَهُ عِلْمُ الْبَلایا

علم و دانش تمام حوادث و بلاها نزد اوست و از همه آنها آگاهی دارد.

این از بیانات خود آن حضرت است که بارها فرمود: از من بپرسید هرچه می خواهید قبل از آنکه مرا از دست بدهید، سپس می فرمود:

«أَلا تَسْأَلُونَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْمَنایا وَالْبَلایا وَالْقَضایا وَفَصْلُ الْخِطابِ»؛(1)

«آیا از کسی که علم و دانش همه آرزوها و بلاها و وقایع آینده و فیصله دهنده کلام در اختیار اوست پرسش نمی کنید؟!».

932 عِنْدَهُ عِلْمُ الْقَضایا

به همه قضایای عالم آگاهی دارد.

همچنین مراجعه شود به: عِنْدَهُ عِلْمُ الْبَلایا [931]

933 عِنْدَهُ عِلْمُ الْمَنایا

به همه مرگ و میرها آگاهی دارد.

همچنین مراجعه شود به: عِنْدَهُ عِلْمُ الْبَلایا [931]

934 عَینُ اللَّهِ

چشم بینای خدا بر بندگان و مخلوقات.

چنان که خود آن حضرت در بیانی فرمود:

«فَأَمّا عَینُ اللَّهِ، فَأَنَا عَینُهُ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ وَالْکَفَرَهِ»؛(2)

«و امّا اینکه من چشم خدا هستم؛ یعنی من چشم خدا بر مؤمنان و کافران هستم».

935 عَینُ الْیقِینِ

حقیقت و اصل یقین.

امام علی علیه السلام فرمود:

«أَنَا عَینُ الْیقِینِ، أَنَا الْمَوْتُ الْمُمِیتُ»؛(3)

«من حقیقت و عین یقین هستم، من مرگ میراننده هستم».

936 غایهُ السّابِقِینَ

نهایت هدف و آرزوی همه سابقان.

در فرمایش امیرمؤمنان علیه السلام آمده است:

«سَلُونِی قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِی، أَنَا یعْسُوبُ الْمُؤْمِنِینَ وَغایهُ السّابِقِینَ»؛

«بپرسید از من قبل از اینکه مرا از دست بدهید، من پیشوای مؤمنان و جلودار و نهایت هدف سابقان هستم».

همچنین مراجعه شود به: صاحِبُ الْأَعْرافِ [62]

937 الْفُراتُ الزّاخِرُ

چشمه سرشار مثل فرات.

امیرمؤمنان علیه السلام در بیانی فرموده است:

«أَنَا الْقَمَرُ الزّاهِرُ بِالْعِلْمِ الَّذِی عَلَّمَنِی رَبِّی، وَالْفُراتُ الزّاخِرُ أَشْبَهْتُ مِنَ الْقَمَرِ نُورَهُ وَبَهائَهُ وَمِنَ الْفُراتِ بَذْلَهُ وَسَخائَهُ»؛(4)

1- 1139. بحارالانوار، ج 26، ص 146؛ الاحتجاج، ج 1، ص 272؛ بصائر الدرجات، ص 217.
2- 1140. بحارالانوار، ج 39، ص 348؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 385.

3- 1141. بحارالانوار، ج 29، ص 140؛ مشارق انوار اليقين، ص 352.
4- 1142. بحارالانوار، ج 25، ص 32.

«من ماه درخشنده به علمی ام که پروردگارم بدان آموخته، من چشمه سرشار هستم، شباهت من به ماه، در نور و جمال آن، و شباهتم به فرات، از جهت بخشش و سخاوت آن است».

938 الْفُسْطاطُ

خیمه و چادر.

همچنین مراجعه شود به: آیهُ السّابِقِینَ [802]

939 فَقَأَ عَینَ الْفِتْنَهِ

چشم فتنه را درآورد.

امام در ابتدای یکی از خطبه ها بعد از جنگ با خوارج نهروان در مورد ویژگی های خود چنین می فرماید:

«أَیهَا النّاسُ! فَإِنِّی فَقَأْتُ عَینَ الْفِتْنَهِ وَلَمْ یکُنْ لِیجْتَرِئَ عَلَیها أَحَدٌ غَیرِی بَعْدَ أَنْ ماجَ غَیهَبُها وَاشْتَدَّ کَلَبُها ...»؛(1)

«ای مردم! من بودم که چشم فتنه را درآوردم و جز من کسی جرأت چنین کاری نداشت، آن گاه که امواج سیاهی ها بالا گرفت و به آخرین درجه شدت خود رسید».

940 فِیهِ یرْتابُ الْمُبْطِلُونَ

از امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده که فرموده است:

«وَفِی یرْتابُ الْمُبْطِلُونَ»؛(2)

«و باطل گرایان در من شک و تردید می کنند».

941 قابِضُ الْأَرْواحِ

ارواح را قبض می کند.

امیرمؤمنان علیه السلام در بیانی فرموده:

«أَنَا قابِضُ الْأَرْواحِ»؛(3)

«من قبض کننده روح ها و جان ها هستم».

شاید مراد این باشد که: من کفار را به قتل می رسانم و سبب قبض روح آنان می شوم. یا مراد این است که: هنگام قبض روح آنان حاضر می شوم و به اجازه من قبض روح می شوند. شاید هم مراد آن باشد که: آنها حقیقتاً قابض الارواح باشند. علّامه مجلسی رحمه الله نظر وسط را بهتر می دانند به اینکه قبض ارواح با حضور و اذن آن حضرت انجام می شود.(4)

942 قاتِلُ الْأَقْرانِ

در یکی از حکمت های امیرمؤمنان علیه السلام آمده است که فرمود:

«أَنَا قاتِلُ الْأَقْرانِ وَمُجَدِّلُ الشُّجْعانِ»؛(5)

«من جنگ کننده با پهلوانان و کشنده شجاعان هستم».

943 قاتِلُ الْفُرْسانِ

کسی که شجاعان، جنگجویان و سوارکاران را در میدان جنگ به قتل می رساند.

همچنین مراجعه شود به: بَأْسُ اللَّهِ [839]

944 قامَ بِالْأَمْرِ حِينَ فَشَلَ الْقَوْمَ

آن گاه که همه مردم از ترس، سست و فشل شدند، او برای امر دین قیام کرد.

همچنین مراجعه شود به: آخِذُ حَقِّ الضَّعِيفِ [799]

1- 1143. نهج البلاغه، خطبه 93.
2- 1144. مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 387؛ بحارالانوار، ج 39، ص 348.
3- 1145. معانی الاخبار، ص 58؛ بحارالانوار، ج 35، ص 45.

4- 1146. بحارالانوار، ج 35، ص 49.
5- 1147. شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 297.

945 قامِعُ الْأَضْدادِ

درهم کوبنده و ریشه کن کننده دشمنان.

همچنین مراجعه شود به: صِنْوُ الرَّسُولِ [915]

946 الْقُرْآنُ النّاطِقُ

قرآن سخنگو و تجسّم عینی آن. تعبیری است در مقابل قرآن صامت؛ یعنی آنچه در اوراق مکتوب و نوشته شده است.(1)

سپاه معاویه به هنگام شکست، قرآن ها را به جهت مکر و حیله، بر سر نیزه کردند.

آن حضرت در واکنش به این حیله فرمود:

«أَنَا الْقُرْآنُ النّاطِقُ» و نیز: «أَنَا کَلامُ اللَّهِ النّاطِقُ».(2)

947 قَرْنُ الْحَدِیدِ

شجاع و سخت، همتا و حریف قهرمانان.

همچنین مراجعه شود به: بابُ الْإِیمانِ [840]

948 الْقَسْوَرُ

اسد و مرد شجاع.

امام علی علیه السلام به یکی از اصحابش فرمود:

«أَما عَلِمْتَ أَنِّی اللَّیثُ وَأَنِّی الضَّرْغامُ وَالْقَسْوَرُ وَالْحَیدَرُ»؛(3)

«مگرنمی دانی من لیث، ضرغام و قسور و حیدر هستم (که مراد مرد شجاع و دلاور است)».

949 قَسِیمُ اللَّهِ

از فرمایشات امیرمؤمنان علیه السلام است که فرمود:

«أَنَا قَسِیمُ اللّهِ بَینَ الْجَنَّهِ وَالنّارِ لا یدْخُلَهُما داخِلٌ إِلّا عَلی أَحَدِ قِسْمَی»؛(4)

«من تقسیم کننده بهشت و جهنم هستم. کسی داخل آنها نمی شود، مگر بریکی ازدو تقسیم من».

950 الْقَضَمُ

امام صادق علیه السلام فرمود: مشرکان قریش کودکان را اجیر کرده بودند تا پیامبر را سنگ بزنند. علی علیه السلام متوجه شد، پس روز بعد همراه رسول خداصلی الله علیه وآله حرکت کرد و هرکه به پیامبر سنگ می زد، امام علی علیه السلام هم دفاع و تلافی می نمود، همه بچه ها گریان به خانه برگشتند و می گفتند:

«قَضَمْنا عَلِی، قَضَمْنا عَلِی». به همین جهت «القضم» نامیده شد.(5)

امیرمؤمنان علیه السلام به طلحه عبدری فرمود:

«أَنَا الْقَضَمُ، أَنَا عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ»؛(6)

«من همان قضم، علی فرزند ابوطالب هستم».

951 قَلْبُ اللَّهِ

امیرمؤمنان علیه السلام در معرفی خود فرمود:

«أَنَا عِلْمُ اللَّهِ وَأَنَا قَلْبُ اللَّهِ الْواعِی»؛(7)

«من علم خدایم، من قلب حفظ شده خدایم».

قلب واعی؛ یعنی خدای تعالی آن را برای علم خویش برگزیده و گنجینه علم خود قرار داده و برای طاعت خود معین فرموده است.

1- 1148. اکنون که این عبارات را می نویسم مطابق با شب قدر است؛ یعنی شبی که قرآن صامت از آسمان بالا نازل شد و دقیقاً نیز در چنین شبی؛ یعنی شب قدر، قرآن ناطق شهید شد و به آسمان بالا رفت.
2- 1149. بحارالانوار، ج 79، ص 199.

3- 1150. بحارالانوار، ج 41، ص 233؛ اليقين، ص 395.
4- 1151. اصول كافى، ج 1، ص 196.
5- 1152. بحارالانوار، ج 20، ص 52.
6- 1153. بحارالانوار، ج 35، ص 60؛ مناقب آل ابى طالب، ج 3، ص 110؛ توحيد صدوق، ص 154 و 155.
7- 1154. بحارالانوار، ج 24، ص 198؛ بصائر الدرجات، ص 64.

قلب اللَّه نیز مثل عبد اللَّه است.(1)

952 الْقَمَرُ الزّاهِرُ

ماه درخشنده و نورانی.

امام علی علیه السلام فرمود:

«أَنَا الْقَمَرُ الزّاهِرُ بِالْعِلْمِ الَّذِی عَلَّمَنِی رَبِّی»؛(2)

«من ماه درخشنده ام به وسیله علمی که خدای تعالی آن را به من آموخته است».

953 کابُّ الدُّنْیا

کوبنده دنیا.

امام علی علیه السلام این بیان را در مذمّت دنیا فرمود:

«أَنَا کابُّ الدُّنْیا لِوَجْهِها وَقادِرُها بِقَدَرِها وَناظِرُها بِعَینِها»؛(3)

«من دنیا را بر زمین کوبیده و چهره اش را به خاک مالیده ام و بیش از آنچه ارزش دارد بهایش نداده ام، با دیده سزاوار خودش نگریسته ام».

954 کاسِرُ الْأَصْنامِ

بت شکن، درهم کوبنده بت ها.

همچنین مراجعه شود به: صِنْوُ الرَّسُولِ [915]

955 کاسِرُ النَّواجِمِ

درهم شکننده شجاعان و نام آوران جنگ.

امام علی علیه السلام، قهرمان قهرمانان، در توصیف شجاعت خود فرموده است:

«أَنَا وَضَعْتُ فِی الصِّغَرِ بِکَلاکِلِ الْعَرَبِ، وَکَسَرْتُ نَواجِمَ قُرُونِ رَبِیعَهٍ وَمُضَرٍ»؛(4)

«من در خردسالی، بزرگان عرب را به خاک افکندم، و شجاعان دو قبیله معروف ربیعه و مضر را درهم شکستم».

956 كَالْجَبَلِ

در روایات نقل شده که امامان معصوم علیهم السلام فرمودند: مؤمن باید مانند کوه استوار باشد که هیچ بادی آنان را نلرزاند. امام علی علیه السلام نیز از همه استوارتر و راسخ تر است، چنان که در زیارت مربوطه آن حضرت چنین آمده است:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ کُنْتَ کَالْجَبَلِ لا تُحَرِّکُهُ الْعَواصِفُ، وَلا تُزِیلُهُ الْقَواصِفُ»؛(5)

«گواهی می دهم تو مانند کوه استوار بودی که هیچ تندبادی تو را حرکت نمی دهد و هیچ طوفانی آن را تکان نمی دهد».

همچنین مراجعه شود به: آخِذُ حَقِّ الضَّعِیفِ [799]

957 كَلِمَةُ اللَّهِ الْكُبْرى

کلمه؛ یعنی چیزی که برای نشان دادن و بیان داشتن آنچه نهان و در ذهن است. علی علیه السلام کلمه اللّه است؛ یعنی خدا برای نشان دادن علوم و معارف و جلالت شأن خود، علی علیه السلام را خلق کرده است.(6)

امیرالمؤمنین علیه السلام در بیانی فرمود:

«أَنَا كَلِمَةُ اللَّهِ الْكُبْرى ؛(7)

«من کلمه برتر الهی هستم».

1- 1155. توحید صدوق، 164.
2- 1156. بحارالانوار، ج 25، ص 32.
3- 1157. نهج البلاغه، خطبه 128؛ غرر الحکم، حدیث 3755.
4- 1158. نهج البلاغه، خطبه 192.
5- 1159. بحارالانوار، ج 97، ص 321؛ مفاتیح الجنان، زیارت مخصوصه امیرالمؤمنین.

6- 1160. بحارالانوار، ج 97، ص 312.
7- 1161. مشارق انوارالیقین، ص 199؛ منتخب بصائر، ص 132.

958 الْكَلِمَةُ الْباقِيةُ

از عناوینی است که حضرت به مناسبتی برای خود فرمود.

همچنین مراجعه شود به: سَفِيرُ السُّفَراءِ [881]

959 لا يرْقى إِلَيهِ الطَّيرُ

آن شخص والامقام و بلند آشیانی که هیچ تیزپروازی را یارای رسیدن به درجه بلند او نیست. حضرت در این مورد فرمود:

«أَما وَاللَّهِ لَقَدْ تَقَمَّصَها فُلانٌ، وَإِنَّهُ لَيعْلَمُ أَنَّ مَحَلِّی مِنْها مَحَلُّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحا، ينْحَدِرُ عَنِّی السَّيلُ وَلا يرْقى إِلَی الطَّيرُ»؛(1)

«به خدا قسم! خلیفه اول در حالی جامه خلافت را بر تن کرد که می دانست من محور و سنگ آسیای خلافت هستم، سیل دانش و فضایل از وجود من سرازیر می شود و هیچ بلندپروازی نمی تواند به مقام والای من پرواز نماید».

960 لِسانُ اللَّهِ

از فرمایشات آن حضرت است که فرمود:

«أَنَا لِسانُ اللَّهِ النّاطِقُ»؛(2)

«من زبان گویای خدا هستم».

و در زیارت آن حضرت آمده است:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی سَيدِی وَمَوْلای أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَلِسانِکَ النّاطِقِ بِأَمْرِکَ»؛(3)

«خدایا درود فرست بر آقا و سید و مولای من امیرمؤمنان که زبان گویای توست به امر تو».

961 اللِّسانُ الصّادِقُ

زبان راستگو، عنوانی دیگر از کلام مولا علی علیه السلام در معرفی خویش است:

«أَنَا عَینُ اللَّهِ وَلِسانُهُ الصّادِقُ»؛(4)

«من چشم بینای خدا و زبان صادق اویم».

962 اللِّسانُ الْمُبِینُ

زبان روشنگر و بیان گر حقّ و حقیقت. و این زبان گویای امیرمؤمنان علیه السلام است، چنان که خود آن حضرت نیز فرموده است:

«أَنَا شَجَرَهُ النَّدی وَحِجابُ الْوَری وَصاحِبُ الدُّنْیا وَحُجَّهُ الْأَنْبِیاءِ وَاللِّسانُ الْمُبِینُ»؛(5)

«من درخت بخشنده و حجاب و واسطه آفرینش هستم، من اختیاردار دنیا و حجت پیامبران و زبان واضح و گویای حقّ هستم».

963 لِسانُ الْمُتَّقِینَ

زبان گویای تقواپیشگان است.

همچنین مراجعه شود به: صاحِبُ الْأَعْرافِ [62]

964 لِسانُ النّاطِقِینَ

امام زبان گویای گویندگان است.

همچنین مراجعه شود به: آیهُ السّابِقِینَ [802]

965 لَمْ یکُنْ فِیهِ مَغْمَزٌ

هیچ سخن چینی نمی تواند در مورد او حرفی بزند.

همچنین مراجعه شود به: آخِذُ حَقِّ الضَّعِیفِ [799]

1- 1162. نهج البلاغه، خطبه 3، علل الشرائع، ج 1، ص 181

2- 1163. الفضائل، ص 83.
3- 1164. بحارالانوار، ج 97، ص 329.
4- 1165. معانی الاخبار، ص 17؛ الاختصاص، ص 248؛ توحید صدوق، ص 164.
5- 1166. بحارالانوار، ج 41، ص 5؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 118.

966 لَمْ يكُنْ فِيهِ مَهْمَزٌ

هیچ عیب جویی نمی تواند در او ایرادی بیابد.

همچنین مراجعه شود به: آخِذُ حَقِّ الضَّعِيفِ [799]

967 الْمُؤْتَمِنُ

امین و امانت دار و کسی که دیگران او را به امانت داری قبول دارند.

حضرت فرمود:

«أَنَا خازِنُ عِلْمِ اللَّهِ وَأَنَا الْمُؤْتَمِنُ عَلى سِرِّ اللَّهِ»؛(1)

«من گنجینه علم، و امانت دار اسرار خدا هستم».

968 مُؤَدَّبُ الرَّسُولِ

رسول خداصلی الله علیه وآله او را ادب و تربیت نموده.

امیرمؤمنان علیه السلام به یار مخصوص خود، کمیل فرمود:

«يا كُمَيلُ! إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ أَدَّبَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَهُوَ أَدَّبَنِى وَأَنَا أُءَدِّبُ الْمُؤْمِنِينَ وَأَوْرِثُ الْمُكَرَّمِينَ»؛(2)

«ای کمیل! همانا خداوند رسول خودش را ادب آموخت و ایشان نیز مرا ادب آموخت و من هم ادب آموزنده مؤمنان هستم، و به ارث گذارنده بزرگواران می باشم».

969 مُؤَدِّبُ الْمُؤْمِنِينَ

امامی که خود تربیت یافته رسول خدا است، مؤمنان را نیز تربیت می کند.

همچنین مراجعه شود به: مُؤَدَّبُ الرَّسُولِ [968]

970 الْمَأْمَنُ

محلّ و جایگاه امن و امان؛ یعنی کسی که دیگران را در امنیت خود می گیرد.

امیرمؤمنان علیه السلام در خطبه ای فرمود:

«أَنَا مَلْجَأُ كُلِّ ضَعِيفٍ وَمَأْمَنُ كُلِّ خائِفٍ»؛(3)

«من پشت و پناه هر ضعیفی و موجب امنیت هر ترسانی هستم».

971 ما حارَ مِنَ الْأَرْضِ

آن حضرت با وجود زحمات فراوانی که در کشاورزی و زراعت و کندن چاه و آبادانی متحمّل شد، زمینی را به ملکیت خود درنیاورد.

«فَوَاللَّهِ ما كَنَزْتُ مِنْ دُنْياكُمْ تِبْراً وَلا ادَّخَرْتُ مِنْ غَنائِمِها وَفْراً وَلا أَعْدَدْتُ لِبالِی ثَوْبِی طَمْراً وَلا حِزْتُ مِنْ أَرْضِها شِبْراً»؛(4)

«سوگند به خدا! من از دنیای شما طلا و نقره ای نیندوخته، از غنیمت های آن چیزی ذخیره نکردم، بر دو جامه کهنه ام لباسی نیفزودم، و از زمین آن حتی یک وجب هم در اختیار نگرفتم».

972 ما شَكَّ فِی الْحَقِّ

در راه حقّ، هیچ شک و تردیدی به خود راه نداد، چنان که فرمود:

«ما شَكَكْتُ فِی الْحَقِّ مُذْ أُرِيتُهُ»؛(5)

«از آن روزی که حقّ بر من روشن شد، هرگز دچار تردید نشدم».

1- 1167. بحارالانوار، ج 39، ص 335؛ امالی صدوق، مجلس 9.
2- 1168. بحارالانوار، ج 74، ص 268؛ مستدرک الوسائل؛ ج 17، ص 267؛ بشارهالمصطفی ص 24؛ تحف العقول ص 171.
3- 1169. بحارالانوار، ج 24، ص 198؛ توحید صدوق، ص 164؛ معانی الاخبار، ص 17.
4- 1170. بحارالانوار، ج 33، ص 473؛ نهج البلاغه، نامه 45.
5- 1171. بحارالانوار، ج 34، ص 242؛ نهج البلاغه حکمت 184.

973 ما كَنَزَ مِنَ الدُّنْيا

آن حضرت هیچ گنجی از طلا و ثروت برای خود ذخیره نکرد.

همچنین مراجعه شود به: ما حازَ مِنَ الْأَرْضِ [971]

974 مُبِيدُ مَنْ كَفَرَ بِالرَّحْمنِ

هرکه به خدای رحمان کافر شود، حضرت او را می کشد و از بین می برد.

از فرمایشات خود امیرمؤمنان علیه السلام است که در بیانی فرمود:

«أَنَا مُجَدِّلُ الْأَبْطالِ وَقاتِلُ الْفُرْسانِ وَمُبِيدُ مَنْ كَفَرَ بِالرَّحْمنِ»؛(1)

«من شکست دهنده پهلوانان و کشنده سواران جنگ جو و به هلاکت رساننده هرکسی هستم که به خدای رحمان کافر شود».

975 الْمُتَخَتِّمُ بِالْيمِينِ

در بیانی حضرت فرمود:

«أَنَا الْمُتَخَتِّمُ بِالْيمِينِ وَالْمُعَفِّرُ لِلْجَبِينِ»؛(2)

«من هستم که انگشتر به دست راست می کنم و پیشانی بر خاک می سایم».

976 مُجَدِّلُ الْأَبْطالِ

پشت پهلوانان را به خاک می مالد.

ازتوصیفات امیرمؤمنان علیه السلام است که حضرت در حقّ خودشان فرموده است.(3)

977 الْمُحارِبُ

جنگ کننده؛ امّا جنگ با چه چیزی؟ حضرت پاسخ داده است:

«إِنِّی مُحارِبُ أَمَلِی وَمُنْتَظِرُ أَجَلِی»؛(4)

«همانا من با آرزویم در جنگم و در انتظار أجل و مرگ خود می باشم».

978 الْمُحْیی

زنده کننده مردگان.

همچنین مراجعه شود به: الْآخِرُ [800]

979 الْمُرْشِدُ

راهنما؛ افراد را به راه رشد و کمال و سعادت راهنمایی می کند. چنان که درباره امام علی علیه السلام گفته اند:

«هُوَ وَصِی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه وآله وَخَلِیفَتُهُ، الْإِمامُ الْعادِلُ وَالسَّیدُ الْمُرْشِدُ»؛(5)

«علی علیه السلام جانشین رسول خداصلی الله علیه وآله و خلیفه او، امام عادل و آقا و مرشد است».

و این هم سخن رسول خداصلی الله علیه وآله که فرمود:

«وَمَنِ اسْتَرْشَدَهُ أَرَشَدَهُ»؛(6)

«هر کس از او راهنمایی بخواهد راهنمایی اش خواهد کرد».

همچنین مراجعه شود به: الدَّلِیلُ [868]

980 مُشْتاقُ لِقآءِ اللَّهِ

مشتاق ملاقات و دیدار پروردگار.

1- 1172. بحارالانوار، ج 35، ص 45؛ بشاره المصطفی، ص 12.
2- 1173. بحارالانوار، ج 39، ص 341؛ امالی صدوق، ص 25؛ بشاره المصطفی، ص 155.
3- 1174. بحارالانوار، ج 35، ص 45؛ معانی الاخبار، ص 58.
4- 1175. غرر الحکم، حدیث 3768.

5- 1176. تهذیب شیخ طوسی، ج 6، ص 19.
6- 1177. بحارالانوار، ج 36، ص 226؛ امالی صدوق، ص 26؛ کمال الدین، ج 1، ص 256.

پس چنین بیان فرمود:

«إِنِّی وَاللَّهِ لَوْ لَقَیتُ وَهُمْ طُلّاعُ الْأَرْضِ کُلُّها ما بالَیتُ وَلَا اسْتَوْحَشْتُ، وَإِنِّی مِنْ ضَلالِهِمُ الَّذِی هُمْ فِیهِ وَالْهُدَی الَّذِی أَنَا عَلَیهِ لَعَلی بَصِیرَهٍ مِنْ نَفْسِی وَیقِینٍ مِنْ رَبِّی، وَإِنِّی إِلی لِقاءِ اللَّهِ لَمُشْتاقٌ وَحُسْنِ ثَوابِهِ لَمُنْتَظِرٌ راجٍ»؛(1)

«به خدا سوگند! من اگر تنها هم با دشمنان روبه رو شوم، در حالی که آنان تمام روی زمین را پر کرده باشند، نه باکی داشته و نه می هراسم. من به گمراهی آنان و هدایت خود که بر آن استوارم، آگاهم و از طرف پروردگارم به یقین رسیده ام، همانا من برای ملاقات خدایم، مشتاق و به پاداش او امیدوارم».

981 مِصْباحُ الظِّلامِ

چراغ تاریکی ها.(2)

982 مَضی بِنُورِ اللَّهِ

با نور و هدایت خدا حرکت می کند.

همچنین مراجعه شود به: آخِذُ حَقِّ الضَّعِیفِ [799]

983 الْمُطَلِّقُ

طلاق دهنده دنیا، که حضرت فرمود:

«إِنِّی طَلَّقْتُ الدُّنْیا ثَلاثاً بِتاتاً لا رَجْعَهَ لِی فِیها وَأَلْقَیتُ حَبْلَها عَلی غارِبِها»؛(3)

«همانا من دنیا را سه طلاقه کردم، طلاقی قطعی که هیچ حقّ رجوعی نداشته باشم، و مهار آن را بر کوهانش انداخته ام».

984 الْمُعْجِزُ الْباهِرُ

ابن عباس از امیرمؤمنان علیه السلام نقل کرده که حضرت در بیانی فرمود:

«أَنَا الْآیهُ الْعُظْمی وَالْمُعْجِزُ الْباهِرُ»؛(4)

«من آیت و نشانه بزرگ خدایم، و من معجزه آشکار اویم».

در زیارت به حضرت سلام داده می شود:

«اَلسَّلامُ عَلی صاحِبِ الْمُعْجِزِ الْباهِرِ، وَالنّاطِقِ بِالْحِکْمَهِ وَالصَّوابِ»؛(5)

«سلام بر او که دارای معجزات ظاهر و باطن است، سلام بر او که دارای سخن های حکمت و صواب است».

985 المُعَفِّرُ لِلْجَبِینِ

برای خدا پیشانی به زمین می ساید.

همچنین مراجعه شود به: الْمُتَخَتِّمُ بِالْیمِینِ [975]

986 مُفَرِّجُ الْکُرُباتِ

برطرف کننده غم و اندوه و گرفتاری ها.

حضرت در نامه ای خطاب به ابوبکر فرمود:

«أَنَا مُکَسِّرُ الرّایاتِ فِی غُطامِطِ الْغَمَراتِ وَمُفَرِّجُ الْکُرُباتِ عَنْ وَجْهِ خِیرَهِ الْبَرِیاتِ»؛(6)

«من درهم شکننده پرچم ها و سپاهیان در وسط میدان های سخت و خطرناک هستم، من برطرف کننده غم و اندوه ها از چهره بهترین خلق خدایم».

1- 1178. نهج البلاغه، نامه 62.
2- 1179. بحارالانوار، ج 40، ص 268؛ مستدرک الوسائل، ج 67، ص 388.
3- 1180. غرر الحکم، حدیث 3776.
4- 1181. بحارالانوار، ج 54، ص 436.
5- 1182. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
6- 1183. بحارالانوار، ج 29، ص 140.

987 مُكَسِّرُ الرّاياتِ

درهم شکننده پرچم های دشمنان.

همچنین مراجعه شود به: مُفَرِّجُ الْكُرُباتِ [986]

988 مُكَسِّرُ رُؤُوسِ الْفُرْسانِ

در میدان جنگ، فرماندهان، جنگ جویان و قهرمانان را از پای درآورده، سر آنان را خرد و آنها را به هلاکت می رساند.(1)

989 مَلْجَأُ كُلِّ ضَعِيفٍ

پناه هر فرد ضعیف.

همچنین مراجعه شود به: الْمَأْمَنُ [970]

990 الْمُمِيتُ

میراننده.

همچنین مراجعه شود به: الْآخِرُ [800]

991 الْمُنادِی

ندا کننده و مؤذّن.

«وَاسْتَمِعْ يوْمَ ينادِ الْمُنادِ مِنْ مَكانٍ قَرِيبٍ»؛(2)

«و گوش فرا ده و منتظر روزی باش که منادی از مکانی نزدیک ندا می دهد».

امیرمؤمنان علیه السلام با توجّه به آیه شریفه فرمود:

«أَنَا الْمُنادِی مِنْ مَكانٍ قَرِيبٍ قَدْ سَمِعَهُ الثَّقَلانِ الْجِنُّ وَالْإِنْسُ وَفَهِمَهُ قَومٌ»؛ (3)

«من آن منادی هستم که از جایی نزدیک صدا می زنم به گونه ای که هر دو گروه جن و انس بشنوند و برخی مردم بفهمند».

992 مَنْ احْتَجَّ اللّهُ بِهِ

خدا به وسیله او بر دیگران احتجاج می کند.

همچنین مراجعه شود به: آیهُ السّابِقِینَ [802]

993 مُنْتَظِرُ الثَّوابِ

به جهت اطمینان به عقاید و کردار خود، در امید و انتظار ثواب و پاداش خداوند است.

همچنین مراجعه شود به: مُشْتاقُ لِقآءِ اللَّهِ [980]

994 الْمُواسِی

مساوات یعنی با کسی برابر بودن است؛ ولی مواسات یعنی دیگری را بر خود مقدّم کردن و خود را فدای او نمودن است، آن هم نهایت همکاری و همیاری در حقّ کسی کردن است، و امیرمؤمنان علیه السلام نسبت به رسول خداصلی الله علیه وآله با جان و مال خود کمک کار بود، که فرمود:

«وَلَقَدْ واسَیتُهُ بِنَفْسِی فِی الْمَواطِنِ الَّتِی تَنْکُصُ فِیهَا الْأَبْطالُ وَتَتَأَخَّرُ فِیهَا الْأَقْدامُ نَجْدَةً أَکْرَمَنِی اللَّهُ بِها»؛(4)

«همانا با جان خود، پیامبرصلی الله علیه وآله را یاری کردم، در جایی که قدم های شجاعان می لرزید و فرار می کردند، این دلیری را خدا به من عطا فرمود».

چنان که در زیارتش سلام می دهیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا سَیدَ الْوَصِیینَ وَالتّالِی لِرَسُولِهِ، وَالْمُواسِی لَهُ بِنَفْسِهِ»؛(5)

«سلام بر تو ای آقای جانشینان، ای کسی که پیرو رسول خداصلی الله علیه وآله بوده و با جان خویش نسبت به وی فداکاری کردی».

1- 1184. بحارالانوار، ج 29، ص 186.
2- 1185. سوره ق، آیه 41.

3- 1186. بحارالانوار، ج 26، ص 5.
4- 1187. غرر الحکم، ص 120؛ نهج البلاغه، خطبه 197.
5- 1188. بحارالانوار، ج 97، ص 285؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

995 المَوْتُ الْمُمِيتُ

بعد از این که فدک را از حضرت زهراعلیها السلام غصب کردند، امام علی علیه السلام در خطبه ای فرمود:

«إِنْ نَطَقْتُ تَقُولُونَ حَسَدَ وَإِنْ سَكَتْتُ فَيقالُ جَزَعَ ابْنُ أَبِی طالِبٍ مِنَ الْمَوْتِ. هَيهات، هَيهاتَ! أَنَا السَّاعَهُ يقالُ لِی هذا، أَنَا عَينُ الْيقِينِ، أَنَا الْمَوْتُ الْمُمِيتُ»؛(1)

«اگر حرفی بزنم می گویند حسادت می کند و اگر سکوت کنم گفته می شود: پسر ابو طالب از مرگ می ترسد؛ امّا هرگز و هیهات! من خودم «الساعه مرگ» هستم که این گونه گفته می شود، من خودم عین الیقین و موت میراننده هستم».

996 الْمُوتِمُ

خود آن حضرت در معرفی خویش فرمود:

«... أَنَا مُوتِمُ الْبَنِينَ وَالْبَناتِ»؛(2)

«من به قتل رساننده کافران و یتیم کننده پسران و دختران آنان هستم».

997 مُورِثُ أَدَبِ الْمُكَرَّمِينَ

ادب همه اولیا و بزرگواران را به ارث برده.

همچنین مراجعه شود به: مُؤَدَّبُ الرَّسُولِ [968]

998 نَطَقَ حِينَ تَتَعْتَعَ الْقَوْمُ

آن گاه که همه از سخن بازماندند و حقّ را پوشاندند، او به بیان حقّ پرداخت.

همچنین مراجعه شود به: آخِذُ حَقِّ الضَّعِيفِ [799]

999 النِّعْمَهُ

امیرالمؤمنین علیه السلام در بیانی فرمود:

«أنَا النِّعْمَهُ الّتِی أنْعَمَ اللّهُ عَلی خَلْقِهِ»؛(3)

«من آن نعمتی هستم که خدای تعالی نسبت به بندگانش ارزانی داشته است».

1000 نُقْطَهُ الْباءِ

مراد نقطه بای بسم اللَّه الرحمن الرحیم است، که حضرت فرمود:

«کُلَّما فِی الْقُرْآنِ فِی الْحَمْدِ، وَکُلَّما فِی الْحَمْدِ فِی الْبَسْمَلَهِ، وَکُلَّما فِی الْبَسْمَلَهِ فِی الْباءِ، وَکُلّما فِی الْباءِ فِی النُّقْطَهِ وَأنَا النُّقْطَهُ الَّتِی تَحْتَ الْباءِ»؛(4)

«هرچه در قرآن آمده، در سوره حمد خلاصه شده؛ و هرچه در سوره حمد آمده، در بسم اللّه الرحمن الرحیم خلاصه شده؛ و هرچه در بسم اللّه الرحمن الرحیم است، در بای آن خلاصه شده، و هرچه در «باء» آمده، در نقطه آن است و من آن نقطه باء می باشم».

1001 النُّمْرُقَهُ

تکیه گاه.

امام علی علیه السلام در معرفی خود فرمود:

«نَحْنُ النُّمْرُقَهُ الْوُسْطی بِها یلْحَقُ التّالِی وَإلَیها یرْجِعُ الْغالِی»؛(5)

«ما تکیه گاه میانه ایم، عقب ماندگان به ما ملحق می شوند و پیش تاختگان به ما بازمی گردند».

یعنی هیچ افراط و تفریط در آن نیست، و در همه امور متعادل می باشد.

1- 1189. بحارالانوار، ج 29، ص 140؛ مشارق انوار الیقین، ص 352.
2- 1190. بحارالانوار، ج 35، ص 45؛ معانی الاخبار، ص 58؛ بشاره المصطفی، ص 12؛ درر الاخبار، ص 236؛ نور الثقلین، ج 5، ص 599.
3- 1191. بحارالانوار، ج 26، ص 317.
4- 1192. الصراط المستقیم، ص 45؛ القطره، ص 177.

5- 1193. نهج البلاغه، حکمت 109.

1002 نُورُ الْأَنْوارِ

سرچشمه نور همه نورها و روشنایی ها.

همچنین مراجعه شود به: حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْأَبْرارِ [855]

1003 وارِثُ الْأَرْضِ

امام علی علیه السلام در معرفی خود فرمود:

«أَنَا وارِثُ الْأَرض وَأَنَا سَبِيلُ اللَّهِ»؛(1)

«من وارث زمین، من طریق و راه خدا هستم».

1004 وَسِيلةُ الرَّسُولِ

او واسطه بین رسول خداصلی الله علیه وآله و امت است.

امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است:

«أَنَا وَسِيلَتُهُ بَينَهُ وَبَينَ أُمَّتِهِ»؛(2)

«من واسطه بین پیامبرصلی الله علیه وآله و امت او هستم».

1005 وَصِی الْأَوْصِياءِ

عنوانی از خود آن حضرت است که فرمود:

«أَنَا وَصِی الْأَوْصِياءِ»؛(3)

«من جانشین اوصیای گذشته ام».

امام صادق علیه السلام نیز به آن حضرت این گونه سلام می کند:

«اَلسَّلامُ عَلَيکَ يا وَصِی الْأَوْصِيآءِ»؛(4)

«سلام بر تو ای وصی و جانشین اوصیای پیامبران الهی».

1006 وَصِی خاتِمِ النَّبِيينَ

جانشین آخرین پیامبر خداصلی الله علیه وآله.

امام علی علیه السلام فرمود:

«أَنَا وَصِی خَیرِ الْأَنْبِیاءِ، وَوَصِی سَیدِ الْأَنْبِیاءِ، وَوَصِی خاتِمِ النَّبِیینَ»؛

«من جانشین بهترین پیامبران، و جانشین سرور و خاتم پیامبران هستم».

1007 وَصِی خَیرِ الْأَنْبِیاءِ

وصی و جانشین بهترین پیامبران.

بیان دیگری از امام در دفاع از حقّ وصایت خودش، که فرمود:

«أَنَا سَیدُ الْأَوْصِیاءِ وَوَصِی خَیرِ الْأَنْبِیاءِ»؛(5)

«من آقای جانشینان و جانشین بهترین پیامبران هستم».

1008 وَصِی خَیرِ الْبَشَرِ

وصی و جانشین بهترین انسان.

آن حضرت فرموده است:

«أَنَا وَصِی خَیرِ الْبَشَرِ»؛(6)

«من جانشین بهترین بشر هستم».

1009 وَصِی خَیرِ الْخَلِیقَهِ

جانشین بهترین خلق خدا.

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

«أَنَا إِمامُ الْبَرِیهِ وَوَصِی خَیرِ الْخَلِیقَهِ»؛

«من امام مردم و جانشین بهترین مخلوقات هستم.(7)

همچنین مراجعه شود به: أَبُو الْعِتْرَهِ [806]

1- 1194. بحارالانوار، ج 39، ص 349؛ رجال کشی، 211.
2- 1195. بحارالانوار ج 30، ص 65؛ ارشاد القلوب ج 2، ص 306.
3- 1196. بحارالانوار، ج 24، ص 317.
4- 1197. تهذیب طوسی، ج 6، ص 59؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبرصلی الله علیه وآله.
5- 1198. بحارالانوار، ج 33، ص 282؛ الفضائل، ص 104.
6- 1199. بحارالانوار، ج 39، ص 347؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 385.
7- 1200. بحارالانوار، ج 39، ص 335؛ امالی صدوق، ص 605؛ من لایحضره الفقیه، ج 4، ص 419.

1010 وَصِی سَیدِ الْأَنْبِیاءِ

جانشین آن که سرور همه پیامبران است.

همچنین مراجعه شود به: وَصِی خاتِمِ النَّبِیینَ [1006]

1011 وَضَعَ کَلاکِلَ الْعَرَبِ

بزرگان و پهلوانان عرب را به خاک افکنده.

همچنین مراجعه شود به: کاسِرُ النَّواجِمِ [955]

1012 وُلِدَ عَلَی الْفِطْرَهِ

بر فطرت توحیدی تولد یافته و هیچ چیز از شرک و کفر در او راه نیافته و برای لحظه ای کافر و مشرک نبوده است، بیان آن حضرت چنین است:

«فَإِنِّی وُلِدْتُّ عَلَی الْفِطْرَهِ وَسَبَقْتُ إِلَی الْإِیمانِ وَالْهِجْرَهِ»؛(1)

«... من بر فطرت توحیدی تولد یافتم و در ایمان و هجرت، از همه پیش قدم تر بودم».

1013 هَوَّنَ اللَّهِ عَلَیهِ الشَّدائِدَ

خدای تعالی همه سختی ها را برایش آسان گردانید.

همچنین مراجعه شود به: طَوی لَهُ الْبَعِیدَ [919]

1014 یدُ اللَّهِ

دست قدرت خدا، چنان که حضرت فرمود:

«أَنَا عَینُ اللَّهِ وَأَنَا یدُ اللَّهِ»؛(2)

«من چشم بینا و دست قدرت خدایم».

و در عبارت دیگر فرمود:

«أَنَا یدُاللَّهِ الْمَبْسُوطَهُ عَلی عِبادِهِ بِالرَّحْمَهِوَالْمَغْفِرَهِ»؛(3)

«من همان دست گسترده الهی بر بندگان خدایم که موجب رحمت و مغفرت ایشان است».

1015 یری نُورَ الْوَحْی وَ الرِّسالَهِ

هنگام بعثت رسول خداصلی الله علیه وآله، امام علی علیه السلام به آن حضرت عرض کرده بود:

«أَری نُورَ الْوَحْی وَالرِّسالَهِ وَأَشُمُّ رِیحَ النُّبُوَّهِ»؛(4)

«من نور وحی و رسالت را می بینم و بوی نبوت را استشمام می کنم».

رسول خداصلی الله علیه وآله نیز آن را تأیید فرمود، که: «إِنَّکَ تَسْمَعُ ما أَسْمَعُ وَتَری ما أَری ؛(5)

«همانا تو می شنوی هرآنچه را که من می بینم، و می بینی هرآنچه را که من می بینم».

1016 یشُمُّ رِیحَ النُّبُوَّهِ

بوی نبوت را استشمام می کرد.

همچنین مراجعه شود به: یری نُورَ الْوَحْی وَ الرِّسالَهِ [1015]

1017 ینْحَدِرُ عَنْهُ السَّیلُ

سیل علم و دانش از بلندای مقام آن حضرت و کوهسار وجود او جریان می یابد.

همچنین مراجعه شود به: لا یرْقی إِلَیهِ الطَّیرُ [959]

1- 1201. نهج البلاغه، خطبه 57؛ اعلام الوری، ص 172.
2- 1202. اصول کافی، ج 1، ص 145؛ بصائر الدرجات، ص 61.
3- 1203. بحارالانوار، ج 4، ص 8؛ الاختصاص، ص 248.
4- 1204. بحارالانوار، ج 14، ص 475؛ الطرائف، ج 2، ص 413؛ نهج البلاغه، ص 300.

5- 1205. نهج البلاغه، خطبه 192؛ مشارق انوار اليقين، ص 52.

اشاره

امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام ائمّه معصومین علیهم السلام

مقدمه

آنچه در این فصل می آید عناوین و القاب و بیان فضایلی است که امامان معصوم علیهم السلام، با توجّه به شناختی که از مقام شامخ امیرمؤمنان علی علیه السلام داشتند، بیان نموده اند و ما آنها را از لا به لای احادیث و دعاها و زیارت نامه های مخصوصه امام علی علیه السلام جمع آوری نموده ایم.

1018 آثِرُ الْآخِرَهِ

آخرت را نسبت به دنیا برگزیده است.

امام هادی علیه السلام در زیارت روز غدیر فرموده:

«وَآثَرْتَ الْآخِرَهَ عَلَی الْأُولی فَزَهِدْتَ»؛(1)

«(سلام بر تو ای امیر مؤمنان که) آخرت را بر دنیا برگزیدی و زاهدانه زندگی کردی».

1019 الْآمِرُ بِالْمَعْرُوفِ

امر به معروف و نهی از منکر از بزرگ ترین واجبات الهی است که بنابر فرمایش امامان معصوم علیهم السلام: اگر به این دو واجب (امر به معروف و نهی از منکر) عمل شود، تمام احکام دین نیز برپا می گردد و اسلام زنده می ماند.

امیرالمؤمنین نیز مانند پیامبر اکرم و سایر امامان علیهم السلام به خوبی به این واجب الهی عمل نمود، در زیارت آن حضرت عرض می کنیم:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلاهَ وَآتَیتَ الزَّکاهَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَیتَ عَنِ الْمُنْکَرِ»؛(2)

«گواهی می دهم تو نماز را بپا داشتی و زکات را ادا نمودی و امر به معروف و نهی از منکر کردی».

ابن عباس در سخنرانی خود در بصره گفت:

«... مَعَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَابْنِ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه وآله الآمِرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنّاهِی عَنِ الْمُنْکَرِ»؛(3)

«به همراه امیر مؤمنان و پسر عموی رسول خداصلی الله علیه وآله، همان که امر کننده به معروف و نهی کننده از منکر بود».

خود حضرت نیز فرمود:

«به خدا سوگند! من شما را به هیچ طاعتی وادار نمی کنم مگر این که پیش از خود عمل کرده ام، و از هیچ معصیتی شما را باز نمی دارم جز این که پیش از آن خود ترک کرده ام».(4)

1020 آیهُ الرِّسالَهِ

نشانه و علامت و شاهد برای رسالت.

خدای تعالی برای رسالت و نبوّت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله آیات و نشانه ها و معجزات بسیاری اقامه فرموده که یکی از این آیات و نشانه ها، شخص امیرالمؤمنین علیه السلام است.

در یکی از زیارات مطلقه امام علی علیه السلام آمده:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ... أَخِی نَبِیکَ وَوَصِی رَسُولِکَ... الَّذِی جَعَلْتَهُ سَیفاً لِنُبُوَّتِهِ، وَآیةً لِرِسالَتِهِ»؛(5)

1- 1206. بحارالانوار، ج 97، ص 361؛ مفاتیح الجنان، زیارت روز عید غدیر.
2- 1207. بحارالانوار، ج 97، ص 273؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 589.
3- 1208. بحارالانوار، ج 32، ص 406.
4- 1209. نهج البلاغه، خطبه 175.

5- 1210. بحارالانوار، ج 97، ص 307؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

«خدایا درودفرست بر محمّد و آل محمّد و درود فرست بر علی که امیرمؤمنان و برادر و جانشین پیامبرت می باشد، همان که او را شمشیر نبوی و آیت و نشانه رسالت قرارش دادی».

1021 الْأَبْطَحِی

ابطحی منسوب به ابطح (حجاز) است و بطحاء سرزمینی است که در منطقه حجاز قرار دارد. و علی علیه السلام، که در مکّه به دنیا آمده است را ابطحی می گویند.

پس از واقعه عاشورا، در جریان اسارت اهل بیت امام حسین - علیهم السلام - به شام، امام سجادعلیه السلام در مسجد اموی، مقابل یزید، به معرفی خود و اجداد طاهرینش پرداخته و با اشاره به اینکه: من فرزند مکه و منی و زمزم و صفا هستم، خطاب به یزید و حاضرین مجلس فرمود:

«أَنَا ابْنُ عَلِی الْمُرْتَضَی. أَنَا ابْنُ مَنْ ضَرَبَ خَراطِیمَ الْخَلْقِ حَتّی قالُوا لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ. أَنَا ابْنُ مَنْ ضَرَبَ بَینَ یدَی رَسُولِ اللَّهِ بِسَیفَینِ، وَطَعَنَ بِرُمْحَینِ، وَهَاجَرَ الْهِجْرَتَینِ، وَبَایعَ الْبَیعَتَینِ، وَقَاتَلَ بِبَدْرٍ وَحُنَینٍ، وَلَمْ یکْفُرْ بِاللَّهِ طَرْفَةَ عَینٍ. أَنَا ابْنُ صالِحِ الْمُؤْمِنِینَ، وَوارِثِ النَّبِیینَ، وَقامِعِ الْمُلْحِدِینَ وَیعْسُوبِ الْمُسْلِمِینَ، وَنُورِ الْمُجاهِدِینَ وَزَینِ الْعابِدِینَ، وَتاجِ الْبَکَّائِینَ وَأَصْبَرِ الصّابِرِینَ، وَأَفْضَلِ الْقائِمِینَ مِنْ آلِ یاسِینَ رَسُولِ رَبِّ الْعالَمِینَ. أَنَا ابْنُ الْمُؤَیدِ بِجَبْرَئِیلَ الْمَنْصُورِ بِمِیکائِیلَ، أَنَا ابْنُ الْمُحامِی عَنْ حَرَمِ الْمُسْلِمِینَ، وَقَاتِلِ الْمارِقِینَ وَالنّاکِثِینَ وَالْقاسِطِینَ، وَالْمُجاهِدِ أَعْداءَهُ النّاصِبِینَ، وَأَفْخَرِ مَنْ مَشی مِنْ قُرَیشٍ أَجْمَعِینَ، وَأَوَّلِ مَنْ أَجابَ وَاسْتَجابَ لِلَّهِ ِ وَلِرَسُولِهِ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ، وَأَوَّلِ السّابِقِینَ وَقاصِمِ الْمُعْتَدِینَ وَمُبِیدِ الْمُشْرِکِینَ، وَسَهْمٍ مِنْ مَرامِی اللَّهِ عَلَی الْمُنافِقِینَ، وَلِسانِ حِکْمَهِ الْعابِدِینَ، وَناصِرِ دِینِ اللَّهِ وَوَلِیِّ أَمْرِ اللَّهِ وَبُسْتانِ حِکْمَهِ اللَّهِ وَعَیبَهِ عِلْمِهِ، سَمِحٌ سَخِی بَهِی بُهْلُولٌ زَکِی أَبْطَحِی رَضِی، مِقْدامٌ هُمامٌ صابِرٌ صَوّامٌ مُهَذَّبٌ قَوّامٌ، قاطِعُ الْأَصْلابِ وَمُفَرِّقُ الْأَحْزابِ، أَرْبَطُهُمْ عِناناً وَأَثْبَتُهُمْ جَناناً، وَأَمْضاهُمْ عَزِیمَةً وَأَشَدُّهُمْ شَکِیمَةً، أَسَدٌ باسِلٌ یطْحَنُهُمْ فِی الْحُرُوبِ إِذَا ازْدَلَفَتِ الْأَسِنَّهُ، وَقَرُبَتِ الْأَعِنَّهُ، طَحْنَ الرَّحی وَیذْرُوهُمْ فِیها ذَرْوَ الرِّیحِ الْهَشِیمِ، لَیثُ الْحِجازِ وَکَبْشُ الْعِراقِ، مَکِّی مَدَنِی خَیفِی عَقَبِی بَدْرِی أُحُدِی شَجَرِی مُهاجِرِی، مِنَ الْعَرَبِ سَیدُها وَمِنَ الْوَغی لَیثُها، وارِثُ الْمَشْعَرَینِ، وَأَبُوالسِّبْطَینِ الْحَسَنِ وَالْحُسَینِ، ذاکَ جَدِّی عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ ...»؛(1)

«من پسر علی مرتضی هستم، من پسر کسی هستم که بینی گردن کلفتان مشرک را به خاک مالید تا «لا إله إلاّ اللّه» گفتند. من پسر کسی هستم که دررکاب رسول خداصلی الله علیه وآله با دو شمشیر و دو نیزه می جنگید، کسی که دوبار هجرت کرد، دوبار بیعت کرد و در دو جنگ بدر و حنین (که از همه سخت تر بود) شرکت داشت و برای یک لحظه هم به خدای تعالی کافر نشد.

من پسر شایسته ترین مؤمن و وارث پیامبران و درهم کوبنده ملحدان هستم، من پسر پیشوای

1- 1211. بحارالانوار، ج 45، ص 138.

مسلمانان و نور مجاهدان و زینت عابدان و تاج گریه کنندگان و صبورترین صابران و برترین قیام کنندگان از آل یاسین رسول پروردگار جهانیان هستم. من فرزند آن کسی هستم که توسط جبرئیل تأیید شده و به کمک میکائیل نصرت شده است.

من پسر مدافع از حرم مسلمانان هستم، که با خوارج و پیمان شکنان و ظالمان جنگ نمود و با دشمنان ناصبی جهاد کرد. من پسر باافتخارترین فرد از قریش هستم، او که اولین کسی بود که دعوت خدا و پیامبرش را اجابت کرده، جلودار همه پیشگامان بود، درهم کوبنده متجاوزان و کشنده مشرکان و تیر غیب به هدف خورده بر منافقان، او که زبان حکمت عابدان و یاری کننده دین خدا و اختیاردار امور او و بوستان حکمت های الهی و گنجینه علم خدا بود.

او که بسیار بخشنده و باسخاوت، خوش رو، شوخ طبع و زیرک بود، ابطحی، خشنود خوشایند، پیش قدم، بااهتمام و بلند همت، شکیبا، بسیار روزه دار، پاک، نمازگزار، قطع کننده نسل و ریشه دشمنان، پراکنده کننده احزاب بود، آن گاه که شمشیرها درهم می آمیختند و عنان اسب ها به هم نزدیک می شد، همانند سنگ آسیا آنان را خُرد می کرد، و چون توفان آنان را درهم می کوبید.

شیر حجاز، پهلوان عراق، آن که از اهل مکه و مدینه و خیف و عقبه و بدر و احد و اهل بیعت شجره و هجرت کننده بود. او که بین عرب، سید است و هنگام غوغاها شیر آنان بود، وارث اهل مشعر، پدر حسن و حسین دو سبط پیامبر، او جدّ من علی بن ابی طالب است».

1022 أَبُو الْأَئِمَّهِ الْأَبْرارِ

پدر امامان نیک و نیکوکار.

در یکی از زیارات آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلی أَبِی الْأَئِمَّهِ الْأَبْرارِ»؛(1)

«سلام بر پدر امامان نیک رفتار».

1023 أَبُو الْأَئِمَّهِ الْأَشْرافِ

پدر امامان باشرافت و بزرگوار.

در فرازی از زیارت امام علی علیه السلام آمده:

«اَلسَّلامُ عَلی أَبِی الْأَئِمَّهِ الْأَشْرافِ»؛(2)

«سلام بر پدر امامان شریف و بزرگوار».

1024 أَبُو الْأَئِمَّهِ الْأَطْهارِ

پدر امامان پاک و طاهر و معصوم.

در یکی از زیارات مخصوصه آمده:

«اَلسَّلامُ عَلی أَبِی الْأَئِمَّهِ الْأَطْهارِ»؛(3)

«سلام بر پدر امامان پاک و پاکیزه».

1025 أَبُو الْأَئِمَّهِ الرّاشِدِینَ

راشد؛ هدایت کننده به راه رشد و کمال.

امام علی علیه السلام پدر امامان هدایت کننده است، چنان که در یکی از دعاهای مأثور وارد شده:

«قائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِینَ، أَبِی الْأَئِمَّهِ الرّاشِدِینَ، عَلِیّ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ»؛(4)

1- 1212. بحارالانوار، ج 99، ص 198.
2- 1213. بحارالانوار، ج 99، ص 180.
3- 1214. بحارالانوار، ج 97، ص 303.
4- 1215. بحارالانوار، ج 92، ص 383.

«پیشوای سفیدرویان و نخبگان، و پدر امامان راشدین، علی که امیرمؤمنان است».

1026 أَبُو الْأَئِمَّهِ الطّاهِرِينَ

جابر انصاری می گوید: همراه رسول خداصلی الله علیه وآله و امام علی علیه السلام از کنار نخلی می گذشتیم، که درخت نخل ندا داد:

«هذا مُحَمَّدٌ سَیدُ الْأَنْبِیاءِ، وَهذا عَلِی سَیدُ الْأَوْصِیاءِ أَبُوالْأَئِمَّهِ الطّاهِرِینَ»؛(1)

«این محمّد است آقای پیامبران و این هم علی که آقای اوصیاست و پدر امامان طاهرین است».

1027 أَبُو الْأَنامِ

پدر همه خلایق و مردم.

در زیارت آن حضرت وارد شده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا أَبَا الْأَنامِ، وَمُکَسِّرَ الْأَصْنامِ، وَکَلِیمَ الْأَقْوامِ»؛(2)

«سلام بر تو ای پدر خلق و ای کسی که بت ها را شکستی و با اقوام مختلف سخن گفتی».

1028 أَثْبَتُ الْقَوْمِ جَناناً

ثابت قدم ترین فرد از جهت قلب و درون.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1029 الْأُحُدِی

امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ احد حاضر بوده و از اسلام دفاع نموده، که البته بزرگ ترین مجاهد و مدافع حریم دین و پیامبر بود.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1030 أَحْسَنُ الْخَلقِ عِبادَهً

بهترین عبادت ها را برای خدای تعالی به جا آورده است.

در زیارت مخصوص آن حضرت در روز غدیر آمده است:

«أَنْتَ أَحْسَنُ الْخَلْقِ عِبادَةً، وَأَخْلَصُهُمْ زَهادَةً»؛(3)

«تو نیکوترین عابدان از خلق هستی و نیز خالص ترین زاهدان می باشی».

1031 أَخْلَصُ الْخَلقِ زُهادَةً

زهد و ترک دنیای او خالص تر از همه است؛ آن هم زهد برای خدا.

از عناوینی است که امام علی علیه السلام را با آن ستوده اند.

همچنین مراجعه شود به: أَحْسَنُ الْخَلْقِ عِبادَةً [1030]

1032 أَخْوَفُ الْقَوْمِ لِلَّهِ

هرچه شناخت انسان نسبت به خدای تعالی بیشتر باشد، عظمت و جلالت خدا را بیشتر درک می کند و به همین نسبت نیز، بیشتر از همه برای خدا حساب باز می کند و حریم او را نگه می دارد. علی علیه السلام که اعرف مردم به خدای تعالی است، باید خداترس ترین آنان هم باشد. در زیارت مخصوص آن جناب آمده است:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ کُنْتَ أَوَّلَ الْقَوْمِ إِسْلاماً... وَأَخْوَفَهُمْ لِلَّهِ»؛(4)

«گواهی می دهم تو اولین مسلمان بودی و نیز خداترس ترین مردم».

1- 1216. بحارالانوار، ج 63، ص 146.
2- 1217. بحارالانوار، ج 97، ص 332.
3- 1218. بحارالانوار، ج 97، ص 367؛ مفاتیح الجنان، اعمال عید غدیر.
4- 1219. بحارالانوار، ج 97، ص 354؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

1033 أَذَبُّ النّاسِ

پشتیبان و حمایت کننده مردم.

امام هادی علیه السلام در زیارت یوم غدیر فرمود:

«أَنْتَ أَحْسَنُ الْخَلْقِ عِبادَةً وَأَخْلَصُهُمْ زَهادَةً وَأَذَبُّهُمْ عَنِ الدِّينِ»؛(1)

«ای علی! تو بهترین مردم هستی در عبادت، و خالص ترین ایشان هستی در تقوا و پارسایی، و پشتیبان و حمایت کننده ایشان در دفاع از دین».

1034 الْأُذُنُ السّامِعَهُ

گوش شنوای خداوند.

در یکی از زیارات امیرالمؤمنین علیه السلام آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا نُورَ اللَّهِ فِی سَمائِهِ وَأَرْضِهِ وَأُذُنَهُ السّامِعَهُ»؛(2)

«سلام بر تو ای نور خدا در زمین و آسمان و ای گوش شنوای خدا».

1035 أَرْبَطُ الْقَوْمِ عِناناً

رام کننده ترین سرکشان.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1036 أَرْفَعُ الدَّرَجَهِ

بالاترین مقام را نزد خدا و بالاترین درجه را بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در بهشت دارد. امام علی علیه السلام دارای چنین درجه و مقامی است که از بین مردم رفیع ترین درجه مال اوست.

در زیارت مخصوص آن حضرت آمده:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ کُنْتَ أَوَّلَ الْقَوْمِ إِسْلاماً وَأَرْفَعَهُمْ دَرَجَهً»؛(3)

«گواهی می دهم که تو اولین مسلمان هستی و بالاترین مقام و درجه را دارا می باشی».

1037 أَزْهَدُ الزّاهِدِينَ

زاهدترین زاهدان، یکی دیگر از القاب امیرالمؤمنین علیه السلام است. امام عسکری علیه السلام از پدر بزرگوارش نقل می کند: پدرم امیرالمؤمنین علیه السلام را چنین زیارت فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا أَمِیرَالْمُؤْمِنِینَ وَسَیدَ الْوَصِیینَ، وَأَوَّلَ الْعابِدِینَ وَأَزْهَدَ الزّاهِدِینَ»؛(4)

«سلام بر تو ای امیرمؤمنان و آقای جانشینان، سلام بر تو ای اولین عبادت کنندگان و زاهدترین زاهدان».

1038 أَسَدُ اللَّهِ الْغالِبُ

در هر مبارزه ای پیروز میدان است.

امام سجادعلیه السلام در معرفی جدّ خود فرمود:

«أَسَدُ اللَّهِ الْغالِبِ، مَطْلُوبُ کِلِّ طالِبٍ»؛(5)

«شیر و شجاع پیروزمند، او که مورد طلب هر جوینده کمالی است.

1039 أَسَدُّ الْقَوْمِ رَأْیاً

هرچه بگوید حقّ است، هر رأی و حکمی بدهد صحیح و محکم است، و امام علی علیه السلام چون اعلم همه مردم و اعرف به امور است و از همه جا و همه چیز خبردارد، رأی و نظرش چنین است، در زیارت مخصوصه آمده:

1- 1220. بحارالانوار، ج 97، ص 367.
2- 1221. بحارالانوار، ج 97، ص 337.
3- 1222. اصول کافی، ج 1، ص 454؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 592؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
4- 1223. بحارالانوار، ج 97، ص 364؛ مفاتیح الجنان، اعمال عید غدیر.
5- 1224. فرهنگ غدیر.

«أَشْهَدُ أَنَّکَ کُنْتَ أَسَدَّهُمْ رَأْياً»؛(1)

«گواهی می دهم رأی تو محکم ترین رأی قوم بود».

1040 اِسْمُ اللَّهِ الرَّضِی

نام مورد پسند و رضایت خدای تعالی؛ یعنی علی نام خدا است، که در زیارت مطلقه آن حضرت نیز آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَی اسْمِ اللَّهِ الرَّضِی»؛(2)

«سلام بر اسم پسندیده الهی!».

1041 أَشَدُّ الْقَوْمِ خِصاماً

در هنگام مقابله و مبارزه با دشمن، نیرومند و شدید و مقاوم است.

در زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام آمده:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ کُنْتَ ... أَشَدَّهُمْ خِصاماً»؛(3)

«گواهی می دهم تو شدیدترین و نیرومندترین افراد در جنگ با دشمن بودی».

1042 أَشَدُّ الْقَومِ شَکِیمَةً

در برابر ظلم تسلیم نمی شود.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1043 أَشْرَفُ عِتْرَهِ الرَّسُولِ

عترت و خاندان رسول خداصلی الله علیه وآله شریف ترین و نجیب ترین خلق هستند؛ خصوصاً حضرت زهرا و دوازده امام علیهم السلام که از طهارت و عصمت برخوردارند؛ دربین ایشان، امیرالمؤمنین علیه السلام از جایگاه ویژه ای برخوردار است.

در زیارت مربوط به آن حضرت آمده است:

«اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی وَلِیکَ وَأخِی نَبِیکَ ... وَأشْرَفِ عِتْرَتِهِ الّذِینَ آمَنُوا بِهِ»؛(4)

«خدایا درود فرست بر ولی خودت و برادرِ پیامبرت، او که شریف ترین فرد خاندان و عترت رسول خداست از بین آنان، که به خدا و رسول ایمان آورده اند».

1044 أَشْرَفُ الْوَصِیینَ

شریف ترین و بزرگوارترین جانشین از بین همه جانشینان پیامبران است.

در تفسیر امام عسکری علیه السلام آمده است:

«إِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُبِینٌ یعْنِی یأْمُرُکُمْ إِلی مُخالَفَهِ أَفْضَلُ النَّبِیینَ وَمُعانَدَهِ أَشْرَفِ الْوَصِیینَ»؛(5)

«اینکه شیطان دشمن آشکاری است یعنی به مخالفت با افضل پیامبران و دشمنی با اشرف جانشینان امر می کند».

1045 أَصْبَرُ الصّابِرِینَ

بین صابران از همه صبورتر است.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1046 الْأَصْلُ الْقَدِیمُ

اصل؛ اصل امامان علیهم السلام و شروع کننده آنان. و قدیم؛ آغازگر زمانی ایشان، نه قدیم ازلی.(6)

1- 1225. بحارالانوار، ج 97، ص 378؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
2- 1226. بحارالانوار، ج 97، ص 375؛ اقبال الاعمال، ص 610؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
3- 1227. بحارالانوار، ج 97، ص 377؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

4- 1228. بحارالانوار، ج 97، ص 372؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روزمیلادپیامبر؛ مصباح کفعمی، ص 685.
5- 1229. بحارالانوار، ج 24، ص 379؛ تفسیر الامام العسکری، ص 580.
6- 1230. بحارالانوار، ج 97، ص 315.

در یکی از زیارات مطلقه مربوط به آن حضرت، از امام صادق علیه السلام روایت شده:

«اَلسَّلامُ عَلَی الْأَصْلِ الْقدِیمِ وَالْفَرْعِ الْکَرِیمِ»؛(1)

«سلام بر امامی که اصل و حقیقت قدیم و فرع با کرامت و جود است».

مراد این است که: سلام بر روح پاک آن حضرت که در عالم ارواح، واسطه و مظهر لطف و احسان قدیم الهی است و مقدّم بر آدم و عالم وجود بوده و نیز سلام بر جسم پاک عنصری او که در عالم اجسام، باکرامت و بابرکت ترین موجودات بود.

1047 أَعْتَقَ أَلْفَ مَمْلُوکٍ

امام صادق علیه السلام در رفتار امام علی علیه السلام فرمود:

«وَلَقَدْ أَعْتَقَ أَلْفَ مَمْلُوکٍ مِنْ صُلْبِ مالِهِ، کُلَّ ذلِکَ تَحْفِی فِیهِ یداهُ وَتَعَرَّقَ جَبِینِهِ الْتِماسَ وَجْهِ اللَّهِ وَالْخَلاصَ مِنَ النّارِ، وَما کانَ قُوتُهُ إِلَّا الخِلُّ وَالزَّیتُ وَحَلْواءُ التَّمْرِ إِذا وَجَدَهُ، وَمَلْبُوسُهُ الْکَرابِیسُ»؛(2)

«آن حضرت هزار برده را با مال خود که از دست رنج و زحمت و عرق پیشانی به دست آورده بود آزاد کرد، آن هم فقط به جهت قرب خدا و نجات از آتش؛ غذای او چیزی جز سرکه و روغن نبود، شیرینی اش خرما بود اگر آن را می یافت، و لباسش نیز از جنس کرباس بود».

1048 أَعْظَمُ الْقَوْمِ حِلْماً

بردباری اش از همه بیشتر است؛ چنان که امام حسین علیه السلام فرمود:

«إِنَّ عَلِیاً کانَ أَوَّلَ الْقَوْمِ إِسْلاماً وَأَعْلَمَهُمْ عِلْماً وَأعْظَمَهُمْ حِلْماً وَأَنَّهُ وَلِی کُلِ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَهٍ»؛

«همانا علی علیه السلام از بین قوم و قبیله خود، اولین کسی بود که اسلام آورد، عالم ترین و بردبارترین آنان بود، او سرپرست هرمرد و زن مؤمنی است».

1049 أَفْخَرُ مَنْ مَشی مِنْ قُرَیشٍ

باافتخارترین فرد از قریش، که بر زمین پا گذاشته است.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1050 أَفْضَلُ الْأَتْقِياءِ

برترین فرد از تقواپیشگان و پرهیزکاران. امام سجادعلیه السلام در وصف امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

«سَیدُ الْأَوْصِیاءِ وَأَفْضَلُ الْأَتْقِیاءِ، عَلِی سَیدُ الْأَبْرارِ، وَقائِدُ الْأَخْیارِ وَأَفْضَلُ أَهْلِ دارِ الْقَرارِ، بَعْدَ النَّبِیّ الزَّکِیّ الْمُخْتارِ»؛(3)

«امام علی علیه السلام آقای اوصیا و برتر از همه اتقیا است، او آقای ابرار و پیشوای اخیار و نیکان است، او برترین فرد دنیا و آخرت بعد از رسول پاک و برگزیده خداوند است».

1051 أَفْضَلُ أَهْلِ الدّارِ

بهترین فرد در دنیا و آخرت می باشد.

همچنین مراجعه شود به: أَفْضَلُ الْأَتْقِیاءِ [1051]

1052 أَفْضَلُ القآئِمِینَ

برترین قیام کنندگان در راه خدا.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1- 1231. بحارالانوار، ج 97، ص 305: مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه ششم امیرالمؤمنین.
2- 1232. بحارالانوار، ج 41، ص 286؛ کافی، ج 8، ص 163؛ موسوعه امام علی علیه السلام، ج 8، ص 279.
3- 1233. بحارالانوار، ج 24، ص 385؛ تفسیر الامام، ص 592.

1053 أَفْضَلُ الْمَناقِبِ

مناقب جمع منقبت؛ یعنی کارش نیکوست و دارای فضیلت است.

در فرازی از زیارات مخصوصه آن حضرت آمده است:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ کُنْتَ أَوَّلَ الْقَوْمِ إِسْلاماً وَأَفْضَلَهُمْ مَناقِبَ»؛(1)

«گواهی می دهم تو اولین مسلمان بودی و مناقب و فضایل تو از همه بیشتر بود».

1054 أَفْضَلُ منَ الْأَئِمَّهِ

امیر المؤمنین علیه السلام از همه امامان برتر است.

یونس بن ابی وهب می گوید: در مدینه خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و عرض کردم: قبر امیر المؤمنین علیه السلام را زیارت نکردم. فرمود: کار بدی کردی، اگر از شیعیان ما نبودی، دیگر به تو نگاه نمی کردم. سپس فرمود:

«أَلا تَزُورُهُ مَنْ یزُورُهُ اللَّهُ مَعَ مَلائِکَتِهِ وَیزُورُهُ الْأَنْبِیاءُ وَیزُورُهُ الْمُؤْمِنُونَ؟!»؛

«آیا زیارت نمی کنی کسی را که خدا به همراه فرشتگان به زیارت او می رود، پیامبران و مؤمنان به زیارت او می روند؟

گفتم: فدایتان شوم! من این را نمی دانستم. حضرت فرمود:

«فَاعْلَمْ أَنَّ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْأَئِمَّهِ کُلِّهِمْ وَلَهُ ثَوابُ أَعْمالِهِمْ وَعَلی قَدْرِ أَعْمالِهِمْ فُضِّلُوا»؛(2)

«پس بدان که امیرالمؤمنین علیه السلام نزد خداوند از همه امامان علیهم السلام برتر است و ثواب تمام آنان را دارد و ایشان به اندازه اعمال خود برتری داده شدند».

1055 أَکْثَرُ السَّوابِقِ

کسی که دارای سوابق درخشان است. سوابق اسلامی و اعمال امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره صدر اسلام و بین مسلمانان است. در

یکی از زیارات آن حضرت گفته می شود:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ کُنْتَ أَوَّلَ الْقَوْمِ إِسْلاماً وَأَکْثَرَهُمْ سَوابِقَ»؛(3)

«گواهی می دهم تو اولین مسلمان بودی و سوابق تو از همه بیشتر و درخشان تر بود».

1056 الْإِمامُ الْحَکِیمُ

پیشوا و رهبر حکیم.

در اعمال مسجد کوفه آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَی الْإِمامِ الْحَکِیمِ الْعَدْلِ»؛(4)

«سلام بر آن امام حکیم عادل».

1057 إِمامُ ذَوِی الْأَلْبابِ

لبّ به معنای خرد است و ذوی الألباب یعنی خردمندان و صاحبان خرد.

در فرازی از زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا إِمامَ ذَوِی الْأَلْبابِ»؛(5)

«سلام بر تو ای پیشوای خردمندان جهان».

1- 1234. الکافی، ج 1، ص 454؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
2- 1235. وسائل الشیعه، ج 14، ص 375؛ کافی، ج 4، ص 579؛ تهذیب، ج 6، ص 20؛ موسوعه امام علی، ج 8، ص 279.
3- 1236. بحارالانوار، ج 97، ص 321؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 592؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
4- 1237. بحارالانوار، ج 97، ص 409؛ مفاتیح الجنان، اعمال مسجد کوفه.
5- 1238. بحارالانوار، ج 97، ص 373؛ اقبال الاعمال، ص 608؛ مفاتیح الجنان، زیارت حضرت روز میلاد پیامبرصلی الله علیه وآله.

1058 الْإِمامُ الرَّبّانِی

امام خدایی، خداشناس و دست پرورده خدا.

حضرت زهراعلیها السلام همسر باوفای امام علی علیه السلام ایشان را این گونه معرفی فرموده:

«هُوَ الْإِمامُ الرَّبّانِی وَالْهَیکَلُ النُّورانِی، قُطْبُ الْأَقطابِ وَسُلالَهُ الْأَطْیابِ النّاطِقُ بِالصَّوابِ، نُقْطَهُ دائِرَهِ الْإِمامَهِ وَأَبُو بَنِیهِ الْحَسَنِ وَالْحُسَینِ الَّذَینِ هُما رَیحانَتَی رَسُولِ اللَّهِ سَیدَی شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّهِ»؛(1)

«علی علیه السلام امام ربانی و خدایی، هیکلی نورانی و مرکز توجّه عارفان و خداپرستان و فرزندی از خاندان پاکان، گوینده به حقّ و روا، جایگاه اصلی و محور امامت، پدر حسن و حسین دو دسته گل رسول خداصلی الله علیه وآله و دو بزرگ و سرور جوانان اهل بهشت است».

1059 إِمامُ الصّالِحِینَ

رهبر و پیشوای شایستگان، چنان که در یکی از زیارات مطلقه آن حضرت می گوییم:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی ... عَبْدِکَ وَأَمِینِکَ الْأَوْفی .. قُدْوَهِ الصِّدِّیقِینَ وَإِمامِ الصّالِحِینَ»؛(2)

«خدایا درود فرست بر بنده و امین با وفای تو که پیشوای راستگویان و امام صالحان است».

1060 الْإِمامُ الْعادِلُ

در یکی از زیارات امیرمؤمنان علیه السلام چنین آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَی الْإِمامِ الْعادِلِ وَالصَّیبِ الْهاطِلِ، صاحِبِ الْمُعْجِزاتِ وَالْفَضائِلِ، وَالْبَراهِینِ وَالدَّلائِلِ، وَالسَّیدِ الْحَلاحِلِ وَالْبَطَلِ الْمَنازِلِ وَالْبَطَلِ الْأَرْوَعِ وَالْهُمامِ الْمُشَفَّعِ الَّذِی هُوَ عَنِ الشِّرْکِ أَنْزَعُ الْعالِی النَّسَبِ وَالشَّرَفِ، مَوْلای أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ»؛(3)

«سلام بر امام عادل و باران ریزان و پی درپی، آن که دارای معجزات و فضایل و برهان ها و دلایل فراوان است، همان آقای شجاع و پهلوان میدان

ها، قهرمانی که همه را به اعجاب می آورد، همان آقا و پادشاه بلندهمتی که شفاعتش پذیرفته است، او که از هر شرکی بری است، دارای نسب و شرف عالی است، او مولای من امیرمؤمنان است».

1061 الْإِمامُ الْعَدْلُ

امام عدل؛ امام عادل. این امام آن قدر عادلانه و به عدل رفتار نموده و شدّت عدل در وی آن قدر زیاد بوده که همگان او را عدل مجسّم دانسته و لقب "امام عدل" داده اند.

در فرازی از از دعاها و اعمال مسجد کوفه آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَی الْإِمامِ الْحَکِیمِ الْعَدْلِ»؛(4)

«سلام بر آن امام حکیم عادل».

1062 الْإِمامُ الْعَظِیمُ

امام بزرگ و عظیم الشأن.

چنان که در زیارت صفوان جمال، خطاب به امیرمؤمنان علیه السلام آمده است:

«وَأَنْتَ سَیدُ الْکَرِیمِ وَالْإِمامُ الْعَظِیمُ»؛(5)

«و تو آقای باکرامت و امام باعظمت هستی».

1- 1239. فرهنگ سخنان حضرت زهراعلیها السلام، ص 27.
2- 1240. بحارالانوار، ج 97، ص 379.
3- 1241. بحارالانوار، ج 99، ص 191؛ کتاب المزار، ص 103.
4- 1242. بحارالانوار، ج 97، ص 409؛ مفاتیح الجنان، اعمال مسجد کوفه.
5- 1243. بحارالانوار، ج 97، ص 330.

1063 الْإِمامُ الْمُخْلِصُ

امام مخلص و خالص؛ کارهایش محض رضای خدا و به نیت تقرب الهی است.

در زیارت مخصوصه امام علی علیه السلام آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَی الْإِمامُ التَّقِی الْمُخْلِصِ الصَّفِی»؛(1)

«سلام بر آن پیشوای باتقوای کامل و دارای اخلاص خاص به حقّ».

1064 إِمامُ الْمُخْلِصِینَ

امیرمؤمنان علیه السلام نه تنها خود خالص و مخلص بود، بلکه امام تمام مخلصان نیز می باشد.

در یکی از زیارات مطلقه مربوط به حضرت آمده است:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَبْدِکَ الْمُرْتَضی .. وَإِمامِ الْمُخْلِصِینَ»؛(2)

«خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و نیز درود ویژه بفرست بر علی که امیرمؤمنان و بنده برگزیده توست، و او که امام مخلصان است».

1065 الْإِمامُ النّاصِحُ

نصیحت کننده، مشفق و اندرز دهنده.

در یکی از زیارات مطلقه آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَی الصِّراطِ الْواضِحِ، وَالنَّجْمِ اللّائِحِ، وَالْإِمامِ النّاصِحِ»؛(3)

«سلام بر آن راه واضح و چراغ فروزنده و امام نصیحت کننده و مشفق».

1066 أَمْضَی النّاسِ عَزِیمَةً

از همه مردم ثابت قدم تر است.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1067 أَمِيرُ الْجُيوشِ

فرمانده لشکرها؛ هرجا لشکر و سپاهی تشکیل می شد و پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله نیرویی را اعزام می فرمود، فرمانده قسمت اعظم و مهم آن لشکر و سپاه با علی بن ابی طالب علیه السلام بود.

در فرازی از زیارت مطلقه امیرمؤمنان علیه السلام آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلی أَمِيرِ الْجُيوشِ وَصاحِبِ الْغَزَواتِ»؛(4)

«سلام بر فرمانده لشکرهای رسول خداصلی الله علیه وآله و صاحب فتح و پیروزی در جنگ ها».

1068 أَمِيرُ الشُّهَداءِ

امام حسن علیه السلام پس از شهادت امیرمؤمنان علیه السلام خطبه ای خواند و در آن سخنرانی، پدر بزرگوارش را چنین معرفی فرمود:

«خاتِمُ الْوَصِيينَ وَوَصِی خاتِمِ الْأَنْبِياءِ وَأَمِيرُ الصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَداءِ وَالصّالِحِينَ»؛(5)

«از بین وصیان پیامبران، او آخرین وصی و جانشین آخرین پیامبر و امیر صدیقان و شهیدان و صالحان بود».

1- 1244. بحارالانوار، ج 97، ص 375؛ اقبال الاعمال، ص 610؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.
2- 1245. بحارالانوار، ج 97، ص 307؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
3- 1246. بحارالانوار، ج 97، ص 287؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
4- 1247. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
5- 1248. بحارالانوار، ج 43، ص 361؛ امالی طوسی، ص 269؛ بشاره المصطفی، ص 240.

1069 أَمِيرُ الصّالِحِينَ

امیر و آقای افراد نیکوکار و صالح.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

همچنین مراجعه شود به: أَمِيرُ الشُّهَداءِ [1068]

1070 أَمِيرُ الصِّدِّيقِينَ

امیر درستکاران و صادقان و راستگویان.

همچنین مراجعه شود به: أَمِيرُ الشُّهَداءِ [1068]

1071 أَمِيرُ الْغَزَواتِ

امیر و فرمانده غزوات و جنگ ها؛ چنان که در فرازی از زیارت امام علی علیه السلام آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَيکَ يا أَمِيرَ الْغَزَواتِ»؛(1)

«سلام بر تو ای فرمانده جنگ ها».

1072 أَوَّلُ راكِعٍ بَعْدَ النَّبِىّ

اولین کسی که بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله برای خدای تعالی رکوع کرده است.

امام باقرعلیه السلام در مورد آیه شریفه «وَارْكَعُوا مَعَ الرّاكِعِينَ»(2) فرمود: این آیه در مورد پیامبر و علی علیهما السلام نازل شده؛ چون ایشان اولین نمازگزاران و رکوع کنندگان بودند.(3)

1073 أَوَّلُ السّابِقِينَ

بین سبقت گرفتگان در اسلام، از همه مردم سابق تر است.

همچنین مراجعه شود به: أَمِيرُ الشُّهَداءِ [1068]

1074 أَوَّلُ الْعابِدِينَ

اولین عبادت کننده الهی.

امام حسن عسکری علیه السلام از پدر بزرگوارش امام هادی علیه السلام نقل فرموده است که: در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام چنین فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا أَمِیرَالْمُؤْمِنِینَ وَسَیدَ الْوَصِیینَ، وَأَوَّلَ الْعابِدِینَ»؛(4)

«سلام بر تو ای امیرمؤمنان و آقای جانشینان و اولین عابدان خدا».

1075 أَوَّلُ الْقَوْمِ إِسْلاماً

علی علیه السلام اوّلین نفری بود که به اسلام و پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله ایمان آورد و مسلمان شد؛ چنان که امام حسین علیه السلام فرمود.

همچنین مراجعه شود به: أَعْظَمُ الْقَوْمِ حِلْماً [1048]

1076 أَوَّلُ الْقَوْمِ کَلاماً

اولین کسی که در بیان حقّ و حقیقت زبان به سخن می گشاید.

در یکی اززیارات مخصوصه امام علی علیه السلام وارد شده:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ کُنْتَ أَوَّلَهُمْ کَلاماً»؛(5)

«گواهی می دهم تو در بین قوم خود اولین کسی بودی که به حقّ و بیان حقایق سخن گفتی».

1077 أَوَّلُ مَظْلُومٍ

اولین مظلوم و بزرگ ترین مظلوم تاریخ، امیرمؤمنان علیه السلام است؛ کسی که با داشتن بالاترین

1- 1249. بحارالانوار، ج 97، ص 373؛ اقبال الاعمال، ص 608؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.
2- 1250. سوره بقره، آیه 43.
3- 1251. مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 13.

4- 1252. بحارالانوار، ج 97، ص 364؛ مفاتیح الجنان، زیارت عید غدیر.
5- 1253. بحارالانوار، ج 97، ص 377؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

قدرت و علم و عصمت، مورد ظلم جاهلان و بی خردان و نااهلان قرارگرفت.

امام هادی علیه السلام فرمود: نزد قبر امیرالمؤمنین علیه السلام بگویید:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وَلِی اللَّهِ، أَنْتَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ»؛(1)

«سلام بر تو ای ولی خدا! تو اوّلین مظلوم هستی».

1078 أَوَّلُ مَغْصُوبٍ حَقُّهُ

بزرگ ترین حقّ و روشن ترین حقّ، حقّی است که خدای تعالی به کسی عنایت کند و در مقابل، چقدر ظالمانه که توسط عدّه ای جاهل پایمال شود. خدای متعال حقّ خلافت نبی خاتم را به کسی بدهد. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نیز این حقّ را به همه جهانیان اعلان کند و از آنها بیعت بگیرد؛ امّا پس از چند صباح و در روز روشن، عدّه ای جاهل و نادان این حقّ واضح را غصب کنند؛ جانشین مصطفی صلی الله علیه وآله را دست بسته، ریسمان به گردن، برای بیعت اجباری به مسجد بکشانند و او هم جهت مصلحت امّت و اسلام سکوت کند. با این غصب بود، که مسیر تاریخ عوض شد.

در دعایی وارد شده است:

«أَنْتَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ وَأَوَّلُ مَغْصُوبٍ حَقُّهُ»؛(2)

«تو اولین مظلوم و اولین کسی هستی که حقّش را غصب کردند».

امام هادی علیه السلام فرمود: نزد قبر امام علی علیه السلام بگویید:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وَلِی اللَّهِ، أَنْتَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ وَأَوَّلُ مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ»؛(3)

«سلام بر تو ای ولی خدا، تو اولین مظلوم هستی و اولین کسی که حقّ او را غصب کردند».

1079 أَوَّلُ مَنْ ابْتَدَعَ اللَّهُ

اولین کسی که خدای تعالی او را به وجود آورد؛ چون نور پیامبر و علی علیهما السلام اولین چیزی بود که خدای تعالی خلق کرد. در قسمتی از

زیارات مخصوصه آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا غایهَ مَنْ بَرَأَهُ اللَّهُ وَنَهایهَ مَنْ ذَرَأَ اللَّهُ وَأَوَّلَ مَنِ ابْتَدَعَ اللَّهُ»؛(4)

«سلام بر تو ای غایت و هدف خلقت و نهایت آفرینش و اولین آفریده خدای تعالی».

1080 الْبائِتُ

جریان هجرت رسول خداصلی الله علیه وآله از مکّه به مدینه و نقشه ترور حضرت توسط مشرکان قریش و خوابیدن امیرالمؤمنین در بستر رسول خداصلی الله علیه وآله، از قضایای مشهور و معروفی است که دوست و دشمن به آن معترف هستند و آیه نیز در شأن آن حضرت نازل شده.(5)

1- 1254. وسائل الشیعه، ج 14، ص 394؛ تهذیب طوسی، ج 6، ص 28؛ اصول کافی، ج 4، ص 569؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه پنجم امیرالمؤمنین.
2- 1255. اصول کافی، ج 4، ص 570.
3- 1256. من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 586؛ کافی ج 4، ص 569؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه پنجم امیرالمؤمنین.
4- 1257. بحارالانوار، ج 97، ص 348.
5- 1258. تفسیر الامام العسکری، ص 469؛ الارشاد مفید، ج 1، ص 51؛ کنز الفوائد، ج 2، ص 53؛ .

در فرازی از زیارت مطلقه مربوط به آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَی الْبآئِتِ عَلی فِراشِ النَّبِی وَمُفْدِیهِ بِنَفْسِهِ مِنَ الْأَعْداءِ»؛(1)

«سلام بر آن کسی که در بستر پیامبرصلی الله علیه وآله خوابید و جانش را فدای آن حضرت کرد تا ایشان از دست دشمنان نجات یابد».

1081 بابُ الْحِکْمَهِ

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«أَنَا دارُ الْحِکْمَهِ وَعَلِی بابُها»؛(2)

«من شهر حکمت و علی دروازه آن است».

از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال شد، فرمود:

«قُسِّمَتِ الْحِکْمَهُ عَشْرَهَ أَجْزاءٍ فَأُعْطِی عَلِی تِسْعَهَ أَجْزاءٍ وَالنّاسُ جُزْءاً واحِداً»؛(3)

«حکمت را ده قسمت کرده اند که نه قسم آن را به علی و یک قسم را به تمام مردم داده اند».

در قسمتی از زیارت آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا سَیدَ الْوَصِیینَ... وَبابَ حِکْمَهِ رَبِّ الْعالَمِینَ»؛(4)

«سلام بر تو ای آقای جانشینان... و باب حکمت پروردگار جهانیان».

1082 بابُ سِرِّ رَسُولِ اللَّهِ

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله هرچه سرّ و راز مگو داشت، به امیرالمؤمنین علیه السلام سپرد، هر امانتی که داشت، به علی علیه السلام داد، از علم و دانش و اسرار الهی، امام صادق علیه السلام در فرازی از زیارت مربوط به آن حضرت می گوید:

«وَصَلِّ عَلی أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ... اَلَّذِی جَعَلْتَهُ.... بَاباً لِسِرِّهِ»؛(5)

«خدایا درود فرست بر علی علیه السلام که او را باب علم و اسرار و علم لدنی رسولت قرارش دادی».

1083 بابُ النُّصْرَهِ

تمام فتح و پیروزی ها توسط و به کمک امیرالمؤمنین علیه السلام نصیب می شد؛ چنان که خدای تعالی در قرآن فرمود: «هُوَ الَّذِی أَیدَکَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِینَ»(6) و مراد از مؤمنین در این آیه، امیر مؤمنان است.

امام صادق علیه السلام در یکی از زیارات مخصوصه آن حضرت عرض می کند:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلی أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ عَبْدِکَ الَّذِی جَعَلْتَهُ باباً لِنَصْرِهِ»؛(7)

«خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و نیز درود فرست بر بنده ات امیرمؤمنان، همان که اورا وسیله پیروزی و یاری پیامبرت قرار دادی».

1- 1259. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
2- 1260. بحارالانوار ج 40، ص 203؛ کشف الغمّه ج 1، ص 113؛ کشف الیقین، ص 51. صحیح ترمذی، ج 5، ص 637.
3- 1261. بحارالانوار، ج 40، ص 149؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 32؛ الارشاد مفید، ج 2، ص 212.
4- 1262. بحارالانوار، ج 97، ص 285؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
5- 1263. بحارالانوار، ج 97، ص 307؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
6- 1264. سوره انفال، آیه 62.
7- 1265. بحارالانوار، ج 97، ص 380؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

1084 بابُ الْيقِينِ

درگاهی است که هرکس به آن وارد شود، به یقین و اطمینان می رسد؛ چنان که در زیارت آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ أَیهَا الْحَبْلُ الْمَتِینُ وَالْإِمامُ الْأَمِینُ وَالْبابُ الْیقِینُ»؛(1)

«سلام بر تو ای آقایی که ریسمان محکم الهی هستی، آن امام امین و آن که باب یقین است».

سارقی نزد امیرمؤمنان علیه السلام به دزدی اقرار کرد. پس آن حضرت به قطع انگشتانش حکم نمود. هنگامی که از محکمه خارج می شد، در حالی که هنوز از آن خون می چکید، ابن کواء - که از دشمنان سرسخت امیرمؤمنان علیه السلام بود - او را دید و از وی سؤال کرد: چه کسی دست تو را قطع کرده؟

در پاسخ گفت:

«قَطَعَ یمِینِی الْأَنْزَعُ الْبَطِینُ وَبابُ الیقِینِ»؛(2)

«دست مرا کسی قطع کرد که انزع بطین و باب یقین است».

1085 باذِلُ النَّفْسِ

امام علی علیه السلام نفس و جانش را برای پیامبرصلی الله علیه وآله فدا کرد؛

«بَذَلَ نَفْسَهُ فِی مَرْضاهِ رَسُولِهِ»؛(3)

«علی علیه السلام کسی است که جانش را درراه رضایت رسول خداصلی الله علیه وآله فدا کرد».

آیه شریفه نازل شد: «وَمِنَ النّاسِ مَنْ یشْرِی نَفْسَهُ ابْتِغآءَ مَرْضاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبادِ»؛(4)

«بعضی از مردم (باایمان و فداکار، چون علی علیه السلام در لیله المبیت، هنگام خفتن در جایگاه پیامبرصلی الله علیه وآله)، جان خود را به خاطر خشنودی خدا می فروشند؛ و خداوند نسبت به بندگان مهربان است».(5)

1086 باسِطَ الْعَدْلِ

عدل و دادرا گسترش داده و درراه آن کوشید.

در یکی از زیارات مربوط به آن حضرت آمده است:

«وَنَشَرَ ثَوْبَ الْأَمْنِ فِی بِلادِکَ وَبَسَطَ الْعَدْلَ فِی بَرِیتِکَ»؛(6)

«لباس امنیت را در شهرهای تو پراکنده و عدل و داد را در بین خلایق تو گسترش داده».

1087 الْباسِلُ

فرد شجاع و حمله برنده در جنگ ها.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1088 بالِغُ الْغایهِ

به نهایت و هدف رسیده است.

در زیارتی وارد شده است که خطاب به امیرمؤمنان علیه السلام عرض می شود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا حامِلَ الرّایهِ وَبالِغَ الْغایهِ»؛(7)

«سلام بر تو ای پرچمدار و ای آنکه به نهایت هدف رسیده ای».

1- 1266. بحارالانوار، ج 97، ص 348.
2- 1267. بحارالانوار، ج 34، ص 267.
3- 1268. بحارالانوار، ج 97، ص 380.
4- 1269. سوره بقره، آیه 207.
5- 1270. تأویل الآیات، ص 95؛ تفسیر عیاشی، ج 1، ص 101.
6- 1271. بحارالانوار، ج 97، ص 380.
7- 1272. بحارالانوار، ج 97، ص 331.

1089 بَحْرُ الْعِلْمِ الْمَسْجُورِ

دریای پر از علم و دانش.

در یکی از زیارات مربوط به امیرمؤمنان علیه السلام عرض می شود:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ الطُّورُ... وَبَحْرُ الْعِلْمِ الْمَسْجُورِ»؛(1)

«گواهی می دهم که طور تو هستی، تو دریای علم فروزان الهی هستی».

1090 بَحْرُ الْعُلُومِ

دریای علم ها؛ از هر علم و دانشی که سراغ بگیری، معدن و دریای آن نزد علی علیه السلام است؛ چنان که امام صادق علیه السلام در زیارتی خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا بَحْرَ الْعُلُومِ»؛(2)

«سلام بر تو ای دریای علوم آسمانی و اسرار وحی الهی».

1091 الْبَدْرُ الْمُضِی ءِ

ماه تابان و روشنی دهنده.

امام علی علیه السلام که امام هدایت و امام نور است، باید چنین باشد تا دیگران از او هدایت بگیرند. از شیخ مفید و سید مرتضی و شهید اول، در زیارتی برای امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ أَیهَا الْبَدْرُ الْمُضِی ءُ»؛(3)

«سلام بر تو ای ماه فروزان و تابان».

1092 الْبَدْرِی

بدری منسوب به غزوه بدر است؛ یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام در اولین غزوه صدر اسلام که بین مسلمانان و مشرکان قریش درگرفت حضور داشت و به گواهی تاریخ، مهم ترین و مبارزترین و شجاع ترین سرباز و فرمانده سپاه اسلام در آن روز امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است که از

70 کشته نیروهای کفر، حدود 36 نفر را آن حضرت به درک واصل کرده است.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1093 الْبَرُّ

صالح و راست کردار و نیکوکار.

امام علی علیه السلام منشأ و معدن همه نیکی هاست، در فرازی از زیارت مطلقه امیرمؤمنان علیه السلام آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ أَیهَا الْوَصِی الْبَرُّ التَّقِی النَّقِی الْوَفِی»؛(4)

«سلام بر تو ای وصی پیامبر، ای نیکوکار پرهیزکار و ای پاک باوفا!».

1094 الْبُرْهانُ

امام جوادعلیه السلام درباره اصحاب رسول خداصلی الله علیه وآله توضیح می داد؛ از جمله در توصیف امام علی علیه السلام فرمود:

«وَمِنْهُمْ حَبِیبُ مُحَمَّدٍ وَأَخُوهُ الْمُبَلِّغُ عَنْهُ مِنْ بَعْدِهِ، الْبُرْهانُ وَالتَّأْوِیلُ وَمُحْکَمُ التَّفْسِیرِ»؛(5)

1- 1273. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
2- 1274. بحارالانوار، ج 97، ص 373؛ اقبال الاعمال، ص 608؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.
3- 1275. بحارالانوار، ج 97، ص 377؛ مفاتیح الجنان، زیارت روز مبعث.
4- 1276. بحارالانوار، ج 97، ص 285؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
5- 1277. بحارالانوار، ج 26، ص 250؛ تفسیر فرات، ص 395؛ الیقین، ص 318.

«یکی از آنان دوست و برادر پیامبرصلی الله علیه وآله است، همان که بعد از او مبلّغ الهی است، همان که برهان و تأویل و مفسر آیات الهی است».

1095 الْبُرْهانُ الْمُنِيرُ

امام علی علیه السلام برهان مبین و دلیل روشن و واضح است.

در زیارت روز عید غدیر، امام عسکری علیه السلام به نقل از پدر بزرگوارش امام هادی علیه السلام فرمود:

«مَوْلای أَنْتَ الْحُجَّةُ الْبالِغَةُ وَالْبُرْهانُ الْمُنِيرُ»؛(1)

«ای مولای من! تو حجت بالغه و کامل خدا و دلیل روشن و واضح الهی هستی».

1096 بُسْتانُ حِكْمَةِ اللَّهِ

گنجینه و بوستان حکمت های خدای تعالی.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1097 الْبَطَلُ الْأَرْوَعُ

شجاعت و قدرتش همه را به اعجاب آورد.

همچنین مراجعه شود به: الْإِمامُ الْعَدْلُ [1061]

1098 بَعْلُ الْبَتُولِ

همسر حضرت فاطمه زهراعلیها السلام.

در زیارت آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلی بَعْلِ الْبَتُولِ»؛(2)

«سلام بر شوهر حضرت زهرای بتول علیها السلام».

1099 بِمَنْزِلَةِ الذَّبِيحِ

به منزله حضرت اسماعیل ذبیح اللّه.

«یا بُنَی إِنِّی أَری فِی الْمَنامِ أَنِّی أَذْبَحُکَ فَانْظُرْ ماذاتَری قالَ یاأَبَتِ افْعَلْ ماتُؤْمَرُ سَتَجِدُنِی إِنْ شآءَ اللّهُ مِنَ الصّابِرِینَ»؛(3)

«هنگامی که با او به مقام سعی و کوشش رسید، گفت: پسرم! در خواب دیدم که تو را ذبح می کنم، نظر تو چیست؟ گفت: هرچه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت».

حضرت ابراهیم، طبق آیه، به فرزندش فرمود: دستور آمده تو را ذبح نمایم. او عرض کرد: من هم آماده ام.

رسول خداصلی الله علیه وآله نیز در آن شب سرنوشت ساز به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: دستور چنین است که تو به جای من در رختخواب بخوابی. او نیز بدون درنگ قبول کرد تا خود را در مقابل نیزه ها و شمشیرهای تیز مشرکان قرار دهد.

در زیارت آن امام عزیز می گوییم:

«وَأَشْبَهْتَ فِی الْبَیاتِ عَلَی الْفِراشِ الذَّبِیحَ؛ إِذْ أَجَبْتَ کَما أَجابَ، وَأَطَعْتَ کَما أَطاعَ إِسْماعِیلُ»؛(4)

«در اینکه بر بستر پیامبرصلی الله علیه وآله خوابیدی، شبیه به اسماعیل ذبیح اللّه شدی، چون تو دستوررا اجابت کردی همان طور که اسماعیل علیه السلام اجابت کرد، و اطاعت نمودی همان طور که او اطاعت نمود».

1100 بِهِ ظَهَرَ الْحَقُ

به سبب او، حقّ ظاهر و آشکار شد، چنان که امام هادی علیه السلام می فرماید:

1- 1278. بحارالانوار، ج 97، ص 314؛ مفاتیح الجنان، اعمال روز عید غدیر.
2- 1279. بحارالانوار، ج 99، ص 200.
3- 1280. سوره صافات، آیه 102.

4- 1281. بحارالانوار، ج 97، ص 367؛ مفاتیح الجنان، اعمال عید غدیر.

«مَوْلای! بِکَ ظَهَرَ الْحَقُّ وَقَدْ نَبَذَهُ الْخَلْقُ»؛(1)

«ای آقای من! به وسیله تو حقیقت آشکار گشت، در حالی که مردم آن را به کنار و پشت انداخته بودند».

1101 الْبُهْلُولُ

خوش رو و خوش برخورد و خنده رو.(2)

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1102 الْبَهِی

زیبا و تابان و درخشان.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1103 التَّأْوِیلُ

باطن امر هر چیزی.

همچنین مراجعه شود به: الْبُرْهانُ [1094]

1104 تابِعُ السُّنَّهِ

پیرو راه و روش پیامبر خداصلی الله علیه وآله.

امام علی علیه السلام که عالم ترین افراد به سنّت پیامبر بود، پای خود را جای پای رسول خداصلی الله علیه وآله می گذاشت و از احکام و اعمال وی تبعیت می نمود.

امام باقرعلیه السلام به نقل از پدرش امام سجادعلیه السلام در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ! أَشْهَدُ أَنَّکَ جاهَدْتَ فِی اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ وَعَمِلْتَ بِکِتابِهِ، وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِیهِ»؛(3)

«سلام بر تو ای امیرمؤمنان، من گواهی می دهم که تو نهایت سعی و تلاش خود را در راه خدا نمودی و به قرآن کریم عمل نمودی و پیرو راه و روش رسول خداصلی الله علیه وآله بودی».

1105 تابِعُ مِنْهاجِ الرَّسُولِ

پیرو سیره پیامبرصلی الله علیه وآله.

به نقل از شیخ مفید و شهید اول و سید بن طاوس، امام صادق علیه السلام در روز میلاد پیامبرصلی الله علیه وآله، امام علی علیه السلام را این گونه زیارت کرده است:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ یا وَلِی اللَّهِ وَحُجَّتَهُ! لَقَدْ جاهَدْتَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ، وَاتَّبَعْتَ مِنْهاجَ رَسُولِ اللَّهِ»؛(4)

«گواهی می دهم ای ولی خدا و حجت او که نهایت جهاد و تلاش در راه خدا را انجام دادی و تابع طریق و روش رسول خداصلی الله علیه وآله بودی».

1106 تاجُ الْأَوْصِیاءِ

باعث شرف و افتخار اوصیای الهی.

تاج؛ چیزی یا کسی که باعث شرف و افتخار باشد، و همه مؤمنان و موحدان و اوصیای الهی به وجود آن حضرت افتخار می کنند.

در زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا تاجَ الْأَوْصِیاءِ»؛(5)

«سلام بر تو ای شرف و افتخار جانشینان».

1107 تاجُ البَکّائِینَ

سرور و افتخار گریه کنندگان درگاه خدا.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1- 1282. بحارالانوار، ج 97، ص 366؛ مفاتيح الجنان، زيارت عيد غدير.
2- 1283. بحارالانوار، ج 34، ص 268.
3- 1284. مصباح المتهجد، ص 738؛ مفاتيح الجنان، زيارت امين اللَّه.
4- 1285. بحارالانوار، ج 97، ص 375؛ اقبال الاعمال، ص 660؛ مفاتيح الجنان، زيارت اميرالمؤمنين روز ميلاد پيامبر.
5- 1286. بحارالانوار، ج 97، ص 301.

1108 تاجُ الرَّسُولِ

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: هر گاه به زیارت امیرمؤمنان علیه السلام رفتی، در زیارت آن امام هُمام بگو:

«وَصَلِّ عَلی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ... الَّذِی جَعَلْتَهُ تاجاً لِرَأْسِهِ»؛(1)

«خدایا درود فرست بر امیرمؤمنان علیه السلام... که او را تاج شرف و افتخار رسولت قرارش دادی».

1109 تارِکُ الشَّهَواتِ

امیرمؤمنان علیه السلام همه خواسته های و امیال نفسانی و شیطانی و شهوانی را ترک نموده، چنان که خطاب به آن حضرت گفته می شود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا هاجِرَ اللَّذّاتِ وَتارِکَ الشَّهَواتِ»؛(2)

«سلام بر تو ای که از لذت های مادی دوری و همه خواسته های نفسانی را ترک کردی».

1110 تالِی الرَّسُولِ

تالی از ریشه تِلْوْ به معنای دنباله رونده و نفر بعدی است. و علی علیه السلام اولین رتبه بعد از رسول خداصلی الله علیه وآله را از جهت موقعیت دارد.

در زیارت مطلقه آن امام آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا سَیدَ الْوَصِیینَ وَالتّالِی لِرَسُولِهِ»؛(3)

«سلام بر تو ای آقا و سرور جانشینان و کسی که تالی تلو رسول خداست».

1111 تالِی الْکِتابِ

تلاوت کننده و قرائت کننده کتاب آسمانی؛ امّا تلاوت او با تلاوت دیگران فرق می کند، یعنی حقیقت تلاوت از آن اوست، چنان که در زیارت آن حضرت آمده:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ تَلَوْتَ الْکِتابَ حَقَّ تِلاوَتِهِ»؛(4)

«گواهی می دهم تو حقّ تلاوت قرآن کریم را به جا آوردی».

1112 تالِی الْمَبْعُوثِ

کسی که در مقام و رتبه، بلافاصله بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است. امام صادق علیه السلام در زیارت مخصوص امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا تالِی الْمَبْعُوثِ»؛(5)

«سلام برتو که تالی تلو رسول مبعوث هستی».

1113 تَرْجُمانُ الْمَعْبُودِ

در یکی از زیارات مربوطه، به امام علی علیه السلام چنین خطاب شده است:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ خَیرُ الدَّهْرِ وَنامُوسُهُ وَحُجَّهُ الْمَعْبُودِ وَتَرْجُمانُهُ»؛(6)

«گواهی می دهم که تو بهترین فرد روزگار هستی، تو ناموس دهر می باشی و نیز حجّت و شناساننده خداوند معبود هستی».

1114 التَّقِی

تقی از کلمه تقوی و از ریشه وقی، به معنای

1- 1287. بحارالانوار، ج 97، ص 307 و 380؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
2- 1288. بحارالانوار، ج 97، ص 332.
3- 1289. بحارالانوار، ج 97، ص 285؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
4- 1290. اصول کافی، ج 4، ص 570؛ من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 589.

5- 1291. بحارالانوار، ج 97، ص 374؛ اقبال الاعمال، ص 608؛ مفاتيح الجنان، زيارت اميرالمؤمنين روز ميلاد پيامبر.
6- 1292. بحارالانوار، ج 97، ص 342؛ امالى صدوق، ص 611.

نگهداری و حفاظت و صیانت است؛ یعنی شخص با انجام دادن واجبات و عمل صالح و ترک محرمات خود را از عذاب نگه می دارد و حفظ می کند. چنین صفتی در عالی ترین درجه آن فقط شایسته امیرمؤمنان و امام متقیان علیه السلام است. پس در یکی از زیارات به آن حضرت عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ أَیهَا الْإِمامُ الْبَرُّ التَّقِی النَّقِی الرَّضِی الْمَرْضِی»؛(1)

«سلام بر تو ای امام و پیشوای نیک پرهیزکار پاک، آن که از خدا راضی و خدا از او راضی است».

و امام صادق علیه السلام نیز فرموده است:

«فَقَبَضْتَهُ إِلَیکَ شَهِیداً سَعِیداً وَلِیاً تَقِیاً، رَضِیاً زَکِیاً هادِیاً مَهْدِیاً»؛(2)

«گواهی می دهم آن گاه که او را قبض روح فرمودی، وی با مقام شهادت و سعادت و ولایت و تقوای کامل در مقام رضای تو بود و با تزکیه نفس و هادی و مهدی امّت تو بود».

1115 ثارُ اللَّهِ

ثار؛ خون و طلب خون کردن. و ثار اللَّه؛ خون خدا، یا با خون خود طلب خدا کردن. این لقب مخصوص امام علی و امام حسین علیهما السلام است، چنان که در در زیارت امام حسین علیه السلام، به ایشان سلام داده می شود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا ثارَ اللَّهِ وَابْنَ ثارِهِ»؛(3)

«سلام بر تو ای خون خدا و فرزند خون خدا».

امام حسین علیه السلام ثار اللَّه و فرزند ثار اللَّه، فرزند امام علی علیه السلام است.

1116 الثَّمَرُ الْجَنِی

امام صادق علیه السلام در زیارت امیرالمؤمنین و امام حسین علیهما السلام می فرماید:

«اَلسَّلامُ عَلَى الْأَصْلِ الْقَدِيمِ وَالْYΘЛЂ3Pْالْكَرِيمِ، اَلسَّلامُ عَلَى الثَّمَرِ الْجَنِى»؛ (4)

«سلام بر امامی که اصل امامان و شروع کننده ایشان است و سلام بر آن میوه رسیده و شیرین».

1117 جادَ بِنَفْسِهِ

درراه خدا ازجان خود مایه گذاشت، چنان که امام هادی علیه السلام در زیارت روز غدیر می فرماید:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ! عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً، وَجاهَدْتَ فِی اللَّهِ صابِراً، وَجُدْتَ بِنَفْسِکَ مُحْتَسِباً»؛(5)

«سلام برتو ای امیرمؤمنان که خدارا مخلصانه پرستیدی و در راه خدا پایدارانه مبارزه و جهاد نمودی و از جان خود در راه او گذشتی».

1118 جَنْبُ اللَّهِ الْأَعْلى

مراد از جنب، جانب و ناحیه است؛ یعنی امیرالمؤمنین در ناحیه ای است که خدای تعالی مردم را امر کرده به آن توجّه کنند.

1- 1293. بحارالانوار، ج 97، ص 32.
2- 1294. بحارالانوار، ج 97، ص 372؛ اقبال الاعمال، ص 493؛ مفاتیح الجنان، زیارت مولود.
3- 1295. اصول کافی، ج 4، ص 575؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 594؛ تهذیب طوسی، ج 6، ص 54؛ اقبال الاعمال، ص 333؛ مفاتیح الجنان، زیارت امام حسین.
4- 1296. بحارالانوار، ج 97، ص 305؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه ششم امیرالمؤمنین.
5- 1297. بحارالانوار، ج 97، ص 362؛ مفاتیح الجنان، زیارت روز عید غدیر.

در احادیث متعددی آمده که امامان علیهم السلام فرموده اند:

«نَحْنُ جَنْبُ اللَّهِ»؛

«ما امامان اهل بیت جنب اللَّه هستیم».

هرکه در مورد ما کوتاهی کند، در روز قیامت حسرت خواهد خورد.(1)

از بین امامان علیهم السلام، امیرالمؤمنین علیه السلام جنب اللَّه اعلی می باشد؛ یعنی والاتر و بلندمرتبه تر از همه است،(2) چنان که از امام صادق علیه السلام در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام آمده است:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلی أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ عَبْدِکَ الْمُرْتَضی .. وَجَنْبِکَ الْأَعْلی ؛(3)

«خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و نیز درود ویژه بر امیرمؤمنان علیه السلام که بنده برگزیده تو است و آنکه جنب اللّه اعلی می باشد».

1119 جَنْبُ اللَّهِ الْعَلِی

علی از علوّ به معنای بلندمرتبه است. در یکی از زیارات آن حضرت، از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

«اَلسَّلامُ عَلَی اسْمِ اللَّهِ الرَّضِی... وَجَنْبِهِ الْعَلِی»؛(4)

«سلام بر آن اسم پسندیده الهی و سلام بر آن که جنب اللَّه العلی می باشد».

1120 جَنْبُ اللَّهِ الْمَکِینُ

مکین از مکان به معنای مکانت و جلالت و منزلت است؛ یعنی امام علی علیه السلام در جنب خدای تعالی دارای مکان و مکانت است. این عبارت نیز در زیارتی است که از امام صادق علیه السلام برای امیرمؤمنان روایت شده:

«اَلسَّلامُ عَلی حَبْلِ اللَّهِ الْمَتِینِ، وَجَنْبِهِ الْمَکِینِ»؛(5)

«سلام بر آن ریسمان محکم خدا، او که جنب اللّه باشرافت و مکانت است».

1121 الْحاجِزُ

مانع. در یکی از دعاهای بعد از زیارت امیرمؤمنان علیه السلام آمده است:

«ذَبَّ عَنْ حَرِیمِ الْإِسْلامِ وَحَجَزَ بَینَ الْحَلالِ وَالْحَرامِ»؛(6)

«از حریم اسلام دفاع نمود و بین حلال و حرام نیز مانع و حایل بود».

1122 حافِظُ الْجارِ

نگه دارنده و حافظ کسی است که به او پناهنده شده باشد. که در زیارت آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا قاسِمَ النّارِ وَحافِظَ الْجارِ وَمُذْرِکَ الثّارِ»؛(7)

1- 1298. مضمون آیه شریفه 56 سوره زمر: «... یاحَسْرَتَی عَلَی ما فَرَّطتُ فِی جَنْبِ اللّهِ»؛ «افسوس بر من از کوتاهی هایی که در اطاعت فرمان خدا کردم و از مسخره کنندگان (آیات او) بودم!»
2- 1299. کمال الدین، ج 1، ص 305؛ امالی طوسی، ص 654؛ ارشاد القلوب، ج 2، ص 418.
3- 1300. بحارالانوار، ج 97، ص 307؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
4- 1301. بحارالانوار، ج 97، ص 305؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
5- 1302. بحارالانوار، ج 97، ص 305؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه ششم امیرالمؤمنین.
6- 1303. بحارالانوار، ج 97، ص 330.
7- 1304. بحارالانوار، ج 97، ص 332.

«سلام بر تو ای تقسیم کننده آتش، و ای نگهدارنده پناه گیرنده و ای انتقام گیرنده از خون بناحق ریخته».

1123 حافِظُ السِّرِّ

امام علی علیه السلام گنجینه و رازدار اسرار خداوند است، چنان که در یکی از زیارات آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا حافِظَ سِرِّ اللَّهِ»؛(1)

«سلام بر تو ای حافظ سرّ خداوند».

در زیارات دیگری با این عنوان آمده:

«اَللَّهُمَّ إِنِّی أَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَّغَ عَنْ رَسُولِکَ ما حُمِّلَ، وَرَعی مَا اسْتُحْفِظَ، وَحَفِظَ مَا اسْتُودِعَ»؛(2)

«خدایا! من گواهی می دهم آن حضرت هرچه باید از طرف پیامبرت به امّت تبلیغ کند انجام داد، و رعایت آنچه را باید محفوظ دارد نمود، و از آنچه به وی ودیعه سپرده شد نگهبانی فرمود».

1124 حافِظُ الْوَصِیهِ

امام علی علیه السلام، وصی پیامبر خداصلی الله علیه وآله بود، و هرچه آن حضرت به وی وصیت فرمود که همان احکام دین مبین اسلام بود، به خوبی حفاظت و رعایت فرمود، پس هرکه به زیارت آن جناب نایل شود، گواهی و شهادت می دهد:

«لَزِمَ عَهْدَهُ وَاحْتَذی مِثالَهُ وَحَفِظَ وَصِیتَهُ»؛(3)

«به عهد باپیامبر وفادار و ملازم بود و قدم به قدم به شیوه او عمل کرد و وصیت او را حفظ فرمود».

1125 الْحاکِمُ بِالْحَقِّ

به حقّ و شایستگی حاکم گردیده و براساس حقّ نیز حکم می کند.

در زیارتِ صفوان جمال برای امام علی علیه السلام وارد شده:

«أشْهَدُ أنَّکَ مُجازِی الْخَلْقِ وَشافِعُ الرِّزْقِ وَالْحاکِمُ بِالْحَقِّ»؛(4)

«گواهی می دهم تو خلق را پاداش و جزا می دهی و واسطه رزق هستی و به حقّ حکم می کنی».

1126 الْحاکِمُ یومَ الدِّینِ

حکم کننده و فرمانروای روز قیامت.

در زیارت صفوان جمال برای امام علی علیه السلام آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلی صالِحِ الْمُؤْمِنِینَ وَالْحاکِمِ یوْمَ الدِّینِ»؛(5)

«سلام بر آن شایسته ترین مؤمنان و او که از جانب خدا حکم کننده روز قیامت است».

1127 حامِلُ الرّایهِ

حمل کننده بیرق و پرچمدار و کسی که علامت و پرچم سپاه اسلام را به دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به دست می گرفت و در قیامت نیز پرچمدار آن حضرت خواهد بود.

در یکی از زیارات آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا حامِلَ الرّایهِ وَبالِغَ الْغایهِ»؛(6)

1- 1305. بحارالانوار، ج 97، ص 348.
2- 1306. مصباح کفعمی، ص 685؛ اقبال الاعمال، ص 493؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین در روز غدیر.
3- 1307. بحارالانوار، ج 97، ص 380.
4- 1308. بحارالانوار، ج 97، ص 331.
5- 1309. بحارالانوار، ج 97، ص 287؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
6- 1310. بحارالانوار، ج 97، ص 332.

«سلام بر تو ای حمل کننده پرچم و ای به نهایت هدف رسیده».

در زیارت دیگر از زبان امام صادق علیه السلام آمده:

«وَصَلِّ عَلی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ ... اَلَّذِی جَعَلْتَهُ ... حامِلاً لِرایتِهِ»؛(1)

«خدایا درود فرست بر امیرمؤمنان، همان که او را پرچمدار رسول خدا قرارش دادی».

1128 حامِی الدِّینِ

کسی که از دین اسلام حمایت می کرد.

امام رضاعلیه السلام درزیارت امام علی علیه السلام و توصیف آن حضرت چنین فرموده است:

«... الْفارُوقُ الْأَزْهَرُ بَینَ الْحَلالِ وَالْحَرامِ، ناصِرُ الْإِسْلامِ وَمُکَسِّرُ الْأَصْنامِ وَمُعِزُّ الدِّینِ وَحامِیهِ»؛(2)

«... همان که فاصله بین حلال و حرام خدا را به خوبی مشخص و جدا می کند، او که یاری کننده اسلام و شکننده بت ها و عزت دهنده و حمایت کننده دین بود».

1129 الْحَبْلُ الْمَوْصُولُ

ریسمان اتصال بین خدا و بندگانش.

در یکی از دعاهای مربوط به مسجد بزرگ کوفه چنین آمده است:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ... الْحَبْلُ الْمَوْصُولُ بَینَهُ وَبَینَ عِبادِهِ»؛(3)

«گواهی می دهم که تو همان حبل اللّه (ریسمان محکم خدا) بین خدا و بندگانش می باشی».

1130 حُجَّهُ اللَّهِ الْکُبْری

دلیل و نشانه و راهنما. امامان معصوم علیهم السلام همگی حجّت خدا هستند؛ و حجت بزرگ الهی بر مردم، علی بن ابی طالب علیه السلام

است، چنان که در فرازی از زیارت مربوط به آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا حُجَّةَ اللَّهِ الْکُبْری ؛(4)

«سلام بر تو ای بزرگ ترین حجت خدا».

1131 حُجَّةُ الْجَبّارِ

از امام صادق علیه السلام نقل شده که در زیارت آن حضرت فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلی نُورِ الْأَنْوارِ، وَحُجَّهِ الْجَبّارِ»؛(5)

«سلام بر آن روشنایی همه نورها و او که حجت خداوند جبار است».

1132 حُجَّةُ عَلَی الْعِبادِ

کسی که از جانب خدای تعالی، حجّت بر بندگانش می باشد. در زیارت مخصوص امام علی علیه السلام در روز غدیر که از امام عسکری و امام هادی علیهما السلام رسیده، آمده است:

«مَوْلای! أَنْتَ الْحُجَّةُ عَلَی الْعِبادِ»؛(6)

«ای مولای من تو حجت خداوند بر بندگانی».

1- 1311. بحارالانوار، ج 97، ص 307؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
2- 1312. بحارالانوار، ج 99، ص 180؛ کتاب المزار، ص 558.
3- 1313. بحارالانوار، ج 97، ص 409؛ مفاتیح الجنان،اعمال مسجد کوفه.
4- 1314. بحارالانوار، ج 98، ص 235 و 97، ص 378؛ مفاتیح الجنان،زیارت روز مبعث.
5- 1315. بحارالانوار، ج 35، ص 1؛ و نیز ج 97، ص 305؛ اقبال الاعمال، ص 610؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.
6- 1316. بحارالانوار، ج 97، ص 461؛ مفاتیح الجنان، اعمال عید غدیر.

1133 حُجَّهُ الْمَعْبُودِ

حجّت پروردگار.

امام صادق علیه السلام در مجلس منصور، درباره امام علی علیه السلام بیان نمود، که در زیارت آن حضرت نیز آمده است:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ خَیرُ الدَّهْرِ وَنامُوسُهُ وَحُجَّهُ الْمَعْبُودِ وَتَرْجُمانُهُ»؛(1)

«گواهی می دهم که تو بهترین فرد روزگاران و ناموس و مَحرم آن هستی، تو حجّت و ترجمان خداوند می باشی».

1134 حِصْنُ الْمُؤْمِنِینَ

حصن؛ دژ و قلعه و پناه گاه پولادین است.

امام علی علیه السلام دژ محکمی است برای مؤمنان، هرکه به درون آن درآید، در امان است.

در فرازی از زیارت آن حضرت، از امام صادق علیه السلام نقل شده:

«کُنْتَ عَلَی الْکافِرِینَ عَذاباً صَبّاً وَغِلْظَهً وَغَیظاً، وَلِلْمُؤْمِنِینَ عَیناً وَحِصْناً وَعِلْماً»؛(2)

«تو ای علی! برای کافران، عذاب و سختی و درشتی بودی و برای مؤمنان، کمک و مددکار و پناه و پرچم بودی».

1135 الْحَقُّ الْبادِی

حقّ و حقیقت روشن.

در زیارت آن حضرت آمده است:

«السَّلامُ عَلَی الْحَقِّ الْبادِی»؛(3)

«سلام بر تو ای حقیقت روشن».

1136 الْحَقُّ الْجَلِی

حقّ و حقیقت آشکار و نمایان.

در زیارت آن حضرت آمده است:

«السَّلامُ عَلَی الْحَقِّ الْجَلِیّ»؛(4)

«سلام بر تو ای حقیقت آشکار».

1137 حَکَمُ اللَّهِ

حاکم و حکم کننده؛ کسی که از جانب خدا برای مردم حکمیت می کند. درفرازی از دعای مسجدکوفه، خطاب به آن حضرت آمده:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ... حَکَمُ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ، وَقاضِی أَمْرِهِ»؛(5)

«گواهی می دهم تو از جانب خدا حاکم هستی در روی زمین و به امر او قضاوت می کنی».

1138 حِلْمُهُ مِنْ حِلْمِ الرَّسُولِ

در تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام درباره پیامبر و علی علیهما السلام آمده است:

«... اَلَّذِی جَعَلَ مِنْ آیاتِهِ عَلِی بْنِ أَبِی طالِبٍ، شَقِیقُهُ وَرَفِیقُهُ، عَقْلُهُ مِنْ عَقْلِهِ وَعِلْمُهُ مِنْ عِلْمِهِ وَحِلْمُهُ مِنْ حِلْمِهِ، مُؤَیدُ دِینِهِ بِسَیفِهِ الْباتِرِ ...»؛(6)

«... یکی از آیات و معجزات پیامبرصلی الله علیه وآله علی بن ابی طالب است، او که برادر و رفیق پیامبر بود، او که عقلش از عقل پیامبر و علمش از علم او و حلم

1- 1317. بحارالانوار، ج 10، ص 216؛ و ج 97، ص 342؛ امالی صدوق، ص 61.
2- 1318. بحارالانوار، ج 97، ص 338؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 247؛ اصول کافی، ج 1، ص 454.
3- 1319. بحارالانوار، ج 99، ص 200.
4- 1320. بحارالانوار، ج 99، ص 200.

5- 1321. بحارالانوار، ج 97، ص 409؛ مفاتيح الجنان، اعمال مسجد كوفه.
6- 1322. بحار الانوار، ج 9، ص 179؛ تفسير الامام، ص 227؛ تأويل الآيات، ص 54.

و بردباری اش نیز از پیامبر بود، همان که با شمشیر برنده اش دین او را یاری می کرد».

1139 حَلِیفُ الْمِحْرابِ

حلیف از حلف؛ قسم و مترادف محالف، به معنای هم قسم بودن است.

امام علی علیه السلام همیشه در محراب و در حال عبادت است، گویا که با او هم قسم شده است.

در یکی از زیارات مطلقه امام علی علیه السلام خطاب به آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَی الْإِمامِ الزَّکِیّ، حَلِیفِ الْمِحْرابِ»؛(1)

«سلام بر امام پاک و منزه از هر عیبی، او که پیوسته در محراب بود (و در محراب شهید شد)».

1140 حَیدَرَهُ

حیدره به معنای شیر و نام اسد بن هاشم، پدر فاطمه بنت اسد مادر امیرالمؤمنین علیه السلام بود، لذا اسم فرزندش را حیدره گذاشت.

خود آن حضرت در روز خیبر این گونه رجزخوانی می کرد:

«أَنَا الَّذِی سَمَّتْنِی أُمِّی حَیدَرَةً»؛(2)

«من آن کسی هستم که مادرم مرا حیدره (شیر) نام نهاده است».

و در جای دیگر فرمود:

«أَنَا اسْمِی فِی الْأَنْجِیلِ اِلیا... وَعِنْدَ أُمِّی حَیدَرهٌ»؛(3)

«نام من درانجیل الیا و نزد مادرم حیدره است».

از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود: علی علیه السلام هفده نام دارد. ابن عباس گفت: کدام است؟

حضرت فرمود:

«اِسْمُهُ عِنْدَ الْعَرَبِ وَعِنْدَ أُمِّهِ حَیدَرَهُ»؛(4)

«اسم او نزد عرب و نزد مادرش حیدره است».

1141 خائِفُ اللَّهِ

از خدای تعالی ترسان است،

در فرازی از زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا خائِفَ اللَّهِ فِی سَرِیرَتِهِ»؛(5)

«سلام بر تو ای آقایی که خوف و خشیت خدا را در دل داری».

1142 خاتِمُ الْحِصی

مُهر زننده سنگریزه ها.

امام صادق علیه السلام درزیارت آن حضرت فرموده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا خاتِمَ الْحَصی ؛(6)

«سلام بر تو ای مهر زننده بر سنگ ریزه ها».

1143 خازِنُ وَحْی اللَّهِ

وحی الهی به وی سپرده شده و حافظ و نگهبان آن است، چنان که در فرازی از زیارت مطلقه امیرمؤمنان علیه السلام آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا سَیدَ الْوَصِیینَ... وَبابَ حِکْمَهِ رَبِّ الْعالَمِینَ، وَخازِنَ وَحْیهِ»؛(7)

1- 1323. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
2- 1324. بحارالانوار، ج 35، ص 60.

3- 1325. بحارالانوار، ج 35، ص 46؛ معانی الاخبار، ص 60.
4- 1326. الفضائل، ص 175.
5- 1327. بحارالانوار، ج 97، ص 331.
6- 1328. بحارالانوار، ج 97، ص 373؛ اقبال الاعمال، ص 608؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.
7- 1329. بحارالانوار، ج 97، ص 285؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

«سلام برتو ای آقای جانشینان و ای باب حکمت پروردگار جهانیان و ای حافظ وحی الهی».

در زیارت دیگر، عبارت «خازن الوحی» آمده است.(1)

1144 خآصَّهُ اللَّهِ

امیرالمؤمنین علیه السلام بنده اختصاصی خدا است؛ خدای تعالی او را از بین بندگان برگزیده و مخصوص خود گردانیده است.

امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت فرمود:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ حَبِیبُ اللَّهِ وَخاصَّهُ اللَّهِ وَخالِصَتُهُ»؛(2)

«گواهی می دهم تو دوست خدا و بنده خاصّ و برگزیده و خالص خدایی».

1145 خالِصُ الْأَخِلّاءِ

اخلّاء جمع خلیل؛ دوست و دوستان.

خالص الاخلّاء؛ خالص ترین دوست.

در فرازی از زیارت مولا علی علیه السلام آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلی خالِصِ الْأَخِلّاءِ، اَلسَّلامُ عَلَی الْمَخْصُوصِ بِسَیدَهِ النِّسآءِ»؛(3)

«سلام بر خالص ترین دوست خدا و سلام بر آن که فقط او همسر و هم کفو بانوی بانوان جهان "فاطمه زهرا" بود».

1146 خالِصَهُ اللَّهِ

امیرالمؤمنین علیه السلام، فقط و فقط مخصوص و خالص برای خدای تعالی است، چنان که امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت فرمود:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ حَبِیبُ اللَّهِ وَخاصَّهُ اللَّهِ وَخالِصَتُهُ»؛(4)

«گواهی می دهم که تو دوست خدا و بنده خاص و برگزیده و خالص خدایی».

و در فرازی از زیارت آن حضرت فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وَلِی اللَّهِ وَحُجَّتَهُ، وَخالِصَهَ اللَّهِ»؛(5)

«سلام بر تو ای ولی خدا و حجت او و ای بنده خالص و خاص خدا».

1147 خامِسُ أَهْلِ الْعَباءِ

جریان عبا و کساء که رسول خداصلی الله علیه وآله امام علی و حسن و حسین و حضرت زهراعلیهم السلام را در زیر آن جمع کرد و فرمود: اینان اهل بیت من هستند، در تاریخ قطعی و ضبط شده است، و علی علیه السلام یکی از آن پنج نفر است؛ در زیارتی که برای امیرمؤمنان وارد شده، آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا خامِسَ أَهْلِ الْعَبآءِ»؛(6)

«سلام بر تو ای پنجمین نور از اهل عبا».

1148 الْخِصْبُ

علی علیه السلام کسی است که ذکر و یاد و نام و وجودش برای مؤمنان موجب آرامش است.

1- 1330. بحارالانوار، ج 97، ص 342.
2- 1331. ارشاد القلوب، ج 2، ص 441؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین؛ فرحه الغری، ص 94؛ کتاب المزار، ص 78؛ مصباح المتهجد، ص 742.
3- 1332. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
4- 1333. بحارالانوار، ج 97، ص 279؛ کتاب المزار، ص 78؛ مصباح المتهجد، ص 742؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
5- 1334. بحارالانوار، ج 97، ص 375؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.
6- 1335. بحارالانوار، ج 97، ص 373؛ اقبال الاعمال، ص 608؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

«أَشْهَدُ أَنَّکَ کُنْتَ لِلْمُؤْمِنِینَ غَیثاً وَخِصْباً»؛(1)

«گواهی می دهم تو باران رحمت و نعمت و مایه آسایش برای مؤمنان بودی».

1149 خَطَبُ الْجَسِیمِ

بالاتر از زمین و مافوق چیزی قرار می گیرد، چنان که در فرازی از زیارت حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ أَیهَا النَّبَأُ الْعَظِیمُ وَالْخَطَبُ الْجَسِیمُ»؛(2)

«سلام بر تو ای آقایی که نبأ عظیم هستی و امر و شأن تو والاست».

1150 خَلِیفَهُ الطُّهْرِ

عبارتی است که در یکی از زیارات مطلقه آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا خَلِیفَهَ الطُّهْرِ فِی نُبُوَّتِهِ»؛(3)

«سلام بر تو ای جانشین پیامبر پاک در نبوّتش».

1151 خَلِیلُ النُّبُوَّهِ

خلیل یعنی دوست و رفیق شفیق و صمیمی و کسی که همیشه همراه دیگری می باشد. اگر پیامبرصلی الله علیه وآله خلیل خدا است، علی علیه السلام نیز خلیل پیامبر است، پس او هم بنابر قاعده کلّی «دوستِ دوستِ تو، دوست توست» خلیل خدا است.

در زیارت آن حضرت سلام می دهیم:

«اَلسَّلامُ عَلی أَبِی الْأَئِمَّهِ، وَخَلِیلِ النُّبُوَّهِ، وَالْمَخْصُوصِ بِالْأُخُوَّهِ»؛(4)

«سلام بر آقایی که پدر امامان بزرگوارعلیهم السلام است، او که دوست همیشه همراه پیامبرصلی الله علیه وآله بود، و آنکه فقط او افتخار برادری با پیامبر را داشت».

1152 خَیرُ أَهْلِ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ

فرزند بزرگوار آن حضرت، امام حسین علیه السلام در توصیف اهل بیت می فرماید:

«مَنْ مِثْلُنا؟ وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ جَدَّنا أَشْرَفَ أَهْلِ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ، وَأَبانا خَيْرُ أَهْلِ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، وَأُمَّنا سَيِدَهُ عَلى جَمِيعِ نِسآءِ الْعالَمِينَ، وَجَدَّتَنا أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ، وَنَحْنُ سَيداَ شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّهِ»؛(5)

«چه کسی مثل ماست؟ در حالی که جد ما را شریف ترین شخص از مشرق تا مغرب عالم قرار داده است، پدر ما بهترین آنان، مادر ما سرور همه زنان جهانیان و جدّه ما مادر مؤمنان است، و ما جوانان اهل بهشت هستیم».

1153 خَيرُ الدَّهْرِ

بهترین فرد روزگاران؛ چنان که در یکی از زیارات آمده است:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ خَيرُ الدَّهْرِ وَنامُوسُهُ»؛(6)

«گواهی می دهم که تو بهترین فرد روزگار و ناموس روزگاری».

1154 خَيرُ الزَّوْجِ

بهترین شوهر.

1- 1336. بحارالانوار، ج 97، ص 377؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
2- 1337. بحارالانوار، ج 97، ص 348.
3- 1338. بحارالانوار، ج 97، ص 331.
4- 1339. بحارالانوار، ج 97، ص 287؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 222؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه.
5- 1340. موسوعه کلمات امام حسین، ص 33.
6- 1341. بحارالانوار، ج 97، ص 342.

در صبح عروسی، آن گاه که رسول خداصلی الله علیه وآله از دخترش پرسید:

«کَیْفَ رَأَیتَ زَوْجَکَ؟ قالَتْ: یا أَبَهِ! خَیرُ الزَّوْجِ»؛(1)

«شوهرت را چگونه دیدی؟ گفت: ای پدر جان! بهترین شوهر است».

1155 خَیرُ الْمُؤْمِنِینَ

امام علی علیه السلام هم اولین ایمان آورنده به خدا و پیامبر و هم بهترین ایمان آورندگان است، به همین جهت او، امیر مؤمنان شده است.

درفرازی از زیارات مطلقه آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا سَیدَ الْوَصِیینَ، وَأَمِینَ رَبِّ الْعالَمِینَ، وَدَیانَ یوْمِ الدِّینِ، وَخَیرَ الْمُؤْمِنِینَ»؛(2)

«سلام بر تو ای آقای جانشینان و امین پروردگار جهانیان و حاکم روز قیامت و ای بهترین ایمان آورندگان به خدا».

1156 خَیرُ مَنْ وَطَأَ الثَّری

بهترین کسی که گام بر روی خاک نهاده.

چند بیت از اشعار فاطمه زهراعلیها السلام که در ابتدای زندگی مشترک سروده است:(3)

أَضْحَی الْفِخارُ لَنا وَعَزَّ شامِخٍ

وَلَقَدْ سَمَوْنا فِی بَنِی عَدْنانٍ

نِلْتَ الْعُلا وَعَلَوْتَ فِی کُلِّ الْوَری

وَتَقاصَرَتْ عَنْ مَجْدِکَ الثَّقْلانِ

أَعْنِی عَلِیاً خَیرَ مَنْ وَطَأَ الثَّری

ذَا الْمَجْدِ وَالْإِفْضالِ وَالْإِحْسانِ

فَلَهُ الْمَکارِمُ وَالْمَعانِی وَالْحَبا

ما ناحَتِ الْأَطْیارُ فِی الْأَغْصانِ

«افتخار و عزت والا از آن ما شد و ما در میان فرزندان عدنان سربلند شدیم. تو به بزرگی و برتری رسیدی و از همه آفریده ها والاتر شدی و جنّ و انس از عظمت تو عقب ماندند. منظورم علی است، بهترین کسی که بر خاک، گام نهاده، بزرگوار و دارای احسان و نیکی، والایی های اخلاقی و بزرگی ها از آن اوست، تا آن گاه که مرغان بر شاخه ها به ترنّم مشغولند».

1157 خَیرُ هادٍ

بهترین راهنما و هدایت گر است.

حضرت زهراعلیها السلام، آن گاه که به یاد پرواز ملکوتی خود افتاد، خطاب به همسرش امام علی علیه السلام فرمود:

اِبْکِنِی إِنْ بَکَیتَ یا خَیرَ هادٍ

وَاسْبِلِ الدَّمْعَ فَهْوَ یوْمُ الْفِراقِ

یا قَرِینَ الْبَتُولِ أُوصِیکَ بِالنَّسْلِ

فَقَدْ أَصْبَحا حَلِیفَا اشْتِیاقٍ

«ای همسر وفادارم! اگر خواستی گریه کنی بر من گریه کن، ای بهترین راهنما! اشک ها را بر من سرازیر کن که امروز روز جدایی است. ای همدم بتول! وصیت می کنم تو را به فرزندانم، که همدم شوق و محبت شده اند».

1- 1342. بحارالانوار، ج 43، ص 133؛ فرهنگ سخنان حضرت زهراعلیها السلام، ص 19.
2- 1343. بحارالانوار، ج 97، ص 285؛ مفاتیح الجنان، زیارت مخصوصه امیرالمؤمنین در روز غدیر.

3- 1344. فرهنگ سخنان فاطمه زهراعلیها السلام، ص 135.

1158 خِيرَةُ أُسْرَهِ الرَّسُولِ

بهترین فرد از خانواده و اهل بیت پیامبرعلیهم السلام؛ چنان که در زیارت آن حضرت آمده است:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی وَلِیکَ وَأَخِی نَبِیکَ وَخِیرَتِهِ مِنْ أُسْرَتِهِ»؛(1)

«خدایا درود فرست بر ولی خودت و برادر پیامبرت ... او که بهترین فرد از خانواده و اهل بیت رسول خداست».

1159 الْخَیفِی

اهل منطقه خیف.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1160 داحِضُ الْإِفْکِ

از بین برنده و زایل کننده هر نوع دروغ و باطل و افترا.

در یکی از زیارات آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا داحِضَ الْإِفْکِ وَمُبْطِلَ الشِّرْکِ وَمُزِیلَ الشَّکِّ»؛(2)

«سلام بر تو ای نابود کننده دروغ و باطل، و باطل کننده شرک و زایل کننده شک».

1161 الدّاعِی إِلَی الْإِیمانِ

دعوت کننده به ایمان.

در قسمتی از زیارت آن حضرت آمده:

«وَحَجَزَ بَینَ الْحَلالِ وَالْحَرامِ، مُسْتَبْصِراً فِی رِضْوانِکَ، داعِیاً إِلی إِیمانِکَ»؛(3)

«او که حلال را از حرام جدا و مانع شد، آنکه به رضوان و خشنودی خدا بینا شده، و از خلایق برای ایمان به تو دعوت کرد».

1162 الدّاعِی اِلی شَرِیعَهِ اللَّهِ

مردم را به شریعت خدا دعوت می کند.

امام صادق علیه السلام در زیارت روز غدیر فرمود:

«وَالنّاطِقِ بِحُجَّتِهِ، وَالدّاعِی إِلی شَرِیعَتِهِ، سَیدِ الْمُسْلِمِینَ وَأَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ»؛ (4)

«آن که با حجّت و برهان خدا سخن می گوید، و آن که به دین و شریعت الهی دعوت می نماید، او سرور مسلمانان و امیر مؤمنان است».

1163 دافِعُ الْجُیوشِ

با شجاعت و شهامت و حملات خود، لشکرها را از هم پراکنده و مضمحل می کرد.

در قسمتی از زیارت آن حضرت آمده:

«مُعْلِنُ الْحَقِّ بِالْحَقِّ، وَدافِعُ جُیوشِ الْأَباطِیلِ»؛(5)

«علی علیه السلام آن کسی است که حقّ را حقیقتاً اعلان و آشکار و لشکرهای باطل را شکست می دهد».

1164 الدّالُّ عَلَی اللَّهِ

راهنمایی کننده و دلالت کننده به سوی خدای تعالی.

در بخشی از زیارت آن حضرت در عید غدیر آمده است.(6)

1- 1345. اقبال الاعمال، ص 493؛ مفاتیح الجنان،زیارت حضرت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.
2- 1346. بحارالانوار، ج 97، ص 332.
3- 1347. بحارالانوار، ج 97، ص 330.
4- 1348. مصباح الکفعمی، ص 685؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 220؛ مفاتیح الجنان، زیارت روز غدیر.
5- 1349. بحارالانوار، ج 97، ص 329.
6- 1350. مفاتیح الجنان، اعمال عید غدیر.

1165 دَعائِمُ الدِّینِ

هر آن چیزی که موجب قوام و ایستادگی چیزی می شود. علی علیه السلام از ارکان و پایه های دین اسلام است.

در یکی از زیارات مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ مِنْ دَعائِمِ الدِّینِ وَعِمادِهِ»؛(1)

«گواهی می دهم تو یکی از امامانی هستی که قوام دین و اسلام به آن بستگی دارد و پایه و ستون مکتب هستی».

1166 الدَّعْوَهُ الْحُسْنی

بهترین و نیکوترین دعوت.

در یکی از زیارات مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا حِجابَ الْوَری وَالدَّعْوَهَ الْحُسْنی ؛(2)

«سلام بر تو ای واسطه و حجاب آفرینش خلق و ای نیکوترین دعوت الهی».

1167 دِلالَهُ حُجَّهِ الرَّسُولِ

گواه و دلیل بر حجّت رسول خداصلی الله علیه وآله.

در یکی از زیارات چنین وارد شده:

«وَصَلِّ عَلی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ الَّذِی جَعَلْتَهُ دِلالَهً عَلی حُجَّتِهِ»؛(3)

«خدایا درود فرست بر امیرمؤمنان که او را دلالتی بر حجت پیامبرت قرارش دادی».

1168 دَیانُ یوْمِ الدِّینِ

امیرالمؤمنین علیه السلام به امر خدای تعالی در روز قیامت بین مردم قضاوت می کند و پاداش و کیفر الهی را تقسیم خواهد نمود.

در قسمتی از زیارت آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا سَیدَ الْوَصِیینَ، وَأَمِینَ رَبِّ الْعالَمِینَ، وَدَیانَ یوْمِ الدِّینِ»؛(4)

«سلام بر تو ای آقای جانشینان و امین پروردگار جهانیان و قاضی روز قیامت».

1169 دِینُ اللَّهِ الْقَوِیمُ

دین محکم و استوار خدا؛ یعنی امام، دین مجسّم خداوند است، امام هادی علیه السلام در زیارت مخصوص امیر مؤمنان علیه السلام در روز غدیر از آن حضرت تمجید نموده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا دِینَ اللَّهِ الْقَوِیمَ وَصِراطَهُ الْمُسْتَقِیمَ»؛(5)

«سلام بر تو ای دین محکم و استوار الهی و راه راست خدا».

1170 الذِّکْرُ الْحَکِیمُ

در یکی از زیارات مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب به آن حضرت سلام داده می شود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ أَیهَا النَّبَأُ الْعَظِیمُ وَالْخَطَبُ الْجَسِیمُ وَالذِّکْرُ الْحَکِیمُ»؛(6)

«سلام بر تو ای آقایی که خبر مهم هستی، تو که شأنت والا است و ذکر حکیم می باشی».

1- 1351. بحارالانوار، ج 97، ص 325؛ کتاب المزار، ص 109.
2- 1352. بحارالانوار، ج 97، ص 348.
3- 1353. بحارالانوار، ج 97، ص 307؛ مفاتیح الجنان.
4- 1354. بحارالانوار، ج 97، ص 285؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
5- 1355. بحارالانوار، ج 97، ص 360؛ مفاتیح الجنان، اعمال عید غدیر.
6- 1356. بحارالانوار، ج 97، ص 348.

1171 الذِّكْرُ الْخالِصُ

ذکر خالص خدا، چنان که در یکی از زیارات مطلقه آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا نُورَ اللَّهِ فِی سَمائِهِ وَأَرْضِهِ وَأُذُنَهُ السّامِعَهَ وَذِکْرَهُ الْخالِصَ»؛(1)

«سلام بر تو ای نور خدا در آسمان و زمین و سلام بر تو ای گوش شنوا و ذکر خالص خدا».

1172 ذُو الْإِحْسانِ

دارای احسان و نیکی.

همچنین مراجعه شود به: خَیرُ مَنْ وَطَأَ الثَّری [1156]

1173 ذُو الْبَذْلِ

دارای سخاوت و بخشندگی.

در زیارت آن حضرت آمده است:

«السَّلامُ عَلی ذِی الْجُودِ وَالْبَذْلِ»؛(2)

«سلام بر صاحب بخشش و سخاوت».

1174 ذُو الْجُودِ

دارای بخشش و بزرگواری.

همچنین مراجعه شود به: ذُو الْبَذْلِ [1173]

1175 ذُو الْمَجْدِ

دارای مجد و بزرگواری.

همچنین مراجعه شود به: خَیرُ مَنْ وَطَأَ الثَّری [1156]

1176 رَأْسُ الصِّدِّیقِینَ

کسی که در بین صدّیقین از همه جلوتر و والاتر است. این نیز از القاب امیرالمؤمنین علیه السلام است، چنان که در زیارت مطلقه حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا رَأْسَ الصِّدِّیقِینَ»؛(3)

«سلام بر تو ای آقایی که سرآمد همه صدیقان و راست گویان هستی».

1177 رابِعُ الْخُلَفاءِ

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: روزی همراه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در یکی از کوچه های مدینه قدم می زدیم که شخصی بلندقد و با ریش بلند و چهارشانه جلو آمد و بر پیامبرصلی الله علیه وآله سلام و خوش آمد گفت، بعد رو کرد به من و گفت: «اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا رابِعَ الْخُلَفاءِ وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ» و از پیامبرصلی الله علیه وآله سؤال کرد: مگر چنین نیست؟ آن حضرت نیز فرمود: آری.

آن مرد که رفت، از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله سؤال کردم: این که بود و چه گفت که شما او را تصدیق فرمودید؟

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: آری، تو الحمد للَّه چنین هستی؛ چون خدای تعالی فرموده: «إِنِّی جاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیفَهً» و آن خلیفه آدم علیه السلام است.

بعد فرموده: «یا داوُدُ إِنّا جَعَلْناکَ خَلِیفَهً فِی الْأَرْضِ» این دومی.

سپس در جریان موسی علیه السلام، به هارون گفت: «اخْلُفْنِی فِی قَوْمِی وَأَصْلِحْ وَلاتَتَّبِعْ سَبِیلَ الْمُفْسِدِینَ» این هم سومی.

آن گاه فرمود: «وَأَذانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَی النّاسِ یوْمَ الْحَجِّ الأَکْبَرِ» تو از جانب خدا و من، ابلاغ کننده این پیام هستی، تو وصی و وزیر من هستی، تو چهارمین خلیفه می باشی، چنان که

1- 1357. بحارالانوار، ج 97، ص 337.
2- 1358. بحارالانوار، ج 99، ص 199.
3- 1359. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ اقبال الاعمال، ص 611.

آن پیرمرد به تو سلام کرد، آیا او را شناختی؟ گفتم: نه. فرمود: او برادرت خضرعلیه السلام بود.(1)

1178 رآدُّ الْغُلُولِ

دریکی از زیارات مطلقه امیرمؤمنان علیه السلام آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا أَخَ الرَّسُولِ وَزَوْجَ الْبَتُولِ وَرادَّ الْغُلُولِ»؛(2)

«سلام بر تو ای برادر رسول خداصلی الله علیه وآله و همسر حضرت زهرای بتول علیها السلام و کسی که غل و زنجیرها را برمی داری».

1179 الرّاعِی

نگهبان، حافظ و پاسدار، کسی که از آنچه به او سپرده شده، مراقبت و محافظت می کند،

به چوپان، راعی می گویند؛ چون مراقب گوسفندان است تا گرگ به آنان حمله نکند. و امیرمؤمنان علیه السلام نیز هرآنچه پیامبرصلی الله علیه وآله از احکام شریعت به او سپرده بود، به خوبی محافظت و پاسداری کرد، چنان که امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت می فرماید:

«اَللَّهُمَّ إِنِّی أَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَّغَ عَنْ رَسُولِکَ ما حُمِّلَ، وَرَعی مَا اسْتُحْفِظَ»؛(3)

«خدایا گواهی می دهم که او هر چه لازم بود از جانب پیامبرت ابلاغ کرد و از هر آنچه به او سپرده شده بود محافظت فرمود».

1180 الرّاغِبُ

مشتاق و مایل به چیزی.

در زبان عربی، اگر به همراه «فی» به کار رود، چنین معنایی دارد؛ امّا اگر با «عن» استعمال شود، به معنای بی میلی و بیزاری است.

به هر حال امیرالمؤمنین علیه السلام راغب بود؛ ولی راغب و مشتاق به وعده های الهی، چنان که در یکی از زیارات مخصوصه آن جناب آمده:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ جُدْتَ بِنَفْسِکَ صابِراً مُحْتَسِباً، مُجاهِداً عَنْ دِینِ اللّهِ، مُوَقِّیاً لِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه وآله طالِباً ما عِنْدَ اللَّهِ، راغِباً فِیما وَعَدَ اللَّهُ»؛ (4)

«گواهی می دهم تو با جان عزیز خود و با صبر و رنج و مجاهدت، در دفاع از دشمنان دین حقّ و حفظ جان رسول خداصلی الله علیه وآله فداکاری کردی، در حالی که همه را برای طلب رضای حقّ و شوق رسیدن به ثواب و وعده الهی انجام دادی».

1181 الرَّشِیدُ

رشید از اسمای الهی و مراد خدایی است که خلق را به مصلحت خویش هدایت می کند.

رشید نیز از القاب امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد؛ یعنی کسی که هم خودش هدایت یافته، و هم دیگران را به سوی خدا هدایت می کند.

امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ أَیهَا الصِّدِّیقُ الرَّشِیدُ»؛(5)

«سلام بر تو ای راستگوی هدایت یافته».

1- 1360. بحارالانوار، ج 36، ص 417.
2- 1361. بحارالانوار، ج 97، ص 331.
3- 1362. اقبال الاعمال، ص 685؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.
4- 1363. بحارالانوار، ج 97، ص 338؛ کامل الزیارات، ص 42؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 589؛ تهذیب طوسی، ج 6، ص 25؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
5- 1364. بحارالانوار، ج 97، ص 279؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین؛ فرحه الغری، ص 94.

1182 رِضاهُ رِضَى اللَّهِ

امام حسین علیه السلام در مجلس معاویه با معرفی خود و توصیف پدر بزرگوارشان فرمود:

«أَنَا ابْنُ مآءِ السَّمآءِ وَعُرُوقِ الثَّرى أَنَا ابْنُ مَنْ سادَ أَهْلَ الدُّنْيا بِالْحَسَبِ النّاقِبِ وَالشَّرَفِ الْفائِقِ وَالْقَدِيمِ السّابِقِ، أَنَا ابْنُ مَنْ رِضاهُ رِضَى الرَّحْمنِ وَسَخَطُهُ سَخَطُ الرَّحْمنِ»؛(1)

«من پسر کسی هستم که برکت و خلقت آسمان و زمین از اوست. من پسر آن کسی هستم که بر همه اهل دنیا به جهت حسب و نسب والا و شرف بالا آقایی دارد. من پسر آن کسی هستم که رضایتش، رضایت خدا و خشم و سخط او خشم و سخط خداست».

1183 الرَّضِی

رضی: مرضی؛ خدای تعالی از او راضی و خوشنود است.

در یکی از زیارات امیرمؤمنان علیه السلام آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ الرَّضِىّ»؛(2)

«سلام بر آن اسم پسندیده الهی».

و در عبارت دیگر آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَيکَ أَيهَا الْإِمامُ الْبَرُّ التَّقِى النَّقِى الرَّضِى»؛(3)

«سلام بر تو ای پیشوای نیک پرهیزکار پاک پسندیده».

امام صادق علیه السلام نیز در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام در روز میلاد پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می گوید:

«فَقَبَضْتَهُ إِلَيکَ شَهِيداً سَعِيداً وَلِياً تَقِياً، رَضِياً زَكِياً هادِياً مَهْدِياً»؛(4)

«خدایا او را به سوی خود بردی؛ در حالی که شهید و سعادتمند بود، او دوست و تقواپیشه، راضی و پاک، و هادی و مهدی بود».

1184 رُكْنُ الأوْلِياءِ

بین اولیای الهی، از همه شاخص تر است که دیگران به او اقتدا و تکیه کنند.

در فرازی از زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام آمده:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَبْدِکَ الْمُرْتَضی .. وَرُکْنِ الْأَوْلِیآءِ»؛(5)

«خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و نیز درود فرست بر امیرمؤمنان علیه السلام که بنده پسندیده تو و از ارکان اولیای الهی است».

1185 رُكْنُ الْبِلادِ

از ارکان و استوانه های شهرها است.

در یکی از زیارت های امام علی علیه السلام آمده:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ وَالْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِکَ سَفِینَةُ النَّجاهِ وَدَعائِمُ الْأَوْتادِ وَأَرْکانُ الْبِلادِ»؛(6)

«گواهی می دهم تو و امامان از فرزندان تو، کشتی نجات،پایه های استوارو رکن شهرهاهستید».

1- 1365. احقاق الحق، ج 11، ص 595؛ موسوعه کلمات امام حسین علیه السلام ص 241.
2- 1366. بحارالانوار، ج 97، ص 245.
3- 1367. بحارالانوار، ج 97، ص 342.
4- 1368. بحارالانوار، ج 95، ص 292؛ مستدرک حاکم، ج 10، ص 220؛ مصباح کفعمی، ص 685؛ مفاتیح الجنان، زیارت مولود.
5- 1369. بحارالانوار، ج 97، ص 307؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
6- 1370. بحارالانوار، ج 97، ص 342.

1186 رَواسِی النُّبُوَّهِ

حضرت زهراعلیها السلام به زنان مدینه، در توصیف همسر گرامی اش، امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

«فَإِنَّهُ قَواعِدُ الرِّسالَهِ وَرَواسِی النُبُوَّهِ وَمَهْبِطُ الرُّوحِ الْأَمِینِ وَالْبَطِینُ بِأَمْرِ الدِّینِ فِی الدُّنْیا وَالآخِرَهِ»؛(1)

«او از پایه های رسالت پیامبر و ریشه های نبوّت نبی خاتم صلی الله علیه وآله و محل نزول جبرئیل و آگاه به دین و دنیا و آخرت است».

1187 الزَّکِی

پاک و طاهر و بی گناه. زکات را زکات گویند؛ چون بعد از پرداخت آن، پاک می شود.

زکی از القاب امیرمؤمنان علیه السلام است؛ چنان که امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ أَیهَا الْبَرُّ الزَّکِی»؛(2)

«سلام بر تو ای آقای نیکوکار و پاک».

1188 الزِّنادُ الْقادِحُ

آتش جهنم را برای دشمنان خدا برافروزد، چنان که در زیارت مربوطه آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَی الصِّراطِ الْواضِحِ ... وَالْإِمامِ النّاصِحِ، وَالزِّنادِ الْقادِحِ»؛(3)

«سلام بر راه واضح خدا ... سلام بر امام ناصح و آن که شعله ور کننده آتش جهنم است».

1189 زَینُ الصِّدِّیقِینَ

زینت و زیور همه صدّیقان و راست گویان.

در یکی از دعاهای مربوط به اعمال مسجد بزرگ کوفه برای امیرمؤمنان علیه السلام آمده است:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ وَخآصَّهُ نَفْسِ الْمُنْتَجَبِینَ، وَزَینُ الصِّدِّیقِینَ»؛(4)

«گواهی می دهم تو ای علی! امیر مؤمنان و خاصّه و خلاصه برگزیدگان خداوند و زینت صدیقان هستی».

1190 زَینُ الْعابِدِینَ

زینت عبادت کنندگان خدا.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1191 زَینُ الْمُوَحِّدِینَ

امام علی علیه السلام زیور و زینت همه موحّدان و خداپرستان است.

امام صادق علیه السلام در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام، به آن حضرت خطاب فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا زَینَ الْمُوَحِّدِینَ النُّجَبآءِ»؛(5)

«سلام بر تو ای زینت موحدان باشرافت».

1192 ساسَهُ الْعِبادِ

سیاست مدار و سیاست گزار بندگان خدا.

دریکی از زیارات مطلقه امیرمؤمنان علیه السلام آمده:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ وَالْأَئِمَّهَ مِنْ وُلْدِکَ سَفِینَهُ النَّجاهِ ... وَساسَهُ الْعِبادِ»؛(6)

1- 1371. امالی شیخ طوسی، ص 374؛ معانی الاخبار، ج 1، ص 354؛ الاحتجاج، ج 1، ص 286؛ شرح نهج البلاغه، ج 16، ص 233.

2- 1372. بحارالانوار، ج 97، ص 279؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین؛ فرحه الغری، ص 94.
3- 1373. بحارالانوار، ج 97، ص 287؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه.
4- 1374. بحارالانوار، ج 97، ص 409؛ مفاتیح الجنان، اعمال مسجد کوفه.
5- 1375. بحارالانوار، ج 97، ص 373؛ اقبال الاعمال، ص 608؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.
6- 1376. بحارالانوار، ج 97، ص 342.

«گواهی می دهم تو و امامان از فرزندانت، همچون کشتی نجات ... و نیز سیاست مدارترین بندگان خدا هستید».

1193 ساقِی أَوْلِیآءِ اللَّهِ

امام علی علیه السلام دوستان خدا را از جام معرفت و ولایت سیراب می نماید، چنان که در زیارت مطلقه آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلی ساقِی أَوْلِیآئِهِ مِنْ حَوْضِ النَّبِی الْمُخْتارِ مَا اطَّرَدَ اللَّیلُ وَالنَّهارُ»؛(1)

«سلام بر ساقی دوستان خدا از حوض کوثر رسول خداصلی الله علیه وآله مادام که شب و روز برقرار است».

1194 ساقِی الْحَوْضِ

امیرمؤمنان علیه السلام بر حوض کوثر رسول خداصلی الله علیه وآله حاضر می شود و دوستداران و شیعیان خود را سیراب می کند.

در فرازی از زیارت امام علی علیه السلام آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا صاحِبَ الْحَوْضِ وَسِقایتِهِ»؛(2)

«سلام بر تو ای صاحب حوض کوثر و ساقی و آب رسان آن».

1195 ساقِی السَّلْسَبِیلِ

سلسبیل، چشمه ای در بهشت است و ساقی آن چشمه، امیرمؤمنان علیه السلام است.

در زیارت مطلقه آن جناب آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلی مِیزانِ الْأَعْمالِ ... وَساقِی السَّلْسَبِیلِ الزُّلالِ»؛(3)

«سلام بر آنکه میزان سنجش اعمال بندگان و ساقی چشمه زلال در بهشت است».

1196 ساقِی الْمُؤْمِنِینَ

در مقایسه موسی علیه السلام و امیرمؤمنان علیه السلام آمده: موسی علیه السلام ساقی دختران شعیب بود و علی علیه السلام ساقی مؤمنین در روز قیامت است.(4)

و در زیارت آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلی مَوْلانا أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ عَلِیّ بْنِ أَبِی طالِبٍ صاحِبِ السَّوابِقِ وَالْمَناقِبِ... وَساقِی الْمُؤْمِنِینَ بِالْکَأْسِ مِنْ حَوْضِ الرَّسُولِ الْمَکِینِ الْأَمِینِ»؛(5)

«سلام بر مولای ما امیرمؤمنان که دارای سوابق و فضایل بی شمار است، او که ساقی مؤمنان است از حوض کوثر رسول خداصلی الله علیه وآله».

1197 سامِعُ السِّرِّ

از القاب امیرمؤمنان علیه السلام سامع سرّ است؛ او که با رسول خداصلی الله علیه وآله خلوت داشت و پیامبر آنچه از اسرار و رموز بود، به آن حضرت می فرمود. در فرازی از زیارت مطلقه آن جناب است:

«اَلسَّلامُ عَلی شَجَرَهِالتَّقْوی وَسامِعِ السِّرِّ وَالنَّجْوی ؛(6)

«سلام بر آن که درخت تقوا و شنونده اسرار و نجواها است».

1- 1377. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ مفاتیح الجنان، زیارت مخصوصه امیرالمؤمنین در روز غدیر.
2- 1378. بحارالانوار، ج 97، ص 331.
3- 1379. بحارالانوار، ج 97، ص 287؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
4- 1380. بحارالانوار، ج 39، ص 59؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 349.
5- 1381. بحارالانوار، ج 97، ص 305.
6- 1382. بحارالانوار، ج 97، ص 287؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

1198 سامِعُ الْكَلامِ

اعتقاد ما این است که زنده و مرده امام و پیامبرصلی الله علیه وآله فرقی ندارند، همان طور که در زنده بودن می شنوند و جواب می دهند، بعد از رحلت و شهادت نیز سخنان را می شنوند و دعاها را جواب می دهند، چنان که در زیارت آن حضرت می گوییم:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ تَسْمَعُ کَلامِی وَتَشْهَدُ مَقامِی»؛(1)

«گواهی می دهم تو کلام مرا می شنوی و جایگاه مرا می بینی».

1199 سامِعُ النَّجْوی

شنونده نجواها و خلوت های پیامبر.

همچنین مراجعه شود به: سامِعُ السِّرِّ [1197]

1200 سَخَطُهُ سَخَطُ اللَّهِ

خشم و غضب او، موجب خشم و سخط خدا است، چنان که امام حسین علیه السلام فرمود.

همچنین مراجعه شود به: رِضاهُ رِضَی اللَّهِ [1182]

1201 السَّخِی

بسیار بخشنده و دست و دل باز.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1202 السِّراجُ الْأَزْهَرُ

سراج یعنی چراغ و شمع، و ازهر به معنای بسیار نورانی. از القاب امام علی علیه السلام است که در زیارت مربوط به آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ أَیهَا السِّراجُ الْأَزْهَرُ وَالزُّلْفَهُ وَالْکَوْثَرُ»؛(2)

«سلام بر تو ای چراغ نورانی و دارای منزلت و قرابت».

1203 السِّراجُ الْمُنِيرُ

چراغ روشنگر.

در فرازی از زیارت آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ أَیهَا السِّراجُ الْمُنِیرُ»؛(3)

«سلام بر تو ای چراغ روشن (علم و ایمان)».

1204 السَّعِیدُ

باسعادت و سعادتمند. عاقبتش به خیر و سعادت ختم می شود.

همچنین مراجعه شود به: التَّقِی [1114]

1205 سَفِیرُ اللَّهِ

سفیر؛ نماینده، فرستاده و پیغام آور.

سفیر اللَّه؛ یعنی علی علیه السلام واسطه و مأمور ویژه خدای تعالی است.

در یکی از زیارات مخصوصه امیرمؤمنان علیه السلام آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا سَفِیرَ اللَّهِ فِی خَلْقِهِ»؛(4)

«سلام بر تو ای سفیر خدا در بین بندگانش».

1206 سُلالَهُ الْأَطْیابِ

فرزندی از خاندان پاکان است.

همچنین مراجعه شود به: الْإِمامُ الرَّبّانِی [1058]

1207 سَلَّمَ لَهُ الْأَعْداءُ

همه دشمنان تسلیم فضایل او شدند.

1- 1383. بحارالانوار، ج 97، ص 375؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
2- 1384. بحارالانوار، ج 97، ص 328.
3- 1385. بحارالانوار، ج 97، ص 377؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین در روز مبعث.
4- 1386. بحارالانوار، ج 97، ص 377؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین در روز مبعث.

در زیارت آن حضرت علیه السلام آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلی مَنْ سَلَّمَ الْأَعْداءُ لِفَضْلِهِ»؛(1)

«سلام بر کسی که همه دشمنان در برابر فضایل و بزرگواری های او تسلیم شده اند».

1208 سَلِیلُ الْأَطآئِبِ

سلیل؛ ولد و فرزند و سلاله. علی علیه السلام فرزند پاک ترین نسل ها است، چنان که در زیارت مطلقه آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وَلِی اللَّهِ وَالشَّهابَ الثّاقِبَ وَالنُّورَ الْعاقِبَ، یا سَلِیلَ الْأَطائِبِ»؛(2)

«سلام بر تو ای ولی خدا و شهاب و نور فروزنده، ای سلاله پاکان».

1209 سَلِیلُ الْأَطْهارِ

فرزند و سلاله پاکان، چنان که در زیارت آن حضرت از امام صادق علیه السلام روایت شده:

«اَلسَّلامُ عَلی نُورِ الْأَنْوارِ وَسَلِیلِ الْأَطْهارِ وَعَناصُرِ الْأَبْرارِ»؛(3)

«سلام بر او که روشنایی همه نورها است، سلام بر او که فرزند و از نسل پاکان عالم است، سلام بر او که اصل و ریشه همه نیکان است».

1210 السَّمِحُ

شخص جوانمرد و بخشنده.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1211 سَمُّ قاتِلٌ

شخص شجاع و قهرمان و کشنده دشمنان، عنوانی است که امام حسن علیه السلام در مقابل معاویه و مروان نسبت به امام علی علیه السلام بیان فرمود.(4)

سَ

1212 سَهْمُ اللّهِ

تیر خدا، تیر غیب الهی.

امام علی علیه السلام را این گونه توصیف نموده اند:

«هُوَ مُظْهِرُ الْعَجائِبِ، هُوَ لَیثُ بَنِی غالِبٍ، هُوَ سَهْمُ اللَّهِ الصّائِبُ»؛(5)

«او اظهار کننده عجایب و شیر قبیله بنی غالب و تیر به هدف خورده خدایی است».

1213 سَهْم مِنْ مَرامِی اللَّهِ

تیر به هدف خورده غیب الهی برسردشمنان.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1214 سَیدُ الْأَبْرارِ

آقا و سرور ابرار و نیکوکاران.

همچنین مراجعه شود به: أَفْضَلُ الْأَتْقِیاءِ [1050]

1215 سَیدُ الْأَشْرافِ

آقا و بزرگ شریفان و بزرگان.

در زیارت مربوط به آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا سَنَدَ مَنافٍ وَسَیدَ الْأَشْرافِ»؛(6)

«سلام بر تو ای سند مناف و ای آقای اشراف».

1216 سَیدُ الْأَهْلِ

سرور و بزرگ اهل بیت علیهم السلام.

در زیارت مطلقه امیرمؤمنان علیه السلام، خطاب به آن حضرت عرض می کنیم:

1- 1387. بحارالانوار، ج 99، ص 199.
2- 1388. بحارالانوار، ج 97، ص 307.
3- 1389. بحارالانوار، ج 97، ص 305.
4- 1390. بحارالانوار، ج 44، ص 95؛ الاحتجاج، ج 1، ص 282.
5- 1391. بحارالانوار، ج 105، ص 117.
6- 1392. بحارالانوار، ج 97، ص 332.

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا کاشِفَ الْمَحْلِ وَخاصِفَ النَّعْلِ وَسَیدَ الْأَهْلِ»؛(1)

«سلام بر تو ای آقایی که هر سختی و مشکلی را برطرف می کنی، ای وصله کننده کفش رسول خداصلی الله علیه وآله و ای آقا و سرور اهل بیت».

1217 سَیدُ الْحَلاحِلِ

آقایی که قهرمان و شجاع است.

همچنین مراجعه شود به: الْإِمامُ الْعادِلُ [1060]

1218 سَیدُ السّاداتِ

آقای آقایان و سرور سروران.

دریکی از زیارات مطلقه امیرمؤمنان علیه السلام آمده:

«اَلسَّلامُ عَلی سَیدِ السّاداتِ»؛(2)

«سلام بر بزرگ بزرگان عالم».

1219 سَیدٌ فِی أَوْلِیاءِ اللَّهِ

در بین دوستان خدا، از همه بالاتر و آقای آنان است.

حضرت زهراعلیها السلام در توصیف امامش فرمود:

«مَخْدُوداً فِی ذاتِ اللَّهِ، مُجْتَهِداً فِی أَمْرِ اللَّهِ، قَرِیباً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، سَیداً فِی أَوْلِیآءِ اللَّهِ، مُشَمِّراً ناصِحاً مُجِدّاً کادِحاً، لا تَأْخُذُهُ فِی اللَّهِ لَوْمَهُ لآئِمٍ وَأَنْتُمْ فِی رَفاهِیهٍ مِنَ الْعَیشِ»؛(3)

«آن حضرت برای خدا هرگونه رنج و زحمتی را تحمّل نمود، و در راه تحقق فرمان های الهی تلاش کرد، او که یار نزدیک پیامبرصلی الله علیه وآله و بزرگ و سرور دوستان خدا بود. همواره دامن همت به کمر زده، نصیحت گر و تلاش گر و کوشا بود، و در راه خدا از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای بیم نداشت، در آن روزهایی که شما مردم در رفاه و آسایش آرمیده بودید».

1220 سَیدُ الْکَرِیمِ

آقای بزرگوار و باکرامت.

در زیارت صفوان جمال برای امیرمؤمنان علیه السلام آمده است:

«وَأَنْتَ سَیدُ الْکَرِیمِ وَالْإِمامُ الْعَظِیمُ فَکُنْ بِنا رَحِیماً یا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ»؛(4)

«تو آقای باکرامت و امام باعظمت هستی، پس نسبت به ما رحیم و مهربان باش ای امیرمؤمنان».

1221 سَیدُ الْمُتَّقِینَ

آقا و سرور پرهیزکاران و تقواپیشگان.

امام صادق علیه السلام به آن حضرت سلام می دهد:

«اَلسَّلامُ عَلی سَیدِ الْمُتَّقِینَ الْأَخْیارِ»؛(5)

«سلام بر سرورو سالار تقواپیشگان برگزیده».

امام زین العابدین علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ مُحَمَّداً الصّادِقُ الْأَمِینُ الْمَخْصُوصُ بِرِسالَهِ رَبِّ الْعالَمِینَ، الْمُؤَیدُ بِالرُّوحِ الْأَمِینِ، وَبِأَخِیهِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَسَیدِ الْمُتَّقِینَ فَصَدِّقُوهُ»؛(6)

1- 1393. بحارالانوار، ج 97، ص 332.
2- 1394. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
3- 1395. الاحتجاج، ج 1، ص 100؛ فرهنگ سخنان فاطمه زهراعلیها السلام، ص 27.
4- 1396. بحارالانوار، ج 97، ص 331.
5- 1397. بحارالانوار، ج 97، ص 305؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه ششم امیرالمؤمنین.
6- 1398. تأویل اللآیات، ص 47.

«همانا محمّد که راستگو و امانت دار است و به رسالت پروردگار جهانیان اختصاص یافته، به وسیله روح الامین و برادرش امیرمؤمنان و سید متقیان تأیید شده است، پس او را تصدیق کنید».

1222 سَیدُنا

آقا و سرور و مولای ما.

ای علی! تو بزرگ و آقای مایی و ما نیز تو را به بزرگی و آقایی پذیرفته ایم، در دعای توسل عرض می کنیم:

«یا حُجَّةَ اللَّهِ عَلی خَلْقِهِ، یا سَیدَنا وَمَوْلانا، إِنّا تَوَجَّهْنا ... بِکَ إِلَی اللَّهِ»؛(1)

«ای حجت خدا بر خلق، ای سرور و مولای ما، ما به توسط تو به سوی خدا توجّه کردیم».

1223 سَیفُ اللَّهِ الْمَسْلُولُ

شمشیر خدایی که برای کشتن دشمنان خدا و کافران و منافقان از نیام برآمده.

در زیارت آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلی أَمِینِ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ ... أَخِی الرَّسُولِ وَزَوْجِ الْبَتُولِ وَسَیفِ اللَّهِ الْمَسْلُولِ»؛(2)

«سلام بر امین خدا در زمین، او که برادر رسول و همسر فاطمه بتول و شمشیر از نیام برآمده خدای تعالی است».

1224 سَیفُ ذِی الْجَلالِ

شمشیر پروردگار.

در زیارت مطلقه امیرمؤمنان علیه السلام، از جانب امام باقرعلیه السلام آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلی مِیزانِ الْأَعْمالِ، وَمُقَلِّبِ الْأَحْوالِ، وَسَیفِ ذِی الْجَلالِ»؛(3)

«سلام بر میزان سنجش اعمال و دگرگون کننده احوال و شمشیر خدای ذی الجلال».

1225 سَیفُ النُّبُوَّهِ

شمشیر پیامبر.(4)

امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت، چنین فرموده است:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ أَخِی نَبِیکَ الَّذِی جَعَلْتَهُ سَیفاً لِنُبُوَّتِهِ»؛(5)

«خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و نیز درود فرست بر امیرمؤمنان که برادر رسول توست و او را شمشیر نبوّت قرارش دادی».

1226 شافِعُ الرِّزْقِ

واسطه رزق و روزی مردم.

در زیارت صفوان جمال برای امیرمؤمنان علیه السلام آمده است:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ مُجازِی الْخَلْقِ وَشافِعِ الرِّزْقِ»؛(6)

«گواهی می دهم تو خلایق و بندگان را پاداش و کیفر می دهی و واسطه روزی آنان هستی».

1227 شافِعُ یوْمِ الدِّینِ

امیرمؤمنان علیه السلام به اذن خدای تعالی، در روز

1- 1399. مفاتیح الجنان، دعای توسل.
2- 1400. بحارالانوار، ج 97، ص 305.
3- 1401. بحارالانوار، ج 97، ص 287؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
4- 1402. مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 289.

5- 1403. بحارالانوار، ج 97، ص 380؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
6- 1404. بحارالانوار، ج 97، ص 331.

قیامت برای دوستان و شیعیان خود شفاعت می کند. پس به آن حضرت سلام می دهیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ أَیهَا الْحَبْلُ الْمَتِینُ... وَالشّافِعُ یوْمَ الدِّینِ»؛(1)

«سلام بر تو ای ریسمان و حبل متین خداوند و شفاعت کننده روز قیامت».

1228 شاهِدُ اللَّهِ

شاهد و گواه خداوند بر همه موجودات؛ چه انسان و چه غیر انسان، چنان که در دعای روز عید غدیر آمده است:

«وَأَمِینُ اللَّهِ عَلی خَلْقِهِ، وَشاهِدُهُ فِی بَرِیتِهِ»؛(2)

«علی علیه السلام امین خدا بر مردم و شاهد و گواه او در مخلوقات است».

1229 شاهِدُ الْأُمَّهِ

امام علی علیه السلام شاهد و گواه امّت رسول خداصلی الله علیه وآله است، چنان که امام صادق علیه السلام در زیارت مطلقه آن حضرت می فرماید:

«الَّذِی جَعَلْتَهُ سَیفاً لِنُبُوَّتِهِ، وَآیةً لِرِسالَتِهِ، وَشاهِداً عَلی أُمَّتِهِ»؛(3)

«آن که او را شمشیر پیامبرصلی الله علیه وآله و نشانه رسالت و شاهدی بر امّت او قرارش دادی».

1230 شِبْهُ الْأَمِینِ

شبیه پیامبر امین صلی الله علیه وآله.

در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام به آن حضرت خطاب می شود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا شِبْهَ الْأَمِینِ فِی سَماحَتِهِ»؛(4)

«سلام بر تو ای کسی که شبیه پیامبرصلی الله علیه وآله هستی در منش و بزرگواری».

1231 شَبِیهُ هارُونَ

امام حسن علیه السلام در معرفی خود می فرماید:

«أَنَا ابْنُ النَّبِیّ النَّذِیرِ الْبَشِیرِ السِّراجِ الْمُنِیرِ الَّذِی جَعَلَهُ اللَّهُ رَحْمَةً لِلْعالَمِینَ وَأَبِی عَلِی وَلِی الْمُؤْمِنِینَ وَشَبِیهُ هارُونَ»؛(5)

«من فرزند پیامبر انذار دهنده و بشارت دهنده هستم همان چراغ فروزنده که خداوند او را رحمت جهانیان قرارش داد. و پدرم علی است او که ولی مؤمنان و شبیه هارون است».

امام هادی علیه السلام در زیارت روز غدیر فرماید:

«ثُمَّ مِحْنَتُکَ یوْمَ صِفِّینَ، وَقَدْ رُفِعَتِ الْمَصاحِفُ حِیلَةً وَمَکْراً، فَأَعْرَضَ الشَّکُّ وَعُزِفَ الْحَقُّ وَاتُّبِعَ الظَّنُّ، أَشْبَهَتْ مِحْنَهَ هارُونَ إِذْ أَمَّرَهُ مُوسی عَلی قَوْمِهِ، فَتَفَرَّقُوا»؛(6)

«محنت تو در روز صفین که قرآن ها را از روی مکر و حیله بر نیزه کردند، و بر مردم شک غالب شد و در حالی که حقّ را می شناختند تابع ظن شدند، شبیه محنت هارون بود که موسی او را بر مردم گمارد امّا قوم او متفرق شدند».

1- 1405. بحارالانوار، ج 97، ص 348.
2- 1406. اقبال الاعمال، ص 473؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
3- 1407. بحارالانوار، ج 97، ص 307؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
4- 1408. بحارالانوار، ج 97، ص 331.
5- 1409. بحارالانوار، ج 10، ص 142؛ امالی طوسی، ص 565.
6- 1410. بحارالانوار، ج 97، ص 367؛ مفاتیح الجنان،اعمال عید غدیر.

1232 شَجَرَهُ التَّقْوی

درخت تقوا؛ هرکه بخواهد متقی شود، به شاخه های آن بیاویزد و از میوه های آن درخت باعظمت ثمر بگیرد. امام علی علیه السلام شجره تقوا است، چنان که در زیارت آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلی شَجَرَهِ التَّقْوی وَسامِعِ السِّرِّ وَالنَّجْوی ؛(1)

«سلام بر شجره تقوا و شنونده اسرار و نجوا».

1233 شَجَرَهُ طُوبی

مقام و درخت طوبی، چنان که امام صادق علیه السلام در زیارت مطلقه امیرمؤمنان علیه السلام فرموده:

«اَلسَّلامُ عَلی أَبِی الْحَسَنِ عَلِی ّ... اَلسَّلامُ عَلی شَجَرَهِ طُوبی وَسِدْرَهِ الْمُنْتَهی ؛(2)

«سلام بر ابو الحسن علی... و سلام بر درخت طوبی و سدره المنتهی».

1234 شَجَرَهُ طَیبَهٌ

درخت بهشت.

در زیارت امام علی علیه السلام آمده است:

«وَأَشْهَدُ أَنَّکَ الشَّجَرَهُ الطَّیبَهُ لَمْ تَزَلْ بِعَینِ اللَّهِ»؛(3)

«و گواهی می دهم که تو شجره طیبه در قرآن کریم هستی و پیوسته در منظر و حفاظت خدایی».

1235 شَجَرَهُ النِّداءِ

درختی است که پیامبر خداصلی الله علیه وآله با آن سخن گفت و درخت با صدا و لهجه علی علیه السلام جواب داد. در زیارات برای مولا علی علیه السلام آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا شَجَرَهَ النِّداءِ وَصاحِبَ الدُّنْیا»؛(4)

«سلام بر تو ای درخت ندا داده شده و صاحب اختیار دنیا».

1236 الشَّجَرِی

قبل از صلح حدیبیه، در زیر یک درخت امیرمؤمنان علیه السلام و سایراصحاب با رسول خداصلی الله علیه وآله بیعت نمودند، که آیه شریفه نازل شد:

«لَقَدْ رَضِی اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِینَ إِذْ یبایعُونَکَ تَحْتَ الشَّجَرَهِ فَعَلِمَ ما فِی قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّکِینَهَ عَلَیهِمْ وَأَثابَهُمْ فَتْحاً قَرِیباً»(5)؛

«خداوند از مؤمنان - هنگامی که زیر آن درخت با تو بیعت کردند - راضی و خشنود شد؛ خدا آنچه را در درون دلهایشان (از ایمان و صداقت) نهفته بود، می دانست؛ از این رو آرامش را بر دلهایشان نازل کرد و پیروزی نزدیکی را به عنوان پاداش نصیب آنها فرمود».

و این گونه رضایت خدا را اعلام فرمود.

چون امیرمؤمنان علیه السلام در آن بیعت حضور داشت، به آن حضرت شجری می گفتند.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1237 شَدِیدُ الْبَأْسِ

امام صادق علیه السلام در زیارت مطلقه امیرمؤمنان و امام حسین علیهما السلام می فرماید:

«اَلسَّلامُ عَلی مَوْلانا أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ... الشَّدِیدِ الْبَأْسِ، الْعَظِیمِ الْمِراسِ، الْمَکِینِ الْأَساسِ»؛(6)

1- 1411. بحارالانوار، ج 97، ص 330؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 222؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
2- 1412. بحارالانوار، ج 97، ص 306.
3- 1413. بحارالانوار، ج 97، ص 325.

4- 1414. بحارالانوار، ج 97، ص 348.
5- 1415. سوره فتح، آیه 18.
6- 1416. بحارالانوار، ج 97، ص 305.

«سلام بر مولای ما امیر مؤمنان علیه السلام که شجاعت و نیروی قوی دارد و دارای منزلت و مکانت است».

1238 شَرَفُ مَکَّةَ وَ مِنی

مکّه و منی از وجود او کسب شرف و افتخار می کنند؛ چون امام علی علیه السلام به مثابه جان اسلام است و مکّه و منی جنبه جسمی آن را دارند، پس جسم از جان شرافت می گیرد.

به قول فرزدق که در معرفی امام سجادعلیه السلام در حضور هشام گفت:

هذَا الَّذِی تَعْرِفُ الْبَطْحآءُ وَطْأَتَهَ

وَالْبَیتُ یعْرِفُهُ وَالْحِلُّ وَالْحَرَمُ

«این کسی است که سرزمین بطحا و مکه، جای پای او را می شناسد و بیت اللّه و حرم و غیر حرم نیز او را می شناسند».(1)

در زیارت آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلی مَنْ شُرِّفَتْ بِهِ مَکَّهُ وَمِنی ؛(2)

«سلام بر آنکه مکّه و منی به واسطه او شرافت یافتند».

و تمجید امام صادق علیه السلام از آن حضرت است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا مَنْ شُرِّفَتْ بِهِ مَکَّهُ وَمِنی ؛(3)

«سلام بر تو ای علی که مکه و منی از تو شرافت گرفتند».

1239 شَقِیقُ النَّبِیّ

شقیق از شقّ به معنای برادرخوانده است، آن گاه که پیامبر همه مسلمانان را با هم برادر کرد، علی علیه السلام را برادر خود قرار داد.

همچنین مراجعه شود به: حِلْمُهُ مِنْ حِلْمِ الرَّسُولِ [1138]

1240 الشِّهابُ الثّاقِبُ

شعله ای است که ساطع می شود و به اشیای نورانی آسمانی گفته می شود. امام صادق علیه السلام در زیارت مطلقه امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وَلِی اللَّهِ وَالشِّهابَ الثّاقِبَ»؛(4)

«سلام بر تو ای ولی خدا و ستاره پرفروغ آسمانی».

1241 صابِرُ الْمُمْتَحَنِینَ

ممتحن از محنت و امتحان، به معنای کسی که با زحمت و مشقت مورد ابتلا و امتحان قرار گرفته است.

در اعمال مسجد بزرگ کوفه آمده است:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ... وَزَینُ الصِّدِّیقِینَ وَصابِرُ الْمُمْتَحَنِینَ»؛(5)

«گواهی می دهم تو امیرمؤمنان و زینت صدیقان و باصبر و شکیباترین آزمودگان عالم هستی».

1242 صاحِبُ الْآیاتِ الْباهِراتِ

باهر؛ روشن و واضح.

علی علیه السلام برای اثبات حقّانیت خود و مکتب و راه خویش، دارای دلایل و آیات واضح و روشنی است.

1- 1417. رجال کشی، ص 130؛ ارشاد، ج 2، ص 151.
2- 1418. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
3- 1419. بحارالانوار، ج 97، ص 373؛ اقبال الاعمال، ص 608.
4- 1420. بحارالانوار، ج 97، ص 307؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
5- 1421. بحارالانوار، ج 97، ص 409؛ مفاتیح الجنان، اعمال مسجد کوفه.

امام صادق علیه السلام در زیارت ایشان می فرماید:

«اَلسَّلامُ عَلی صاحِبِ الدَّلالاتِ وَالْآیاتِ الْباهِراتِ»؛(1)

«سلام بر تو ای دارنده دلایل و آیات روشن».

1243 صاحِبُ الْآیهِ

در یکی از زیارات آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا حامِلَ الرّایهِ، وَبالِغَ الْغَایهِ، وَصاحِبَ الآیهِ»؛(2)

«سلام بر تو ای پرچمدار و ای به نهایت هدف رسیده و ای صاحب آیت و نشانه».

1244 صاحِبُ أَلْفِ رَکْعَهٍ

امیرمؤمنان علیه السلام در هر شبانه روز، هزار رکعت نماز می خواند.

امام صادق علیه السلام فرموده است:

«إِنَّ عَلِیاً آخِرَ عُمْرِهِ کانَ یصَلِّی فِی کُلِّ یوْمٍ وَلَیلَهٍ أَلْفَ رَکْعَهٍ»؛(3)

«علی علیه السلام در آخر عمر خود، در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می خواند».

1245 صاحِبُ أُمِّ الْکِتابِ

امّ الکتاب نزد اوست. امّ الکتاب چیزی است که تمام اشیا و حوادث و علوم و اتفاقات در آن ثبت است.

در فرازی از زیارت مطلقه امیرمؤمنان علیه السلام آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلی مَنْ عِنْدَهُ تَأْوِیلُ الْمُحْکَمِ وَالْمُتَشابِهِ، وَعِنْدَهُ أُمُّ الْکِتابِ»؛(4)

«سلام بر آن کسی که تأویل آیات محکم و متشابه نزد اوست و امّ الکتاب نیز با اوست».

1246 صاحِبُ الْأَیام

در صدر اسلام، به خصوص مواقع جنگ و جهاد، روزهای مهم و سخت و به یاد ماندنی وجود دارد که در بسیاری از آنها، نام علی بن ابی طالب علیه السلام به وضوح می درخشد. از آن میان است روز بدر و اُحد و احزاب و غیره. پس آن حضرت را به نام صاحب این روزها ملقب کردند، چنان که امام هادی علیه السلام در زیارت روز غدیر می فرماید:

«وَلَکَ الْمَواقِفُ الْمَشْهُودَهُ وَالْمَقاماتُ الْمَشْهُورَهُ، وَالْأَیامُ الْمَذْکُورَهُ یوْمَ بَدْرٍ وَیوْمَ الْأَحْزابِ»؛(5)

«مواقف و مقامات و روزهای مهم صدر اسلام از آن توست؛ از جمله روز بدر و احزاب».

1247 صاحِبُ الْجاهِ الْعَظِیمِ

دارای درجه و مقام باعظمتی است.

درفرازی اززیارت امیرمؤمنان علیه السلام می گوییم:

«فَاشْفَعْ لِی یا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ إِلَی اللَّهِ، فَإِنِّی عَبْدُ اللَّهِ وَمَوْلاکَ وَزآئِرُکَ وَلَکَ عِنْدَ اللَّهِ الْمَقامُ الْمَحْمُودُ وَالْجاهُ الْعَظِیمُ»؛(6)

1- 1422. بحارالانوار، ج 97، ص 305؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
2- 1423. بحارالانوار، ج 97، ص 332.
3- 1424. تهذیب الاحکام، ج 3، ص 71.
4- 1425. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه.
5- 1426. بحارالانوار، ج 97، ص 364؛ مفاتیح الجنان، اعمال عید غدیر.
6- 1427. اقبال الاعمال، ص 610؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

«ای امیرمؤمنان! نزد خدا شفیع ما باش، چرا که من بنده خدا و دوستدار و زائر شمایم، و شما نیز نزد خداوند مقام و درجه بلندی دارید».

1248 صاحِبُ الْحَرَمِ الْکَرِیمِ

حرم و حریم او باکرامت است.

در فرازی از زیارت امیرمؤمنان علیه السلام آمده:

«اللَّهُمَّ ... وَاجْعَلْنِی أَکْرَمَ وافِدٍ وَأَفْضَلَ وارِدٍ وَأَنْبَلَ قاصِدٍ فِی هذَا الْحَرَمِ الْکَرِیمِ»؛(1)

«خدایا مرا گرامی ترین زائر و بهترین وارد و بزرگ ترین قاصد این حرم کریم قرار بده».

1249 صاحِبُ الْحُرُوبِ

معمولاً کسی که در جنگ از همه بیشتر شجاعت نشان بدهد و فداکاری نماید، جنگ را به نام او تمام و منتسب می کنند.

امام رضاعلیه السلام جهت شجاعت و قهرمانی امام علی علیه السلام در جنگ ها فرمود:

«عَلِی صاحِبُ الْحُرُوبِ، مُنَکِّسُ الرّایاتِ وَمُبِیدُ الْأَقْرانِ»؛(2)

«امام علی علیه السلام صاحب جنگ ها و درهم شکننده پرچم دشمنان و کشنده پهلوانان است».

1250 صاحِبُ الْحِلْمِ

شکیبا و بردبار.

درزیارت امیرمؤمنان علیه السلام، خطاب به حضرت می گوییم:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ الْعِلْمِ وَصاحِبَ الْحِلْمِ وَمَوْضِعَ الْحُکْمِ»؛(3)

«سلام بر تو ای وارث دانش و صاحب حلم و بردباری و محل حکم و حکمت ها».

1251 صاحِبُ الدَّرَجَهِ الْعُلْیا

بالاترین و والاترین درجات از آن اوست.

در دعای اعمال مسجد بزرگ کوفه وارد شده است:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ کَهْفُ النَّجاهِ، وَمِنْهاجُ التُّقی وَالدَّرَجَهُ الْعُلْیا»؛(4)

«گواهی می دهم تو پناهگاه نجات هستی، تو راه و روش تقوایی و در درجات عالی قرار داری».

1252 صاحِبُ الدَّلالاتِ

دارنده ادلّه و براهین گوناگون برای اثبات حقانیت خود؛ چنان که در قسمتی از زیارت آن حضرت از امام صادق علیه السلام وارد شده است:

«اَلسَّلامُ عَلی صاحِبِ الدَّلالاتِ وَالْآیاتِ الْباهِراتِ»؛(5)

«سلام بر آن آقایی که دارای ادله و براهین و نشانه های آشکار است».

1253 صاحِبُ دَلِیلِ الْقاهِرِ

امام صادق علیه السلام درباره یاری رساندن پیامبرصلی الله علیه وآله توسط امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید:

«مُفْحِمُ کُلِّ مَنْ جادَلَهُ وَخاصَمَهُ بِدَلِیلِهِ الْقاهِرِ»؛(6)

«محکوم و ساکت می کرد هرکه را باوی مجادله می کرد و با دلیل کوبنده با او مبارزه می نمود.

1- 1428. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ اقبال الاعمال، ص 611.
2- 1429. بحارالانوار، ج 91، ص 352.
3- 1430. بحارالانوار، ج 97، ص 332.
4- 1431. بحارالانوار، ج 97، ص 409؛ مفاتیح الجنان، اعمال مسجد کوفه.
5- 1432. بحارالانوار، ج 97، ص 305.

6- 1433. بحارالانوار، ج 10، ص 16؛ تأويل الايات، ص 34؛ معانى الاخبار، ص 24؛ تفسير الامام العسكرى، ص 63.

1254 صاحِبُ رَدِّ الشَّمْسِ

خورشید به خاطر او از حرکت ایستاد و به محل قبل خود بازگشت. امام علی علیه السلام از چنین عظمت و مقامی برخوردار بود، داستان برگشتن خورشید و ادای نماز امیرمؤمنان علیه السلام از قضایای متواتر صدر اسلام است و مسجد ردّ الشمس نیز که در آن محل ساخته شده، هم اکنون نیز برپاست:

«اَلسَّلامُ عَلی مَنْ رُدَّتْ عَلَیهِ الشَّمْسُ حِینَ تَوارَتْ بِالْحِجابِ»؛(1)

«سلام بر آنکه آفتاب پس از آنکه در حجاب مغرب پنهان گشت با اعجاز برای او برگشت».

1255 صاحِبُ الزُّهْدِ

اگر کسی دستش از مال و قدرت دنیایی کوتاه باشد و بخواهد زاهدانه زندگی کند، خیلی هنر نکرده؛ بلکه هنر آن است که در عین داشتن قدرت و ثروت دنیایی، در دنیا زاهد باشد و امام متّقیان علیه السلام این گونه زندگی می کرد.

فرازی از زیارت ایشان چنین است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا صاحِبَ الزُّهْدِ فِی إِمامَتِهِ»؛(2)

«سلام بر تو ای آقایی که در دوران امامت خود زاهدانه زندگی کردی».

1256 صاحِبُ السَّوابِقِ

دارای سوابق درخشان است، چه سبقت در اسلام و ایمان و چه فداکاری در میدان های نبرد و غیره.

در فرازی از زیارت آن حضرت از زبان امام صادق علیه السلام عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلی مَوْلانا أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ عَلِی بْنِ أَبِی طالِبٍ، صاحِبِ السَّوابِقِ وَالْمَناقِبِ»؛(3)

«سلام بر مولای ما امیرمؤمنان علی بن ابی طالب که دارای سوابق عالی و فضایل والاست».

1257 صاحِبُ سُورَهِ الْعادِیاتِ

سوره عادیات در شأن آن حضرت نازل شده، جریان سرعت حمله و محاصره دشمنان توسط امام علی علیه السلام و یارانش و شکست سخت مشرکان و کافران، در تاریخ ضبط شده است.

و نیز امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت می فرماید:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا مَنْ نَزَلَتْ فِی فَضْلِهِ سُورَهُ الْعادِیاتِ»؛(4)

«سلام بر تو ای آقایی که سوره عادیات در بیان فضیلت تو نازل شده است».

1258 صاحِبُ سَیفِ الْباتِرِ

دارنده شمشیر تیز و برنده.

همچنین مراجعه شود به: حِلْمُهُ مِنْ حِلْمِ الرَّسُولِ [1138]

1259 صاحِبُ الشَّأْنِ الْکَبِیرِ

شأن و منزلت و مقام بزرگی دارد، چنان که در قسمتی از زیارت مطلقه آن حضرت آمده:

1- 1434. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
2- 1435. بحارالانوار، ج 97، ص 331.
3- 1436. بحارالانوار، ج 97، ص 305؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه ششم امیرالمؤمنین.
4- 1437. بحارالانوار، ج 97، ص 373؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.

«وَلَکَ عِنْدَ اللَّهِ الْمَقامُ الْمَحْمُودُ وَالْجاهُ الْعَظِیمُ، وَالشَّأْنُ الْکَبِیرُ»؛(1)

و برای تو در نزد خداوند، مقام پسندیده و جایگاه باعظمتی است و تو دارای شأن و منزلت بزرگی هستی».

1260 صاحِبُ الشَّفاعَهِ

در روز قیامت به اذن خدای تعالی برای دوستان و شیعیان خود شفاعت می کند؛ پس با این عنوان، به آن حضرت سلام می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلی صاحِبِ الشَّفاعَهِ فِی یوْمِ الْوَری ؛(2)

«سلام بر صاحب شفاعت در روز محشر».

1261 صاحِبُ الشَّفاعَهِ الْمَقْبُولَهِ

رسول خدا و امامان معصوم علیهم السلام، به خصوص امیرمؤمنان علیه السلام به جهت مقام و منزلتی که نزد خدای تعالی دارند، اگر به اذن خدا برای کسی شفاعت کنند، شفاعت ایشان پذیرفته می شود. امام صادق علیه السلام در زیارت آن جناب می فرماید:

«وَلَکَ عِنْدَ اللَّهِ الْمَقامُ الْمَحْمُودُ وَالشَّفاعَهُ الْمَقْبُولَهُ»؛(3)

«تو در نزد خدا مقام پسندیده داری، و شفاعتت نیز نزد خداوند پذیرفته است».

1262 صاحِبُ الطَّوائِلِ

دارای نعمت فضل و قدرت و علوّ مرتبه.

امام صادق علیه السلام در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلی صاحِبِ النُّهی وَالْفَضْلِ وَالطَّوآئِلِ، وَالْمَکْرُماتِ وَالنَّوآئِلِ»؛(4)

«سلام بر صاحب عقل کامل و فضایل و نعم بی شمار و مکارم و عطایای کامله».

1263 صاحِبُ الْغَرَواتِ

غزوات جمع غزوه به معنای میدان جنگ و نبرد است و اصطلاحاً به جنگ هایی گفته می شود که رسول خداصلی الله علیه وآله شخصاً در آن حضور داشتند و امام علی علیه السلام نیز در تمام غزوات پیامبرصلی الله علیه وآله شرکت داشت. در زیارت مطلقه آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلی أَمِیرِ الْجُیوشِ وَصاحِبِ الْغَزَواتِ»؛(5)

«سلام بر فرمانده لشکرهای رسول خداصلی الله علیه وآله و صاحب فتح و پیروزی در جنگ ها».

1264 صاحِبُ الْفَضائِلِ

دارای فضایل بی شمار است.

همچنین مراجعه شود به: الْإِمامُ الْعادِلُ [1060]

1265 صاحِبُ الْفَضْلِ

فضل، زیادی از هر چیزی است که به معنای برتری می آید و امیرمؤمنان علیه السلام کسی است که همه فضایل و مناقب را دارا است.

«اَلسَّلامُ عَلی صاحِبِ النُّهی وَالْفَضْلِ»؛(6)

«سلام بر صاحب عقل کامل و فضایل بسیار».

1- 1438. بحارالانوار، ج 97، ص 307؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
2- 1439. مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
3- 1440. بحارالانوار، ج 97، ص 307؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
4- 1441. بحارالانوار، ج 97، ص 305؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه ششم امیرالمؤمنین.
5- 1442. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

6- 1443. بحارالانوار، ج 97، ص 305؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه ششم امیرالمؤمنین.

1266 صاحِبُ الْمَعالِی

دارای بزرگی های اخلاقی است.

همچنین مراجعه شود به: خَیرُ مَنْ وَطَأَ الثَّری [1156]

1267 صاحِبُ الْمُعْجِزاتِ الْقاهِراتِ

دارای معجزاتی است که برهمگان غلبه دارد.

در فرازی از زیارت آن حضرت، بر زبان امام صادق علیه السلام جاری شده:

«اَلسَّلامُ عَلی صاحِبِ الدَّلالاتِ وَالْآیاتِ الْباهِراتِ، وَالْمُعْجِزاتِ الْقاهِراتِ»؛ (1)

«سلام بر آنکه دارای ادله و نشانه های روشن و معجزات غالب است».

1268 صاحِبُ الْمَقامِ الْعَظِیمِ

دارای جایگاه رفیع و عظیم است.

در زیارت مطلقه امام علی علیه السلام آمده است:

«اَللَّهُمَّ وَاجْعَلْنِی أَکْرَمَ وافِدٍ وَأَفْضَلَ وارِدٍ وَأَنْبَلَ قاصِدٍ فِی هذَا الْحَرَمِ الْکَرِیمِ وَالمَقامِ الْعَظِیمِ»؛(2)

«خدایا مرا گرامی ترین زائر و بهترین وارد و بزرگ ترین قاصد این حرم کریم و موقعیت عظیم قرار بده».

1269 صاحِبُ الْمَقامِ الْمَحْمُودِ

دارای مقام و مرتبه پسندیده.

امام صادق علیه السلام این فضیلت و منقبت را برای امیرمؤمنان علیه السلام بیان نموده است:

«فَاشْفَعْ لِی یا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ إِلَی اللَّهِ، فَإِنِّی عَبْدُ اللَّهِ وَمَوْلاکَ وَزائِرُکَ وَلَکَ عِنْدَ اللَّهِ الْمَقامُ الْمَحْمُودُ»؛(3)

«ای امیرمؤمنان! برای من نزد خدا شفیع باش، که من بنده خدا و دوستدار و زائر تو هستم و تو نیز نزد خداوند مقام پسندیده ای داری».

1270 صاحِبُ الْمَقاماتِ الْمَشْهُورَهِ

امام عسکری علیه السلام از امام هادی علیه السلام در زیارتی برای امیرمؤمنان علیه السلام نقل فرموده است:

«وَلَکَ الْمَواقِفُ الْمَشْهُودَهُ وَالْمَقاماتُ الْمَشْهُورَهُ»؛(4)

«و برای تو است موقف ها و موقعیت های معین و مشهود و مقامات و جایگاه های مشهور».

1271 صاحِبُ الْمَکارِمِ

والایی های اخلاقی از آن او است.

همچنین مراجعه شود به: خَیرُ مَنْ وَطَأَ الثَّری [1156]

1272 صاحِبُ الْمَکْرُماتِ

مکرمات از کرامت؛ جامع تمام نیکی ها، کرامت ها و بزرگواری ها است.

امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت چنین فرموده است:

«اَلسَّلامُ عَلی صاحِبِ النُّهی وَالْفَضْلِ وَالطَّوآئِلِ، وَالْمَکْرُماتِ وَالنَّوآئِلِ»؛(5)

«سلام بر صاحب عقل کامل و کرامات و فضایل و نعمت های بی شمار، و بزرگواری ها و مکارم و عطایای الهی».

1- 1444. بحارالانوار، ج 97، ص 305؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
2- 1445. بحارالانوار، ج 97، ص 301.
3- 1446. بحارالانوار، ج 97، ص 305؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
4- 1447. بحارالانوار، ج 97، ص 364؛ مفاتیح الجنان، اعمال عید غدیر.

5- 1448. بحارالانوار، ج 97، ص 305؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه ششم امیرالمؤمنین.

1273 صاحِبُ الْمَناقِبِ

دارای فضیلت و منقبت (اعمال نیک) است.

امام صادق علیه السلام به معرفی امیرمؤمنان علیه السلام پرداخته و در زیارت آن حضرت می فرماید:

«اَلسَّلامُ عَلی مَوْلانا أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِی بْنِ أَبِی طالِبٍ، صاحِبِ السَّوابِقِ وَالْمَناقِبِ»؛(1)

«سلام بر مولای ما امیرمؤمنان که دارای سوابق و فضایل درخشان است».

1274 صاحِبُ الْمَنْهَلِ الْجَلِیلِ

حرم او، جایگاه نوشیدن زلال معرفت است.

در زیارت مطلقه آن حضرت آمده است:

«اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنِی أَکْرَمَ وافِدٍ وَأَفْضَلَ وارِدٍ وَأَنْبَلَ قاصِدٍ فِی هذَا الْحَرَمِ الْکَرِیمِ وَالْمَقامِ الْعَظِیمِ وَالْمَوْرِدِ النَّبِیلِ وَالْمَنْهَلِ الجَلِیلِ»؛(2)

«خدایا مرا گرامی ترین زائر در این حرم کریم و بهترین وارد شونده در این جایگاه عظیم و بزرگ ترین قاصد و رساننده پیام در این مقام شریف و نجیب و نیز سیراب شونده در این مکان باشکوه قرار بده».

1275 صاحِبُ الْمَواقِفِ الْمَشْهُودَهِ

مواقف زمان ها یا مکان هایی که امر مهمی در آن واقع شده. مواقف مشهوده؛ مواردی که در برابر چشم مردم اتفاق افتاده و شاهد بوده اند.

در زیارت امیرمؤمنان در روز غدیر آمده:

«وَلَکَ الْمَواقِفُ الْمَشْهُودَهُ وَالْمَقاماتُ الْمَشْهُورَهُ»؛(3)

«و برای توست موقف ها و مواقع سخت که مشهود خلق بود و مقاماتی که مشهور می باشند (مانند روزهای جنگ بدر و احد و غیره)».

1276 صاحِبُ الْمَوْرِدِ النَّبِيلِ

صاحب جایگاه بافضیلت و باعظمت.

همچنین مراجعه شود به: صاحِبُ الْمَنْهَلِ الْجَلِيلِ [1274]

1277 صاحِبُ میراثِ النُّبُوَّهِ

میراث دار علم و مقام ولایت نبوی؛ چنان که در زیارت آن حضرت می گوییم:

«أَشْهَدُ أَنَّ الْحَقَّ مَعَکَ وَإِلَیکَ وَأَنْتَ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ وَمِیراثُ النُّبُوَّهِ عِنْدَکَ»؛(4)

«گواهی می دهم حقّ باتو و به سوی توست، و تو اصل و اهل حقّ هستی و میراث نبوّت نزد توست».

1278 صاحِبُ النَّجْدَهِ

نجده به معنای شجاعت و شدّت است در هنگام دفاع از چیزی. و امام علی علیه السلام که اشجع الناس بوده، در تمام جنگ ها و مبارزات صدر اسلام در رکاب پیامبر خداصلی الله علیه وآله شمشیر می زد؛ چنان که در اخبار و آثار ضبط شده است.(5)

امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلی مَوْلانا أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِی بْنِ أَبِی طالِبٍ، صاحِبِ السَّوابِقِ وَالْمَناقِبِ وَالنَّجْدَهِ»؛(6)

1- 1449. بحارالانوار، ج 97، ص 305؛ مفاتیح الجنان،زیارت مطلقه ششم امیرالمؤمنین.
2- 1450. بحارالانوار، ج 97، ص 301.
3- 1451. بحارالانوار، ج 97، ص 364؛ مفاتیح الجنان، اعمال عید غدیر.
4- 1452. بحارالانوار، ج 97، ص 294؛ اصول کافی ج 4، ص 570.
5- 1453. کشف الغمه، ج 1، ص 22.
6- 1454. بحارالانوار، ج 97، ص 305؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه ششم.

«سلام بر مولای ما امیرمؤمنان، صاحب سوابق درخشان و شجاعت ها و فضایل بی نظیر».

1279 صاحِبُ النَّوائِلِ

صاحب عطا و بخشش.

همچنین مراجعه شود به: صاحِبُ الْمَكْرُماتِ [1272]

1280 صاحِبُ النُّهى

نُهی به معنای عقل است؛ صاحب عقل.

1272 همچنین مراجعه شود به: صاحِبُ الْمَكْرُماتِ [1272]

1281 الصّادِعُ

بانگ زننده و اظهارکننده، «صادع بأمر اللَّه»؛ یعنی امر الهی را اظهار و آشکارا آن را اعلان می کند، چنان که در توصیف آن حضرت آمده:

«وَالدّالِّ عَلَيكَ، وَالصّادِعِ بِأَمْرِكَ»؛(1)

«او که راهنمایی کننده به سوی تو و اظهارکننده امر توست».

1282 صادِقُ الْقَوْلِ

سخنش راست و درست است.

بیانی است در یکی از زیارات آن حضرت:

«أَشْهَدُ أَنَّ قَوْلَكَ الصِّدْقُ وَأَنَّ دَعْوَتَكَ الْحَقُّ»؛(2)

«گواهی می دهم سخن تو راست و دعوت تو حقّ است».

1283 الصِّراطُ الْواضِحُ

راه و خط روشن و آشکار به سوی هدایت الهی، که همانا پیروی از امیرمؤمنان علیه السلام است. در زیارت آن حضرت به ایشان سلام می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَی الصِّراطِ الْواضِحِ»؛(3)

«سلام بر راه و صراط آشکار خدا».

1284 الصَّفْوَهُ

صاف و خالص و گزینش شده از هر چیزی.

در یکی از زیارات مطلقه امیرمؤمنان علیه السلام وارد شده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا سَیدَ الْوَصِیینَ... وَالصَّفْوَهَ مِنْ سُلالَهِ النَّبِیینَ»؛(4)

«سلام بر تو ای آقای جانشینان و گزینش شده از سلاله و ذریه پیامبران الهی».

1285 صَفْوَهُ النَّبِی ّ

خالص و انتخاب شده و گزینش شده رسول خداصلی الله علیه وآله. در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام، از امام صادق علیه السلام وارد شده که از خداوند می خواهد:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی وَلِیکَ وَأَخِی نَبِیکَ... وَصَفْوَتِهِ»؛(5)

«خدایا درود فرست بر ولی خودت و برادر پیامبرت، او که برگزیده رسولت است».

1286 الصَّفِی

صاف و خالص از هر چیزی.

امام صادق علیه السلام در سلام به حضرت علی علیه السلام می فرماید:

1- 1455. بحارالانوار، ج 95، ص 319؛ مفاتیح الجنان، اعمال عید غدیر.
2- 1456. بحارالانوار، ج 97، ص 325؛ تهذیب طوسی، ج 6، ص 59.
3- 1457. بحارالانوار، ج 97، ص 287؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 222؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

4- 1458. بحارالانوار، ج 97، ص 285؛ مفاتیح الجنان،زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
5- 1459. بحارالانوار، ج 97، ص 392؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.

«اَلسَّلامُ عَلَى الْإِمامِ التَّقِى الْمُخْلِصِ الصَّفِى»؛(1)

«سلام بر پیشوای باتقوای کامل و با اخلاص خاص به حق».

1287 الصَّوّامُ

بسیار روزه دار.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِى [1021]

1288 الصَّيبُ الْهاطِلُ

دارای فضایل بی شمار است، به گونه ای که مثل باران از او ریزش دارد.

همچنین مراجعه شود به: الْإِمامُ الْعادِلُ [1060]

1289 الضِّياءُ الْأَزْهَرُ

نور بسیار درخشان، چنان که امام صادق علیه السلام در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است:

«اَلسَّلامُ عَلى نُورِ اللَّهِ الْأَنْوَرِ، وَضِيآئِهِ الْأَزْهَرِ»؛(2)

«سلام بر پرنورترین و درخشان ترین نورخدا».

1290 طاعَتُهُ طاعَةُ اللَّهِ

اطاعت و فرمان بری از او، اطاعت از خدا محسوب می شود.

روزی معاویه در مقابل امام حسن علیه السلام، شروع به خودستایی و فخرفروشی کرد. امام علیه السلام ضمن برشمردن القاب پدر بزرگوارش فرمود:

«أَ عَلَى تَفْتَخِرُ يا مُعاوِيهُ! أَنَا اِبْنُ عُرُوقِ الثَّرى أَنَا ابْنُ مَأْوَى التُّقى أَنَا ابْنُ مَنْ جآءَ بِالْهُدى أَنَا ابْنُ مَنْ سادَ أَهْلَ الدُّنْيا بِالْفَضْلِ السّابِقِ وَالْحَسَبِ الْفائِقِ، أَنَا ابْنُ مَنْ طاعَتُهُ طاعَةُ اللَّهِ وَمَعْصِيتُهُ مَعْصِيةُ اللَّهِ»؛(3)

«آیا بر من افتخار می کنی ای معاویه! من پسر کسی هستم که مایه حیات جهان است، من پسر پناه گاه پرهیزکاران هستم، من پسر کسی هستم که با هدایت آمده، همان که به جهت فضیلت بیشتر و حسب بالاتر بر همه اهل دنیا آقایی دارد، من پسر کسی هستم که اطاعت از او اطاعت از خدا و نافرمانی از او نافرمانی از خدا است».

1291 الطّالِبُ

امام علی علیه السلام طالب خدا و وعده های او بود.

امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت فرمود:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ جُدْتَ بِنَفْسِکَ صابِراً مُحْتَسِباً، مُجاهِداً عَنْ دِینِ اللَّهِ، مُوَقِّیاً لِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه وآله، طالِباً ما عِنْدَ اللَّهِ»؛(4)

«گواهی می دهم که تو با صبر و شکیبایی، ایثار و جانبازی کردی، از دین خدا دفاع نمودی، از رسول خدا محافظت فرمودی و همه اینها به جهت طلب ثواب و اجر و خشنودی خدا بود».

1292 طه

گرچه معروف است که «طه» از اسامی قرآنی رسول خداصلی الله علیه وآله باشد، لیکن امام صادق علیه السلام با این عبارات، امیرمؤمنان علیه السلام را زیارت فرموده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا والِدَ الْأَئِمَّهِ الْبَرَرَهِ السّاداتِ... اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا طه وَیس»؛ (5)

1- 1460. بحارالانوار، ج 97، ص 375؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.
2- 1461. اقبال الاعمال، ص 610؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.
3- 1462. بحارالانوار، ج 44، ص 103؛ مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص 21؛ کشف الغمّه، ج 1، ص 575؛ العدد القویه ص 40.

4- 1463. من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 589؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
5- 1464. بحارالانوار، ج 97، ص 375؛ اقبال الاعمال، ص 608؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.

«سلام بر تو ای پدر امامان نیک و بزرگوار ... سلام بر تو ای طاها و یاسین».

طه به معنای طاهر؛ و به این جهت است که امام علی علیه السلام نفس رسول خداصلی الله علیه وآله می باشد.

1293 الطّاهِرُ الْمُقَدَّسُ

پاک و پاکیزه و مقدّس.

در زیارت آن حضرت گفته می شود:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ طاهِرٌ مُقَدَّسٌ وَأَنَّکَ وَلِی اللَّهِ وَوَصِی رَسُولِهِ صلی الله علیه وآله»؛(1)

«گواهی می دهم تو پاک و مقدّس هستی، تو ولی خدا و جانشین رسول او هستی».

در زیارتی دیگر عرض می کنیم:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ طُهْرٌ طاهِرٌ مُطَهَّرٌ مِنْ طُهْرٍ طاهِرٍ مُطَهَّرٍ»؛(2)

«گواهی می دهم که ذات مقدّس تو پاک و پاکیزه است و از هر عیبی مبرایی و از اجدادی هستی که همه آنان نیز پاک و پاکیزه و طاهر بودند».

1294 طَوِیلُ الْباعِ

حضرت زهراعلیها السلام این اشعار را در زمانی سروده است که هرچه داشتند، در راه خدا به فقرا داده بودند:(3)

شِبْلای وَاللَّهِ هُما جِیاعٌ

یا رَبِّ لا تَتْرُکْهُما ضِیاعَ

أَبُوهُما لِلْخَیرِ ذُواصْطِناعٍ

عِبْلُ الذِّراعَینِ طَوِیلُ الْباعِ

«به خدا سوگند فرزندانم اکنون گرسنه اند، خدایا آنان را به حال خود وامگذار که از دست بروند. پدرشان علی علیه السلام در سخاوت و خوبی ها بی نظیر است و آنچه دارد و به دست می آورد را با دستان بخشنده اش به دیگران می دهد.

1295 الطُّهْرُ

او عین طهارت و پاکیزگی است. پس در زیارت ایشان، شهادت می دهیم:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ طُهْرٌ طاهِرٌ»؛(4)

«گواهی می دهم تو اصل طهارت هستی».

1296 طَیبُ الْوِلادَهِ

ذرّه ای خبث و خباثت و ناپاکی در وجود او نیست، امام علی علیه السلام انسانی است که از هر لحاظ پاک و طیب و طاهر است.

در فرازی از زیارت آن حضرت چنین آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ أَیهَا الطَّیبُ فِی وِلادَتِهِ»؛(5)

«سلام بر تو که در ولادت طیب و طاهر بودی».

1297 الْعابِدُ

عبادت کننده خدای تعالی، عبادت خالصانه.

همچنین مراجعه شود به: جادَ بِنَفْسِهِ [1117]

1298 عادِلٌ فِی الْخِلافَهِ

در طول خلافت و زمامداری اش نهایت عدالت را رعایت نمود.

در زیارتش سلام می دهیم:

1- 1465. بحارالانوار، ج 97، ص 299.

2- 1466. من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 589؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
3- 1467. فرهنگ سخنان فاطمه زهراعلیها السلام، ص 137.
4- 1468. من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 589؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین؛ اقبال الاعمال، ص 712.
5- 1469. بحارالانوار، ج 97، ص 331.

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ أَیهَا الْعادِلُ فِی خِلافَتِهِ»؛(1)

«سلام بر تو ای کسی که در طول مدّت خلافت و امامت خود به عدالت رفتار نمودی».

1299 عادِلٌ فِی الرَّعِیهِ

در بین مردم به عدالت رفتار می کرد و اجازه نمی داد به کسی ظلم و ستم شود.

این شهادتی است که امام هادی علیه السلام در مورد امام علی علیه السلام داده است:

«وَأَنْتَ الْقاسِمُ بِالسَّوِیهِ، وَالْعادِلُ فِی الرَّعِیهِ»؛(2)

«ای علی! تو تقسیم کننده به تساوی هستی و عدالت گستر بین مردم می باشی».

1300 عالِمٌ بِحُدُودِ اللَّهِ

به احکام و حدود خدا آگاهی دارد، چنان که در فرازی از زیارتش آمده:

«وَأَنْتَ الْعالِمُ بِحُدُودِ اللَّهِ مِنْ جَمِیعِ الْبَرِیهِ»؛(3)

«(ای امیرمؤمنان) تو عالم به احکام و حدود خداوند از بین همه مردم هستی».

1301 الْعالِمُ الْمُبِینُ

دانای آشکار کننده.

در زیارت مطلقه امیرمؤمنان علیه السلام، آن حضرت این گونه توصیف شده است:

«اِبْنُ عَمِّهِ، الْأَنْزَعُ الْبَطِینُ، الْعالِمُ الْمُبِینُ، عَلِی أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ»؛(4)

«پسرعموی رسول خداصلی الله علیه وآله انزع البطین و عالم مبین، علی امیرمؤمنان است».

1302 عالِی النَّسَبِ وَ الشَّرَفِ

دارای نسب و شرافت عالی است.

همچنین مراجعه شود به: الْإِمامُ الْعادِلُ [1060]

1303 عامِلٌ بِالْکِتابِ

عمل کننده به قرآن.

«أَشْهَدُ أَنَّکَ جاهَدْتَ فِی اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ، وَعَمِلْتَ بِکِتابِهِ»؛(5)

«گواهی می دهم که تو نهایت جهاد را در راه خدا نمودی و به کتاب خدا قرآن عمل فرمودی».

1304 الْعَبْدُ الصّالِحُ

بنده شایسته خدا، چنان که در روایت آمده:

«قَدْ بایعَ النّاسُ مِنْ بَعْدِهِ الْعَبْدَ الصّالِحَ وَالْإِمامَ النّاصِحَ أَخا رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه وآله»؛(6)

«مردم بعداز رسول خداصلی الله علیه وآله با بنده صالح و امام ناصح که برادر رسول خدا است، بیعت کردند».

1305 عُدَّهُ الْمَعادِ

جماعت و نیروی ذخیره و پشتیبان است.

در فرازی از زیارت امیرمؤمنان علیه السلام، از امام هادی علیه السلام نقل شده است:

«مَوْلای أَنْتَ الْحُجَّهُ عَلَی الْعِبادِ، وَالْهادِی إِلَی الرَّشادِ، وَالْعُدَّهُ لِلْمَعادِ»؛(7)

1- 1470. بحارالانوار، ج 97، ص 331.
2- 1471. بحارالانوار، ج 97، ص 364؛ مفاتیح الجنان، اعمال عید غدیر.
3- 1472. بحارالانوار، ج 97، ص 364؛ مفاتیح الجنان، اعمال عید غدیر.

4- 1473. بحارالانوار، ج 97، ص 303.
5- 1474. بحارالانوار، ج 97، ص 366؛ مفاتيح الجنان، زيارت امين اللَّه؛ مصباح المتهجد، ص 738؛ كامل الزيارات، ص 39.
6- 1475. بحارالانوار، ج 42، ص 260.
7- 1476. بحارالانوار، ج 97، ص 362؛ مفاتيح الجنان، اعمال عيد غدير.

«ای مولای من تو حجت خدا بر بندگان هستی، و راهنمایی کننده به سوی هدایت می باشی و دوستی تو ذخیره روز قیامت است».

1306 الْعَذابُ الصَّبُ

عذابی که مدام بر سر معاندان و کافران آن حضرت می ریزد.

از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شده و نیز در زیارت مخصوصه آن حضرت آمده:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ کُنْتَ عَلَی الْکافِرِینَ عَذاباً صَبّاً»؛(1)

«گواهی می دهم تو برای کافران، عذاب دردناک و همیشگی هستی».

1307 عُرُوقُ الثَّری

امیرمؤمنان علیه السلام ریشه و اصل و اساس و مایه حیات جهان است.

همچنین مراجعه شود به: طاعَتُهُ طاعَهُ اللَّهِ [1290]

1308 عِصْمَهُ الْأَوْلِیاءِ

حافظ و پناه و مراقب اولیای الهی.

امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا عِصْمَهَ الْأَوْلِیآءِ»؛(2)

«سلام بر تو ای پناه و حافظ اولیای خدا».

1309 عِصْمَهُ الْمُؤْمِنِینَ

موجب حفاظت و صیانت افراد ایمان آورده به خدای متعال است.

امام صادق علیه السلام در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام، به شیعیان خود تعلیم فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلی عِصْمَهِ الْمُؤْمِنِینَ»؛(3)

«سلام بر حافظ و نگهبان اهل ایمان».

1310 عَظِیمُ الْأَجْرِ

دارای اجر و ثواب بسیار و بزرگ.

امام علی علیه السلام فداکاری ها و جان فشانی های بسیاری در راه اسلام و مکتب انجام داده، که دارای اجر و مزد زیادی است، به گونه ای که رسول خداصلی الله علیه وآله فرموده: یک ضربه او در روز خندق، افضل از عبادات ثقلین است.

امام صادق علیه السلام نیز در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام، خطاب به آن حضرت فرمود:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ یا وَلِی اللَّهِ وَجاهَدْتَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ صابِراً ناصِحاً مُجْتَهِداً مُحْتَسِباً عِنْدَ اللَّهِ عَظِیمَ الْأَجْرِ»؛(4)

«گواهی می دهم که تو ولی خدایی، و در راه خدا با صبر و شکیبایی و باتلاش فراوان جهاد نمودی و لذا در نزد خداوند اجر فراوان داری».

1311 عَظِیمُ الْحالِ

نزد خداوند دارای عظمت و منزلت است.

در قسمتی از زیارت حضرت می گوییم:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ عَبْدُ اللَّهِ وَأَخُو رَسُولِهِ صلی الله علیه وآله أَتَیتُکَ وافِداً لِعَظِیمِ حالِکَ وَمَنْزِلَتِکَ عِنْدَ اللَّهِ»؛(5)

1- 1477. امالی صدوق، ص 241؛ اصول کافی، ج 1، ص 454؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 592؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
2- 1478. بحارالانوار، ج 97، ص 373؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین در روز مولود پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله؛ اقبال الاعمال، ص 608.

3- 1479. اقبال الاعمال، ص 608؛ مفاتيح الجنان، زيارت مطلقه اميرالمؤمنين.
4- 1480. بحارالانوار، ج 97، ص 375؛ مفاتيح الجنان، زيارت اميرالمؤمنين روز ميلاد پيامبر.
5- 1481. البلد الامين، ص 292؛ كتاب المزار، ص 81.

«گواهی می دهم تو بنده خدا و برادر رسولش می باشی، من به سوی تو آمدم به جهت عظمت و منزلتی که نزد خداوند داری».

1312 عَظِیمُ الْمِراسِ

دارای شجاعت و نیروی قوی.

همچنین مراجعه شود به: شَدِیدُ الْبَأْسِ [1237]

1313 الْعَقَبِی

در پیمان عقبه حضور داشته است.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1314 عَقْلُهُ مِنْ عَقْلِ الرَّسُولِ

عقلش از عقل رسول خداصلی الله علیه وآله است.

همچنین مراجعه شود به: حِلْمُهُ مِنْ حِلْمِ الرَّسُولِ [1138]

1315 عَلَمُ التُّقی

نشانه و علامت تقوی و پرهیزکاری؛ هرکه بخواهد راه تقوا و پرهیزکاری را بپیماید، باید به او بنگرد و از او تقلید کند.

فرازی از زیارت مربوط به آن حضرت چنین است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا عَلَمَ التُّقی ؛(1)

«سلام بر تو ای پرچم و نماینده عالی تقوا».

1316 عِلْمُ الْمُؤْمِنِینَ

مؤمنان هرچه از علم و آگاهی دارند، همه از سرچشمه دانش فیاض و بی منتهای امام است. در زیارت مطلقه آن حضرت آمده:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ کُنْتَ لِلْمُؤْمِنِینَ غَیثاً، وَخِصْباً وَعِلْماً»؛(2)

«گواهی می دهم تو برای اهل ایمان، باران رحمت و نعمت و دریای علم بودی».

1317 عَلَمُ الْمُهْتَدِينَ

در قسمتی از زیارت امام زمان علیه السلام، در وصف امام علی علیه السلام چنین آمده است:

«اَللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلى وَلِيکَ، قِبْلَهِ الْعارِفِينَ، وَعَلَمِ الْمُهْتَدِينَ»؛(3)

«خدایا درود فرست بر ولی ات، که قبله و هدف عارفان خدا و پرچم و نشانه هدایت یافتگان است».

1318 عِلْمُهُ مِنْ عِلْمِ الرَّسُولِ

امیرمؤمنان علیه السلام هرچه علم و دانش دارد، از رسول خداصلی الله علیه وآله گرفته است.

همچنین مراجعه شود به: حِلْمُهُ مِنْ حِلْمِ الرَّسُولِ [1138]

1319 عِمادُ الْأَتْقِياءِ

پایه و تکیه گاه پارسایان و تقواپیشگان.

پرهیزکاران با اعتماد و تکیه به آن پشتوانه والا (امیرمؤمنان علیه السلام) در راه تقوای الهی گام برمی دارند.

امام صادق علیه السلام در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام، به آن حضرت، این گونه سلام می دهد:

«اَلسَّلامُ عَلَيکَ يا عِمادَ الْأَتْقِياءِ»؛(4)

«سلام برتو ای پایه و پشتوانه تقواپیشگان».

1- 1482. من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 592؛ مفاتيح الجنان، زيارت اميرالمؤمنين در روز مبعث.

2- 1483. بحارالانوار، ج 97، ص 377؛ امالی صدوق، ص 241؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
3- 1484. مصباح المتهجّد، ص 767؛ موسوعه امام علی، ج 8، ص 288.
4- 1485. بحارالانوار، ج 97، ص 373؛ اقبال الاعمال، ص 608؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.

1320 عِمادُ الْأَرْضِ

استقرار زمین به یمن وجود نازنین امامان معصوم، به خصوص امام علی علیه السلام است، و گرنه زمین اهلش را نابود می کند:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ مِنْ دَعائِمِ الدِّینِ وَعِمادِهِ وَرُکْنِ الْأَرْضِ وَعِمادِها»؛(1)

«گواهی می دهم تو از پایه ها و استوانه های دین و رکن و سبب استحکام زمین هستی».

1321 عِمادُ الْأَصْفِیاءِ

تکیه گاه برگزیدگان خدا.

امام صادق علیه السلام در زیارت حضرت می فرماید:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَبْدِکَ الْمُرْتَضی وَعِمادِ الْأَصْفِیآءِ»؛(2)

«خدایا درودفرست بر محمّد و آل محمّد و درود فرست بر امیرمؤمنان که بنده پسندیده تو است و او که معتمد و تکیه گاه برگزیدگان است».

1322 عِمادُ الدِّینِ

امام علی علیه السلام عماد و ستون و رکن اساسی دین مبین است، همان طور که در زیارت ایشان شهادت می دهیم.

همچنین مراجعه شود به: عِمادُ الْأَرْضِ [1320]

1323 عَناصِرُ الْأَخْیارِ

اصل و حسب و ریشه همه خوبان و نیکان.

همچنین مراجعه شود به: سَلِیلُ الْأَطْهارِ [1209]

1324 عُنْصُرُ الْأَبْرارِ

اصل و نسب تمام ابرار و نیکان؛ تمام خوبان عالم از آن حضرت ریشه می گیرند.

در فرازی از زیارت آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا نُورَ الْأَنْوارِ وَمَحَلَّ سِرِّ الْأَسْرارِ وَعُنْصُرَ الْأَبْرارِ وَمُعْلِنَ الْأَخْیارِ»؛(3)

«سلام بر تو ای سبب نورانیت همه نورها و جایگاه جمع اسرار و اصل و ریشه همه ابرار و آشکار کننده اخیار و نیکان».

1325 عَیبَهُ عِلْمِ اللَّهِ

محل سرّ، و گنجینه علم خدا.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1326 عَیبَهُ غَیبِ اللَّهِ

خزینه و محل راز و سرّ علم و غیب الهی.

در دعای روز عید غدیر آمده است:

«عَلَماً لِدِینِ اللَّهِ وَخازِناً لِعِلْمِهِ، وَعَیبَهَ غَیبِ اللَّهِ»؛(4)

«او پرچم دین خدا و گنجینه و خزینه علم غیب خدا است».

و نیز امام صادق علیه السلام می فرماید: هنگام زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام، به آن حضرت خطاب نموده و بگوییم:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا عَیبَهَ غَیبِ اللَّهِ»؛(5)

«سلام بر تو ای جایگاه علم غیب خدا».

1- 1486. بحارالانوار، ج 97، ص 325؛ تهذیب طوسی، ج 6، ص 59.
2- 1487. بحارالانوار، ج 97، ص 307؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
3- 1488. بحارالانوار، ج 97، ص 348.
4- 1489. بحارالانوار، ج 95، ص 298؛ مفاتیح الجنان،اعمال عید غدیر.

5- 1490. بحارالانوار، ج 97، ص 348.

1327 عَينُ الْمُؤْمِنِينَ

در زیارت آن حضرت از امام صادق علیه السلام آمده:

«كُنْتَ عَلَى الْكافِرِينَ عَذاباً صَبّاً وَغِلْظَةً وَغَيظاً وَلِلْمُؤْمِنِينَ عَيناً وَحِصْناً وَعِلْماً»؛(1)

«تو بر کافران، عذاب سخت و خشم و غضب و بر مؤمنان، چشم بینا و پناه گاه و آگاهی هستی».

1328 غاسِلُ الزَّهْراءِ

حضرت زهراعلیها السلام به امام علی علیه السلام وصیت کرده بود که فقط او به همراه اسماء بنت عمیس غسل و کفنش را انجام دهد، آن هم شبانه و کسی از غاصبان حقّ ولایت باخبر نشود:

«حَنِّطْنِی وَغَسِّلْنِی وَكَفِّنِّی بِاللَّيلِ وَصَلِّ عَلى وَادْفِنِی بِاللَّيلِ وَلا تُعْلِمْ أَحَداً»؛(2)

«ای علی! مرا شب حنوط کن، شب غسل بده، شب کفن کن، و نماز و دفن من شبانه باشد و کسی را هم خبر نکن».

1329 غايهُ مَنْ بَرَأَهُ اللَّهُ

خداوند به واسطه او، همه را شفا و خلاصی می دهد.

در زیارت وارد شده است:

«اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا غايهَ مَنْ بَرَأَهُ اللَّهُ»؛(3)

«سلام بر تو ای سبب رهایی نجات یافتگان».

1330 غِلْظَهُ الْكافِرِينَ

امیرمؤمنان علیه السلام که مظهر اسمای حسنای خدای تعالی است، برای مؤمنان و موحدان رحمت است و برای کافران و مشرکان، غیظ و غضب و عذاب است.

در زیارتی از امام صادق علیه السلام برای آن حضرت آمده است:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ کُنْتَ عَلَی الْکافِرِینَ عَذاباً صَبّاً وَغِلْظَةً وَغَیظاً»؛(4)

«من گواهی می دهم تو برای کافران عذاب و با ایشان غلیظ و سخت و خشمناک بودی».

1331 غِیاثُ الْمُسْتَغِیثِینَ

دادرس بیچارگان و فریادرس دادخواهان.

امیرمؤمنان علیه السلام شخصیتی است که دیگران از او کمک می خواهند.

فرازی از زیارت امام علی علیه السلام چنین است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ وَسَیدَ الْوَصِیینَ وَیا إِمامَ الْمُتَّقِینَ وَیا غِیاثَ الْمُسْتَغِیثِینَ»؛(5)

«سلام بر تو ای امیرمؤمنان و آقای جانشینان و امام پرهیزکاران و ای فریادرس بیچارگان!».

1332 غِیاثُ الْمَکْرُوبِینَ

هر صاحب همّ و غمّی و هر گرفتاری، برای رفع مشکل خود او را صدا می زند و از او کمک می خواهد، و چون او "علی" است به اذن خداوند اعلی به همه کمک خواهد کرد.

امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت فرمود:

1- 1491. بحارالانوار، ج 97، ص 338.
2- 1492. بحارالانوار، ج 43، ص 214؛ دلائل الامامه، ص 42؛ فرهنگ سخنان حضرت زهراعلیها السلام، ص 233.
3- 1493. بحارالانوار، ج 97، ص 348.
4- 1494. بحارالانوار، ج 97، ص 338؛ مفاتیح الجنان، زیارت مخصوصه.
5- 1495. بحارالانوار، ج 54، ص 344.

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا غِیاثَ الْمَکْرُوبِینَ»؛(1)

«سلام بر تو ای پناه غم دیدگان».

1333 الْغَیثُ

باران و رحمت فراوان خداوند.

در فرازی از زیارت حضرت آمده:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ کُنْتَ لِلْمُؤْمِنِینَ غَیثاً وَخِصْباً»؛(2)

«گواهی می دهم تو برای مؤمنان باران رحمت و نعمت بودی».

1334 غَیظُ الْفُجّارِ

بر فاجران و ستمکاران خشم و غضب کند.

در زیارت آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلی غَیظِ الْفُجّارِ»؛(3)

«سلام بر غضب کننده بر ستمکاران».

همچنین مراجعه شود به: غِلْظَهُ الْکافِرِینَ [1330]

1335 غَیظُ الْکافِرِینَ

غضب و خشم؛ بلکه شدیدتر از غضب.

همچنین مراجعه شود به: غِلْظَهُ الْکافِرِینَ [1330]

1336 فارِسُ الْمُؤْمِنِینَ

امیرمؤمنان علیه السلام اسب سوار، جنگجو و یگانه میدان دار اهل ایمان و یقین در علم و شجاعت و حلم و جمیع کمالات دیگر است.

امام صادق علیه السلام در فرازی از زیارت حضرت فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلی فارِسِ الْمُؤْمِنِینَ»؛(4)

«سلام بر فارس مؤمنان».

1337 الْفارِقُ

فرق گذارنده و جداکننده. امیرمؤمنان علیه السلام حرام و حلال الهی را مشخص و جدا می کند.

پس شهادت می دهیم:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ الْفارِقُ بَینَ الْحَلالِ وَالْحَرامِ وَالْأَمِینُ عَلی باطِنِ السِّرِّ»؛(5)

«من گواهی می دهم تو فارق بین حلال و حرام هستی و بر باطن اسرار آگاه و امین می باشی».

1338 الْفارُوقُ الْأَزْهَرُ

بهترین و روشن ترین معیار تشخیص.

همچنین مراجعه شود به: حامِی الدِّینِ [1128]

1339 الْفارُوقُ بِالْقِسْطِ

با قسط و عدل، حقّ و باطل را جدا می کند.

در قسمتی از اعمال مسجد بزرگ کوفه، در مورد امام علی علیه السلام آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَی الْإِمامِ الْحَکِیمِ الْعَدْلِ، الصِّدِّیقِ الْأَکْبَرِ، الْفارُوقِ بِالْقِسْطِ، الَّذِی فَرَّقَ اللَّهُ بِهِ بَینَ الْحَقِّ وَالْباطِلِ، وَالْکُفْرِ وَالْإِیمانِ، وَالشِّرْکِ وَالتَّوْحِیدِ»؛(6)

«سلام بر امام حکیم عادل، آن صدیق اکبر و آن فاروقی که به قسط عمل می کند و خداوند به وسیله او بین حقّ و باطل و کفر و ایمان و نیز بین شرک و توحید را جدا و مشخص می کند».

1- 1496. بحارالانوار، ج 97، ص 375؛ مفاتيح الجنان، زيارت اميرالمؤمنين روز ميلاد پيامبر.
2- 1497. من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 592؛ مفاتيح الجنان، زيارت مطلقه اميرالمؤمنين؛ كمال الدين، ج 2، ص 387؛ بحارالانوار، ج 97، ص 377.
3- 1498. بحارالانوار، ج 99، ص 200.
4- 1499. بحارالانوار، ج 97، ص 305؛ مفاتيح الجنان،زيارت مطلقه ششم اميرالمؤمنين.
5- 1500. بحارالانوار، ج 97، ص 338.
6- 1501. بحارالانوار، ج 97، ص 409؛ مفاتيح الجنان، اعمال مسجد كوفه.

1340 الْفارُوقُ الْمُبِينُ

واضح ترین راه و خط بین حقّ و باطل است.

در اعمال و ادعیه مسجد بزرگ کوفه آمده:

«سَلامٌ عَلی عَلِی أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ، الصِّدِّیقِ الْأَکْبَرِ، وَالْفارُوقِ الْمُبِینِ، الَّذِی أَخَذْتَ بَیعَتَهُ عَلَی الْعالَمِینَ»؛(1)

«سلام بر علی علیه السلام، که امیرمؤمنان و صدیق اکبر و فاروق مبین است، همان که از تمام جهانیان برای او بیعت گرفتی».

1341 فاصِلُ الْحُکْمِ

امام صادق علیه السلام در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام این چنین فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا فاصِلَ الْحُکْمِ النّاطِقَ بِالصَّوابِ»؛(2)

«سلام بر تو که حکم (حقّ از باطل) را جدا کرده و به راه صواب و طریق حقّ سخن می گویی».

1342 فاضِحُ الْأَقْرانِ

رسوا کننده پهلوانان و هم آوردان.

در قسمتی از زیارت آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا فاضِحَ الْأَقْرانِ وَقاتِلَ الشُّجْعانِ»؛(3)

«سلام بر تو که پهلوانان و همردیفان خود را ضایع و رسوانموده و شجاعان مشرک راکشتی».

1343 الْفاضِلُ عَلَی الْمُجاهِدِینَ

امام سجادعلیه السلام درباره امام علی علیه السلام فرمود:

«اَلْمُبَرِّزُ عَلَی الْفاضِلِینَ، وَالْفاضِلُ عَلَی الْمُجاهِدِینَ»؛(4)

«او از هر خوبی بهتر است و بر همه مجاهدان نیز برتری دارد».

1344 فاکُّ الْأَسِیرِ

بازکننده و آزاد کننده اسیران؛ آن حضرت اسیران را برای رضای خدا آزاد می کرد.

و نیز در فرازی از زیارتش، خطاب به آن حضرت می گوییم:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا فآکَّ الْأَسِیرِ وَمُعِینَ الْفَقِیرِ وَنِعْمَ النَّصِیرِ»؛(5)

«سلام بر تو ای علی! که آزاد کننده اسیران و کمک کار فقرایی و چه خوب یاوری هستی».

1345 فَدائِی النَّبِیّ

جان خود را فدای رسول خداصلی الله علیه وآله نمود.

آن حضرت در شب هجرت پیامبرصلی الله علیه وآله از مکّه به مدینه، در بستر ایشان خوابید، که در فرازی از زیارت آن حضرت اشاره شده:

«اَلسَّلامُ عَلَی الْبآئِتِ عَلی فِراشِ النَّبِی وَمُفْدِیهِ بِنَفْسِهِ مِنَ الْأَعْداءِ»؛(6)

«سلام بر آن آقایی که شب را در بستر رسول خداعلیه السلام خوابید و با جان خود از پیامبر در مقابل دشمنان دفاع نمود».

1346 الْفَرْعُ الْکَرِیمُ

فرع با جود و کرامت.

همچنین مراجعه شود به: الْأَصْلُ الْقَدِیمُ [1046]

1- 1502. بحارالانوار، ج 97، ص 410؛ مفاتیح الجنان، اعمال مسجد کوفه.
2- 1503. بحارالانوار، ج 97، ص 373؛ اقبال الاعمال، ص 608؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.
3- 1504. بحارالانوار، ج 97، ص 331.

4- 1505. بحارالانوار، ج 17، ص 216؛ تأویل الآیات، ص 45؛ تفسیر امام، ص 200.
5- 1506. بحارالانوار، ج 97، ص 332.
6- 1507. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ مفاتیح الجنان،زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

1347 فَرِيضَةُ الْعَصْرِ

از امام معصوم علیه السلام نقل شده که فرمود:

«فَالظُّهْرُ رَسُولُ اللَّهِ وَفَرِيضَةُ الْعَصْرِ أَمِيرُالْمُؤْمِنِينَ وَالْمَغْرِبُ الزَّهْراءُ وَصَلاةُ الْعِشاءِ الْحَسَنُ وَالصُّبْحُ الْحُسَينُ»؛(1)

«مراد از نماز ظهر، رسول خداست، نماز عصر امیر مؤمنان است، نماز مغرب، فاطمه و نماز عشا، حسن و نماز صبح، حسین است» سلام اللّه علیهم اجمعین.

1348 فَصْلُ الْخِطابِ

گفتگو و اختلاف را تمام می کند، حرف آخر را می زند و حرف او آخرین کلام است، سخن باطل را محکوم و حرف حقّ را ثابت می کند و با بیان حرف حقّ، اختلاف تمام می شود.

امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا مَعْدِنَ الْحِکْمَهِ وَفَصْلَ الْخِطابِ»؛(2)

«سلام بر تو ای اصل و اساس و معدن حکمت و جدا کننده حقّ از باطل».

1349 فَصْلُ الْقَضاءِ

تمام کننده قضاوت و قطع کننده اختلاف.

در فرازی از زیارت آن حضرت آمده است:

«وَدَیانِ الدِّینِ بِعَدْلِکَ وَفَصْلِ قَضآئِکَ بَینَ خَلْقِکَ»؛(3)

«او حاکم در دین خدا به عدل تو و فیصله دهنده حکم میان خلق تو است».

1350 فَضلُهُ لا یخْفی

فضیلت و برتری اش آن قدر زیاد و والا است که آن را نمی توان مخفی کرد.

امام هادی علیه السلام در اعمال روز غدیر، خطاب به امیرمؤمنان علیه السلام چنین می فرماید:

«مَوْلای فَضْلُکَ لا یخْفی وَنُورُکَ لا یطْفَأُ»؛(4)

«ای آقای من! فضل و برتری تو پوشیدنی نیست، و نور تو هم خاموش شدنی نمی باشد».

1351 فُلْکُ النَّجاهِ

کشتی نجات. هرکس به آن درآید، نجات یابد.

در فرازی از زیارت امام صادق علیه السلام برای امیرمؤمنان علیه السلام آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا فُلْکَ النَّجاهِ الَّذِی مَنْ رَکِبَهُ نَجی وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهُ هَوی ؛(5)

«سلام بر تو ای کشتی نجات که هر که بر آن سوار شود نجات می یابد و هر که از آن عقب افتد نابود می شود».

1352 قائِدُ الْأَخْیارِ

پیشوا و جلودار اخیار و نیکوکاران.

همچنین مراجعه شود به: أَفْضَلُ الْأَتْقِیاءِ [1050]

1353 قائِدُ الْأُمَمِ

رهبر و پیشوا و جلودار امّت؛ امام علی علیه السلام از

1- 1508. مشارق انوار الیقین، ص 50.
2- 1509. بحارالانوار، ج 97، ص 373؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.
3- 1510. بحارالانوار، ج 97، ص 293؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 587؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین.
4- 1511. بحارالانوار، ج 97، ص 361؛ مفاتیح الجنان، زیارت روز غدیر.

5- 1512. اقبال الاعمال، ص 608؛ مفاتيح الجنان، زيارت اميرالمؤمنين روز ميلاد پيامبر.

جلو می رود و دیگران (امّت) را هم به جلو می برد، چنان که در زیارت آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا مَعْدِنَ الْکَرَمِ وَمَوْضِعَ الْحِکَمِ وَقائِدَ الْأُمَمِ إِلَی الْخَیراتِ وَالنِّعَمِ»؛(1)

«سلام بر تو ای معدن کرم و بزرگواری، ای جایگاه حکمت ها و ای رهبر و هدایت کننده امّت ها به سوی خیرات و نعمت ها و خوبی ها».

1354 قائِلُ الْحَقِّ

گوینده سخن حقّ، چنان که در زیارت آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا قائِلَ الْحَقِّ فِی قَضِیتِهِ»؛(2)

«سلام بر تو ای علی! که در هر قضیه ای گوینده سخن حقّ هستی».

1355 الْقائِمْ بِأَمْرِ اللَّهِ

برای اجرای امر خدای تعالی قیام نموده و از هیچ کوششی دریغ نمی کند.

در زیارت مربوط به آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلی أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ عَلِی بْنِ أَبِی طالِبٍ، وَصِی رَسُولِ اللَّهِ وَخَلِیفَتِهِ، وَالْقآئِمِ بِأَمْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ»؛(3)

«درود و سلام بر امیرمؤمنان علی بن ابی طالب جانشین رسول خداصلی الله علیه وآله است و بعد از آن حضرت به امر الهی قیام فرمود».

1356 قاتِلُ الْأَبْطالِ

به قتل رساننده پهلوانان و قهرمانان عرب. اَبطال جمع بَطل؛ به معنای پهلوان و قهرمان است. در جنگ های صدر اسلام تنها کسی که جرأت مقابله با پهلوانان مشرک و کافر را داشت امیرمؤمنان علیه السلام بود، داستان شجاعت و دلاوری امام در تاریخ ثبت و مشهور است، چنان که در فرازی از دعای ندبه نیز آمده:

«وَقَتَلَ أَبْطالَهُمْ»؛(4)

«این علی علیه السلام بود که توانست پهلوانان کفر و شرک را به قتل برساند».

1357 قاتِلُ الْأَشْقِياءِ

به قتل رساننده افراد شقی و بدبخت.

در قسمتی از زیارت آن حضرت بیان شده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ الْأَنْبِیاءِ وَخاتِمَ الْأَوْصِیاءِ وَقاتِلَ الْأَشْقِیاءِ»؛(5)

«سلام برتو ای وارث پیامبران و نگین جانشینان و کشنده اشقیا و بدبختان».

1358 قاتِلُ خَیبرِ

علی علیه السلام در جنگ خیبر شرکت داشت و از برجسته ترین فرماندهان اسلام در آن غزوه بود که با دشمنان اسلام جهاد و مبارزه کرد.

امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا قاتِلَ خَیبَرِ وَقالِعَ الْبابِ»؛(6)

«سلام برتو ای کشنده کفارخیبر و (ازجا) کَننده درب خیبر».

1- 1513. بحارالانوار، ج 97، ص 348.
2- 1514. بحارالانوار، ج 97، ص 331.
3- 1515. بحارالانوار، ج 97، ص 285.
4- 1516. اقبال: ص 296؛ بحارالانوار، ج 99، ص 106؛ مفاتیح الجنان، دعای ندبه.
5- 1517. بحارالانوار، ج 97، ص 332.
6- 1518. بحارالانوار، ج 97، ص 373؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.

1359 قاتِلُ الشُّجْعانِ

کشنده شجاعان و قهرمانان کفر و شرک.

در زیارت مربوطه آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا فاضِحَ الْأَقرانِ وَقاتِلَ الشُّجْعانِ»؛(1)

«سلام بر تو ای رسوا کننده پهلوانان و کشنده شجاعان و قهرمانان».

1360 قاتِلُ عَمْرٍو

کشنده عمرو بن عبد ودّ، بزرگ پهلوان عرب و شرک که در غزوه احزاب از خندق عبور کرد و کسی جز امیرمؤمنان علی علیه السلام شهامت مبارزه با او را نداشت.

امام حسین علیه السلام خود را چنین معرفی فرمود:

«أَنَا الْحُسَینُ بْنُ عَلِیّ بْنِ أَبِی

طالبٍ الْبَدْرُ بِأَرْضِ الْعَرَبِ

أَلَمْ تَرَوْا وَتَعْلَمُوا أَنَّ أَبِی

قاتِلُ عَمْرٍو وَمُبِیرُ مَرْحَبٍ

1361 قاتِلُ الْمُشْرِکِینَ

از امام کاظم علیه السلام نقل شده که فرمود:

«إِنَّ عَلِیاً أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ وَسَیدُ الْوَصِیینَ وَوارِثُ عِلْمِ النَّبِیینَ وَقاتِلُ الْمُشْرِکِینَ»؛(2)

«همانا علی علیه السلام امیرمؤمنان و آقای جانشینان و وارث علم پیامبران و قاتل مشرکان است».

از امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلی فارِسِ الْمُؤْمِنِینَ، وَلَیثِ الْمُوَحِّدِینَ، وَقاتِلِ الْمُشْرِکِینَ»؛(3)

«سلام بر یگانه جنگجوی مؤمنان و شیر یگانه پرستان و موحّدان و قاتل مشرکان».

1362 الْقاسِمُ بِالسَّوِیهِ

تقسیم کننده به تساوی.

در بخشی از زیارت مخصوص آن حضرت آمده است:

«وَأَنْتَ الْقاسِمُ بِالسَّوِیهِ»؛(4)

«همانا تو تقسیم کننده به تساوی هستی».

1363 قاسِمُ النّارِ

آتش جهنم را تقسیم می کند؛ گویا مردم دو دسته اند: هدایت یافته و گمراه شده، امام به دوستان خود می گوید: از آتش دور شوید و به دشمنانش می گوید: به آتش درآیید.

پس این گونه سلام می دهیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا قاسِمَ النّارِ، وَحافِظَ الْجارِ، وَمُدْرِکَ الثّارِ»؛(5)

«سلام بر تو ای تقسیم کننده آتش، و نگه دار پناه گیرنده و انتقام گیرنده خون بناحقّ ریخته».

1364 قاصِمُ الْکَفَرَهِ

هلاک کننده کافران، از القاب امیرمؤمنان علیه السلام که رشادت ها و مجاهدت های آن حضرت در صدر اسلام زبانزد خاص و عام است.

در یکی از زیارات مطلقه امیرمؤمنان علیه السلام چنین بیان شده است:

1- 1519. بحارالانوار، ج 97، ص 332.

2- 1520. بحارالانوار، ج 91، ص 182.
3- 1521. بحارالانوار، ج 97، ص 305؛ مفاتيح الجنان،زيارت مطلقه ششم اميرالمؤمنين.
4- 1522. بحارالانوار، ج 97، ص 364؛ مفاتيح الجنان،اعمال عيد غدير.
5- 1523. بحارالانوار، ج 97، ص 332.

«مُفَرِّجُ الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ قاصِمُ الْكَفَرَهِ وَمُرْغِمُ الْفَجَرَهِ»؛(1)

«علی علیه السلام کسی بود که آثار غم و اندوه را از صورت رسول خداصلی الله علیه وآله می برد، او که هلاک کننده کافران بود و بینی فاجران را به خاک می مالید».

1365 قاصِمُ الْمُعْتَدِينَ

درهم کوبنده متجاوزان و ظالمان.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1366 الْقاضِی

حاکم؛ در امور اختلافی بنابر قانون الهی قضاوت می کند و حکم می دهد.

در ادعیه و اعمال مسجد بزرگ کوفه، خطاب به آن حضرت آمده است:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ حَکَمُ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ، وَقاضِی أَمْرِهِ»؛(2)

«گواهی می دهم تو حاکم از جانب خدایی در زمین و قضاوت کننده امور او هستی».

1367 الْقاضِی الْأَعْلی

در قضاوت، از همه سرور است.

در اعمال مسجد بزرگ کوفه، خطاب به امام علی علیه السلام عرض می شود:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ حَکَمُ اللَّهِ وَمُهَيمِنُ الْقاضِی الْأَعْلی يا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ»؛(3)

«گواهی می دهم تو حاکم الهی و بزرگ ترین قاضی عالم می باشی، ای امیر اهل ایمان».

1368 قاطِعُ الْأَصْلابِ

قطع کننده نسل کافران و مشرکان.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1369 قالِعُ الْبابِ

از جا کَننده درب خیبر. مدتی محاصره قلعه های یهودیان خیبر طول کشید، برج و دیوارهای آن بلند، نیروها و امکانات داخل قلعه نیز فراوان بود. هربار به فرماندهی کسی حمله می شد؛ موفقیتی نبود. در آخرین حمله به فرماندهی امیرمؤمنان علیه السلام، با از جا کندن درب اصلی خیبر که بسیار هم بزرگ و سنگین بود، قلعه گشوده شد.

از آن حضرت پرسیدند: چطور این کار را کردید؟ فرمود:

«ما قَلَعْتُ بابَ خَیبَرٍ بِقُوَّةٍ جِسْمانِیةٍ؛ بَلْ بِقُوَّةٍ رَبّانِیةٍ»؛(4)

«من در را به نیروی جسمانی نکندم؛ بلکه این کار به نیروی الهی بود».

در فرازی از زیارت آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلی قالِعِ بابِ خَیبَرٍ وَالدّاحِی بِهِ فِی الْفَضاءِ»؛(5)

«سلام بر آنکه در خیبر با آن عظمت را از جا کند و آن را در فضا (برای عبور لشکر اسلام از روی خندق) نگه داشت».

1- 1524. بحارالانوار، ج 97، ص 287؛ البلد الامین، ص 303.
2- 1525. بحارالانوار، ج 97، ص 409؛ مفاتیح الجنان، اعمال مسجد کوفه.
3- 1526. بحارالانوار، ج 97، ص 409؛ مفاتیح الجنان، اعمال مسجد کوفه.
4- 1527. نهج الحق، ص 250؛ کشف الیقین، ص 141.
5- 1528. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

1370 قالِعُ الصَّخْرَهِ

از جا کننده صخره و سنگ بزرگ.

سپاه امیرالمؤمنین علیه السلام در بیابانی اردو زدند، قرار شد چاهی حفر شود، در بین کار به سنگ بزرگی برخوردند که مانع کار شد، آن حضرت آمد و دست به آسمان بلند کرد و عرض نمود:

«طابَ طابَ مریا عالم طیبو ثابوته شتمیاکو باحاحانو ثاتودینا برحوثا آمِینَ آمِینَ رَبَّ الْعالَمِینَ رَبَّ مُوسی وَهارُونَ».

سپس تخته سنگ را گرفت و چهل ذراع آن طرف پرت کرد، آبی صاف و سفید و شیرین و خنک از چاه بیرون آمد. عدّه زیادی رفتند سنگ را جا به جا کنند؛ ولی نتوانستند.(1)

قسمتی از زیارت مطلقه امیرمؤمنان علیه السلام به آن مطلب اشاره دارد:

«اَلسَّلامُ عَلی قالِعِ الصَّخْرَهِ وَقَدْ عَجَزَ عَنْهَا الرِّجالُ الْأَشِدّآءُ»؛(2)

«سلام بر آن آقایی که صخره سنگی را از جا بر کند، در حالی که مردان شجاع بسیاری از این کار عاجز مانده بودند».

1371 قامِعُ الْمُلْحِدِینَ

قلع و قمع کننده و درهم کوبنده ملحدان و بت پرستان.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1372 قَتِیلُ اللَّهِ

کشته شده راه خدا، کسی که برای خدا کشته شده است، یا کسی که کشته شده و خداوند طالب خون اوست.

در بخشی از زیارت امام حسین علیه السلام چنین آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا قَتِیلَ اللَّهِ وَابْنَ قَتِیلِهِ»؛(3)

«سلام بر تو ای کشته خدایی و فرزند کشته خدایی».

1373 قُدْوَهُ الصّادِقِینَ

پیشوا و رهبر و امام راست گویان؛ علی بن ابی طالب علیه السلام مقتدای همه صادقان است که دیگران به او اقتدا می کنند.

در بخشی از زیارت آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلی قُدْوَهِ الصّادِقِینَ»؛(4)

«سلام بر پیشوای اهل صدق و حقیقت».

1374 قُدْوَهُ الصّالِحِینَ

پیشوا و مقتدای شایستگان و نیکوکاران، چنان که امام صادق علیه السلام در فرازی از زیارت آن حضرت بیان داشتند:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَبْدِکَ الْمُرْتَضی وَقُدْوَهِ الصّالِحِینَ»؛(5)

1- 1529. امالی صدوق، ص 184؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 298.
2- 1530. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
3- 1531. بحارالانوار، ج 98، ص 151؛ کامل الزیارات، ص 197؛ اصول کافی، ج 4، ص 575؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
4- 1532. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
5- 1533. بحارالانوار، ج 97، ص 306؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

«خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و نیز درود فرست بر امیرمؤمنان که بنده پسندیده تو و مقتدای صالحان است».

1375 قُدْوَهُ الْمُؤْمِنِینَ

قبله و مقتدای همه ایمان آورندگان.

در زیارت آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلی قُدْوَهِ الْمُؤْمِنِینَ»؛(1)

«سلام بر پیشوای ایمان آورندگان».

1376 الْقَرِیبُ

نزدیک؛ و مراد نزدیکی به رسول خداصلی الله علیه وآله است که حضرت زهراعلیها السلام فرموده است.

همچنین مراجعه شود به: سَیدٌ فِی أَوْلِیاءِ اللَّهِ [1219]

1377 قَرِینُ الْبَتُولِ

همدم و همراه و همسر زهرای مرضیه علیها السلام.

همچنین مراجعه شود به: خَیرُ هادٍ [1157]

1378 قَسِیمُ الْجَنَّهِ وَ لَظی

لظی اسمی از اسامی جهنم یا یکی از طبقات آن است که خاموشی ندارد، و علی علیه السلام تقسیم کننده بهشت و جهنم است.

امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا قَسِیمَ الْجَنَّهِ وَلَظی ؛(2)

«سلام بر تو ای قسمت کننده بهشت و دوزخ (که دوستی تو موجب بهشت و دشمنی با تو سبب جهنم رفتن است)».

1379 قُطْبُ الْأَطْیابِ

مرکز توجّه همه خداشناسان و خداپرستان.

همچنین مراجعه شود به: الْإِمامُ الرَّبّانِی [1058]

1380 قَواعِدُ الرِّسالَهِ

پایه های رسالت پیامبرصلی الله علیه وآله.

همچنین مراجعه شود به: رَواسِی النُّبُوَّهِ [1186]

1381 الْقَوّامُ

بسیار قیام کننده برای شب زنده داری و نماز و عبادت.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1382 قُوتُهُ الْحَلُ

غذایش سرکه و روغن بود.

همچنین مراجعه شود به: أَعْتَقَ أَلْفَ مَمْلُوکٍ [1047]

1383 الْقَوِی فِی أَمْرِ اللَّهِ

امام صادق علیه السلام خطاب به امام علی علیه السلام فرمود: تو همان گونه ای که رسول خداصلی الله علیه وآله فرموده:

«قَوِیاً فِی أَمْرِ اللَّهِ وَضَعِیفاً فِی نَفْسِکَ»؛(3)

«برای اقامه امر الهی قوی هستی امّا در نفس خودت خوار و ذلیل».

1384 الْقَیمُ

امیرمؤمنان علیه السلام بعد از رسول خداصلی الله علیه وآله قیم دین خداوند است، چنان که امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلی أَمِینِ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ وَخَلِیفَتِهِ، وَالْحاکِمِ بِأَمْرِهِ، وَالْقَیمِ بِدِینِهِ»؛(4)

1- 1534. بحارالانوار، ج 99، ص 200.
2- 1535. بحارالانوار، ج 97، ص 373؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.
3- 1536. بحارالانوار، ج 97، ص 338.
4- 1537. بحارالانوار، ج 97، ص 305؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه ششم امیرالمؤمنین.

«سلام بر امین و خلیفه خدا در زمین و سلام بر او که حاکم به امر خداوند و نیز قیم دین اوست».

1385 الْکادِحُ

تلاش گر و کوشا و زحمت کش.

[1219 همچنین مراجعه شود به: سَیدٌ فِی أَوْلِیاءِ اللَّهِ]

1386 کاشِفُ الْغَمَراتِ

مشکلات و سختی ها را برطرف می کند.

در بخشی از زیارت امیرمؤمنان علیه السلام خطاب به آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا هاجِرَ اللَّذّاتِ وَتارِکَ الشَّهَواتِ وَکاشِفَ الْغَمَراتِ»؛(1)

«سلام بر تو ای دوری کننده از لذّات دنیوی و ترک کننده شهوات و برطرف کننده مشکلات».

1387 کاشِفُ الْکَرْبِ

امیرمؤمنان علیه السلام کسی بود که با فداکاری ها و جان فشانی هایش، بارها آثار غم و اندوه را از چهره رسول خداصلی الله علیه وآله زدوده بود.

امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت فرمود:

«اَللَّهُمَّ صلّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ أَخِی نَبِیکَ وَوَصِیِّ رَسُولِکَ الْبائِتِ عَلی فِراشِهِ وَالْمُواسِی لَهُ بِنَفْسِهِ وَکاشِفِ الْکَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ»؛(2)

«خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و نیز درود فرست بر امیرمؤمنان که برادر و جانشین رسول توست، همان که در بستر پیامبر خوابید و با جان خود از او محافظت نمود و غم و اندوه او را برطرف کرد».

1388 کاشِفُ لُبْسِ الْباطِلِ

پرده از چهره باطل می اندازد.

امام هادی علیه السلام در زیارت روز غدیر فرمود:

«تَکْشِفُ لُبْسَ الْباطِلِ عَنْ صَرِیحِ الْحَقِّ»؛(3)

«با بیان آشکار حقّ، چهره باطل را رسوا کنی».

1389 کاشِفُ الْمَحْلِ

آن امام هُمام تمام سختی ها و شداید را برطرف می نمود.

در بخشی از زیارت آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا کاشِفَ الْمَحْلِ وَخاصِفَ النَّعْلِ وَسَیدَ الْأَهْلِ»؛(4)

«سلام بر آنکه شداید و سختی ها را برطرف می کند، سلام بر وصله زننده کفش پیامبر و سلام بر آنکه آقای اهل بیت است».

1390 کاظِمُ الْغَیظِ

خشم و غضب خود را فرو می برد.

امام هادی علیه السلام خطاب به آن حضرت فرمود:

«وَأَشْهَدُ أَنَّکَ لَمْ تَزَلْ لِلْهَوی مُخالِفاً وَلِلتُّقی مُحالِفاً، وَعَلی کَظْمِ الْغَیظِ قادِراً»؛(5)

«من گواهی می دهم تو پیوسته مخالف هوای نفس بودی و باتقوی و پرهیزکاری همراه و هم قسم و بر کظم غیظ نیز قادر بودی».

1- 1538. بحارالانوار، ج 97، ص 332.
2- 1539. بحارالانوار، ج 97، ص 307.
3- 1540. بحارالانوار، ج 97، ص 367.
4- 1541. بحارالانوار، ج 97، ص 332.
5- 1542. بحارالانوار، ج 97، ص 361؛ مفاتیح الجنان، اعمال عید غدیر.

1391 كَبْشُ الْعِراقِ

پهلوان و پيشواى عراق.

همچنين مراجعه شود به: الْأَبْطَحِى [1021]

1392 كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ

خدا چهره اش را درخشان كند و او را گرامى دارد. اهل سنّت هرگاه نامى از اصحاب پيامبر به ميان بياورند، آن را با جمله دعايى «رضى اللّه عنه» همراه مى كنند؛ لكن براى امام على عليه السلام از عبارت «كرّم اللّه وجهه» استفاده مى كنند.

در علّت آن مى گويند: چون هرگز بر بتى سجده نكرده، لحظه اى شرك نورزيده و كافر نبوده است. برخلاف ديگر از بزرگان اصحاب كه مدتى را مشرك و بت پرست بودند.(1)

البته امامان، از جمله امام سجادعليه السلام نيز اين عنوان را براى آن حضرت به كار مى بردند.(2)

1393 كُفْوُ الزَّهْراءِ

فقط اميرمؤمنان عليه السلام همسر و هم شأن واقعى حضرت زهراعليها السلام بود.

امام صادق عليه السلام فرمود:

«لَوْلا أَنَّ اللَّهَ تَبارَكَ وَتَعالى خَلَقَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لِفاطِمَةَ ما كانَ لَها كُفْوٌ عَلى ظَهْرِ الْأَرْضِ مِنْ آدَمَ وَمَنْ دُونَهُ»؛(3)

«اگر خداى تعالى اميرمؤمنان عليه السلام را براى فاطمه عليها السلام خلق نفرموده بود، هيچ كفو و همسرى براى زهراعليها السلام در روى زمين پيدا نمى شد، از زمان آدم تا پايان خلقت».

در زيارت آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَى الْمَخْصُوصِ بِسَيدَهِ النِّسآءِ»؛(4)

«سلام بر آن آقایی که مخصوص همسری بهترین زن عالمیان است».

1394 كَلِمَةُ اللَّهِ

کلمه در اصطلاح، برای نشان دادن و بیان داشتن آنچه نهان و در ذهن است. علی علیه السلام کلمه اللّه است؛ یعنی خدای تعالی برای نشان دادن علوم و معارف و جلالت شأن خود، علی علیه السلام را خلق کرده است.(5)

در یکی از زیارات امیرمؤمنان علیه السلام آمده:

«فَأَنْتَ كَلِمَةُ اللَّهِ وَكَلِمَةُ رَسُولِهِ»؛(6)

«تو کلمه خدا و کلمه رسول خدا می باشی».

1395 كَلِمَةُ اللَّهِ الْحُسْنى

امیرمؤمنان علیه السلام نیکوترین کلمه الهی است؛ چنان که در بخشی از زیارت آن حضرت از زبان امام صادق علیه السلام آمده:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ الْمُرْتَضى وَكَلِمَتِكَ الْحُسْنى ؛(7)

«خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و امیر مؤمنان که بنده پسندیده و کلمه نیکوی توست».

1- 1543. بحارالانوار، ج 38، ص 63؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 177؛ موسوعه امام علی علیه السلام، ج 9، ص 111.
2- 1544. بحارالانوار، ج 19، ص 287.
3- 1545. اصول کافی، ج 1، ص 461.
4- 1546. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
5- 1547. بحارالانوار، ج 97، ص 312.
6- 1548. بحارالانوار، ج 97، ص 295.

7- 1549. بحارالانوار، ج 97، ص 307؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

1396 كَلِمَةُ الرَّحْمنِ

كلمه رحمن، كلمه خدا؛ يعنى آنچه را كه خداى تعالى خواسته براى مردم اظهار كند، به وسيله او اظهار كرده. يا اينكه امام على عليه السلام صاحب كلمات خداوندى است.(1)

در زيارت اميرمؤمنان عليه السلام كه از صفوان جمال نقل شده، آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلى يعْسُوبِ الدِّينِ وَالْإِيمانِ وَكَلِمَهِ الرَّحْمنِ»؛(2)

«سلام بر پيشواى دين و ايمان و سلام بر كلمه خداوند رحمن».

1397 كَلِمَةُ الرَّسُولِ

در زيارت وداع اميرمؤمنان عليه السلام آمده است:

«فَأَنْتَ كَلِمَةُ اللَّهِ وَكَلِمَةُ رَسُولِهِ صلى الله عليه وآله»؛(3)

«تو كلمه خدا و كلمه رسول خدا مى باشى».

1398 كَلِيمُ الْأَقْوامِ

با همه اقوام سخن مى گويد و زبان آنان را مى داند. فرازى است از زيارت حضرت:

«اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا أَبَا الْأَنامِ وَمُكَسِّرَ الْأَصْنامِ وَكَلِيمَ الْأَقْوامِ»؛(4)

«سلام بر تو اى پدر خلايق و شكننده بت ها و هم سخن با تمام اقوام».

1399 كَنْزُ الْمَساكِينَ

گنج و ذخيره و سرمايه مستمندان و فقيران.

او به فقيران و مساكين كمك مى كرد و تمام دسترنج خود از كشاورزى و زراعت را به ايشان مى داد و وقف آنان مى كرد.

همچنين مراجعه شود به: غِياثُ الْمُسْتَغِيثِينَ [1331]

1400 كَنَفُ الْفُقَراءِ

دست حمایت و پناه خودرا برسر مستمندان می گذارد و تحت پناه و حمایت خود می گیرد.

چنان که امام صادق علیه السلام در بخشی از زیارت مخصوصه آن حضرت فرموده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا بَحْرَ الْعُلُومِ وَکَنَفَ الْفُقَرآءِ»؛(5)

«سلام بر تو ای دریای علوم و پناه فقیران».

1401 الْکَوْثَرُ

خیر کثیر؛ امام علی علیه السلام هم صاحب حوض کوثر، هم ساقی کوثر، هم همسر کوثر، و هم خودش کوثر است.

در زیارت آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ أَیهَا الصِّدِّیقُ الْأَکْبَرُ وَالنّامُوسُ الْأَنْوَرُ وَالسِّراجُ الْأَزْهَرُ وَالزُّلْفَهُ وَالْکَوْثَرُ»؛(6)

«سلام بر تو ای صدیق اکبر و ناموس انور، ای چراغ نورانی و ای زلفه و کوثر».

1402 کَهْفُ أُولِی الْحِجی

پناه گاه اهل خرد. کهف به معنای غار کوه و پناه گاه می باشد، هرکس برای حفظ از خطرات به آنجا پناهنده می شود.

1- 1550. بحارالانوار، ج 97، ص 290.
2- 1551. بحارالانوار، ج 97، ص 330؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
3- 1552. بحارالانوار، ج 97، ص 295.
4- 1553. بحارالانوار، ج 97، ص 332.

5- 1554. بحارالانوار، ج 97، ص 373؛ مفاتيح الجنان، زيارت اميرالمؤمنين روز ميلاد پيامبر.
6- 1555. بحارالانوار، ج 97، ص 347.

اولی الحجی به معنای صاحبان خرد؛ یعنی هر صاحب خرد و عقلی در هر مطلبی مشکل داشته باشد، به علی علیه السلام مراجعه می کند.

در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ یا إِمامَ الْهُدی وَمَصابِیحَ الدُّجی وَکَهْفَ أُولِی الْحِجی ؛(1)

«سلام بر تو ای امیرمؤمنان، و ای امام هدایت و چراغ شب تار و پناه خردمندان».

1403 الْکَهْفُ الْحَصِینُ

پناه گاه دژ مانند و بسیار محکم است که همه می توانند به آن پناهنده شوند و از هر گزندی مصون باشند؛ پس این گونه سلام می دهیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ أَیهَا الْکَهْفُ الْحَصِینُ»؛(2)

«سلام بر تو ای پناهگاه محکم».

در زیارت دیگر آمده:

«کُنْتَ لِلْمُؤْمِنِینَ کَهْفاً حَصِیناً وَعَلَی الْکافِرِینَ غَلْظَةً وَغَیظاً»؛(3)

تو برای مؤمنان پناه محکمی بودی و برای کافران، سخت و خشمناک بودی».

1404 کَهْفُ الْفُقَراءِ

پناه گاه فقیران و مستمندان و یتیمان.

امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا بَحْرَ الْعُلُومِ وَکَهْفَ الْفُقَرآءِ»؛(4)

«سلام بر تو ای دریای علوم و پناه گاه فقیران».

1405 کَهْفُ النَّجاهِ

پناه گاه نجات؛ پس هرکه به آن داخل شود، نجات می یابد.

در اعمال و ادعیه مسجد کوفه آمده:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ کَهْفُ النَّجاهِ وَمِنْهاجُ التُّقی ؛(5)

«گواهی می دهم تو پناهگاه نجات و طریقه تقوا هستی».

1406 لا یدرِکُهُ الْآخِرُونَ

امام حسن مجتبی علیه السلام روز بعد از شهادت پدر بزرگوارشان فرمود:

«لَقَدْ فارَقَکُمْ رَجُلٌ بِالْأَمْسِ لَمْ یسْبِقْهُ الْأَوَّلُونَ بِعِلْمٍ وَلا یدْرِکُهُ الْآخِرُونَ»؛(6)

«همانا روز گذشته کسی از بین شما رفت که نه پیشینیان در هیچ دانشی به او رسیدند و نه آیندگان می توانند او را درک کنند».

1407 لِباسُهُ کَرابِیسُ

در این دنیا، لباسش از کرباس بود.

همچنین مراجعه شود به: أَعْتَقَ أَلْفَ مَمْلُوکٍ [1047]

1408 لِسانُ الْحَقِّ

زبان حقّ؛ یعنی هرچه می گوید حقّ است.

در زیارت مطلقه امیرمؤمنان علیه السلام خطاب به آن حضرت آمده است:

1- 1556. بحارالانوار، ج 97، ص 348.
2- 1557. بحارالانوار، ج 97، ص 324.
3- 1558. بحارالانوار، ج 97، ص 323.
4- 1559. اقبال الاعمال، ص 608؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.
5- 1560. بحارالانوار، ج 97، ص 409؛ مفاتیح الجنان، اعمال مسجد کوفه.

6- 1561. العمده، ص 139؛ موسوعه امام على، ج 10، ص 37؛ كشف الغمه، ج 1، ص 179.

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا لِسانَ الْحَقِّ»؛(1)

«سلام بر تو ای زبان گویای حق».

1409 لِسانُ حِکْمَهِ الْعابِدِینَ

زبان گویا و حکمت عبادت کنندگان.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1410 لِلْخَیر ذُو اصْطِناعٍ

در سخاوت و خوبی ها بی نظیر است.

همچنین مراجعه شود به: طَوِیلُ الْباعِ [1294]

1411 لَمْ یسْبَقْهُ الْأَوَّلُونَ

هیچ یک از پیشینیان در هیچ علمی به او نرسیدند.

همچنین مراجعه شود به: لا یدْرِکُهُ الْآخِرُونَ [1406]

1412 لَمْ یکفُرْ طَرْفَهَ عَینٍ

برای یک لحظه هم کافر نبوده و به خدا شرک نورزید. اهل سنّت برای همه اصحاب پیامبرصلی الله علیه وآله «رضی اللّه عنه»؛ امّا برای امام علی علیه السلام «کرّم اللّه وجهه» را به کار می برند؛ زیرا آن حضرت برای هیچ بتی سجده نکرد.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1413 لَیثُ الْحِجازِ

پهلوان و قهرمان و شیر منطقه حجاز.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1414 لَیثُ الْمُوَحِّدِینَ

شیرمرد خداجویان و یگانه پرستان.

چنان که امام صادق علیه السلام در زیارت مطلقه امیرمؤمنان علیه السلام بیان داشته است:

«اَلسَّلامُ عَلی فارِسِ الْمُؤْمِنِینَ، وَلَیثِ الْمُوَحِّدِینَ»؛(2)

«سلام بر مرد میدان جنگ ها، و سلام بر شیر موحدان و یگانه پرستان».

1415 مَأْوَی التُّقی

ملجأ و پناه تقوا و پرهیزکاران.

همچنین مراجعه شود به: طاعَتُهُ طاعَهُ اللَّهِ [1290]

1416 الْمُؤَیدُ بِجَبْرَئِیلَ

جبرئیل امیرمؤمنان علیه السلام را تأیید و یاری نموده، چنان که امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت فرموده است:

«اَلسَّلامُ عَلی مَنْ أَیدَهُ اللَّهُ بِجَبْرائِیلَ»؛(3)

«سلام بر آنکه خداوند به وسیله جبرئیل او را یاری و تأیید نموده است».

1417 مُؤَیدُ الدِّینِ

یاری کننده دین خدا.

همچنین مراجعه شود به: حِلْمُهُ مِنْ حِلْمِ الرَّسُولِ [1138]

1418 مآءُ السَّمآءِ

برکت و سبب خلقت آسمان از او است، همچون باران که از آسمان بر زمین می بارد و موجب برکت و رویش است.

همچنین مراجعه شود به: رِضاهُ رِضَی اللَّهِ [1182]

1419 مَا اخْتَلَفَتْ أَقْوالُهُ

هیچ یک از گفته ها و سخنانش باهم اختلاف و تفاوت ندارد.

1- 1562. بحارالانوار، ج 97، ص 348.
2- 1563. بحارالانوار، ج 97، ص 305؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه ششم امیرالمؤمنین.
3- 1564. بحارالانوار، ج 97، ص 305؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه ششم امیرالمؤمنین.

امام هادی علیه السلام در زیارت آن حضرت فرمود:

«فَما تَناقَضَتْ أَفْعالُکَ، وَلَا اخْتَلَفَتْ أَقْوالُکَ، وَلا تَقَلَّبَتْ أَحْوالُکَ»؛(1)

«هیچ یک از افعال تو با هم متناقض نبود، سخنانت با هم اختلافی نداشت، و احوال تو تغییر و دگرگونی نداشت».

1420 ما تَقَلَّبَتْ أَحْوالُهُ

همیشه بر صراط و مسیر مستقیم است و احوالش دگرگون نمی شود.

همچنین مراجعه شود به: مَا اخْتَلَفَتْ أَقْوالُهُ [1419]

1421 ما تَناقَضَتْ أَفْعالُهُ

هیچ یک از کارهایش با هم تناقض و تفاوت ندارد.

همچنین مراجعه شود به: مَا اخْتَلَفَتْ أَقْوالُهُ [1419]

1422 الْماضِی عَلی سُنَّهِ اللَّهِ

رونده و گذر کننده بر روش و سنّت خدا.

در زیارت مطلقه امیرمؤمنان علیه السلام آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا سَیدَ الْوَصِیینَ وَالْماضِی عَلی سُنَّتِهِ»؛(2)

«سلام بر تو ای آقای جانشینان ... و کسی که طبق سنّت رسول خداصلی الله علیه وآله پیش رفت».

1423 ما وَضَعَ آجُرَهً عَلی آجُرَهٍ

آجر و خشتی روی هم نگذاشت.

امام باقرعلیه السلام در بی نیازی و زهد و عدالت ایشان می فرماید:

«وَلَقَدْ وَلَّی النّاسَ خَمْسَ سِنِینَ، فَما وَضَعَ آجُرَهً عَلی آجُرَهٍ وَلا لَبَنَهً عَلی لَبَنَهٍ وَلا أَقْطَعَ قَطِیعَهً وَلا أَوْرَثَ بَیضاءَ وَلا حَمْراءَ»؛(3)

«آن حضرت پنج سال بر مردم حکومت کرد، امّا هیچ بنایی نساخت، آجر و خشتی روی هم نگذاشت، زمین و املاکی فراهم نکرد، و سفید و سرخی (نقره و طلا) را به ارث نگذاشت».

1424 الْمَبْتَدِی بِشَرائِعِ الْحَقِّ

در زیارت مطلقه مولا علی علیه السلام آمده:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ الْمُبْتَدِی بِشَرائِعِ الْحَقِّ وَمِنْهاجِ الصِّدْقِ»؛(4)

«گواهی می دهم تو آغازکننده در عمل به احکام الهی بودی، و راه و روش واضح و راستی هستی».

1425 الْمُبْتَغِی

در طلب قرب الهی است، چنان که امام هادی علیه السلام در زیارت آن حضرت می فرماید:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً ... وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَیتَ عَنِ الْمُنْکَرِ، مَا اسْتَطَعْتَ مُبْتَغِیاً ما عِنْدَ اللَّهِ»؛(5)

«سلام بر تو ای امیرمؤمنان که خداوند متعال را مخلصانه پرستیدی و تا توان داشتی به نیکی ها فرمان دادی و مردم را از بدی ها باز داشتی، همه این کارها برای به دست آوردن آن مطلوبی بود که نزد خدای تعالی است».

1- 1565. مفاتیح الجنان، زیارت روز عید غدیر.
2- 1566. بحارالانوار، ج 97، ص 295؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
3- 1567. امالی طوسی، ص 692؛ امالی صدوق، ص 281؛ کافی، ج 8، ص 129؛ وسائل الشیعه، ج 1، ص 88؛ موسوعه امام علی، ج 8، ص 278؛
4- 1568. بحارالانوار، ج 97، ص 342.
5- 1569. بحارالانوار، ج 97، ص 362.

1426 مُبْطِلُ الشِّرْكِ

باطل کننده هر نوع شرک.

در یکی از زیارات امیرمؤمنان علیه السلام آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا داحِضَ الْإِفْکِ وَمُبْطِلَ الشِّرْکِ»؛(1)

«سلام بر تو ای از بین برنده دروغ و باطل کننده شرک».

1427 مُبْطِلُ کَیدِ الشَّیطانِ

مکر و حیله شیطان و شیطان صفتان را باطل و از کار می اندازد.

در زیارت خطاب به امیرمؤمنان علیه السلام گوییم:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا فاضِحَ الْأَقْرانِ وَقاتِلَ الشُّجْعانِ وَمُبْطِلَ کَیدِ الشَّیطانِ»؛(2)

«سلام بر تو که پهلوانان هم ردیف خود را مفتضح نموده و شجاعان عرب را به قتل رساندی و مکر و کید شیاطین را باطل فرمودی».

1428 مُبْغِضُهُ مَلْعُونٌ

هرکه با او دشمنی و بغض داشته باشد، ملعون است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مُبْغِضُ عَلِیّ بْنِ أَبِی طالِبٍ، فَإِنَّهُ ما أَبْغَضَهُ حَتّی أَبْغَضَ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه وآله، وَمَنْ أَبْغَضَ رَسُولَ اللَّهِ لَعَنَهُ اللَّهُ فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَهِ»؛(3)

«ملعون است ملعون است هرکه با علی بن ابی طالب علیه السلام بغض و کینه داشته باشد، چون کسی با علی علیه السلام بغض ندارد مگر اینکه با رسول خداصلی الله علیه وآله بغض داشته باشد و هرکه با پیامبرصلی الله علیه وآله چنین باشد، خداوند در دنیا و آخرت او را لعن خواهد کرد».

از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود: خدای تعالی آفریدگانی دارد، نه از آدم و نه از جن و ابلیس، که بر مبغضان علی علیه

السلام لعن می کنند.

گفته شد: اینان کیانند؟

حضرت فرمود:

«الْقَنابِرُ ینادُونَ فِی السَّحَرِ عَلی رُؤُوسِ الشَّجَرِ: أَلا لَعْنَهُ اللَّهِ عَلی مُبْغِضِ عَلِیّ بْنِ أَبِی طالِبٍ».(4)

«چکاوک ها سحرگاهان بر روی درختان ندا می کنند: همانا لعنت و نفرین خدا بر کسی که بغض و کینه علی بن ابی طالب را داشته باشد».

1429 الْمُبَلِّغُ

تبلیغ کننده و ابلاغ کننده پیام از جانب کسی برای دیگران و امام علی علیه السلام، به بیان حضرت خضرعلیه السلام: «أَنْتَ الْمُبَلِّغُ عَنِ اللَّهِ وَعَنْ رَسُولِهِ» است، به جهت ابلاغ آیه برائت در شهر مکّه.

امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت فرمود:

«اَللَّهُمَّ إِنِّی أَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَّغَ عَنْ رَسُولِکَ ما حُمِّلَ»؛(5)

«خدایا گواهی می دهم که او از جانب پیامبرت آنچه را به وی سپرده شده بود، ابلاغ نمود».

همچنین مراجعه شود به: رابِعُ الْخُلَفآءِ [1177]

1- 1570. بحارالانوار، ج 97، ص 332.
2- 1571. بحارالانوار، ج 97، ص 332.
3- 1572. بحارالانوار، ج 73، ص 354؛ وسائل الشیعه، ج 16، ص 280؛ کنز الفوائد، ج 1، ص 149.
4- 1573. الصراط المستقیم، ج 2، ص 95؛ ارشاد القلوب، ج 2، ص 236.
5- 1574. بحارالانوار، ج 97، ص 372؛ اقبال الاعمال، ص 493؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.

1430 مُبِيدُ الْأَقْرانِ

پهلوانان همردیف خود را از بین برده است.

[1021 همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی]

1431 مُبِيدُ الْكَتائِبِ

هلاک کننده لشکرها.

از امام صادق علیه السلام در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلى مَوْلانا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِى بْنِ أَبِى طالِبٍ، صاحِبِ السَّوابِقِ وَالْمَناقِبِ وَالنَّجْدَهِ، وَمُبِيدِ الْكَتآئِبِ»؛(1)

«سلام بر مولای ما امیرمؤمنان علی علیه السلام، که دارای سوابق و فضایل درخشان است و به هلاکت رساننده لشکرها است».

1432 مُبِيدُ الْمُشْرِكِينَ

درهم کوبنده و کشنده مشرکان.

[1021 همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی]

1433 مُبِيرُ الْكَفَرَهِ

نابود کننده و هلاک کننده کافران.(2)

1434 مُبِيرُ مَرْحَبٍ

کشنده مرحب، پهلوان خیبر یهودی است.

1435 مُبِيرُ الْمُشْرِكِينَ

کشنده و نابود کننده مشرکان.

در قسمتی از دعای امام رضاعلیه السلام آمده است:

«وَأَنَّ عَلِیاً أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ سَیدُ الْأَوْصِیاءِ وَوارِثُ عِلْمِ الْأَنْبِیاءِ، عَلَمُ الدِّینِ وَمُبِیرُ الْمُشْرِکِینَ وَمُمَیزُ الْمُنافِقِینَ وَمُجاهِدُ الْمارِقِینَ»؛(3)

«همانا علی امیر مؤمنان و سید اوصیا و وارث علم پیامبران و پرچم دین، کشنده مشرکان و رسوا کننده منافقان و جهاد کننده با مارقان است».

همچنین مراجعه شود به: قاتِلُ عَمْرٍو [1360]

1436 مُبَینُ الْمُشْکَلاتِ

کسی که مشکلات و سختی ها را حل و برطرف می کند. امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت چنین خطاب می کند:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا خاتِمَ الْحَصی وَمُبَینَ الْمُشْکَلاتِ»؛(4)

«سلام بر تو ای آخرین حدّ شمارش و بیان کننده و روشن کننده مشکلات».

1437 الْمُتَنَمِّرُ

خشم و غضب کننده در راه خدا.

حضرت فاطمه زهراعلیها السلام در دفاع از ولایت و امامت امیرمؤمنان علیه السلام فرموده:

«وَمَا الَّذِی نَقَمُوا مِنْ أَبِی الْحَسَنِ؟ نَقَمُوا مِنْهُ نَکِیرَ سَیفِهِ وَقِلَّةَ مُبالاتِهِ بِحَتْفِهِ وَشِدَّهِ وَطْأَتِهِ وَنَکالَ وَقْعَتِهِ وَتَنَمُّرَهُ فِی ذاتِ اللَّهِ»؛(5)

«و چه باعث شد که با کینه توزی از علی علیه السلام انتقام بگیرند؟! آری او را سرزنش کردند؛ چون شمشیر علی علیه السلام در راه خدا، خودی و غیر خودی

1- 1575. بحارالانوار، ج 97، ص 305؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه ششم امیرالمؤمنین.
2- 1576. بحارالانوار، ج 105، ص 73.
3- 1577. بحارالانوار، ج 91، ص 348؛ مهج الدعوات، ص 253.

4- 1578. بحارالانوار، ج 97، ص 373؛ کتاب المزار، ص 208؛ اقبال الاعمال، ج 3، ص 132؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.
5- 1579. معانی الاخبار، ص 354؛ کشف الغمه، ج 1، ص 492.

و شجاع و ترسو نمی شناخت و نسبت به مرگ بی اعتنا بود و با دشمنان اسلام سخت مبارزه می کرد و فقط در راه خدا غضب ناک می شد».

1438 مُجازِی الْخَلْقَ

پاداش و کیفر خلق را می دهد.

فرازی از زیارت آن حضرت چنین است:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ مُجازِی الْخَلْقِ وَشافِعُ الرِّزْقِ»؛(1)

«گواهی می دهم که تو خلق را جزا خواهی داد و تو واسطه رزق و روزی هستی».

1439 مُجاهِدُ الْمارِقِینَ

با خوارج (خروج کنندگان از دین) جهاد و مبارزه کرد.

همچنین مراجعه شود به: مُبِیرُ الْمُشْرِکِینَ [1435]

1440 الْمُجْتَهِدُ

تلاش گر و مجاهد. توصیفی است که فاطمه زهراعلیها السلام فرموده، و امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت شهادت می دهد:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ یا وَلِی اللَّهِ جاهَدْتَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ صابِراً ناصِحاً، مُجْتَهِداً مُحْتَسِباً عِنْدَ اللَّهِ»؛(2)

«گواهی می دهم ای ولی خدا... که تو در راه خدا جهاد نمودی با صبر و شکیبایی و نصیحت و اندرز و خیرخواهی و در حالی که با کوشش وافی و مراقبت کامل نزد خدا چنین نمودی».

همچنین مراجعه شود به: سَیدٌ فِی أَوْلِیاءِ اللَّهِ [1219]

1441 الْمُجِدُّ

تلاش گر و پرکار.

همچنین مراجعه شود به: سَیدٌ فِی أوْلِیاءِ اللّهِ [1219]

1442 مُجَلِّی إِرادَهِ اللَّهِ

آشکار کننده و تجلّی کننده اراده خدا.

در زیارتی هم وارد شده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا حافِظَ سِرِّ اللَّهِ وَمُمْضِی حُکْمِ اللَّهِ وَمُجَلِّی إِرادَهِ اللَّهِ»؛(3)

«سلام بر تو ای حافظ سرّ خدا و اجرا کننده حکم خدا و تجلی دهنده اراده خداوند».

1443 مُجَلِّی الخُطّابِ

فصیح ترین خطیبان.

در بخشی از زیارت آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا هازِمَ الْأَحْزابِ وَمُذِلَّ الرِّقابِ وَمُجَلِّی الْخُطّابِ»؛(4)

«سلام بر تو ای شکست دهنده احزاب شرک، و خوار کننده گردن کشان سران نفاق، و بارزترین خطیبان».

1444 مُجَهِّزُ الرَّسُولِ

هر شخص مسلمانی که از دنیا می رود، کارهای ویژه ای از جمله غسل و تشییع و کفن و نماز و دفن دارد که این امور را تجهیز میت می گویند. و امام علی علیه السلام بنا به وصیت شخص رسول خداصلی الله علیه وآله مجهّز و تجهیز کننده امور آن حضرت بود، چنان که در زیارت آن حضرت بدان اشاره نموده است:

1- 1580. بحارالانوار، ج 97، ص 331.
2- 1581. بحارالانوار، ج 97، ص 375؛ اقبال الاعمال، ص 610؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.
3- 1582. بحارالانوار، ج 97، ص 348.

4- 1583. بحارالانوار، ج 97، ص 332.

«وَأَعانَتْهُ مَلآئِکَتُکَ عَلی غُسْلِهِ وَتَجْهِیزِهِ»؛(1)

«فرشتگان خداوند برای غسل و تجهیز امور رسول خداصلی الله علیه وآله به امیرمؤمنان علیه السلام کمک کردند».

1445 مُحالِفٌ لِلتُّقی

محالف از حلف؛ هم قسم بودن با کسی یا چیزی است. و امام علی علیه السلام با زهد و تقوا و خداترسی هم قسم و همراه و ملازم بود.

در زیارتی از امام هادی علیه السلام آمده است:

«وَأَشْهَدُأَنَّکَ لَمْ تَزَلْ لِلْهَوی مُخالِفاً وَلِلتُّقی مُحالِفاً»؛(2)

«گواهی می دهم پیوسته با هوای نفس مخالف و با تقوا و مقام عصمت، ملازم و موافق بودی».

1446 الْمُحامِی الْمُسْلِمِینَ

حضرت علی علیه السلام از حرم مسلمانان حفاظت و حمایت می کرد.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1447 الْمُحْتَسِبُ

در زیارت منسوب به امام صادق علیه السلام برای امیرمؤمنان علیه السلام بیان شده:

«وَجاهَدَ النّاکِثِینَ فِی سَبِیلِکَ، وَالْقاسِطِینَ فِی حُکْمِکَ، وَالْمارِقِینَ عَنْ أَمْرِکَ، صابِراً مُحْتَسِباً»؛(3)

«و با پیمان شکنان از راه تو جهاد نمود، با متجاوزان در حکم تو و خارج شوندگان از امر تو مبارزه کرد در حالی که صبر و شکیبایی و زحمت فراوانی داشت».

1448 الْمَحَجَّةُ الْواضِحَةُ

طریق و راه واضح و آشکار، چنان که امام هادی علیه السلام در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

«مَوْلای أَنْتَ الْحُجَّةُ الْبالِغَةُ، وَالْمَحَجَّةُ الْواضِحَةُ»؛(4)

«ای مولای من تویی حجت بالغه خدا و طریق واضح حقّ تعالی».

1449 الْمُحَرِّمُ

امام علی علیه السلام هرچه را خدا حرام کرده بود، حرام می دانست.

امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت فرمود:

«اَللَّهُمَّ إِنِّی أَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَّغَ عَنْ نَبِیکَ صلی الله علیه وآله ... وَحَرَّمَ حَرامَکَ»؛(5)

«خدایا من گواهی می دهم که علی علیه السلام پیام تو را از جانب پیامبرصلی الله علیه وآله ابلاغ نمود و هر آنچه تو حرام کرده بودی را تحریم نمود».

1450 مُحْکَمُ التَّفْسِیرِ

تفسیر او از قرآن و بیان آن، محکم و بدون نقص است.

همچنین مراجعه شود به: الْبُرْهانُ [1094]

1451 الْمُحَلِّلُ

امام علی علیه السلام هرآنچه را خدا حلال کرده بود، حلال می دانست.

1- 1584. بحارالانوار، ج 97، ص 380؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
2- 1585. بحارالانوار، ج 97، ص 361؛ مفاتیح الجنان، اعمال عید غدیر.
3- 1586. اقبال الاعمال، ص 493؛ مصباح الکفعمی، ص 685؛ مفاتیح الجنان، زیارت مخصوصه امیرالمؤمنین در روز عید غدیر.
4- 1587. بحارالانوار، ج 97، ص 364؛ مفاتیح الجنان، اعمال عید غدیر.

5- 1588. بحارالانوار، ج 97، ص 372؛ مفاتيح الجنان، زيارت اميرالمؤمنين روز ميلاد پيامبر.

امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت فرمود:

«اَللَّهُمَّ إِنِّی أَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَّغَ عَنْ نَبِیکَ صلی الله علیه وآله ما حُمِّلَ وَحَلَّلَ حَلالَکَ»؛(1)

«خدایا گواهی می دهم او هر آنچه از جانب پیامبر به وی سپرده شده بود، ابلاغ کرد و حلال تو را تحلیل نمود».

1452 مُحْیی اللَّیلِ

احیا کننده شب، شب زنده دار. امام علی علیه السلام که عابدترین مردم بود، شب خود را به عبادت و نماز و تهجّد به صبح می رساند.

«اَلسَّلامُ عَلی مُحْیی اللَّیلِ الْبَهِیمِ بِالتَّهَجُّدِ وَالاِکْتِیابِ»؛(2)

«سلام برآنکه درشب های تار باچشمی اشکبار به راز و نیاز می پرداخت و شب زنده دار بود».

1453 مُخاطِبُ الثُّعْبانِ

اژدها و افعی یا مار بزرگ را خطاب قرار داد و با زبان فصیح با وی سخن گفت.

فرازی از زیارت آن حضرت، چنین است:

«اَلسَّلامُ عَلی مُخاطِبِ الثُّعْبانِ عَلی مِنْبَرِ الْکُوفَهِ بِلِسانِ الْفُصَحآءِ»؛(3)

«سلام بر آنکه بر منبر کوفه با اژدها به زبان فصیح سخن گفت».

1454 مُخاطَبُ جَبْرَئِیلَ

جبرئیل، فرشته بزرگ الهی، او را مورد خطاب قرار داده، آن هم چه خطابی؟! خطاب به "امیرمؤمنان"، چنان که در زیارت آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلی مَنْ خاطَبَهُ جَبْرَئِیلُ بِإِمْرَهِ الْمُؤْمِنِینَ بِغَیرِ ارْتِیابٍ»؛(4)

«سلام بر آنکه جبرئیل امین به یقین، با لقب «امیرالمؤمنین» او را خطاب کرد».

1455 مُخاطِبُ الذِّئْبِ

عمار بن یاسر نقل می کند: به دنبال امام علی علیه السلام می گشتم، گرگی را دیدم در کوچه های مدینه، تا رسید به امیرمؤمنان علیه السلام، دهان و پوزه خود را به خاک می مالید و به امام اشاره می کرد. امام دعا کرد که خداوند او را گویا کند تا با وی سخن بگوید و خداوند زبان وی را گویا کرد و با امیرمؤمنان علیه السلام گفت و گو نمود.

پس در زیارت آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلی مُخاطِبِ الذِّئْبِ وَمُکَلِّمِ الْجُمْجُمَهِ بِالنَّهْرَوانِ وَقَدْ نَخِرَتِ الْعِظامُ بِالْبِلا»؛(5)

«سلام بر آنکه گرگ را مخاطب قرار داد و با او سخن گفت و نیز با استخوان پوسیده جمجمه مرده ای در نهروان گفت و گو کرد».

1456 مخالِفٌ لِلْهَوی

مخالف با هوای نفس و خواهشهای نفسانی. امام هادی علیه السلام در فرازی از زیارت فرموده:

1- 1589. اقبال الاعمال، ص 493؛ بحارالانوار، ج 97، ص 372؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.
2- 1590. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
3- 1591. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ مفاتیح الجنان،زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
4- 1592. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ مفاتیح الجنان،زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
5- 1593. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

«وَأَشْهَدُ أَنَّکَ لَمْ تَزَلْ لِلْهَوی مُخالِفاً»؛(1)

«گواهی می دهم تو ای امیرالمؤمنین علیه السلام همیشه با هوای نفس مخالفت نمودی».

1457 الْمُخْبِرُ

خبر دهنده، آن هم خبر دادن از اخبار آینده و گذشته، و به علم الهی پیش گویی کردن.

امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا مُخْبِراً بِما غَبَرَ وَبِما هُوَ آتٍ»؛(2)

«سلام بر تو ای خبر دهنده از آنچه گذشته و از آنچه در آینده واقع خواهد شد».

1458 الْمُخْبِرُ عَنِ الْآثارِ

امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلی نُورِ الْأَنْوارِ الْمُخْبِرِ عَنِ الْآثارِ»؛(3)

«سلام بر روشنی بخش انوار و خبردهنده از آثار گذشته و حوادث آینده».

1459 الْمَخْصُوصُ بِجَزِیلِ الْحِباءِ

عطا و بخشش بدون منّت.

امام صادق علیه السلام در زیارت حضرت فرموده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا مَنْ خَصَّهُ النَّبِی بِجَزِیلِ الْحِباءِ»؛(4)

«سلام بر تو ای آنکه پیامبر خداصلی الله علیه وآله تو را به عطای بزرگ (خلافت الهی) مخصوص گردانید».

1460 الْمَخْصُوصُ بِحُکْمِ التَّأْوِیلِ

عالم به حکم تأویل آیات قرآنی.

در فرازی از زیارت امیرمؤمنان علیه السلام از زبان امام هادی علیه السلام چنین آمده:

«وَأَنْتَ الْمَخْصُوصُ بِعِلْمِ التَّنْزِيلِ وَحُكْمِ التَّأْوِيلِ»؛(5)

«این تو هستی که به علم نزول قرآن آگاهی داری و حکم تأویل آن نیز با تو خواهد بود».

1461 الْمَخْصُوصُ بِذِی الْفَقارِ

تنها دارنده شمشیر ذوالفقار؛ رسول خداصلی الله علیه وآله شمشیر ذوالفقار را در جنگ احد به علی بن ابی طالب علیه السلام داد.

در زیارت آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَی الْمَخْصُوصِ بِذِی الْفَقارِ»؛(6)

«سلام بر آن کسی که فقط او دارای شمشیر ذو الفقار بود».

1462 الْمَخْصُوصُ بِالطّاهِرَهِ

فقط امام علی علیه السلام بود که لیاقت حضرت زهرای مرضیه علیها السلام را داشت.

امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلَی الْمَخْصُوصِ بِالطّاهِرَهِ النَّقِیهِ، ابْنَهِ الْمُخْتارِ»؛(7)

«سلام بر آن آقایی که فقط ایشان شایستگی همسری فاطمه طاهره معصومه را داشت، او که دختر رسول برگزیده بود».

1- 1594. بحارالانوار، ج 97، ص 361؛ مفاتیح الجنان، اعمال عید غدیر.
2- 1595. بحارالانوار، ج 97، ص 373؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.
3- 1596. اقبال الاعمال، ص 610؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.

4- 1597. بحارالانوار، ج 97، ص 373؛ اقبال الاعمال، ص 608؛ مفاتيح الجنان، زيارت اميرالمؤمنين روز ميلاد پيامبر.
5- 1598. بحارالانوار، ج 97، ص 364؛ مفاتيح الجنان، اعمال عيد غدير.
6- 1599. بحارالانوار، ج 97، ص 301.
7- 1600. بحارالانوار، ج 97، ص 375؛ اقبال الاعمال، ص 610؛ مفاتيح الجنان، زيارت اميرالمؤمنين روز ميلاد پيامبر.

1463 الْمَخْصُوصُ بِعِلْمِ التَّنْزِيلِ

رسول خداصلی الله علیه وآله علم تنزیل آیات قرآن کریم را به ایشان آموخت.

همچنین مراجعه شود به: الْمَخْصُوصُ بِحُكْمِ التَّأْوِيلِ [1460]

1464 الْمَخْصُوصُ بِمِدْحَهِ اللَّهِ

خدای تعالی بسیار مدح و ثنای او را نموده.

امام هادی علیه السلام در زیارت آن حضرت فرمود:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ الْمَخْصُوصُ بِمِدْحَهِ اللَّهِ الْمُخْلِصُ لِطاعَهِ اللَّهِ»؛(1)

«گواهی می دهم مدح و ثنای الهی را شامل حال خود کردی و با اخلاص به طاعت خدا پرداختی».

1465 الْمُخْلِصُ لِطاعَهِ اللَّهِ

با اخلاص کامل به اطاعت خدا می پردازد.

همچنین مراجعه شود به: الْمَخْصُوصُ بِمِدْحَهِ اللَّهِ [1464]

1466 الْمَخْلُوقُ مِنْ طِينَهِ الرَّسُولِ

به سرشت رسول خداصلی الله علیه وآله آفریده شده.

در یکی از زیارات آن جناب آمده:

«اَلسَّلامُ عَلی أَخِی رَسُولِ اللَّهِ وَابْنِ عَمِّهِ، وَزَوْجِ ابْنَتِهِ وَالْمَخْلُوقِ مِنْ طِينَتِهِ»؛(2)

«سلام بر برادر رسول خدا و پسر عمویش و همسر دخترش، او که از طینت و سرشت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله خلق شده است».

1467 مُدْرِکُ الثّارِ

انتقام گیرنده خون انسان بی گناه.

در فرازی از زیارت مطلقه امام علی علیه السلام چنین آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا قاسِمَ النّارِ، وَحافِظَ الْجارِ، وَمُدْرِکَ الثّارِ»؛(3)

«سلام برتو ای تقسیم کننده آتش جهنم و نگهدار پناهنده و انتقام گیرنده خون بی گناه».

1468 الْمَدْفُونُ بِاللَّیلِ

به جهت کینه و عداوتی که خوارج و منافقان از آن امام عادل داشتند، و بنا به وصیتی که فرمود، او نیز همانند همسرش شبانه و به دور از چشم دشمنان دفن شد و قبرش نیز مخفی ماند تا مبادا به پیکر مطهر آن حضرت تعرّض و بی احترامی شود. و فقط اهل بیت و خاصّان شیعه از آن خبر داشتند و پس از صد سال برای مردم آشکار شد.

1469 الْمُدَمِّرُ

هلاک کننده و نابود کننده.

امام صادق علیه السلام در زیارت، به آن اشاره فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلی نُورِ الْأَنْوارِ الْمُخْبِرِ عَنِ الْآثارِ، الْمُدَمِّرِ عَلَی الْکُفّارِ»؛(4)

«سلام بر آنکه منشأ همه نورها و خبر دهنده از گذشتگان و هلاک کننده کافران است».

و امیرمؤمنان علیه السلام نزد شیاطین به نام «مدمّر» معروف است: «وَیسَمُّونَهُ أَهْلُ السَّمآءِ شَمْساطِیلٌ، وَعِنْدَ الشَّیاطِینَ مُدَمِّرٌ»؛(5)

1- 1601. بحارالانوار، ج 97، ص 363؛ مفاتیح الجنان، اعمال عید غدیر.
2- 1602. بحارالانوار، ج 97، ص 305؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
3- 1603. بحارالانوار، ج 97، ص 331.
4- 1604. مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.

5- 1605. بحارالانوار، ج 35، ص 62؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 276.

«اهل آسمان آن حضرت را شمساطیل نامیدند و نزد شیاطین نیز مدمّر نام دارد».

1470 مَدَنِی

منسوب به شهر مدینه است؛ امام علی علیه السلام نیز اگرچه متولد مکّه و خانه کعبه است؛ ولی به همراه رسول خداصلی الله علیه وآله به مدینه (یثرب) هجرت و ساکن آنجا شد و در مدینه النبی زندگی کرد.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1471 مُذِلُّ الرِّقابِ

گردن ها را شکسته و خوار و ذلیل کرده، و امام علی علیه السلام گردن گردن کشان شرک و کفر را زده است، پس در زیارتش آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا هازِمَ الْأَحْزابِ وَمُذِلَّ الرِّقابِ»؛(1)

«سلام بر تو ای شکست دهنده احزاب شرک و کفر و ای خوار کننده گردنکشان مشرک».

1472 مُرْغِمُ الْفَجَرَهِ

دشمن فاجران و فاسقان بود و آنان نیز از وی کراهت داشتند؛ ولی او برخلاف میل آنان ایشان را به سزای اعمال خود رساند.

همچنین مراجعه شود به: قاصِمُ الْکَفَرَهِ [1364]

1473 الْمُزَوَّجُ فِی السَّمآءِ

عقد ازدواج وی در آسمان ها و به اجازه خدا و در حضور فرشتگان آسمانی انجام شده.

در بخشی از زیارت حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَی الْمَوْلُودِ فِی الْکَعْبَهِ الْمُزَوَّجِ فِی السَّمآءِ»؛(2)

«سلام بر آن آقایی که در کعبه متولد شده و در آسمان عقد ازدواجش منعقد شده است».

1474 مُزِیلُ الشَّکِّ

زایل و نابود کننده شک و تردید، چنان که در یکی از زیارات حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا داحِضَ الْإِفْکِ وَمُبْطِلَ الشِّرْکِ وَمُزِیلَ الشَّکِّ»؛(3)

«سلام بر تو ای نابود کننده دروغ و تزویر، و باطل کننده شرک و زایل کننده هر شک و تردید».

1475 مُسْتَنْقِذُ الشِّیعَهِ

نجات دهنده شیعیان و کسانی که پیرو راه و روش ایشان باشند.

امام صادق علیه السلام در فرازی از زیارت خود به امیرمؤمنان علیه السلام سلام می کند:

«اَلسَّلامُ عَلی نُورِ الْأَنْوارِ ... الْمُدَمِّرِ عَلَی الْکُفّارِ، مُسْتَنْقِذِ الشِّیعَهِ الْمُخْلِصِینَ مِنْ عَظِیمِ الْأَوْزارِ»؛(4)

«سلام بر روشنی بخش انوار... او که هلاک کننده کفار است و نیز نجات دهنده شیعیان با اخلاص از بلا و عقوبت گناهان بزرگ می باشد».

1476 مَسْلَکُ الْجَنَّهِ

طریق و روشی که اگر انسان آن را بپیماید، به بهشت می رسد. در زیارت آن حضرت آمده:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ وَالْأَئِمَّهَ مِنْ وُلْدِکَ سَفِینَهُ النَّجاهِ... وَالْمَسْلَکُ إِلَی الْجَنَّهِ»؛(5)

1- 1606. بحارالانوار، ج 97، ص 331.
2- 1607. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ اقبال الاعمال، ص 610؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
3- 1608. بحارالانوار، ج 97، ص 331.

4- 1609. بحارالانوار، ج 97، ص 375؛ اقبال الاعمال، ص 610؛ مفاتيح الجنان، زيارت اميرالمؤمنين روز ميلاد پيامبر.
5- 1610. بحارالانوار، ج 97، ص 342.

«گواهی می دهم تو و امامان از فرزندانت کشتی نجات و راه رسیدن به بهشت هستید».

1477 مِشْکاهُ ضِیاءِ اللَّهِ

چراغ دان؛ ظرف نفوذناپذیری که چراغ را داخل آن می گذارند.

در فرازی از زیارت مولا علی علیه السلام به آن حضرت خطاب شده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا مِصْباحَ نُورِ اللَّهِ وَمِشْکاهَ ضِیآءِ اللَّهِ»؛(1)

«سلام بر تو ای چراغ نور الهی و چراغدان روشنی انوار خدایی».

1478 الْمُشَمِّرُ

برای انجام امری، دامن همت را به کمر بسته و نهایت تلاش را می کند.

همچنین مراجعه شود به: سَیدٌ فِی أَوْلِیاءِ اللَّهِ [1219]

1479 مِصْباحُ الضِّیاءِ

چراغ نورانی که مدام از خود روشنی می دهد.

امام صادق علیه السلام خطاب به امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا مِصْباحَ الضِّیآءِ»؛(2)

«سلام بر تو ای چراغ فروزان (علم و ایمان)».

1480 مِصْباحُ نُورِ اللَّهِ

امام صادق علیه السلام خطاب به آن حضرت فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا عَیبَهَ غَیبِ اللَّهِ وَمِیزانَ قِسْطِ اللَّهِ وَمِصْباحَ نُورِ اللَّهِ»؛(3)

«سلام بر تو ای مخزن علم غیب الهی و میزان قسط و عدل خدا و چراغ روشنی بخش خداوند».

1481 مُصَدِّقُ الرَّسُولِ

رسول خداصلی الله علیه وآله را تصدیق و تأیید کرد و به وی ایمان آورد.

در فرازی از زیارت آن حضرت آمده است:

«وَمُصَدِّقاً لِرَسُولِکَ»؛(4)

«سلام بر او که رسول تو را تصدیق نمود».

1482 الْمُصَلِّی عَلَی الرَّسُولِ

بر پیکر مطهر رسول خداصلی الله علیه وآله نماز خواند.

پیامبراکرم صلی الله علیه وآله که از دنیا رحلت فرمود، دیگران به دنبال کار خود رفتند تا خلیفه بتراشند؛ ولی علی علیه السلام بنا به وصیت رسول خداصلی الله علیه وآله به انجام امور آن حضرت پرداخت. حضرت را غسل داد، کفن کرد، آن گاه بر پیکرش نماز خواند، سپس سایر مسلمانان آمدند و بدون امام نماز خواندند.

در فرازی از زیارت حضرت آمده:

«وَأَعانَتْهُ مَلآئِکَتُکَ عَلی غُسْلِهِ وَتَجْهِیزِهِ، وَصَلّی عَلَیهِ وَواری شَخْصَهُ»؛(5)

«فرشتگان خداوند برای غسل و تجهیز امور رسول خداصلی الله علیه وآله به امیرمؤمنان علیه السلام کمک کردند، آن گاه بر حضرت نماز خواند و پیکر مطهرش را به خاک سپرد».

1- 1611. بحارالانوار، ج 97، ص 348.
2- 1612. بحارالانوار، ج 97، ص 373؛ اقبال الاعمال، ص 608؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.
3- 1613. بحارالانوار، ج 97، ص 348.
4- 1614. بحارالانوار، ج 97، ص 330.
5- 1615. بحارالانوار، ج 97، ص 380؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

1483 مَطْلُوبُ كُلِّ طالِبٍ

هر جوینده کمالی به دنبال او است و راه و روش او را می طلبد.

همچنین مراجعه شود به: أَسَدُ اللَّهِ الْغالِبُ [1038]

1484 الْمُطَهَّرُ مِنَ الرَّيبِ

از هر شک و تردیدی مبرّا است.

امام صادق علیه السلام در زیارت امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلى عَبْدِكَ الْمُهَذَّبِ مِنَ الْعَيبِ، وَالْمُطَهَّرِ مِنَ الرَّيبِ»؛(1)

«خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و نیز درود فرست بر بنده ات... او که از هر عیب و نقصی مبرّا و از هر شک و تردیدی پاک است».

1485 الْمُطَهَّرُ مِنَ الْعَيبِ

از هر عیب و نقصی پاک و مبرّا است.

امام صادق علیه السلام از خداوند درخواست می کند:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ... الْمُطَهَّرِ مِنَ الْعَيبِ»؛(2)

«خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و نیز درود فرست بر امیرمؤمنان علیه السلام که از هر نوع عیبی پاک است».

1486 الْمُطِيعُ

تابع دستورات خدای تعالی است و اوامر الهی را اطاعت می نماید.

امام صادق علیه السلام در نماز حاجت و دعای بعد از آن می فرماید: «علی علیه السلام کسی است که المُطِيعُ لِأَمْرِكَ؛ مطیع محض فرمان خدای تعالی است».(3)

1487 مُظْهِرُ الْآياتِ

آشکار کننده و نشان دهنده جلوه آیات و نشانه های خداوند.

امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت چنین فرموده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا مُظْهِرَ الْعَجآئِبِ وَالْآیاتِ»؛(4)

«سلام بر تو ای آقایی که آشکارکننده امور عجیبه و آیات خداوندی هستی».

1488 مُظْهِرُ الْبَراهِینِ

آشکار کننده برهان ها.

امام صادق علیه السلام در زیارت حضرت فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا مُظْهِرَ الْبَراهِینِ»؛(5)

«سلام بر تو ای آشکار کننده حجت و براهین دین خدا».

1489 مُظْهِرُ الْعَجائِبِ

آشکارکننده امور عجیب.

همچنین مراجعه شود به: مُظْهِرُ الْآیاتِ [1489]

1490 مُظْهِرُ الْماءِ الْمَعِینِ

آب گوارا از چشمه بیرون آورد.

امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت فرمود:

1- 1616. بحارالانوار، ج 97، ص 380؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
2- 1617. بحارالانوار، ج 97، ص 307؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
3- 1618. بحارالانوار، ج 87، ص 31.

4- 1619. بحارالانوار، ج 97، ص 373؛ مفاتيح الجنان، زيارت اميرالمؤمنين روز ميلاد پيامبر.
5- 1620. بحارالانوار، ج 97، ص 375؛ اقبال الاعمال، ص 608؛ مفاتيح الجنان، زيارت اميرالمؤمنين روز ميلاد پيامبر.

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا قالِعَ الصَّخْرَهِ عَنْ فَمِ الْقَلِیبِ، وَمُظْهِرَ الْماءِ الْمَعِینِ»؛(1)

«سلام برتو که صخره سنگ عظیم را از دهانه چاه قلیب برکندی و آب گوارایی پدید آوردی».

همچنین مراجعه شود به: قالِعُ الصَّخْرَهِ [1370]

1491 مُعافِی عَنِ النّاسِ

از عیب و گناه مردم می گذرد و آنان را می بخشد و عفو می کند.

امام هادی علیه السلام در زیارت آن حضرت فرمود:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ عَنِ النّاسِ عافِیاً غافِراً»؛(2)

«گواهی می دهم تو از گناه مردم گذشتی و آنان را بخشیدی».

1492 الْمُعْتَکِفُ

امام حسین علیه السلام فرمود: پدرم در مسجد کوفه معتکف می شد و غذای خشک می خورد.(3)

1493 مُعْجِبُ الْمَلآئِکَهِ

امیرمؤمنان علیه السلام فرشتگان آسمانی را به تعجب واداشته؛ به جهت فداکاری ها و رشادت هایش در جنگ ها و مبارزات صدر اسلام.

پس در فرازی از زیارتش آمده:

«اَلسَّلامُ عَلی مَنْ عَجِبَ مِنْ حَمَلاتِهِ فِی الْحُرُوبِ مَلآئِکَهُ سَبْعِ سَماواتٍ»؛(4)

«سلام بر آن کسی که به جهت حملاتش در جنگ ها، فرشتگان هفت آسمان را به تعجب واداشته است».

1494 مُعْجِزُ الرِّسالَهِ

شخصیت، عظمت، طهارت، شجاعت و اصل وجود امیرمؤمنان علیه السلام در کنار رسول خداصلی الله علیه وآله به عنوان یکی از معجزات آن

حضرت به شمار می رود.

امام صادق علیه السلام در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام، بیان داشته است:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلی عَبْدِکَ أَخِی نَبِیکَ وَوَصِی رَسُولِکَ، وَالْبآئِتِ عَلی فِراشِهِ وَالْمُواسِی لَهُ بِنَفْسِهِ، وَکاشِفِ الْکَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ الَّذِی جَعَلْتَهُ سَیفاً لِنُبُوَّتِهِ وَمُعْجِزاً لِرِسالَتِهِ»؛(5)

«خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و نیز درود فرست بر بنده ات که برادر و جانشین رسول توست، او که در بستر پیامبر خوابید و جان خودش را فدا نمود و آثار غم و اندوه را از چهره ایشان برطرف کرد، همان که او را شمشیر نبوّت و معجزه رسالت قرارش دادی».

1495 مَعْدِنُ حُکْمِ اللَّهِ

جایگاه و محلّ احکام الهی است، و از همه احکام خداوند اطلاع دارد.

در یکی از زیارات امیرمؤمنان علیه السلام آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا خآصَّهَ اللَّهِ وَمَعْدِنَ حُکْمِ اللَّهِ وَسَرِّهِ»؛(6)

1- 1621. اقبال الاعمال، ص 608؛ بحارالانوار، ج 97، ص 375؛ مفاتیح الجنان، زیارت مولود.
2- 1622. بحارالانوار، ج 97، ص 361؛ مفاتیح الجنان، اعمال عید غدیر.
3- 1623. موسوعه کلمات امام حسین علیه السلام ص 593.
4- 1624. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
5- 1625. بحارالانوار، ج 97، ص 380؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
6- 1626. بحارالانوار، ج 97، ص 378.

«سلام بر تو ای شخص برگزیده و مخصوص خداوند، ای معدن حکم و سرّ خداوندی».

1496 مَعْدِنُ الْحِكْمَهِ

امام صادق علیه السلام در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام، خطاب به آن حضرت فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا مَعْدِنَ الْحِکْمَهِ وَفَصْلَ الْخِطابِ»؛(1)

«سلام بر تو ای اصل و اساس و معدن حکمت و جدا کننده حقّ از باطل».

1497 مَعْدِنُ الْفِخارِ

محل و گنجینه همه فضایل و افتخارات.

در بخشی از زیارتی که توسط امام رضاعلیه السلام انشا شده، آمده است:

«اَللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلی وَلِیکَ عُنْصُرِ الْأَبْرارِ وَمَعْدِنِ الْفِخارِ وَقَسِیمِ الْجَنَّهِ وَالنّارِ وَصاحِبِ الْأَعْرافِ الْمَظْلُومِ الْمُغْتَصِبِ وَالصّابِرِ الْمُحْتَسِبِ وَالْمَوْتُورِ فِی نَفْسِهِ وَعِتْرَتِهِ»؛(2)

«خدایا درود فرست بر ولی خودت، آن که خلاصه همه نیکان و گنجینه افتخارات و تقسیم کننده بهشت و جهنم و صاحب اعراف است، همان که به او ظلم شد و حقش غصب گردید، او که صبر و استقامت کرد و هنوز انتقام خون خودش و اهل بیتش گرفته نشده است».

1498 مَعْدِنُ الْكِرامِ

جایگاه کرامت ها و بزرگواری ها. در زیارت به آن حضرت چنین سلام می کنند:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا مَعْدِنَ الْکِرامِ»؛(3)

«سلام بر تو ای معدن بزرگواری ها».

1499 مُعِزُّ الدِّینِ

موجب عزّت و عظمت دین.

همچنین مراجعه شود به: حامِی الدِّینِ [1128]

1500 الْمَعْصُومُ مِنَ الْخَلَلِ

از هرگونه نقص و اشتباه و خلل، مصون و محفوظ است.

به تصریح قرآن کریم، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام از هرگونه گناه و عیب و اشتباه کاملاً پاک هستند:

«إِنَّما یرِیدُ اللَّهُ لِیذْهِبَ عَنکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیتِ وَیطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً»؛(4)

«خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد».

در یکی از زیارات مطلقه آن حضرت آمده:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ... الْمَعْصُومِ مِنَ الْخَلَلِ»؛(5)

«خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و نیز بر امیرمؤمنان که از هرگونه اشکال و عیب و خللی مصون است».

1501 الْمَعْصُومُ مِنَ الزَّلَلِ

از هرگونه لغزش و انحراف پاک، مصون

1- 1627. بحارالانوار، ج 97، ص 373؛ اقبال الاعمال، ص 608؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.
2- 1628. بحارالانوار، ج 99، ص 180؛ کتاب المزار، ص 559.
3- 1629. بحارالانوار، ج 97، ص 348.
4- 1630. سوره احزاب، آیه 33.
5- 1631. بحارالانوار، ج 97، ص 307؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

و محفوظ است، چنان که امام صادق علیه السلام در زیارت مخصوصه امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلی عَبْدِکَ... وَإِمامِ الصّالِحِینَ، الْمَعْصُومِ مِنَ الزَّلَلِ»؛(1)

«خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و نیز برآن بنده ات که امام شایستگان است و از هرگونه لغزشی محفوظ می باشد».

1502 مَعْصِیتُهُ مَعْصِیهُ اللَّهِ

معصیت و نافرمانی از او، نافرمانی از خدا محسوب می شود.

همچنین مراجعه شود به: طاعَتُهُ طاعَهُ اللَّهِ [1290]

1503 مُعْلِنُ الْأَخْیارِ

آشکارکننده اخیار و نیکان.

همچنین مراجعه شود به: عُنْصُرُ الْأَبْرارِ [1324]

1504 مُعْلِنُ الْحَقِّ بِالْحَقِّ

با زبان و رفتار حقیقت گونه و از راه صحیح آن، دنبال حقّ است و حقّ را می گوید و اعلان می کند.

در یکی از زیارات آن حضرت آمده:

«سَیدُ الْمُؤْمِنِینَ وَمُعْلِنُ الْحَقِّ بِالْحَقِّ»؛(2)

«علی علیه السلام آقای مؤمنان است که حقّ را به حقّ می گوید».

1505 مُعِینُ الْفَقِیرِ

کمک کار فقیر و مستمند. حکومت عدل علوی حکومتی است برای فقرا.

و امّا فرازی از زیارت آن حضرت:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا فاکَّ الْأَسِیر وَمُعِینَ الْفَقِیر وَنِعْمَ النَّصِیر»؛(3)

«سلام بر تو ای آزاد کننده َاسیر، و کمک َکار فقیر و چَه خوب یار و یاوری هستی».

1506 الْمُغْتَصَبُ

مظلوم واقع شده، و غاصبان حقّش را غصب کرده اند.

همچنین مراجعه شود به: حامِی الدِّینِ [1128]

1507 مِفْتاحُ الظَّفَرِ

کلید فتح و پیروزی و ظفر. این شجاعت و دلاوری و اخلاص امیرمؤمنان علیه السلام بود که فتح و پیروزی را نصیب اسلام و مسلمانان می کرد.

در یکی از زیارات حضرت نیز آمده است:

«وَصَلِّ عَلی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ الَّذِی جَعَلْتَهُ مِفْتاحاً لِظَفَرِهِ»؛(4)

«و درود فرست بر امیرمؤمنان که او را کلید فتح و پیروزی برای پیامبرت قرارش دادی».

1508 مُفَرِّقُ الْأَحْزابِ

شکست دهنده و پراکنده کننده گروه ها و لشکرهای دشمنان، به خصوص در جنگ خندق یا احزاب.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1509 الْمَفْطُومُ

مفطوم از فطم به معنای گرفته شده و جدا

1- 1632. بحارالانوار، ج 97، ص 380؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
2- 1633. بحارالانوار، ج 97، ص 329.
3- 1634. بحارالانوار، ج 97، ص 331.

4- 1635. بحارالانوار، ج 97، ص 307؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

شده است؛ یعنی آن حضرت از هرگونه اشتباه و گناه و انحراف، جدا و گرفته شده است.

امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت فرمود:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلی عَبْدِکَ، الْمَفْطُومِ مِنَ الْخَلَلِ»؛(1)

«خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و درود فرست بر بنده ات امیرالمؤمنین علیه السلام، او که از هر عیب و اشتباهی پاک و جدا است».

1510 الْمِقْدامُ

طلایه دار، دلاور و پیشتاز و سبقت گیرنده.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1511 مُقَلِّبُ الْأَحْوالِ

احوال مردم را دگرگون می کند؛ آنان را از ضلالت و گمراهی به هدایت، و از جهل به علم، و از فقر به غنا تبدیل می کند.(2)

در بخشی از زیارت آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلی مِیزانِ الْأَعْمالِ، وَمُقَلِّبِ الْأَحْوالِ»؛(3)

«سلام بر معیار و میزان سنجش اعمال مردم و سلام بر او که احوال آنان را دگرگون می کند».

1512 مُقِیمُ الْأَحْکامِ

اقامه کننده احکام؛ هم خودش به احکام عمل می کند و هم زمینه ای فراهم می کند که دیگران به آن عمل کنند.

در مورد امیرمؤمنان علیه السلام گفته شده:

«اَللَّهُمَّ إِنِّی أَشْهَدُ أَنَّهُ أَقامَ أَحْکامَکَ»؛(4)

«خدایا من گواهی می دهم علی علیه السلام احکام تو را اقامه نمود».

1513 مُقِیمُ الصَّلاهِ

برپا کننده نماز، هم خودش نماز می خواند و هم زمینه نماز خواندن را برای دیگران فراهم می کند.

در زیارت آن حضرت گواهی می دهیم:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلاهَ وَآتَیتَ الزَّکاهَ»؛(5)

«گواهی می دهم تو نماز را برپا داشتی و زکات را ادا نمودی».

1514 مَکْدُودٌ فِی ذاتِ اللَّهِ

در راه خدا هرگونه رنج و سختی را تحمل نمود؛ چنان که حضرت زهراعلیها السلام فرموده.

همچنین مراجعه شود به: سَیدٌ فِی أَوْلِیاءِ اللَّهِ [1219]

1515 مُکَسِّرُ الْأَصَنامِ

نابود کننده و شکننده بت ها.

امیرمؤمنان علیه السلام هنگام فتح مکّه، همراه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وارد کعبه شد و بر شانه های رسول خداصلی الله علیه وآله قرار گرفت و بت ها را بر زمین زد و آنها را شکست.

بخشی از زیارت آن جناب چنین است:

1- 1636. بحارالانوار، ج 97، ص 380؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
2- 1637. بحارالانوار، ج 97، ص 290.
3- 1638. بحارالانوار، ج 97، ص 287؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

4- 1639. بحارالانوار، ج 95، ص 292؛ اقبال الاعمال، ص 492؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
5- 1640. اصول کافی، ج 4، ص 570؛من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 589.

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا أَبَا الْأَنامِ وَمُکَسِّرَ الْأَصْنامِ وَکَلِیمَ الْأَقْوامِ»؛(1)

«سلام بر تو ای پدر خلایق و شکننده بت ها و سخن گو با اقوام مختلف».

1516 مُکَلِّمُ الْجُمْجُمَهِ

با استخوان ها و جمجمه مرده ها سخن می گفت؛ او نه تنها زبان تمام انسان ها از هر قومی را می دانست، و نه تنها زبان حیوانات را می فهمید؛ بلکه با نباتات و استخوان پوسیده نیز تکلم می کرد؛ به همین جهت در زیارت به ایشان سلام داده می شود:

«اَلسَّلامُ عَلی مُخاطِبِ الذِّئْبِ وَمُکَلِّمِ الْجُمْجُمَهِ بِالنَّهْرَوانِ وَقَدْ نَخِرَتِ الْعِظامُ بِالْبِلا»؛(2)

«سلام بر آنکه گرگ را مورد خطاب قرار داد و در نهروان، با جمجمه ای به سخن پرداخت، در حالی که استخوان های آن پوسیده بود».

1517 مُکَلِّمُ الدُّرّاجِ

امام حسین علیه السلام در بیانی فرمود: امام علی علیه السلام در بیابان خارپشتی را دیده و با آن سخن گفت، وقتی از آب و غذای او سؤال کردند. گفت: من حدود صد سال است که اینجا هستم، هرگاه گرسنه شوم بر تو صلوات می فرستم، پس سیر می شوم، و هروقت تشنه شوم، بر دشمنان شما نفرین می کنم و سیراب می شوم.(3)

1518 مُکَلِّمُ الْفِتْیهِ

فتیه جمع فتی گروه و تعدادی جوان. و مراد جوانان اصحاب کهف است که داستان آنان در قرآن کریم آمده است:

«إِذْ أَوَی الْفِتْیهُ إِلَی الْکَهْفِ فَقالُوا رَبَّنا آتِنا مِنْ لَدُنکَ رَحْمَهً وَهَیئْ لَنا مِنْ أَمْرِنا رَشَداً»؛(4)

«زمانی را به خاطر بیاور که آن جوانان به غار پناه بردند، و گفتند: پروردگارا! ما را از سوی خودت رحمتی عطا کن، و راه نجاتی برای ما فراهم ساز!».

«نَحْنُ نَقُصُّ عَلَیکَ نَبَأهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْیهٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْناهُمْ هُدی»؛(5)

«ما داستان آنان را به حقّ برای تو بازگو می کنیم؛ آنها جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند، و ما بر هدایتشان افزودیم».

امیرمؤمنان و وصی خاتم پیامبران به معجزه الهی با این گروه جوانان پس از سال ها به سخن پرداخت؛ چنان که در زیارت ایشان آمده:

«اَلسَّلامُ عَلی مُکَلِّمِ الْفِتْیهِ فِی کَهْفِهِمْ بِلِسانِ الْأَنْبِیآءِ»؛(6)

«سلام بر آنکه با آن گروه جوانان در غارشان با زبان پیامبران گفت و گو نمود».

1519 الْمَکّی

منسوب به شهر مکّه مکرمه؛ امام علی علیه السلام نیز در شهر مکّه و در شریف ترین مکان آن، که

1- 1641. بحارالانوار، ج 97، ص 332.
2- 1642. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
3- 1643. موسوعه کلمات امام حسین علیه السلام، ص 593.
4- 1644. سوره کهف، آیه 10.
5- 1645. سوره کهف، آیه 13.
6- 1646. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

مقدّس ترین نقطه روی زمین است؛ یعنی کعبه معظمه به دنیا آمده است.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1520 مَکِینُ الْأَساسِ

دارای اصالت و منزلت است.

همچنین مراجعه شود به: شَدِیدُ الْبَأْسِ [1237]

1521 مُلازِمُ مِنْهاجِ الرَّسُولِ

پیوسته و در همه حال تابع و پیرو راه و روش رسول خداصلی الله علیه وآله است.

در زیارات مطلقه آن حضرت آمده:

«وَلَزِمْتَ مِنْهاجَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه وآله»؛(1)

«همواره ملازم راه و روش رسول خدا بودی».

1522 الْمَلْجَأُ

پناه گاه و محل پناه دیگران.

به امیرمؤمنان علیه السلام در زیارت مطلقه این گونه سلام می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ أَیهَا الرُّکْنُ وَالْمَلْجَأُ»؛(2)

«سلام بر تو ای تکیه گاه خلق و پناه گاه همه».

1523 مَلْجَأُ ذَوِی النُّهی

پناه گاه همه صاحبان عقل و خرد؛ هرکه در هر زمینه ای کم بیاورد و به نتیجه نرسد و کُمیتش لنگ بزند، به او پناه می برد و از او کمک می گیرد. عنوانی است که در یکی از زیارات مطلقه آن حضرت وارد شده است.(3)

1524 الْمُمْضِی

حکم کننده و اجرا کننده دستورات خدا.

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا حافِظَ سِرِّ اللَّهِ وَمُمْضِی حُکْمِ اللَّهِ»؛(4)

«سلام بر تو ای حافظ اسرار الهی و اجرا کننده احکام خداوندی».

1525 مُمَیزُ الْمُنافِقِینَ

مؤمن را از منافق تشخیص می دهد و آگاهی دارد که چه کسی تظاهر به اسلام می کند.

همچنین مراجعه شود به: مُبِیرُ الْمُشْرِکِینَ [1435]

1526 مُناجِی الرَّسُولِ

با رسول خداصلی الله علیه وآله خلوت می کرد و به نجوا می پرداخت. آن گاه که آیه نازل شد: هرگاه خواستید با پیامبر خلوت کنید، صدقه بدهید:

«یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذا ناجَیتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَینَ یدَی نَجْویکُمْ صَدَقَةً ذلِکَ خَیرٌ لَکُمْ وَأَطْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ»؛(5)

«ای کسانی که ایمان آورده اید! چون خواستید با رسول خدا نجوا کنید (و سخنان درگوشی بگویید)، قبل از آن صدقه ای (در راه خدا) بدهید؛ این برای شما بهتر و پاکیزه تر است و اگر توانایی نداشته باشید، خداوند غفور و رحیم است».

تنها علی علیه السلام بود که به دستور و فرمایش این آیه عمل نمود.

همین مضمون در زیارت آن حضرت نیز آمده است:

1- 1647. بحارالانوار، ج 97، ص 338؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 592؛ اصول کافی، ج 1، ص 454.
2- 1648. بحارالانوار، ج 97، ص 324.
3- 1649. بحارالانوار، ج 97، ص 348.
4- 1650. بحارالانوار، ج 97، ص 348.
5- 1651. سوره مجادله، آیه 12.

«اَلسَّلامُ عَلی مَنْ ناجَی الرَّسُولَ فَقَدَّمَ بَینَ یدَی نَجْواهُ صَدَقاتٍ»؛(1)

«سلام بر آن آقایی که با رسول خداصلی الله علیه وآله نجوا می کرد و قبل از آن هم صدقه می پرداخت».

1527 مَنارُ التُّقی

نشانه تقوی و پرهیزکاری.

در زیارت آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا عَلَمَ الْهُدی وَمَنارَ التُّقی وَالْعُرْوَةَ الْوُثْقی ؛(2)

«سلام بر تو ای نشانه هدایت و تقوا و ریسمان محکم الهی».

1528 مَنارُ الْیقِینِ

نشانه ایمان و یقین.

در زیارت مطلقه امیرمؤمنان علیه السلام آمده است:

«وَصِی رَسُولِکَ الْمُرْتَضی وَعَلَمُ الدِّینِ وَمَنارُ الْیقِینِ»؛(3)

«او جانشین پیامبر توست، همان که پرچم دین و نور یقین است».

1529 مُنْبِعُ الْقَلِیبِ

چاه خشک را به جوشش درآورد و چشمه و منبع آب کرد.

در بخشی از زیارت آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلی مُنْبِعِ الْقَلِیبِ فِی الْفَلا»؛(4)

«سلام بر آن که چاه خشک در بیابان را با اعجاز خود جوشانید و منبع آب کرد».

1530 الْمُنْتَجَبُ

برگزیده و انتخاب شده.

از توصیفاتی که در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام به کار رفته است، چنان که در زیارت مربوط به آن حضرت آمده:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ أَخِی رَسُولِکَ وَوَصِی حَبِیبِکَ الَّذِی انْتَجَبْتَهُ مِنْ خَلْقِکَ»؛(5)

«خدایا درود فرست بر امیرمؤمنان... او که برادر رسول تو و جانشین حبیب توست، همان که او را از بین بندگانت برگزیده ای».

1531 مَنْ جآءَ بِالْهُدی

هدایت یافته است و هدایت را به همراه خود دارد.

همچنین مراجعه شود به: طاعَتُهُ طاعَهُ اللَّهِ [1290]

1532 الْمُنْجِی

نجات دهنده از خطرات و مهلکات.

در زیارت آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلی صاحِبِ الدَّلالاتِ وَالْآیاتِ الْباهِراتِ المُنْجِی مِنَ الهَلَکاتِ»؛(6)

«سلام بر آن که صاحب ادله و براهین است، او که از خطرات و مهلکات نجات می دهد».

1- 1652. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ اقبال الاعمال، ص 608.
2- 1653. بحارالانوار، ج 97، ص 332.
3- 1654. بحارالانوار، ج 97، ص 329.
4- 1655. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
5- 1656. بحارالانوار، ج 97، ص 285؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 587؛ مفاتیح الجنان،زیارت مخصوصه امیرالمؤمنین در روز غدیر.
6- 1657. بحارالانوار، ج 97، ص 305؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

1533 الْمُنَزَّهُ مِنَ الرَّيبِ

از هرگونه شک و تردید به دور و منزه است.

در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام از زبان امام صادق علیه السلام آمده است:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ الْمُنَزَّهِ مِنَ الرَّیبِ»؛(1)

«خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و نیز درود فرست بر امیرمؤمنان که از هرگونه شک و تردید منزّه و پاک است».

1534 الْمَنْصُورُ بِمِیکائِیلَ

توسط میکائیل حمایت و یاری شده است.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1535 الْمَنْعُوتُ

با سخن و بیانی، تعریف و توصیف شده. نام علی علیه السلام در کتاب های آسمانی گذشتگان در کنار نام خاتم الانبیاصلی الله علیه وآله توصیف شده است.

در زیارت آن حضرت هم آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَی الْمَنْعُوتِ فِی التَّوْراهِ وَالْاِنْجِیلِ وَالْقُرْآنِ الْحَکِیمِ»؛(2)

«سلام بر آن که در تورات و انجیل و قرآن کریم او را توصیف نموده اند».

1536 مُنَکِّسُ الرّایاتِ

درهم شکننده پرچم دشمنان.

همچنین مراجعه شود به: صاحِبُ الْحُرُوبِ [1249]

1537 مِنْهاجُ التُّقی

خط و راه تقوا و پرهیزکاری. علی علیه السلام امام المتقین است، هرکه بخواهد به تقوای الهی دست یابد، پس باید به دنبال او برود.(3)

1538 مِنْهاجُ الصِّدْقِ

راه و طریقه درستی و راستی.

در یکی از زیارات امام علی علیه السلام آمده است:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ مِنْهاجُ الصِّدْقِ وَالْمُوضِحُ سُبُلَ النَّجاهِ»؛(4)

«گواهی می دهم که تو طریقه راستی می باشی و آشکار کننده راه نجات هستی».

1539 الْمَوْتُورُ

هنوز انتقام خون به ناحقّ ریخته اش گرفته نشده است.

همچنین مراجعه شود به: مَعْدِنُ الْفِخارِ [1497]

1540 مُوضِحُ السُّبُلِ

راه ها را واضح و آشکار می کند و راه رسیدن به خیرات و خوبی ها و هدایت به سوی خدای تعالی است.

همچنین مراجعه شود به: مِنْهاجُ الصِّدْقِ [1538]

1541 مَوْضِعُ الْحِکَمِ

محل و جایگاه حکمت های الهی.

در یکی از زیارات آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ الْعِلْمِ وَصاحِبَ الْحِلْمِ وَمَوْضِعَ الْحِکَمِ»؛(5)

«سلام بر تو ای وارث علم و صاحب بردباری و حلم، و جایگاه حکمت ها».

1- 1658. بحارالانوار، ج 97، ص 307؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
2- 1659. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ مفاتیح الجنان،زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
3- 1660. بحارالانوار، ج 97، ص 409.
4- 1661. بحارالانوار، ج 97، ص 338.
5- 1662. بحارالانوار، ج 97، ص 331.

1542 مَوْضِعُ سِرِّ اللَّهِ

جایگاهی که اسرار الهی در آن قرار دارد و قلب امام نیز چنین جایگاهی دارد.

در دعای روز عید غدیر، در توصیف آن حضرت آمده است:

«وَمَوْضِعَ سِرِّ اللَّهِ، وَأَمِينَ اللَّهِ عَلى خَلْقِهِ»؛(1)

«جایگاه اسرار الهی و امین خدا بر مردم است».

1543 مَوْضِعُ مَشِيهِ اللَّهِ

اراده و مشیت خدا نزد او است، و از طریق او اعمال مشیت می نماید.

«اَلسَّلامُ عَلَيکَ يا حافِظَ سِرِّ اللَّهِ وَمَوْضِعَ مَشِيهِ اللَّهِ»؛(2)

«سلام بر تو ای حافظ اسرار خداوند و جایگاه مشیت او».

1544 الْمُوَقِّی

حافظ و نگهبان و نگه دارنده.

این زیارت از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ جُدْتَ بِنَفْسِکَ صابِراً مُحْتَسِباً، مُجاهِداً عَنْ دِينِ اللَّهِ، مُوَقِّياً لِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله»؛(3)

«گواهی می دهم تو با جان عزیز خود و با صبر و رنج و مجاهدت در دفاع از دشمنان دین حقّ و حفظ جان رسول خداصلی الله علیه وآله فداکاری کردی».

1545 مَوْلانا

آقا و سرور و بزرگ ما؛ تو صاحب اختیار مایی و ما هم تو را به مولایی قبول داریم و در دعای توسل عرض می کنیم:

«يا سَيدَنا وَمَوْلانا! إِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ إِلَى اللَّهِ»؛(4)

«ای آقا و مولای ما، ما به تو توجّه می کنیم و تو را شفیع قرار می دهیم و به تو توسل می کنیم برای رسیدن به خدا».

1546 مَوْلُودُ الْکَعْبَهِ

در خانه کعبه متولد شده است. این توفیق و عنایت ویژه خداوند به امیرمؤمنان علیه السلام است که شامل احدی غیر از او نشده است. او اولین و آخرین کسی بوده که در آنجا به دنیا آمده است، پس به حضرت سلام می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَی الْمَوْلُودِ فِی الْکَعْبَهِ»؛(5)

«سلام بر آقایی که در کعبه متولد شده است».

و چه خوب سروده شده:

نازد به خودش خدا که حیدر دارد

دریای فضایلی مطهر دارد

همتای علی نخواهد آمد و اللّه

صد بار اگر کعبه ترک بردارد

1547 الْمُهاجِرِی

در زمان غربت اسلام در مکّه، به خدا و رسولش ایمان آورد و همراه پیامبر به مدینه هجرت فرمود.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1- 1663. بحارالانوار، ج 97، ص 298؛ اقبال الاعمال، ص 473؛ مفاتیح الجنان، اعمال عید غدیر.
2- 1664. بحارالانوار، ج 97، ص 348.
3- 1665. کامل الزیارات، ص 42؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 63.

4- 1666. البلد الامين، ص 325؛ مفاتيح الجنان، دعای توسل.
5- 1667. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ مفاتيح الجنان، زيارت مطلقه اميرالمؤمنين.

1548 مَهْبِطُ الرُّوحِ الْأَمِينِ

محل نزول جبرئیل امین.

همچنین مراجعه شود به: رَواسِی النُّبُوَّهِ [1186]

1549 الْمُهَذَّبُ الصَّفِی

پاکِ صافِ خالص؛ چنان که در زیارت آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَی الْمُهَذَّبِ الصَّفِی، اَلسَّلامُ عَلی أَبِی الْحَسَنِ عَلِی بْنِ أَبِی طالِبٍ»؛(1)

«سلام بر آن بنده مهذب و خالص خدا و سلام بر پدر حسن که علی بن ابی طالب است».

1550 الْمُهَذَّبُ الْکَرِیمُ

در زیارت مخصوصه آن حضرت در روز مبعث پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ أَیهَا الْمُهَذَّبُ الْکَرِیمُ»؛(2)

«سلام بر تو ای آقایی که پاکیزه و منزه از هر عیبی و صاحب کرم هستی».

1551 الْمُهَذَّبُ مِنَ الزَّلَلِ

پاک از هر نوع لغزش و انحراف و اشتباه.

از امام صادق علیه السلام در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده است:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ الْمُهَذَّبِ مِنَ الزَّلَلِ»؛(3)

«خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و نیز درود فرست بر امیرمؤمنان علیه السلام که از هرگونه لغزش و اشتباه مبرّی و پاک است».

1552 الْمُهَذَّبُ مِنَ الْعَیبِ

پاک از هر عیب و ایرادی.

در یکی از زیارات آن حضرت آمده:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلی عَبْدِکَ الْمُهَذَّبِ مِنَ الْعَیبِ»؛ (4)

«خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و نیز بر بنده ات که از هر عیبی پاک است».

1553 الْمُهَیمِنُ

بر دیگران قدرت و سیطره و هیمنه دارد؛ مقدّم و حاکم و بالاتر از بقیه است.

همچنین مراجعه شود به: الْقاضِی الْأَعْلی [1367]

1554 مِیزانُ الْأَعْمالِ

ملاک، معیار و میزان سنجش افراد است، هرکه عملش مطابق با عمل علی علیه السلام بود، قبول است و الّا نه. هرکه عملش در راستای اوامر و احکام و ولایت او بود، قبول است و الّا نه. پس خطاب می شود:

«اَلسَّلامُ عَلی مِیزانِ الْأَعْمالِ»؛(5)

«سلام بر آنکه میزان سنجش اعمال است».

1555 مِیزانُ الْقِسْطِ

در فرازی از زیارت آن حضرت آمده:

1- 1668. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
2- 1669. بحارالانوار، ج 97، ص 377؛ مفاتیح الجنان، زیارت مخصوصه روز مبعث.

3- 1670. بحارالانوار، ج 97، ص 317؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
4- 1671. بحارالانوار، ج 97، ص 380؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین. .
5- 1672. بحارالانوار، ج 97، ص 287؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

«أَشْهَدُ أَنَّکَ حُجَّهُ اللَّهِ عَلی عِبادِهِ بَعْدَ نَبِیهِ صلی الله علیه وآله وَعَیبَهُ عِلْمِهِ وَمِیزانُ قِسْطِهِ»؛(1)

«گواهی می دهم تو حجت خدا بر بندگانش بعد از رسول خدایی و تو جایگاه علم او و میزان قسط الهی هستی».

1556 مِیزانُ یوْمِ الْحِسابِ

در روز قیامت به مانند ترازویی است برای سنجش اعمال و گفتار و عقاید دیگران.

گفته شده: علی علیه السلام بر حقّ است، با حقّ است و بلکه خود حقّ است، و در روز قیامت نیز آنچه که معیار سنجش می باشد، حقّ است که در قرآن کریم فرمود: «وَالْوَزْنُ یوْمَئِذٍ الْحَقُّ»(2) پس حقّ میزان است، و علی علیه السلام نیز حقّ است، پس علی علیه السلام میزان است. چنان که امام صادق علیه السلام فرموده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا مِیزانَ یوْمِ الْحِسابِ»؛(3)

«سلام بر تو ای ترازوی سنجش در قیامت».

1557 ناصِرُ اللَّهِ

یاری کننده و نصرت دهنده دین و مذهب و قرآن و رسول خداصلی الله علیه وآله.(4)

1558 ناصِرُ الْإِسْلامِ

یاری کننده اسلام.

همچنین مراجعه شود به: حامِی الدِّینِ [1128]

1559 ناصِرُ الْمَظْلُومِ

یاری کننده درماندگان و ستمدیدگان.

در زیارت امام علی علیه السلام آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلی ناصِرِ الْمَظْلَومِ»؛(5)

«سلام بر یاری رساننده ستمدیدگان».

1560 النّاطِقُ بِحُجَّهِ اللَّهِ

با حجّت و برهان خدا سخن می گوید.

همچنین مراجعه شود به: الدّاعِی اِلی شَرِیعَهِ اللَّهِ [1162]

1561 النّاطِقُ بِالْحِکْمَهِ

سخنش مطابق حکمت است، چنان که در فرازی از زیارت حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلی صاحِبِ الْمُعْجِزِ الْباهِرِ، وَالنّاطِقِ بِالْحِکْمَهِ وَالصَّوابِ»؛(6)

«سلام بر او که دارای معجزات ظاهر و باطن است، و به حکمت و صواب سخن می گوید».

1562 النّاطِقُ بِالصَّوابِ

سخنش صائب و حقّ و مطابق حقیقت است. و امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت فرموده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا فاصِلَ الْحُکْمِ النّاطِقَ بِالصَّوابِ»؛(7)

«سلام بر تو ای آقایی که حکم (حقّ از باطل) را جدا می کنی و به راه صواب و طریق حقّ سخن می گویی».

همچنین مراجعه شود به: الْإِمامُ الرَّبّانِی [1058]

1- 1673. بحارالانوار، ج 97، ص 338؛ امالی صدوق، ص 611.
2- 1674. سوره اعراف، آیه 8.
3- 1675. بحارالانوار، ج 97، ص 373؛ اقبال الاعمال، ص 608؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.
4- 1676. بحارالانوار، ج 97، ص 329.

5- 1677. بحارالانوار، ج 99، ص 200.
6- 1678. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ مفاتیح الجنان،زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
7- 1679. بحارالانوار، ج 97، ص 373؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.

1563 نالَ الْعُلا

در بزرگی و برتری، به بالاترین مقام و درجه رسیده است.

همچنین مراجعه شود به: خَیرُ مَنْ وَطَأَ الثَّری [1156]

1564 النّامُوسُ الْأَنْوَرُ

محرم و صاحب سرّ نورانی. در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام به آن حضرت خطاب شده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ أَیهَا الصِّدِّیقُ الْأَکْبَرُ وَالنّامُوسُ الْأَنْوَرُ»؛(1)

«سلام بر تو ای صدیق اکبر و ناموس انور».

1565 نامُوسُ الدَّهْرِ

ناموس، صاحب سرّ خیر است و جاسوس، صاحب سرّ شرّ است.

در فرازی از زیارت حضرت آمده:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ خَیرُ الدَّهْرِ وَنامُوسُهُ»؛(2)

«گواهی می دهم تو بهترین افراد روزگار و ناموس آن می باشی».

1566 النّاهِی عَنِ الْمُنْکَرِ

مردم را از کارهای حرام و مکروه باز می دارد، امام نیز نهی از منکر را، که از بزرگ ترین واجبات است، به خوبی انجام داد؛ چنان که در تمام زیارات آن حضرت، گواهی می دهیم:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلاهَ وَآتَیتَ الزَّکاهَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَیتَ عَنِ الْمُنْکَرِ»؛(3)

«گواهی می دهم تو نماز را برپا داشتی، زکات را پرداخت فرمودی، امربه معروف و نهی از منکر کردی».

1567 النَّجْمُ اللّائِحُ

ستاره روشن و آشکار؛ چنان که در زیارت آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَی الصِّراطِ الْواضِحِ، وَالنَّجْمِ اللّآئِحِ»؛(4)

«سلام برتو ای راه آشکار و ستاره درخشنده».

1568 نِعْمَ النَّصِیرُ

بهترین یار و یاور، چنان که در زیارت آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا فاَکَّ الْأَسِیرِ وَمُعِینَ الْفَقِیرِ وَنِعْمَ النَّصِیرِ»؛(5)

«سلام بر تو ای آزاد کننده اسیر و کمک کننده فقیر و چه خوب یار و یاوری هستی».

1569 النِّعْمَهُ السّابِغَهُ

نعمت فراگیر، کامل و گسترده.

امام هادی علیه السلام در زیارت آن حضرت فرمود:

«أَنْتَ الْحُجَّهُ الْبالِغَهُ وَالْمَحَجَّهُ الْواضِحَهُ وَالنِّعْمَهُ السّابِغَهُ»؛(6)

«تو حجت بالغه الهی و طریق آشکار و نعمت فراگیر خدایی هستی».

و در زیارت آن حضرت سلام می دهیم:

1- 1680. بحارالانوار، ج 97، ص 348.
2- 1681. بحارالانوار، ج 97، ص 342.
3- 1682. اصول کافی، ج 4، ص 570؛ من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 589.
4- 1683. بحارالانوار ج 97، ص 287؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
5- 1684. بحارالانوار، ج 97، ص 332.
6- 1685. بحارالانوار، ج 97، ص 364.

«اَلسَّلامُ عَلی حُجَّهِ اللَّهِ الْبالِغَهِ وَنِعْمَتِهِ السّابِغَهِ»؛(1)

«سلام بر حجّت بالغه خدا و نعمت گسترده الهی».

1570 نُقْطَهُ دائِرَهِ الْإِمامَهِ

جایگاه اصلی و محور امامت.

همچنین مراجعه شود به: الْإِمامُ الرَّبّانِی [1058]

1571 النِّقْمَهُ الدّامِغَهُ

نقمت بر خلاف نعمت، به معنای عقوبت است و دامغه یعنی سخت و شدید.

امام علی علیه السلام که مظهر اسمای الهی است، هم رحمت است و نعمت (برای مؤمنان)، و هم نقمت است و عذاب (برای کافران).

پس چنین سلام داده می شود:

«اَلسَّلامُ عَلی حُجَّهِ اللَّهِ الْبالِغَهِ، وَنِعْمَتِهِ السّابِغَهِ، وَنِقْمَتِهِ الدّامِغَهِ»؛(2)

«سلام بر حجت بالغه خدا و نعمت گسترده و عذاب شدید الهی».

1572 النَّقِی

پاک و نظیف.

در یکی از زیارات آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ أَیهَا الْإِمامُ الْبَرُّ التَّقِی النَّقِی الرَّضِی الْمَرْضِی الْوَفِی»؛(3)

«سلام بر تو ای امام نیکوکار پرهیزکار نظیف راضی پسندیده وفادار».

1573 نُورُ اللَّهِ الزّاهِرُ

نور قرمز و بسیار درخشنده خدای تعالی.

در زیارت آن حضرت آمده است:

«اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی سَیدِی وَمَوْلای أمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ صِدِّیقِکَ الْأکْبَرِ، وَفارُوقِکَ بَینَ الْحَلالِ وَالْحَرامِ، وَنُورِکَ الزّاهِرِ الْجَمِیلِ»؛(4)

«خدایا درود فرست بر آقا و مولای من امیر مؤمنان علیه السلام او که صدیق اکبر است و فاروق بین حلال و حرام و نور درخشنده و زیبای توست».

1574 النُّورُ الْأَنْوَرُ

درخشنده ترین و نورانی ترین نور خدایی.

امام صادق علیه السلام در زیارت آن حضرت فرمود:

«اَلسَّلامُ عَلی نُورِ اللَّهِ الْأَنْوَرِ»؛(5)

«سلام بر درخشان ترین نور خدا».

1575 النُّورُ التّآمُ

نور کامل و تمام خداوندی.

امام صادق علیه السلام خود را به قبر امیرالمؤمنین علیه السلام چسبانید و فرمود:

«بِأَبِی أَنْتَ وَأُمِّی یا نُورَ اللَّهِ التّآمَّ»؛(6)

«پدر و مادرم فدای تو ای نورتامه خداوندی».

1576 النُّورُ السّاطِعُ

ساطع به معنای بالا آمده، مرتفع و گسترده. و چنین است فرازی از زیارتش:

1- 1686. بحارالانوار، ج 97، ص 287.
2- 1687. بحارالانوار، ج 97، ص 330؛ مفاتیح الجنان،زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

3- 1688. بحارالانوار، ج 97، ص 342.
4- 1689. بحارالانوار، ج 97، ص 329.
5- 1690. بحارالانوار، ج 97، ص 375؛ اقبال الاعمال، ص 610؛ مفاتيح الجنان، زيارت اميرالمؤمنين روز ميلاد پيامبر.
6- 1691. ارشاد القلوب، ج 2، ص 441؛ فرحه الغرى، ص 94؛ مفاتيح الجنان، زيارت مطلقه اميرالمؤمنين.

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا نُورَ اللَّهِ فِی سَمآئِهِ وَأَرْضِهِ وَأُذْنَهُ السّامِعَهَ وَذِکْرَهُ الْخالِصَ وَنُورَهُ السّاطِعَ»؛(1)

«سلام بر تو ای نور خدا در آسمان و زمین، سلام بر تو ای گوش شنوای خدا، و ذکر خالص و نور بالا آمده او».

1577 النُّورُ الْعاقِبُ

نور پی در پی؛ مراد نوری است که بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می آید و خلیفه اوست.(2)

امام صادق علیه السلام آن حضرت را خطاب می کند:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وَلِی اللَّهِ وَالشِّهابَ الثّاقِبَ وَالنُّورَ الْعاقِبَ»؛(3)

«سلام بر تو ای ولی خدا، ای شهاب ثاقب و نور متعاقب و پی در پی».

1578 نُورٌ لا یطْفَأُ

نوری است که هرگز خاموش نمی شود؛ چون متصل به نور خدا است.

همچنین مراجعه شود به: فَضلُهُ لا یخْفی [1350]

1579 نُورُ الْمُجاهِدِینَ

اسوه و الگوی مجاهدان؛ امیرمؤمنان علی علیه السلام برای مجاهدان راه خدا به مثابه نور بود.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1580 النُّورُ الْمُصْطَفی

نور برگزیده و انتخاب شده.

در قسمتی از زیارت مربوطه خطاب به امام علی علیه السلام آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ أَیهَا النُّورُ الْمُصْطَفی ؛(4)

«سلام بر تو ایِ نورِ برگزیده».

1581 نَهایهُ مَنْ ذَرَأ اللّهُ

نهایت و هدف خلقت و آفرینش خداوند

همچنین مراجعه شود به: أَوَّلُ مَنْ ابْتَدَعَ اللَّهُ [1079]

1582 وارِثُ آدَمَ

حضرت آدم علیه السلام اولین خلیفه خدا در روی زمین بود، و این خلافت ادامه داشت تا به خاتم الانبیاصلی الله علیه وآله رسید و امام علی علیه السلام نیز وارث و جانشین رسول اکرم صلی الله علیه وآله شد.

پس در زیارت آن حضرت گفته می شود:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ آدَمَ خَلِیفَهِ اللَّهِ»؛(5)

«سلام بر تو ای وارث آدم که خلیفه خدا بود».

1583 وارِثُ اِبْراهِیمَ

حضرت ابراهیم علیه السلام پیامبر اولوالعزم الهی است و امام علی علیه السلام وارث ایشان نیز هست:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ اِبْراهِیمَ خَلِیلِ اللَّهِ»؛(6)

«سلام بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا».

1584 وارِثُ الْأَحْکامِ

وارث احکام که تمام احکام الهی نزد اوست و هرچه بگوید و هرچه کند، مطابق احکام خداوند است.

1- 1692. بحارالانوار، ج 97، ص 337.
2- 1693. بحارالانوار، ج 97، ص 316.
3- 1694. بحارالانوار، ج 97، ص 307؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.

4- 1695. بحارالانوار، ج 97، ص 347.
5- 1696. بحارالانوار، ج 97، ص 377؛ مفاتیح الجنان، زیارت روز مبعث.
6- 1697. بحارالانوار، ج 97، ص 328.

در زیارت مطلقه آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا رَأْسَ الصِّدِّیقِینَ، اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ الْأَحْکامِ»؛(1)

«سلام بر تو ای سرآمد صدیقان و سلام بر تو ای وارث احکام».

1585 وارِثُ الْأَنْبِیاءِ

آری رسول خداصلی الله علیه وآله خلاصه و اکمل همه انبیا است و علی علیه السلام نیز وارث و جانشین اوست و امام، وارث همه پیامبران است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ الْأَنْبِیاءِ وَخاتِمَ الْأَوْصِیاءِ»؛(2)

«سلام بر تو ای وارث همه انبیای الهی و خاتم همه اوصیای ایشان».

1586 وارِثُ جَمِیعِ الْأَوْصِیاءِ

امام علی علیه السلام هرچه را که تمام جانشینان پیامبران آسمانی داشته اند دارا است، به علاوه اینکه وارث پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله نیز هست:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ جَمِیعِ أَوْصِیاءِ أَنْبِیاءِ اللَّهِ»؛(3)

«سلام برتو ای وارث جانشینان پیامبران خدا».

1587 وارِثُ داوُدَ

خداوند متعال به داود پیامبرعلیه السلام فرمود:

«یادَاوُدُ إِنّا جَعَلْناکَ خَلِیفَةً فِی الْأَرْضِ»؛(4)

«ای داوود! ما تو را خلیفه و (نماینده خود) در زمین قرار دادیم».

و امام علی علیه السلام وارث داودعلیه السلام است؛ چنان که در زیارت ایشان آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ داوُدَ خَلِیفَهِ اللَّهِ»؛(5)

«سلام برتو ای وارث حضرت داودعلیه السلام که خلیفه خداوند بود».

1588 وارِثُ عِلْمِ الْأَنْبِياءِ

همه دانش و علوم پیامبران به امیرمؤمنان علیه السلام ارث رسیده است.

همچنین مراجعه شود به: مُبِيرُ الْمُشْرِكِينَ [1435]

1589 وارِثُ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ

امیرمؤمنان علیه السلام وارث علوم و دانش های اولین تا آخرین می باشد.

در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ عِلْمِ الْأَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ»؛(6)

«سلام بر تو که تمام علوم اولین و آخرین به تو ارث رسیده است».

1590 وارِثُ عِيسى

حضرت عیسی علیه السلام یکی از پیامبران اولوالعزم است، امیرمؤمنان علیه السلام، وارث همه پیامبران، وارث و جانشین آن حضرت نیز می باشد.

در فرازی از زیارت امیرمؤمنان علیه السلام آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ عِیسی رُوحِ اللَّهِ»؛(7)

«سلام بر تو ای وارث عیسی که روح خداست».

1591 وارِثُ الْمَشْعَرَينِ

امور مهم حجّ در اختیار او است.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1- 1698. بحارالانوار، ج 97، ص 301؛ اقبال الاعمال، ص 611.

2- 1699. بحارالانوار، ج 97، ص 332.
3- 1700. بحارالانوار، ج 97، ص 328.
4- 1701. سوره ص، آیه 26.
5- 1702. بحارالانوار، ج 97، ص 337.
6- 1703. من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 589.
7- 1704. بحارالانوار، ج 97، ص 323.

1592 وارِثُ مُوسی

حضرت موسی علیه السلام یکی از پیامبران اولوالعزم است، امیرمؤمنان علیه السلام، وارث همه پیامبران، وارث و جانشین آن حضرت نیز می باشد.

در فرازی از زیارت امیرمؤمنان علیه السلام آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ مُوسی کَلِیمِ اللَّهِ»؛(1)

«سلام بر تو ای وارث موسی کلیم اللَّه».

1593 وارِثُ النَّبِیینَ

جانشین و وارث همه پیامبران خدا.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1594 وارِثُ نُوحٍ

حضرت نوح علیه السلام یکی از پیامبران اولوالعزم است، امیرمؤمنان علیه السلام، وارث همه پیامبران، وارث و جانشین آن حضرت نیز می باشد.

در زیارت آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ نُوحٍ نَبِیّ اللَّهِ»؛(2)

«سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خدا».

1595 وارِثُ هُودٍ

در زیارت آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ هوُدٍ نَبِیّ اللَّهِ»؛(3)

«سلام بر تو ای وارث هود که پیامبر خداست».

1596 واضِحُ السَّبِیلِ

آشکار کننده راه خدای تعالی.

در یکی از زیارات آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا واضِحَ السَّبِیلِ فِی دِلالَتِهِ»؛(4)

«سلام بر تو ای روشن کننده راه و راهنمایی کننده مردم به سوی آن».

1597 والِدُ الْأَئِمَّهِ الْأَبْرارِ

پدر امامان نیکوکار و ابرار خلق.

در زیارت آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلی وَالِدِ الْأَئِمَّهِ الْأَبْرارِ»؛(5)

«سلام بر پدر امامان نیکوکار».

1598 والِدُ الْأَئِمَّهِ الْأَطْهارِ

پدر امامان پاک و معصوم علیهم السلام.

امام صادق علیه السلام به آن حضرت سلام می دهد:

«اَلسَّلامُ عَلی نُورِ الْأَنْوارِ وَحُجَّهِ الْجَبّارِ، وَوالِدِ الْأَئِمَّهِ الْأَطْهارِ»؛(6)

«سلام بر روشنایی همه نورها و حجّت خداوند جبّار و پدر امامان پاک».

1599 والِدُ الْأَئِمَّهِ الْأُمَناءِ

پدر امامانی که همه آنان امین هستند:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا والِدَ الْأَئِمَّهِ الْأُمَناءِ»؛(7)

«سلام بر تو که پدر امامان امین هستی».

1600 والِدُ الْأَئِمَّهِ الْبَرَرَهِ

پدر امامان نیکوکار، چنان که امام صادق علیه السلام در زیارتش فرموده است:

1- 1705. بحارالانوار، ج 97، ص 331؛ مفاتیح الجنان.
2- 1706. مفاتیح الجنان، زیارت روز مبعث.
3- 1707. بحارالانوار، ج 97، ص 337.
4- 1708. بحارالانوار، ج 97، ص 331.
5- 1709. مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه ششم امیرالمؤمنین
6- 1710. بحارالانوار، ج 97، ص 305؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرمؤمنان روز میلاد پیامبر.
7- 1711. بحارالانوار، ج 97، ص 373؛ عدّه الداعی، ص 226؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا والِدَ الْأَئِمَّهِ الْبَرَرَهِ السّاداتِ»؛(1)

«سلام برتو ای پدر امامان نیک و بزرگان خلق».

1601 والِدُ الْأَئِمَّهِ الْمَرْضِیینَ

پدر امامان مورد رضایت و پسند الهی:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا یعْسُوبَ الدِّینِ، وَقآئِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِینَ، وَوالِدَ الْأَئِمَّهِ الْمَرْضِیینَ»؛(2)

«سلام بر تو که پیشوای دین و رهبر روسفیدان و پدر امامان پسندیده هستی».

1602 والِی الْأَحْرارِ

بزرگ و سرپرست آزادگان.

در زیارت آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلی والِی الْأَحْرارِ»؛(3)

«درود و سلام بر آنکه امام آزادگان است».

1603 وَجْهُ اللَّهِ الْمُضِی ءُ

چهره درخشان الهی، چنان که از امام زین العابدین علیه السلام در زیارت آن حضرت رسیده:

«اَلسَّلامُ عَلَی اسْمِ اللَّهِ الرَّضِی وَوَجْهِهِ الْمُضِی ءِ»؛(4)

«سلام برنام پسندیده خدا و چهره درخشانش».

1604 الْوَجِیهُ

امام علی علیه السلام نزد خدای تعالی، باشخصیت، آبرومند، آبرودار است. وجیه عند اللّه است.

در دعای توسل عرض می کنیم:

«یا وَجِیهاَ عِنْدَ اللّهِ! اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّهِ»؛(5)

«ای آبرومند نزدخدا! مارا نزد خدا شفاعت کن».

1605 وَسِیلَهُ اللَّهِ

امیرمؤمنان علیه السلام واسطه فیض خدا است و به وسیله او به سوی خدا تقرب می جویند.

در مورد آیه شریفه «وَابْتَغُوا إِلَیهِ الْوَسِیلَهِ»(6) امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «أَنَا وَسِیلَتُهُ»؛(7)

«من آن وسیله ای هستم که همه باید به توسط من خدا را طلب کنید، و به او تقرب بجویید».

امام باقرعلیه السلام می فرماید: پدرم در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمود:

«أَنْتَ وَسِیلَتِی إِلَی اللَّهِ»؛(8)

«تو وسیله من به سوی خدا هستی».

1606 الْوَفِی

وفا کننده به عهد و پیمان.

«وَقآئِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِینَ، الْوَصِی الْوَفِی»؛(9)

«علی علیه السلام جلودار و پیشوای سفیدرویان است، او وصی وفادار است».

1607 وَلِی أَمْرِ اللَّهِ

کارگزار و متولّی احکام و امور خدای تعالی.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1- 1712. بحارالانوار، ج 97، ص 375؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.
2- 1713. بحارالانوار، ج 97، ص 375؛ اقبال الاعمال، ص 610؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.
3- 1714. بحارالانوار، ج 99، ص 200.
4- 1715. بحارالانوار، ج 97، ص 246؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیرالمؤمنین.
5- 1716. بحارالانوار، ج 99، ص 247؛ مفاتیح الجنان، دعای توسل.
6- 1717. سوره مائده، آیه 35.
7- 1718. مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 75.
8- 1719. مفاتیح الجنان، زیارت چهارم امیرالمؤمنین.
9- 1720. بحارالانوار، ج 95، ص 319؛ اقبال الاعمال، ص 492؛ مفاتیح الجنان، اعمال عید غدیر.

1608 وَلِی الْأَوْلِیآءِ

امام صادق علیه السلام در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وَلِی الْأَوْلِیآءِ»؛(1)

«سلام بر تو ای ولی امور اولیاء حق».

1609 وَلِی الْجَزاءِ

صاحب اختیار پاداش و جزای افراد.

در زیارت صفوان جمال به امیرمؤمنان علیه السلام خطاب شده است:

«فَأَنْتَ سامِعُ الدُّعاءِ وَوَلِی الْجَزاءِ، عَلَینا مِنْکَ السَّلامُ»؛(2)

«تو شنونده دعایی و پاداش نیز با توست، از جانب تو بر ما سلام باد».

1610 هاجِرُ اللَّذّاتِ

دوری کننده از لذات دنیایی.

در فرازی از زیارت حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا هاجِرَ اللَّذّاتِ وَتارِکَ الشَّهَواتِ»؛(3)

«سلام برتو ای دوری کننده از خوشی ها و لذّت دنیایی و ترک کننده شهوات نفسانی و شیطانی».

1611 الْهادِی إِلَی الرَّشادِ

مردم را به راه راست و رشد هدایت می کند.

همچنین مراجعه شود به: عُدَّهُ الْمَعادِ [1305]

1612 هازِمُ الْأَحْزابِ

شکست دهنده حزب ها و گروه شرک و کفر.

در زیارت آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا هازِمَ الْأَحْزابِ وَمُذِلَّ الرِّقابِ»؛(4)

«سلام بر تو ای شکست دهنده احزاب و خوار کننده گردن کشان مشرک و کافر».

1613 الْهُمامُ

پادشاه بزرگ و بلندهمّت.

همچنین مراجعه شود به: الْأَبْطَحِی [1021]

1614 الْهَیکَلُ النُّورانِی

از توصیفاتی است که حضرت زهراعلیها السلام در مورد امام علی علیه السلام بیان فرموده است.

همچنین مراجعه شود به: الْإِمامُ الرَّبّانِی [1058]

1615 یباشرُ الْقِتالَ بِنَفْسِهِ

امام باقرعلیه السلام فرمود: آن حضرت گرچه امام و رهبر و فرمانده بود، لکن شخصاً در جنگ شرکت می کرد و مبارزه می نمود و مثل برخی پنهان نمی شد.(5)

1616 یحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ

پا جای پای رسول خداصلی الله علیه وآله گذاشته و قدم به قدم پیروی او را نموده است.(6)

1617 یدُ اللَّهِ الْباسِطَهُ

دست قدرت و رحمت گشوده خدا، چنان که در زیارت آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا عَینَ اللَّهِ النّاظِرَهَ، وَیدَهُ الْباسِطَهَ»؛(7)

1- 1721. بحارالانوار، ج 97، ص 373؛ مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین روز میلاد پیامبر.
2- 1722. بحارالانوار، ج 97، ص 331.
3- 1723. بحارالانوار، ج 97، ص 332.
4- 1724. بحارالانوار، ج 97، ص 331.
5- 1725. بحارالانوار، ج 33، ص 380؛ قرب الاسناد، ص 14؛ موسوعه امام علی، ج 9، ص 427.
6- 1726. بحارالانوار، ج 99، ص 106؛ اقبال الاعمال، ص 296؛ مفاتیح الجنان، دعای ندبه.
7- 1727. بحارالانوار، ج 97، ص 305؛ مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه ششم امیرالمؤمنین.

«سلام بر تو که چشم بینای خدا و دست گشوده و گسترده او هستی».

1618 يدُ الرَّسُولِ

یار و یاور و نیروی کمکی رسول خداصلی الله علیه وآله.

امام صادق علیه السلام درزیارت آن حضرت فرموده:

«وَصَلِّ عَلی أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ الَّذِی جَعَلْتَهُ یداً لِبَأْسِهِ»؛(1)

«خدایا درود فرست بر امیرمؤمنان که دست توانای رسول خودت قرارش دادی».

1619 يزُورُهُ اللَّهُ

خداوند به زیارت او می رود.

همچنین مراجعه شود به: أَفْضَلُ منَ الْأَئِمَّهِ [1054]

1620 يزُورُهُ الْأَنْبِياءُ

پیامبران الهی به زیارت او می روند.

همچنین مراجعه شود به: أَفْضَلُ منَ الْأَئِمَّهِ [1054]

1621 يزُورُهُ الْمُؤْمِنُونَ

مؤمنان به زیارت او می روند.

همچنین مراجعه شود به: أَفْضَلُ منَ الْأَئِمَّهِ [1054]

1622 يزُورُهُ الْمَلآئِكَهُ

فرشتگان خدا به زیارت او می روند.

همچنین مراجعه شود به: أَفْضَلُ منَ الْأَئِمَّهِ [1054]

1623 يس

نام رسول خداصلی الله علیه وآله و نیز نام یکی از سوره های قرآن است.

ولی امام صادق علیه السلام در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام خطاب به آن حضرت فرموده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا طه وَیس»؛(2)

«سلام بر تو ای طاها و یاسین».

1624 یعْسُوبُ الْإِیمانِ

سید و رئیس و پیشوا و رهبر ایمان و اهلش.

امام علی علیه السلام پیشوای ایمان است،(3) پس به آن حضرت سلام داده می شود:

«اَلسَّلامُ عَلی یعْسُوبِ الْإِیمانِ وَمِیزانِ الْأَعْمالِ»؛(4)

«سلام بر تو ای پیشوای ایمان و میزان اعمال».

1625 یوْمُ الْأَحَدِ

راوی از امام هادی علیه السلام می پرسد: حدیثی از رسول خداصلی الله علیه وآله شنیده ام که معنایش را نمی دانم. فرمود: چیست؟ گفت:

«لا تُعادُوا الْأَیامَ فَتُعادِیکُمْ»؛

«باروزها دشمنی نکنید که با شما دشمنی کنند».

امام فرمود:

«نَعَمْ، الْأَیامُ نَحْنُ ما قامَتِ السَّماواتُ وَالْأَرْضُ، فَاَلسَّبْتُ اِسْمُ رَسُولِ اللَّهِ، وَالْأَحَدُ اِسْمُ أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ، وَالْاِثْنَینِ الْحَسَنُ وَالْحُسَینُ، وَالثُّلَثاءُ عَلِی بْنُ الْحُسَینِ وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِیّ وَجَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، وَالْأَرْبَعاءُ مُوسَی بْنُ جَعْفَرٍ وَعَلِی بْنُ مُوسی وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِیّ وَأَنَا، وَالْخَمِیسُ ابْنِی الْحَسَنُ، وَالْجُمُعَهُ ابْنُ ابْنِی وَإِلَیهِ یجْتَمِعُ عِصابَهُ الْحَقِّ»؛(5)

1- 1728. بحارالانوار، ج 97، ص 307؛ مفاتيح الجنان، زيارت مطلقه اميرالمؤمنين.
2- 1729. بحارالانوار، ج 97، ص 375؛ اقبال الاعمال، ص 608؛ مفاتيح الجنان، زيارت اميرالمؤمنين روز ميلاد پيامبر.
3- 1730. بحارالانوار، ج 35، ص 59.
4- 1731. مستدرک الوسائل، ج 10، ص 222.
5- 1732. بحارالانوار، ج 36، ص 413؛ الصراط المستقيم، ج 2، ص 159.

«آری ما ایام هستیم تا آسمان و زمین برپاست، روز شنبه اسم رسول خداصلی الله علیه وآله است، یک شنبه امیرمؤمنان، دوشنبه امام حسن و امام حسین، سه شنبه امام سجاد و باقر و صادق، چهارشنبه امام کاظم و رضا و جواد و من، پنج شنبه پسرم امام حسن و جمعه فرزند پسرم است که حقّ و حقیقت و پیروان آن به گرد او جمع می شوند».

اشاره

امیرالمؤمنین علیه السلام در گفتار محبّین و مخالفین

مقدمه

امیرمؤمنان علی علیه السلام شخصیتی است آسمانی، تاریخی و جهانی برای همه زمان ها، مکان ها و ملّت ها، که همه در مقابل او واکنش نشان داده اند؛ چه دوست و چه دشمن. هرکه اسمی از او شنیده، یا شیفته اش شده و یا کینه اش را به دل گرفته؛ و هرکه قلبی صاف داشته، عاشق او شده است. و هرکه از حقّ و حقیقت گریزان و خواهان ظلم و بی عدالتی بوده، از او روی گردانده است.

به فرمایش شهیدمطهری؛ علی علیه السلام شخصیتی است استثنایی که جاذبه و دافعه اش در حدّ اعلا بوده؛ دافعه اش نه به جهت عیب و ایراد در او، که به نقص در قلب و درون خودشان بوده. هیچ کسی در او عیب و لغزشی نیافته و آنکه خواسته از او بدگویی کند، فقط آبروی خویش را برده؛ چون از شجاعت او نالیده، از سخاوت او رنجیده، از عدالت او ترسیده، از حقّ گویی او ناراحت شده؛ به دانش بی پایان او حسد ورزیده و به ایمان و استقامت و سبقت او در اسلام رشک برده است.

به هرحال در این فصل، به بیان القاب و فضایل مولا از زبان مردم؛ چه دوست و چه دشمن می پردازیم، هرچند قطره ای از آن اقیانوس هم نخواهد بود.

ص:294

1626 الْآخِذُ بِالْقُلُوبِ

احنف بن قیس که از یاران امام بود، در جواب معاویه در مورد حضرت چنین گفت:

«كانَ آخِذاً بِثَلاثٍ وَتارِكاً بِثَلاثٍ: آخِذاً بِقُلُوبِ الرِّجالِ إذا حَدَثَ، حُسْنِ الْاِسْتِماعِ إذا حُدِثَ، أيسَرُ الْأَمْرَينِ إذا خُولِفَ؛ تارِكاً لِلْمِراءِ، تارِكاً لِمُقارَنَهِ اللَّئِيمِ، تارِكاً لِما يعْتَذِرُ مِنْهُ»؛(1)

«آن حضرت سه چیز را گرفته بود و سه چیز را رها نموده بود: آن گاه که سخن می گفت دل همه را به دست می گرفت. وقتی کسی با او سخن می گفت، خوب گوش می داد. و اگر کسی با او مخالفت می کرد، آسان ترین راه را برمی گزید. جدال و همنشینی با نابکار را ترک می کرد. و اگر کسی ازاو عذر می خواست ازآن دست می کشید».

1627 آياتُهُ ثَمانُ مِائَهٍ

ابن عساکر نقل کرده: ابن عباس در مورد علی علیه السلام چنین گفته است:

«نُزِلَتْ فِی عَلِیّ ثَمانُ مِائَهِ آیهً»؛(2)

«در قرآن کریم، هشتصد آیه در شأن علی علیه السلام نازل شده است».

1628 الْأَبُ الرَّحِيمُ

پدر مهربان مؤمنان؛ پدری که نسبت به فرزندان خود رحیم و مهربان است.

قرآن کریم در مورد پیامبرصلی الله علیه وآله فرموده است: «بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ»(3).

حضرت خضرعلیه السلام بعد از شهادت امام علی علیه السلام خطاب به ایشان فرمود:

«كُنْتَ لِلْمُؤْمِنِينَ أَباً رَحِيماً؛ إِذْ صارُوا عَلَيکَ عَيالاً»؛(4)

«تو نسبت به مؤمنان پدر مهربان بودی بعد از آنکه آنان عیال تو شدند».

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نیز در حدیثی فرمود:

«أَنَا وَعَلِی أَبَوا هذِهِ الْأُمَّهِ»؛

«من و علی دو پدر این امّت هستیم».

1629 أَبادَ الْفِتْرَهَ

سستی و تنبلی را کنار زد.

در بخشی از زیارتی که مرحوم شیخ مفید و سید و شهید برای امام علی علیه السلام نقل کرده اند، چنین آمده است:

«وَحِینَ وَجَدَ أَنْصاراً نَهَضَ مُسْتَقِلاًّ بِإِعْباءِ الْخَلافَهِ، مُصْطَلِعاً بِأَثْقالِ الْإِمامَهِ، فَنَصَبَ رایَهَ الْهُدی فِی عِبادِکَ، وَنَشَرَ ثَوْبَ الْأَمْنِ فِی بِلادِکَ، وَبَسَطَ الْعَدْلَ فِی بَرِیتِکَ، وَحَکَمَ بِکِتابِکَ فِی خَلِیقَتِکَ، وَأَقامَ الْحُدُودَ وَقَمَحَ الْجُحُودَ وَقَوَّمَ الزَّیغَ وَسَکَّنَ الْغَمْرَهَ وَأَبادَ الْفِتْرَهَ وَسَدَّ الفُرْجَهَ...»؛(5)

«و آن گاه که یارانی یافت، برای برپایی خلافت برخاست، تا این که بار امانت و امامت خود را بر جایگاه اصلی اش قرار داد و پرچم هدایت را بین بندگان خدا بلند نمود، امنیت را در شهرها برقرار کرد، عدالت را بین مخلوقات گستراند، مطابق

1- 1733. مجموعه ورام، ج 2، ص 14؛ موسوعه امام علی، ج 8، ص 355.
2- 1734. تاریخ الخلفاء، ج 1، ص 150.
3- 1735. سوره توبه، آیه 128.
4- 1736. بحارالانوار ج 42، ص 303؛ اصول کافی، ج 1، ص 454.
5- 1737. بحارالانوار، ج 97، ص 380.

قرآن بین مردم حکم کرد، حدود الهی را اقامه نمود، ملحدان و منکران را مغلوب کرد، کژی ها را راست و شبهات را برطرف کرد، کینه ها را تسکین داد، سستی ها و تنبلی ها را کنار زد و جلوی انحرافات را بست».

1630 أَبَدَّ الْأَوْصافَ

این مدحِ یک مرد عرب از امیرمؤمنان علیه السلام است در حضور ولید بن یزید بن عبدالملک بن مروان که از وی خواسته بود علی علیه السلام را هَجو کند. او گفت: چطور کسی را هجو کنم که چنین اوصافی دارد:

«اَلَّذِی تَجَلْبَبَ بِالْوَقارِ، وَنَبَذَ الشِّنارَ وَعافَ الْعارَ، وَعَمَدَ الْإِنْصافَ وَأَبَدَّ الْأَوْصافَ، وَحَصَّنَ الْأَطْرافَ وَتَأَلَّفَ الْأَشْرافَ، وَأَزالَ الشُّکُوکَ فِی اللَّهِ بِشَرْحِ مَا اسْتَوْدَعَهُ الرَّسُولُ مِنْ مَکْنُونِ الْعِلْمِ الَّذِی نَزَلَ بِهِ النّامُوسُ وَحْیاً مِنْ رَبِّهِ، وَلَمْ یفْتَرِ طَرَفاً وَلَمْ یصْمُتْ آنِفاً وَلَمْ ینْطِقْ خُلْفاً»؛(1)

«آنکه وقار را پوشش خود قرار داده و عیب و عار را به دور انداخته، او استوانه داد و انصاف است، کسی که کردار نیک را رواج داد و بر اطراف دین، دژ محکمی بنا کرد و از خانواده ای بزرگ برخاست. با اسرار و علومی که پیامبر از طریق وحی به وی سپرده بود، شک و تردید را از دین زدود. لحظه ای در راه دین آرام نداشت، دمی سکوت نکرد و هرگز سخن به خلاف نگفت».

1631 أَبْلَغُ الْواعِظِینَ

از جمله توصیفاتی که ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه خود برای امام علی علیه السلام بیان داشته چنین است:

اگر سخن از جنگ و جهاد شود، علی «سید المجاهدین و المحاربین» است؛
اگر بحث موعظه و تذکّر باشد، علی «ابلغ الواعظین و المذکّرین» است؛
اگر حرف فقه و تفسیر باشد، علی «رئیس الفقهاء و المفسرین» است؛
اگر جای عدل و توحید باشد، علی «امام اهل العدل و الموحدین» است. (2)

1632 ابْنُ أَبِی طالِبٍ

امام علی علیه السلام فرزند ابوطالب عموی گرامی پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله می باشد. ابوطالب یکی از فرزندان عبدالمطلب و برادر

عبداللّه پدر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است.

ابوطالب چندین پسر داشت که یکی از آنان امیرالمؤمنین علیه السلام بود. وی پس از رحلت پدرش عبدالمطلب، سال های متمادی سرپرستی و حمایت از «محمّد بن عبداللّه» را به عهده داشت؛ خصوصاً در دوران سخت تبلیغ مخفیانه دین اسلام و مقابله با مشرکان قریش در مکه که با پنهان داشتن اسلام و ایمان خود، نقش بسیار مهمی در دفاع از پیامبرصلی الله علیه وآله داشت.

قدرت و حمایت ابوطالب از پیامبرصلی الله علیه وآله به گونه ای بود که پس از رحلت ایشان و فوت

1- 1738. بحارالانوار، ج 46، ص 321؛ العدد القویه، ص 254.
2- 1739. شرح نهج البلاغه، ج 7، ص 202؛ موسوعه امام علی، ج 10، ص 277.

جناب خدیجه، پیامبر خداصلی الله علیه وآله تصمیم گرفت از مکّه هجرت کند. علی فرزند چنین پدری بود.

1633 ابْنُ فاطِمَة

فاطمه بنت اسد بن هاشم بن عبدمناف، مادر امیرالمؤمنین و همسر ابوطالب علیهم السلام می باشد.

امام صادق علیه السلام می فرماید: وی اولین زنی بود که با پای پیاده از مکّه به مدینه هجرت فرمود.(1)

داستان راز و نیازهای وی با خدا و ورودش به خانه کعبه جهت تولد تنها مولود کعبه، معروف است.

از آنجا که ابوطالب سرپرستی محمّد بن عبد اللَّه را برعهده داشت، فاطمه بنت اسد نیز در این راه زحمات زیادی کشید و البته پیامبر هم نهایت احترام و ارزش را برای وی قائل بود. هنگامی که فاطمه بنت اسد رحلت کرد، به امام علی علیه السلام فرمود: نه تنها تو مادر از دست دادی، بلکه مادر من هم بود. پس عمامه و لباس خود را به امیرالمؤمنین علیه السلام داد تا مادرش را در آن کفن کند، سپس پیامبر نماز باشکوهی بر وی خواند و داخل قبرش شد و برای او دعا نمود.(2)

1634 أَبُو الْحَسَنَینِ

کنیه دیگر آن حضرت است؛ یعنی امام علی علیه السلام پدر حسن و حسین علیهما السلام است.(3)

1635 أَبُو زَینَبٍ

پدر زینب کبری علیها السلام دختر بزرگ آن حضرت، ابوزینب از کنیه های امام علی علیه السلام است.

1636 أَبُو السَّیدَینِ

امام علی علیه السلام پدربزرگوار دو سید و آقا، حسن و حسین است، آن دو نفر سید هستند، چنان که رسول خداصلی الله علیه وآله بارها فرموده:

«اَلْحَسَنُ وَالْحُسَینُ سَیدا شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّهِ»؛(4)

«حسن و حسین دو آقای جوانان اهل بهشتند».

1637 أَبُو شَبَرٍ

پدر شبر. شبر نام پسر حضرت موسی علیه السلام به زبان عبری است که به زبان عربی همان حسن است. پس ابوشبر کنیه آن حضرت است.(5)

1638 أَبُو شُبَيرٍ

پدر شُبیر. شبیر اسم فرزند دیگر حضرت موسی علیه السلام است، رسول خداصلی الله علیه وآله بر همین اساس نام فرزند دوم امام علی علیه السلام را حسین گذاشت.(6)

1639 أَبُو الْعَلَوِيينَ

در مقایسه ایشان با حضرت آدم بیان شده:

«آدَمُ أَبُو الْآدَمِيينَ وَعَلِی أَبُو الْعَلَوِيينَ»؛(7)

«آدم پدر همه آدمیان و علی پدر علویان است».

1640 أَبُو مُحَمَّدٍ

پدر محمّد؛ یعنی محمّد حنفیه.

1- 1740. اصول کافی، ج 1، ص 453.
2- 1741. بحارالانوار ج 6، ص 232؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 83؛ اصول کافی، ج 1، ص 452.
3- 1742. بحارالانوار، ج 33، ص 247.
4- 1743. بحارالانوار، ج 34، ص 368.
5- 1744. الفضائل، ص 175.
6- 1745. مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 281.
7- 1746. بحارالانوار، ج 39، ص 47؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 241.

1641 أَبُو النُّورَينِ

پدر دو نور؛ امام حسن و امام حسین علیهما السلام.(1)

1642 اِتّباعُهُ عَهْدٌ مَعْهُودٌ

از امّ سلمه همسر پیامبرصلی الله علیه وآله نقل شده که در مورد امام گفته است:

«كان عَلِي عَلَى الْحَقِ ّ، وَمَنِ اتَّبَعَهُ اتَّبَعَ الْحَقَّ وَمَنْ تَرَكَهُ تَرَكَ الْحَقَّ عَهْداً مَعْهُوداً قَبْلَ يوْمِهِ هذا»؛(2)

«علی بر حقّ است، هر که از او پیروی کند از حقّ پیروی کرده و هر که او را ترک کند حقّ را ترک گفته، این پیمانی است که پیش از این وجود داشته است».

1643 أَجْمَعَ خِصالَ الْخَيرِ

در جنگ صفّین نمایندگانی بین دو لشکر رفت و آمد داشتند. یزید بن قیس، یکی از نمایندگان امام علی علیه السلام، در مقابل معاویه گفت:

«فَاتَّقِ اللَّهَ يا مُعاوِيهُ! وَلا تُخالِفْ عَلِياً؛ فَإِنّا وَاللَّهِ ما رَأَينا رَجُلاً قَطَّ أَعْمَلَ بِالتَّقْوى وَلا أَزْهَدَ فِى الدُّنْيا وَلا أَجْمَعَ لِخِصالِ الْخَيرِ كُلِّها مِنْهُ»؛(3)

«ای معاویه! از خدا بترس و با علی علیه السلام مخالفت نکن، به خدا قسم! ما هرگز مردی ندیدیم که از او عامل تر به تقوی و زاهدتر در دنیا باشد و ندیدیم کسی را که بتواند تمام خصلت های نیک را در خود جمع کند جز او».

1644 أَحْسَنُ الْقَوْمِ عَمَلاً

اسید بن صفوان، صحابی رسول خداصلی الله علیه وآله می گوید: وقتی امیرمؤمنان علیه السلام به شهادت رسید صدای ناله و گریه مردم به هوا برخاست و مانند روزی که پیامبرصلی الله علیه وآله رحلت فرمود، تکرار شد. در این موقع شخصی گریه کنان و باشتاب آمد و در حالی که می گفت امروز خلافت نبوی منقطع گردید، رفت و بر درب خانه ای که پیکر مطهر امام علی علیه السلام در آن بود ایستاد و گفت:

«رَحِمَکَ اللّهُ یا أَبَاالْحَسَنِ! کُنْتَ أَوَّلَ الْقَوْمِ إِسْلاماَ، وَأَخْلَصَهُمْ إِیماناَ، وَأَشَدَّهُمْ یقِیناً، وَأَخْوَفَهُمْ للّهِ وَأَعْظَمَهُمْ عَنآءً، وَأَحْوَطَهُمْ عَلی رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه وآله، وَآمَنَهُمْ عَلی أَصْحَابِهِ، وَأَفْضَلَهُمْ مَناقِبَ، وَأَکْرَمَهُمْ سَوابِقَ، وَأَرْفَعَهُمْ دَرَجَةً، وَأَقْرَبَهُمْ مِنْ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه وآله، وَأَشْبَهَهُمْ بِهِ هَدْیاً وَخَلْقاً وَسَمْتاً وَفِعْلاً، وَأَشْرَفَهُمْ مَنْزِلَةً وَأَکْرَمَهُمْ عَلَیهِ، فَجَزاکَ اللّهُ عَنِ الإِسْلامِ وَعَنْ رَسُولِهِ وَعَنِ الْمُسْلِمِینَ خَیراً.

قَوِیتَ حِینَ ضَعُفَ أَصْحَابُهُ، وَبَرَزْتَ حِینَ اسْتَکَانُوا، وَنَهَضْتَ حِینَ وَهَنُوا، وَلَزِمْتَ مِنْهاجَ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه وآله؛ إِذْ هَمَّ أَصْحَابُهُ.

وَکُنْتَ خَلِیفَتَهُ حَقّاً لَمْ تُنَازَعْ وَلَمْ تَضْرَعْ بِرَغْمِ الْمُنافِقِینَ، وَغَیظِ الْکافِرِینَ، وَکُرْهِ الْحاسِدِینَ، وَصِغَرِ الْفاسِقِینَ. فَقُمْتَ بِالأَمْرِ حِینَ فَشِلُوا، وَنَطَقْتَ حِینَ تَتَعْتَعُوا، وَمَضَیتَ بِنُورِ اللّهِ إِذْ وَقَفُوا، فَاتَّبَعُوکَ فَهُدُوا.

وَکُنْتَ أَخْفَضَهُمْ صَوْتاً، وَأَعْلاهُمْ قُنُوتاً، وَأَقَلَّهُمْ کَلاماً، وَأَصْوَبَهُمْ نُطْقاً، وَأَکْبَرَهُمْ رَأیاً، وَأَشْجَعَهُمْ قَلْباً، وَأَشَدَّهُمْ یقِیناً، وَأَحْسَنَهُمْ عَمَلا، وَأَعْرَفَهُمْ بِالأُمُورِ.

1- 1747. الفضائل، ص 175.
2- 1748. بحارالانوار، ج 38، ص 32؛ موسوعه امام علی، ج 8، ص 291؛ کشف الغمّه، ج 1، ص 143.
3- 1749. بحارالانوار، ج 33، ص 452؛ شرح نهج البلاغه، ج 4، ص 20؛ موسوعه امام علی، ج 8، ص 375.

كُنْتَ وَاللَّهِ يعْسُوباً لِلدِّينِ أَوَّلاً وَآخِراً، الأَوَّلَ حِينَ تَفَرَّقَ النَّاسُ وَالآخِرَ حِينَ فَشِلُوا.

كُنْتَ لِلْمُؤْمِنِينَ أَباً رَحِيماً؛ إِذْ صارُوا عَلَيكَ عِيالاً، فَحَمَلْتَ أَثْقالَ ما عَنْهُ ضَعُفُوا، وَحَفِظْتَ مَا أَضاعُوا، وَرَعَيتَ ما أَهْمَلُوا، وَشَمَّرْتَ إِذَا اجْتَمَعُوا، وَعَلَوْتَ إِذْ هَلِعُوا، وَصَبَرْتَ إِذْ أَسْرَعُوا، وَأَدْرَكْتَ أَوْتارَ ما طَلَبُوا، وَنالُوا بِکَ ما لَمْ يحْتَسِبُوا.

كُنْتَ عَلَى الْكافِرِينَ عَذاباً صَبّاً وَنَهْباً، وَلِلْمُؤْمِنِينَ عَمَداً وَحِصْناً، فَطِرْتَ وَاللَّهِ بِنَعْمائِها، وَفُزْتَ بِحِبائِها، وَأَحْرَزْتَ سَوابِقَها، وَذَهَبْتَ بِفَضائِلِها. لَمْ تُفْلَلْ حُجَّتُکَ، وَلَمْ يزِغْ قَلْبُکَ، وَلَمْ تَضْعُفْ بَصِيرَتُکَ، وَلَمْ تَجْبُنْ نَفْسُکَ، وَلَمْ تَخِرَّ.

كُنْتَ كَالْجَبَلِ لا تُحَرِّكُهُ الْعَواصِفُ. وَكُنْتَ كَما قالَ عليه السلام: آمَنَ النّاسُ فِی صُحْبَتِکَ، وَذاتِ يدِکَ. وَكُنْتَ كَما قالَ عليه السلام: ضَعِيفاً فِی بَدَنِکَ. قَوِياً فِی أَمْرِ اللَّهِ، مُتَواضِعاً فِی نَفْسِکَ، عَظِيماً عِنْدَ اللَّهِ، كَبِيراً فِی الأَرْضِ، جَلِيلاً عِنْدَ الْمُؤْمِنِينَ. لَمْ يكُنْ لِأَحَدٍ فِيکَ مَهْمَزٌ، وَلا لِقائِلٍ فِيکَ مَغْمَزٌ، [وَلا لِأَحَدٍ فِيکَ مَطْمَعٌ ، وَلا لِأَحَدٍ عِنْدَکَ هَوادَةٌ.

الضَّعِيفُ الذَّلِيلُ عِنْدَکَ قَوِی عَزِيزٌ حَتّی تَأْخُذَ لَهُ بِحَقِّهِ، وَالْقَوِی الْعَزِيزُ عِنْدَکَ ضَعِيفٌ ذَلِيلٌ حَتّی تَأْخُذَ مِنْهُ الْحَقَّ، وَالْقَرِيبُ وَالْبَعِيدُ عِنْدَکَ فِی ذلِکَ سَواءٌ.

شَأْنُکَ الْحَقُّ وَالصِّدْقُ وَالرِّفْقُ، وَقَوْلُکَ حُكْمٌ وَحَتْمٌ، وَأَمْرُکَ حِلْمٌ وَحَزْمٌ، وَرَأْيکَ عِلْمٌ وَعَزْمٌ، فِيما فَعَلْتَ قَدْ نَهَجَ السَّبِيلُ وَسَهُلَ الْعَسِيرُ، وَأَطْفِئَتِ النِّيرانُ، وَاعْتَدَلَ بِکَ الدِّينُ، وَقَوِی بِکَ الإِسْلامُ، فَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ.

وَثَبَتَ بِکَ الإِسْلامُ وَالْمُؤْمِنُونَ، وَسَبَقْتَ سَبْقاً بَعِيداً، وَأَتْعَبْتَ مَنْ بَعْدَکَ تَعَباً شَدِيداً. فَجَلَلْتَ عَنِ الْبُكاءِ، وَعَظُمَتْ رَزِيتُکَ فِی السَّماءِ، وَهَدَّتْ مُصِيبَتُکَ الأَنامَ، فَإِنّا لِلَّهِ وَإِنّا إِلَيهِ راجِعُونَ. رَضِينَا عَنِ اللَّهِ قَضاهُ، وَسَلَّمْنا لِلَّهِ أَمْرَهُ. فَوَاللَّهِ لَنْ يصابَ الْمُسْلِمُونَ بِمِثْلِکَ أَبَداً.

كُنْتَ لِلْمُؤْمِنِينَ كَهْفاً وَحِصْناً وَقُنَّةً راسِياً، وَعَلَى الْكافِرِينَ غِلْظَةً وَغَيظاً. فَأَلْحَقَکَ اللَّهُ بِنَبِيهِ وَلا أَحْرَمَنا أَجْرَکَ وَلا أَضَلَّنا بَعْدَکَ»؛(1)

«ای ابو الحسن! خداوند تو را رحمت کند، تو اولین مسلمان از قوم بودی، خالص ترین ایمان و کامل ترین یقین مال تو بود، خداترس ترین بودی، پررنج ترین فرد و محتاطترین به رسول خداصلی الله علیه وآله و باایمان

ترین اصحاب بودی، مناقب تو از همه بیشتر، سوابقت از همه گرامی تر، درجه ات بالاتر و از همه به رسول خدا نزدیک تر؛ در روش و اخلاق و سیما و کردار، شبیه ترین به پیامبر و شریف ترین و گرامی ترین فرد نزد پیامبربودی، خداوند به تو از طرف اسلام و رسول و مسلمین جزای خیر دهد.

آن گاه که اصحاب ناتوانی کردند تو قوی بودی، اگر دیگران عقب کشیدند و سستی کردند تو قیام نمودی و به راه پیامبر چسبیدی.

حقیقتاً تو خلیفه بلامنازع بودی، علیرغم نظر منافقان و غیظکافران و ناخوشی حسودان و کوری چشم فاسقان. آن گاه که دیگران سستی کردند تو

1- 1750. بحارالانوار، ج 42، ص 303؛ امالی صدوق، ص 241؛ کمال الدین، ج 2، ص 387؛ اصول کافی، ج 1، ص 454.

قیام به امر نمودی، آنها که ساکت شدند تو به سخن درآمدی، به نور خدا پیش رفتی، وقتی آنان بازماندند. پس پیرو تو شدند و راهنمایی گشتند.

در صدا نرم تر، در عبادت بالاتر و در کلام کم گوتر و در نطق صائب تر بودی، رأی تو بالاتر، قلب تو شجاع تر، یقین تو بیشتر و عمل تو نیکوتر بود و از همه به امور داناتر بودی.

به خدا قسم که تو یعسوب و سالار دین بودی در اوّل و آخر، در اوّل آن گاه که همه متفرق شدند و در آخر وقتی که سست شدند.

تو پدر مهربان مؤمنان بودی، آن گاه که آنان تحت تکفل تو درآمدند، باری را به دوش کشیدی که آنان ناتوان بودند، حفظ نمودی آنچه را که آنان ضایع نمودند. رعایت کردی آنچه را که آنان رها کردند، اقدام نمودی وقتی به گرد تو آمدند. آن گاه که بی تاب شدند تو والا شدی، آن گاه که شتاب کردند تو شکیبایی کردی، آنچه آنان طلب می کردند تو به چند برابرش رسیدی، و آنان در سایه تو به آنچه گمان هم نمی کردند، رسیدند.

تو بر کافران عذابی کوبنده و کشنده بودی و برای مؤمنان نیز پشتبیان و دژ محکم. به خدا قسم! تو با نعمت های ولایت و خلافت سرشته شدی و از این عطیه کامیاب گشتی و سوابق آن را به دست آوردی و فضیلت های آن را بردی.

حجّت و دلیل تو هیچ گاه سست نشد و قلبت منحرف نگشت و بصیرت تو ضعیف نشد و هیچ ترسی در دل نداشتی و فرو نیفتادی، تو مانند کوه بودی که هیچ بادی او را تکان نمی دهد.

همان طور که پیامبر فرمود، مردم در کنار تو از دست و زبانت در امنیت بودند. بدنت نحیف و لاغر بود، امّا در امر خدا قوی بودی. نزد خودت متواضع و نزد خدا بزرگوار بودی، روی زمین بزرگ بودی و نزد مؤمنان باجلالت.

هیچ گوینده ای را جای عیب جویی در تو نبود، و احدی درباره تو طمعی برای ناحقّ نداشت. شخص ضعیف و ذلیل، نزد تو قوی و عزیز بود تا موقعی که حقّ او را از ظالم بستانی، و شخص قوی و نیرومند، نزد تو ضعیف و ذلیل بود تا زمانی که حقّ مظلوم را از وی بستانی. و آشنا و غریب نیز در این مورد نزد تو مساوی هستند.

کار تو حقّ بود و راستی و مدارا، سخنت حکم قاطع و حتمی و فرمانت بردباری و دوراندیشی بود. اندیشه ات دانش و تصمیم در آنچه کردی، به وسیله تو راه هموارگشت و دشواری ها آسان شد و آتش فتنه ها خاموش گردید و دین اعتدال گرفت و اسلام قوت یافت. پس امر خدا چیره گشت، هرچند کافران خوش نداشتند.

اسلام و مؤمنان با تو به ثبات دست یافتند، بسیار پیش رفتی و پیشی گرفتی و آیندگان را به زحمت و رنج انداختی. تو فراتر از آنی که گریه جبرانت کند، داغ غم تو در آسمان، بزرگ آمد و مردم را خُرد کرد.

انا للّه و انا الیه راجعون! به قضای خدا راضی و تسلیم امر اوییم، به خدا قسم! هرگز مسلمانان به مصیبتی چون فقدان تو گرفتار نخواهند شد.

ص:300

برای مؤمنان پناه و دژ استوار و قلّه بلند بودی، بر کافران سخت گیر و خشمگین بودی. خدا تو را به پیامبرش ملحق سازد و ما را از پاداش سوگواری محروم نکند و پس از تو گمراهمان نفرماید».

می گویند: پس همه مردم ساکت و سراپا گوش بودند تا سخنانش تمام شد. بعد شروع کرد به گریه، و اصحاب رسول اللّه صلی الله علیه وآله نیز گریه کردند، وقتی ساکت شدند، هرچه گشتند او را پیدا نکردند.

گفته شده: او حضرت خضرعلیه السلام بوده است.

1645 أَحَقُّ الْمُسْلِمِينَ بِالْخِلافَهِ

ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه، امام علی علیه السلام را این گونه توصیف می کند:

«إِنَّهُ أَفْضَلُ الْبَشَرِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه وآله وَأَحَقُّ بِالْخَلافَهِ مِنْ جَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ»؛(1)

«همانا علی علیه السلام از همه افراد بشر بعد از پیامبر برتری دارد و او تنها کسی است که از بین مسلمانان شایسته خلافت است».

1646 أَحَقُّ النّاسِ بِالْأَمْرِ

حذیفه بن یمان قبل از بیعت با امام در مقابل مردم به سخنرانی پرداخت و گفت:

«أَوْلَى النّاسِ بِالنّاسِ، أَحَقُّهُمْ بِالْأَمْرِ، وَأَقْرَبُهُمْ إِلَى الصِّدْقِ، وَأَرْشَدُهُمْ إِلَى الْعَدْلِ، وَأَهْداهُمْ سَبِيلاً، وَأَدْناهُمْ إِلَى اللَّه وَسِيلَهً، وَأَقْرَبُهُمْ بِرَسُولِ اللَّهِ رَحِماً، أَنِيبُوا إِلى طاعَهِ أَوَّلِ النّاسِ سِلْماً، وَأَكْثَرِهِمْ عِلْماً، وَأَصْدَقِهِمْ طَرِيقَهً، وَأَسْبَقِهِمْ إِيماناً، وَأَحْسَنِهِمْ يقِيناً، وَأَكْثَرِهِمْ مَعْرُوفاً، وَأَقْدَمِهِمْ جِهاداً، وَأَعَزِّهِمْ مَقاماً»؛(2)

«او سزاوارترین مردم به ایشان است، از همه به حکومت محق تر، راست گوترین مردم، راهنما و هدایت گر مردم به عدل و راه خدا،نزدیک ترین وسیله برای به خدا رسیدن، و نیز نزدیک ترین فرد به رسول خداصلی الله علیه وآله علی علیه السلام است. پس به اطاعت اولین مسلمان درآیید، او که از همه بیشتر علم دارد و راهش از همه بهتر، ایمان آوردنش از همه

زودتر، یقینش از همه بهتر، کارهای خیرش از همه بیشتر، جهادش از دیگران زودتر و مقامش از همه والاتر است...».

1647 أَحْوَطُ الْقَوْمِ

محتاطترین فرد از قوم.

همچنین مراجعه شود به: أَحْسَنُ الْقَوْمِ عَمَلاً [1644]

1648 أَحَدَ الْعِلْمَ فَوَفَّرَهُ

به همه علوم و در تمام جوانب آن آگاهی داشت و دانشمند تمام عیار بود.

به حسن بصری خبر رسید برخی می گویند: فلانی خودش را از علی علیه السلام بهتر می داند، روزی بین اصحاب خود ایستاد و گفت:

من قصد داشتم که دیگر از منزل خارج نشوم تا موقعی که مرگم فرا رسد؛ ولی شنیدم چنین گفته اند. من چگونه خود را بهتر از او بدانم در حالی که او این اوصاف را دارد:

1- 1751. شرح نهج البلاغه، ج 1، ص 140؛ موسوعه امام علی، ج 8، ص 396.
2- 1752. ارشاد القلوب، ص 322، موسوعه امام علی، ج 8، ص 312.

«خَيرُ النّاسِ بَعْدَ نَبِيناصلى الله عليه وآله وَأَنِيسُهُ وَجَلِيسُهُ، وَالْمُفَرِّجُ لِلْكَرْبِ عَنْهُ عِنْدَ الزَّلازِلِ، وَالْقاتِلُ لِلْأَقْرانِ يوْمَ التَّنازُلِ، لَقَدْ فارَقَكُمْ رَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَوَقَّرَهُ، وَأَخَذَ الْعِلْمَ فَوَفَّرَهُ، وَحازَ الْبَأْسَ فَاسْتَعْمَلَهُ فِی طاعَةِ رَبِّهِ، صابِراً عَلی مَضَضِ الْحَرْبِ، شاكِراً عِنْدَ اللَّأْواءِ وَالْكَرْبِ، فَعَمِلَ بِكِتابِ رَبِّهِ وَنَصَحَ لِنَبِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ وَأَخِيهِ، آخاهُ دُونَ أَصْحابِهِ وَجَعَلَ عِنْدَهُ سِرَّهُ، وَجاهَدَ عَنْهُ صَغِيراً وَقاتَلَ مَعَهُ كَبِيراً، يقْتُلُ الْأَقْرانَ وَينازِلُ الْفُرْسانَ دُونَ دِينِ اللَّهِ، حَتّی وَضَعَتِ الْحَرْبُ أَوْزارَها، مُتَمَسِّكاً بِعَهْدِ نَبِيهِ لا يصُدُّهُ صادٌّ وَلا يمالِی عَلَيهِ مُضادٌّ، ثُمَّ مَضَی النَّبِی صلی الله علیه وآله وَهُوَ عَنْهُ راضٍ، أَعْلَمُ الْمُسْلِمِينَ عِلْماً، وَأَفْهَمُهُمْ فَهْماً، وَأَقْدَمُهُمْ فِی الْإِسْلامِ، لا نَظِيرَ لَهُ فِی مَناقِبِهِ وَلا شَبِيهَ لَهُ فِی ضَرائِبِهِ، فَظَلَفَتْ نَفْسُهُ عَنِ الشَّهَواتِ، وَعَمِلَ لِلَّهِ ِ فِی الْغَفَلاتِ، وَأَسْبَغَ الطُّهُورَ فِی السَّبَراتِ، وَخَشَعَ لِلَّهِ ِ فِی الصَّلَواتِ وَقَطَعَ نَفْسَهُ عَنِ اللَّذّاتِ، مُشَمِّراً عَنْ ساقٍ، طَيبَ الْأَخْلاقِ، كَرِيمَ الْأَعْراقِ، اتَّبَعَ سُنَنَ نَبِيهِ وَاقْتَفی آثارَ وَلِيهِ. فَكَيفَ أَقُولُ فِيهِ ما يوبِقُنِی وَما أَحَدٌ أَعْلَمُهُ يجِدُ فِيهِ مَقالاً فَكُفُّوا عَنَّا الْأَذی وَتَجَنَّبُوا طَرِيقَ الرَّدی ؛(1)

«او بهترین مردم است بعد از پیامبرصلی الله علیه وآله، او انیس و همنشین رسول خدا و برطرف کننده همّ و غم اوست به هنگام نگرانی ها، و کشنده پهلوان ها به هنگام جنگ ها. بدانید کسی از بین شما رفت که به قرائت قرآن کریم می پرداخت و آن را گرامی می داشت، علم و دانش را به طور کامل نزد خود گرفت و سختی ها را در راه طاعت خدا به کار گرفت، در هنگام نبردها صابر، و زمان مشکلات و گرفتاری ها شاکر بود، و به دستورات قرآن عمل می کرد و ناصح پیامبر و پسرعمو و برادرش بود. پیامبر نیز فقط با او عقد اخوت و برادری بست و اسرارش را نزد او گذاشت. از کوچکی همراه او بود و تا بزرگسالی همراه او جهاد می کرد برای دین خدا پهلوانان را می کشت و سواران را به زیر می انداخت تا اینکه گرد و غبار جنگ فروکش کرد، به پیمان پیامبرش وفادار ماند، هیچ بازدارنده ای او را باز نداشت، و هیچ مخالفی بر او چیره نشد. پیامبرصلی الله علیه وآله در حالی رحلت فرمود که از وی راضی بود، عالم ترین مسلمانان، فهیم ترین آنها و ثابت قدم ترین ایشان بود، در فضیلت و منقبت نظیر ندارد، خود را از شهوات باز گرفت، و در اوقات غفلت دیگران، او برای خدا کار می کرد. هنگام سوز و سرما، طهارت کامل انجام می داد و در نماز خاشع بود، به لذت جویی نپرداخت؛ خوش اخلاقی همت او بود و نیاکانش بزرگوار بودند، پیرو سنّت های پیامبر و دنباله روی ولی خود بود. چگونه درباره چنین کسی حرفی بزنم که موجب نابودی ام شود و

کسی را هم نمی شناسم که جرأت بدگویی او را داشته باشد. پس ما را آزار ندهید و خود را از گمراهی و پستی دور نگه دارید.

1649 اِدَّخَرَ قَبْرَهُ نُوحٌ

نوح علیه السلام قبر امام علی علیه السلام را آماده کرده بود.

1- 1753. بحارالانوار، ج 40، ص 118؛ امالی صدوق مجلس 67، حدیث 1.

در آن شبی که امام حسن و امام حسین علیهما السلام پیکرمطهر امام علی علیه السلام را طبق وصیت خودشان به محل مورد نظر انتقال دادند، همین که مقداری خاک را کنار زدند، قبری آماده را مشاهده کردند که روی آن با خطّ سریانی نوشته بود: این قبری است که نوح نبی علیه السلام هفت صد سال قبل از طوفان، برای علی علیه السلام که وصی محمّدصلی الله علیه وآله است، آماده نموده است.(1)

1650 أَدْرَکَ أَوْتارَ ما طَلَبَ الْقَوْمُ

آنچه از خون هایی را که تمام مردم در طلب آن بودند، به دست آورد.

همچنین مراجعه شود به: أَحْسَنُ الْقَوْمِ عَمَلاً [1644]

1651 أَدْنَی الْوَسِیلَهِ

برای رسیدن به خدا، امام علی علیه السلام بهترین و نزدیک ترین وسیله است.

همچنین مراجعه شود به: أَحَقُّ النّاسِ بِالْأَمْرِ [1646]

1652 أَذَلَّ اللَّهُ بِهِ الْمُشْرِکِینَ

سفیان ثوری در مورد امام چنین گفته است: «کان عَلِی بْنِ أَبِی طالِبٍ کَالْجَبَلِ بَینَ الْمُسْلِمِینَ وَالْمُشْرِکِینَ، أَعَزَّ اللَّهُ بِهِ الْمُسْلِمِینَ، وَأَذَلَّ اللَّهُ بِهِ الْمُشْرِکِینَ»؛(2)

«علی بن ابی طالب همانند کوهی بود بین مسلمانان و مشرکان؛ خداوند به وسیله او مسلمانان را عزیز و مشرکان را ذلیل نمود».

1653 أَرْکانُ الْهُدی

ارکان هدایت، ستون آسمان ها و زمین. اشاره به آن زمانی است که ضربت شمشیر ابن ملجم بر فرق سر آن حضرت فرود آمد.

در آن هنگام، از آسمان ها بانگ و ندایی شنیده شد:

تَهَدَّمَتْ وَاللَّهِ أَرْکانُ الْهُدی

قَدْ قُتِلَ عَلِی الْمُرْتَضی

«به خدا قسم! ارکان آسمان و زمین به لرزه درآمد، همانا علی مرتضی را کشتند».

1654 أَرِی

از نام های امام علی علیه السلام در کتب گذشتگان است؛ چنان که خود آن حضرت فرموده است:

«أَنَا اسْمِی فِی الْاِنْجِیلِ اِلیا، وَفِی التَّوراهِ بَرِی، وَفِی الزَّبُورِ أَرِی»؛(3)

«نام من در انجیل الیا است، و در تورات بری، و در زبور اری می باشد».

1655 الْأَرْیحِی

شخص خوش خُلق و خوی، و آقامنش و بزرگوار و باسخاوت.(4)

اصبغ بن نباته از اصحاب نزدیک امام علی علیه السلام می گوید: روزی در مسجد کوفه خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام رسیدم، گروهی جمع بودند، سارقی را آوردند، محاکمه شد و پس از سه بار اقرار به دزدی، حکم به قطع دست وی داده شد. این شخص دست قطع شده اش را به

1- 1754. موسوعه شهادت معصومین، ص 347.
2- 1755. بحارالانوار، ج 41، ص 62؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 68؛ موسوعه امام علی علیه السلام، ج 8، ص 419.
3- 1756. بحارالانوار، ج 35، ص 46؛ معانی الاخبار، ص 58.
4- 1757. بحارالانوار، ج 34، ص 267.

دست دیگر گرفت و بیرون رفت و در حالی که از آن خون می چکید، ابن کواء که از دشمنان امیرالمؤمنین علیه السلام بود او را دید و گفت: چه کسی دست تو را قطع کرده؟

وی که از شیعیان مولا بود، شروع کرد به تعریف و تمجید از امام و گفت:

«قَطَعَ یمِینِی الْأَنْزَعُ الْبَطِینُ، وَبابُ الْیقِینِ، وَحَبْلُ اللَّهِ الْمَتِینُ، وَالشّافِعُ یوْمَ الدِّینِ، الْمُصَلّی إِحْدی وَخَمْسِینَ.

قَطَعَ یمِینِی إِمامُ التُّقی وَابْنُ عَمِّ الْمُصْطَفی شَقِیقُ النَّبِیِّ الْمُجْتَبی لَیثُ الثَّری غَیثُ الْوَری وَحَتْفُ الْعِدی وَمِفْتاحُ النَّدی وَمِصْباحُ الدُّجی

قَطَعَ یمِینِی إِمامُ الْحَقِّ وَسَیدُ الْخَلْقِ، وَفارُوقُ الدِّینِ وَسَیدُ الْعابِدِینَ، وَإِمامُ الْمُتَّقِینَ وَخَیرُ الْمُهْتَدِینَ، وَأَفْضَلُ السّابِقِینَ وَحُجَّهُ اللَّهِ عَلَی الْخَلْقِ أَجْمَعِینَ.

قَطَعَ یمِینِی إِمامُ حَظِی، بَدْرِی أُحُدِی، مَکِّی مَدَنِی، أَبْطَحِی هاشِمِی قُرَشِی، أَرْیحِی مَوْلَوِی طالِبِی، جَرِی قَوِی لَوْذَعِی، الْوَلِی الْوَصِی.

قَطَعَ یمِینِی داحِی بابِ خَیبَرٍ وَقاتِلُ مَرْحَبٍ وَمَنْ کَفَرَ، وَأَفْضَلُ مَنْ حَجَّ وَاعْتَمَرَ، وَهَلَّلَ وَکَبَّرَ، وَصامَ وَأَفْطَرَ، وَحَلَقَ وَنَحَرَ.

قَطَعَ یمِینِی شُجاعٌ جَرِی، جَوادٌ سَخِی بُهْلُولٌ، شَرِیفُ الْأَصْلِ، اِبْنُ عَمِّ الرَّسُولِ زَوْجُ الْبَتُولِ، سَیفُ اللَّهِ الْمَسْلُولُ، الْمَرْدُودُ لَهُ الشَّمْسُ عِنْدَ الْأُفُولِ.

قَطَعَ یمِینِی صاحِبُ الْقِبْلَتَینِ، الضّارِبُ بِالسَّیفَینِ، الطّاعِنُ بِالرُّمْحَینِ، وَوارِثُ الْمَشْعَرَینِ، الَّذِی لَمْ یشْرِکْ بِاللَّهِ طَرْفَهَ عَینٍ، أَسْمَحُ کُلِّ ذِی کَفَّینِ، وَأَفْصَحُ کُلِّ ذِی شَفَتَینِ، أَبُو السَیدَینِ الْحَسَنِ وَالْحُسَینِ.

قَطَعَ یمِینِی عَینُ الْمَشارِقِ وَالْمَغارِبِ، تاجُ لُؤَی بْنِ غالِبٍ، أَسَدُ اللَّهِ الْغالِبِ، عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ عَلَیهِ مِنَ الصَّلَواتِ أَفْضَلُها وَمِنَ التَّحِیاتِ أَکْمَلُها»؛(1)

1- 1758. بحارالانوار، ج 34، ص 267؛ التمحیص، ص 610.

«دست مرا همان انزع بطین که باب یقین است، قطع کرد. او که ریسمان محکم الهی و شافع روز قیامت است و کسی که 51 رکعت نماز می خواند.

دست مرا کسی قطع کرد که امام پرهیزکاری و پسر عموی مصطفی است، او که برادر و همراه پیامبر برگزیده است، همان که شیر بیشه، باران رحمت، و مرگ دشمنان و کلید بخشش و احسان و چراغ تاریکی ها است.

دست مرا امام به حقّ و بهترین خلق خدا قطع کرد، او که فاروق دین، آقای عابدان، پیشوای پرهیزکاران، بهترین هدایت یافتگان، برترین سابقان، و حجّت خداوند بر تمام خلق است.

دست مرا کسی قطع کرد که چنین اوصافی دارد: امام است، دولتمند است، بدری اُحدی مکی مدنی ابطحی هاشمی قرشی است، آقامنش، مولوی طالبی است، دلیر و قوی، دانا و باهوش است، و همان که ولی و وصی پیامبر است.

دست مرا کسی قطع کرد که کننده در خیبر است، او که قاتل مرحب است و قاتل هرکه به خدا کافر شود، او برترین کسی است که حجّ و عمره به جای آورده و تهلیل و تکبیر گفته و روزه گرفته و افطار نموده و حلق و قربانی فرموده است.

دست مرا کسی قطع کرده که شجاع جری است، جواد و سخی و بهلول است، و اصل او نیز شریف است، پسر عموی رسول خدا، همسر زهرای بتول، شمشیر کشیده خدا، و همان که خورشید به هنگام غروب برایش برگشت.

دست مرا کسی قطع کرد که به دو قبله نماز خواند، با دو شمشیر جنگید، با دو نیزه نبرد کرد، او که وارث مشعرین است و یک لحظه هم شرک نورزیده، او باسخاوت ترین مردم و خطیب ترین آنان است، او پدر حسن و حسین است.

دست مرا کسی قطع کرد که چشم بینا در مشرق و مغرب است، همان که تاج لؤی بن غالب است، شیر همیشه پیروز خدا علی بن ابی طالب که برترین و کامل ترین درودها و تحیات بر او باد».

وقتی این تعریف ها را نمود و رفت، ابن کوّاء خدمت مولا امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و گفت: با اینکه دست این دزد را قطع کردی؛ ولی این همه تعریف و تمجید کرد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بروید او را حاضر کنید. او را آوردند، فرمود: من دست تو را قطع کردم، پس چرا این همه ثنای مرا گفتی؟

گفت: شما به همان حقّ و حکمی که خدا و رسولش واجب نمودند، عمل کردی.

امام دست قطع شده او را گرفت، پارچه ای پیچید، به نماز ایستاد و دعا کرد ... بعد فرمود: دستش را باز کنید. نگاه کردند، دیدند دستش سالم است.

امام علی علیه السلام به ابن کوّاء فرمود: مگر نگفتم ما دوستانی داریم که اگر قطعه قطعه هم بشوند دست از ما بر نمی دارند، و نیز دشمنانی داریم که اگر عسل به دهانشان بگذاریم باز از دشمنی دست برنمی دارند؟!

1656 أَزالَ الشُّكُوكَ

شک و شبهه ها را از بین برده و زایل می کند.

همچنین مراجعه شود به: أَبَدَّ الْأَوْصافَ [1630]

1657 أَسْبَغَ الطَّهُورَ فِی السَّبَراتِ

در گرما و سرما مراعات طهارت را می کرد و به طور کامل طهارت می گرفت.

همچنین مراجعه شود به: أَخَذَ الْعِلْمَ فَوَفَّرَهُ [1648]

1658 اسْتُقِی عُرُوقُهُ مِنْ مَنْبَعِ النُّبُوَّهِ

رگ و ریشه های بدنش از سرچشمه نبوت سیراب شده است.

علّامه مجلسی رحمه الله در مورد مقایسه امام علی علیه السلام با سایر مردم چنین نقل می کند:

«فَمَنِ اسْتُقِی عُرُوقُهُ مِنْ مَنْبَعِ النَّبُوَّهِ، وَرَضَعَتْ شَجَرَتُهُ ثُدْی الرِّسالَهِ، وَتَهَدَّلَتْ أَغْصانُهُ عَنْ نَبْعَهِ الْإِمامَهِ، وَنَشَأَ فِی دارِ الْوَحْی، وَرُبِّی فِی بَیتِ التَّنْزِیلِ، وَلَمْ یفارِقْ النَّبِی فِی حالِ حَیاتِهِ إِلی حالِ وَفاتِهِ، لا یقاسُ بِسائِرِ النّاسِ»؛(1)

ص:305

1- 1759. بحارالانوار، ج 38، ص 295؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 180.

«کسی که رگ و ریشه های بدنش از چشمه نبوت سیراب شده و از پستان رسالت نوشیده است و شاخه های او در سایه امامت رشد یافته، و در خانه وحی نشو و نما یافته و در بیت نزول قرآن پرورش نموده و لحظه ای از پیامبر خداصلی الله علیه وآله جدا نبوده، از زمان حیات تا زمان وفات، چنین کسی با هیچ یک از سایر مردم قابل قیاس نیست».

1659 أَسَدُ الْقُرَیشِ

شیر قبیله قریش.

امام علی علیه السلام به معاویه نامه نوشت: چرا مردم را به کشتن بدهیم، بیا دونفره با هم مبارزه کنیم. عَمروعاص به معاویه گفت: خوب پیشنهادی است! معاویه گفت: می خواهی کشته شوم و تو جایم بنشینی؟! بعد گفت:

«قَدْ عَلِمَتْ قُرَیشُ أَنَّ ابْنَ أَبِی طالِبٍ سَیدُها وَأَسَدُها»؛(1)

«همه قریش می دانند که پسر ابوطالب، آقا و شیر قبیله قریش است».

1660 الْأَسَدُ الْمُفْتَرِشُ

عمرو عاص خبر شهادت امام علی علیه السلام را این گونه به معاویه داد:

«إِنَّ الْأَسَدَ الْمُفْتَرِشَ ذِراعَیهِ بِالْعِراقِ لاقی شُعُوبَهُ»؛(2)

«بدان آن شیر درنده ای که پنجه هایش را بر عراق گسترده بود، مرگ را ملاقات کرد».

معاویه در جوابش گفت: پس به خرگوش و آهو بگو هر کجا می خواهند بچرند.

1661 أَسْمَحُ کُلِّ ذِی کَفَّینِ

بخشنده ترین و باسخاوت ترین و دست و دل بازترین مردم.

همچنین مراجعه شود به: الْاَرْیحِی [1655]

1662 أَشْبَهُ الْقَوْمِ بِرَسُولِ اللَّهِ

شبیه ترین فرد به رسول خداصلی الله علیه وآله.

همچنین مراجعه شود به: أَحْسَنُ الْقَوْمِ عَمَلاً [1644]

1663 أَشَدُّ الْقَومِ یقِیناً

یقین امام علی علیه السلام از همه کامل تر و شدیدتر و خالص تر بود.

همچنین مراجعه شود به: أَحْسَنُ الْقَوْمِ عَمَلاً [1644]

1664 أَشْرَفُ الْخَلْقِ

شریف ترین مخلوق پروردگار متعال، که حمیری در شعر خود برای امام علی علیه السلام بیان کرده است.(3)

1665 أَشْرَفُ الْمَنْزِلَهِ

گفته شد: امیرالمؤمنین علیه السلام در بین اهل بیت و عترت رسول خداصلی الله علیه وآله ازهمه شریف تر است، پس به طریق اولی در بین همه مردم نیز از منزلت و جایگاه بسیار بالایی برخوردار است و شریف ترین منزلت مال اوست. چنان که حضرت خضرعلیه السلام ایشان را چنین خطاب نمود:

«کُنْتَ أَوَّلَ الْقَوْمِ إِسْلاماً وَأَشْرَفَهُمْ مَنْزِلَهً»؛(4)

«تو اولین مسلمان هستی و در بین مردم شریف ترین منزلت را داری».

همچنین مراجعه شود به: أَحْسَنُ الْقَوْمِ عَمَلاً [1644]

1- 1760. موسوعه امام علی، ج 8، ص 380.
2- 1761. بحارالانوار، ج 41، ص 69؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 85؛ موسوعه امام علی، ج 8، ص 389.
3- 1762. بحارالانوار، ج 33، ص 260؛ موسوعه امام علی، ج 9، ص 11؛ بشاره المصطفی، ص 11.
4- 1763. کمال الدین، ج 2، ص 387.

1666 الْأَصَبُ

فرو ریزنده و سرازیر کننده.

حورالعین این اسم را برای امیرالمؤمنین علیه السلام برگزیده است:

«وَیسَمُّونَهُ أَهْلُ السَّماءِ شَمْساطِیلَ وَعِنْدَ الْحُورِ الْعِینِ أَصَبٌّ»؛(1)

«اهل آسمان نام امیرالمؤمنین علیه السلام را شمساطیل گذاشته اند و نزد حورالعین نیز اصبّ است».

1667 أَصْوَبُ الْقَوْمِ مَنْطِقاً

هرچه سخن گوید، عین حقّ و صواب است.

صائب ترین و صحیح ترین و محکم ترین سخنان از آن امیرالمؤمنین علیه السلام است که کتاب نفیس نهج البلاغه گوشه ای از آن کلمات را جمع آوری نموده است.

اسید بن صفوان صحابی پیامبرصلی الله علیه وآله می گوید: روزشهادت امیرالمؤمنین علیه السلام، شخصی که بعداً معلوم شد حضرت خضرعلیه السلام بوده بردرب منزل امام ایستاد و گفت:

«کُنْتَ أَقَلَّهُمْ کَلاماً وَأَصْوَبَهُمْ مَنْطِقاً»؛(2)

«تو کم حرف ترین مردم بودی ولی سخن و کلام تو صحیح ترین سخن بود».

همچنین مراجعه شود به: أَحْسَنُ الْقَوْمِ عَمَلاً [1644]

1668 أَعْجَزَ مَنْ بَعْدَهُ

این سخن معاویه دشمن درجه یک امام علی علیه السلام در حضور عقیل است که گفت:

«رَحِمَ اللَّهُ أَباحَسَنٍ! فَلَقَدْ سَبَقَ مَنْ کانَ قَبْلَهُ وَأَعْجَزَ مَنْ یأْتِی بَعْدَهُ»؛(3)

«خدا رحمت کند علی را! از گذشتگان پیشی گرفت و آیندگان را ناتوان ساخت».

1669 الْأَعْرَفُ بِاللَّهِ

بیش از همه خدا را می شناسد.

گفته شده: حضرت خضرعلیه السلام هنگام زیارت امیرمؤمنان علیه السلام خطاب به آن حضرت فرمود:

«كُنْتَ أَقَلَّهُمْ كَلاماً وَأَصْوَبَهُمْ مَنْطِقاً وَأَعْرَفَهُمْ بِاللَّهِ»؛(4)

«تو در ظاهر از همه کم حرف تر بودی، ولی سخنانت از همه صحیح تر بود، و از همه بیشتر خدا را می شناختی».

1670 الْأَعْرَفُ بِالسُّنَّهِ

عمار یاسر، از اصحاب بزرگ و خاص رسول خداصلی الله علیه وآله و امام علی علیه السلام، در مورد آن حضرت می فرماید:

«إِنِّی وَاللَّهِ اخْتَرْتُ لِنَفْسِی فِی أَصْحابِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه وآله، فَرَأَیتُ عَلِیاً أَقْرَأَهُمْ لِکِتابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَأَعْلَمَهُمْ بِتَأْوِیلِهِ وَأَشَدَّهُمْ تَعْظِیماً لِحُرْمَتِهِ وَأَعْرَفَهُمْ بِالسُّنَّهِ مَعَ قِرابَتِهِ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه وآله»؛ (5)

«به خدا قسم من در بین اصحاب پیامبر، علی علیه السلام را برای خودم برگزیدم، چون دیدم قرائت قرآن

1- 1764. بحارالانوار، ج 35، ص 62؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 276.
2- 1765. بحارالانوار، ج 97، ص 354؛ اصول کافی ج 1، ص 455.
3- 1766. بحارالانوار، ج 42، ص 117؛ شرح نهج البلاغه، ج 11، ص 253؛ موسوعه امام علی علیه السلام، ج 8، ص 380.
4- 1767. بحارالانوار، ج 97، ص 338.

5- 1768. بحارالانوار ج 32، ص 266؛ بشاره المصطفی ص 281؛ امالی طوسی، ص 143؛ موسوعه امام علی ج 8، ص 342.

او از همه بهتر، و به تأویل آن از همه آگاه تر، و از همه بیشتر تعظیم و احترام آن را نگاه می دارد، و آگاه ترین فرد به سنّت رسول خدا است، علاوه بر این که با پیامبر نیز قرابت دارد».

1671 الْأَعْرَفُ بَينَ أَصْحابِهِ

امیرمؤمنان علیه السلام به جهت برجستگی هایی که دارد، بین یاران و اصحابش شناخته شده است.

آن گاه که بحیرای راهب، پیامبر خداصلی الله علیه وآله را در کودکی و به همراه عمویش ابوطالب زیارت کرد، از نبوت وی خبر داد و به ابوطالب گفت تو هم فرزندی به دنیا می آوری که دارای چنین اوصافی است: او سیدالعرب، ربّانی العرب و ذو القرنین آن خواهد بود، حقّ شمشیر را به خوبی ادا می کند، نامش در آسمان ها علی است، ذکر او در روز قیامت بعد از انبیا اعلی الخلق است، ملائکه او را البطل الازهر المفلح نامیده اند. به کسی نظر نمی کند مگر اینکه به فلاح و ظفرمی رسد، به خدا! او بین اصحابش از خورشید هم شناخته شده تر است.(1)

1672 أَعْرَفُ الْقَوْمِ

عارف ترین و عالم ترین فرد از مردم.

از القابی است که توسط حضرت خضرعلیه السلام برای آن حضرت نقل شده، که پس از شهادت آن حضرت ذکر کرد:

«كُنْتَ أَحْسَنَهُمْ عَمَلاً وَأَعْرَفَهُمْ بِالْأُمُورِ»؛(2)

«تو نیکوترین اعمال را داشتی و عارف ترین قوم خود به امور بودی».

همچنین مراجعه شود به: أَحْسَنُ الْقَوْمِ عَمَلاً [1644]

1673 أَعَزَّ اللَّهُ بِهِ الْمُسْلِمِينَ

خداوند به وسیله او، مسلمانان را عزیز کرد.

همچنین مراجعه شود به: أَذَلَّ اللَّهُ بِهِ الْمُشْرِكِينَ [1652]

1674 الْأَعَزُّ الْمَأْثُورُ

امام صادق علیه السلام می فرماید: شمعون خطاب به حضرت، عرضه داشت:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، مَرْحَباً بِوَصِی ّ خاتِمِ النَّبِیینَ وَقائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِینَ وَالْأَعَزِّ الْمَأْثُورِ وَالْفاضِلِ وَالْفائِقِ بِثَوابِ الصِّدِّیقِینَ»؛(3)

«درود خدا بر تو ای امیرمؤمنان! مرحبا به جانشین خاتم پیامبران و پیشوای سفیدرویان و بزرگ ترین یادگار گذشتگان است، او که فاضل است و به خیر و ثواب راست گویان نایل شده».

1675 أَعَزُّ النّاسِ مَقاماً

مقامش از همه مردم والاتر و برتر است.

همچنین مراجعه شود به: أَحَقُّ النّاسِ بِالْأَمْرِ [1646]

1676 أَعْظَمُ الْجِهادِ سَهْماً

عمرو بن حمق یکی از دلایل بیعت خود با امام علی علیه السلام را چنین بیان کرد:

«أَعْظَمَ رَجُلٍ مِنَ الْمُهاجِرِینَ سَهْماً فِی الْجِهادِ»؛(4)

«علی علیه السلام در مبارزه با دشمنان از همه مهاجران، سهم و سابقه بیشتری داشت».

1- 1769. بحارالانوار، ج 38، ص 42؛ کمال الدین، ج 1، ص 199؛ العدد القویه، ص 144.
2- 1770. بحارالانوار، ج 42، ص 303؛ اصول کافی ج 1، ص 454.
3- 1771. بصائر الدرجات، ص 281.
4- 1772. بحارالانوار، ج 32، ص 399؛ موسوعه امام علی، ج 8، ص 350؛ شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 181.

1677 أَعْظَمُ الْقَوْمِ عِناءً

بیش از همه مردم در رنج و مشقت و سختی بود، چنان که در سخن حضرت خضرعلیه السلام آمده:

«یا أَبَاالْحَسَنِ! کُنْتَ أَوَّلَ الْقَوْمِ إِسْلاماً وَأَعْظَمَهُمْ عِناءً»؛

«گواهی می دهم تو اولین مسلمان بودی و نیز پر رنج و مشقت ترین مردم».

همچنین مراجعه شود به: أَحْسَنُ الْقَوْمِ عَمَلاً [1644]

1678 أَعَظَمُ الْمُهاجِرِینَ

معاویه فرزند یزید بن معاویه با این که مردم با او بیعت کردند و حدود چهل روز حکومت کرد؛ ولی خود را از خلافت غصبی خلع کرد و بر منبر رفت و از اهل بیت علیهم السلام ستایش نمود و در مورد امام علی علیه السلام گفت:

«أَعْظَمُ الْمُهاجِرِینَ قَدْراً، وَأَشْجَعُهُمْ قَلْباً، وَأَکْثَرُهُمْ عِلْماً، وَأَوَّلُهُمْ إِیماناً، وَأَشْرَفُهُمْ مَنْزِلَةً، وَأَقْدَمُهُمْ صُحْبَةً، ابْنُ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ، أَفْضَلُ هذِهِ الْأُمَّةِ»؛ (1)

«او که قدرش از همه مهاجران عظیم تر، قلبش شجاع تر، علمش بیشتر، ایمان آوردنش زودتر، منزلت و مقامش شریف تر و مصاحبتش با پیامبر قدیمی تر، پسر عموی رسول خداصلی الله علیه وآله علی افضل این امّت است».

1679 أَعْظَمُ النّاسِ مَنْزِلَةً

شعبی از ابوبکر نقل کرده است که گفت:

«مَنْ سَرَّهُ أَنْ ینْظُرَ إِلی أَعْظَمِ النّاسِ مَنْزِلَةً عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ، فَلْینْظُرْ إِلی هذَا الطّالِعِ»؛(2)

«هرکه دوست دارد به کسی نگاه کند که مقام و منزلتش نزد رسول خداصلی الله علیه وآله از همه ارجمندتر و برتر باشد، پس به این جمال آفتابی بنگرد».

1680 أعْلَمُ أهْلِ الْمَدِينَهِ

سعید بن وهب از عبداللّه نقل می کند:

«أَعْلَمُ أَهْلِ الْمَدِينَهِ بِالْفَرائِضِ عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ»؛(3)

«عالم ترین و آگاه ترین فرد شهر مدینه به احکام، علی بن ابی طالب علیه السلام است».

1681 الْأَعْلَمُ بِتَأْوِيل الْقُرْآنِ

به تأویل و تفسیر قرآن، از همه آگاه تر است.

همچنین مراجعه شود به: الْأَعْرَفُ بِالسُّنَّهِ [1670]

1682 أَعْلَمُ الْقَوْمِ بِالْأَحْكامِ

سلمان فارسی در مورد ایشان گفته است:

«أَ لَيسَ مَنْ صَلّی قِبْلَتَهُ وَأَعْلَمَ الْقَوْمِ بِالْأَحْكامِ وَالسُّنَنِ»؛(4)

«آیا او اولین کسی نیست که به قبله پیامبرصلی الله علیه وآله نماز خواند، او که عالم ترین مردم به احکام اسلام و سنت پیامبر است».

1683 أَعْلَی الْخَلْقِ يوْمَ الْقِيامَهِ

در روز قیامت از همه مردم بالاتر و درجه والاتری دارد.

همچنین مراجعه شود به: الْأَعْرَفُ بَينَ أَصْحابِهِ [1671]

1684 أَعْلَی الْقَوْمِ قُنُوتاً

دعا و قنوت و عبادتش از همه عالی تر است.

همچنین مراجعه شود به: أَحْسَنُ الْقَوْمِ عَمَلاً [1644]

1- 1773. موسوعه امام علی، ج 8، ص 451.

2- 1774. مفتاح النجی، ص 29؛ امام علی از دیدگاه خلفا، ص 65.
3- 1775. بحارالانوار، ج 40، ص 159؛ الصراط المستقیم، ج 1، ص 220؛ موسوعه امام علی، ج 10، ص 60؛ العدد القویه ص 249.
4- 1776. موسوعه امام علی، ج 8، ص 323.

1685 أَعْمَلُ بِالتَّقوی

بیش از همه به تقوای الهی عمل می نمود.

همچنین مراجعه شود به: أَجْمَعَ خِصالَ الْخَیرِ [1643]

1686 أَفْخَرُ مَنْ ضَحِکَ وَ بَکی

باافتخارترین کسی که خندید و گریه کرد.

معاویه دشمن درجه یک امیرالمؤمنین علیه السلام، از عبد اللَّه بن عباس سؤال می کند: نظرت در مورد علی علیه السلام چیست؟ وی چنین پاسخ داد:

«صَلَواتُ اللَّهِ عَلی أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام، کانَ واللَّهِ عَلَمَ الْهُدی وَکَهْفَ التُّقی وَمَحَلَّ الْحِجی وَمَحْتَدَ النَّدی وَطَوْدَ النُّهی وَعِلْمَ الْوَری وَنُوراً فِی ظُلَمِ الدُّجی وَداعِیاً إِلَی الْمَحَجَّهِ الْعُظْمی وَمُسْتَمْسِکاً بِالْعُرْوَهِ الْوُثْقی وَسامِیاً إِلَی الْمَجْدِ وَالْعُلا، وَقائِدَ الدِّینِ وَالتُّقی وَسَیدَ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدی بَعْلَ بِنْتِ الْمُصْطَفی وَأَفْضَلَ مَنْ صامَ وَصَلّی وَأَفْخَرَ مَنْ ضَحِکَ وَبَکی صاحِبَ الْقِبْلَتَینِ ...»؛(1)

«درود خدا بر ابو الحسن! به خدا قسم که او پرچم هدایت بود، مرکز پرهیزکاری، و خرد و دانشمندی، و اصل و ریشه بذل و بخشش، کوه بزرگ عقل و دانش مردم، نوری در تاریکی ها، راهنمای راه بزرگ خدا، متمسک به حبل و ریسمان محکم خدا، دارای مجد و مقام عالی، رهبر دین و تقوا، او که بزرگ بود و ردای بزرگواری به تن داشت، شوهر دختر پیامبر، فاضل ترین کسی که روزه گرفت و نماز خواند، مفتخرترین کسی که خندید و گریه کرد، و آن که به دو قبله نماز خواند».

همچنین مراجعه شود به: أَفْخَرُ مَنْ ضَحِکَ وَبَکی [1686]

1687 أَفْصَحُ کُلِّ ذِی شَفَتَینِ

فصیح ترین کسی که با دو لب سخن گفته.(2)

همچنین مراجعه شود به: الْاَرْیحِی [1655]

1688 أَفْضَلُ أَهْلِ الْمَدِینَهِ

این یک مطلب پذیرفته شده و حتمی بوده که آن امام از همه برتر بوده؛ چنان که عبداللّه بن مسعود می گوید:

«كُنّا نَتَحَدِّثُ أَنَّ أَفْضَلَ أَهْلِ الْمَدِينَهِ عَلِى بْنُ أَبِى طالِبٍ»؛(3)

«همیشه ما چنین گف و گو می کردیم که علی بن ابی طالب از همه اهل مدینه برتر است».

1689 أَفْضَلُ الْبَشَرِ

برترین بشر، چنان که ابن ابی الحدید معتزلی به آن اعتراف نموده است.

[1645 همچنین مراجعه شود به: أَحَقُّ الْمُسْلِمِينَ بِالْخِلافَهِ]

1690 أَفْضَلُ خَلْقِ الرَّبِّ

برترین مخلوق پروردگار، چنان که حمیری در شعرش، برای امام علی علیه السلام بیان کرده است.(4)

1691 أَفْضَلُ مِنْ آدَمَ

در یکی از دو هزار استدلالی که مرحوم علّامه حلّی رحمه الله در عصمت امیرالمؤمنین علیه السلام آورده، می گوید: علی افضل از آدم و افضل از

1- 1777. بحارالانوار، ج 44، ص 113 و ج 99، ص 178؛ مناقب آل ابی طالب ج 1، ص 99. المعجم الکبیر ج 10، ص 238.
2- 1778. بحارالانوار، ج 34، ص 368.
3- 1779. موسوعه امام علی، ج 8، ص 338؛ العمده، ص 262.
4- 1780. بحارالانوار، ج 33، ص 260؛ موسوعه امام علی، ج 9، ص 11؛ بشاره المصطفی، ص 11.

ملائک است و ملائک همه معصوم هستند، پس علی علیه السلام هم به طریق اولی معصوم است.(1)

1692 أَفْضَلُ مَنْ صامَ

فاضل ترین فردی که روزه گرفته است.

همچنین مراجعه شود به: أَفْخَرُ مَنْ ضَحِکَ وَبَکی [1686]

1693 أَفْضَلُ مَنْ صَلّی

برترین فردی که نماز خوانده است.

همچنین مراجعه شود به: أَفْخَرُ مَنْ ضَحِکَ وَبَکی [1686]

1694 أَفضَلُ هذهِ الْأُمَّهِ

بافضیلت ترین فرد این امّت.

همچنین مراجعه شود به: أَعْظَمُ الْمُهاجِرِینَ [1678]

1695 أَقامَ الْحُدُودَ

حدود و قوانین الهی را اقامه و اجرا می کند.

همچنین مراجعه شود به: أَبادَ الْفِتْرَهَ [1629]

1696 أَقْدَمُ الصَّحابَهِ

مصاحبتش و همراهی اش با رسول خداصلی الله علیه وآله از همه زودتر و قدیمی تر بود.

همچنین مراجعه شود به: أَعْظَمُ الْمُهاجِرِینَ [1678]

1697 أَقْدَمُ النّاسِ جِهاداً

سابقه جهادش از همه بیشتر است.

همچنین مراجعه شود به: أَحَقُّ النّاسِ بِالْأَمْرِ [1646]

1698 أقْرَبُ النّاسِ عَهْداَ

از امّ سلمه همسر پیامبر نقل شده: در مورد امام گفته است:

«إِنَّ أَقْرَبَ النّاسِ عَهْداً بِرَسُولِ اللَّهِ عَلِی»؛(2)

«آخرین کسی که با پیامبرصلی الله علیه وآله دیدار و وداع کرد، علی علیه السلام بود».

1699 أَقْضَی الْأُمَّهِ

روزی امام علی علیه السلام با عمر بن خطّاب با هم بودند و عده ای هم حضور داشتند، امام که تشریف برد، شخصی آن حضرت را به تکبّر متهم کرد. عمر گفت: چنین فردی با آن فضایل و سوابق باید هم بزرگ باشد چون او:

«أَقْضَی الْأُمَّهِ وَذُو سابِقَتِها وَذُو شَرَفِها»؛(3)

«او برترین داور و قاضی امّت، باسابقه ترین و پرشرف ترین آنان می باشد».

1700 أَقَلُّ الْکَلامِ

فرد کم سخن، همان هم که گوید نیک است، کم گوی و گزیده گوی چون درّ.

«کُنْتَ أَقَلَّهُمْ کَلاماً وَأَصْوَبَهُمْ مَنْطِقاً»؛(4)

«تو کم حرف و کم سخن بودی؛ امّا همان هم که می گفتی عین حقّ و صواب بود».

همچنین مراجعه شود به: أَحْسَنُ الْقَوْمِ عَمَلاً [1644]

1701 أَکْبَرُ الْقَوْمِ رَأْیاً

در بین قوم، بهترین رأی و نظر را می دهد.

همچنین مراجعه شود به: أَحْسَنُ الْقَوْمِ عَمَلاً [1644]

1702 أكْبَرُ الْمُسْلِمِينَ

از قنبر خادم باوفای امیرمؤمنان علیه السلام پرسیدند: تو بنده چه کسی بودی و مولایت چگونه بود؟

ص:311

1- 1781. الالفین، ص 326.
2- 1782. بحارالانوار، ج 38، ص 311؛ الطرائف، ج 1، ص 153؛ موسوعه امام علی، ج 8، 292.
3- 1783. بحارالانوار، ج 31، ص 76؛ موسوعه امام علی، ج 8، ص 346؛ شرح نهج البلاغه، ج 12، ص 81.
4- 1784. بحارالانوار، ج 97، ص 338.

وی در پاسخ، ضمن بیان توصیفات والا درباره آن حضرت گفت:

«مَنْ ضَرَبَ بِسَیفَینِ، وَطَعَنَ بِرُمْحَینِ، وَصَلَّی الْقِبْلَتَینِ، وَبایعَ الْبَیعَتَینِ، وَهاجَرَ الْهِجْرَتَینِ، وَلَمْ یکْفُرْ بِاللَّهِ طَرْفَهَ عَینٍ. أَنَا مَوْلی صالِحِ الْمُؤْمِنِینَ، وَوارِثُ النَّبِیینَ، وَخَیرُ الْوَصِیینَ، وَأَکْبَرُ الْمُسْلِمِینَ، وَیعْسُوبُ الْمُؤْمِنِینَ، وَنُورُ الْمُجاهِدِینَ، وَرَئِیسُ الْبَکّائِینَ، وَزَینُ الْعابِدِینَ، وَسِراجُ الْماضِینَ، وَضَوْءُ القائِمِینَ، وَأَفْضَلُ الْقانِتِینَ، وَلِسانُ رَسُولِ رَبِّ الْعالَمِینَ، وَأَوَّلُ الْمُؤْمِنِینَ مِنْ آلِ یس. الْمُؤَیدُ بِجَبْرَئِیلَ الْأَمِینِ، وَالْمَنْصُورُ بِمِیکائِیلَ الْمَتِینِ، وَالْمَحْمُودُ عِنْدَ أَهْلِ السَّماءِ أَجْمَعِینَ. سَیدُ الْمُسْلِمِینَ وَالسّابِقِینَ، وَقاتِلُ النّاکِثِینَ وَالْمارِقِینَ وَالْقاسِطِینَ، وَالْمُحامِی عَنْ حَرَمِ الْمُسْلِمِینَ، وَالْمُجاهِدُ أَعْدائَهِ النّاصِبِینَ، وَمُطْفِئُ نارِ الْمُوقَدِینَ، وَأَفْخَرُ مَنْ مَشی مِنْ قُرَیشٍ أَجْمَعِینَ، وَأَوَّلُ مَنْ أَجابَ وَاسْتَجابَ لِلَّهِ. أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ وَوَصِی نَبِیهِ فِی الْعالَمِینَ، وَأَمِینُهُ عَلَی الْمَخْلُوقِینَ، وَخَلِیفَهُ مَنْ بَعَثَ إِلَیهِمْ أَجْمَعِینَ. سَیدُ الْمُسْلِمِینَ وَالسّابِقِینَ، وَمُبِیدُ الْمُشْرِکِینَ، وَسَهْمٌ مِنْ مَرامِی اللَّهِ عَلَی الْمُنافِقِینَ، وَلِسانُ کَلِمَهِ الْعابِدِینَ. ناصِرُ دِینِ اللَّهِ وَوَلِی اللَّهِ، وَلِسانُ کَلِمَهِ اللَّهِ، وَناصِرُهُ فِی أَرْضِهِ، وَعَیبَهُ عِلْمِهِ، وَکَهْفُ دِینِهِ. إِمامُ أَهْلِ الْأَبْرارِ (إِمامُ الْأَبْرارِ)، مَنْ رَضِی عَنْهُ العَلی الْجَبّارُ. سَمِحٌ سَخِی بُهْلُولٌ سَنَجْنَجِی، زَکِی مُطَهَّرٌ أَبْطَحِی، جَرِی هُمامٌ، صابِرٌ صَوّامٌ، مَهْدِی مِقْدامٌ، قاطِعُ الْأَصْلابِ، مُفَرِّقُ الْأَحْزابِ، عالِی الرِّقابِ، أَرْبَطُهُمْ عِناناً وَأَثْبَطُهُمْ جِناناً، وَأَشَدُّهُمْ شَکِیمَهً، بازِلٌ باسِلٌ صِنْدِیدٌ، هِزَبْرٌ ضَرْغامٌ، حازِمٌ عَزّامٌ، حَصِیفٌ خَطِیبٌ مِحْجاجٌ، کَرِیمُ الْأَصْلِ، شَرِیفُ الْفَضْلِ، فاضِلُ الْقَبِیلَهِ، نَقِی الْعَشِیرَهِ، زَکِی الرَّکانَهِ، مُؤَدِّی الْأَمانَهِ، مِنْ بَنِی هاشِمٍ وَابْنُ عَمِّ النَّبِیِّ، الْإِمامُ الْمَهْدِی الرِّشادُ، مُجانِبُ الْفَسادِ، الْأَشْعَثُ الْحاتَمُ الْبَطَلُ الْجَماجِمُ، وَاللَّیثُ الْمُزاحِمُ، بَدْرِی مَکِی حَنَفِی رَوْحانِی شَعْشَعانِی، مِنَ الْجِبالِ شَواهِقُها، وَمِنْ ذِی الْهِضابِ رُؤُوسُها، وَمِنَ الْعَرَبِ سَیدُها، وَمِنَ الْوَغْی لَیثُها، الْبَطَلُ الْهُمامُ، وَاللَّیثُ الْمِقْدامُ، وَالْبَدْرُ التَّمامُ. مَحَکُ الْمُؤْمِنِینَ، وَوارِثُ الْمَشْعَرَینِ، وَأَبُو السِّبْطَینِ الْحَسَنِ وَالْحُسَینِ. وَاللَّهِ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ حَقّاً حَقّاً عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ عَلَیهِ مِنَ اللَّهِ صَلَواتُ الزّاکِیاتِ وَالْبَرَکاتُ السَّنِیهُ»؛(1)

«همان که با دو شمشیر می جنگید و با دو نیزه نبرد می کرد، به دو قبله نماز خواند، دو بار بیعت کرد، دو بار هجرت نمود و لحظه ای هم به خدا کفر نورزید. بدانید که من غلام چنین کسی بودم:

شایسته ترین مؤمنان، وارث پیامبران و بهترین جانشینان و بزرگ مسلمانان، رهبر مؤمنان، نور مجاهدان، رئیس گریه کنندگان، زینت عابدان،

چراغ گذشتگان، نور نمازگزاران، بهترین شب زنده داران، زبان گویای رسول پروردگار.

اوّلین مؤمن آل یاسین، همان که جبرئیل امین تأییدش کرده و میکائیل قدرتمند یاریش نموده و نزد تمام آسمان ها پسندیده است.

ص:312

1- 1785. بحارالانوار، ج 42، ص 133؛ وسائل الشیعه، ج 29، ص 299؛ الاختصاص، ص 73؛ التحصین، ص 610؛ نهج السعاده، ج 8، ص 381؛ عبقات الانوار، ج 4، ص 329؛ مواقف الشیعه، ج 2، ص 332؛ معجم رجال الحدیث، ج 15، ص 90.

سرور مسلمانان و آقای پیشگامان، کشنده عهد و پیمان شکنان و خوارج و ظالمان، مدافع حریم مسلمانان، همان که با دشمنان ناصبی مجاهده نمود و آتش توطئه گران را خاموش کرد. باافتخارترین فرد از قریش، اولین کسی است که ندای الهی را اجابت کرد.

او امیر مؤمنان و جانشین رسولش در تمام جهانیان و امین بر مخلوقات و خلیفه اش بین مردم است. آقای مسلمانان و سرور سابقان و کشنده مشرکان، تیر غیب الهی بر گردن منافقان است.

او زبان گویای عابدان و یاری کننده دین خدا است. او ولی خدا و کلمه اللَّه و یاری کننده اش در روی زمین است. وی معدن علم خدا و پناه دین او است. او امام نیکان است، کسی که خداوند عالی جبّار از وی راضی است. باگذشت، بخشنده، باشرم، خردمند، شب زنده دار، باهوش، پاک، حجازی، دست و دل باز، شجاع، باهمت، صبور، روزه دار، هدایت کننده، اقدام کننده، قطع کننده نسل و ریشه دشمنان، برهم زننده احزاب، برتر گردن فرازان، از جهت زمام، استوارترین، و از نظر دل، ثابت ترین، و از جهت قلب، استوارترین آنان است.

قدرتمند، دلیر، مهتر، هژبر، شیر، بااراده، مصمّم، نیک اندیش، سخنور، مناظره گر، اصیل، بافضل، فاضل خاندان، پاک عشیره، پروقار، و امانت دار است.

از بنی هاشم و پسرعموی رسول خداصلی الله علیه وآله، امامِ راهِ راست یافته، پرهیزکننده از فساد، بخشنده سامان دهنده، قهرمان قهرمانان، شیر ژیان، بدری و مکّی، دارنده دین حنیف، روحانی، تابنده، ستیغ کوه ها، بالای بلندی ها، سرور عرب ها، شیر بیشه ها، پهلوان با همت، شیر حمله کننده، ماه تمام، محک مؤمنان، وارث مشعریان، پدر حسن و حسین، دو نوه پیامبر، به خدا قسم که او حقیقتاً امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام است؛ درود و سلام بی پایان و پربرکت خداوند بر او باد!».

1703 أَكْرَمُ الْقَوْمِ عَلَى الرَّسُولِ

گرامی ترین فرد برای رسول خداصلی الله علیه وآله در بین مردم، و این عنوانی است که در روز شهادت امیرمؤمنان علیه السلام به آن حضرت خطاب شد:

«یا أبَا الْحَسَنِ کُنْتَ أوَّلَ الْقَوْمِ إِسْلاماَ... وَأقْرَبَهُمْ مِنْ رَسُولِ اللّهِ وَأکْرَمَهُمْ عَلَیهِ»؛

«ای ابو الحسن! تو اولین مسلمان بودی، تو از همه به پیامبر خداصلی الله علیه وآله نزدیک تر بودی، و از همه بیشتر نزد او گرامی بودی».

همچنین مراجعه شود به: أَحْسَنُ الْقَوْمِ عَمَلاً [1644]

1704 اِلیا (ایلیا)

الیا نام وصی آخرین پیامبرصلی الله علیه وآله، علی علیه السلام است، که همانند نام خاتم الانبیاء در تمام کتب آسمانی گذشتگان ذکر شده و در کنار نام آن حضرت آمده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

«فِی التَّوْراهِ اسْمُ وَصِیی اِلْیا»؛(1)

«اسم وصی من در تورات الیا است».

1- 1786. بحارالانوار، ج 9، ص 298.

در انجیل هم چنین آمده است:

«أَنَا اسْمِی فِی الْاِنْجِیلِ اِلْیا»؛(1)

«نام من در کتاب انجیل، الیا می باشد».

1705 إِلَیهِ تَسکُنُ الْأَرْضُ

زمین به واسطه او آرامش می یابد.

روزی امام علی علیه السلام سوار بر مرکب پیامبرصلی الله علیه وآله ازمحلی عبور می کرد. سلمان به همراهان خود گفت: برخیزید و دامنش را بگیرید و از او بپرسید؟ به خدا قسم هیچ کس جز او نمی تواند شما را از اسرار پیامبرتان آگاه سازد؛ چون:

«إِنَّهُ لَعالِمُ الْأَرْضِ وَرَبّانِیها وَإِلَیهِ تُسْکَنُ، لَوْ فَقَدْتُمُوهُ لَفَقَدْتُمُ الْعِلْمَ وَأَنْکَرْتُمُ النَّاسَ»؛(2)

«همانا علی عالم زمین و ربّانی و پرورش دهنده آن است که به واسطه او آرامش می یابد، اگر او را از دست بدهید، همه علم را از دست داده اید و نسبت به مردم شناخت پیدا نخواهید کرد».

1706 إِمامُ الْإِنْسِ وَ الْجِنَّهِ

امام همه انسان ها و جنّیان است.(3)

در آن بیت معروف نیز گفته:(4)

عَلِی حُبُّهُ جُنَّهٌ

قَسِیمُ النّارِ وَالجَنَّهِ

وَصِی الْمُصْطَفی حَقّاً

إِمامُ الْإِنْسِ وَالْجِنَّهِ

«دوستی علی علیه السلام سپر بلا است، او تقسیم کننده بهشت و جهنم است، حقیقتاً جانشین پیامبر و امام همه انسان ها و جنیان است».

1707 إِمامُ أَهْلِ الْأَبْرارِ

پیشوای نیکان و خوبان. چنان که قنبر خادم در توصیف مولای خود بیان داشته است.(5)

همچنین مراجعه شود به: أَکْبَرُ الْمُسْلِمِینَ [1702]

1708 إِمامُ الْحَقِّ

حقیقتاً شایستگی امامت را دارد و بر حقّ نیز امام است.

همچنین مراجعه شود به: الْاَرْیحِی [1655]

1709 إِمامُ الْعادِلِینَ

ابونعیم اصفهانی در توصیف امام علی علیه السلام چنین می گوید:

«سَیدُ الْقَوْمِ، مُحِبُّ الْمَشْهُودِ وَمَحْبُوبُ الْمَعْبُودِ، بابُ مَدِینَهِ الْعِلْمِ وَالْعُلُومِ، رَأْسُ الْمُخاطَباتِ وَمُسْتَنْبِطُ الْإِشاراتِ، رایهُ الْمُهْتَدِینَ، وَنُورُ الْمُطِیعِینَ وَوَلِی الْمُتَّقِینَ وَإِمامُ الْعادِلِینَ... قُدْوَهُ الْمُتَّقِینَ وَزِینَهُ الْعارِفِینَ، الْمُنْبِئُ عَنْ حَقائِقِ التَّوْحِیدِ، الْمُشِیرُ إِلی لَوامِعِ عِلْمِ التَّفْرِیدِ، صاحِبُ قَلْبِ الْعُقُولِ وَاللِّسانِ السَّؤُولِ...»؛(6)

«سرور قوم، دوستدار و محبوب خدای تعالی، باب شهر علم و دانش ها، منشأ مخاطبات احکام، درک کننده اشارات، پرچم هدایت یافتگان، نور اطاعت کنندگان، ولی پرهیزکاران، امام عدالت پیشگان...، پیشوای پرهیزکاران، زینت عارفان، آن که از حقایق توحید خبر می دهد، و به درخشش علم توحید اشاره می کند، صاحب دل خردمند و دارای زبان پرسش گر ...».

1- 1787. بحارالانوار، ج 35، ص 46؛ معانی الاخبار، ص 58.
2- 1788. امالی صدوق، مجلس 81، حدیث 19.
3- 1789. بحارالانوار، ج 39، ص 65؛ الصراط المستقیم، ج 1، ص 102.
4- 1790. مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 160.
5- 1791. بحارالانوار، ج 42، ص 133، به نقل از الاختصاص.

6- 1792. مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 287؛ موسوعه امام علی، ج 8، ص 408؛

1710 إِمامُ الْكُلِّ فِی الْكُلِّ

در همه امور و برای همه مردم امام است.

از خلیل بن احمد سؤال شد: چه دلیلی است که علی علیه السلام امام الکلّ فی الکلّ است؟ گفت: چون همه به او احتیاج دارند و او به هیچ یک آنان احتیاج ندارد.(1)

1711 الْإِمامُ الْمُظَفَّرُ

پیشوای ظفرمند و پیروز.

در خطبه عیدین نقل شده که فرموده:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی أَخِیهِ وَأَبِی بَنِیهِ السَّیدِ الْمُطَهَّرِ وَالْإِمامِ الْمُظَفَّرِ»؛(2)

«خدایا درود فرست بر برادر رسول خدا و پدر فرزندان حضرت؛ همان آقای مطهر و امام مظفر».

1712 إِمامُ الْمُوَحِّدِینَ

امام و پیشوای خداپرستان و یکتاپرستان.

همچنین مراجعه شود به: أَبْلَغُ الْواعِظِینَ [1631]

1713 أَمْرُهُ حِلْمٌ وَ حَزْمٌ

تمام امورش، همه از روی حلم و بردباری و فکر و اندیشه است.

همچنین مراجعه شود به: أَحْسَنُ الْقَوْمِ عَمَلاً [1644]

1714 أَمِیرُ الْإِنْسِ وَ الْجآنِّ

او امیر و آقای هر انسان و جن است.(3)

1715 أَمِیرُ لَوْ كُشِفَ

اشاره به بیان حضرت است که فرمود:

«لَوْ کُشِفَ الْغِطاءُ مَا ازْدَدْتُ یقِیناً»؛(4)

«اگر همه پرده ها و حجاب ها هم کنار برود، چیزی بر علم و یقین من افزوده نمی شود».

چون بر همه چیز علم و آگاهی دارد.

1716 أَنِیسُ الرَّسُولِ

مونس و همدم و یار پیامبر.

همچنین مراجعه شود به: أَخَذَ الْعِلْمَ فَوَفَّرَهُ [1648]

1717 أَوّلُ مَنْ أَدَّی الزَّکاهَ

اولین کسی که زکات پرداخت نمود، امام علی علیه السلام است.

چنان که حسان بن ثابت سروده است و در دیوان حمیری نیز آمده است:(5)

عَلِی أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ أَخُو الْهُدی

وَأَفْضَلُ ذِی نَعْلٍ وَمَنْ کانَ حافِیاً

وَأَوَّلُ مَنْ أَدَّی الزَّکاهَ بِکَفِّهِ

وَأَوَّلُ مَنْ صَلّی وَمَنْ صامَ طاوِیاً

1718 أَوَّلُ مَنْ صَنَّفَ

اولین کسی که به تصنیف کتاب پرداخت.(6)

1719 أَوَّلُ مَنْ وَضَعَ الْکَلامَ

در مقایسه ادریس پیامبرعلیه السلام با امیرمؤمنان علیه السلام گفته شده: ادریس اولین کسی بوده که خط را وضع کرده و علی علیه السلام اولین کسی بوده که علم نحو و کلام را وضع نموده است.(7)

1793. موسوعه امام على، ج 8، ص 418.
1794. مصباح كفعمى، ص 716.
1795. الفضائل، ص 175.
1796. بحارالانوار، ج 40، ص 153.
1797. بحارالانوار، ج 35، ص 192.
1798. بحارالانوار، ج 39، ص 82؛ مناقب آل ابى طالب، ج 3، ص 266.
1799. بحارالانوار، ج 39، ص 49؛ مناقب آل ابى طالب، ج 3، ص 242.

1720 أَوَّلُ مَنْ وَضَعَ النَّحْوَ

اولین کسی که علم و دانش نحو (ادبیات عرب) را پایه گذاری کرد.

همچنین مراجعه شود به: أَوَّلُ مَنْ وَضَعَ الْكَلامَ [1719]

1721 ایثارگر

امام علی علیه السلام اولین و بزرگ ترین فدایی و جان نثار خدا و پیامبرش بود که بارها جان خودش را برای حفظ جان پیامبرصلی الله علیه وآله به خطر انداخت.

از جمله در جریان «لیله المبیت»، برای حفظ جان پیامبرصلی الله علیه وآله، در بستر ایشان خوابید تا آن حضرت هجرت نماید و جان سالم به در برد. به همین جهت آیه «وَمِنَ النّاسِ مَن یشْرِی نَفْسَهُ ابْتِغآءَ...»(1) در شأن آن حضرت نازل شد.

احادیث و روایات در این زمینه از شیعه و سنّی نیز فراوان است.(2)

1722 بابُهُ بابُ اللَّهِ

درگاه او همانند درگاه خدا است.

در آداب ورود به شهر نجف و حرم امام گفته شده: پس چون به درگاه اوّل برسی بگو:

«اَللَّهُمَّ بِبابِکَ وَقَفْتُ، وَبِفِنآئِکَ نَزَلْتُ، وَبِحَبْلِکَ اعْتَصَمْتُ، وَلِرَحْمَتِکَ تَعَرَّضْتُ، وَبِوَلِیکَ صَلَّواتُکَ عَلَیهِ تَوَسَّلْتُ»؛

«خدایا من در مقابل باب تو ایستاده ام، و به درگاه تو وارد شده و به حبل تو تمسّک جسته ام، و خود را در معرض رحمت تو قرار داده، و به ولی تو، که درود و سلام تو بر او باد، متوسّل شده ام».

1723 بارَزَ حِینَ اسْتَکانَ الْقَوْمُ

آن گاه که همه مردم سستی و انزوا را در پیش گرفتند، او به میدان آمد.

همچنین مراجعه شود به: أَحْسَنُ الْقَوْمِ عَمَلاً [1644]

1724 الْبازِلُ

باخرد و بخشنده.

همچنین مراجعه شود به: أَکْبَرُ الْمُسْلِمِینَ [1702]

1725 الْباقِرُ لِعُلُومِ الْأَدْیانِ

متوکّل عباسی از زید بن حارثه در مورد علی علیه السلام سؤال کرد، وی گفت:

«عَلِی هُوَ الْآمِرُ عَنِ اللَّهِ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسانِ، وَالْباقِرُ لِعُلُومِ الْأَدْیانِ، التّالِی لِسُوَرِ الْقُرْآنِ، الثّاقِبُ لِحِجابِ الشَّیطانِ...»؛(3)

«علی علیه السلام همان است که از جانب خداوند به عدل و احسان امر می کند، او که شکافنده علوم همه ادیان است، تلاوت کننده آیات قرآن است، سوراخ کننده پرده های شیطان است...».

1726 بِثْرِیکٌ

نامی است برای آن حضرت نزد اهل حبشه، چنان که خود فرموده:

«أَنَا اسْمِی فِی الْاِنْجِیلِ اِلْیا... وَعِنْدَ الْحَبَشَهِ بِثْرِیکٌ»؛(4)

1- 1800. سوره بقره، آیه 207.
2- 1801. بحارالانوار ج 19، ص 54 و ج 36، ص 59؛ امالی طوسی ص 446؛ ارشاد القلوب، ج 2، ص 224؛ تفسیر عیاشی، ج 1، ص 101؛ تفسیر قمی، ج 1، ص 70؛ تفسیر فرات، ص 65؛ تأویل الآیات، ص 94.
3- 1802. بحارالانوار، ج 35، ص 63.
4- 1803. بحارالانوار، ج 35، ص 46؛ معانی الاخبار، ص 58.

«نام من در کتاب انجیل الیا و نزد اهل حبشه نیز بثریک می باشد».

البته در نقل دیگر بتریک نوشته شده.(1)

1727 بَثِيرٌ

«النَّمِرُ الَّذِی إِذا وَضَعَ مِخْلَبَهُ فِی شَی ءٍ هَتَکَهُ»؛ ببر یا پلنگی که چون ناخن و چنگ خود را در چیزی فرو ببرد، آن را درهم می کوبد و از هم می پاشد.(2)

خود آن حضرت فرموده:

«أَنَا اسْمِی فِی الْاِنْجِیلِ اِلْیا... وَعِنْدَ التُّرْکِ بَثِیرٌ»؛(3)

«در انجیل نام من الیا و نزد ترک نیز بثیر است».

1728 بَحْرٌ فِی الْمَجالِسِ

دریای علم و آگاهی.

هنگامی که نزد ابن عباس، نام علی علیه السلام برده شد، گفت:

«وا أَسَفاهُ عَلی أَبِی الْحَسَنِ! مَضی وَاللَّهِ ما غَیرَ وَلا بَدَّلَ وَلا قَصَّرَ وَلا جَمَّعَ وَلا مَتَّعَ وَلا آثَرَ إِلّا لِلَّهِ، وَاللَّهِ لَقَدْ کانَتِ الدُّنْیا أَهْوَنَ عَلَیهِ مِنْ شِسْعِ نَعْلِهِ، لَیثٌ فِی الْوَغی بَحْرٌ فِی الْمَجالِسِ، حَکِیمٌ فِی الْحُکَماءِ. هَیهاتَ! قَدْ مَضی إِلَی الدَّرَجاتِ الْعُلی ؛(4)

«افسوس بر علی! در حالی از دنیا رفت که نه چیزی را تغییر داد و نه تبدیل کرد و نه چیزی کم و زیاد کرد، و چیزی هم برنگزید مگر برای خدا؛ به خدا قسم! دنیا نزداو از بند کفشش هم بی ارزش تر بود، او که شیر درجنگ ها، دریای علم در مجالس و حکیمی بین فرزانگان بود. هیهات! او به درجات بسیار بالا پرکشید».

1729 الْبَدْرُ التَّمامِ

ماه شب چهارده، آن گاه که کامل می شود و نورش از هر زمانی بیشتر است.

روزی که مردم برای بیعت با امیرمؤمنان علیه السلام هجوم آورده بودند، ابن ملجم مرادی ملعون هم حضور داشت، جلو آمد و خطاب به امام علیه السلام چنین گفت:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ أَیهَا الْإِمامُ الْعادِلُ، وَالْبَدْرُ التَّمامُ، وَاللَّیثُ الْهُمامُ، وَالْبَطَلُ الضَّرْغامُ، وَالْفارِسُ الْقَمْقامُ، وَمَنْ فَضَّلَهُ اللَّهُ عَلی سائِرِ الْأَنامِ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیکَ وَعَلی آلِکَ الْکِرام، أَشْهَدُ أَنَّکَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ صِدْقاً وَحَقّاً وَأَنَّکَ وَصِی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علَیه وآله...»؛(5)

«سلام برتو ای امام عادل، ای ماه شب چهارده، ای دلاور و پهلوان بزرگ و بلند همت، و جنگجوی شجاع، ای آن که خدا او را بر دیگر مردم فضیلت داده. درود بر تو و خانواده گرامی تو! گواهی می دهم به راستی و حقیقت که تو امیرمؤمنان هستی و تو وصی و جانشین رسول خدایی ...».

و همچنان می گفت و بعد هم چند بیت شعر خواند. امام علی علیه السلام پس از آن فرمود: تو کیستی؟ گفت: عبدالرحمن هستم.

فرمود: فرزند کیستی؟ گفت: ملجم مرادی.

1- 1804. بحارالانوار، ج 33، ص 283.
2- 1805. بحارالانوار، ج 35، ص 47.
3- 1806. بحارالانوار، ج 35، ص 46؛ معانی الاخبار، ص 60.
4- 1807. بحارالانوار، ج 41، ص 103؛ امالی صدوق، ص 408؛ موسوعه امام علی، ج 8، ص 433.
5- 1808. بحارالانوار، ج 42، ص 262.

فرمود: مرادی تو هستی؟! گفت: آری.

حضرت فرمود: «إنّا للّه و إنّا إلیه راجعون».

چند بار امام به وی نگاه کرد، سؤالش را تکرار نمود: آیا مرادی تو هستی؟ بعد دست خود را بر دست دیگرش زد و باز «انّا للّه» گفت. پس فرمود: حیله نکن و بیعت خود را نشکن.(1)

1730 الْبَدْرُ الْمُنِیرُ

ماه تمام و ماه کامل که نورانی بخش است و همه تاریکی ها را روشن می کند.

چنان که سید حمیری در قصیده خود، در مدح امیرمؤمنان علیه السلام سروده است:(2)

عَلِی هُوَ الْبَدْرُ الْمُنِیرُ ضِیاؤُهُ

یضِی ءُ سَناهُ فِی ظُلامِ الْغَیاهِبِ

«علی آن ماه کامل و نورانی بخش است که پرتوها و شعله های نورش تیرگی ها و تاریکی ها را روشن می کند».

1731 بُرْهانُ الْواصِلِینَ

نشان دهنده راه و دلیل واصل شدگان به حقّ.

مؤلّف مصباح البلاغه در وصف امام علی علیه السلام چنین آورده است:

«حافِظُ سُنَّتِهِ وَشَرِیعَتِهِ، جامِعُ مُتَضادِّ الْکَمالِ، قاصِمُ شَوْکَهِ الْکُفْرِ وَالضَّلالِ، حَلّالُ الْمُشْکَلاتِ، کَشّافُ الْمُعْضَلاتِ، خَوّاضُ الْغَمَراتِ، الْمَشْهُورُ فِی السَّماواتِ، صاحِبُ الدَّلالاتُ الْواضِحاتِ، مُظْهِرُ الْکَراماتِ الْباهِراتِ ... بُرْهانُ الْواصِلِینَ، قِبْلَهُ الْعارِفِینَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام»؛(3)

«همان که سیره و روش، و شریعت رسول خدا را حفظ نمود، آن که جامع کمالات گوناگون و متضادّ است، درهم کوبنده شوکت اهل کفر و گمراهی، برطرف کننده مشکلات، باز کننده گره ها، فرو رونده در سختی ها. آن که

در آسمان ها مشهور است، همان که دارای دلایل واضح و آشکار کننده کرامت های روشن است. آن که دلیل و برهان واصل شدگان به حقّ و قبله اهل عرفان می باشد، او امیر مؤمنان علیه السلام است».

1732 بَرِی ءٌ

نام امام علی علیه السلام در کتاب تورات و به زبان آنان است، چنان که حضرت فرمود:

«أَنَا اسْمِی فِی الْاِنْجِیلِ اِلْیا وَفِی التَّوْراهِ بَرِی ءٌ»؛(4)

«نام من در انجیل الیا و در تورات بری ء است».

و مراد از بری ء؛ یعنی هیچ گونه شرکی در او راه ندارد و لحظه ای غیر خدا را نپرستیده.(5)

1733 بِطْرِیسا

امام علی علیه السلام در معرفی خود فرموده است:

«أَنَا اسْمِی فِی الْاِنْجِیلِ اِلْیا.... وَعِنْدَ الرُّومِ بِطْرِیسا»؛(6)

«نام من در انجیل الیا است و نزد روم به بطریسا معروف هستم».

و گفته شده: مراد از بطریسا؛ یعنی مختلس الارواح؛ یعنی کسی که روح ها و ذهن ها را می رباید و جذب و مبهوت می نماید.(7)

1- 1809. بحارالانوار، ج 42، ص 262.
2- 1810. مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 291.
3- 1811. مصباح البلاغه، ج 1، ص 3 مقدّمه.
4- 1812. بحارالانوار، ج 35، ص 45؛ معانی الاخبار، ص 58.
5- 1813. معانی الاخبار، ص 60.
6- 1814. بحارالانوار، ج 35، ص 46؛ بشاره المصطفی، ص 12.
7- 1815. بحارالانوار، ج 35، ص 47؛ معانی الاخبار، ص 60.

1734 الْبَطَلُ الْأَزْهَرُ

پهلوان و قهرمان نورانی.

ملائکه این نام را برای وی انتخاب کردند.

همچنین مراجعه شود به: الْأَعْرَفُ بَینَ أَصْحابِهِ [1671]

1735 الْبَطَلُ الْجَماجِمُ

پهلوان پهلوانان.

همچنین مراجعه شود به: أَکْبَرُ الْمُسْلِمِینَ [1702]

1736 الْبَطَلُ الصَّرْغامُ

پهلوان و قهرمان شجاع.

واقعیتی است که ابن ملجم ملعون آن را در حقّ امام گفته است.

همچنین مراجعه شود به: الْبَدْرُ التَّمامُ [1729]

1737 الْبَطَلُ الْهاصِرُ

شیر درنده و پهلوان درهم کوبنده. تعبیری دیگر از شجاعت و قهرمانی حضرت است.

از جمله اوصافی است که بحیرای راهب در سفر شام، هنگام ملاقات با ابوطالب در مورد فرزندش به کار برد که برای تو فرزندی به دنیا می آید که پیامبر آخر الزمان را حمایت خواهد نمود. نامش در آسمان ها «البطل الهاصر» و «الشجاع الاقرع» می باشد.(1)

1738 الْبَطَلُ الْهُمامُ

پهلوان بزرگ و پادشاه بلندهمت.

همچنین مراجعه شود به: أَکْبَرُ الْمُسْلِمِینَ [1702]

1739 بَعْلُ بِنْتِ الْمُصْطَفی

شوهر دختر پیامبر.

همچنین مراجعه شود به: أَفْخَرُ مَنْ ضَحِکَ وَبَکی [1686]

1740 بَعِیدُ الْمُدی

معاویه از ضرار بن ضمره نهشلی، صحابی امام علی علیه السلام خواست آن حضرت را توصیف کند. وی گفت: مرا معاف بدار؛ ولی با اصرار معاویه، در حضور مردم گفت:

«کانَ وَاللَّهِ بَعِیدَ الْمُدی شَدِیدَ الْقُوی یقُولُ فَصْلاً وَیحْکُمُ عَدْلاً، یتَفَجَّرُ الْعِلْمُ مِنْ جَوانِبِهِ وَتَنْطِقُ الْحِکْمَةُ مِنْ نَواحِیهِ، یسْتَوْحِشُ مِنَ الدُّنْیا وَزَهْرَتِها وَیسْتَأْنِسُ بِاللَّیلِ وَوَحْشَتِهِ، کانَ وَاللَّهِ غَرِیزَ الْعِبْرَهِ، طَوِیلَ الْفِکْرَهِ، یقَلِّبُ کَفَّیهِ وَیخاطِبُ نَفْسَهُ وَیناجِی رَبَّهُ، یعْجِبُهُ مِنَ اللِّباسِ ما خَشِنَ وَمِنَ الطَّعامِ ما جَشِبَ، کانَ وَاللَّهِ فِینا کَأَحَدِنا یدْنِینا إِذا أَتَیناهُ وَیجِیبُنا إِذا سَأَلْناهُ، وَکانَ مَعَ دُنُوِّهِ مِنّا وَقُرْبِنا مِنْهُ لا نُکَلِّمُهُ لِهَیبَتِهِ وَلَا نَرْفَعُ عَینَنا لِعَظَمَتِهِ، فَإِنْ تَبَسَّمَ فَمِنْ مِثْلِ اللُّؤْلُؤِ الْمَنْظُومِ، یعَظِّمُ أَهْلَ الدِّینِ وَیحِبُّ الْمَساکِینَ، لا یطْمَعُ الْقَوِی فِی باطِلِهِ وَلا ییأَسُ الْفَقِیرُ مِنْ عَدْلِهِ، فَأَشْهَدُ بِاللَّهِ لَقَدْ رَأَیتُهُ فِی بَعْضِ مَواقِفِهِ، وَقَدْ أَرْخَی اللَّیلُ سُدُولَهُ وَغَارَتْ نُجُومُهُ، وَهُوَ قآئِمٌ فِی مِحْرابِهِ قابِضٌ عَلَی لِحْیتِهِ، یتَمَلْمَلُ تَمَلْمُلَ السَّلِیمِ، وَیبْکِی بُکاءَ الْحَزِینِ، فَکَأَنِّی الْآنَ أَسْمَعُهُ وَهُوَ یقُولُ: یا دُنْیا دَنِیهِ أَ بِی تَعَرَّضْتِ أَمْ إِلَی تَشَوَّقْتِ؟! هَیهاتَ هَیهاتَ غُرِّی غَیرِی، لا حاجَهَ لِی فِیکِ قَدْ بَتَتُّکِ ثَلاثاً لا رَجْعَهَ لِی فِیها، فَعُمُرُکِ قَصِیرٌ وَخَطَرُکِ یسِیرٌ وَأَمَلُکِ حَقِیرٌ. آهِ آهِ مِنْ قِلَّهِ الزّادِ وَبُعْدِ السَّفَرِ، وَوَحْشَهِ الطَّرِیقِ وَعِظَمِ الْمَوْرِدِ»؛(2)

1- 1816. بحارالانوار، ج 15، ص 198؛ کمال الدین ج 1، ص 187.
2- 1817. بحارالانوار، ج 41، ص 121؛ کشف الغمه، ج 1، ص 77؛ کشف الیقین، ص 116؛ ارشاد القلوب، ج 2، ص 218؛ کنز الفوائد، ج 2، ص 160.

«به خدا قسم! او بلندهمّت و پرنیرو بود، حرف آخر را می زد و به عدل حکم می کرد، علم و دانش از سر و پایش می جوشید و با تمام وجود به حکمت سخن می گفت، از دنیا و درخشش آن وحشت داشت، و با شب و تنهایی آن مأنوس بود. به خدا قسم که اشکش ریزان و تفکرش طولانی بود؛ دستش را می چرخاند و خودش را مخاطب قرار می داد و با پروردگارش مناجات می کرد لباس خشن می پوشید و طعام ساده و خشک می خورد، به خدا قسم در بین ما مثل یکی از خود ما بود وقتی نزد او می رفتیم ما را به خود نزدیک می کرد و اگر سؤال می کردیم جوابمان را می داد لکن با این قرب و نزدیکی که بین ما وجود داشت از هیبت او نمی توانستیم حرف بزنیم و از عظمت او نمی توانستیم چشم بالا بیاوریم. وقتی تبسم می کرد دندان هایش مانندمروارید چیده شده بود. اهل دین را تعظیم می کرد و مساکین را دوست می داشت، افراد قوی هیچ طمعی از باطل نداشتند و ضعیفان نیز از عدل او مأیوس نبودند. خدا را گواه می گیرم که در برخی از مواقع دیدم آن گاه که شب پرده ظلمت افکنده و ستارگان سرازیر می شوند در محراب عبادت ایستاده و محاسن خود را به دست گرفته و همانند مار گزیده به خود می پیچید و مانند مصیبت دیده گریه می کرد. گویا اکنون نیز صدای او را می شنوم که می فرماید: ای دنیای پست! آیا خود را به من عرضه می داری، آیا مرا تشویق می کنی؟! هیهات! برو دیگری را فریب ده، مرا در تو هیچ نیازی نیست، تو را سه طلاقه کردم که راه بازگشتی ندارد. عمرت کوتاه و فایده ات کم و ارزشت حقیر است. آه!آه! از کمی زاد و توشه و دوری راه و تنهایی و عظمت مقصد».

آن قدر گفت که اشک معاویه بر گونه هایش جاری شد و مردم نیز گریه کردند. معاویه قسم خورد: به خدا سوگند که علی علیه السلام چنین بود.

1741 بَکّاءُ فِی الْمِحْرابِ

معاویه از اطرافیان خواست که علی علیه السلام را توصیف کنند، عمر و عاص در چند بیت شعر و در حضور معاویه در مدح علی علیه السلام گفت: (1)

هُوَ الْبَکّآءُ فِی الْمِحْرابِ لَیلاً

هُوَ الصَّحّاکُ إِنْ آنَ الضِّرابُ

هُوْ النَّبَأ الْعَظِيمُ وَفُلْکُ نُوحٍ

وَبابُ اللَّهِ وَانْقَطَعَ الْجَوابُ

«او کسی بود که در محراب عبادت شبانه بسیار گریه می کرد و در جنگ ها نیز خندان بود، او همان «نبأ عظیم» و «کشتی نوح» و «باب اللّه» بود، و حرف تمام این است».

1742 بِلْقِياطِيسُ

نام وصی آخرین پیامبر خداصلی الله علیه وآله برای همه از آدم تا خاتم در طول تاریخ معروف و شناخته شده، فقط به الفاظ و لغات مختلف تعبیر شده؛ مثلاً نام آن حضرت به عبرانی «بلقیاطیس» گفته شده است.(2)

1- 1818. موسوعه امام علی، ج 8، ص 390.
2- 1819. بحارالانوار، 35، ص 62؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 276.

1743 بَوِی ءٌ

امام علی علیه السلام، نزد کاهنان به این اسم معروف است، چنان که فرمود:

«أَنَا اسْمِی فِی الْاِنْجِیلِ اِلْیا... وَعِنْدَ الْکَهَنَهِ بَوِی ءٌ»؛(1)

«نام من در انجیل الیا و نزد کاهنان بوی ء است».

گفته شده: بوی ء یعنی کسی که هر چیزی را در جای خودش قرار می دهد، حقّ را در محل خود و باطل را نابود می سازد.(2)

1744 بَیاضُ صُبْحِ الْیقِینِ

بزرگ مرد پرهیزکاران و پارسایان و روشنی و سفیدی سپیده دم و صبح یقین.

ملّااحمد اردبیلی در وصف امیرالمؤمنین علیه السلام چنین گفته است:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلی وَلِیکَ وَخاصَّتِکَ وَخالِصَتِکَ، خازِنِ وَحْیکَ، وَمَنارِ سُنَنِکَ، وَقِوامِ کَلِمَتِکَ، وَعِصامِ بَرِیتِکَ وَمِیسَمِ أَوْلِیآئِکَ، وَوَصِی رَسُولِکَ وَخَلِفَتِکَ مِنْ بَعْدِهِ بِلا فَصْلٍ مِنْ خَلْقِکَ، وَبابِ مَدِینَهِ الْعِلْمِ وَفاتِحِ دارِ الْحِکْمَهِ وَذِی قَرْنَی هذِهِ الْأُمَّهِ، وَسَیدِ لَهامِیمِ الْأَوْصِیاءِ، وَیعْسُوبِ أَضامِیمِ الْأَصْفِیاءِ، أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ، نَفْسِ خَیرِ الْمُرْسَلِینَ، بَیاضِ صُبْحِ الْیقِینِ، جَحْجاحِ الْمُتَّقِینَ، شَمْسِ نَهارِ الْمُتَّقِینَ، بَیاضِ صُبْحِ الْیقِینِ، مَتْنِ دِینِ الْإِسْلامِ، صَفْوِ رَوْقَهِ الْأَنامِ، سُیاقِ کُلِّ مِصْمارٍ، طَوْدِ کُلِّ وَقّارٍ، سَیدِ الْوَقُورِ الْبَهُورِ، سُبَّاقِ الْمِضْمارِ الْقُدْسِ وَالْعِصْمَهِ، مِقْباسِ أَنْوارِ الْعِلْمِ وَالْحِکْمَهِ، إِمامِ سائِرِ الْبَرِیهِ، بَعْلِ فاطِمَهَ الْمَرْضِیهِ، والِدِ الْعِتْرَهِ الطّاهِرَهِ، أَسَدِ اللَّهِ الْغالِبِ، عَلِی بْنِ أَبِی طالِبٍ عَلَیهِ السَّلامُ»؛(3)

«پروردگارا! درود و سلام فرست بر جانشین و برگزیده ناب و خالصت، نگه دارنده اسرار وحی تو، و نشانه سنّت ها، و پایه و اساس آیات و کلمات تو، پناه گاه بندگانت و نشانه گذار اولیای تو، و وصی پیامبرت و جانشین بلافصل تو در میان مردم، و دروازه شهر علم و دانش و گشاینده خانه حکمت و اندیشه و ذوالقرنین (پیشگام برجسته) این امّت، و سرور بزرگان و سخاوتمندان، و رئیس جماعت برگزیدگان، امیر مؤمنان، نفس و جان بهترین پیامبر، بزرگ مرد پرهیزکاران، خورشید روشنی بخش پارسایان،

روشنی صبح و سفیدی سپیده دم یقین، متن و ریشه دین اسلام، خالص و برگزیده خلایق، برنده و پیروز در هر میدان مسابقه، اصل و اساس هرفراوانی، آقای بزرگوار زیبا، پیشی گیرنده در میدان قداست و عصمت، سرچشمه انوار دانش و معرفت، امام و پیشوای همه بندگان، همسر و کفو فاطمه مرضیه علیها السلام، پدر خاندان پاک (امامان معصوم)، شجاع همیشه پیروز، امام علی بن ابی طالب علیه السلام».

1745 بَیضَهُ الْبَلَدِ

آقا و بزرگ شهر.

در جنگ خندق، هنگامی که امام علی علیه السلام عمرو بن عبد ودّ، پهلوان پهلوانان عرب را کشت، خواهرش بر جنازه وی آمد، ابیاتی

1- 1820. بحارالانوار، ج 35، ص 45.
2- 1821. بحارالانوار، ج 35، ص 47.
3- 1822. نسخه نفیس خطی مجموعه دوازده امام، ص 134.

سرود و گفت: اگر قاتل او کسی جز علی بود، تا جان در بدن داشتم گریه می کردم؛ ولی:(1)

لکِنْ قاتِلُهُ مَنْ لا یعابُ بِهِ

وَکانَ قَدِیماً بَیضَهَ الْبَلَدِ

«قاتل او کسی است که هیچ عیبی ندارد و از قدیم به عنوان آقا و بزرگ شهر معروف است».

1746 تَأَلَّفَ الْأَشْرافَ

در خانواده بااصل و نسب به دنیا آمده است.

همچنین مراجعه شود به: أَبَدَّ الْأَوْصافَ [1630]

1747 تاجُ الْعارِفِینَ

بزرگ و رهبر همه خداشناسان و عارفان.

توصیفی که از آن حضرت شده است.(2)

1748 تاجُ الْفُقَهاءِ

سرور و بزرگ همه فقها و دانشمندان.

روزی در حضور معاویه و عمرو بن عاص سخن از حضرت علی علیه السلام به میان آمد، پیرمردی بلند شد و گفت: چرا نمی گویید:

«الْإِمامُ الْعادِلُ وَالْغَیثُ الْهاطِلُ، یعْسُوبُ الدِّینِ وَقاتِلُ الْمُشْرِکِینَ، تاجُ الْفُقَهاءِ وَکَنْزُ الْفُقَراءِ»؛(3)

«آن امام عادل و باران بهاری و پیشوای دین و کشنده مشرکان، او افتخار دانشمندان و گنج فقیران است».

1749 تاجُ لُؤی بْنِ غالِبٍ

تاج و سبب افتخار لؤی بن غالب نام یکی از اجداد امام است؛ یعنی: علی بن ابی طالب بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قصی بن کلاب بن مرّه بن کعب بن لؤی بن غالب.

همچنین مراجعه شود به: الْاَرْیحِی [1655]

1750 التّارِکُ لِلْمِراءِ

اهل مراء و جدال نبود.

همچنین مراجعه شود به: الْآخِذُ بِالْقُلُوبِ [1626]

1751 التّارِکُ لِمُقارَنَهِ اللَّئِیمِ

او اهل همنشینی با نابکاران و لئیمان نبود.

همچنین مراجعه شود به: الْآخِذُ بِالْقُلُوبِ [1626]

1752 تَجَلْبَبَ بِالْوَقارِ

آن قدر وقار و متانت دارد که گویا آن را پوشش خود قرار داده است.

همچنین مراجعه شود به: أَبَدَّ الْأَوْصافَ [1630]

1753 تقوبیت

جابر می گوید: از سالم بن عبداللَّه بن عمر شنیدم می گفت: همراه پدرم نزد کعب الاحبار بودم که گفت: امامان بعد از پیامبر به عدد نقبای بنی اسرائیل هستند.

در این حال علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شد، کعب گفت: او اوّل آنان است و یازده نفر نیز از فرزندان وی هستند که نام های آنان را در تورات چنین بیان کرد:

«تقوبیت، قیذوا، دبیرا، مفسورا، مسموعا، دوموه، مثبو، هذار، یثمو، بطور، نوقس، قیدموا. أمّا تقوبیت؛ فهو أوّل الأوصیاء و وصی آخر الأنبیاء»؛(4)

1- 1823. بحارالانوار، ج 20، ص 260؛ کشف الغمه، ج 1، ص 68؛ ارشاد القلوب، ج 1، ص 108؛ موسوعه امام علی، ج 8، ص 393.
2- 1824. ارشاد القلوب، ج 1، ص 157.
3- 1825. بحارالانوار، ج 33، ص 248؛ الفضائل، ص 77.
4- 1826. بحارالانوار، ج 36، ص 222؛ غیبت نعمانی، ص 107.

«تقوبیت که همان امیرمؤمنان علیه السلام است اولین جانشین و وصی آخرین پیامبر الهی است».

1754 تَمَّتْ بِهِ كَلِماتُ اللَّهِ

بخشی از زیارت امام علی علیه السلام در روز مبعث چنین می باشد:

«وَتَمَّتْ بِکَ كَلِماتُ اللَّهِ»؛(1)

«به واسطه تو بود که کلمات الهی به اتمام و کمال رسید».

1755 تَنْطِقُ الْحِكْمَةُ مِنْ نَواحِيهِ

حکمت از تمام وجودش سخن می گوید.

همچنین مراجعه شود به: بَعِيدُ الْمُدى [1740]

1756 تَهَدَّلَتْ أَغْصانُهُ عَنْ تَبْعَهِ الْإِمامَهِ

پر و بال و شاخه های او از چشمه امامت نشو و نما و رشد یافته است.

همچنین مراجعه شود به: اسْتُقِى عُرُوقُهُ مِنْ مَنْبَعِ النُّبُوَّهِ [1658]

1757 ثَبَتَ بِهِ الْإِسْلامُ

دین اسلام به سبب فداکاری های او استوار و ثابت شد.

همچنین مراجعه شود به: أَحْسَنُ الْقَوْمِ عَمَلاً [1644]

1758 جامِعُ الْحِلْمِ

حلم و بردباری را در خود جمع کرده است.

زبیر بن عوام نقل می کند: هنگامی که منافقان گفتند: ابوبکر خودش را بر علی علیه السلام مقدم کرده.

ابوبکر به منبر رفت و گفت: صبر کنید، چه می گویید؟ گمان می کنید من گفتم: افضل از علی هستم؟ چطور این حرف را بزنم که نه سابقه او را دارم، نه قرابتش را و نه ویژگی های او را؟ او موحّد بود در حالی که من

ملحد بودم، او قبل از من خدا را عبادت می کرد، دوست رسول خداصلی الله علیه وآله شد، حال آن که من دشمن او بودم، من هرگز نمی توانم ثناگوی او باشم.

به خدا قسم! علی به محبت خدا و به قرابت رسول او رستگار شده، در ایمان به درجه ای رسیده که اگر اولین و آخرین جمع شوند غیر از انبیا به مرتبه و روش او نمی رسند... .

«بَذَلَ للَّهِ مُهْجَتَهُ، وَلِابْنِ عَمِّهِ مَوَدَّتَهُ، کاشِفُ الْکَرْبِ، وَدامِغُ الرَّیبِ، وَقاطِعُ السَّبَبِ إِلَّا سَبَبَ الرَّشادِ، وَقامِعُ الشِّرْکِ وَمُظْهِرُ ما تَحْتَ سُوَیدا حَبَّهِ النِّفاقِ، مُجِنَّهُ هذَا الْعالَمِ، لَحِقَ قَبْلَ أَنْ یلاحَقَ وَبَرَزَ قَبْلَ أَنْ یسابَقَ، جَمَعَ الْعِلْمَ وَالْحِلْمَ وَالْفَهْمَ، فَکَأَنَّ الْخَیراتُ کانَتْ لِقَلْبِهِ کَنُوزاً...»؛(2)

«او کسی است که خون قلبش را نثار خدا کرد و مودّتش را به پای رسول خدا گذاشت همان که برطرف کننده غم و اندوه و دفع کننده شک و تردید و قطع کننده اسباب فاسده است مگر سبب و راه هدایت را، او که شرک را درهم می کوبد و آشکار می کند تخم نفاق را از ضمیر منافقان. پیوسته متحمل شداید اهل عالم بود، به اسلام پیوست قبل از اینکه او را دعوت کنند و سبقت به ایمان به خدا گرفت قبل از اینکه به او عرضه بدارد. دانش، حلم و فهم را در خود جمع کرد، گویا قلب او گنجینه تمام خیرات است».

1- 1827. بحارالانوار، ج 97، ص 321؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 592.
2- 1828. بحارالانوار، ج 29، ص 100؛ الاحتجاج، ج 1، ص 88.

1759 جامِعُ الْعِلْمِ

همه علوم و دانش ها را در خود جمع کرده.

همچنین مراجعه شود به: جامِعُ الْحِلْمِ [1758]

1760 جامِعُ الْفَهْمِ

دارای درک و فهم بالایی است.

همچنین مراجعه شود به: جامِعُ الْحِلْمِ [1758]

1761 جامِعُ كُلِّ كَرَمٍ

همه کرامت ها و بزرگواری ها را در خود جمع کرده است.(1)

1762 جامِعُ الْمُتَضادِّ

همه کمالات متضادّ را در خود جمع کرده.

صفات گوناگون امام علی علیه السلام که اغلب در یک فرد جمع نمی شود، سبب شده آن حضرت را جامع اضداد نیز بنامند. سخنان آن حضرت در عرصه های عرفان، فلسفه، پند و موعظه، جهاد و حماسه، تفسیر قرآن، دعا و نیایش؛ و صفات متضادش تلفیقی از حماسه و عرفان، علم و عمل، شجاعت و اشک، قاطعیت و عفو، سخاوت و حفظ بqالمال، همه گواه این سخن است.

همچنین مراجعه شود به: بُرْهانُ الْواصِلِينَ [1731]

1763 جَحْجاحُ الْمُتَّقِينَ

بزرگ مرد پرهیزکاران و پارسایان.

همچنین مراجعه شود به: بَياضُ صُبْحِ الْيقِينِ [1744]

1764 جَلِيسُ الرَّسُولِ

افتخار همنشینی رسول خداصلی الله علیه وآله را داشته.

همچنین مراجعه شود به: أَخَذَ الْعِلْمَ فَوَفَّرَهُ [1648]

1765 جَلِی الصَّفْحَهِ

گشاده رو.

در فضیلت امام علی علیه السلام در مقایسه با دیگران که چنین گفته شده است:

«جَلِی الصَّفْحَهِ، نَقِی الصَّحِیفَهِ، ناصِحُ الْجَیبِ، نَقِی الذَّیلِ، عَذِبُ الْمَشْرَبِ، عَفِیفُ الْمَطْلَبِ، لَمْ یتَدَنَّسْ بِحُطامٍ وَلَمْ یتَلَبَّسْ بِآثامٍ، وَقَدْ شَهِدَ النَّبِی بِزُهْدِهِ بِقَوْلِهِ: عَلِی لا یرْزَأُ مِنَ الدُّنْیا وَلا تَرْزَأُ الدُّنْیا مِنْهُ»؛(2)

«شخص گشاده رو که نامه اعمالش پاک و دلش صاف و پاکدامن و خوش برخورد و پاک سخن است. به چرب و شیرین دنیا و آلودگی های آن دچار نشد، چنان که رسول خدا به زهد او گواهی داد که نه چیزی بر دنیا اضافه کرد و نه چیزی از آن گرفت».

1766 جَلِیلُ الْقَدْرِ

توصیفی است که در گفتگوی بین معاویه و عمرو عاص برای امام علی علیه السلام مطرح شد.(3)

1767 جَمالُ الْأُمَّهِ

جمال و زیبایی امّت اسلام.

در توصیف امام علی علیه السلام چنین نقل شده:

«أَعْلَمُ الْأُمَّهِ، جَمالُ الْأُمَّهِ، عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ، سَیدُ النُّجَباءِ»؛(4)

1- 1829. بحارالانوار، ج 29، ص 99؛ الاحتجاج، ج 1، ص 88.
2- 1830. بحارالانوار، ج 40، ص 320؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 93.
3- 1831. بحارالانوار، ج 33، ص 49.
4- 1832. مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 32.

«عالم ترین فرد امّت و جمال این امّت علی بن ابی طالب علیه السلام است، او که آقای نجیبان است».

1768 الْجَوادُ السَّخِی

خیلی بخشنده و باسخاوت.

داستان ها و روایات در این زمینه نیز از زندگی امام علی علیه السلام فراوان است.(1)

همچنین مراجعه شود به: الْاَرْیحِی [1655]

1769 حائِزُ الْفَخْرِ وَ الْحَسَبِ

دارای افتخار و حَسَب و شرف.

در کتاب مناقب آمده است:

«وَصلّ عَلی سَیدِ الْعَرَبِ وَحائِزِ الْفَخْرِ وَالْحَسَبِ»؛(2)

«خدایا درود فرست بر آن آقای عرب که دارای افتخار و شرف می باشد».

1770 حازَ الْبَأْسَ

دارای قدرت بود و جنگاوری اش را در طاعت خدا به کار می بست.

همچنین مراجعه شود به: أَخَذَ الْعِلْمَ فَوَفَّرَهُ [1648]

1771 الْحازِمُ

دارای فکر و اندیشه صحیح است.

همچنین مراجعه شود به: أَکْبَرُ الْمُسْلِمِینَ [1702]

1772 حافِظُ السُّنَّهِ

سنّت و سیره رسول خداصلی الله علیه وآله را حفظ نموده.

همچنین مراجعه شود به: بُرْهانُ الْواصِلِینَ [1731]

1773 حافِظَ الشّرِيعَهِ

با فداکاری های خود، با سکوت یا بیان و یا جنگ، شریعت رسول خداصلی الله علیه وآله را حفظ نمود.

همچنین مراجعه شود به: بُرْهانُ الْواصِلِینَ [1731]

1774 الْحاکِمُ بِالْکِتابِ

حکومت و قضاوتش براساس کتاب خدا و قرآن بود.

همچنین مراجعه شود به: أَبادَ الْفِتْرَهَ [1629]

1775 حَبْتَرٌ

«هُوَ الْبازِی الَّذِی یصْطادُ»؛(3)

«او در سرعت و دقت و سیاست، همانند باز شکاری است».

امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است:

«أَنَا اسْمِی فِی الْاِنْجِیلِ اِلْیا... وَعِنْدَ الْفُرْسِ حَبْتَرٌ»؛(4)

«نام من درانجیل الیا و نزدفارس ها حبتراست».

1776 حَبدارٌ

پس از فوت ابوبکر و بیعت مردم با عمر، هارونی، اعلم یهودیان خدمت امیرمؤمنان علیه السلام آمد و با آن حضرت مباحثه ای نمود:

«أَخْرَجَ الْهارُونِی مِنْ کُمِّهِ کِتاباً مَکْتُوباً بِالْعِبْرانِیهِ فَأَعْطاهُ عَلِیاًعلیه السلام، فَنَظَرَ فِیهِ عَلِی علیه السلام فَبَکی فَقالَ لَهُ الْهارُونِی: ما یبْکِیکَ؟ فَقالَ لَهُ عَلِی علیه السلام: یا هارُونِی! هذا فِیهِ اسْمِی مَکْتُوباً! فَقالَ الْیهُودِی: إِنَّهُ کِتابٌ بِالْعِبْرانِیهِ وَأَنْتَ رَجُلٌ عَرَبِی! فَقالَ لَهُ عَلِی علیه السلام: وَیحَکَ یا هارُونُ! هذا اِسْمِی؛ أَمّا فِی التَّوْراهِ اسْمِی هابِیلُ وَفِی الْاِنْجِیلِ حَبْدارُ. فَقالَ الْیهُودِی: صَدَقْتَ وَالَّذِی لا إِلهَ إِلّا هُوَ...»؛(5)

1- 1833. بحارالانوار، ج 34، ص 268.
2- 1834. مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 311.
3- 1835. بحارالانوار، ج 35، ص 47.
4- 1836. بحارالانوار، ج 35، ص 46.
5- 1837. بحارالانوار، ج 36، ص 222.

«هارونی از آستین خود کتابی عبرانی بیرون آورد و به امیرالمؤمنین علیه السلام داد. تا امام علی علیه السلام آن را دید، گریه کرد. هارونی گفت: چه شد؟ امام فرمود: این اسم من است که اینجا نوشته شده. یهودی گفت: این کتاب عبری است و تو مردی عرب هستی! امام فرمود: وای بر تو، این است اسم من، که در تورات هابیل است و در انجیل حبدار است، یهودی گفت: راست گفتی، قسم به آن که غیر از او خدایی نیست ...».

1777 حُبُّهُ جُنَّهٌ

دوستی با او، سپر بلای آتش جهنّم است.

همچنین مراجعه شود به: إِمامُ الْإِنْسِ وَ الْجِنَّهِ [1706]

1778 حَتْفُ الْعَدی

سبب مرگ دشمنان اسلام است.

همچنین مراجعه شود به: الْاَرْیحِی [1655]

1779 حَجَرُ الْعَینِ

نقل شده: امام علی علیه السلام در قرآن دارای سیصد اسم است؛ امّا در اخبار فراوان تر، از جمله:

«وَفِی الصُّحُفِ حَجَرُ الْعَینِ»؛(1)

«نام او در صحف گذشتگان حجر العین است».

1780 حَرَمُهُ حَرَمُ اللَّهِ

حریم و حرمش مثل حریم و حرم خداست. در آداب ورود به نجف و حرم امام علی علیه السلام گفته شده: چون به در صحن برسی بگو:

«اَللَّهُمَّ إِنَّ هذَا الْحَرَمَ حَرَمُکَ، وَالْمَقَامَ مَقامُکَ، وَأَنَا أَدْخُلُ إِلَیهِ»؛(2)

«خدایا! این حرم حرم تو و این مقام و جایگاه، مقام توست که من داخل آن می شوم».

1781 حَرّمَ عَلَیهِ ما حَرَّمَ عَلَی الرَّسُولِ

هرچه برای پیامبرصلی الله علیه وآله حرام بود، برای او نیز حرام بود.

به عبد اللَّه بن عمر گفتند: چه کسی بعد از رسول خداصلی الله علیه وآله از همه برتر است؟ گفت:

«خَیرُهُمْ بَعْدَهُ مَنْ کانَ یحِلُّ لَهُ ما یحِلُّ لَهُ، وَیحْرُمُ عَلَیهِ ما کانَ یحْرُمُ عَلَیهِ»؛

«بهترین بعد از پیامبر او است که هرچه برای پیامبر حلال بود برای او نیز حلال بود، و هرچه برای پیامبر حرام بود برای او نیز حرام بود».

گفتند: او کیست؟ گفت: علی! آن گاه که پیامبر درب خانه همه را به سمت مسجد بست به جز خانه علی را و فرمود:

«لَکَ فِی هذَا الْمَسْجِدِ ما لِی وَعَلَیکَ فِیهِ ما عَلَی»؛(3)

«هرچه در مسجد بر من حلال است، بر تو حلال و هرچه بر من حرام است، بر تو هم حرام است».

1782 حُسْنُ الْقَضاءِ

خداوند مقدر کرده بود که پس از پیامبرصلی الله علیه وآله علی علیه السلام به خلافت برسد؛ ولی ماجرای سقیفه سرنوشت دیگری را رقم زد.

برخی کوشیده اند هم خلافت آن سه خلیفه را به قضای الهی نسبت دهند و هم خلافت علی را؛ لیکن خلافت آنان را به سوء القضاء

1- 1838. بحارالانوار، ج 35، ص 62؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 276.
2- 1839. بحارالانوار، ج 97، ص 283.
3- 1840. موسوعه امام علی، ج 8، ص 338؛ العمده، ص 180.

مطرح کردند و خلافت امیرمؤمنان را به حسن القضاء، از جمله در شعر مولانا آمده:

راز بگشا ای علی مرتضی

ای پس از سوء القضا، حسن القضا

1783 حِصْنُ الْإِسْلامِ

قلعه و دژ محکم اسلام.

درباره آن حضرت چنین گفته شده است:

«مُحَمَّدٌ رُکْنُ الْأَعْلامِ وَعَلِی حِصْنُ الْإِسْلامِ»؛(1)

«محمّدصلی الله علیه وآله رکن اعلام و علی علیه السلام دژ اسلام است».

1784 حَصَّنَ الْأَطْرافَ

در محدوده دین دژ محکمی برقرار کرد.

همچنین مراجعه شود به: أَبَدَّ الْأَوْصافَ [1630]

1785 الْحَصِیفُ

شخص نیک اندیش.

همچنین مراجعه شود به: أَکْبَرُ الْمُسْلِمِینَ [1702]

1786 الْحَظِی

دارای منزلت و مکانت و دولت مند است.

همچنین مراجعه شود به: الْاَرْیحِی [1655]

1787 حَفِظَ ما أَضاعَ النّاسُ

آنچه از سنّت و سیره نبوی، که بقیه مردم آن را ضایع کرده بودند، محافظت کرد.

همچنین مراجعه شود به: أَحْسَنُ الْقَوْمِ عَمَلاً [1644]

1788 حُکْمُهُ عَدْلٌ

تمام احکامش بر اساس عدل بود.

همچنین مراجعه شود به: بَعِیدُ الْمُدی [1740]

1789 حَکِیمٌ فِی الْحُکَماءِ

بین حکیمان و فرزانگان ازهمه بالاتر است.

همچنین مراجعه شود به: بَحْرٌ فِی الْمَجالِسِ [1728]

1790 حَلّالُ الْمُشْکَلاتِ

رفع مشکل از همه می کند.

همچنین مراجعه شود به: بُرْهانُ الْواصِلِینَ [1731]

1791 حَمْحائِیلُ

نام آن حضرت نزد اهل زمین.

اسامی امیرالمؤمنین علیه السلام در قرآن سیصد نام است؛ ولی در اخبار و روایات بسیار بیشتر است که خدا می داند، از جمله:

«یسَمُّونَهُ أَهْلُ السَّماءِ شَمْساطِیلَ، وَفِی الْأَرْضِ حَمْحائِیلَ»؛(2)

«اهل آسمان او را شمساطیل می نامند و در زمین به حمحائیل معروف است».

1792 الْحَنَفِی

امام علی علیه السلام مانند اجداد طاهرینش بر دین حنیف و پاک بود.

همچنین مراجعه شود به: أَکْبَرُ الْمُسْلِمِینَ [1702]

1793 حَیتَرٌ

حیتر کسی است که «یقْطَعُ الْأَوْصالَ»؛(3) «اعضای بدن و رگ های دشمنان را قطع می کند».

و از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود:

«أَنَا اسْمِی فِی الاِنْجِیلِ اِلْیا... وَعِنْدَ الزَّنْجِ حَیتَرٌ»؛(4)

«اسم من در انجیل الیا و نزد زنج (رومیان) به حیتر نامیده شدم».

1- 1841. مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 310.
2- 1842. بحارالانوار، ج 35، ص 62.
3- 1843. بحارالانوار، ج 35، ص 47؛ معانی الاخبار، ص 60.
4- 1844. بحارالانوار، ج 35، ص 46؛ معانی الاخبار، ص 58.

1794 خآصَّهُ نَفْسِ الْمُنْتَجَبِينَ

سید بن طاوس در کتاب المزار الکبیر، در اعمال مسجدکوفه فرموده: هنگامی که به درب مسجد رسیدی، بگو:

«أَشْهَدُ أَنَّکَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَخآصَّهُ نَفْسِ الْمُنْتَجَبِينَ»؛(1)

«گواهی می دهم تو امیر اهل ایمانی و خلاصه و لباب کمالات برگزیدگان خدایی».

1795 خَشَعَ للَّهِ فِی الصَّلَواتِ

در نمازهایش خاضع و خاشع بود.

همچنین مراجعه شود به: أَخَذَ الْعِلْمَ فَوَفَّرَهُ [1648]

1796 الْخَطِيبُ

سخنور و سخنران ماهر.

چنان که سید حمیری در قصیده خود، در مدح امیرالمؤمنین علیه السلام گفته:(2)

علی هو القاضی الخطیب بقوله

یجی ء بما یعیی به کلّ خاطب

همچنین مراجعه شود به: أَكْبَرُ الْمُسْلِمِينَ [1702]

1797 الْخَلِيفَهُ بِلا فَصْلٍ

امیرمؤمنان علیه السلام بلافاصله پس از پیامبرصلی الله علیه وآله، خلیفه و جانشین آن حضرت است. این عقیده از آیات قرآن و فرمایشات و دستورات مکرّر رسول خداصلی الله علیه وآله اخذ شده، از جمله فرموده بود:

«أَنْتَ الْخَلِيفَهُ مِنْ بَعْدِی»؛

«تو خلیفه پس از من هستی».

1798 خَلِيفَةُ الرَّبِّ

جانشین پروردگار.

چنین گفته اند:

«عَلِی فارِجُ الْکَرْبِ، عَلِی خَلِیفَةُ الرَّبِّ»؛(3)

«علی کسی است که همّ و غم را برطرف می کند، و علی خلیفه پروردگار است».

1799 خَوّاضُ الْغَمَراتِ

خود را وسط میدان های سخت و مشکلات قرار می دهد و آنان را حل می کند.

همچنین مراجعه شود به: بُرْهانُ الْواصِلِینَ [1731]

1800 خَیرُ آلِ مُحَمَّدٍ

حسن بصری هنگام سخن گفتن، نام علی علیه السلام را آورد و بر او صلوات فرستاد.

به او گفتند: آیا بر غیر پیامبرصلی الله علیه وآله صلوات می فرستی؟

گفت: هرگاه مسلمانان را یاد کردی، برایشان آمرزش بخواه و بر پیامبر و آل او صلوات بفرست و علی بهترین فرد از آل محمّد است.

گفتند: یعنی از حمزه و جعفر هم برتر است؟

گفت: آری. گفتند: از فاطمه هم؟ گفت: آری.

گفتند: از حسن و حسین؟ گفت:

«وَاللَّهِ إِنَّهُ خَیرُ آلِ مُحَمَّدٍ کُلُّهُمْ...»؛(4)

«به خدا قسم! علی از همه آل محمّد برتر است». که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«أبُوهُما خَيرٌ مِنْهُما».

«پدر حسن و حسین از آن دو هم بهتر است».

ص:328

1- 1845. بحارالانوار، ج 97، ص 410؛ مفاتیح الجنان، اعمال مسجد کوفه.
2- 1846. مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 291.
3- 1847. مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 303.
4- 1848. موسوعه امام علی، ج 8، ص 415؛ شرح نهج البلاغه، ج 4، ص 96.

1801 خَيرُ الْأَصْحابِ فَتْوى

بین اصحاب، فتوایش از همه بهتر است. چنان که عمر به آن اعتراف دارد:

«أَنْتَ (یا عَلِی) خَیرُهُمْ فَتْوی»؛(1)

«ای علی! فتوای تو از همه اصحاب بهتر است».

1802 خَيرُ الْمُهْتَدِينَ

بهترین هدایت یافته.

همچنین مراجعه شود به: الْاَرْیحِی [1655]

1803 داحِی بابِ خَیبَرٍ

درب قلعه خیبر را از جا کند.(2)

همچنین مراجعه شود به: الْاَرْیحِی [1655]

1804 الدّاعِی إِلَی الْمَحَجَّهِ الْعُظْمی

مردم را به راه خدا راهنمایی می کند.

همچنین مراجعه شود به: أَفْخَرُ مَنْ ضَحِکَ وَبَکی [1686]

1805 دافِعُ الْإِفْکِ

نابود کننده و هلاک کننده دروغ و تهمت.

امام علی علیه السلام نابودکننده و مخالف هرگونه دروغ و تهمت بود:

«عَلِی دافِعُ الْإِفْکِ، عَلِی قالِعُ الْبابِ»؛(3)

«علی مخالف و باطل کننده کذب و دروغ است، علی کَننده درب خیبر است».

1806 دافِعُ الْفَجَرَهِ

نابود کننده ظالمان و فاجران.(4)

1807 دامِغُ الرَّیبِ

هرگونه شک و تردیدی را از بین می برد.

ابوبکر آن را برای امام علی علیه السلام بیان کرده.

همچنین مراجعه شود به: جامِعُ الْحِلْمِ [1758]

1808 دِرعُهُ بِلا ظَهْرٍ

زره اش پشت نداشت.

از آن حضرت پرسیدند: زره ات جلو دارد؛ امّا پشت ندارد، اگر کسی از پشت حمله کند، چه می کنی؟ فرمود: اگر کسی جرأت کند و به پشت من برسد، دیگر نجات نمی خواهم.

در جای دیگر فرمود: من هرگز به دشمن پشت نمی کنم که نیاز به زره باشد.

1809 ذَخِیرَهُ النَّبِیّ

ذخیره پیامبرصلی الله علیه وآله.

در مناقب و بحار الانوار چنین نقل شده که:

«إِنَّهُ کانَ ذَخِیرَهَ النَّبِیّ فِی الْمُهِمّاتِ»؛(5)

«علی علیه السلام ذخیره پیامبر در مواقع مهم است».

1810 ذُو رَأی أَصِیلٍ

دارای رأی اصیل و ثابت.

مالک اشتر فرمانده بزرگ امام علی علیه السلام در جنگ صفّین، در بخشی از سخنرانی خود در توصیف و تعریف امام علیه السلام گفت:

«لَمْ یَکُنْ لَهُ صَبْوَهً وَلا نَبْوَهً وَلا هَفْوَهً، فَقِیهٌ فِی دِینِ اللَّهِ، عالِمٌ بِحُدُودِ اللَّهِ، ذُو رَأی أَصِیلٍ، وَصَبْرٍ جَمِیلٍ وَعِفافٍ قَدِیمٍ»؛(6)

1- 1849. گزیده مقالات، همایش علمی امام علی، هرمزگان.
2- 1850. بحارالأنوار، ج 34، ص 267.
3- 1851. مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 303.
4- 1852. مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 283.
5- 1853. بحارالانوار، ج 38، ص 305؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 228.
6- 1854. شرح نهج البلاغه، ج 5، ص 190؛ موسوعه امام علی ج 8، ص 373؛ وقعه صفّین، ص 238.

«اهل بیهوده گویی و خطاکاری و لغزش نیست، دانشمند در دین، عالم به حدود و احکام، و دارای رأی اصیل و صبر زیبا و عفاف دیرین است».

1811 ذُو الرَّیحانَتَینِ

امام علی علیه السلام صاحب دو دسته گل و پدر امام حسن و امام حسین علیهما السلام می باشد.(1)

1812 ذُو صَبْرٍ جَمِیلٍ

دارای صبر زیبا و نیکو.

همچنین مراجعه شود به: ذُو رَأْی أَصِیلٍ [1813]

1813 ذُو عِفافٍ قَدیمٍ

دارای عفاف دیرین.

همچنین مراجعه شود به: ذُو رَأْی أَصِیلٍ [1813]

1814 ذُو الْعَجایبِ

دارای امور عجیب و غریب است، چنان که آمده است:

«عَلِی خَلِیفَهُ الرَّبِّ، عَلِی ذُو الْعَجایبِ»؛(2)

«علی علیه السلام جانشین پروردگار است. علی علیه السلام دارای عجایب و شگفتی ها است».

1815 ذُو الْغَرایبِ

امور غیرعادی و معجزه آسا از او سر می زند، چنان که ذکر شده است:

«عَلِی ذُو الْعَجایبِ، عَلِی ذُو الْغَرایبِ»؛(3)

«علی کسی است که کارهای عجیب و شگفت و معجزه آسا انجام می دهد».

1816 ذَهَبَ الْعِلْمُ بِمَوْتِهِ

معاویه پس از شنیدن خبر شهادت حضرت علی علیه السلام گفت:

«ذَهَبَ الْفِقْهُ وَالْعِلْمُ بِمَوْتِ ابْنِ أَبِی طالِبٍ»؛(4)

«با مرگ و شهادت علی بن ابی طالب علیه السلام، علم و دانش نیز رخت بربسته است».

1817 رَئِیسُ الْبَکّائِینَ

بزرگ همه گریه کنندگان، به جهت کثرت و زیادی گریه از خوف خدای تعالی.

همچنین مراجعه شود به: أَکْبَرُ الْمُسْلِمِینَ [1702]

1818 رَئِیسُ الْفَضائِلِ

ابن ابی الحدید در مورد امام علی علیه السلام گوید:

«ما أَقُولُ فِی رَجُلٍ تُعَزّی إِلَیهِ کُلُّ فَضِیلَهٍ، وَتَنْتَهِی إِلَیهِ کُلُّ فِرْقَهٍ، وَتَتَجاذَبَهُ کُلُّ طائِفَهٍ، فَهُوَ رَئِیسُ الْفَضائِلِ وَینْبُوعُها، وَأَبُوعُذْرِها، وَسابِقُ مِضْمارِها، وَمُجَلِّی حَلْبَتِها»؛(5)

«چه بگویم در مورد مردی که هر فضیلتی به او منسوب است و هر فرقه ای به او منتهی می شود و هر طایفه ای او را به طرف خود می کشاند. او رئیس و سرآمد همه فضایل و سرچشمه و صاحب آن است. او پیشتاز میدان مسابقه و تجلّی کننده در میدان یکّه تازی است».

1819 رَئِیسُ الْفُقَهاءِ

بزرگ همه دانشمندان و فقیهان در دین.

همچنین مراجعه شود به: أَبْلَغُ الْواعِظِینَ [1631]

1- 1855. مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 287.
2- 1856. مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 303.
3- 1857. مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 303.

4- 1858. الفضائل الخمسه، ج 2، ص 305.
5- 1859. بحارالانوار، ج 41، ص 139؛ شرح نهج البلاغه، ج 1، ص 16؛ موسوعه امام على، ج 8، ص 396.

1820 رَئِیسُ الْمُفَسِّرِینَ

رئیس و بزرگ همه مفسران کتاب و دین.

همچنین مراجعه شود به: أَبْلَغُ الْواعِظِینَ [1631]

1821 رَأْیهُ عِلْمٌ وَ عَزْمٌ

رأی و نظرش از روی علم و یقین است.

همچنین مراجعه شود به: أَحْسَنُ الْقَوْمِ عَمَلاً [1644]

1822 الرّاغِبُ فِی الْأُخْری

مشتاق و شیفته آخرت.

روزی مغیره بن شعبه صعصعه بن صوحان، صحابی امام علی علیه السلام را در بین راه دید، سؤال کرد: کجا بودی، از کجا می آیی؟

صعصعه بن صوحان در پاسخ گفت:

«مِنْ عِنْدِ الْوَلِیّ التَّقِیّ الْجَوادِ الْحَیی الْحَلِیمِ الْوَفِیّ الْکَرِیمِ الْحَفِیّ، الْمانِعِ بِسَیفِهِ، الْجَوادِ بِکَفِّهِ، کَرِیمِ الْأَبْناءِ، شَرِیفِ الْآباءِ، حَسَنِ الْبَلاءِ، ثاقِبِ السِّنارِ، مُجَرَّبٍ مَشْهُورٍ شُجاعٍ مَذْکُورٍ، زاهِدٍ فِی الدُّنْیا، راغِبٍ فِی الْأُخْری ؛(1)

«از نزد حاکم پرهیزکار بخشنده باشرم بردبار وفادار سخاوت مند و پذیرنده ای که به شمشیرش باز می دارد و با دستش می بخشد. دارای فرزندان کریم و پدران شریف است. خوش آزموده، ستاره درخشان و تجربه دار مشهور و دلیر نام آور است. در دنیا زاهد است و شیفته آخرت می باشد.

مغیره گفت: این ها را که گفتی، از صفات امیرالمؤمنین علی علیه السلام است!

1823 رایهُ اللَّهِ

پرچم خدا.

در اشعار مرحوم حافظ رجب برسی آمده:(2)

یا رایهَ اللَّهِ فِی الْعِبادِ وَیا

سِرَّ الَّذِی لا إِلهَ إِلّا هُوَ

«ای پرچم خدا در بین بندگان و ای سرّ خدایی که جز او خدایی نیست».

1824 رایهُ الْمُهْتَدِینَ

پرچم هدایت یافتگان.

همچنین مراجعه شود به: إِمامُ الْعادِلِینَ [1709]

1825 رَبّانِی الْأَرْضِ

خداشناس روی زمین و پرورش دهنده آن.

همچنین مراجعه شود به: إِلَیهِ تَسْکُنُ الْأَرْضُ [1705]

1826 رَبّانِی الْعَرَبِ

خداشناس و خدایی شده از بین عرب.

همچنین مراجعه شود به: الْأَعْرَفُ بَینَ أَصْحابِهِ [1671]

1827 رَبِیبُ النَّبِیّ

ربیب؛ فرزندی غیر از اولاد خود انسان است که در دامان او پرورش می یابد.

علی علیه السلام ربیب پیامبر بود، به این جهت که بعد از رحلت عبد المطلب، ابوطالب سرپرستی حضرت محمد را برعهده داشت؛ لذا پیامبرصلی الله علیه وآله در خانواده ابوطالب بود. رسول خداصلی الله علیه وآله سی سال داشت که علی علیه السلام به دنیا آمد.

از آنجا که ابوطالب فرزندان زیادی داشت و وضع مالی خوبی نداشت، رسول خداصلی الله علیه وآله سرپرستی حضرت علی علیه السلام را به

عهده گرفت؛ پس علی علیه السلام از همان کودکی در دامان پیامبرصلی الله علیه وآله

ص:331

1- 1860. موسوعه امام علی، ج 8، ص 367.
2- 1861. مشارق انوار الیقین، ص 373.

بزرگ شد، کنار او می خوابید، پیامبرصلی الله علیه وآله غذا در دهانش می گذاشت، او را به تفریح می برد و تربیتش می کرد.

1828 الرَّبِیعُ الْباکِرُ

بهار باطراوت.

ابن عباس از امام علی علیه السلام تجلیل و تعریف کرده و گفت: او همانند ماه تابان است، و چون شیر در آشیانه و فرات خروشنده است و نیز مانند ربیع باکر؛ بهار باطراوت که دارای سرسبزی و بخشندگی است. (1)

1829 رُبِّی فِی بَیتِ التَّنْزِیلِ

در خانه ای پرورش یافته که خانه نزول وحی و قرآن بوده است.

همچنین مراجعه شود به: اسْتُقِی عُرُوقُهُ مِنْ مَنْبَعِ النُّبُوَّهِ [1658]

1830 رَفَعَ الْخِلافَهَ

با آمدنش و خلیفه شدنش، ارزش خلافت را بالا برد.

صعصعه بن صوحان از یاران امام علی علیه السلام هنگام بیعت با حضرت چنین گفت:

«وَاللَّهِ! یا أَمِیرَالْمُؤْمِنِینَ! لَقَدْزَیْنْتَ الْخِلافَهَ وَما زانَتْکَ، وَرَفَعْتَها وَما رَفَعَتْکَ، وَلَهِی إِلَیکَ أَحْوَجُ مِنْکَ إِلَیها»؛(2)

«ای امیرمؤمنان! به خدا قسم! این تو بودی که به خلافت زینت دادی، نه این که خلافت زینت تو شود؛ تو خلافت را بالا بردی، نه این که خلافت به تو مقام بدهد؛ و خلافت به تو بیشتر نیازمند بود».

1831 رَفِیعُ الْمَراتِبِ

درجه و مرتبه اش بسیار والا و بالا است.(3)

1832 الرَّوْحانِی

پاک سرشت و خوش نهاد.

همچنین مراجعه شود به: أَکْبَرُ الْمُسْلِمِینَ [1702]

1833 زَکِی الزَّکائَهِ

پاک و پروقار.

همچنین مراجعه شود به: أَکْبَرُ الْمُسْلِمِینَ [1702]

1834 زَوْجَتُهُ الْغَرّاءُ

غرّاء؛ باشرافت و بافضیلت و باحشمت، از القاب فاطمه زهراعلیها السلام است؛ یعنی امام علی علیه السلام هم خودش بافضیلت است و هم همسرش.(4)

1835 زَینَ الْخِلافَهَ

به خلافت زینت بخشید.

همچنین مراجعه شود به: رَفَعَ الْخِلافَهَ [1658]

1836 زِینَهُ الْعارِفِینَ

زینت عارفان و خداشناسان.

همچنین مراجعه شود به: إِمامُ الْعادِلِینَ [1709]

1837 السّامِی إِلَی الْمَجْدِ وَ الْعُلی

دارای مجد و عظمت و مقام عالی.

همچنین مراجعه شود به: أَفْخَرُ مَنْ ضَحِکَ وَبَکی [1686]

1838 سُبّاقُ الْمِضْمارِ الْقُدْسِ وَالْعِصْمَهِ

پیشی گیرنده در میدان قداست و عصمت.

همچنین مراجعه شود به: بَیاضُ صُبْحِ الْیقِینِ [1744]

1- 1862. بحارالانوار، ج 32، ص 605.
2- 1863. موسوعه امام على، ج 8، ص 366. الصوارم المهرقه، ص 6.
3- 1864. مناقب آل ابى طالب، ج 3، ص 281.
4- 1865. مناقب آل ابى طالب، ج 1، ص 310.

1839 سَبَقَ مَنْ قَبَلَهُ

گوی سبقت را از همه گذشتگان ربود.

همچنین مراجعه شود به: أَعْجَزَ مَنْ بَعْدَهُ [1668]

1840 السَّحابَهُ الْبَیضاءُ

ابر سفید، چنان که در تاریخ ثبت شده:

«وَیسَمُّونَهُ أَهْلُ السَّماءِ شَمْساطِیلَ... وَعِنْدَ الْمُؤْمِنِینَ السَّحابَهَ الْبَیضاءَ»؛(1)

«نام علی علیه السلام نزد اهل آسمان شمساطیل و نزد مؤمنان، ابر سفید می باشد».

1841 سَدَّ الْفُرجَهَ

راه های ورود بدعت در اسلام را بست.

همچنین مراجعه شود به: أَبادَ الْفِتْرَهَ [1629]

1842 سِراجُ الْماضِینَ

چراغ راه روندگان صراط خدا.

همچنین مراجعه شود به: أَکْبَرُ الْمُسْلِمِینَ [1702]

1843 سَکَّنَ الْغَمْرَهَ

سختی ها و مشکلات را راحت می کرد.

همچنین مراجعه شود به: أَبادَ الْفِتْرَهَ [1629]

1844 سَنامُ الْأَطْوَلُ

بلندمرتبه و قهرمان، و به مثابه نیزه بزرگ است. امام علی علیه السلام درباره فدک نامه ای به ابوبکر نوشت و او را تهدید کرد. عمر گفت: اعتنا نکن! ابوبکر گفت: تو خود می دانی که او از فرزندان عبدمناف است که همه از شجاعان بودند، خصوصاً علی بن ابی طالب؛

«فَإِنَّهُ بابُهَا الأكْبَرُ وَسَنامُهَا الأطْوَلُ، وَهُمامُهَا الأعْظَمُ؛(2)

«على علیه السلام باب اکبر و کوه بلندمرتبه و بزرگ ایشان و پادشاه بلندهمت و اعظم است».

1845 سَنامُ قُرَیشٍ

پرچم برافراشته قریش، چنان که معاویه در حضور عقیل، از امام علی علیه السلام تعریف کرده:

«کَیفَ لا أَقُولُ هذا فِی عَلِیّ بْنِ أَبِی طالِبٍ، وَعَلِی مِنْ هاماتِ قُرَیشٍ وَذَوائِبِها وَسَنامٌ قائِمٌ عَلَیها وَعَلِی عَلَامَتُها فِی شامِخٍ»؛(3)

«چطور از علی علیه السلام تعریف نکنم در حالی که او بااهمیت ترین افراد قریش و برجسته ترین آن است. او پرچم برافراشته قریش و علامت شامخ و برجسته آن است».

1846 السَّنَحْنَحِی

شب زنده دار.

همچنین مراجعه شود به: أَکْبَرُ الْمُسْلِمِینَ [1702]

1847 سَنَدُ مَنافٍ

نام پدر حضرت علی علیه السلام عبدمناف است؛ لکن به کنیه اش ابوطالب، بیشتر مشهور شد.(4) البته نام یکی دیگر از اجداد آن حضرت نیز می باشد. در زیارت مطلقه آن حضرت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا سَنَدَ مَنافٍ»؛(5)

«سلام بر تو ای سند مناف».

1- 1866. بحارالانوار، ج 35، ص 62؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 276.
2- 1867. بحارالانوار ج : 29 ص : 146

3- 1868. موسوعه امام علی، ج 8، ص 385.
4- 1869. موسوعه امام علی، ج 1، ص 61.
5- 1870. بحارالانوار، ج 97، ص 332.

1848 السَّهْمُ الصّائِبُ

تیر به هدف خورده.

حسن بصری گفته است:

«كانَ عَلِی وَاللَّهِ سَهْماً صائِباً مِنْ مَرامِی اللَّهِ عَلی عَدُوِّهِ»؛(1)

«به خدا قسم! علی تیر به هدف خورده الهی بر دشمنان است».

1849 سُباقُ كُلِّ مِضْمارٍ

برنده در هر میدان مسابقه.

همچنین مراجعه شود به: بَیاضُ صُبْحِ الْیقِینِ [1744]

1850 سَیدُ الْأَخْیارِ

آقای بهترین ها و بزرگ نیکان.(2)

1851 سَیدُ الْخَلْقِ

آقا و سرور مخلوقات خدای تعالی.

همچنین مراجعه شود به: الْاَرْیحِی [1655]

1852 سَیدُ السّابِقِینَ

آقا و سرور همه سابقان؛ آنان که در پذیرش اسلام سبقت گرفتند.

همچنین مراجعه شود به: أَكْبَرُ الْمُسْلِمِینَ [1702]

1853 سَیدُ الْعابِدِینَ

آقا و سرور عبادت کنندگان خدای تعالی.(3)

همچنین مراجعه شود به: الْاَرْیحِی [1655]

1854 سَیدُ الْقُرَیشِ

آقای قریش.

معاویه بن ابی سفیان، دشمن درجه یک امام علی علیه السلام، اعتراف کرده: علی آقای قریش است.

همچنین مراجعه شود به: أَسَدُ الْقُرَیشِ [1659]

1855 السَّیدُ القَسْوَرُ

آقا و سید و شیر شجاع.

در قسمتی از دعای بعد نماز عیدین آمده:

«وَصَلِّ علی عَلِی أَبِیهِ السَّیدِ الْقَسْوَرِ»؛(4)

«خدایا درود فرست بر پدرش علی، که آقا و سید و شیر شجاع است».

1856 سَیدُ الْقَوْمِ

آقا و بزرگ قوم.

همچنین مراجعه شود به: إِمامُ الْعادِلِینَ [1709]

1857 سَیدُ الْکَوْنَینِ

علی علیه السلام، آقای دو جهان است؛ هم در این دنیا و هم در آخرت، آقا و سرور است.

1858 سَیدُ لَهامِیمِ الْأَوْصِیاءِ

سرور بزرگان و سخاوتمندان.

همچنین مراجعه شود به: بَیاضُ صُبْحِ الْیقِینِ [1744]

1859 سَیدُ الْمُجاهِدِینَ

بزرگ ترین مجاهد در راه خدا.

همچنین مراجعه شود به: أَبْلَغُ الْواعِظِینَ [1631]

1860 سَیدُ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدی

هم بزرگ بود و هم ردای بزرگی و عظمت به تن داشت. بهترین کسی که جامه و ردا پوشیده است.

همچنین مراجعه شود به: أَفْخَرُ مَنْ ضَحِکَ وَبَکی [1686]

ص:334

1- 1871. العدد القویه، ص 250؛ شرح نهج البلاغه، ج 4، ص 95؛ موسوعه امام علی، ج 8، ص 416.
2- 1872. بحارالانوار، ج 35، ص 1.
3- 1873. مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 303.
4- 1874. اقبال الاعمال، ص 299.

1861 سَيدُ النُّجَباءِ

نجیب؛ شخص فاضل و کریم و باحسب و نسب. علی علیه السلام سرور همه نجیبان است.(1)

1862 سَيدُ الْوَقُورِ الْبَهُورِ

آقای بزرگوار زیبا

همچنین مراجعه شود به: بَياضُ صُبْحِ الْيقِينِ [1744]

1863 سَيفُهُ الْفالِقُ

دارای شمشیر شکافنده و برّان است.

از کسی خواستند که علی علیه السلام را هجو و مسخره کند، بعد از تعریفات زیاد گفت: آیا مثل چنین کسی را هجو کنم:

«وَعَزْمُهُ الْحاذِقُ وَقَوْلُهُ الصّادِقُ وَسَيفُهُ الْفالِقُ»؛(2)

«او عزم و اراده اش همراه با دوراندیشی است، سخنش راست و شمشیرش شکافنده است».

1864 شَأْنُهُ حَقٌّ و صِدْقٌ و رِفْقٌ

همه امورش برمبنای حقیقت و صداقت و مدارا است.

همچنین مراجعه شود به: أَحْسَنُ الْقَوْمِ عَمَلاً [1644]

1865 الشّاكِرُ

شکرگزار و سپاس گزار؛ به خصوص هنگام سختی و ناملایمات زندگی.

همچنین مراجعه شود به: أَخَذَ الْعِلْمَ فَوَفَّرَهُ [1648]

1866 شاهُ الْعَرَبِ

داود بن سلیمان می گوید: پیری را دیدم که بر استر نشسته و مردم اطراف وی را گرفته بودند. گفتم: این کیست؟ گفتند:

«هذا شاهُ الْعَرَبِ، هذا عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ علیه السلام»؛(3)

«این شاه عرب، این علی بن ابی طالب است».

1867 الشُّجاعُ

کفعمی در خطبه عیدین، این عنوان را در معرفی امام علی علیه السلام ذکر کرده:

«الْإِمامُ الْمُظَفَّرُ وَالشُّجاعُ الْغَضَنْفَرُ أَبِی شُبَیرٍ وَشَبَرٍ»؛(4)

«امام ظفرمند و شجاع شیر و قهرمان، که پدر حسن و حسین است».

1868 الشُّجاعُ الْأَقْرَعُ

از اوصافی است که بحیرای راهب قبل از تولد امیرمؤمنان علیه السلام، برای آن حضرت به کار برده است.

همچنین مراجعه شود به: الْبَطَلُ الْهاصِرُ [1737]

1869 الشُّجاعُ الْجَرِی

فرد دلیر و دلاور و شیر درّنده.

همچنین مراجعه شود به: الْاَرْیحِی [1655]

1870 شَدِیدُ الْقُوی

دارای قوت و شجاعت و نیروی زیاد.

همچنین مراجعه شود به: بَعِیدُ الْمُدی [1740]

1871 شَرُوحِیلُ

نام امام علی علیه السلام به زبان سریانی.(5)

1872 شَرِیفُ الْآبَاءِ

پدران و اجدادش همه شریف و بزرگوارند.

همچنین مراجعه شود به: الرّاغِبُ فِی الآخْرى [1822]

ص:335

1- 1875. مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 32.
2- 1876. بحارالانوار، ج 46، ص 324؛ العدد القویه، ص 254.
3- 1877. بحارالانوار، ج 35، ص 62.
4- 1878. المصباح، ص 718.
5- 1879. بحارالانوار، ج 35، ص 62؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 276.

1873 شَرِيفُ الْأَصْلِ

خانواده و اصل و نسبش باشرافت هستند.

همچنین مراجعه شود به: الْاَرْيحِی [1655]

1874 شَرِيفُ الْفَضْلِ

دارای فضایل و مناقب شریف است.

همچنین مراجعه شود به: أَكْبَرُ الْمُسْلِمِينَ [1702]

1875 شُعارُهُ كهيعص

مجاهدان در میدان نبرد، به دستور پیامبرصلی الله علیه وآله، قبل از جنگ شعار می دادند.

اصبغ بن نباته نقل می کند: حضرت علی علیه السلام پیوسته در میدان کارزار ندا می داد: کهیعص!(1)

1876 شَمَّرَ إِذَا اجْتَمَعَ الْقَوْمُ

وقتی مردم با او بیعت کردند، او دامن همت به کمر بست و از هیچ کوششی فروگذار نکرد.

همچنین مراجعه شود به: أَحْسَنُ الْقَوْمِ عَمَلاً [1644]

1877 شَمْساطِيلُ

نامی است که اهل آسمان ها برای وصی خاتم الانبیا انتخاب نموده اند، چنان که از داود بن سلیمان نقل شده:

«يسَمُّونَهُ أَهْلُ السَّماءِ شَمْساطِيلَ»؛(2)

«اهل آسمان، آن حضرت را شمساطیل نامیده اند».

1878 شَمْسُ النَّهارِ

بشر بن منقد العبدی، شاعر و صحابی امام علی علیه السلام درباره ایشان و فرزندانش سروده:

«أَباحَسَنٍ! أَنْتَ شَمْسُ النَّهارِ

وَهذانِ فِی الْحادِثاتِ الْقَمَرُ»؛(3)

«ای پدر حسن! تو خورشید روزی و این دو فرزندانت ماه روزگاران می باشند».

1879 شَهِیدُ الْقَدْرِ وَالْمِحْرابِ

درباره امیرالمؤمنین علیه السلام گویند:

«قُتِلَ فِی مِحْرابِهِ لِشِدَّهِ عَدْلِهِ»؛(4)

«علی کسی است که به خاطر پافشاری در عدل و عدالتش، در محراب عبادتش به شهادت رسید».

شعر معروفی است که می گوید:

نباشد به کس این سعادت

به کعبه ولادت به مسجد شهادت

آری! او تنها کسی است که در خانه خدا و کعبه معظمه به دنیا آمد. افتخاری که نه قبل از آن و نه بعد از آن نصیب هیچ کسی نشد، و در نهایت در بهترین ماه، ماه رمضان؛ در بهترین شب آن، شب قدر؛ در بهترین زمان، سحرگاه؛ در بهترین مکان، مسجد؛ در بهترین نقطه آن، محراب؛ و دربهترین حالت بنده با خدا، سجده به دست اشقی الاشقیا به شهادت رسید.(5)

1880 الشَّیخُ

شخصی از ابوذر پرسید: به هنگام اختلافات چه کنیم؟ گفت:

1- 1880. موسوعه امام علی، ج 4، ص 299؛ فرهنگ غدیر.

2- 1881. بحارالانوار، ج 35، ص 62؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 276.
3- 1882. موسوعه امام علی، ج 9، ص 80؛ شرح نهج البلاغه، ج 8، ص 68.
4- 1883. فرهنگ غدیر، ص 324.
5- 1884. بحارالانوار، ج 42، ص 280؛ الفضائل، ص 57.

«عَلَیکَ بِهاتَینِ الْخَصْلَتَینِ: کِتابِ اللَّهِ، وَالشَّیخِ عَلِیّ بْنِ أَبِی طالِبٍ»؛(1)

«بر تو لازم است که به این دو متمسک شوی: کتاب خدا (قرآن) و امام علی بن ابی طالب».

1881 شَیخُ الْأَئِمَّهِ

در مقایسه حضرت نوح علیه السلام با امام علی علیه السلام چنین گفته شده: نوح علیه السلام، شیخ المرسلین است و علی علیه السلام، شیخ الائمه علیهم السلام می باشد.(2)

1882 صاحِبُ الْآبارِ

صاحب چاه ها.

چاه هایی که حضرت در مدت عمر، به خصوص در دوران غربت خود، در محدوده مسجد شجره آنها را برای استفاده زائران، حفر و وقف فقرا نمود.

این چاه ها هنوز هم آب دهی دارد و به «آبار علی» معروف است.

1883 صاحِبُ أَخِ القُرْآنِ

اخو القرآن و برادر قرآن تعبیری است که به جهت فصاحت و بلاغت بالای نهج البلاغه برای آن به کار می برند، و صاحب آن نیز کسی نیست جز امام علی بن ابی طالب علیه السلام.

1884 صاحِبُ الْأَرْضِ

از ابن عباس سؤال کردند: چرا رسول خداصلی الله علیه وآله علی علیه السلام را ابوتراب نامید؟ پاسخ داد: چون علی علیه السلام صاحب زمین است؛ یعنی پس از پیامبر خداصلی الله علیه وآله، حجّت الهی بر زمینیان است و آرامش زمین به سبب او باقی است.(3)

1885 صاحِبُ الْبَلاءِ الْعَظِیمِ

هنگامی که از صعصعه بن صوحان، درباره امام علی علیه السلام سؤال کردند، گفت:

«إِنَّهُ جَمَعَ الْحِلْمَ وَالسِّلْمَ وَالْعِلْمَ وَالْقِرابَهَ الْقَرِيبَهَ وَالْهِجْرَهَ الْقَدِيمَهَ وَالْبَلاءَ الْعَظِيمَ فِی الْإِسْلامِ»؛(4)

«همانا او بین حلم و بردباری و دین ودانش را جمع نموده و نیز قرابت نزدیک با پیامبر و مهاجرت پیشین و امتحانات و گرفتاری های بزرگ در اسلام دارد».

1886 صاحِبُ دَكَّهِ الْقَضاءِ

امیرمؤمنان علیه السلام زمان خلافت خود در مسجد کوفه و بر سکویی می نشست و به قضاوت می پرداخت، به همین مناسبت آن سکّو را دکّه القضاء نامیدند.(5)

1887 صاحِبُ الدُّلْدُلِ

دُلدُل سوار.

دلدل نام مرکب و استر امام علی علیه السلام بود که از حاکمان مصر به پیامبرصلی الله علیه وآله رسید و حضرت آن را به ایشان بخشیده بود.

از امام علی علیه السلام سؤال کردند: چرا بر اسب سوار نمی شوید؟ حضرت پاسخ داد: چون اسب برای تعقیب و فرار است و من نه آن را که

1- 1885. موسوعه امام علی، ج 2، 244.
2- 1886. بحارالانوار، ج 39، ص 49؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 242.
3- 1887. معانی الاخبار، ص 120؛ فرهنگ غدیر،
4- 1888. موسوعه امام علی، ج 8، ص 367.
5- 1889. فرهنگ غدیر.

بگریزد تعقیب می کنم و نه کسی هستم که از دشمن فرار کنم، همین استر مرا کافی است.(1)

1888 صاحِبُ رَمَضانٍ

رفیق و همراه ماه مبارک رمضان.

هرگاه نام ماه مبارک رمضان به زبان می آید، نام امیرمؤمنان علیه السلام نیز تداعی می شود، نام شب های قدر با نام امام علی علیه السلام عجین است، و مسلمانان کتاب قرآن را با یاد قرآن ناطق بر سر می گذارند؛ چرا که شب نوزدهم، شب ضربت خوردن آن حضرت؛ شب بیست و یکم، شب شهادت ایشان و شب بیست و سوم به عنوان شب ختم آن امام همام، بزرگ داشته می شود.

1889 صاحِبُ شُرْطَهِ الْخَمِیسِ

امام علی علیه السلام دارای یک گروه چندهزار نفری از یاران مخلص و جان برکف بود که با او پیمان شهادت بسته بودند. افرادی که همیشه آماده بودند تا به هر مأموریتی اعزام شوند.

روایتی از امام صادق علیه السلام، تعداد این یاران را پنج هزار نفر دانسته است.(2)

1890 صاحِبُ الصَّولَهِ الْحَیدَرِیهِ

به جهت شجاعت و دلاوری آن حضرت در جنگ ها، در برخی از دعاها وارد شده است.(3)

1891 صاحِبُ الْعَمامَهِ

دارنده عمامه مخصوصی است که مطابق برخی از روایات، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بعد از واقعه غدیر، عمامه معروف خود به نام سحاب را، بر سر مبارک امام علی علیه السلام گذاشت.(4)

1892 صاحِبُ الْغُرَرِ وَ الدُّرَرِ

مراد کتاب «غررِ الحکم و درر الکلم» است که مؤلّف آن، محدّث بزرگ شیعه عبدالواحد آمدی، احادیث و کلمات کوتاه و حکمت گونه آن حضرت را

که مانند گوهر می درخشند، را جمع آوری نموده است.

1893 صاحِبُ الْقَرابَهِ الْقَرِیبَهِ

کسی که قرابتش نسبت به رسول خداصلی الله علیه وآله از همه نزدیک تر بود.

همچنین مراجعه شود به: صاحِبُ الْبَلآءِ الْعَظِیمِ [1885]

1894 صاحِبُ قَلْبِ الْعَقُولِ

کسی که دارای قلب خردمند است.

همچنین مراجعه شود به: إِمامُ الْعادِلِینَ [1709]

1895 صاحِبُ اللِّسانِ السَّؤُولِ

کسی که زبان پرسش گر دارد.

همچنین مراجعه شود به: إِمامُ الْعادِلِینَ [1709]

1896 صاحِبُ الْمُصْحَفِ

علی علیه السلام برجسته ترین کاتب وحی و نخستین گردآورنده و حافظ آیات قرآن در زمان رسول خداصلی الله علیه وآله بود. پس از رحلت پیامبر در خانه نشست و به تدوین قرآن پرداخت، نسخه ای که حضرت فراهم نمود و شامل بیان شأن نزول و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه

1- 1890. فرهنگ غدیر.
2- 1891. فرهنگ غدیر.
3- 1892. فرهنگ غدیر.
4- 1893. زاد المعاد، ج 1، ص 121؛ غدیرشناسی، ص 125.

و تفسیر آیات بود، که به «مصحف علی علیه السلام» معروف گشت. وقتی آن را به مسجد آورد؛ مورد بی توجهی خلفا و مردم واقع شد، پس دیگر کسی آن را ندید؛ بلکه نزد اهل بیت علیهم السلام محفوظ ماند و اینک در اختیار امام زمان علیه السلام قرار دارد.(1)

1897 صاحِبُ نَهْجِ الْبَلاغَهِ

نهج البلاغه کتابی است که از حیث فصاحت و بلاغت، آن را أخ القرآن یعنی برادر قرآن می نامند. این کتاب شامل خطبه ها و نامه ها و حکمت های امیرمؤمنان علیه السلام است که مرحوم سید رضی آن را از کتاب های مختلف حدیثی گردآوری نموده است.

1898 صاحِبُ الْهِجْرَهِ الْقَدِیمَهِ

کسی که دارای سابقه مهاجرت پیشین است.

همچنین مراجعه شود به: صاحِبُ الْبَلآءِ الْعَظِیمِ [1885]

1899 صَبَرَ إِذْ أَسْرَعَ الْقَوْمُ

آن گاه که همه مردم دچار شتاب زدگی شدند، او صبر و بردباری را پیشه خود کرد.

همچنین مراجعه شود به: أَحْسَنُ الْقَوْمِ عَمَلاً [1644]

1900 الصَّبِی

از جابر انصاری نقل شده: هنگامی که رسول خداصلی الله علیه وآله امیرمؤمنان علیه السلام را به سوی مکّه فرستاد، گفتند: «بَعَثَ هذَا الصَّبِی»؛ این جوان را به سوی ما فرستاده. ای کاش کسی دیگر را می فرستاد؛ چون در مکّه بزرگانی هستند. پس آن حضرت صبی نامیده شد.(2)

1901 صَفْدَر

برای بیان شجاعت و فداکاری و پهلوانی امام، که در کلام فارسی زبان ها به کار می رود.(3)

1902 صَفْوُ رَوْقَهِ الْأَنامِ

خالص و برگزیده خلایق و آفریده ها.

همچنین مراجعه شود به: بَیاضُ صُبْحِ الْیقِینِ [1744]

1903 الصِّنْدِیدُ

بزرگ و مهتر و دلاور قوم.

همچنین مراجعه شود به: أَکْبَرُ الْمُسْلِمِینَ [1702]

1904 صَوْتُ الْعَدالِهِ الْإِنْسانِیهِ

عدالت آن حضرت چنان جاذبه ای داشت که جرج جرداق مسیحی در کتابی که پیرامون شخصیت ایشان نوشته، آن را مترادف نام حضرت قرار داده و نوشته: الإمام علی علیه السلام، صوت العداله الانسانیه؛ علی علیه السلام صدای عدالت همه انسان ها در طول تاریخ است.(4)

1905 الضَّحّاکُ

بسیار خنده رو و بشّاش.

از تعریفات عمرو عاص برای امام بود.

همچنین مراجعه شود به: بَکّاءٌ فِی الْمِحْرابِ [1741]

1906 ضَوْءُ الْقائِمِینَ

نور شب زنده داران و قیام کنندگان.

همچنین مراجعه شود به: أَکْبَرُ الْمُسْلِمِینَ [1702]

1- 1894. بحارالانوار، ج 89، ص 43؛ فرهنگ غدیر .
2- 1895. بحارالانوار، ج 30 ص 217؛ تفسیرعیاشی ج 1 ص 279.
3- 1896. فرهنگ غدیر.
4- 1897. فرهنگ غدیر.

1907 الطّالِبِی

یکی از محکومین به قطع دست در معرفی و تمجید از امام علی علیه السلام به زبان آورده است.(1)

همچنین مراجعه شود به: الْاَرْیحِی [1655]

1908 الطّالِعُ

جمال آفتابی.

همچنین مراجعه شود به: أَعْظَمُ النّاسِ مَنْزِلَةً [1679]

1909 طَوْدُ کُلِّ وَقّارٍ

اصل و اساس هر فراوانی.

همچنین مراجعه شود به: بَیاضُ صُبْحِ الْیقِینِ [1744]

1910 طَوْدُ النُّهی

اصل و ریشه همه بذل و بخشش ها.

همچنین مراجعه شود به: أَفْخَرُ مَنْ ضَحِکَ وَبَکی [1686]

1911 طَوِیلُ السُّهادِ

شب زنده دار.

هنگامی که معاویه از ضرار بن ضمره خواست که امام علی علیه السلام را توصیف کند، ضرار در پاسخ به معاویه و توصیف حضرت گفت:

«رَحِمَ اللَّهُ عَلِیاً کانَ وَاللَّهِ طَویلَ السُّهادِ، قَلِیلَ الرِّقادِ»؛(2)

«خدا رحمت کند علی را، به خدا قسم! بیداری اش بسیار و خوابش کم بود».

1912 طَوِیلُ الْفِکْرَهِ

...

دارای تفکّر طولانی بود.

همچنین مراجعه شود به: أَفْخَرُ مَنْ ضَحِکَ وَبَکی [1686]

1913 طَیبُ الْأَخْلاقِ

دارای اخلاق طیب و نیکو.

همچنین مراجعه شود به: أَخَذَ الْعِلْمَ فَوَفَّرَهُ [1648]

1914 ظَلَفَتْ نَفْسُهُ عَنِ الشَّهَوَاتِ

نفس خود را از لذّت های مادّی و شهوات نفسانی بازگرفت.

همچنین مراجعه شود به: أَخَذَ الْعِلْمَ فَوَفَّرَهُ [1648]

1915 الظَّهِیرُ

قوی و شدید و نیرومند و به معنای پشتیبان نیز می آید.

حضرت علی علیه السلام فرمود:

«أَنَا اسْمِی فِی الاِنْجِیلِ اِلْیا... وَعِنْدَ أَبِی ظَهِیرٌ»؛(3)

نام من در انجیل الیا و نزد پدرم ظهیر هستم».

1916 عافَ الْعارَ

عیب و عار را به کناری گذاشته.

همچنین مراجعه شود به: أَبَدَّ الْأَوْصافَ [1630]

1917 عالِمُ الْأَرْضِ

دانشمند و تنها عالم روی زمین.

همچنین مراجعه شود به: إِلَیهِ تَسْکُنُ الْأَرْضُ [1705]

1918 عالِمٌ غَیرُ جاهِلٍ

عالمی که به هیچ موضوعی جهل ندارد.

عبداللَّه بن ربیعه از اهل مکه می گوید: همراه کارگزار ابن زبیر بودم، کتابی را از زیر سنگی به دست آوردند، که قسمتی از آن در توصیف امام علی علیه السلام نوشته شده بود:

«الْخَلِیفَهُ فِی أُمَّتِهِ، فَلا یزالُ مُبْغِضاً مَحْسُوداً مَخْذُولاً وَمِنْ حَقِّهِ مَمْنُوعاً، لِأَحْقادٍ فِی الْقُلُوبِ وَضَغائِنَ

1- 1898. بحارالانوار، ج 34، ص 267.
2- 1899. بحارالانوار، ج 41، ص 14؛ امالی صدوق، ص 624.
3- 1900. بحارالانوار، ج 35، ص 46.

فِی الصُّدُورِ، لِعُلُوِّ مَرْتَبَتِهِ وَعِظَمِ مَنْزَلَتِهِ وَعِلْمِهِ وَحِلْمِهِ، وَهُوَ وارِثُ الْعِلْمِ وَمُفَسِّرُهُ، مَسْؤُولٌ غَیرُ سائِلٍ، عَالِمٌ غَیرُ جاهِلٍ، کَرِیمٌ غَیرُ لَئِیمٍ، کَرّارٌ غَیرُ فَرّارٍ»؛(1)

«او خلیفه در امّتش می باشد و پیوسته مورد بغض و حسد قرار گرفته و از حقش منع شده، به جهت کینه هایی که در قلوب و دلها بود و نیز به جهت مرتبه عالی و منزلت عظیم و زیادی علم و حلم او، او وارث همه دانش ها و مفسر آن است، همه از او سؤال می کنند؛ ولی او از کسی سؤال ندارد. عالمی است که به هیچ موضوعی جهل ندارد، بخشنده و کریم تام و تمام، و حمله کننده است بدون اینکه فرار کند».

1919 عالِمُ کُلِّ عِلْمٍ

به تمام دانش ها و علوم آگاهی دارد.

این لقب تنها برازنده امیرالمؤمنین علیه السلام است که بارها فرمود:

«سَلُونِی قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِی»؛

«هرچه می خواهید از من بپرسید قبل از اینکه مرا از دست بدهید».(2)

1920 الْعالِمُ الْمَکِینُ

دانای باشرافت و مکانت.

در قسمتی از زیارتی که مرحوم شیخ مفید برای روز عاشورا نقل کرده، امیر مؤمنان علیه السلام به «العالم المکین» توصیف شده است.(3)

1921 عالِی الرِّقابِ

برتر و بزرگ گردن فرازان.

همچنین مراجعه شود به: أَکْبَرُ الْمُسْلِمِینَ [1702]

1922 عِدْلُ الْقُرْآنِ

انسان کاملی که وجود و جانش با وجود قرآن برابری می کند. در ادبیات فارسی به همتای قرآن متداول است، چنان که از حدیث ثقلین گرفته

شده؛ چون بر آن اساس، قرآن و امام، کُفو و عِدل و همتا و همپای یکدیگر معرفی شده اند.

1923 الْعَدْلُ الْمُتَمَثَّلُ

اگر بخواهند عدل را به صورت انسان درآورند، به صورت علی علیه السلام متمثّل خواهد شد. و این همه به جهت شدت رعایت عدالت در تمام هستی علی علیه السلام است، که او را به عنوان آیت کبرای عدل خداوند درآورده است.(4)

1924 عَذْبُ الْمَشْرَبِ

خوش مشرب و خوش برخورد.

همچنین مراجعه شود به: جَلِی الصَّفْحَهِ [1765]

1925 الْعَزّامُ

باعزم و اراده و مصمّم.

همچنین مراجعه شود به: أَکْبَرُ الْمُسْلِمِینَ [1702]

1926 عَزمُهُ الْحاذِقُ

دارای عزم و اراده و دوراندیشی.

همچنین مراجعه شود به: سَیفُهُ الْفالِقُ [1863]

1- 1901. بحارالانوار، ج 36، ص 267؛ الصراط المستقیم، ج 2، ص 141.
2- 1902. الاحتجاج، ج 1، ص 88.
3- 1903. بحارالانوار، ج 98، ص 322.
4- 1904. علی مظهر اسمای حسنای الهی، آیت اللَّه جوادی آملی.

1927 عِصامُ بَرِيهِ اللَّهِ

نشانه گذار اولیای الهی.

همچنین مراجعه شود به: بَیاضُ صُبْحِ الْیقِینِ [1744]

1928 عَظِیمُ الْبَلاءِ

هنگام بیعت عمومی مردم با امام علی علیه السلام، برخی از بزرگان به ایراد سخنرانی پرداختند؛ از جمله مالک اشتر گفت:

«أَیهَا النّاسُ! هذا وَصِی الْأَوْصِیاءِ وَوارِثُ عِلْمِ الْأَنْبِیاءِ، الْعَظِیمُ الْبَلاءِ، الْحَسَنُ الْعِناءِ»؛(1)

«ای مردم! این وصی همه اوصیای پیامبران گذشته، وارث علم همه انبیا است، او که ابتلائاتش بزرگ و مدارا و حسن سیاستش نیکو است».

1929 عَظِیمُ الشَّرَفِ

دارای شرف و عزّت بزرگ و عظیم.

توصیفی است که در گفتگوی بین معاویه و عمرو عاص برای امام علی علیه السلام مطرح شد.(2)

1930 عَفِیفُ الْمَطْلَبِ

شخص پاک سخن.

همچنین مراجعه شود به: جَلِی الصَّفْحَهِ [1765]

1931 عَلا إِذْ هَلَعَ الْقَوْمُ

آن گاه که مردم بی تاب شدند، تو والا شدی.

همچنین مراجعه شود به: أَحْسَنُ الْقَوْمِ عَمَلاً [1644]

1932 عِلْمُ الْوَرى

سرمنشأ علم و دانش مردم.

همچنین مراجعه شود به: أَفْخَرُ مَنْ ضَحِکَ وَبَکی [1686]

1933 عَمَدَ الْإِنْصافِ

پایه های انصاف را استوار نمود.

همچنین مراجعه شود به: أَبَدَّ الْأَوْصافَ [1630]

1934 عَمَلَ لِلَّهِ فِی الْغَفَلاتِ

در هنگام غفلت همه مردم، او خالصانه برای خدا کار می کرد.

همچنین مراجعه شود به: أَخَذَ الْعِلْمَ فَوَفَّرَهُ [1648]

1935 عَینُ الْمَشارِقِ و الْمَغارِبِ

بر تمام مشرق ها و مغرب های عالم، علم و آگاهی دارد و حاضر و ناظر همه چیز است.(3)

همچنین مراجعه شود به: الْاَرْیحِی [1655]

1936 غالِبُ کُلِّ غالِبٍ

کسی که هر پهلوانی در مقابل او زمین خورده است، هر شجاعی در مقابل او ضعیف است، هر پیروزی در برابر او شکست خورده است و هر غالبی پیش او مغلوب است. شاهد آن نزد همه مورخان در کتب شیعه و سنّی ثبت است که چگونه پشت پهلوانان و قهرمانان مشرک عرب را به خاک مالیده است.(4)

1937 غَرِیزُ الْعَبْرَهِ

از خوف خداوند، مدام اشکش جاری بود.

همچنین مراجعه شود به: بَعِیدُ الْمُدی [1740]

1938 الْغَضَنْفَرُ

شیر شجاع و ظفرمند.

همچنین مراجعه شود به: الشُّجاعُ [1867]

1- 1905. موسوعه امام علی، ج 4، ص 79.
2- 1906. بحارالانوار، ج 33، ص 49.
3- 1907. بحارالانوار، ج 34، ص 268.
4- 1908. بحارالانوار، ج 41، ص 72؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 281.

1939 غَيثُ الرَّبِيعِ

باران بهاری.

سید حمیری در قصیده خود، در مدح امام علی علیه السلام گفته است:(1)

عَلِی هُوَ الْغَیثُ الرَّبِیعُ مَعَ الْحَبا

إِذا نَزَلَتْ بِالنّاسِ الْمَصائِبُ

1940 غَیثُ الْوَری

بر بندگان خدا باران رحمت بود.

همچنین مراجعه شود به: الْاَرْیحِی [1655]

1941 الغَیثُ الْهاطِلُ

باران ریزان و پرمنفعت.

همچنین مراجعه شود به: تاجُ الْفُقَهآءِ [1748]

1942 الْفائِقُ بِثَوابِ الصِّدِّیقِینَ

به ثواب و درجه صدّیقین رسیده.

همچنین مراجعه شود به: الْأَعَزُّ الْمَأْثُورُ [1674]

1943 فاتِحُ الْأَحْزابِ

مشرکان قریش با همکاری کافران، ملحدان یهودیان و تمام گروه ها و حزب های مخالف اسلام، پایتخت و یگانه شهر اسلام؛ یعنی مدینه را با تمام قوا محاصره کردند تا کار پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله را یکسره کنند. اطراف مدینه خندق کنده شد تا دشمن حمله نکند؛ ولی چند نفر از قهرمانان به فرماندهی عمرو بن عبدود از خندق عبور کردند. تنها کسی که جرأت کرد مقابل عمرو بن عبدود بایستد، علی علیه السلام بود که پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: تمام کفر در مقابل تمام اسلام قرار گرفته است.

با کشته شدن این قهرمان کفر بود که سپاه دشمن از هم پاشید و امام علی علیه السلام عنوان فاتح احزاب را از آن خود کرد.

1944 فاتِحُ خَیبَرٍ

رسول خداصلی الله علیه وآله پیامبر رحمت و رأفت، بعد از هجرت و با ورود به مدینه منوّره با تمام قبایل و مذاهب موجود آنجا از یهود و نصاری، پیمان برابری و صلح و عدم جنگ منعقد کرد، لکن یهودیان هنگام جنگ احزاب (خندق) و قبل از آن، به جای این که با مسلمانان همشهری خود همکاری کنند، با مشرکان قریش و کافران همدست شدند و قصد داشتند از پشت به مسلمانان خنجر بزنند و حتی برخی اعمال خراب کارانه که نشانه نقض عهد آنان بود، نیز انجام دادند؛ لذا پیامبر و مسلمانان تصمیم گرفتند ریشه این فتنه که در قلعه های خیبر بودند، را قطع کنند.

مدتی قلعه ها محاصره شد، هر روز گروهی به فرماندهی شخصی حمله می کردند؛ ولی کاری از پیش نمی رفت. تا این که در آخرین مرحله، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله امیرمؤمنان علیه السلام را فرستاد و خدای تعالی نیز فتح و پیروزی را نصیب حضرت و مسلمانان کرد.

1945 فارِجُ الْکَرْبِ

گشاینده مشکلات و از بین برنده همّ و غم.

در وصف امام علی علیه السلام آمده است:

1- 1909. مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 291.

«عَلِی فارِجُ الْکَرْبِ، عَلِی خَلِیفَهُ الرَّبِّ»؛(1)

«علی علیه السلام کسی است که گشایش دهنده مشکلات و گرفتاری هاست، علی علیه السلام خلیفه و جانشین پروردگار برای بندگان است».

1946 فارِجُ الْهَمِّ وَ الْغَمِّ

گشاینده و برطرف کننده همّ و غمّ.

ابوبکر به آن حضرت عرض کرد:

«أَنْتَ یا عَلِی! کاشِفُ الْکُرُباتِ، أَنْتَ یا عَلِی! فارِجُ الْهَمِّ وَالْغَمِّ»؛(2)

«تو ای علی! برطرف کننده هر نوع غم و اندوه و مشکلی هستی».

1947 فارِسُ الْعَرَبِ (تک سوار عرب)

کنایه از فرد دلیر و شجاع و جنگجوی سوارکار و پهلوان است که مردم در محاورات خود از این عنوان استفاده می کنند.

1948 الْفارِسُ الْقَمْقامُ

جنگجو و قهرمان سوارکار است.

همچنین مراجعه شود به: الْبَدْرُ التَّمامُ [1729]

1949 فاضِلُ الْقَبِیلَهِ

بهترین فرد از قبیله و خاندان.

همچنین مراجعه شود به: أَکْبَرُ الْمُسْلِمِینَ [1702]

1950 الْفَرِیقُ

«الْجَسُورُ الَّذِی یهابُهُ النّاسُ»؛(3) «فرد شجاعی که مردم از عظمت و هیبتش به او نزدیک نمی شدند».

خود آن حضرت بیان فرمود:

«أنَا اسْمِی فِی الاِنْجِیلِ اِلّیا وَعِنْدَ الْأرْمَنِ فَرِیقٌ»؛(4)

«نام من در انجیل الیا و نزد ارمن، فریق است».

1951 فَقیهٌ فِی دِینِ اللَّهِ

کارشناس و عالم در دین خدا.

همچنین مراجعه شود به: ذُو رَأْی أَصِیلٍ [1813]

1952 فَلّاقُ الْأَغْلاقِ

شکننده و باز کننده غل و زنجیرها.

در مقایسه امام علی علیه السلام با حضرت داودعلیه السلام قرآن کریم در مورد داودعلیه السلام می فرماید:

«بَقِیهٌ مِمّا تَرَکَ آلُ مُوسی وَآلُ هارُونَ...»؛(5)

«این است (صندوق عهد) که یادگارهای خاندان موسی و هارون در آن قرار دارد...».

در مورد امام علی و اولادش علیهم السلام می فرماید: «بَقِیتُ اللَّهِ خَیرٌ لَّکُمْ إِنْ کُنْتُم مُّؤْمِنِینَ...)؛(6)

«آنچه خداوند برای شما باقی گذارده (از سرمایه های حلال)، برایتان بهتر است اگر ایمان داشته باشید».

برای حضرت داودعلیه السلام سلسله حکومت بود؛ ولی برای علی علیه السلام باز کردن زنجیرها.(7)

1953 فُلْکُ نُوحٍ

عمرو عاص امام علی علیه السلام را به کشتی نوح تشبیه کرده است.

همچنین مراجعه شود به: بَکّاءٌ فِی الْمِحْرابِ [1741]

1- 1910. مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 302.
2- 1911. الفضائل، ص 132.
3- 1912. بحارالانوار، ج 35، ص 48.
4- 1913. بحارالانوار، ج 35، ص 46؛ معانی الاخبار، ص 61.
5- 1914. سوره بقره، آیه 248.
6- 1915. سوره هود، آیه 86.
7- 1916. بحارالانوار، ج 39، ص 69؛ مناقب، ج 3، ص 255.

1954 فِناؤُهُ فِناءُ اللَّهِ

هرکه فدای او شود و در او فانی شود، گویا فدای خدا شده است.

همچنین مراجعه شود به: بابُهُ بابُ اللَّهِ [1722]

1955 فِی أَمْرِهِ عَلِی

حسن بصری که خیلی با امام اظهار موافقت نمی کرد، گفته است:

«إِنَّ عَلِیاً کانَ فِی أَمْرِهِ عَلِیاً، رَحِمَ اللَّهُ عَلِیاً»؛(1)

«همانا علی علیه السلام در کارها و امورش بلندمرتبه بود، خدا رحمت کند علی علیه السلام را».

1956 فَیرُوقٌ

فرق گذارنده و جدا کننده حقّ از باطل.

«یسَمُّونَهُ أَهْلُ السَّمآءِ شَمْساطِیلَ... وَعِنْدَ الصَّقْلابِ فَیرُوقٌ»؛(2)

«اهل آسمان علی علیه السلام را شمساطیل می نامند و نزد صقلاب نیز فیروق است».

1957 فِی کَفالَهِ الرَّسُولِ

رسول خداصلی الله علیه وآله کفالت و سرپرستی او را از کودکی به عهده گرفت. چون ابوطالب، پدر بزرگوار امام علی علیه السلام فرزندان زیادی داشت و از سویی وضع مالی مناسبی هم نداشت؛ پیامبر و عباس، تصمیم گرفتند هرکدام، یکی از فرزندان ابوطالب را کفالت کنند و چنین بود که علی علیه السلام از همان کودکی به خانه پیامبر آمد.

البته از یاد نبریم که پیامبرصلی الله علیه وآله نیز بخشی از کودکی خود را تحت کفالت ابوطالب و در خانه او گذرانده بود.

1958 قائِدُ التُّقی

به جهت شدت تقوایش، جلودار تقوا و پرهیزکاری و همه تقواپیشگان است.

همچنین مراجعه شود به: أَفْخَرُ مَنْ ضَحِکَ وَبَکی [1686]

1959 قائِدُ الدِّینِ

رهبر و راهنمای دین و دین داری.

همچنین مراجعه شود به: أَفْخَرُ مَنْ ضَحِکَ وَبَکی [1686]

1960 قاتِلُ مَرْحَبٍ

مرحب یهودی از پهلوانان نامی زمان خود بود که کسی جرأت مقابله با وی را نداشت؛ امّا در غزوه خیبر، این علی علیه السلام بود که چنان بر سر او ضربه زد که فرق او را دوتا کرد. با کشته شدن مرحب، سپاه یهود منهزم شد و مسلمانان پیروز شدند.

1961 قاروطیا

در کتاب زبور، نام خاتم انبیاصلی الله علیه وآله "ماح ماح" آمده و نام وصی آن حضرت نیز قاروطیا است.

سؤال شد: مراد از قاروطیا چیست؟ گفت: به معنای حبیب پروردگار است.(3)

1962 قاصِمُ الشَّوْکَهِ

قدرت و هیمنه و شوکت اهل کفر و گمراهی را درهم کوبیده است.

همچنین مراجعه شود به: بُرْهانُ الْواصِلِینَ [1731]

1- 1917. بحارالانوار، ج 34، ص 294؛ شرح نهج البلاغه، ج 4، ص 96؛ موسوعه امام علی، ج 8، ص 415.
2- 1918. بحارالانوار، ج 35، ص 62؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 276.
3- 1919. بحارالانوار، ج 38، ص 55.

1963 قاطِعُ السَّبَبِ

قطع کننده سبب.

ابوبکر در مورد امیرمؤمنان علیه السلام بیان کرده.

همچنین مراجعه شود به: جامِعُ الْحِلْمِ [1758]

1964 قامِحُ الْجُحُودِ

با اهل شرک و انکار مبارزه نمود.

همچنین مراجعه شود به: أَبادَ الْفِتْرَةَ [1629]

1965 قامِعُ الشِّرْکِ

قامع از قمع، به معنای نابود و ریشه کن کردن هر نوع شرک است.

از القاب و توصیفاتی است که ابوبکر به امیرمؤمنان علیه السلام نسبت داده است.

همچنین مراجعه شود به: جامِعُ الْحِلْمِ [1758]

1966 قَتّالُ الْأُسُودِ

در جنگ ها، شیران و پهلوانان را از پای درآورده است. توصیفی که ابن عباس در شعر خود، از امام علی علیه السلام تجلیل کرده است.(1)

1967 قَتّالُ الْعَرَبِ

بزرگان و پهلوانان عرب را به قتل رسانده.

عمر سعد ملعون روز عاشورا هنگامی که گروه زیادی به جنگ با امام حسین علیه السلام آمدند و همه به درک واصل شدند، گفت: وای بر شما! مگر نمی دانید این کیست؟

«هذَا ابْنُ قَتّالِ الْعَرَبِ»؛

«این فرزند کشنده قهرمانان عرب است».

پس از هر سو و به صورت دسته جمعی به او حمله کنید.(2)

1968 قَتِیلُ کُوفانٍ

سلمان فارسی برای حضرت خطاب کرده:

«بِأَبِی أَنْتَ وَأُمِّی یا قَتِیلَ کُوفانٍ»؛(3)

«پدر و مادرم به فدای تو ای شهید کوفه!».

1969 قَدَّمَ کِتابَ اللَّهِ

عمار یاسر در بیانی در دفاع از امام فرمود:

«هُوَ عَلِی بْنُ أَبِی طالِبٍ، طَلَّقَ النَّفْسَ عَنِ الدُّنْیا وَقَدَّمَ کِتابَ اللَّهِ»؛(4)

«او علی بن ابی طالب است، همان که خود را از دنیا آزاد نموده و کتاب خدا را مقدم داشته است».

1970 قُدْوَهُ الْمُتَّقِینَ

پیشوا و جلودار پرهیزکاران.

همچنین مراجعه شود به: إِمامُ الْعادِلِینَ [1709]

1971 قَرَأَ الْقُرْآنَ فَوَقَّرَهُ

قرآن کریم را قرائت می کرد و به آن بسیار احترام می گذاشت.

همچنین مراجعه شود به: أَخَذَ الْعِلْمَ فَوَقَّرَهُ [1648]

1972 الْقُرَشِی

امام علی علیه السلام از قبیله قریش است ؛ چون او علی بن ابی طالب بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف بن قصی بن کلاب بن ... است.(5)

1- 1920. بحارالانوار، ج 44، ص 112؛ موسوعه امام علی، ج 8، ص 329.

2- 1921. بحارالانوار، ج 45، ص 50؛ مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص 110.
3- 1922. بحارالانوار، ج 26، ص 292.
4- 1923. بحارالانوار، ج 32، ص 28؛ امالی طوسی، ص 729؛ موسوعه امام علی، ج 8، ص 341.
5- 1924. بحارالانوار، ج 15، ص 107.

1973 قُطْبُ دائِرَهِ الْوُجُودِ

محور وجود همه موجودات.

در شعر مرحوم حافظ رجب برسی چنین آمده است:(1)

یا منبع الأنوار یا سرّ المهیمن فی الممالک

یا قطب دائره الوجود ومنبعه کذلک

1974 قَطَعَ نَفْسَهُ عَنِ اللَّذّاتِ

نفس خودش را از لذّت های دنیوی و مادّی جدا کرده بود.

همچنین مراجعه شود به: أَخَذَ الْعِلْمَ فَوَفَّرَهُ [1648]

1975 قَلِیلُ الرِّقادِ

کم می خوابید و بیشتر به عبادت خدا می پرداخت.

همچنین مراجعه شود به: طَوِیلُ السُّهادِ [1911]

1976 الْقُنَّهُ

قلّه بلند و استوار؛ زیرا او برای مؤمنان پناه محکمی است.

همچنین مراجعه شود به: أَحْسَنُ الْقَوْمِ عَمَلاً [1644]

1977 قَنْسُومُ

از صاحب کتاب الانوار نقل شده است:

«یسَمُّونَهُ أَهْلُ السَّماءِ شَمْساطِیلَ وَفِی الْأَرْضِ حَمْحائِیلَ وَعَلَی اللَّوْحِ قَنْسُومَ»؛(2)

«اهل آسمان علی علیه السلام را شمساطیل نامیده اند و در زمین حمحائیل و بر لوح قنسوم است».

1978 قِوامُ کَلِمَهِ اللَّهِ

پایه و اساس آیات و کلمات الهی

همچنین مراجعه شود به: بَیاضُ صُبْحِ الْیقِینِ [1744]

1979 قَوْلُهُ حُکْمٌ وَ حَتْمٌ

سخنش حکم خدا و حتمی بود.

همچنین مراجعه شود به: أَحْسَنُ الْقَوْمِ عَمَلاً [1644]

1980 قَوْلُهُ فَصْلٌ

حرفش فیصله دهنده تمام اختلافات بود.

همچنین مراجعه شود به: بَعِیدُ الْمُدی [1740]

1981 قَوَّمَ الزَّیغَ

کژی ها و کاستی ها را راست نمود.

همچنین مراجعه شود به: أَبادَ الْفِتْرَةَ [1629]

1982 الْقَوِی

شجاع و نیرومند و قوی.(3)

همچنین مراجعه شود به: الْاَرْیحِی [1655]

1983 قَوِی حِینَ ضَعُفَ الْأَصْحابُ

آن گاه که یاران رسول خداصلی الله علیه وآله از خود ضعف نشان می دادند، او بسیار قوی و شجاع بود.

همچنین مراجعه شود به: أَحْسَنُ الْقَوْمِ عَمَلاً [1644]

1984 کاشِفُ الْکُرُباتِ

برطرف کننده هر نوع غم و اندوه.

همچنین مراجعه شود به: فارِجُ الْهَمِّ وَ الْغَمِّ [1946]

1985 كاشِفُ كُلِّ شُبهَةٍ

عمر بن خطّاب، خطاب به امام على عليه السلام گفت:

«يابْنَ أَبِى طالِبٍ! فَما زِلْتَ كاشِفَ كُلِّ شُبْهَةٍ وَمُوَضِّحَ كُلِّ حُكْمٍ»؛(4)

ص:347

1- 1925. مشارق انوار اليقين، ص 373.
2- 1926. بحارالانوار، ج 35، ص 62.
3- 1927. بحارالأنوار، ج 34، ص 267.
4- 1928. موسوعه امام على، ج 8، ص 343. كنز العمال، ج 5، ص 834.

«ای فرزند ابوطالب! تو پیوسته برطرف کننده هر شبهه ای و روشن کننده هر حکمی هستی».

1986 کَبْکَرٌ

کبکر اسم امام علی علیه السلام در نزد هندی هاست.

از فرمایشات امیرمؤمنان علیه السلام است:

«أَنَا اسْمِی فِی الاِنْجِیلِ اِلْیا... وَعِنْدَ الْهِنْدِ کَبْکَرٌ»؛(1)

«نام من در انجیل الیا و نزد هند کبکر است».

گفته شده: آنان کتابی دارند که در آن اسمی از رسول خداصلی الله علیه وآله بیان شده، و نیز ذکر شده که یاور و ناصر او کبکر است؛ یعنی کسی که اگر اراده کاری کند، از آن دست برنمی دارد تا آن را انجام دهد و به هدف برسد.(2)

1987 کَثِیرُ الْأَعْداءِ

پسر احمد بن حنبل از پدرش درباره علی علیه السلام پرسید، وی گفت:

«اِعْلَمْ أَنَّ عَلِیاً کانَ کَثِیرَ الْأَعْداءِ، فَفَتَّشَ لَهُ أَعْداؤُهُ شَیئاً فَلَمْ یجِدُوهُ»؛(3)

«بدان! علی دارای دشمنان زیادی بود، هرچه هم که جست و جو کردند، عیبی در او نیافتند».

1988 کَثِیرُ الْمَناقِبِ

دارای فضایل و مناقب و امتیازات فراوان.(4)

1989 کَرِیمُ الْأَبْناءِ

فرزندان کریم و بزرگوار دارد.

همچنین مراجعه شود به: الرّاغِبُ فِی الْأُخْری [1822]

1990 کَرِیمُ الْأَصْلِ

دارای بزرگواری و اصالت خانوادگی.

همچنین مراجعه شود به: أَکْبَرُ الْمُسْلِمِینَ [1702]

1991 کَرِیمُ الْأَعْراقِ

نیاکان او بسیار بزرگوار بودند و از اصالت خانوادگی برخوردار بود.

همچنین مراجعه شود به: أَخَذَ الْعِلْمَ فَوَفَّرَهُ [1648]

1992 کَرِیمٌ غَیرُ لَئِیمٍ

دارای کرامت و بزرگواری و به دور از هرگونه پستی.

همچنین مراجعه شود به: عالِمٌ غَیرُ جاهِلٍ [1918]

1993 کَشّافُ الْکُرَبِ

برطرف کننده هرگونه غم و اندوه از چهره.

از نام های خدای تعالی است، علی علیه السلام نیز مظهر اسمای الهی است، چنان که آمده است:

«یا أَخا رَسُولِ اللَّهِ وَکَشّافَ الْکُرَبِ عَنْ وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ»؛(5)

«ای برادر رسول خدا! که غم و اندوه را از چهره پیامبر خدا می بردی».

1994 کَشّافُ الْمُعْضَلاتِ

هر مشکل و مسئله پیچیده ای را حل می کند.

همچنین مراجعه شود به: بُرْهانُ الْواصِلِینَ [1731]

1995 کَنْزُ الْخَیراتِ

گنجینه تمام خیرات و نیکی ها؛ یعنی علی علیه السلام تمام خیرات را در خود جمع کرده است.

1- 1929. بحارالانوار، ج 35، ص 46.
2- 1930. معانی الاخبار، ص 60.
3- 1931. موسوعه امام علی، ج 8، ص 409. الصواعق المحرقه، ص 127.
4- 1932. مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 281.
5- 1933. کشف الغمه، ج 1، ص 67؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 278.

این از توصیفاتی بود که ابوبکر درباره امیرمؤمنان علیه السلام بیان کرده است.

همچنین مراجعه شود به: جامِعُ الْحِلْمِ [1758]

1996 کَنْزُ الطّالِبِینَ

پیرمردی در مسجد کوفه خطاب به امام علی علیه السلام گفت:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ وَیا کَنْزَ الطّالِبِینَ»؛(1)

«سلام بر تو ای امیرمؤمنان، ای گنجینه و هدف جویندگان».

1997 کَهْفُ التُّقی

پناه اهل تقوا.

همچنین مراجعه شود به: أَفْخَرُ مَنْ ضَحِکَ وَبَکی [1686]

1998 کَهْفُ الْوَری

پناهگاه همه خلایق.

هنگامی که به دستور امیر مؤمنان علیه السلام، دست دزدی را قطع کردند، او در پاسخ گفت:

«قَطَعَ یمِینِی إِمامُ التُّقی وَغایهُ ذَوِی النُّهی وَأُولِی الْحِجی وَکَهْفُ الْوَری ؛(2)

«دست مرا امام پرهیزکاران قطع کرد، او که نهایت هدف صاحبان خرد و پناه مردم است».

همچنین مراجعه شود به: الْاَرْیحِی [1655]

1999 لا آثَرَ إِلَّا لِلَّهِ

هیچ چیزی را نخواست مگر برای خدا.

همچنین مراجعه شود به: بَحْرٌ فِی الْمَجالِسِ [1728]

2000 لا شَبِيهَ لَهُ فِی ضَرائِبِهِ

در قدرت و شجاعت، هیچ شبیه و مانندی ندارد.

همچنین مراجعه شود به: أَخَذَ الْعِلْمَ فَوَفَّرَهُ [1648]

2001 لا نَظِيرَ لَهُ فِی شُجاعَتِهِ

عتبه بن ابی سفیان گوید: برای علی علیه السلام هیچ مانندی در شجاعت و هیبت و صلابت نبود.

2002 لا نَظِيرَ لَهُ فِی مَناقِبِهِ

در فضیلت و منقبت، مثل و نظیر ندارد.

همچنین مراجعه شود به: أَخَذَ الْعِلْمَ فَوَفَّرَهُ [1648]

2003 لا يداهِنُ الْفُجّارَ

نسبت به فاسقان و فاجران، اهل سستی نبود.

این عنوان را ابن عباس در جمع مردم کوفه و هنگام سخنرانی بیان کرد. (3)

2004 لِسانُ الرَّسُولِ

زبان گویای رسول خداصلی الله علیه وآله؛ یعنی هرآنچه می گفت، سخن پیامبر بود.

همچنین مراجعه شود به: أَكْبَرُ الْمُسْلِمِينَ [1702]

2005 لَمْ تَجْبُنْ نَفْسُهُ

هیچ ترس و واهمه ای از غیر خدا ندارد.

همچنین مراجعه شود به: أَحْسَنُ الْقَوْمِ عَمَلاً [1644]

2006 لَمْ تَضْعُفْ بَصِيرَتُهُ

در مواجهه حوادث و مشکلات، دارای بصیرت و بینایی است.

همچنین مراجعه شود به: أَحْسَنُ الْقَوْمِ عَمَلاً [1644]

2007 لَمْ تَفْلُلْ حُجَّتُهُ

دلایل و حجّت او سستی ندارد.

همچنین مراجعه شود به: أَحْسَنُ الْقَوْمِ عَمَلاً [1644]

ص:349

1- 1934. بحارالانوار، ج 40، ص 278؛ الفضائل، ص 155.
2- 1935. التمحیص، ص 611.
3- 1936. بحارالانوار، ج 32، ص 406.

2008 لَمْ یتَدَنَّسْ بِخُطامٍ

خودش را به زرق و برق دنیا آلوده نکرد.

همچنین مراجعه شود به: جَلِی الصَّفْحَهِ [1765]

2009 لَمْ یتَلَبَّسْ بِآثامٍ

به هیچ نوع از گناه و پلیدی آلوده نشد.

همچنین مراجعه شود به: جَلِی الصَّفْحَهِ [1765]

2010 لَمْ یزِغْ قَلْبُهُ

هیچ گاه قلبش دچار انحراف نشد.

همچنین مراجعه شود به: أَحْسَنُ الْقَوْمِ عَمَلاً [1644]

2011 لَمْ یصْمُتْ أَلْفاً

در راه خدا، دمی هم سکوت نکرد.

همچنین مراجعه شود به: أَبَدَّ الْأَوْصافَ [1630]

2012 لَمْ یفْترْ طَرْفاً

در راه خدا، لحظه ای هم سستی نکرد.

همچنین مراجعه شود به: أَبَدَّ الْأَوْصافَ [1630]

2013 لَمْ ینْطِقْ خُلْفَاً

هیچ گاه حرف خلافی از او شنیده نشد.

همچنین مراجعه شود به: أَبَدَّ الْأَوْصافَ [1630]

2014 اللَّوْذَعِی

شخص تیزبین و ظریف. تعریفی بود برای امیرمؤمنان علیه السلام، از زبان کسی که امام علی علیه السلام دستور به قطع دست وی داده بود.(1)

همچنین مراجعه شود به: اَلْاَرْیحِی [1655]

2015 لَوْلا عَلِی لَهَلَکَ عُمَرُ

خودشان معترف بودند که: علی علیه السلام از همه عالم تر و شجاع تر و فاضل تر و داناتر و قاضی تر و ... است، چنان که بارها از عمر نقل شده که گفته: اگر علی علیه السلام نبود، عمر هلاک می شد، به جهت حکم های نابجا و یا مشکلاتی که حل آن را جز امام علی علیه السلام نمی دانست. (2)

2016 لَهُ ثَلاثِینَ أَلْفَ مَنْقَبَهٍ

شخصی به ابن عباس گفت: سبحان اللّه! مناقب و فضایل علی علیه السلام چقدر زیاد است، من فکر می کنم سه هزار منقبت باشد. ابن عباس گفت: چرا نمی گویی سی هزار منقبت؟!(3)

همچنین مراجعه شود به: اَلْبَدْرُ التَّمامُ [1729]

2017 لَیثُ بَنِی غالِبٍ

لیث؛ شیر، مراد مرد شجاع از بنی غالب است که با این عنوان، دلاوری و شجاعت امام علی علیه السلام را توصیف نموده اند.(4)

2018 لَیثُ الثَّرَی

شیر و قهرمان و یکّه تاز روی زمین.

همچنین مراجعه شود به: اَلْاَرْیحِی [1655]

2019 لَیثٌ فِی الوَغی

شیر شجاع و دلاور در جنگ ها.

همچنین مراجعه شود به: بَحْرٌ فِی الْمَجالِسِ [1728]

2020 اللَّیثُ الْمُزاحِمُ

شیر ژیان و فرد شجاع.

همچنین مراجعه شود به: أَکْبَرُ الْمُسْلِمِینَ [1702]

1- 1937. بحارالانوار، ج 34، ص 267.
2- 1938. الکافی، ج 7، ص 422؛ من لایحضره الفقیه ج 4، ص 35؛ تهذیب طوسی، ج 10، ص 49.
3- 1939. موسوعه امام علی، ج 8، ص 330.
4- 1940. المصباح، ص 718.

2021 اللَّيثُ الْهُمامُ

شجاعتش سرآمد همه، و پهلوان بزرگ و بلندهمت است.

2022 مُؤَدِّی الْأَمانَهِ

امانت دار است و امانت را به صاحبش رد می کند و در آن خیانت نمی کند.

همچنین مراجعه شود به: أَكْبَرُ الْمُسْلِمِينَ [1702]

2023 الْمَأْوی

پناه گاه؛ یعنی امام عالمیان، پناه و امان است برای هر کسی که دارای مشکلی است و به ایشان دخیل شده.

چنان که سید حمیری در قصیده خود در مدح امیر مؤمنان علیه السلام گفته است:(1)

هُوَ الْمَأْوی لِكُلِّ طَرِيدٍ شَرِيدٍ

وَمَنْحُوبٌ مِنَ الشَّرِّ هارِبٌ

2024 الْمُؤَيدُ مِنَ السَّماءِ

از جانب آسمان تأیید شده است.

ابن ملجم ملعون قبل از اقدام به کشتن امام علی علیه السلام، آن حضرت را چنین توصیف کرده بود، که بعدها به جهت هم فکری با خوارج، آن زن وسوسه گر و شیطان او را به دام انداخت.(2)

2025 ما ضَلَّ وَلا ضُلَّ بِهِ

نه خودش گمراه است و نه موجب گمراهی دیگران می شود.

وقتی به میمونه - یکی از همسران پیامبرصلی الله علیه وآله - گفتند: هنگام اختلاف و تفرقه چه کنیم؟

در پاسخ گفت:

«عَلَیکُمْ بِعَلِیّ بْنِ أَبِی طالِبٍ، فَوَاللّهِ ما ضَلّ وَلا ضُلّ بِهِ»؛(3)

«بر شما باد به پیروی از علی بن ابی طالب علیه السلام که نه گمراه است و نه گمراه می کند».

2026 الْمُبْغَضُ

مورد بغض و حسد دشمنان قرار گرفت.

همچنین مراجعه شود به: عالِمٌ غَیرُ جاهِلٍ [1918]

2027 مَتْنُ دِینِ الْإِسْلامِ

متن دین اسلام.

همچنین مراجعه شود به: بَیاضُ صُبْحِ الْیقِینِ [1744]

2028 الْمُجابُ الدُّعاءِ

دعایش مستجاب است و هرچه دعا کند به اجابت می رسد.

هنگامی که به ابن ملجم، ترور و کشتن امیرمؤمنان علیه السلام را پیشنهاد دادند، در پاسخ گفت:

«وَیلَکَ مَنْ یقْدِرُ عَلی قَتْلِ أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ عَلِیّ بْنِ أَبِی طالِبٍ، الْمُجابِ الدَّعاءِ، الْمَنْصُورِ مِنَ السَّمآءِ وَالْأَرْضِ»؛(4)

«وای بر تو! چه کسی می تواند امیرمؤمنان را ترور کند. او که مستجاب الدعوه است و از آسمان و زمین نصرت و یاری می شود».

2029 مُجانِبُ الْفَسادِ

از هرگونه فساد دور و پاک بود.

همچنین مراجعه شود به: أَکْبَرُ الْمُسْلِمِینَ [1702]

1- 1941. مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 291.

2- 1942. بحارالانوار، ج 42، ص 265.
3- 1943. امالی طوسی ص 505؛ موسوعه امام علی ج 8، ص 296.
4- 1944. بحارالانوار، ج 42، ص 265.

2030 مَحْبُوبُ الْمَعْبُودِ

محبوب خدای تعالی.

همچنین مراجعه شود به: إِمامُ الْعادِلِینَ [1709]

2031 مَحْتَدُ النَّدی

جایگاه خرد و دانش.

همچنین مراجعه شود به: أَفْخَرُ مَنْ ضَحِکَ وَبَکی [1686]

2032 الْمِحْجاجُ

اهل احتجاج و مناظره و پیروز میدان.

همچنین مراجعه شود به: أَکْبَرُ الْمُسْلِمِینَ [1702]

2033 الْمَحْسُودُ

مورد حسادت و بخل دیگران واقع شده.

همچنین مراجعه شود به: عالِمٌ غَیرُ جاهِلٍ [1918]

2034 مَحَکُ الْمُؤْمِنِینَ

ملاک و معیار شناخت ایمان مؤمنان.

همچنین مراجعه شود به: أَکْبَرُ الْمُسْلِمِینَ [1702]

2035 مَحَلُّ الْحِجی

جایگاه عقل و خرد.

همچنین مراجعه شود به: أَفْخَرُ مَنْ ضَحِکَ وَبَکی [1686]

2036 مُحِلُّ الْحَرَمَینِ

یکی از مسلمانان که مرتکب جرمی شده و امیرالمؤمنین علیه السلام وی را مجازات کرده، به ایشان داده است.(1)

2037 مِحْنَهُ عَلَى الْمُتَكَلِمِ

نظّام یکی از بزرگان معتزله می گوید: سخن گفتن در مورد علی علیه السلام سخت است و موجب گرفتاری و محنت متکلّم می شود؛ چون اگر بخواهد حقّش را ادا کند، دچار غلوّ می شود. اگر کم بگذارد، گناه کرده. حدّ وسط آن هم بسیار دقیق و سخت است جز برای شخص زیرک و باهوش. (2)

2038 مِحْنَهُ الْمُنافِقِینَ

از جابر بن عبد اللّه انصاری در مورد امام علی علیه السلام سؤال شد، گفت:

«ذاکَ وَاللّهِ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ وَمِحْنَهُ الْمُنافِقِینَ»؛(3)

«به خدا قسم! او امیر مؤمنان است و او ملاک و محک آزمایش منافقان می باشد».

2039 الْمُخْتارُ

انتخاب شده و برگزیده.

لقبی است که برای امیرمؤمنان علیه السلام گفته شده؛ یعنی خداوند علی علیه السلام را برای پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله برگزیده است.(4)

2040 الْمَدْفُونُ بِالْغَرِیّ

امام علی علیه السلام اگرچه در مکّه مکرمه و در داخل خانه کعبه به دنیا آمد، لکن به هنگام هجرت رسول خداصلی الله علیه وآله ایشان نیز به مدینه هجرت و در آن شهر ساکن گردید. پس از رحلت رسول خداصلی الله علیه وآله و غصب خلافت آن حضرت، مدت 25 سال در مدینه خانه نشین

1- 1945. بحارالانوار، ج 42، ص 210؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 336؛ الفضائل، ص 173.

2- 1946. بحارالانوار، ج 29، ص 481؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 214؛ امالی طوسی، ص 588؛ موسوعه امام علی،ج 8، ص 465.
3- 1947. موسوعه امام علی، ج 8، ص 307.
4- 1948. مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 283.

شد؛ امّا بعد از قتل عثمان و اقبال و اصرار مردم به طرف امیرمؤمنان علیه السلام، خلافت ظاهری آن حضرت شروع شد که با جنگ ها و سختی ها و مبارزات فراوانی همراه بود. به جهت همین جنگ ها و مبارزات بود که حضرت به کوفه مهاجرت کرده و حکومت خود را در آنجا مستقر فرمود.

محل شهادت وی نیز در مسجد کوفه و در حال عبادت بود، که بنا به وصیت حضرت و شبانه تشییع جنازه انجام گرفت، به امام حسن و حسین علیهما السلام فرموده بود: شما عقب تابوت را بگیرید، جلوی تابوت را جبرئیل و میکائیل می دانند کجا ببرند.

پیکر مطهر را حرکت دادند، تابوت مبارک در پشت کوفه که اینک نجف گفته می شود به زمین آمد، خاک را برداشتند، قبری نمایان شد که نوشته بود: این قبر را نوح پیامبر برای وصی خاتم الانبیاء آماده کرده است. و غری منطقه ای معروف در پشت کوفه بوده است.

2041 الْمَذْکُورُ

شخص نام آور و مشهور.

همچنین مراجعه شود به: الرّاغِبُ فِی الْأُخْری [1822]

2042 مُرْشِدُ الْعُلَماءِ

راهنمای علما. مراد بزرگ و سردسته تمام دانشمندان است؛ او اعلم الناس و اعلم العلما و باب مدینه علم رسول خدا است که از علم کلّ و علم غیب الهی سرچشمه می گیرد.(1)

2043 مَسْؤُولٌ غَیرُ سائِلٍ

به جهت علم فراوانش، همه از او سؤال می کنند؛ امّا او نیاز به سؤال از کسی ندارد.

همچنین مراجعه شود به: عالِمٌ غَیرُ جاهِلٍ [1918]

2044 الْمُستَحِقُّ الْمَحْرُومُ

ابوجعفر بن ابی یزید حسنی، استاد ابن ابی الحدید می گوید:

«... إِنَّ عَلِیاَ کانَ مُسْتَحِقّاَ مَحْرُوماَ؛ بَلْ أَمِیرُ الْمُسْتَحِقِّینَ الْمَحْرُومِینَ وَسَیدُهُمْ وَکَبِیرُهُمْ»؛(2)

«همانا علی علیه السلام فرد شایسته ای بود که از حقّش محروم شد؛ بلکه مهم ترین مستحقّ محروم و آقا و بزرگ آنان است».

2045 الْمُسْتَمْسِکُ بِالْعُرْوَهِ الْوُثْقی

به راه و روش و ریسمان محکم خدا تمسّک جسته است.

همچنین مراجعه شود به: أَفْخَرُ مَنْ ضَحِکَ وَبَکی [1686]

2046 مُسْتَنبِطُ الْإِشاراتِ

اشارات را درک می کند.

همچنین مراجعه شود به: إِمامُ الْعادِلِینَ [1709]

2047 الْمَشهُورُ فِی السَّماواتِ

در آسمان ها مشهور و معروف است.

همچنین مراجعه شود به: بُرْهانُ الْواصِلِینَ [1731]

2048 الْمُطْفِئُ

خاموش کننده آتش توطئه گران.

همچنین مراجعه شود به: أَکْبَرُ الْمُسْلِمِینَ [1702]

1- 1949. مناقب آل ابی طالب ج 3، ص 278؛ عدهالداعی ص 226.
2- 1950. موسوعه امام علی، ج 8، 404؛ شرح نهج البلاغه، ج 10، ص 223.

2049 مَظْهَرُ الْأَسْماءِ

على علیه السلام همچون انبیا و پیامبر و سایر امامان علیهم السلام مظهر اسامی خدا، بلکه مظهر اسم اعظم خدا هستند.(1)

2050 مُظهِرُ الْكَراماتِ

آشکار کننده کرامت های روشن الهی.

همچنین مراجعه شود به: بُرْهانُ الْواصِلِينَ [1731]

2051 الْمُعِينُ

یار و یاور و کمک کار.

«وَيسَمُّونَهُ أَهْلُ السَّماءِ شَمْساطِيلَ... وَعَلَى الْعَرْشِ مُعِينَ»؛(2)

«اهل آسمان آن حضرت را شمساطیل نامیده و بر عرش نیز نام او معین است».

2052 مِفْتاحُ النَّدى

کلید عطایا و احسان و بخشش ها.

همچنین مراجعه شود به: الْاَرْيحِى [1655]

2053 مُفَسِّرُ الْعِلْمِ

همه علوم و دانش ها را تفسیر می کند.

همچنین مراجعه شود به: عالِمٌ غَيرُ جاهِلٍ [1918]

2054 مَقامُهُ مَقامُ اللَّهِ

مقام و جایگاه او، جایگاه خدایی است.

همچنین مراجعه شود به: حَرَمُهُ حَرَمُ اللَّهِ [1780]

2055 مِقْباسُ أَنْوارِ الْعِلْمِ وَالْحِكْمَهِ

سرچشمه نورهای دانش و معرفت.

همچنین مراجعه شود به: بَیاضُ صُبْحِ الْیقِینِ [1744]

2056 الْمُقْتَفی

پیروی کننده و تابع.

همچنین مراجعه شود به: أَخَذَ الْعِلْمَ فَوَقَّرَهُ [1648]

2057 الْمُقَفّی

این اسم میان پیامبر و علی علیهما السلام مشترک است. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله مقفّی است؛ یعنی بعد از همه پیامبران آمده است و علی مقفّی است؛ یعنی بلافاصله بعد از پیامبرصلی الله علیه وآله امام و خلیفه است.

جابر از قول سالم فرزند عبداللَّه بن عمر نقل می کند: همراه پدرم نزد کعب الاحبار یهودی بودم. وی گفت: امامان بعد از پیامبر به عدد نقبای بنی اسرائیل (دوازده نفر) هستند.

در این حال علی علیه السلام وارد شد، کعب گفت:

«هذَا الْمُقَفّی أَوَّلُهُمْ وأَحَدَ عَشَرَ مِنْ وُلْدِهِ»؛(3)

«این مقفّی اوّل آنان است به همراه یازده نفر از فرزندان او».

2058 مُکَمِّلُ الْأَوْلِیاءِ

تکمیل کننده اولیا و دوستان خدا.(4)

2059 الْمَلاذُ

پناه و پناهگاه.

در شعر مرحوم حافظ رجب برسی چنین آمده است:(5)

یا قاسِمَ النّارِ وَالْجِنانِ غَداً

أَنْتَ مَلاذُ الرّاجِی وَمَلْجَأهُ

«ای تقسیم کننده بهشت و جهنم در فردای قیامت! تو پناه گاه و محل امنیت امیدواران هستی».

ص:354

1- 1951. علی مظهر اسمای حسنای الهی، آیت اللَّه جوادی آملی.
2- 1952. بحارالانوار، ج 35، ص 62.
3- 1953. بحارالانوار، ج 36، ص 223.
4- 1954. عدّه الداعی، ص 226.
5- 1955. مشارق انوار الیقین، ص 373.

2060 مَلِی

توپُر و مایه دار و مملوّ.

«وَعِنْدَ الْعَرَبِ مَلِیاً»؛(1)

«نام ایشان نزد عرب ملی است».

2061 الْمَمْنُوعُ

او را از حقّ خودش منع کردند.

همچنین مراجعه شود به: عالِمٌ غَیرُ جاهِلٍ [1918]

2062 مَنارُ سُنَنِ اللَّهِ

نشانه سنّت های الهی

همچنین مراجعه شود به: بَیاضُ صُبْحِ الْیقِینِ [1744]

2063 مَنْ اِقْتَدی بِهِ فَقَدْ اِهْتَدی

هرکس به او اقتدا کند، هدایت می شود.

فخر رازی در مورد امام علی علیه السلام چنین گفته:

«مَنِ اقْتَدی فِی دِینِهِ بِعَلِیّ بْنِ أَبِی طالِبٍ، فَقَدِ اهْتَدی ؛(2)

«هر که برای دینش به علی بن ابی طالب علیه السلام اقتدا کند، حتماً هدایت می شود».

در ادامه می گوید: رسول خداصلی الله علیه وآله فرموده:

«اَللَّهُمَّ أَدِرِ الْحَقَّ مَعَ عَلِیّ حَیثُ دارَ»؛

«خدایا حقّ و حقیقت را به دور علی علیه السلام بگردان، هرکجا که رفت».

2064 مَنْبَعُ الْأَنْوارِ

سرچشمه همه نورها.

همچنین مراجعه شود به: قُطْبُ دائِرَهِ الْوُجُودِ [1973]

2065 الْمُنْبِئُ عَنْ حَقائِقِ التَّوْحِيدِ

از اسرار و حقایق توحید خبر می دهد.

همچنین مراجعه شود به: إِمامُ الْعادِلِينَ [1709]

2066 مِنْ ذَوائِبِ قُرَيشٍ

برجسته ترین شخصیت قریش است.

همچنین مراجعه شود به: سَنامُ قُرَيشٍ [1845]

2067 الْمَنْصُومُ

یکی از اسامی امام علی علیه السلام، چنین نقل شده:

«يسَمُّونَهُ أَهْلُ السَّماءِ شَمْساطِيلَ... وَعَلَى الْقَلَمِ مَنْصُومٌ»؛(3)

«اهل آسمان او را شمساطیل می نامند و بر روی قلم نیز نام وی منصوم است».

2068 الْمَنْصُورُ مِنَ السَّماءِ

از جانب آسمان یاری می شود.

همچنین مراجعه شود به: الْمُجابُ الدُّعاءِ [2028]

2069 مَنْ لا يعابُ

کسی نتوانست در او عیبی بیابد.

همچنین مراجعه شود به: بَيضَهُ الْبَلَدِ [1745]

2070 مِنْ هاماتِ قُرَيشٍ

از مهم ترین افراد قریش است.

همچنین مراجعه شود به: سَنامُ قُرَیشٍ [1845]

2071 الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ

مرگ سرخ. مراد قتل و کشته شدن است.

کفّار قریش در جنگ بدر به او موت احمر گفتند؛ چون بسیاری از آنان را به قتل رساند.(4)

1- 1956. بحارالانوار، ج 35، ص 62؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 276.
2- 1957. موسوعه امام علی، ج 8، ص 421.
3- 1958. بحارالانوار، ج 35، ص 62؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 276.
4- 1959. بحارالانوار، ج 41، ص 62؛ مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص 248.

در نقل دیگری هم آمده:

«یسَمُّونَهُ أَهْلُ السَّماءِ شَمْساطِیلَ وَعِنْدَ الْمُشْرِکِینَ الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ»؛(1)

«اهل آسمان او را شمساطیل نامیده و مشرکان نیز او را موت احمر گفته اند».

2072 مُوَضِّحُ کُلِّ حُکْمٍ

بیان کننده و روشن کننده احکام خداوند، چنان که عمر بن خطاب به آن اعتراف نموده.

همچنین مراجعه شود به: کاشِفُ کُلِّ شُبْهَهٍ [1985]

2073 الْمَوْلُودُ فِی الْحَرَمِ

در حرم امن الهی متولد شده است؛ آن هم در بهترین نقطه که کعبه معظمه باشد.(2)

2074 الْمَوْلَوِی

از القابی است که به آن حضرت اشاره شده.

همچنین مراجعه شود به: الْاَرْیحِی [1655]

2075 مَوْلَی الْمَوالِیّ

از القابی است که به آن حضرت اشاره شده.(3)

2076 مَولَی المُوَحِّدِینَ

علی علیه السلام، آقا و مولا و بزرگ همه خداشناسان و خداپرستان و مؤمنان است.

2077 مِیسَمُ أَوْلِیآءِ اللَّهِ

بر شیعیان و بندگان خالص خدا مهر تأیید ولایت می زند.

همچنین مراجعه شود به: بَیاضُ صُبْحِ الْیقِینِ [1744]

2078 الْمَیمُونُ (الْمُبارَکُ)

شخص بایمن و پربرکت است.

از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«أَنَا اسْمِی فِی الاِنْجِیلِ اِلْیا وَعِنْدَ ظِئْرِی مَیمُونٌ»؛(4)

«اسم من در انجیل الیا است، و نزد دایه ام میمون است».

امام باقرعلیه السلام فرمود:

«کانَتْ ظِئْرُ عَلِیّ الَّتِی أَرْضَأَتْهُ اِمْرَأَهٌ مِنْ بَنِی هِلالٍ»؛(5)

«دایه امیرمؤمنان علیه السلام زنی بود از بنی هلال که حضرت را شیر داد».

2079 النّائِبُ

قائم مقام و جانشین. کسی که به نیابت و با اذن رسول خداصلی الله علیه وآله به انجام امور وی می پردازد. یهودیان در مقابل رسول خداصلی الله علیه وآله به امام علی علیه السلام اقرار کردند:

«إِنَّ عَلِیاً أَخُوکَ وَوَزِیرُکَ وَالْقَیمُ بِدِینِکَ وَالنّائِبُ عَنْکَ»؛(6)

«همانا علی برادر و وزیر تو و قیم دین تو و نائب تو است».

2080 ناشِرُ الْأَمْنِ

سایه امن و امنیت را می گستراند.

همچنین مراجعه شود به: أَبادَ الْفِتْرَهَ [1629]

1- 1960. بحارالانوار، ج 35، ص 62؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 276؛ الفضائل، ص 175.
2- 1961. بحارالانوار، ج 40، ص 275؛ الفضائل، ص 175.

3- 1962. مشارق انوار اليقين، ص 430.
4- 1963. بحارالانوار، ج 35، ص 46؛ مناقب آل ابى طالب، ج 3، ص 254.
5- 1964. بحارالانوار، ج 35، ص 47؛ معانى الاخبار، ص 60.
6- 1965. بحارالانوار، ج 9، ص 310؛ تأويل الآيات، ص 58؛ تفسير الامام العسكرى، ص 236.

2081 ناصِحُ الْجَیبِ

شخص صاف دل، امین و پاکدل.

همچنین مراجعه شود به: جَلِی الصَّفْحَهِ [1765]

2082 نامُوسٌ أَکْبَرُ

محرم راز.

راهبی اهل یمامه قبل از به دنیا آمدن علی علیه السلام، تولدش را به ابوطالب بشارت داد و گفت: به زودی برای تو فرزندی به دنیا خواهد آمد که سید اهل زمان خودش می باشد و او ناموس اکبر است، او که متولد شود من زنده نخواهم بود، از جانب من به او سلام برسان، کاش او را می دیدم.(1)

2083 نَبَذَ الشِّنارَ

عیب و عار را به کناری افکنده است.

همچنین مراجعه شود به: جَلِی الصَّفْحَهِ [1765]

2084 نَشَأَ فِی دارِ الْوَحْی

در خانه نزول وحی قرآن نشو و نما نموده.

همچنین مراجعه شود به: اسْتُقِی عُرُوقُهُ مِنْ مَنْبَعِ النُّبُوَّهِ [1658]

2085 نَقِی الذَّیلِ

پاک دامن.

همچنین مراجعه شود به: جَلِی الصَّفْحَهِ [1765]

2086 نَقِی الصَّحِیفَهِ

پرونده و نامه اش پاک است.

همچنین مراجعه شود به: جَلِی الصَّفْحَهِ [1765]

2087 نَقِی الْعَشِیرَهِ

اهل و ریشه اش همه پاک هستند.

همچنین مراجعه شود به: أَکْبَرُ الْمُسْلِمِینَ [1702]

2088 نُورٌ فِی ظُلْمَهِ الدُّجی

به مثابه نوری در تاریکی ها است.

همچنین مراجعه شود به: أَفْخَرُ مَنْ ضَحِکَ وَبَکی [1686]

2089 نُورُ الْمُطِیعِینَ

چراغ راه همه مطیعان است.

همچنین مراجعه شود به: إِمامُ الْعادِلِینَ [1709]

2090 نَهَضَ حِینَ وَهَنَ الْقَوْمُ

هنگامی که همه در یاری پیامبرصلی الله علیه وآله سستی کردند، او به قیام و یاری حضرت برخاست.

همچنین مراجعه شود به: أَحْسَنُ الْقَوْمِ عَمَلاً [1644]

2091 وَصِی آخِرِ الْأَنْبِیاءِ

جانشین آخرین پیامبر خدا.

در کتاب تورات درباره امام علی علیه السلام آمده:

«أَمّا تُقُوبِیتُ فَهُوَ أَوَّلُ الْأَوْصِیاءِ وَوَصِی آخِرِ الْأَنْبِیاءِ»؛(2)

«تقوبیت اولین جانشین رسول خدا و وصی خاتم انبیا است».

2092 وِلایَتُهُ أَمانٌ

خدای تعالی امان از عذاب را در ولایت امیرمؤمنان علیه السلام اختصاص داده؛ چون اقرار به ولایت مستلزم اقرار به توحید و نبوت است.(3)

2093 وَلِی النّاسِ

رهبر و مولا و سرپرست همه مردم. این از القاب امام در منابع اهل سنّت می باشد.(4)

ص:357

1- 1966. مشارق انوار الیقین، ص 140.
2- 1967. بحارالانوار، ج 36، ص 224.
3- 1968. الجواهر السنیه، ص 267، مشارق انوار الیقین، ص 51.
4- 1969. فرهنگ غدیر.

2094 هابِيلُ

حضرت على عليه السلام به شخص يهودى فرمود:

«أَمّا فِى التَّوْراهِ اسْمِى هابِيلُ»؛(1)

«نام من در تورات هابيل است».

همچنين مراجعه شود به: حَبْدارُ [1776]

2095 الْهاشِمِى

هاشمى منسوب است به هاشم، بزرگ طايفه بنى هاشم، و نسب امام على عليه السلام چنين است:

«على بن أبى طالب بن عبد المطلب بن هاشم بن عبدمناف بن قصى بن كلاب بن مرّه بن لوى بن غالب بن فِهر بن مالک بن النضر بن كنانه بن حزيمه بن مدركه بن الياس بن مضر بن نزار بن معدّ بن عدنان...».(2)

2096 هِزَبْرٌ

شير بيشه و پهلوان ميدان مبارزه.

همچنين مراجعه شود به: أَكْبَرُ الْمُسْلِمِينَ [1702]

2097 هَزَّمَ الْأَبْطالَ

على عليه السلام كسى بود كه جنگجويان را از معركه جنگ فرارى مى داد. سيد حميرى درشعر خود آن را براى امام على عليه السلام بيان كرده است.(3)

2098 الْهُمامُ الْأَعْظَمُ

پادشاه و آقاى بزرگ و بلندهمت.

همچنين مراجعه شود به: سَنامُ الْأَطْوَلُ [1844]

2099 همای رحمت

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را

که به ماسوی فکندی همه سایه هما را

دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین

به علی شناختم من به خدا قسم خدا را

مرحوم آیت اللَّه العظمی مرعشی نجفی شبی در خواب می بیند مجلس باشکوهی برگزار شده و شاعران در حضور امیرالمؤمنین علیه السلام، به خواندن سروده های خود مشغول هستند.

سپس حضرت می فرماید: شهریاررا بگویید شعر بخواند و دیدم شعر «علی ای همای رحمت را» می خواند. از خواب بیدار شدم. من که تا به حال او را نمی شناختم، پرس و جو کردم و خواستم که بیاید. گفتم: فلان شعرت را برایم بخوان. گفت: شما از کجا خبر داری؟! من هنوز به کسی نگفته ام... بالاخره معلوم شد دقیقاً همان شب و ساعتی که شهریار آن شعر را سروده، ایشان هم در خواب دیده که نزد امیرالمؤمنین علیه السلام قرائت کرده است.(4)

2100 هیدار

نقل شده: اسم رسول خدا و خاتم انبیاصلی الله علیه وآله در انجیل به عنوان "حمیاطا" آمده و نام وصی آن حضرت نیز "هیدار" است.

امّا مراد از هیدار چیست؟ فرمود:

«الصِّدِّیقُ الْأَکْبَرُ وَالفارُوقُ الْأَعْظَمُ»؛(5)

«هیدار، صدّیق اکبر و فاروق اعظم است».

1- 1970. بحارالانوار، ج 36، ص 222.
2- 1971. بحارالانوار، ج 15، ص 107.
3- 1972. بحارالانوار، ج 33، ص 260؛ بشاره المصطفی، ص 11؛ موسوعه امام علی، ج 9، ص 11.

4- 1973. مجله یادواره آن مرحوم، موجود در کتابخانه مرحوم آیت اللّه نجفی مرعشی.
5- 1974. بحارالانوار، ج 38، ص 55.

2101 يتَفَجَّرُ الْعِلْمُ مِنْ جَوانِبِهِ

علم و دانش از او جوشش می کند.

همچنین مراجعه شود به: بَعِیدُ الْمُدی [1740]

2102 یجِیبُ الدّاعِی

امیرمؤمنان علیه السلام درخواست دعوت کننده را اجابت می کرد.

ضرار بن ضمره در حضور معاویه، امام علی علیه السلام را چنین توصیف کرد:

«یجِیبُنا إِذا دَعَوْناهُ وَیعْطِینا إِذا سَأَلْناهُ»؛(1)

«هرگاه و هر زمان او را می خواندیم، اجابت می فرمود و هرگاه از او درخواستی می کردیم، عطا می کرد».

2103 یسْتَأْنِسُ بِاللَّیلِ

با شب و راز و نیاز شبانه و نماز شب، انس و الفت دارد.

همچنین مراجعه شود به: بَعِیدُ الْمُدی [1740]

2104 یسْتَوْحِشُ مِنَ الدُّنْیا

از مظاهر مادّی دنیا و هرآنچه موجب فریب انسان می شد، گریزان است.

همچنین مراجعه شود به: بَعِیدُ الْمُدی [1740]

2105 یعْسُوبُ أَضامِیمِ الْأَصْفِیاءِ

رئیس جماعت برگزیدگان.

همچنین مراجعه شود به: بَیاضُ صُبْحِ الْیقِینِ [1744]

2106 یعْطِی السّائِلَ

تقاضای سائلین و درخواست کنندگان را عطا می نمود.

همچنین مراجعه شود به: یجِیبُ الدّاعِی [2102]

2107 یناجِی رَبَّهُ

امیرمؤمنان علیه السلام با پروردگار خود به نجوا و راز و نیاز می پرداخت.

همچنین مراجعه شود به: بَعِیدُ الْمُدی [1740]

2108 ینْبُوعُ الْفَضائِلِ

سرچشمه همه فضیلت ها و خوبی ها.

همچنین مراجعه شود به: رَئِیسُ الْفَضائِلِ [1819]

2109 یوشَعُ

نام وصی و جانشین و پیامبر بعد از عیسی علیه السلام و نیز از القاب امیرمؤمنان علیه السلام است.

چنان که گفته شده:

«وَیسَمُّونَهُ أَهْلُ السَّماءِ شَمْساطِیلَ... وَعِنْدَ الْفَلاسِفَهِ یوشَعُ»؛(2)

«اهل آسمان او را شمساطیل نامیده اند و نزد فلاسفه نیز یوشع است».

2110 یکصد و ده

یکصد و ده شماره رمزی است که بر اساس حروف ابجد، و مطابق با حروف «علی» است.

حرف «ع» هفتاد؛

حرف «ل» سی

و حرف «ی» ده می باشد،

که مجموع آن 110 می شود.

1- 1975. مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 103. حلیهالاولیاء، ج 1، ص 84.
2- 1976. بحارالانوار، ج 35، ص 62.

ص:360

فهرست الفبایی اوصاف و القاب امیرالمومنین علیه السلام

تصویر

ص :361

تصوير

ص :362

تصوير

ص :363

تصوير

ص :364

تصوير

ص :365

تصوير

ص :366

تصوير

ص :367

تصوير

ص :368

تصوير

ص :369

تصوير

ص :370

تصوير

ص :371

تصوير

ص :372

تصوير

ص :373

تصوير

ص :374

تصوير

ص :375

تصوير

ص :376

تصوير

ص :377

تصوير

ص :378

تصوير

ص :379

تصوير

ص :380

تصوير

ص :381

تصوير

ص :382

تصوير

ص :383

تصوير

ص :384

تصوير

ص :385

تصوير

ص :386

تصوير

ص :387

تصوير

ص :388

تصوير

ص :389

تصوير

ص :390

تصوير

ص :391

تصوير

ص :392

تصوير

ص :393

تصوير

ص :394

تصوير

ص :395

تصوير

ص :396

تصوير

ص :397

تصوير

ص :398

تصوير

ص :399

تصوير

ص :400

منابع و مآخذ

الف: کتب شیعه

2111) قرآن کریم

2112) نهج البلاغه، امام علی بن ابی طالب علیه السلام، یک جلد، انتشارات دارالهجره قم

2113) الاحتجاج، ابومنصور احمد بن علی طبرسی، یک جلد، نشر مرتضی مشهد مقدس، 1403 ه.ق

2114) احقاق الحقّ و ازهاق الباطل، شهید قاضی نوراللّه بن سید شریف شوشتری (متوفی 1019 ه.ق)، کتاب خانه آیت اللّه مرعشی، 1411 ه.ق

2115) الاختصاص، شیخ مفید، یک جلد، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید قم، 1413 ه.ق

2116) الارشاد، شیخ مفید، دو جلد در یک مجلد، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید قم، 1413 ه.ق

2117) ارشاد القلوب، حسن بن ابی الحسن دیلمی، دو جلد در یک مجلد، انتشارات شریف رضی، 1412 ه.ق

2118) الاشراف، شیخ مفید، یک جلد، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید قم، 1413 ه.ق

2119) الاعلام، شیخ مفید، یک جلد، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید قم، 1413 ه.ق

2120) أعلام الدین، حسن بن ابی الحسن دیلمی، یک جلد، مؤسسه آل البیت علیهم السلام قم، 1408 ه.ق

2121) اعلام الوری، امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی، یک جلد، دارالکتب الإسلامیه تهران

2122) الافصاح فی الإمامه، شیخ مفید، یک جلد، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید قم، 1413 ه.ق

2123) اقبال الأعمال، سید علی بن موسی بن طاوس، یک جلد، دار الکتب الإسلامیه تهران، 1367 ه.ش

2124) الزام الناصب، شیخ علی یزدی، متوفّای 1343 ه.ق چاپ 1397 ه.ق بیروت.

2125) الالفین، حسن بن یوسف، علامه حلی، یک جلد، انتشارات دار الهجره قم، 1409 ه.ق

2126) الامالی، شیخ صدوق، یک جلد، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362 ه.ش

2127) الامالی، شیخ طوسی، یک جلد، انتشارات دارالثقافه قم، 1414 ه.ق

2128) الامالی، شیخ مفید، یک جلد، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید قم، 1413 ه.ق

2129) امام علی علیه السلام مظلوم تاریخ، علی اصغر رضوانی، انتشارات مسجد مقدّس جمکران، 1386 ه.ش

2130) ایمان أبی طالب، سید فخار بن معد موسوی، یک جلد، انتشارات سیدالشهداء (ع) قم، 1410 ه.ق

2131) ایمان أبی طالب، شیخ مفید، یک جلد، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید قم، 1413 ه.ق

2132) بحار الانوار، علامه مجلسی، یکصد و ده جلد، مؤسسه الوفاء بیروت - لبنان، 1404 ه.ق

2133) بشاره المصطفی، عماد الدین طبری، یک جلد، چاپ کتابخانه حیدریه نجف، 1383 ه.ق

2134) بصائر الدرجات، محمد بن حسن بن فروخ صفار، یک جلد، کتابخانه آیت اللّه مرعشی قم، 1404 ه.ق

2135) البلد الامین، ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، یک جلد، چاپ سنگی

2136) بناء المقاله الفاطمیه، سید احمد بن موسی بن طاوس، یک جلد، مؤسسه آل البیت علیهم السلام قم، 1411 ه.ق

2137) پرتوی از فضایل امیرمؤمنان علیه السلام در قرآن، سید ابوالحسن مطلبی، بوستان کتاب، 1387 ه.ش

2138) تاریخ امیرالمؤمنین علیه السلام، عباس صفایی حائری، انتشارات مسجد مقدّس جمکران، 1386 ه.ش

2139) تأویل الآیات الظاهره، سید شرف الدین حسینی استرآبادی، یک جلد، جامعه مدرسین قم، 1409 ه.ق

2140) التحصین، سید علی بن موسی بن طاوس، یک جلد، مؤسسه دارالکتاب قم، 1413 ه.ق

2141) تحف العقول، حسن بن شعبه حرانی، یک جلد، انتشارات جامعه مدرسین قم، 1404 ه.ق

2142) تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، دو جلد، چاپخانه علمیه تهران، 1380 ه.ق

2143) تفسیر امام عسکری علیه السلام، امام حسن عسکری علیه السلام، یک جلد، انتشارات مدرسه الامام المهدی علیه السلام قم، 1409 ه.ق

2144) تفسیر فرات، فرات بن ابراهیم کوفی، یک جلد، مؤسسه چاپ و نشر، 1410 ه.ق

2145) تفسیر قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم قمی، دو جلد، مؤسسه دارالکتاب قم، 1404 ه.ق

2146) تفسیر نمونه، آیت اللّه ناصر مکارم شیرازی، دار الکتب الاسلامی،

2147) تفسیر نورالثقلین، شیخ عبد علی بن جمعه العروسی الحویزی (متوفی 1112 ه.ق)، قم

2148) تفضیل أمیرالمؤمنین علیه السلام، شیخ مفید، یک جلد، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید قم، 1413ه.ق

2149) التمحیص، محمد بن همام اسکافی، یک جلد، انتشارات مدرسه امام مهدی (عج) قم، 1404 ه.ق

2150) التوحید، شیخ صدوق، یک جلد، انتشارات جامعه مدرسین قم، 1398 ه.ق (1357 شمسی)

2151) التهذیب، شیخ طوسی، ده جلد، دار الکتب الإسلامیه تهران، 1365 ه.ش

2152) الجمل، شیخ مفید، یک جلد، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید قم، 1413 ه.ق

2153) الجواهر السنیه، شیخ حرّ عاملی، محمّد بن حسن بن علی (متوفی 1104 ه.ق)

2154) چشم بر خورشید (فضایل امیرمؤمنان علیه السلام)، محمّد جواد اسلامی، انتشارات دلیل ما 1387 ه.ش

2155) حلیه الابرار، سید هاشم بحرانی (متوفّی 1107 ه.ق).

2156) حلیه الاولیاء، ابونعیم اصفهانی (متوفّی 430 ه.ق) چاپ 1357 ه.ق.

2157) حیات عارفانه امام علی علیه السلام، آیت اللَّه جوادی آملی، مرکز نشر اسراء.

2158) الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، سه جلد، مؤسسه امام مهدی (عج) قم، 1409 ه.ق

2159) خصائص الأئمهعلیهم السلام، سید رضی، یک جلد، مجمع البحوث آستان قدس رضوی، 1406 ه.ق

2160) الخصال، شیخ صدوق، دو جلد در یک مجلد، انتشارات جامعه مدرسین قم، 1403 ه.ق

ص:402

2161) الدعوات، قطب الدین راوندی، یک جلد، انتشارات مدرسه امام مهدی (عج) قم، 1407 ه.ق

2162) دلائل الامامه، محمد بن جریر طبری، یک جلد، دارالذخائر للمطبوعات، قم

2163) رجال الشیخ الطوسی، شیخ طوسی، یک جلد، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، 1415 ه.ق

2164) رجال العلامه الحلی، علامه حلی، یک جلد، دارالذخائر قم، 1411 ه.ق

2165) رجال الکشی، محمد بن عمر کشی، یک جلد، انتشارات دانشگاه مشهد، 1348 ه.ش

2166) روضه الواعظین، محمد بن حسن فتال نیشابوری، یک جلد، انتشارات رضی قم

2167) زندگانی امیرالمؤمنین علیه السلام، سید هاشم رسولی محلاتی، نشر فرهنگ اسلامی، 1387 ه.ش

2168) سعد السعود، سید علی بن موسی بن طاوس، یک جلد، انتشارات دار الذخائر قم

2169) شرح احقاق الحق و ازهاق الباطل، سید شهاب الدین، آیت اللّه مرعشی نجفی، منشورات مکتبه آیه اللّه المرعشی النجفی، قم.

2170) شرح المنام، شیخ مفید، یک جلد، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید قم، 1413 ه.ق

2171) صحیفه الرضاعلیه السلام، امام علی بن موسی الرضاعلیه السلام، یک جلد، انتشارات کنگره جهانی امام رضاعلیه السلام، 1406 ه.ق

2172) الصراط المستقیم، علی بن یونس نباطی بیاضی، سه جلد در یک مجلد، کتابخانه حیدریه، نجف، 1384 ه.ق

2173) صفات الشیعه، شیخ صدوق، یک جلد، انتشارات اعلمی تهران

2174) الصوارم المهرقه، قاضی نوراللّه شوشتری، یک جلد، انتشارات چاپخانه نهضت، تهران، 1367 ه.ق

2175) الطرائف، سید علی بن موسی بن طاوس، یک جلد، چاپخانه خیام قم، 1400 ه.ق

2176) عده الداعی، ابن فهد حلی، یک جلد، دارالکتاب الاسلامی، 1407 ه.ق

2177) العدد القویه، رضی الدین علی بن یوسف حلّی، یک جلد، انتشارات کتابخانه آیت اللّه مرعشی قم، 1408 ه.ق

2178) علل الشرائع، شیخ صدوق، یک جلد، انتشارات مکتبه الداوری قم

2179) علی علیه السلام مظهر اسمای حسنای الهی، آیت اللّه جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، 1385 ه.ش.

2180) علی یا علی، مهدی فقیه ایمانی، انتشارات عطر عترت، 1385ه.ش.

2181) العمده، ابن بطریق یحیی بن حسن حلی، یک جلد، انتشارات جامعه مدرسین قم، 1407 ه.ق

2182) عوالی اللّآلی، ابن ابی جمهور احسائی، چهار جلد، انتشارات سید الشهداء (ع) قم، 1405 ه.ق

2183) عیون أخبار الرضاعلیه السلام، شیخ صدوق، 2 جلد در یک مجلد، انتشارات جهان، 1378 ه.ق

2184) الغدیر، عبدالحسین احمد، علّامه امینی، دارالکتاب العربی، بیروت.

2185) غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، یک جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، 1366 ǯش

2186) الغیبه، شیخ طوسی، یک جلد، مؤسسه معارف اسلامی قم، 1411 ه.ق

2187) الغیبه، محمد بن ابراهیم نعمانی، یک جلد، مکتبه الصدوق، تهران، 1397 ه.ق

2188) فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، آیت اللَّه جعفر سبحانی دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

2189) فرحه الغری، سید عبدالکریم بن طاوس، یک جلد، انتشارات رضی قم

2190) فروغ ابدیت، آیت اللَّه جعفر سبحانی، مؤسسه بوستان کتاب.

2191) فرهنگ غدیر، جواد محدثی، نشر معروف، 1384ه.ش.

2192) الفصول المختاره، شیخ مفید، یک جلد، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید قم، 1413 ه.ق

2193) الفضائل، شاذان بن جبرئیل قمی، یک جلد، انتشارات رضی قم، 1363 ه.ش

2194) قرب الاسناد، عبداللَّه بن جعفر حِمیری قمی، یک جلد، انتشارات کتابخانه نینوی، تهران

2195) قصص الانبیاءعلیهم السلام، قطب الدین راوندی، یک جلد، چاپ بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، 1409 ه.ق

2196) القطره، علّامه آیت اللَّه سید احمد مستنبط

2197) الکافئه، شیخ مفید، یک جلد، کنگره شیخ مفید قم، 1413 ه.ق

2198) الکافی، ثقه الاسلام کلینی، هشت جلد، دارالکتب الإسلامیه تهران، 1365 ه.ش

2199) کامل الزیارات، ابن قولویه قمی، یک جلد، انتشارات مرتضویه نجف اشرف، 1356 ه.ق

2200) کتاب المزار، شیخ مفید، یک جلد، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید قم، 1413 ه.ق

2201) کتاب سلیم بن قیس، سلیم بن قیس هلالی کوفی، یک جلد، انتشارات الهادی قم، 1415 ه.ق

2202) کشف الریبه، شهید ثانی، یک جلد، انتشارات مرتضوی، 1390 ه.ق

2203) کشف الغمه، علی بن عیسی إربلی، دو جلد، چاپ مکتبه بنی هاشمی تبریز، 1381 ه.ق

2204) کشف الیقین، علامه حلی حسن بن یوسف، یک جلد، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد، 1411 ه.ق

2205) کفایه الاثر، علی بن محمّد بن علی خرّاز قمی (قرن چهارم ه.ق، یک جلد، انتشارات بیدار قم، 1401 ه.ق

2206) کمال الدین، شیخ صدوق، دو جلد در یک مجلد، دارالکتب الإسلامیه قم، 1395 ه.ق

2207) کنز الفوائد، ابوالفتح کراجکی، دو جلد، انتشارات دارالذخائر قم، 1410 ه.ق

2208) المیزان فی تفسیر القرآن، علّامه سید محمّد حسین طباطبایی، دار الکتب اسلامی، 1389 ه.ق

2209) مائه منقبه، ابن شاذان قمی، یک جلد، چاپ مدرسه الامام المهدی علیه السلام قم، 1407 ه.ق

2210) متشابه القرآن، ابن شهرآشوب مازندرانی، دو جلد در یک مجلد، انتشارات بیدار، 1328 ه.ش

2211) المجتنی، سید علی بن موسی بن طاوس، یک جلد، انتشارات دار الذخائر قم، 1411 ه.ق

2212) مجموعه ورام، ورام بن ابی فراس، دو جلد در یک مجلد، انتشارات مکتبه الفقیه قم

2213) المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، یک جلد، دار الکتب الإسلامیه قم، 1371 ه.ق

2214) مدرسه سبز غدیر، مجید حیدری فر انتشارات زائر، آستانه مقدسه قم، 1386 ه.ش.

2215) مدینه المعاجز، سید هاشم بحرانی، تحقیق: شیخ عزّت اللَّه همدانی، مؤسسه المعارف الاسلامیه.

2216) مسار الشیعه، شیخ مفید، یک جلد، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید قم، 1413 ه.ق

2217) مستدرک الوسائل، محدث نوری، هیجده جلد، مؤسسه آل البیت علیهم السلام قم، 1408 ه.ق

2218) مستطرفات السرائر، محمد بن ادریس حلّی، یک جلد، انتشارات جامعه مدرسین قم، 1411 ه.ق

2219) مشارق الانوار الیقین فی اسرار امیرالمؤمنین علیه السلام، برسی، حافظ رجب، تحقیق: سید علی عاشور، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت.

2220) مشکاه الانوار، ابوالفضل علی بن حسن طبرسی، یک جلد، کتابخانه حیدریه نجف اشرف، 1385 ه.ق

2221) مصادقه الاخوان، شیخ صدوق، یک جلد، چاپ لیتوگرافی کرمانی، قم، 1402 ه.ق

2222) المصباح، ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، یک جلد، انتشارات رضی قم، 1405 ه.ق

2223) مصباح البلاغه، مستدرک نهج البلاغه، میرجهانی طباطبایی.

2224) مصباح المتهجد، شیخ طوسی، یک جلد، مؤسسه فقه الشیعه بیروت، 1411 ه.ق

2225) معانی الاخبار، شیخ صدوق، یک جلد، انتشارات جامعه مدرسین قم، 1361 ه.ش

2226) معجم رجال الحدیث، آیت اللَّه العظمی سید ابوالقاسم خویی، مرکز نشر آثار شیعه، 1410 ه.ق، قم.

2227) مفاتیح الجنان، مرحوم شیخ عباس قمی

2228) مکارم الاخلاق، رضی الدین حسن بن فضل طبرسی، یک جلد، انتشارات شریف رضی قم، 1412 ه.ق

2229) مناقب آل أبی طالب علیه السلام، ابن شهرآشوب مازندرانی، چهار جلد، مؤسسه انتشارات علّامه قم، 1379 ه.ق

2230) منتخب الاثر، آیت اللَّه شیخ لطف اللَّه صافی گلپایگانی

2231) من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، چهار جلد، انتشارات جامعه مدرسین قم، 1413 ه.ق

2232) مواقف الشیعه، علی بن حسینعلی، احمدی میانجی، انتشارات جامعه مدرسین قم

2233) موسوعه امام علی علیه السلام، محمّدی ری شهری، نشر دارالحدیث

2234) موسوعه شهادت معصومین علیهم السلام

2235) موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام، پژوهشکده باقرالعلوم

2236) مهج الدعوات، سید علی بن موسی بن طاوس، یک جلد، انتشارات دارالذخائر قم، 1411 ه.ق

2237) النوادر، سید فضل اللَّه راوندی، یک جلد، مؤسسه دارالکتاب قم

2238) نوادر المعجزات، سعید بن هبه اللَّه الراوندی (متوفی 573 ه.ق)

2239) نهج الحق و کشف الصدق، علامه حلی حسن بن یوسف، یک جلد، مؤسسه دار الهجره قم، 1407 ه.ق

2240) نهج الحیاه: فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام. محمد دشتی، قم: موسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام

2241) نهج السعاده، شیخ باقر بن محمّد بن عبداللَّه

2242) وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، بیست و نه جلد، مؤسسه آل البیت علیهم السلام قم، 1409 ه.ق

2243) وقعه صفین، نصر بن مزاحم بن سیار منقری، یک جلد، انتشارات کتابخانه آیت اللَّه مرعشی قم، 1403 ه.ق

2244) ویژگی های امیرمؤمنان علیه السلام، ترجمه خصائص امیرالمؤمنین نسائی، نجارزادگان، بوستان کتاب، 1386 ه.ش

2245) الیقین، سید علی بن موسی بن طاوس، یک جلد، مؤسسه دارالکتاب قم، 1413 ه.ق

ب: کتب اهل سنّت

2246) اتحاف السائل، محمّد عبدالرؤوف المناوی (متوفی 1031 ه.ق)

2247) الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین عبدالرحمن سیوطی، (متوفی 911 ه.ق)

2248) اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ابن اثیر، (متوفی 630 ه.ق)

2249) الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ابن عبد البرّ القرطبی (متوفی 463 ه.ق)، چاپ بیروت 1422 ه.ق.

2250) تاریخ ابن خلدون، ابن خلدون، مؤسّسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت

2251) تاریخ الخلفاء، عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی (متوفی 911 ه.ق).

2252) تاریخ بغداد، احمد بن علی ابوبکر الخطیب البغدادی چاپ بیروت 1407 ه.ق

2253) تاریخ بغداد أو مدینه السلام، احمد بن علی ابوبکر الخطیب البغدادی (متوفی 463 ه.ق)

2254) تاریخ دمشق، ابن عساکر علی بن حسن بن هبه اللَّه، بیروت 1395 ه.ق

2255) تفسیر البحر المحیط، ابوحیان محمّد بن یوسف اندلسی (متوفی 745 ه.ق)

2256) تفسیر الخازن، علاء الدین علی بن محمّد بن ابراهیم بغدادی

2257) تفسیر القرآن العظیم، ابوالفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی الدمشقی (متوفی 774 ه.ق)

2258) تفسیر الکشف والبیان، ابواسحاق احمد بن محمّد بن ابراهیم الثعالبی النیشابوری

2259) تفسیر المحرّر الوجیز، ابو عبدالحق بن غالب الاندلسی (متوفی 542 ه.ق)

2260) تفسیر المنار، محمّد رشید رضا (متوفی 1354 ه.ق)، بیروت دارالمعرفه.

2261) تفسیر روح البیان، اسماعیل حقی بن مصطفی الاستانبولی الحنفی الخلوتی

2262) تفسیر روح المعانی، شهاب الدین محمود بن عبداللَّه الحسینی آلوسی (متوفی 1270 ه.ق)

2263) تفسیر فخر رازی، محمّد بن عمر بن الحسن بن الحسین التیمی الرازی (متوفی 606 ه.ق)

2264) جامع الاحادیث، جلال الدین سیوطی (متوفی 911 ه.ق)

2265) الجامع الصحیح (صحیح بخاری)، محمّد بن اسماعیل بن ابراهیم بن المغیره البخاری (متوفی 256 ه.ق)

2266) الدرّ المنثور فی تفسیر بالمأثور، جلال الدین سیوطی (متوفی 911 ه.ق)، چاپ دارالمعرفه، بیروت 1404 ه.ق

2267) ذخائر العقبی، محبّ الدین احمد بن عبداللّه طبری

2268) الریاض النضره، المحب الطبری چاپ بیروت 1424 ه.ق

2269) السنن الکبری، الامام ابی عبدالرحمن الحمد بن شعیب نسائی (متوفی 303 ه.ق)

2270) السنن الکبری بیهقی، ابوبکر احمد بن الحسین علی البیهقی (متوفی 458 ه.ق)

2271) السنن ترمذی، ابوعیسی محمّد بن عیسی بن سوره (متوفی 297 ه.ق)، چاپ بیروت 1377 ه.ق

2272) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید معتزلی، بیست جلد در ده مجلد، کتابخانه آیت اللّه مرعشی قم، 1404 ه.ق

2273) شعب الایمان، ابوبکر احمد بن الحسین البیهقی (متوفی 458 ه.ق)

2274) شواهد التنزیل، حاکم حسکانی، دو جلد، مؤسسه چاپ و نشر، 1411 ه.ق

2275) صحیح بخاری، بشرح الکرمانی، محمّد بن اسماعیل، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

2276) صحیح بخاری، محمّد بن اسماعیل بن ابراهیم بن المغیره البخاری (متوفی 256 ه.ق)، چاپ مصر، 1330 ه.ق

2277) صحیح مسلم، مسلم بن الحجاج ابوالحسن القشیری النیشابوری (متوفی 261 ه.ق)

2278) الصواعق المحرقه، شهاب الدین احمد بن حجر هیثمی (متوفی 974 ه.ق) چاپ قاهره 1314 ه.ق

2279) الفردوس بمأثور الخطاب، ابوشجاع شیرویه بن شهردار دیلمی (متوفی 509 ه.ق)، چاپ بیروت 1406 ه.ق.

2280) عقیده أهل السنّه و الجماعه، ناصر بن علی بن حسن الشیخ

2281) عمده القاری شرح صحیح البخاری، بدرالدین العیینی الحنفی

2282) فتح الباری شرح صحیح البخاری، ابن حجر عسقلانی الشافعی (متوفی 852 ه.ق)، چاپ بیروت 1379 ه.ق

2283) فرائد السمطین، ابراهیم بن محمّد بن مؤید جوینی (متوفی 730 ه.ق)، چاپ بیروت 1398 ه.ق.

2284) فیض القدیر، محمّد عبدالرؤوف المناوی (متوفی 1031 ه.ق)، چاپ بیروت 1422 ه.ق

2285) الکامل فی التأریخ، عزّ الدین ابوالحسن علی بن ابی کرم شیبانی، ابن اثیر (متوفّی 630 ه.ق) چاپ بیروت

2286) کشف الخفا، اسماعیل بن محمّد بن عبدالهادی العجلونی الدمشقی ابوالفداء (متوفی 1162 ه.ق)

2287) کنز العمّال فی سنن الاقوال والافعال، علاء الدین علی متقی بن حسام الدین هندی (متوفی 975 ه.ق)، بیروت، مکتبه التراث الاسلام.

2288) لسان المیزان، احمد بن علی بن حجر ابوالفضل العسقلانی الشافعی (متوفی 852 ه.ق). بیروت 1407 ه.ق.

2289) لوامع الانوار البهیه، شمس الدین ابوالعون محمّد بن احمد بن سالم الحنبلی (متوفی 1188 ه.ق).

2290) المحاسن و المساوی، بیهقی، چاپ بیروت 1390 ه.ق

2291) مختصر تاریخ دمشق، محمّد بن مکرم ابن منظور (متوفی 711 ه.ق) چاپ دمشق، 1409 ه.ق

2292) المستدرک علی الصحیحین، محمّد بن عبداللَّه ابوعبداللَّه الحاکم نیشابوری، بیروت 1398 ه.ق

2293) مسند أحمد، ابوعبداللَّه احمد بن محمّد بن حنبل (متوفی 241 ه.ق)

2294) معالم التنزیل، ابومحمّد الحسین بن مسعود البغوی (متوفی 510 ه.ق)

2295) المعجم الاوسط، ابوالقاسم سلیمان بن احمد الطبرانی (متوفی 360 ه.ق)، بیروت دار احیاء التراث العربی

2296) المعجم الکبیر، ابوالقاسم سلیمان بن احمد الطبرانی (متوفای 360 ه.ق)، بیروت دار احیاء التراث العربی

2297) مناقب الاسد الغالب، شمس الدین محمّد بن محمّد، ابن الجزری (متوفی 833 ه.ق)

2298) مناقب المرتضویه، سید محمّد صالح حنفی

2299) مناقب خوارزمی، موفق بن احمد بن محمّد مکّی خوارزمی، متوفای 568 ه.ق.

2300) مناقب علی بن ابی طالب، ابن مغازلی شافعی، (متوفی 483 ه.ق)

2301) المواقف، عضد الدین عبدالرحمن بن احمد الایجی، دارالجیل بیروت

2302) مودّه القربی، سید علی بن شهاب الدین همدانی علوی حسینی شافعی

2303) ميزان الاعتدال، شمس الدين ابوعبداللّه محمّد بن احمد بن عثمان بن فايماز الذهبى (متوفى 748 ه.ق)

2304) ينابيع المودّه، سليمان بن ابراهيم قندوزى حنفى (متوفى 1294 ه.ق)

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109